

رساله حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای

احکام تقلید :

- راههای سه گانه: احتیاط، اجتهاد، تقلید

س 1: آیا تقلید، صرفاً یک مسأله عقلی است یا ادله شرعی نیز دارد؟
تقلید، ادله شرعی دارد و عقل نیز حکم می‌کند که شخص نا آگاه به احکام دین باید به مجتهد جامع الشرایط مراجعه کند.

س 2: به نظر شریف حضرتعالی، عمل به احتیاط بهتر است یا تقلید؟
چون عمل به احتیاط مستلزم شناسائی موارد و چگونگی احتیاط و صرف وقت بیشتر است، بهتر آن است که مکلف در احکام دین از مجتهد جامع‌الشرایط تقلید کند.

س 3: قلمرو احتیاط در احکام دین در بین فتاوی فقها چه اندازه است؟ آیا رعایت آرای فقیهان گذشته نیز لازم است؟

مراد از احتیاط در موارد آن، رعایت همه احتمالات فقهی است؛ به طوری که مکلف مطمئن شود که به وظیفه خود عمل کرده است.

س 4: دخترم بزودی به سن تکلیف می‌رسد و باید برای خود مرجع تقلیدی انتخاب کند، اما درک مسأله تقلید برای او دشوار است، وظیفه ما نسبت به او چیست؟

اگر وی به تنهایی نمی‌تواند وظیفه شرعی خود را در این باره تشخیص دهد، وظیفه شما ارشاد و راهنمایی اوست.

س 5: نزد فقها معروف است که تشخیص موضوعات احکام به عهده خود مکلف است و وظیفه مجتهد تشخیص حکم است، ولی در عین حال مجتهدین در بسیاری موارد، در تشخیص موضوعات احکام نیز اظهار نظر می‌کنند، آیا متابعت از نظر مجتهد در موضوع نیز واجب است؟
تشخیص موضوع، موکول به نظر خود مکلف است و متابعت از مجتهد در تشخیص موضوع واجب نیست، مگر آنکه به آن تشخیص اطمینان پیدا کند و یا موضوع از موضوعاتی باشد که تشخیص آن نیاز به استنباط دارد.

س 6: آیا کسی که در آموختن احکام دینی مورد نیاز خود کوتاهی می‌کند، گناهکار است؟

اگر نیاموختن احکام به ترک واجب یا ارتکاب حرام بیانجامد، گناهکار است.

س 7: گاهی از افراد کم اطلاع از مسائل دینی درباره مرجع تقلید شان پرسش می‌شود، می‌گویند نمی‌دانیم، یا اظهار می‌دارند که از فلان مجتهد تقلید می‌کنیم، ولی عملاً التزامی به خواندن رساله آن مجتهد و عمل به فتاوی او ندارند، اعمال این گونه افراد چه حکمی دارد؟

اگر اعمال آنان موافق احتیاط یا مطابق با واقع یا با نظر مجتهدی باشد که وظیفه دارند از او تقلید کنند، محکوم به صحت است.

س 8: با توجه به اینکه در مسائلی که مجتهد اعلم قائل به وجوب احتیاط است، می‌توانیم به مجتهد اعلم بعد از وی مراجعه کنیم، اگر اعلم بعد از او نیز قائل به وجوب احتیاط در مسأله باشد، آیا رجوع به اعلم بعد از او جایز است؟ و اگر فتوای مجتهد سوم هم همانگونه بود، آیا می‌توان به اعلم بعد از آنان مراجعه کرد؟ و همینطور...، لطفاً این مسأله را توضیح دهید.

در مسائلي که مجتهد اعلم فتوا ندارد، رجوع به مجتهدی که در آن مسأله احتیاط نکرده است و فتوای صریح دارد، با رعایت ترتیب الاعلم فالاعلم، اشکال ندارد.

شروط تقلید

س 9: آیا تقلید از مجتهدی که متصدی مقام مرجعیت نبوده و رساله عملیه هم ندارد، جایز است؟ در صحت تقلید از مجتهد جامع الشرائط، تصدی مرجعیت یا داشتن رساله عملیه شرط نیست، لذا اگر برای مکلفی که قصد تقلید از او را دارد، ثابت شود که وی مجتهد جامع الشرائط است، تقلید اشکال ندارد.

س 10: آیا تقلید از کسی که در یکی از ابواب فقه مثل نماز و روزه به درجه اجتهاد رسیده، جایز است؟

فتوای مجتهد متجزی که تنها در برخی ابواب فقهی دارای فتوا و نظر اجتهادی است برای خودش حجت است، ولی جواز تقلید دیگران از او محل اشکال است؛ اگر چه جواز آن بعید نیست.

س 11: آیا تقلید از علمای کشورهای دیگر که دسترسی به آنان امکان ندارد، جایز است؟ در تقلید از مجتهد جامع الشرائط شرط نیست که مجتهد اهل کشور مکلف و یا ساکن در محل سکونت او باشد.

س 12: آیا عدالت معتبر در مجتهد و مرجع تقلید با عدالت معتبر در امام جماعت از حیث شدت و ضعف تفاوت دارد؟

با توجه به حساسیت و اهمیت منصب مرجعیت در فتوا، بنا بر احتیاط واجب، شرط است که مجتهد مرجع تقلید علاوه بر عدالت، قدرت تسلط بر نفس سرکش را داشته و حرص به دنیا نداشته باشد.

س 13: این که گفته می‌شود باید از مجتهدی تقلید نمود که عادل باشد، مقصود از عادل چه کسی است؟

عادل کسی است که پرهیزگاری او به حدی رسیده باشد که از روی عمد مرتکب گناه نشود.

س 14: آیا اطلاع از اوضاع زمان و مکان از شرایط اجتهاد است؟

ممکن است این شرط در بعضی از مسائل دخیل باشد.

س 15: بنا بر نظر حضرت امام راحل **♦ قدس سره ♦** مرجع تقلید باید علاوه بر علم به احکام عبادات و معاملات، نسبت به همه امور سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و رهبری، عالم و آگاه باشد. ما در گذشته مقلد حضرت امام بودیم، بع د از رحلت ایشان با راهنمایی تعدادی از علما و تشخیص خودمان لازم دانستیم به جنابعالی رجوع نموده و از شما تقلید کنیم تا بین مرجعیت و رهبری جمع کرده باشیم، نظر شما در این مورد چیست؟

شرایط صلاحیت مرجعیت تقلید، در تحریر الوسیله و رساله‌های دیگر به تفصیل ذکر شده است، و تشخیص فرد شایسته تقلید موکول به نظر خود مکلف است.

س 16: آیا در تقلید، اعلمیت مرجع شرط است یا خیر؟ معیار و ملاک اعلمیت چیست؟

در مسائلي که فتوای اعلم با فتوای غیر اعلم اختلاف دارد، احتیاط آن است که از اعلم تقلید کند و ملاک اعلمیت این است که آن مرجع نسبت به سایر مراجع قدرت بیشتری بر شناخت حکم الهی داشته باشد و بهتر بتواند احکام شرعیه را از ادله استنباط کند و همچنین نسبت به اوضاع زمان خود به مقداری که در تشخیص موضوعات احکام و ابراز نظر فقهی مؤثر است، آگاه‌تر باشد.

س 17: آیا تقلید کسی که از جهت احتمال عدم وجود شرایط معتبر تقلید در مجتهد اعلم، از مجتهد غیر اعلم تقلید کرده است، محکوم به بطلان است؟
بنابر احتیاط، تقلید از غیر اعلم در مسائل مورد اختلاف، به مجرد احتمال عدم وجود شرایط معتبر در اعلم، جایز نیست.

س 18: اگر ثابت شود که تعدادی از علما در بعضی از مسائل اعلم هستند، یعنی هر کدام از آنان در مسأله معینی اعلم باشند، آیا تقلید از هر یک از آنان جایز است؟
تبعیض در تقلید اشکال ندارد و اگر اعلمیّت هر یک از آنان در مسائلی که مکلف بنا دارد در آن مسائل از او تقلید کند محرز شود، بنا بر احتیاط، تبعیض در تقلید در صورت اختلاف فتوا در مسائل مورد نیاز مقلّد، واجب است.

س 19: آیا با وجود اعلم، تقلید از غیر اعلم جایز است؟
در مسائلی که فتوای غیر اعلم مخالف فتوای اعلم نباشد، رجوع به غیر اعلم اشکال ندارد.
س 20: نظر جنابعالی در اشتراط اعلمیّت مرجع تقلید چیست و دلیل آن کدام است؟
در صورت تعدد فقهای جامع شرایط و اختلاف آنان در فتوا، بنا بر احتیاط واجب، مکلف باید از اعلم تقلید نماید، مگر آنکه احراز شود که فتوای وی مخالف احتیاط است و فتوای غیر اعلم موافق با احتیاط. و دلیل وجوب تقلید از اعلم بنای عقلاء و حکم عقل است، زیرا که اعتبار فتوای اعلم برای مقلد یقینی و اعتبار قول غیر اعلم احتمالی است.

س 21: از چه کسی باید تقلید کنیم؟
از مجتهدی که جامع شرایط فتوا و مرجعیّت است، و بنابر احتیاط باید اعلم هم باشد.
س 22: آیا تقلید ابتدائی از میّت جایز است؟
در تقلید ابتدائی، احتیاط در تقلید از مجتهد زنده و اعلم نباید ترک شود.
س 23: آیا تقلید ابتدائی از مجتهد میّت، متوقف بر تقلید از مجتهد زنده است؟
تقلید ابتدائی از مجتهد میّت یا بقاء بر تقلید او باید به تقلید از مجتهد زنده و اعلم باشد.
راههای اثبات اجتهاد، اعلمیّت و به دست آوردن فتوی

س 24: بعد از احراز صلاحیت مجتهدی برای مرجعیّت تقلید بوسیله شهادت دو فرد عادل، آیا لازم است در این باره از اشخاص دیگر نیز تحقیق کنم؟
شهادت دو فرد عادل و اهل خبره بر صلاحیت و جامع شرایط بودن مجتهد برای جواز تقلید از او کافی است و تحقیق از افراد دیگر لازم نیست.
س 25: راههای انتخاب مرجع و به دست آوردن فتوا کدام است؟
احراز اجتهاد و اعلمیّت مرجع تقلید بوسیله امتحان یا تحصیل یقین ولو از شهرت مفید علم یا اطمینان، یا با شهادت دو نفر عادل از اهل خبره صورت می‌گیرد.
راههای به دست آوردن فتوای مجتهد عبارتند از:

- شنیدن از خود مجتهد
- شنیدن از دو یا یک فرد عادل
- شنیدن از یک نفر مورد اطمینان
- دیدن در رساله مجتهد، در صورتی که رساله وی مصون از اشتباه باشد.

س 26: آیا وکالت در انتخاب مرجع مثل وکالت پدر برای پسر و معلم برای شاگرد صحیح است؟ اگر مراد از وکالت، سپردن وظیفه تحقیق و جستجو برای یافتن مجتهد جامع الشرائط به پدر، معلم، مربی و یا غیر آنان باشد، اشکال ندارد و نظرشان در این مورد اگر مفید علم یا اطمینان و یا واجد شرایط بینه و شهادت باشد، از نظر شرعی معتبر و حجت است.

س 27: از تعدادی از علماء که خود مجتهد بودند، راجع به فرد اعلم سؤال شد. فرمودند که رجوع به فلان مجتهد دامت افاضاته باعث برائت ذمه می‌گردد. آیا با آنکه شخصا اطلاع از اعلمیت آن مجتهد ندارم و یا در این باره شک دارم و یا اطمینان دارم که اعلم نیست، زیرا افراد دیگری که با دلیل و بینه مشابه اعلمیت آنان ثابت شده است، وجود دارند، می‌توانم به گفته آنان اعتماد کرده و از آن مجتهد تقلید کنم؟

اگر بینه شرعی بر اعلمیت مجتهد جامع الشرائط اقامه شود، تا زمانی که بینه شرعی دیگری که معارض آن باشد پیدا نشود، آن بینه حجت شرعی است و به آن اعتماد می‌شود، اگر چه موجب حصول علم یا اطمینان نباشد، در این صورت جستجو از بینه معارض و احراز عدم وجود آن لازم نیست. س 28: آیا جایز است کسی که اجازه از مجتهد ندارد و در بعضی از موارد مرتکب اشتباه در نقل فتوا و احکام شرعی شده است، متصدی نقل فتوای مجتهد و بیان احکام شرعی شود؟ وظیفه ما در صورتی که این شخص احکام را از روی رساله عملیه نقل می‌کند، چیست؟

در تصدی نقل فتوای مجتهد و بیان احکام شرعی، اجازه داشتن شرط نیست، ولی کسی که دچار خطا و اشتباه می‌شود، جایز نیست متصدی این کار شود و اگر در موردی اشتباه کرد، چنانچه متوجه اشتباه خود شد، بر او واجب است شنونده را از آن اشتباه آگاه نماید. به هر حال، بر مستمع جایز نیست تا اطمینان به صحت گفتار گوینده پیدا نکرده، به نقل او عمل کند.

عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر

س 29: تا به حال در بقاء بر تقلید از میّت، به اجازه مجتهد غیر اعلم عمل می‌کردیم. اگر اجازه مجتهد اعلم شرط بقاء بر تقلید از میّت است، آیا عدول به اعلم و طلب اجازه او برای بقاء بر میّت بر ما واجب است؟

اگر فتوای غیر اعلم موافق با فتوای اعلم در این مسأله باشد، عمل به فتوای غیر اعلم اشکال ندارد و نیازی به عدول به اعلم نیست.

س 30: آیا در عدول از یکی از فتاوی امام خمینی **قدس سره** واجب است به فتوای مجتهدی که از او برای بقاء بر تقلید میّت اجازه گرفته‌ام، رجوع کنم یا آنکه به فتوای سایر مجتهدین هم می‌شود عمل کرد؟

احتیاط در رجوع به فتاوی همان مجتهد است، مگر آنکه مجتهد زنده دیگر اعلم از آن مجتهد و فتوای او در مسأله مورد عدول مخالف فتوای مجتهد اول باشد، که احتیاط واجب در این صورت، رجوع به مجتهد اعلم است.

س 31: آیا عدول از اعلم به غیر اعلم جایز است؟

احتیاط واجب، عدم عدول از مجتهد زنده به مجتهد زنده دیگر است، مخصوصاً در صورتی که مرجع تقلید اول اعلم باشد.

س 32: جواني هستم ملتزم به احكام شرعي، در گذشته قبل از رسيدن به سن تكليف مقلد حضرت امام (ره) بودم، ولي اين تقليد مبتني بر بينه شرعي نبود بلکه بر اين اساس بود که تقليد از امام سبب برائت ذمه مي‌گردد. بعد از مدتي به مرجع ديگري عدول کردم، در حالي که اين عدول هم صحيح نبود و بعد از درگذشت آن مرجع، به جنابعلي عدول کردم. لطفا حکم تقليدم از آن مرجع و حکم اعمالم در آن مدت و تکليف فعلي‌ام را بيان فرمائيد.

آن دسته از اعمال شما که بر اساس فتواي امام **❖** قدس سره **❖**، چه در حال حيات با برکت وي و چه بعد از رحلت ايشان، بنا بر بقاء بر تقليد از امام **❖** قدس سره **❖** انجام گرفته، محکوم به صحت است. ولي اعمايي که به تقليد غير منطبق با موازين شرعي از مرجع ديگري انجام يافته، اگر منطبق با فتواي کسي که هم اکنون بايد از او تقليد کنيد، باشد، محکوم به صحت و موجب برائت ذمه است، و الاً قضاي آنها بر شما واجب است. در حال حاضر شما بين بقاء بر تقليد از امام راحل طاب ثراه و بين عدول به کسي که بر اساس موازين شرعي او را شايسته تقليد مي‌دانيد، مخير هستيد. بقاء بر تقليد ميت

س 33: شخصي که مقلد امام رحمة‌اله عليه بوده، پس از ارتحال ايشان از مرجع معين تقليد نموده است. در حال حاضر مي‌خواهد دوباره از امام تقليد نمايد. آيا اين تقليد جايز است؟ رجوع از مجتهد زنده جامع الشرايط به مجتهد ميت بنا بر احتياط، جايز نيست. ولي اگر مجتهد زنده در زمان عدول به او واجد شرايط نبوده است، عدول به او از همان ابتدا باطل بوده، و اين فرد در حال حاضر اختيار دارد که همچنان بر تقليد امام(ره) باقي بماند و يا به مجتهد زنده‌اي که تقليدش جايز است، عدول کند.

س 34: من در زمان حيات امام خميني (ره) به سن تکليف رسيده و در بعضي از احكام از ايشان تقليد کردم، در حالي که مسأله تقليد بخوبي براي من معلوم نبود، اکنون چه تکليفي دارم؟ اگر در اعمال عبادي و غير عبادي در زمان حيات امام (ره) به فتاواي ايشان عمل نموده‌ايد، و عملاً مقلد ايشان، هر چند در بعضي از احكام، بوده‌ايد، در حال حاضر بقاء بر تقليد حضرت امام (ره) در همه مسائل براي شما جايز است.

س 35: حکم بقاء بر تقليد ميت اگر اعلم باشد، چيست؟ بقاء بر تقليد ميت در هر صورت جايز است. ولي سزاوار است که احتياط در بقاء بر تقليد ميت اعلم ترک نشود.

س 36: آيا در بقاء بر تقليد ميت، اجازه از مجتهد اعلم معتبر است و يا اجازه هر مجتهدي کافي است؟

در جواز بقاء بر تقليد ميت، در صورتي که مورد اتفاق فقها باشد، اجازه از اعلم واجب نيست.

س 37: شخصي که از امام راحل **❖** قدس سره **❖** تقليد مي‌کرده و بعد از رحلت ايشان در بعضي از مسائل از مجتهد ديگري تقليد کرده است، اکنون آن مجتهد نيز وفات نموده است، اين شخص چه تکليفي دارد؟

می‌تواند مانند گذشته، بر تقلید از امام **❖** قدس سره **❖**، در مسائلی که از ایشان عدول نکرده، باقی بماند. همچنان که مخیر است در مسائلی که عدول نموده بر فتوای مجتهد دوم باقی بماند و یا به مجتهد زنده عدول کند.

س 38: بعد از وفات امام راحل **❖** قدس سره **❖** گمان می‌کردم که بنا بر فتوای ایشان بقاء بر تقلید میّت جایز نیست، لذا مجتهد زنده دیگری را برای تقلید انتخاب کردم. آیا می‌توانم بار دیگر به تقلید از امام راحل رجوع کنم؟

رجوع به تقلید از امام **❖** قدس سره **❖** بعد از عدول از ایشان به مجتهد زنده در مسائلی که عدول نموده‌اید، جایز نیست، مگر این که فتوای مجتهد زنده، وجوب بقاء بر تقلید میّت اعلم باشد، و شما معتقد باشید که امام (ره) نسبت به مجتهد زنده اعلم است، که در این صورت بقاء بر تقلید امام (ره) واجب است.

س 39: آیا جایز است که در یک مسأله با وجود اختلاف در فتوا گاهی به فتوای مجتهد میّت رجوع کنم و گاهی به فتوای مجتهد زنده اعلم؟
بقاء بر تقلید میّت تا زمانی که به مجتهد زنده عدول نشده، جایز است و پس از عدول، رجوع مجدد به میّت جایز نیست.

س 40: آیا بر مقلدین امام راحل **❖** قدس سره **❖** و کسانی که قصد بقاء بر تقلید از ایشان را دارند، اجازه گرفتن از یکی از مراجع زنده واجب است؟ یا این که اتفاق اکثر مراجع و علمای اسلام بر جواز بقاء بر میّت کافی است؟

با فرض اتفاق علما، مبنی بر جواز بقاء بر تقلید از میّت، بقاء بر تقلید امام (ره) جایز است و در این مورد نیازی به رجوع به مجتهد معینی نیست.

س 41: نظر شریف جنابعالی راجع به بقاء بر تقلید از میّت در مسأله‌ای که مکلف در حال حیات مرجع به آن عمل کرده و یا نکرده، چیست؟
بقاء بر تقلید میّت در همه مسائل حتی در مسائلی که تاکنون مکلف به آنها عمل نکرده است، جایز و مجزی است.

س 42: بنا بر جواز بقاء بر تقلید از میّت، آیا این حکم شامل اشخاصی که در زمان حیات مجتهد مکلف نبوده ولی به فتاوای آن مرجع عمل کرده‌اند، هم می‌شود؟

اگر تقلید شخص غیربالغ از مجتهد جامع الشرائط به نحو صحیح محقق شده باشد، باقی ماندن بر تقلید همان مجتهد بعد از فوتش جایز است.

س 43: ما از مقلدین امام خمینی **❖** قدس سره **❖** هستیم که بعد از رحلت جانشوز ایشان بر تقلید وی باقی مانده‌ایم. ولی چون در شرايط دشوار فعلی که ملت مسلمان با استکبار جهانی درگیر است، با مسائل شرعی تازه‌ای روبرو می‌شویم و احساس می‌کنیم باید به حضرتعالی رجوع نمائیم و از شما تقلید کنیم، آیا این کار برای ما جایز است؟

بقاء بر تقلید از امام **❖** قدس سره **❖** برای شما جایز است و فعلاً نیازی به عدول از تقلید ایشان ندارید، در صورت نیاز به استعلام حکم شرعی در مسائل مستحدثه، می‌توانید با دفتر ما مکاتبه نمائید.

س 44: وظیفه مقلد در قبال مرجع تقلید خود در صورتی که اعلمیت مرجع دیگری را احراز نماید، چیست؟

بنا بر احتیاط، واجب است در مسائلی که فتوای مرجع فعلی با فتوای مرجع اعلم اختلاف دارد، به مرجع اعلم عدول نماید.

س 45: 1 - در چه صورتی جایز است، مقلد از مرجع تقلیدش عدول کند؟
- آیا عدول از اعلم به غیر اعلم در مواردی که فتوای مرجع اعلم منطبق با زمان نباشد و یا عمل به آن بسیار دشوار باشد، جایز است؟

- عدول از مرجع تقلید زنده به مجتهد دیگر، جایز نیست علی الاحوط، مگر در صورتی که مرجع دوم اعلم از مرجع اول و فتوای او در مسأله‌ای مخالف فتوای مجتهد اول باشد.

- تنها گمان به ناهماهنگی فتوای مرجع تقلید با زمان و شرایط حاکم بر آن و یا دشواری عمل به فتوای او، سبب جواز عدول از مجتهد اعلم به مجتهد دیگر نمی‌شود.

مسائل متفرقه تقلید

س 46: مراد از جاهل مقصر چه کسی است؟

جاهل مقصر به کسی گفته می‌شود که متوجه جهل خود بوده و راههای رفع جهالت خود را هم می‌داند، ولی در آموختن احکام کوتاهی می‌کند.

س 47: جاهل قاصر کیست؟

جاهل قاصر کسی است که اصلاً متوجه جهل خود نیست و یا راهی برای برطرف کردن جهل خود ندارد.

س 48: احتیاط واجب چه معنایی دارد؟

یعنی وجوب انجام یا ترک فعلی از باب احتیاط.

س 49: آیا عبارت «فیه اشکال» که در بعضی از فتوای ذکر می‌شود، دلالت بر حرمت دارد؟

بر حسب اختلاف موارد، معنای آن فرق می‌کند. اگر اشکال در جواز باشد دلالت بر حرمت در مقام عمل دارد.

س 50: عبارتهای «فیه اشکال»، «مشکل»، «لابخلو من اشکال»، «لا اشکال فیه» فتواست یا احتیاط؟

همه این عبارتها دلالت بر احتیاط دارند، مگر عبارت «لا اشکال فیه» که فتوی است.

س 51: فرق بین جایز نبودن و حرام چیست؟

در مقام عمل بین آنها فرقی نیست.

مرجعیت و رهبری

س 52: در صورت تعارض فتوای ولی امر مسلمین با فتوای مرجعی در مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وظیفه شرعی مسلمانان چیست؟ آیا معیاری برای تفکیک احکام صادره از طرف مراجع تقلید و ولی فقیه وجود دارد؟ مثلاً اگر نظر مرجع تقلید با نظر ولی فقیه در مسأله موسیقی اختلاف داشته باشد، متابعت از کدامیک از آنان واجب و مجزی است؟ به طور کلی احکام حکومتی که در آن نظر ولی فقیه بر فتوای مراجع تقلید برتری دارد، کدام است؟

در مسائل مربوط به اداره کشور اسلامی و اموری که به عموم مسلمانان ارتباط دارد، نظر ولی امر مسلمین باید اطاعت شود. ولی در مسائل فردی محض، هر مکلفی باید از فتوای مرجع تقلیدش پیروی نماید.

س 53: همانگونه که مطلع هستید در اصول فقه از مسأله‌ای تحت عنوان ❖ اجتهاد متجزی ❖ بحث می‌شود، آیا اقدام امام خمینی ❖ قدس سره ❖ در تفکیک مرجعیت و رهبری، گامی در تحقق تجزی در اجتهاد محسوب نمی‌شود؟

تفکیک بین رهبری ولی فقیه و مرجعیت تقلید، ربطی به مسأله تجزی در اجتهاد ندارد.

س 54: اگر مقلد یکی از مراجع باشم و در این حال ولی امر مسلمین اعلان جنگ یا جهاد بر ضد کفار ظالم نماید و مرجع تقلید من اجازه شرکت در جنگ را ندهد، آیا ملزم به رعایت نظر وی هستم؟ در مسائل عمومی جامعه اسلامی که یکی از آنها دفاع از اسلام و مسلمین بر ضد کفار و مستکبران متجاوز است، اطاعت از حکم ولی امر مسلمین واجب است.

س 55: حکم یا فتوای ولی امر مسلمانان تا چه حد قابل اجرا می‌باشد؟ و در صورت تعارض با رأی مرجع تقلید اعلم، کدامیک مقدم است؟

اطاعت از حکم ولی فقیه بر همگان واجب است و فتوای مرجع تقلید نمی‌تواند با آن معارضه کند. ولایت فقیه و حکم حاکم

س 56: آیا اعتقاد به اصل ولایت فقیه از جهت مفهوم و مصداق یک امر عقلی است یا شرعی؟ ولایت فقیه که عبارت است از حکومت فقیه عادل و دین‌شناس حکم شرعی تعبدی است که مورد تأیید عقل نیز می‌باشد، و در تعیین مصداق آن روش عقلانی وجود دارد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است.

س 57: آیا احکام شرعی در صورتی که ولی امر مسلمین به دلیل مصالح عمومی مسلمانان، بر خلاف آنها حکم نماید، قابل تغییر و تعطیل است؟ موارد این مسأله مختلف است.

س 58: آیا رسانه‌های گروهی در نظام حکومت اسلامی باید تحت نظارت ولی فقیه یا حوزه‌های علمیه و یا نهاد دیگری باشند؟

اداره رسانه‌های گروهی باید تحت امر و اشراف ولی امر مسلمین باشد و در جهت خدمت به اسلام و مسلمین و نشر معارف ارزشمند الهی به کار گمارده شود، و نیز در جهت پیشرفت فکری جامعه اسلامی و حل مشکلات آن و اتحاد مسلمانان و گسترش اخوت و برادری در میان مسلمین و امثال اینگونه امور از آن استفاده شود.

س 59: آیا کسی که اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه ندارد، مسلمان حقیقی محسوب می‌شود؟ عدم اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه، اعم از این که بر اثر اجتهاد باشد یا تقلید، در عصر غیبت حضرت حجت ❖ ارواحنا فداه ❖ موجب ارتداد و خروج از دین اسلام نمی‌شود.

س 60: آیا ولی فقیه ولایت تکوینی دارد که بر اساس آن بتواند احکام دینی را به هر دلیلی مانند مصلحت عمومی، نسخ نماید؟

بعد از وفات پیامبر اکرم ﷺ صلی الله علیه و آله امکان نسخ احکام دین اسلام وجود ندارد، و تغییر موضوع یا پیدایش حالت ضرورت و اضطرار یا وجود مانع موقتی برای اجرای حکم، نسخ محسوب نمی‌شود، و ولایت تکوینی، اختصاص به معصومین ﷺ علیهم السلام دارد.

س 61: وظیفه ما در برابر کسانی که اعتقادی به ولایت فقیه جز در امور حسبه ندارند، با توجه به اینکه بعضی از نمایندگان آنان این دیدگاه را ترویج می‌کنند، چیست؟
ولایت فقیه در رهبری جامعه اسلامی و اداره امور اجتماعی ملت اسلامی در هر عصر و زمان از ارکان مذهب حقّه اثنی‌عشری است که ریشه در اصل امامت دارد، اگر کسی به نظر خود بر اساس استدلال و برهان به عدم لزوم اعتقاد به آن رسیده باشد، معذور است، ولی ترویج اختلاف و تفرقه بین مسلمانان برای او جایز نیست.

س 62: آیا اوامر ولی فقیه برای همه مسلمانان الزام آور است یا فقط مقلدین او ملزم به اطاعت هستند؟ آیا بر کسی که مقلد مرجعی است که اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه ندارد، اطاعت از ولی فقیه واجب است یا خیر؟

بر اساس مذهب شیعه همه مسلمانان باید از اوامر ولایتی ولی فقیه اطاعت نموده و تسلیم امر و نهي او باشند، و این حکم شامل فقهای عظام هم می‌شود، چه رسد به مقلدین آنان. به نظر ما التزام به ولایت فقیه قابل تفکیک از التزام به اسلام و ولایت ائمه معصومین (ع) نیست.

س 63: کلمه ولایت مطلقه در عصر پیامبر اکرم ﷺ صلی الله علیه و آله به این معنی استعمال شده است که اگر رسول اکرم ﷺ صلی الله علیه و آله شخصی را به انجام کاری امر کنند، انجام آن حتی اگر از سخت‌ترین کارها هم باشد بر آن فرد واجب است، به طور مثال اگر پیامبر ﷺ صلی الله علیه و آله به کسی دستور خودکشی بدهند. آن فرد باید خود را به قتل برساند. سؤال این است که آیا ولایت فقیه در عصر ما با توجه به این که پیامبر اکرم ﷺ صلی الله علیه و آله معصوم بودند و در این زمان ولی معصوم وجود ندارد، به همان معنای عصر پیامبر ﷺ صلی الله علیه و آله است؟
مراد از ولایت مطلقه فقیه جامع شرایط این است که دین حنیف اسلام که آخرین دین آسمانی است و تا روز قیامت استمرار دارد دین حکومت و اداره امور جامعه است، لذا همه طبقات جامعه اسلامی ناگزیر از داشتن ولی امر و حاکم و رهبر هستند تا امت اسلامی را از شر دشمنان اسلام و مسلمین حفظ نماید، و از نظام جامعه اسلامی پاسداری نموده و عدالت را در آن برقرار و از ظلم و تعدی قوی بر ضعیف جلوگیری نماید، و وسائل پیشرفت و شکوفائی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را تأمین کند. این کار در مرحله اجرا ممکن است با مطامع و منافع و آزادی بعضی از اشخاص منافات داشته باشد، حاکم مسلمانان پس از این که وظیفه خطیر رهبری را طبق موازین شرعی به عهده گرفت، باید در هر مورد که لازم بداند تصمیمات مقتضی بر اساس فقه اسلامی اتخاذ کند و دستورات لازم را صادر نماید. تصمیمات و اختیارات ولی فقیه در مواردی که مربوط به مصالح عمومی اسلام و مسلمین است، در صورت تعارض با اراده و اختیار آحاد مردم، بر اختیارات و تصمیمات آحاد امت مقدم و حاکم است، و این توضیح مختصری درباره ولایت مطلقه است.

س 64: آیا همانگونه که بقاء بر تقلید از میت بنا بر فتوای فقها باید با اجازه مجتهد زنده باشد، اوامر و احکام شرعی حکومتی هم که از رهبر متوقی صادر شده است، برای استمرار و نافذ بودن احتیاج به اذن رهبر زنده دارد یا این که بدون اذن رهبر زنده هم خود به خود از قابلیت اجرایی برخوردار است؟ احکام ولایی و انتصابات صادره از طرف ولی امر مسلمین اگر هنگام صدور، موقت نباشد، همچنان استمرار دارد و نافذ خواهد بود، مگر این که ولی امر جدید مصلحتی در نقض آنها ببیند و آنها را نقض کند.

س 65: آیا بر فقیه‌یی که در کشور جمهوری اسلامی ایران زندگی می‌کند و اعتقادی به ولایت مطلقه فقیه ندارد، اطاعت از دستورات ولی فقیه واجب است؟ و اگر با ولی فقیه مخالفت نماید فاسق محسوب می‌شود؟ و در صورتی که فقیه‌یی اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه دارد ولی خود را از او شایسته‌تر به مقام ولایت می‌داند، اگر با اوامر فقیه‌یی که متصدی مقام ولایت امر است مخالفت نماید، فاسق است؟

اطاعت از دستورات حکومتی ولی امر مسلمین بر هر مکلفی ولو این که فقیه باشد، واجب است. و برای هیچ کسی جایز نیست که با متصدی امور ولایت به این بهانه که خودش شایسته‌تر است، مخالفت نماید. این در صورتی است که متصدی منصب ولایت از راه‌های قانونی شناخته شده به مقام ولایت رسیده باشد. ولی در غیر این صورت، مسأله به طور کلی تفاوت خواهد کرد.

س 66: آیا مجتهد جامع الشرائط در عصر غیبت ولایت بر اجرای حدود دارد؟

اجرای حدود در زمان غیبت هم واجب است و ولایت بر آن اختصاص به ولی امر مسلمین دارد.

س 67: آیا ولایت فقیه یک مسأله تقلیدی است یا اعتقادی؟ و کسی که به آن اعتقاد ندارد چه حکمی دارد؟

ولایت فقیه از شئون ولایت و امامت است که از اصول مذهب می‌باشد. با این تفاوت که احکام مربوط به ولایت فقیه مانند سایر احکام فقهی از ادله شرعی استنباط می‌شوند و کسی که به نظر خود بر اساس استدلال و برهان به عدم پذیرش ولایت فقیه رسیده، معذور است.

س 68: گاهی از بعضی از مسئولین، مسأله‌ای به عنوان «ولایت اداری» شنیده می‌شود که به معنای لزوم اطاعت از دستورات مقام بالاتر بدون حق اعتراض است. نظر جنابعالی در این باره چیست؟ و وظیفه شرعی ما کدام است؟

مخالفت با اوامر اداری که بر اساس ضوابط و مقررات قانونی اداری صادر شده باشد، جایز نیست. ولی در مفاهیم اسلامی چیزی به عنوان ولایت اداری وجود ندارد.

س 69: آیا اطاعت از دستورات نماینده ولی فقیه در مواردی که داخل در قلمرو نمایندگی اوست، واجب است؟

اگر دستورات خود را بر اساس قلمرو صلاحیت و اختیاراتی که از طرف ولی فقیه به او واگذار شده است، صادر کرده باشد، مخالفت با آنها جایز نیست.

احکام آبها :

- س 70: اگر قسمت پایین آب قلیلی که به طور سرازیر و بدون فشار به پایین می‌ریزد، با نجاست برخورد کند، آیا قسمت بالایی این آب همچنان پاک باقی می‌ماند؟
اگر سرازیری آب بگونه‌ای باشد که جریان از بالا به پایین بر آن صدق کند، قسمت بالایی آن پاک است.
- س 71: آیا در شستن لباسهای نجس با آب کرّ و جاری، فشردن هم لازم است و یا این‌که بعد از زوال عین نجاست همین که آب آن را فرا گرفت، کفایت می‌کند.
باید بنا بر احتیاط آن را فشار یا تکان دهند.
- س 72: آیا در تطهیر لباس متنجّس با آب کرّ و جاری، فشار دادن خارج آب لازم است یا با همان فشار داخل آب پاک می‌شود؟
فشار یا تکان دادن داخل آب، کافی است.
- س 73: آیا گلیم یا فرش نجسی را که با آب لوله کشی متصل به منبع آب شهری شستشو می‌دهیم، به مجرد رسیدن آب لوله کشی به محل نجس، پاک می‌شوند یا باید آب غساله از آن جدا شود؟
در تطهیر با آب لوله کشی، جدا شدن آب غساله شرط نیست، بلکه به مجرد رسیدن آب به مکان نجس، بعد از زوال عین نجاست و حرکت غساله از جای خود به وسیله دست کشیدن بر فرش در هنگام اتصال آب، طهارت حاصل می‌شود.
- س 74: حکم وضو و غسل با آبی که به طور طبیعی غلیظ است چیست؟ مانند آب دریائی که بر اثر وجود املاح فراوان غلیظ شده است، مثل دریاچه ارومیه یا موارد دیگری که غلظت بیشتری دارند.
مجرد غلظت آب به سبب وجود املاح، مانع از صدق عنوان آب مطلق بر آن نمی‌شود، و برای ترتب آثار شرعی آب مطلق، صدق عنوان آن در نظر عرف کافی است.
- س 75: آیا برای ترتب آثار کرّ بودن آب، علم به کرّ بودن آن واجب است یا این‌که بناء بر کرّ بودن آب کافی است؟ (مانند آب موجود در دستشویی‌های قطار و غیره)
اگر حالت سابقه کرّ بودن آب احراز شود، بنا گذاشتن بر کرّ بودن آن جایز است.
- س 76: در مساله (147) رساله امام خمینی **❖** قدس سره **❖** آمده است: **❖** در طهارت و نجاست به گفته کودک ممیز تا زمان بلوغ اعتناء نمی‌شود **❖**. این فتوا تکلیف دشواری است. زیرا به طور مثال مستلزم این است که پدر و مادر تطهیر فرزندشان را پس از قضاء حاجت تا سن پانزده سالگی به عهده بگیرند. لطفاً وظیفه شرعی ما را بیان فرمائید.
قول کودکی که در آستانه بلوغ است در این باره معتبر است.
- س 77: گاهی به آب موادی اضافه می‌کنند که آن را به رنگ شیر در می‌آورد، آیا این آب مضاف است؟ حکم وضو و تطهیر با آن چیست؟
آن آب حکم آب مضاف را ندارد.
- س 78: در تطهیر، چه فرقی بین آب کرّ و آب جاری است؟
هیچ تفاوتی با هم ندارند.
- س 79: اگر آب شور جوشانده شود، آیا با آبی که از بخار آن بدست می‌آید، می‌توان وضو گرفت؟

اگر آب مطلق بر آن صدق کند، آثار آب مطلق را دارد.

س 80: برای پاک شدن کف پا یا کفش، راه رفتن به مقدار پانزده گام شرط است. آیا این کار باید بعد از زوال عین نجاست صورت بگیرد یا پانزده گام رفتن با وجود عین نجاست کافی است؟ آیا پس از آنکه عین نجاست با پانزده گام از بین رفت، کف پا یا کفش پاک می‌شود؟ کسی که بر اثر راه رفتن روی زمین، کف پا یا کفش او، نجس شده است هر گاه تقریباً به قدر ده قدم روی زمین خشک و پاک راه برود، کف پا و کفش او پاک می‌شود مشروط به این که عین نجاست، زائل شود.

س 81: آیا کف پا یا ته کفش با راه رفتن روی زمینی که آسفالت شده، پاک می‌شود؟

زمینهای آسفالت و یا آغشته به قیر، پاک کننده کف پا یا ته کفش نیستند.

س 82: آیا آفتاب از مطهرات است؟ اگر هست، شرایط مطهریت آن چیست؟ تابیدن آفتاب باعث طهارت زمین و همه اشیاء غیر منقول از قبیل ساختمان و چیزهایی که در آن بکار رفته مانند چوب، در، پنجره و مانند آن می‌شود، به شرطی که عین نجاست قبلاً از آنها زائل شده باشد و در موقع تابش آفتاب‌تر باشند و به وسیله آفتاب خشک شوند.

س 83: لباسهای نجسی که در موقع تطهیر، آب را رنگین می‌کنند، چگونه پاک می‌شوند؟ اگر رنگ دادن لباس باعث مضاف شدن آب نشود، لباسهای نجس با ریختن آب بر آنها، پاک می‌شوند. س 84: کسی که برای غسل جنابت آب را در ظرفی می‌ریزد و در هنگام غسل قطرات آب به داخل ظرف می‌چکد، آیا موجب نجس شدن آب می‌گردد؟ و آیا مانع از تمام کردن غسل با آن آب می‌شود؟ اگر آب از آن قسمت بدن که پاک است به داخل ظرف بچکد، پاک است و مانعی برای تمام کردن غسل با آن وجود ندارد.

س 85: آیا تطهیر تنوری که با گل آغشته به آب نجس ساخته شده است، امکان دارد؟ ظاهر آن با شستن قابل تطهیر است و طهارت ظاهر تنور که خمیر به آن می‌چسبد برای پختن نان کافی است.

س 86: آیا روغن نجس با انجام فعل و انفعالات شیمیایی بر روی آن به طوری که ماده‌ی آن دارای خواص جدیدی شود، بر نجاست خود باقی می‌ماند یا این که حکم استحاله را پیدا می‌کند؟ برای تطهیر مواد نجس، مجرد انجام فعل و انفعالات شیمیایی که خاصیت جدیدی به مواد ببخشد، کافی نیست.

س 87: در روستای ما حمامی وجود دارد که سقف آن مسطح و صاف است و از آن قطرات حاصل از بخار آب بر سر استحمام کنندگان می‌چکد. آیا این قطرات پاک است؟ آیا غسل بعد از چکیدن این قطرات صحیح است؟

بخار حمام و قطراتی که از سقف پاک می‌چکد، محکوم به طهارت است، و چکیدن این قطرات بر بدن باعث نجاست آن نمی‌شود و به صحت غسل ضرر نمی‌رساند.

س 88: با توجه به اینکه بر اساس تحقیقات علمی، وزن آبهای فاضلاب‌ها در اثر اختلاط با مواد معدنی و آلودگی به میکرب 10% بیشتر از وزن طبیعی آب است، اگر در اینگونه آبها؛ در تصفیه‌خانه‌ها تغییراتی به وجود آید و بوسیله عملیات فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی، مواد معدنی آلوده و میکروبها را از آن جدا سازند. به طوری که بعد از تصفیه کامل از جهت فیزیکی (رنگ، بو، طعم) و از جهت

شیمیائی (مواد معدنی آلوده) و از جهت بهداشتی (میکروبیهای مضر و تخم انگلها) بمراتب بهداشتی‌تر و بهتر از آبهای بسیاری از نهرها و دریاها بویژه آبهای که برای آبیاری استفاده می‌نمایند، گردد. آیا این آبها که قبل از تصفیه نجس هستند، با اعمال مذکور پاک شده و حکم استحاله بر آنها جاری می‌گردد یا آنکه پس از تصفیه هم محکوم به نجاست هستند؟ در فرض مذکور با مجرد جداسازی مواد معدنی آلوده و میکربها و غیر آن از آبهای فاضلابها، استحاله تحقق پیدا نمی‌کند. مگر این که عمل تصفیه با تبخیر آب و تبدیل دوباره بخار به آب، انجام شود.

احکام تخلی :

س 89: عشاير بخصوص در ایام کوچ کردن، آب کافی برای تطهیر در اختیار ندارند، آیا چوب و سنگریزه برای تطهیر مخرج بول کفایت می‌کند؟ آیا آنان می‌توانند با این حال نماز بخوانند؟ مخرج بول جز با آب پاک نمی‌شود. ولی نماز کسی که توانائی تطهیر بدن خود با آب را ندارد، صحیح است.

س 90: حکم تطهیر مخرج بول و غائط با آب قلیل چیست؟ برای طهارت مخرج بول با آب قلیل دو بار شستن بنا بر احتیاط لازم است، و برای طهارت مخرج غائط شستن تا مقداری که عین نجاست و آثار آن از بین برود، لازم است. س 91: بر حسب عادت، نمازگزار باید بعد از بول کردن استبراء نماید. در عورت من زخمی وجود دارد که هنگام استبراء بر اثر فشار از آن خون جاری شده و با آبی که برای تطهیر استفاده می‌کنم مخلوط می‌شود و باعث نجاست بدن و لباس می‌گردد. اگر استبراء نکنم احتمال دارد زخم زودتر بهبود یابد ولی با استبراء و فشاری که بر آن وارد می‌شود زخم باقی خواهد ماند و خوب شدن آن سه ماه طول خواهد کشید. خواهش می‌کنم بیان فرمائید که عمل استبراء را انجام بدهم یا خیر؟ استبراء واجب نیست. و اگر موجب ضرر شود جایز هم نخواهد بود. البته اگر استبراء نشود و بعد از بول کردن رطوبت مشتبه خارج شود، حکم بول را دارد.

س 92: گاهی بدون اختیار از انسان بعد از بول و استبراء رطوبتی خارج می‌شود که شبیه بول است. آیا این رطوبت نجس است یا پاک؟ اگر انسان بعد از مدتی بطور اتفاقی متوجه این مسأله شود، نمازهای گذشته‌اش چه حکمی دارد؟ آیا از حالا به بعد بر او واجب است در مورد خروج این رطوبت غیر اختیاری بررسی نماید؟

اگر بعد از استبراء رطوبتی خارج شود که بول بودن آن مشکوک باشد، حکم بول را ندارد و محکوم به طهارت است، و بررسی و جستجو در این باره لازم نیست.

س 93: لطف بفرمائید در صورت امکان راجع به اقسام رطوبتی که گاهی از انسان خارج می‌شود، توضیح دهید.

رطوبتي که گاهي بعد از خروج مني از انسان خارج مي‌شود، وذي نام دارد، و رطوبتي که بعضي از اوقات بعد از بول خارج مي‌شود، وذي ناميده مي‌شود، و رطوبتي که بعد از ملاعبه زن و مرد با يکديگر خارج مي‌شود، مذي نام دارد. همه اين رطوبتها پاک است و باعث نقض طهارت نمي‌شود.

س 94: اگر کاسه توالتها در جهت مخالف سمتي که اعتقاد دارند قبله است، نصب شود و بعد از مدتي متوجه شويم که جهت کاسه با جهت قبله 20 تا 22 درجه تفاوت دارد. آیا تغيير جهت کاسه توالت واجب است يا خير؟

انحراف از قبله به مقداري که انحراف از سمت قبله بر آن صدق کند، کافي است و اشکال ندارد. س 95: بر اثر بيماري در مجاري ادرار، بعد از بول و استبراء، ادرارم قطع نمي‌شود و رطوبت مي‌بينم. براي معالجه به پزشک مراجعه نموده و به دستورات او عمل کردم ولي بيماريام معالجه نشد. وظيفه شرعي من چيست؟

بعد از استبراء، به شک در خروج بول اعتنا نمي‌شود، و اگر يقين داريد که بول به صورت قطره قطره از شما خارج مي‌شود، بايد به وظيفه مسلوس که در رساله عمليه امام خميني ❖ قدس سره ❖ ذکر شده، عمل نماييد و تکليفي زائد بر آن نداريد.

س 96: كيفيت استبراء قبل از تطهير مخرج غايط چگونه است؟ تفاوت بين استبراء قبل از تطهير مخرج غائط و بعد از تطهير آن، از نظر كيفيت وجود ندارد. س 97: استخدام در بعضي از شرکتها و مؤسسات مستلزم معاینات پزشکي است که گاهي مشتمل بر کشف عورت است. آیا اين عمل در صورت نياز جايز است؟ کشف عورت در برابر شخص ديگر، هر چند لازمه استخدام باشد، جايز نيست، مگر در صورتي که ترک کار براي او مشقت آور بوده و مضطرّ به آن باشد.

س 98: در هنگام تخلّي، مخرج بول با چند مرتبه شستن پاک مي‌شود؟ محل دفع بول بنا بر احتياط واجب با دو مرتبه شستن با آب قليل پاک مي‌شود. س 99: مخرج مدفوع را چگونه مي‌توان تطهير کرد؟ مخرج مدفوع را به دوگونه مي‌توان تطهير کرد: اول آنکه با آب بشويد تا نجاست زائل شود و پس از آن آب کشيدن لازم نيست. دوم آنکه با سه قطعه سنگ يا پارچه پاک و امثال آن، نجاست را پاک نمايد و اگر با سه قطعه، نجاست زائل نشد با قطعات ديگري آن را کاملاً پاک کند، و به جاي سه قطعه مي‌تواند از سه جاي يک قطعه سنگ يا پارچه استفاده کند.

احکام وضو :

س 100: به نيت طهارت براي نماز مغرب وضو گرفتيم، آیا براي من با اين وضو مسّ قرآن کریم و خواندن نماز عشا جايز است؟ بعد از آنکه وضو به طور صحيح محقق شد، تا زماني که باطل نشده است، انجام هر عمل مشروط به طهارت، با آن جايز است.

س 101: کسی که در جلوی سرش موی مصنوعی گذاشته است و در صورت نگذاشتن آن به مشقت می‌افند، آیا مسح بر موی مصنوعی برای او جایز است؟

موی مصنوعی اگر به نحو کلاه گیس باشد، واجب است برای مسح آن را بردارد، ولی اگر موی مصنوعی بر پوست سر کاشته شده باشد و برداشتن آن از جلوی سر باعث عسر و حرجی شود که عادتاً قابل تحمل نیست، مسح بر روی آن مجزی است.

س 102: شخصی گفته است که هنگام وضو فقط باید دو مشت آب بر صورت ریخته شود، و اگر بار سوم آب ریخته شود وضو باطل خواهد بود. آیا این سخن صحیح است؟

شستن اعضاء در وضو، بار اول واجب و بار دوم جائز و بیش از آن مشروع نیست لکن ملاک برای تعیین هر بار، قصد انسان است، پس اگر به قصد بار اول چند مرتبه آب بریزد اشکال ندارد.

س 103: آیا در وضوی ارتماسی جایز است که چند بار دست و صورت را داخل آب کنیم یا این که فقط دوبار جایز است؟

فقط دو بار می‌توان دست و صورت را وضوی ارتماسی داد بار اول واجب، و بار دوم جائز است و بیش از آن، مشروع نیست. ولی در وضوی ارتماسی در مورد دستها باید قصد شستن وضوئی آنها هنگام خارج کردن آنها از آب باشد، تا بتوان از این طریق مسح را با آب وضو انجام داد.

س 104: آیا چربی‌هایی که به طور طبیعی در مو و صورت به وجود می‌آیند، مانع محسوب می‌شوند؟ مانع محسوب نمی‌شود، مگر آنکه به حدی باشد که مانع از رسیدن آب به پوست و مو گردد.

س 105: مدت زمانی مسح پاهایم را از سر انگشتان انجام نمی‌دادم، بلکه فقط روی پا و مقداری از انگشتان را مسح می‌کردم؛ آیا این مسح صحیح بوده است؟ و در صورت عدم صحت، نمازهایی را که خوانده‌ام باید قضا کنم؟

اگر مسح پا شامل سر انگشتان پا نباشد، وضو باطل و قضای نمازهای خوانده شده، واجب است. و در صورتی که انسان شک داشته باشد که آیا هنگام مسح، از سر انگشتان پا مسح می‌کرده است یا نه؟ وضو و نمازهای خوانده شده محکوم به صحت هستند.

س 106: بر آمدگی روی پا که هنگام مسح، دست باید تا آنجا کشیده شود، کدام است؟ باید مسح پا را تا مفصل بکشند.

س 107: وضو در مساجد و مراکز و ادارات دولتی که دولت در سایر کشورهای اسلامی بنا می‌کند، چه حکمی دارد؟

جایز است و مانع شرعی ندارد.

س 108: چشمه‌ای است که سرچشمه آن در زمین ملکی شخصی قرار دارد. اگر بخواهیم آب آن را به وسیله لوله به منطقه‌ای که چند کیلومتر با آن فاصله دارد، انتقال دهیم، باید لوله از زمین‌های ملکی این شخص و افراد دیگر عبور نماید، آیا در صورت عدم رضایت مالکین زمین‌ها، استفاده از آب چشمه برای وضو و غسل و سایر تطهیرات جایز است؟

اگر چشمه، در کنار و خارج از ملک غیر، خود به خود جوشیده و قبل از جریان آن بر زمین، وارد لوله شده و به منطقه منظور هدایت شود در صورتی که استفاده از آب عرفاً تصرف در ملک غیر محسوب نشود، اشکال ندارد.

س 109: سازمان آب، نصب پمپ فشار و استفاده از آن را ممنوع اعلام کرده است، ولی در برخی از محلّه‌ها فشار آب ضعیف است و ساکنان آن مجبورند که برای استفاده از آب در طبقات بالای ساختمانها از پمپ فشار استفاده کنند، با توجه به این مسأله به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید؟
الف: آیا نصب پمپ فشار آب جهت استفاده از آب بیشتر از نظر شرعی جایز است؟
ب: در صورت عدم جواز استفاده از پمپ فشار آب، وضو و غسل با آبی که بوسیله پمپ جذب می‌شود چه حکمی دارد؟

در فرض سؤال، نصب و استفاده از پمپ فشار جایز نیست، و وضو و غسل با آبی که بوسیله پمپ به دست می‌آید، محل اشکال است.

س 110: نظر جنابعالی درباره وضو گرفتن قبل از داخل شد وقت نماز چیست؟ در پاسخ به یکی از استفتائات فرموده‌اید که با وضویی که نزدیک اول وقت نماز گرفته می‌شود، می‌توان نماز خواند. منظور شما از نزدیک اول وقت نماز، چه مقدار است؟
ملاک صدق عرفی نزدیکی وقت نماز است، و اگر در آن وقت برای نماز وضو گرفته شود، اشکال ندارد.

س 111: آیا شخصی که وضو می‌گیرد، مستحب است هنگام مسح قسمت پائین انگشتان پا یعنی جایی را که موقع راه رفتن با زمین تماس پیدا می‌کند، مسح نماید؟
محل مسح پا عبارت است از روی پا از سر یکی از انگشتان تا مفصل ساق، و استحباب مسح پائین انگشتان پا ثابت نشده است.

س 112: اگر شخص وضو گیرنده، هنگام شستن دستها و صورت به قصد وضو اقدام به باز و بسته کردن شیر آب نماید، این کار او چه حکمی دارد؟
اشکال ندارد و به صحت وضو لطمه‌ای نمی‌زند. ولی اگر بعد از فراغت از شستن دست چپ و قبل از مسح با آن، دستش را روی شیری که خیس است بگذارد و آب وضوی دست با آب خارج از وضو مخلوط شود، صحت مسح با رطوبتی که مختلط از آب وضو و آب خارج است، محل اشکال می‌باشد.
س 113: آیا برای مسح می‌توان از غیر آب وضو استفاده کرد؟ و همچنین آیا مسح سر حتما باید با دست راست و از بالا به پایین باشد؟

مسح سر و پاها باید با رطوبتی که از آب وضو در دستها مانده، کشیده شود و اگر رطوبتی باقی نمانده باید از ریش یا ابرو رطوبت گرفته و مسح نماید و احتیاط آن است که مسح سر با دست راست باشد، ولی کشیدن مسح از بالا به پایین لازم نیست.

س 114: بعضی از زنها ادعا می‌کنند که وجود رنگ روی ناخن مانع وضو نیست و مسح روی جوراب نازک هم جایز است. نظر شریف جنابعالی در این باره چیست؟
در صورتی که رنگ دارای جرم باشد، مانع از رسیدن آب به ناخن می‌باشد و وضو باطل است و مسح بر جوراب هر قدر هم نازک باشد، صحیح نیست.

س 115: آیا مجروحان جنگی که قطع نخاع شده‌اند و قدرت نگهداری بول را ندارند، جایز است در نماز جمعه شرکت کرده و به خطبه‌ها گوش دهند و با عمل به وظیفه شخص مسلول، نماز جمعه و عصر را بخوانند؟

شرکت آنان در نماز جمعه اشکال ندارد، ولی با توجه به اینکه بر آنان واجب است که بعد از وضو گرفتن بدون فاصله زمانی، شروع به خواندن نماز کنند، بنابراین وضو قبل از خطبه‌های نماز جمعه در صورتی برای خواندن نماز جمعه کافی است که بعد از وضو حدیثی از آنان سر نزنند.

س 116: شخصی که قادر بر وضو گرفتن نیست، فرد دیگری را برای انجام وضو به نیابت می‌گیرد و خودش نیت نموده و با دست خود مسح می‌کند و اگر قادر بر مسح نباشد نایب دست او را گرفته و با آن مسح می‌نماید. اگر از این کار هم عاجز باشد، نایب از دست او رطوبت گرفته و مسح می‌کند. حال، اگر این شخص دست نداشته باشد، چه حکمی دارد؟

اگر این شخص کف دست نداشته باشد، برای مسح، رطوبت از ساعد او گرفته می‌شود، و اگر ساعد هم نداشته باشد، رطوبت از صورت او گرفته شده و سر و پا با آن مسح می‌شوند.

س 117: در نزدیکی محل برگزاری نماز جمعه مکانی برای وضو گرفتن وجود دارد که تابع مسجد جامع است و پول آب آن از غیر بودجه مسجد پرداخت می‌شود. آیا شرکت کنندگان در نماز جمعه جایز است که از آن آب استفاده کنند؟

چون آب آن برای وضو گرفتن همه نمازگزاران بطور مطلق قرارداد شده است، استفاده از آن اشکال ندارد.

س 118: آیا وضوئی که قبل از نماز ظهر و عصر گرفته شده، برای خواندن نماز مغرب و عشا هم با علم به این که در این مدت هیچیک از مبطلات وضو از وی سرنزده است، کافی است؟ یا آنکه هر نمازی نیت و وضوی جداگانه‌ای دارد؟

برای هر نمازی وضوی جداگانه لازم نیست. با یک وضو تا زمانی که باطل نشده، می‌تواند هر مقدار نماز که می‌خواهد بخواند.

س 119: آیا وضو گرفتن به نیت نماز واجب قبل از داخل شدن به وقت آن جایز است؟

وضو گرفتن برای خواندن نماز واجب، اگر نزدیک داخل شدن به وقت آن باشد، اشکال ندارد.

س 120: به علت فلج شدن هر دو پایم به کمک کفش طبی و عصای چوبی راه می‌روم، و چون به هیچ وجه بیرون آوردن کفش هنگام وضو برایم امکان ندارد، امیدوارم وظیفه شرعی مرا در رابطه با مسح هر دو پا بیان فرمائید.

اگر بیرون آوردن کفش برای مسح پاها برای شما خیلی سخت و دشوار است، مسح بر روی کفش کافی و مجزی است.

س 121: اگر بعد از رسیدن به مکانی تا چند فرسخی آن به جستجوی آب بپردازیم و آب آلوده و

کثیفی را بیابیم، در این حالت تیمم برای ما واجب است یا وضو گرفتن با آن آب؟

اگر آن آب پاک و مطلق باشد و استعمال آن ضرری نداشته باشد و خوف ضرر هم در بین نباشد، وضو واجب است و نوبت به تیمم نمی‌رسد.

س 122: آیا وضو به خودی خود مستحب است؟ و آیا می‌توان قبل از داخل شدن به وقت نماز به

قصد قربت وضو گرفت و با همان وضو نماز خواند؟

وضو به قصد طهارت از نظر شرعی مستحب و مطلوب است و خواندن نماز با وضوی مستحب جایز است.

س 123: کسی که همیشه در وضویش شک می‌کند، چگونه می‌تواند به مسجد برود و نماز بخواند و به قرائت قرآن کریم و زیارت معصومین علیهم السلام بپردازد؟

شک در بقای طهارت بعد از وضو اعتبار ندارد، و تا یقین به نقض وضو پیدا نکرده است می‌تواند با آن نماز بخواند و قرآن قرائت کند و به زیارت برود.

س 124: آیا در صحت وضو شرط است که آب بر همه قسمت‌های دست جریان پیدا کند یا آنکه کشیدن دست تر بر آن کافی است؟

صدق شستن منوط به رساندن آب به تمام عضو است هر چند بوسیله دست کشیدن باشد. ولی مسح اعضاء با دست مرطوب به تنهائی کافی نیست.

س 125: آیا در مسح سر، مرطوب شدن مو کافی است یا این که رطوبت باید به پوست سر هم برسد؟

مسح بر پوست سر واجب نیست. بلکه بر موی قسمت جلوی سر کافی است.

س 126: کسی که از موی مصنوعی استفاده می‌کند مسح سر را چگونه انجام دهد؟ و وظیفه او راجع به غسل چیست؟

اگر موی کاشته شده، قابل برداشتن نبوده و یا ازاله آن مستلزم ضرر و مشقت باشد و با وجود موها قدرت بر رساندن رطوبت به پوست سر نباشد، مسح بر روی همین موها کافی است، و غسل نیز همین حکم را دارد.

س 127: ایجاد فاصله زمانی در شستن اعضاء هنگام وضو یا غسل، چه حکمی دارد؟

فاصله زمانی (عدم موالات) در غسل اشکال ندارد. ولی در وضو اگر فاصله به مقداری باشد که اعضاء قبلی خشک شوند، وضو باطل است.

س 128: وضو و نماز کسی که پی در پی از او باد به مقدار کم خارج می‌شود، چه حکمی دارد؟ اگر نتواند وضوی خود را تا آخر نماز حفظ کند و تجدید وضو در اثناء نماز هم برای او خیلی دشوار باشد، می‌تواند با هر وضویی یک نماز بخواند، یعنی برای هر نماز به یک وضو اکتفا کند، هر چند وضوی او در بین نماز باطل شود.

س 129: بعضی از افرادی که در مجتمع‌های مسکونی زندگی می‌کنند، از پرداخت هزینه خدماتی که از آنها استفاده می‌کنند از قبیل هزینه آب سرد و گرم، تهویه، نگهبانی و مانند آنها، خودداری می‌کنند. آیا روزه و نماز و سایر عبادات این افراد که بار مالی این خدمات را بدون رضایت همسایگان به دوش آنان می‌اندازند، از نظر شرعی باطل است؟

هر یک از مشترکین از نظر شرعی به مقداری که از امکانات مشترک استفاده می‌کند، نسبت به هزینه خدمات مدیون است، و اگر از پرداخت پول آب، امتناع کند، وضو و غسل او محل اشکال و بلکه باطل است.

س 130: شخصی غسل جنابت نموده و بعد از گذشت سه تا چهار ساعت می‌خواهد نماز بخواند، ولی نمی‌داند غسلش باطل شده است یا خیر؟ اگر احتیاطاً وضو بگیرد، اشکال دارد یا خیر؟

در فرض مذکور وضو واجب نیست، ولی احتیاط هم مانعی ندارد.

س 131: آیا کودک نا بالغ، محدث به حد اصغر می‌شود؟ آیا می‌توان قرآن را در دسترس او قرارداد تا آن را مس کند؟

بله، با عارض شدن مبطلات وضو، کودک نابالغ هم محدث می شود، ولی مس کتابت قرآن بر او حرام نیست و بر مکلف واجب نیست او را از دست زدن به نوشته قرآن باز دارد.

س 132: اگر عضوی از اعضای وضو بعد از شستن آن و قبل از اتمام وضو، نجس شود، چه حکمی دارد؟

نجس شدن آن عضو، به صحت وضو ضرر نمی‌رساند، ولی تطهیر آن عضو برای پاک شدن از نجاست بخاطر نماز واجب است.

س 133: آیا بودن چند قطره آب بر روی پا هنگام مسح، برای وضو ضرر دارد؟ واجب است که محل مسح از آن قطرات خشک شود تا هنگام مسح، رطوبت دست بر پا تأثیر بگذارد نه بر عکس.

س 134: کسی که دست راست او از بالای مرفق قطع شده، آیا مسح پای راست از او ساقط است؟

مسح پای راست از او ساقط نمی‌شود، بلکه باید با دست چپ بر آن مسح کند.

س 135: کسی که در اعضای وضوی او زخم یا شکستگی باشد، چه وظیفه ای دارد؟ اگر در اعضای وضو زخم یا شکستگی است و روی آن باز باشد و آب برای آن ضرر ندارد، باید آن را بشوید و اگر شستن آن مضر است باید اطراف آن را بشوید، و احتیاط آن است که اگر کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، دست تر بر آن بکشد.

س 136: کسی که محل مسح او زخم است، چه وظیفه‌ای دارد؟

اگر نمی‌تواند روی زخم محل مسح دست تر بکشد باید به جای وضو تیمم کند. ولی در صورتی که می‌تواند پارچه‌ای روی زخم قرار دهد و بر آن دست بکشد، احتیاط آن است که علاوه بر تیمم، وضو نیز با چنین مسحی بگیرد.

س 137: کسی که جاهل به بطلان وضویش است و بعد از وضو متوجه آن می‌شود، چه حکمی دارد؟

اعاده وضو برای اعمال مشروط به طهارت، واجب است، و اگر با وضوی باطل نماز خوانده باشد، اعاده آن نیز واجب می‌باشد.

س 138: کسی که در یکی از اعضای وضویش زخمی وجود دارد که حتی اگر جبیره هم بر روی آن قرار دهد دائماً از آن خون می‌آید، چگونه باید وضو بگیرد؟

واجب است جبیره‌ای را بر روی زخم بگذارد که خون از آن بیرون نمی‌آید، مثل نایلون.

س 139: آیا خشک کردن رطوبت بعد از وضو مکروه است؟ در مقابل، آیا خشک نکردن آن مستحب است؟

اگر دستمال یا پارچه معینی را مخصوص این کار قرار دهد، اشکال ندارد.

س 140: آیا رنگ مصنوعی که زنها از آن برای رنگ کردن موی سر و ابروی شان استفاده می‌کنند، مانع از صحت وضو و غسل است؟

اگر صرفاً رنگ باشد و دارای جرمی نباشد که مانع از رسیدن آب به مو شود، وضو و غسل صحیح است.

س 141: آیا جوهر از موانعی است که وجود آن بر روی دست باعث بطلان وضو می‌شود؟

اگر جوهر داراي جرم بوده و مانع از رسيدن آب به پوست شود، وضو باطل است، و تشخيص اين موضوع بر عهده مکلف مي باشد.

س 142: اگر رطوبت مسح سر به رطوبت صورت متصل شود، آیا وضو باطل مي شود؟
از آنجائي که مسح پاها بايد با رطوبتي که از آب وضو در کف دو دست باقي مانده صورت بگيرد، لذا بايد هنگام مسح سر، دست به قسمت بالاي پيشاني نرسد و با رطوبت صورت برخورد نکند تا اين که رطوبت دست که هنگام مسح پا به آن نياز دارد با رطوبت صورت مخلوط نشود.

س 143: شخصي که وضویش نسبت به وضوي متعارف بين مردم وقت بيشتري مي گيرد، براي يقين پيدا کردن به شستن اعضاي وضو چه کاري بايد انجام دهد؟
بايد از وسوسه اجتناب نمايد، و براي اين که شيطان از او نااميد شود، بايد به وسوسه ها اعتناء نکند و کوشش کند که همانند ساير اشخاص به مقداري که از نظر شرعي واجب است، اکتفا نمايد.

س 144: بعضي از قسمت هاي بدنم خالکوبي شده است، گفته مي شود که غسل و وضو و نمازم باطل هستند و نمازي از من پذيرفته نمي شود. اميدوارم مرا در اين باره راهنمائي فرمائيد.
اگر خالکوبي مجرد رنگ باشد و يا در زير پوست بوده و بر ظاهر پوست چيزي که مانع از رسيدن آب بر آن شود، وجود نداشته باشد، وضو و غسل و نماز صحيح است.

س 145: اگر بعد از خروج بول، انسان استبراء کرد و وضو گرفت و سپس رطوبتي که مردد بين بول و مني است از او خارج شد، چه حکمي دارد؟
در فرض سؤال، براي تحصيل يقين به طهارت از حدث، واجب است که هم غسل کند و هم وضو بگيرد.

س 146: لطفا تفاوت وضوي زن و مرد را بيان فرمائيد.
بين زن و مرد در افعال و کيفيت وضو فرقي نيست، جز اين که براي مردها مستحب است که هنگام شستن آرنج از قسمت بيروني آن شروع کنند و زنها از قسمت داخلي آن.

مسّ اسماء و آيات الهي

س 147: مسّ ضميرهاي که به ذات باري تعالي بر مي گردند مثل ضمير جمله ﴿بسمه تعالي﴾ چه حکمي دارد؟
ضمير حکم لفظ جلاله را ندارد.

س 148: نوشتن اسم جلاله ﴿الله﴾ بصورت ﴿...﴾ مرسوم شده است. کساني که بدون وضو اين کلمه را مسّ مي کنند، چه حکمي دارند؟
همزه و نقاط، حکم لفظ جلاله را ندارد، و مسّ آن بدون وضو، جائز است.

س 149: در جائي که من کار مي کنم در مکاتبات خود کلمه ﴿الله﴾ را به صورت ﴿...﴾ مي نويسند. آيا نوشتن الفوسه نقطه به جاي لفظ جلاله ﴿الله﴾ از نظر شرعي صحيح است؟
از نظر شرعي مانعي ندارد.

س 150: آيا جايز است به صرف احتمال مسّ لفظ جلاله ﴿الله﴾ توسط افراد بدون وضو، از نوشتن آن خودداري نموده و يا بصورت ﴿...﴾ نوشته شود؟

مانعي ندارد.

س 151: نابینایان برای خواندن و نوشتن از خط برجسته‌ای معروف به خط بریل که با لمس انگشتان خوانده می‌شود، استفاده می‌کنند.

آیا بر نابینایان واجب است که هنگام فراگیری قرآن کریم و مسّ اسماء طاهره که با خط برجسته بریل نوشته شده است، وضو داشته باشند یا خیر؟

اگر نقاط برجسته علامت حروف هستند، حکم آن حروف را ندارند ولی اگر در نظر عرف آگاه بعنوان خط محسوب شوند در مسّ آنها رعایت احتیاط لازم است علامتی برای حروف قرآن کریم و اسماء طاهره استفاده می‌شوند، مسّ آنها نیاز به طهارت از حدث ندارد.

س 152: مسّ اسم‌هایی از قبیل عبدالله و حبیب الله بدون وضو چه حکمی دارد؟
مسّ لفظ جلاله بدون وضو جایز نیست، اگر چه جزئی از یک اسم مرکب باشد.

س 153: آیا جایز است که زن حائض گردنبندی را به گردن بیندازد که نام مبارک پیامبر صلی الله و علیه و آله بر آن نقش شده است؟

به گردن آویختن آن اشکال ندارد، ولی بنا بر احتیاط واجب است که اسم مبارک پیامبر ﷺ صلی الله علیه و آله با بدن تماس نداشته باشد.

س 154: آیا حرمت مسّ نوشته‌های قرآن بدون وضو اختصاص به موردی دارد که در قرآن کریم باشد، یا شامل مواردی که نوشته قرآنی در کتاب دیگری یا تابلو یا دیوار و غیر آنها هم باشد، می‌گردد؟
حرمت مسّ کلمات و آیات قرآنی بدون وضو اختصاص به قرآن کریم ندارد. بلکه شامل همه کلمات و آیات قرآنی می‌شود، هر چند در کتاب دیگری یا در روزنامه، مجله، تابلو، و غیر آنها باشد.

س 155: خانواده‌ای به قصد خیر و برکت هنگام خوردن برنج از ظرفی استفاده می‌کنند که آیات قرآنی از جمله آیه‌الکرسی روی آن نوشته شده است. آیا این کار اشکال دارد؟
اگر با وضو باشند و یا غذا را با قاشق از ظرف بر می‌دارند، اشکال ندارد.

س 156: آیا کسانی که بوسیله دستگاه تحریر اسماء جلاله یا آیات قرآنی و یا نام‌های معصومین علیهم السلام را می‌نویسند، باید در حال نوشتن آنها با وضو باشند؟
این کار مشروط به طهارت نیست، ولی نوشته‌ها را نباید بدون وضو مسّ کرد.

س 157: آیا مسّ آرم جمهوری اسلامی ایران بدون وضوء، حرام است؟
اگر در نظر عرف، اسم جلاله محسوب و خوانده شود، مسّ آن بدون طهارت حرام است و در غیر این صورت اشکال ندارد، اگر چه احوط ترک مسّ آن بدون طهارت است.

س 158: آیا چاپ آرم جمهوری اسلامی ایران بر روی اوراق اداری و استفاده از آن در مکاتبات و غیر آن، چه حکمی دارد؟

نوشتن و چاپ لفظ جلاله یا آرم جمهوری اسلامی ایران اشکال ندارد، و احوط این است که احکام لفظ جلاله در آرم جمهوری اسلامی ایران هم رعایت شود.

س 159: استفاده از تمبرهای پستی که بر روی آنها آیات قرآنی چاپ شده است، و یا چاپ لفظ جلاله و اسماء خداوند ﷻ عزّ و جلّ و آیات قرآنی و یا چاپ آرم مؤسساتی که مشتمل بر آیاتی از قرآن کریم است، در روزنامه‌ها و مجلات و نشریاتی که همه روزه منتشر می‌شوند، چه حکمی دارد؟

طبع و نشر آیات قرآنی و اسماء جلاله و امثال آن اشکال ندارد، ولی بر کسی که به دستش می‌رسد، واجب است که احکام شرعی آنها را رعایت نماید و از بی احترامی و نجس کردن و مسّ بدون وضوی آنها خودداری کند.

س 160: در بعضی از روزنامه‌ها اسم جلاله یا آیات قرآنی نوشته می‌شود، آیا بیچاندن غذا با آنها، یا نشستن بر آنها و یا استفاده از آنها به جای سفره و یا انداختن آنها در زباله، با توجه به مشکل بودن استفاده از راههای دیگر، جایز است یا خیر؟
استفاده از این روزنامه‌ها در مواردی که از نظر عرف، بی احترامی شمرده شود جایز نیست و اگر بی احترامی محسوب نشود اشکال ندارد.

س 161: آیا مسّ نقش کلمات روی انگشترها، جایز است؟
اگر از کلماتی باشد که شرط جواز مسّ آن طهارت است، مسّ آن بدون طهارت جایز نیست.
س 162: انداختن چیزی که مشتمل بر نامهای خداوند است در نهرها و جوی‌ها چه حکمی دارد؟ آیا این عمل اهانت محسوب می‌شود؟

اگر انداختن آنها در نهرها و جویبارها از نظر عرف اهانت محسوب نشود، اشکال ندارد.
س 163: آیا هنگام انداختن اوراق امتحانی تصحیح شده در زباله یا آتش زدن آنها، باید اطمینان حاصل شود که نامهای خداوند و اسامی معصومین علیهم السلام در آنها نباشد؟ آیا دور انداختن اوراقی که در یکی از دو طرف آن چیزی نوشته نشده است، اسراف محسوب می‌شود یا خیر؟
فحص و بررسی لازم نیست و هنگامی که وجود اسماء جلاله در ورقه احراز نشود، انداختن آن در زباله اشکال ندارد. اما اوراقی که امکان استفاده از آن در صنعت کارتن سازی و مانند آن وجود دارد و یا بر یک طرف آن نوشته شده است و طرف دیگر آن قابل استفاده برای نوشتن است، سوزاندن و دور انداختن آنها به علت وجود شبهه اسراف، خالی از اشکال نیست.

س 164: اسامی مبارکی که احترام آنها واجب و مسّ بدون وضوی آنها حرام است، کدامند؟
مسّ اسماء و صفات مخصوص ذات باری تعالی بدون وضو حرام است، و احوط الحاق نامهای انبیاء عظام و ائمه معصومین علیهم السلام به نامهای خداوند متعال، در حکم مذکور است.
س 165: راههای شرعی محو کردن اسماء مبارک و آیات قرآنی هنگام نیاز کدامند؟ سوزاندن اوراقی که در آن اسم جلاله و آیات قرآنی نوشته شده است، هنگام ضرورت برای حفظ اسرار چه حکمی دارد؟

دفن آنها در خاک و یا تبدیل آنها به خمیر بوسیله آب اشکال ندارد. ولی جواز سوزاندن آنها مشکل است و اگر بی احترامی محسوب شود، جایز نیست، مگر در صورتی که اضطرار اقتضا کند و جدا کردن آیات قرآنی و نامهای مبارک امکان نداشته باشد.

س 166: قطعه قطعه کردن اسماء مبارکه و آیات قرآنی به مقدار زیاد به طوری که حتی دو حرف آنها به هم متصل نمانده، و غیر قابل خواندن شوند، چه حکمی دارد؟ آیا در محو کردن اسماء مبارکه و آیات قرآنی و ساقط شدن حکم آنها، تغییر صورت خطی آنها با حذف و اضافه کردن حروف، کافی است؟

تقطیع به نحو مذکور اگر بی احترامی محسوب شود جایز نیست و در غیر این صورت نیز اگر موجب محو نوشته لفظ جلاله و آیات قرآنی نشود، کافی نیست، همچنان که تغییر صورت خطی کلمات با

اضافه یا کم کردن بعضی حروف نیز باعث زوال حکم شرعی حروفی که به قصد نوشتن لفظ جلاله به کار رفته‌اند، نمی‌شود. بلی، زوال حکم بر اثر تغییر حروف به نحوی که ملحق به محو حروف گردد، بعید نیست، هر چند احتیاط، اجتناب از مس آن بدون وضو است.

احکام غسل جنابت

س 167: آیا شخص جنب می‌تواند در صورت تنگی وقت با تیمم و نجاست بدن و لباس نماز بخواند یا این که باید بعد از تطهیر و غسل، نماز را قضا نماید؟

اگر وقت به مقداری نیست که بدن و لباسش را تطهیر کند و یا لباس خود را عوض نماید و به علت سردی هوا و مانند آن نمی‌تواند نماز خود را برهنه هم بخواند، باید نماز را با تیمم بدل از غسل جنابت با همان لباس نجس بخواند. این نماز مجزی است و قضای آن بر او واجب نیست.

س 168: آیا رسیدن منی به داخل رحم بدون دخول، سبب جنابت زن می‌شود؟
در این صورت جنابت محقق نمی‌شود.

س 169: آیا بر زنان پس از انجام معاینات داخلی با وسایل طبی غسل واجب می‌گردد؟
تا زمانی که منی خارج نشود، غسل واجب نیست.

س 170: اگر دخول به مقدار حشفه صورت بگیرد، ولی منی خارج نشود و زن نیز به مرحله اوج لذت نرسد، آیا غسل فقط بر زن واجب است یا فقط بر مرد یا بر هر دو؟
با تحقق دخول، ولو به مقدار حشفه، غسل بر هر دو واجب است.

س 171: در مورد احتلام زنان، در چه صورتی غسل جنابت بر آنان واجب می‌شود؟ و آیا رطوبتی که هنگام ملاعبه و شوخی با همسر از آنان خارج می‌شود، حکم منی را دارد؟ و آیا بدون سست شدن بدن و رسیدن به اوج لذت، غسل بر آنها واجب می‌شود؟ بطور کلی در زنان بدون نزدیکی، جنابت چگونه تحقق می‌یابد؟

اگر زن به اوج لذت جنسی برسد و در آن حال مایعی از او خارج شود جنابت محقق شده و غسل بر او واجب می‌شود و اگر شک کند که به این مرحله رسیده یا نه و یا شک در خروج مایع داشته باشد، غسل واجب نیست.

س 172: آیا خواندن کتاب و یا دیدن فیلمهایی که موجب تحریک شهوت می‌شود، جائز است؟
جایز نیست.

س 173: اگر زن بعد از نزدیکی همسرش با وی، در حالی که منی در رحم او باقی مانده است، بلافاصله غسل نماید و بعد از غسل، منی از رحم خارج شود، آیا غسل او صحیح است؟ آیا منی خارج شده بعد از غسل، پاک است یا نجس و موجب جنابت مجدد می‌شود یا خیر؟
غسل او صحیح است و رطوبتی که بعد از غسل از او خارج می‌شود، اگر منی باشد نجس است، ولی اگر منی مرد باشد، باعث جنابت مجدد نمی‌شود.

س 174: مدتی است که مبتلا به شک در غسل جنابت شده‌ام، به طوری که با همسرم نزدیکی نمی‌کنم. با این حال حالتی غیرارادی به من دست می‌دهد که گمان می‌کنم غسل جنابت بر من واجب شده است و حتی هر روز دو یا سه بار غسل می‌کنم، و این شک مرا آزار می‌دهد، تکلیف من چیست؟

با شک در جنابت حکم جنابت مترتب نمی‌شود، مگر این که رطوبتی از شما خارج شود که همراه با علامت‌های شرعی خروج منی باشد یا یقین به خروج منی داشته باشید.

س 175: آیا غسل جنابت در حال حیض صحیح است، به طوری که مسقط تکلیف زن جنب باشد؟ صحت غسل در فرض مذکور محل اشکال است.

س 176: اگر زن در حال حیض، جنب یا در حال جنابت حیض شود، آیا بعد از پاک شدن از حیض هر دو غسل بر او واجب است؟ یا این که با حدوث جنابت در حال حیض، غسل جنابت بر او واجب نیست زیرا در موقع جنابت پاک نبوده است؟

در هر دو صورت، علاوه بر غسل حیض، غسل جنابت هم واجب است، ولی جایز است که در مقام عمل، به غسل جنابت اکتفا کند، لیکن احوط این است که نیت هر دو غسل را بنماید.

س 177: در چه صورتی حکم می‌شود که رطوبت خارج شده از مرد منی است؟

اگر همراه با شهوت، جستن و سست شدن بدن باشد، حکم منی را دارد.

س 178: گاهی اثر گچ یا صابون بعد از غسل کردن در اطراف ناخن‌های دست و پا مشاهده می‌شود که در حمام هنگام غسل دیده نمی‌شد، ولی بعد از خروج از حمام و دقت، سفیدی صابون یا گچ آشکار می‌شود. در این حال تکلیف چیست؟ در حالی که بعضی از افراد هنگام غسل و وضو به این مسأله جاهل هستند و یا توجهی به آن ندارند و با فرض وجود اثر گچ یا صابون یقین به رسیدن آب به زیر آن حاصل نمی‌شود.

مجرد وجود اثر گچ یا صابون که بعد از خشک شدن اعضاء ظاهر می‌شود، ضرری به وضو یا غسل نمی‌رساند، مگر این که دارای جرمی باشد که مانع از رسیدن آب به بشره شود.

س 179: یکی از برادران می‌گوید صحت غسل مشروط به تطهیر بدن از نجاست، قبل از غسل است و اگر تطهیر آن از منی یا غیر آن در اثنای غسل باشد موجب بطلان غسل می‌شود. بر فرض صحت گفته او و با توجه به این که من جاهل به این مسأله بوده‌ام، آیا نمازهای گذشته من باطل بوده و قضای آنها واجب است؟

پاک بودن تمامی بدن قبل از غسل واجب نیست، بلکه پاک بودن هر عضوی هنگام غسل آن کافی است. بنابراین اگر عضو، قبل از غسل آن، تطهیر شده باشد، غسل و نمازی که با آن خوانده شده، صحیح است. ولی اگر عضو نجس قبل از غسل آن تطهیر نشود، و با یک شستن بخواهد هم آن را پاک کند و هم غسل نماید، غسل باطل است و نمازی که با چنین غسلی خوانده، باطل و قضای آن واجب است.

س 180: آیا رطوبتی که از انسان در حال خواب خارج می‌شود، حکم منی را دارد؟ با آنکه می‌دانیم هیچیک از علامت‌های سه گانه (جستن، شهوت و سستی بدن) را ندارد و شخص هم متوجه آن نمی‌شود مگر وقتی که بعد از بیداری لباس‌های زیر خود را مرطوب ببیند.

اگر علائم سه گانه يا يکي از آنها وجود نداشته باشد و يا شک در آن باشد، حکم مني را ندارد مگر اينکه از راه ديگري يقين کند که مني است.

س 181: جواني هستم که در خانواده فقيري زندگي مي‌کنم و از مني به دفعات زياد از من خارج مي‌شود و خجالت مي‌کشم از پدرم تقاضاي پول حمام بکنم، در خانه هم حمام نداريم. تقاضا مي‌کنم مرا راهنمائي فرمائيد.

در انجام تکليف شرعي، حيا معني ندارد. حيا، عذر شرعي براي ترک واجب نيست. به هر حال اگر غسل جنابت براي شما امکان ندارد، وظيفه شما براي نماز و روزه، تيمم بدل از غسل است. س 182: اينجانب با مشکلي مواجه هستم، مشکل من اين است که شستن بدنم، هر چند با يک قطره آب، براي بدنم ضرر دارد، حتي مسح هم همين طور است. هنگام شستن بدنم ولو به مقدار کم، علاوه بر عوارض ديگر، تپش قلبم زياد مي‌شود، آيا با اين وضعيت براي من جايز است با همسرم مقاربت نموده و براي چندين ماه تيمم بدل از غسل نمايم و با آن نماز خوانده و داخل مسجد شوم؟ ترک مقاربت بر شما واجب نيست، و در صورت جنابت و معذور بودن از انجام غسل، وظيفه شرعي شما براي اعمال مشروط به طهارت، تيمم بدل از غسل جنابت است، و با آن تيمم داخل مسجد شدن و خواندن نماز و مسّ نوشته قرآن کریم و بقيه اعمالی که انجام آنها مشروط به طهارت از جنابت است، اشکال ندارد.

س 183: استقبال قبله هنگام غسل واجب يا مستحب، واجب است يا خير؟ استقبال قبله در وقت غسل واجب نيست.

س 184: آيا غسل کردن با غُساله حدث اکبر با توجه به قليل بودن آب و طهارت بدن قبل از غسل، صحيح است؟

در فرض مرقوم، غسل کردن با آن مانعي ندارد.

س 185: اگر از کسي که مشغول غسل جنابت است، حدث اصغر سر بزند، آيا بايد دوباره غسل نمايد يا آنکه غسل را تمام کند و وضو بگيرد؟ حدث اصغر در اثناي غسل به صحت غسل ضرر نمي‌رساند و لازم نيست که غسل را از نو شروع کند، ولي چنين غسلی کفايت از وضو براي نماز و ساير اعمال مشروط به طهارت از حدث اصغر نمي‌کند.

س 186: اگر رطوبت غليظي که شبیه مني است و انسان آن را بعد از بول مشاهده مي‌کند، بدون شهوت و اراده از انسان خارج شود، آيا حکم مني را دارد؟ حکم مني بر آن مترتب نيست، مگر اين که يقين به مني بودن آن حاصل شود يا اين که هنگام خروج، علامت‌هاي شرعي مني را داشته باشد.

س 187: کسي که غسلهاي متعددي اعم از واجب يا مستحب بر ذمه او باشد، آيا يک غسل، کفايت از غسلهاي ديگر مي‌کند؟

اگر به نيت همه آنها يک غسل بجا آورد، کفايت مي‌کند و اگر در بين آنها غسل جنابت باشد و به نيت آن غسل کند، از بقيه غسلها هم کفايت مي‌کند. اگر چه احتياط اين است که همه آنها را نيت نمايد.

س 188: غير از غسل جنابت، آيا بقيه غسلها هم کفايت از وضو مي‌کنند؟

کفایت نمی‌کنند.

س 189: به نظر شریف جناب‌عالی آیا در غسل جنابت جریان آب بر بدن شرط است؟

ملاک، صدق شستن بدن به قصد غسل است و جریان آب بر بدن شرط نیست.

س 190: کسی که می‌داند اگر با نزدیکی با همسرش خود را جنب کند، آبی برای غسل کردن

نمی‌یابد و یا وقت برای غسل و نماز ندارد، آیا می‌تواند با همسرش نزدیکی نماید؟

در صورت عجز از غسل، اگر قدرت بر تیمم داشته باشد، می‌تواند با همسرش نزدیکی کند.

س 191: آیا در غسل جنابت مراعات ترتیب بین سر و سایر اعضای بدن کافی است یا این که باید

بین طرف راست و چپ بدن هم ترتیب رعایت شود؟

احتیاط واجب آن است که ترتیب بین دو طرف بدن نیز با مقدم داشتن طرف راست بر چپ مراعات

شود.

س 192: آیا هنگام غسل ترتیبی مانعی دارد ابتدا پشت خود را شسته و بعد نیت غسل ترتیبی

نموده و آن را جا آورم؟

شستن پشت و یا هر عضوی از اعضای بدن قبل از نیت غسل و شروع آن، اشکال ندارد. کیفیت

غسل ترتیبی به این صورت است که بعد از تطهیر تمام بدن باید نیت غسل نمود و اول سر و گردن را

شست، و سپس بنا بر احتیاط واجب طرف راست بدن از شانه تا پائین پا، و در مرحله سوم طرف چپ

بدن به همان ترتیب باید شسته شود. با رعایت این ترتیب، غسل به طور صحیح انجام می‌شود.

س 193: آیا بر زن واجب است هنگام غسل، اطراف موهایش را هم بشوید؟ و آیا با توجه به این که

آب به تمام پوست سر رسیده است، نرسیدن آب هنگام غسل به تمام مو، باعث بطلان غسل

می‌شود؟

بنا بر احتیاط واجب، باید تمام مو شسته شود.

احکام غسل باطل

س 194: کسی که به سن تکلیف رسیده ولی جاهل به وجوب غسل و کیفیت آن بوده و بعد از

گذشت مدتی در حدود ده سال متوجه مسأله تقلید و وجوب غسل بر او شده است، چه حکمی

دارد؟ وظیفه او نسبت به قضای نمازها و روزه‌های گذشته‌اش چیست؟

قضای نمازهایی که در حال جنابت خوانده، بر او واجب است، و همچنین قضای روزه هم در صورتی

که می‌دانسته جنب است، ولی جاهل به وجوب غسل بر جنب برای روزه گرفتن بوده، بر او واجب

است.

س 195: جوانی بر اثر نادانی قبل از چهارده سالگی و بعد از آن، اقدام به استمناء می‌کرده که بر اثر

آن از او منی خارج می‌شده، ولی نمی‌دانسته که خروج منی باعث جنابت می‌شود و باید برای نماز

و روزه غسل کند، تکلیف او چیست؟ آیا برای مدتی که استمناء می‌کرده و منی از او خارج می‌شده،

غسل بر او واجب است؟ آیا نماز و روزه‌های او از گذشته تا حال که در حال جنابت انجام گرفته باطل

بوده و قضای آنها واجب است؟

برای هر چند بار خروج منی اگر تا به حال غسل نکرده است یک غسل جنابت کافی است، و باید همه نمازهایی را که یقین دارد در حال جنابت خوانده است، قضا نماید. و اگر در شبهای ماه رمضان جاهل به اصل جنابت بوده، روزه‌های او قضا ندارد و محکوم به صحت است. ولی اگر عالم به خروج منی و جنابت بوده و نمی‌دانسته که برای صحت روزه، غسل بر او واجب است، باید روزه همه روزهایی را که در حال جنابت گرفته است قضا نماید.

س 196: شخصی که بعد از جنابت، غسل خود را به طور باطل و اشتباه انجام می‌دهد، با توجه به جهل او به این مسأله، نمازهایی را که با این غسل می‌خواند، چه حکمی دارند؟ نماز با غسل باطل، باطل است و باید اعاده یا قضا شود.

س 197: به قصد انجام یکی از غسل‌های واجب غسل کردم. پس از خروج از حمام متوجه شدم ترتیب را رعایت نکرده‌ام، و چون احتمال می‌دادم که نیت ترتیب کافی است، دوباره غسل نکردم. اکنون در کارم متحیر هستم، آیا قضای همه نمازهایی که خوانده‌ام، واجب است؟ اگر احتمال صحت غسل را می‌دهید و در وقت غسل متوجه انجام آنچه در صحت غسل معتبر است بوده‌اید، چیزی بر عهده شما نیست. بله، اگر یقین به بطلان غسل پیدا کنید، قضای همه نمازها بر شما واجب است.

س 198: من غسل جنابت را به این ترتیب انجام می‌دادم که ابتدا سمت راست بدن بعد سر و سپس قسمت چپ بدن را می‌شستم. در سؤال و تحقیق در این زمینه هم کوتاهی کرده‌ام، نماز و روزه‌ام چه حکمی دارند؟

غسل به کیفیت مذکور باطل است و موجب رفع حدث نمی‌شود. لذا نمازهایی که با چنین غسلی خوانده شده، باطل و قضای آنها واجب است. ولی روزه‌ها با فرض اینکه معتقد به صحت غسل به صورت مذکور بوده‌اید و بقای شما بر جنابت، عمده نبوده است، محکوم به صحت است.

س 199: آیا خواندن سوره‌هایی که سجده واجب دارند، بر جنب حرام است؟ از جمله کارهایی که بر جنب حرام است، خواندن خصوص آیات سجده این سوره‌ها است، ولی خواندن سایر آیات از این سوره‌ها اشکال ندارد.

احکام تیمم

س 200: اگر چیزهایی مثل خاک، گچ، سنگ که تیمم بر آنها صحیح است، به دیوار چسبیده باشند، آیا تیمم بر آنها صحیح است یا آنکه حتماً باید بر روی زمین باشند؟ در صحت تیمم، بودن آنها بر روی زمین شرط نیست.

س 201: در صورتی که جنب بر اثر عدم امکان رسیدن به حمام، چند روزی جنابتش استمرار داشته باشد، اگر بعد از نمازی که با تیمم بدل از غسل خوانده است، حدث اصغری از او سر بزند، آیا برای نماز بعدی باید دوباره تیمم بدل از غسل نماید؟ یا آنکه همان تیمم اول از جهت جنابت کفایت می‌کند، و برای نمازهای بعدی از جهت حدث اصغر وضو یا تیمم واجب است؟

شخص جنب پس از آن که به طور صحیح تیمم بدل از غسل جنابت کرد، اگر حدث اصغر از او سر بزند، تا زمانی که عذر شرعی مجوز تیمم بر طرف نشده است، بنابر احتیاط واجب باید برای اعمال مشروط به طهارت، تیمم بدل از غسل نماید و وضو هم بگیرد و اگر معذور از وضو باشد باید تیمم دیگری بدل از آن نماید.

س 202: آیا تیمم بدل از غسل همان احکام قطعی و ثابت غسل را دارد؟ به این معنی که آیا با آن داخل مسجد شدن جایز است؟ ترتیب همه آثار شرعی غسل بر تیمم بدل از غسل جایز است، مگر این که تیمم بدل از غسل به علت تنگی وقت باشد.

س 203: شخصی که از مجروحین جنگی است و بر اثر قطع نخاع قادر به کنترل ادرار خود نیست، آیا می‌تواند به این دلیل که حمام رفتن برای او کمی مشقت دارد، برای انجام اعمال مستحبی مانند غسل جمعه و زیارت و غیر آنها تیمم بدل از غسل نماید؟ صحت تیمم بدل از غسل برای اعمالی که مشروط به طهارت نیست، مانند زیارت محل اشکال است، ولی انجام آن بجای غسل‌های مستحبی در موارد عسر و حرج به قصد رجاء و مطلوبیت اشکال ندارد.

س 204: کسی که فاقد آب است و یا استعمال آب برایش ضرر دارد، آیا در صورت تیمم بدل از غسل جنابت، داخل مسجد شدن و خواندن نماز جماعت برای او جایز است؟ قرائت قرآن کریم چه حکمی دارد؟

تا زمانی که عذر مجوز تیمم باقی است و تیمم او باطل نشده، انجام همه اعمال مشروط به طهارت برای او جایز است.

س 205: رطوبتی از انسان در حال خواب خارج می‌شود و بعد از بیداری چیزی به یاد نمی‌آورد ولی لباس خود را مرطوب می‌بیند و وقت هم برای به یاد آوردن ندارد زیرا نماز صبح او قضا می‌شود. وظیفه انسان در این حالت چیست؟ چگونه نیت تیمم بدل از غسل نماید؟ حکم اصلی در این باره چیست؟ اگر می‌داند که محتلم شده، جنب است و باید غسل کند و در صورت تنگی وقت باید بعد از تطهیر بدنش تیمم نموده و نماز بخواند و سپس در وسعت وقت غسل نماید، ولی در صورت شک در احتلام و جنابت، حکم جنابت بر آن جاری نمی‌شود.

س 206: شخصی که چندین شب متوالی جنب شده، با توجه به این که در حدیث شریف آمده است که چند روز متوالی حمام رفتن انسان را ضعیف می‌کند، چه تکلیفی دارد؟ غسل بر او واجب است، مگر این که استعمال آب برای او ضرر داشته باشد که در این صورت باید تیمم کند.

س 207: من در یک وضعیت غیرطبیعی به سر می‌برم، بطوری که از من چند دفعه بدون اختیار در نوبت‌های متعدد منی خارج می‌شود که خروج آن همراه با لذت نیست. وظیفه من درباره هر نماز چیست؟

اگر غسل کردن برای هر نماز ضرر دارد و یا تکلیف خیلی دشواری بر شماست، بعد از تطهیر بدن با تیمم نماز بخوانید.

س 208: کسی که غسل جنابت را برای نماز صبح انجام نداده است و به اعتقاد این که اگر غسل کند، مریض می‌شود، تیمم کرده است، چه حکمی دارد؟

اگر به اعتقاد او غسل برایش ضرر دارد، تیمم اشکال ندارد و نماز با آن صحیح است.

س 209: کیفیت تیمم چگونه است؟ آیا فرقی بین تیمم بدل از وضو و غسل هست؟

تیمم بدین ترتیب است: ابتدا باید نیت نماید و سپس کف هر دو دست را بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است بزند و آن را به تمام پیشانی و دو طرف آن از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی بکشد، و سپس کف دست چپ را بر تمام پشت دست راست و کف دست راست را بر تمام دست چپ، بکشد و احتیاط واجب این است که بار دیگر دستها را به زمین بزند و سپس کف دست چپ را بر پشت دست راست و کف دست راست را بر پشت دست چپ بکشد. این ترتیب در تیمم بدل از وضو و بدل از غسل یکسان است.

س 210: تیمم بر سنگ گچ و آهک و پخته شده آنها و آجر چه حکمی دارد؟

تیمم بر هر آنچه از زمین محسوب شود مانند سنگ گچ و سنگ آهک، صحیح است. و بعید نیست، تیمم بر گچ و آهک پخته و آجر و امثال آنها هم صحیح باشد.

س 211: فرموده‌اید چیزی که بر آن تیمم می‌شود باید پاک باشد، آیا اعضاء تیمم (پیشانی و پشت دستها) هم باید پاک باشند؟

احتیاط آن است که در صورت امکان، پیشانی و پشت دستها پاک باشند و اگر فردی نتواند محل تیمم را تطهیر کند، بدون آن تیمم نماید؛ هر چند بعید نیست که طهارت در هر صورت شرط نباشد. س 212: اگر انسان نتواند وضو بگیرد و تیمم هم برای او امکان نداشته باشد، چه وظیفه‌ای دارد؟ اگر انسان نتواند برای نماز وضو بگیرد و تیمم هم ممکن نباشد، بنا بر احتیاط باید نماز را در وقت بدون وضو و تیمم بخواند و سپس با وضو یا تیمم قضا کند.

س 213: من به بیماری پوستی مبتلا شده‌ام، بطوری که هر گاه غسل می‌کنم پوست بدنم خشک می‌شود. حتی در صورت شستن دست و صورتم هم این خشکی به وجود می‌آید. بنابراین مجبورم روغن به پوستم بمالم، در نتیجه هنگام وضو بخصوص برای نماز صبح با مشکلاتی مواجه می‌شوم. آیا جایز است در نمازهای صبح به جای وضو تیمم کنم؟

اگر استعمال آب برای شما ضرر داشته باشد، وضو گرفتن صحیح نیست، و باید به جای آن تیمم کنید. و اگر ضرر ندارد و روغن مذکور مانع از رسیدن آب به اعضایی وضو نباشد، باید وضو بگیرید و اگر مانع است و می‌توانید روغن را پاک نموده و وضو بگیرید و سپس روغن بزنید، نوبت به تیمم نمی‌رسد.

س 214: شخصی به خاطر تنگی وقت، نمازش را با تیمم خوانده است. بعد از فراغت از نماز برای او آشکار می‌شود که وقت برای وضو داشته است. نماز او چه حکمی دارد؟

اعاده آن نماز بر او واجب است.

س 215: ما در منطقه سردسیری زندگی می‌کنیم که نه حمام دارد و نه مکانی برای استحمام، وقتی در ماه مبارک رمضان به حالت جنابت از خواب بیدار می‌شویم، با توجه به این که غسل کردن جوانان در نیمه شب در برابر مردم با آب مشک یا حوض عیب شمرده می‌شود و آب هم در آن وقت

سرد است، تکلیف ما برای روزه فردا چیست؟ آیا تیمم جایز است؟ در صورتی که غسل نکند، افطار کردن روزه آن روز چه حکمی دارد؟
مجرد مشقت یا عیب شمرده شدن اغتسال جوانان در نیمه شب، عذر شرعی محسوب نمی‌شود، بلکه مادامی که غسل، حرجی و موجب ضرر برای مکلف نشود، غسل کردن به هر صورتی که امکان دارد واجب است، و در صورت حرج یا ضرر باید قبل از طلوع فجر تیمم کند و با تیمم بدل از غسل جنابت پیش از طلوع فجر روزه‌اش صحیح است، و اگر تیمم نکند روزه‌اش باطل است، ولی امساک در طول روز بر او واجب می‌باشد.

احکام بانوان

س 216: مادرم از ذریه پیامبر اکرم ﷺ صلی الله علیه و آله است. آیا من نیز از سادات محسوب می‌شوم؟ آیا می‌توانم عادت ماهیانه‌ام را تا شصت سالگی، حیض قرار دهم و در آن ایام نماز و روزه خود را انجام ندهم؟

زنی که پدرش هاشمی نیست هر چند مادرش از سادات باشد اگر بعد از پنجاه سالگی خونی را مشاهده کند، محکوم به استحاضه است.

س 217: اگر زنی که به خاطر نذر روزه روز معینی روزه‌دار است، در حال روزه حیض شود، چه تکلیفی دارد؟

روزه‌اش با عادت شدن، ولو در یک جزء از روز باشد، باطل می‌شود و قضای آن روز بعد از پاک شدن بر او واجب است.

س 218: لکه‌هائی که زن بعد از یقین به پاک شدن می‌بیند، با توجه به این که آن لکه‌ها نه اوصاف خون را دارند و نه خون مخلوط با آب را، چه حکمی دارد؟

اگر خون نباشد حکم حیض را ندارد، و اگر خون باشد اگر چه به صورت لکه‌های زرد رنگ و از ده روز تجاوز نکند همه آن لکه‌ها محکوم به حیض است، و تشخیص این موضوع به عهده زناست.

س 219: جلوگیری از عادت ماهیانه بوسیله دارو به خاطر روزه ماه رمضان چه حکمی دارد؟ اشکال ندارد.

س 220: اگر زنی در ایام بارداری به خون ریزی کمی مبتلا شود ولی باعث سقط حمل او نگردد، آیا غسل بر او واجب می‌شود یا خیر؟ وظیفه او چیست؟

خونی که زن در ایام بارداری می‌بیند اگر صفات و شرایط حیض را داشته باشد، و یا در زمان عادت بوده و سه روز اگر چه در باطن استمرار داشته باشد خون حیض است والا استحاضه خواهد بود.

س 221: زنی دارای عادت ماهیانه معینی مثلاً هفت روز است، به علت گذاشتن دستگاه جلوگیری از حاملگی، هر بار دوازده روز خون می‌بیند. آیا خونی که از روز هفتم به بعد می‌بیند خون حیض است یا استحاضه؟

اگر خون تا روز دهم قطع نشود، خونی که در ایام عادت می‌بیند خون حیض است و باقی استحاضه خواهد بود.

س 222: آیا جایز است زنی که در حال حیض و یا نفاس است داخل حرم امامزادگان **علیهم السلام** شود؟ جایز است.

س 223: زنی که عمل کورتاژ (سقط جنین) را انجام داده، در حال نفاس است یا خیر؟ بعد از سقط جنین ولو به صورت علقه باشد اگر خونی را مشاهده کرد، محکوم به نفاس است.
س 224: خونی که زن در سن یائسگی می‌بیند، چه حکمی دارد؟ و وظیفه شرعی او چیست؟ محکوم به استحاضه است.

س 225: یکی از راههای جلوگیری از حاملگی‌های ناخواسته، استفاده از داروهای ضد حاملگی است. زنهایی که از این داروها استفاده می‌کنند لکه‌های خونی را در ایام عادت و غیر آن مشاهده می‌کنند. این لکه‌ها چه حکمی دارد؟ اگر این لکه‌ها واجد شرایط شرعی حیض نباشد، حکم حیض را ندارد، بلکه محکوم به استحاضه است.

احکام اموات

س 226: آیا در غسل و کفن و دفن اموات، مماثلت و همجنس بودن شرط است یا هر یک از زن و مرد می‌تواند امور میت دیگر را انجام دهد؟ همجنس بودن با میت فقط در غسل دادن او شرط است و در صورتی که غسل دادن میت به وسیله همجنس او امکان دارد، غسل دادن به وسیله غیر همجنس صحیح نیست و غسل میت باطل است. ولی در تکفین و تدفین همجنس بودن شرط نیست.

س 227: امروزه در روستاها متعارف است که اموات را در منزل مسکونی غسل می‌دهند. گاهی میت وصی نداشته و چند فرزند صغیر دارد. نظر مبارک راجع به این موارد چیست؟ تصرفات مورد نیاز برای تجهیز میت از قبیل غسل و کفن و دفن، به مقدار متعارف، متوقف بر اذن ولی صغیر نیست و اشکال از جهت وجود فرزندان صغیر ایجاد نمی‌شود.

س 228: شخصی بر اثر تصادف یا سقوط از ارتفاع فوت کرده است و جسد او خونریزی دارد، آیا باید منتظر ماند تا خون، خود به خود یا با وسایل پزشکی بند بیاید یا این که با وجود خونریزی جایز است اقدام به دفن او نمایند؟

تطهیر بدن میت قبل از غسل در صورت امکان واجب است، و اگر انتظار برای توقف خونریزی یا منع آن ممکن باشد، واجب است.

س 229: استخوان مرده‌ای که حدود چهل یا پنجاه سال از دفن آن می‌گذرد و مقبره او از بین رفته و تبدیل به میدان عمومی گردیده است، در اثر کندن نهري در آن میدان ظاهر شده است. آیا لمس کردن استخوان‌ها براي دیدن آنها اشکال دارد؟ آیا استخوان‌ها نجس هستند؟ استخوان میت مسلماني که غسل داده شده است، نجس نیست؛ ولي دفن مجدد آن زیر خاک واجب است.

س 230: آیا براي انسان جایز است که پدر یا مادر و یا یکی از بستگان خود را در کفني که براي خودش خریده است، کفن کند؟ اشکال ندارد.

س 231: یک تیم پزشکی براي انجام آزمایشها و تحقیقات پزشکی احتیاج دارند که قلب و بعضي از اعضاي مرده را از جسد او جدا سازند و بعد از گذشت یک روز از انجام آزمایشها و مطالعات، اقدام به دفن آن کنند. امیدواریم لطف نموده به سؤالات زیر پاسخ فرمائید:

- آیا با توجه به این که امواتي که این آزمایشها بر روی آنها اعمال می‌شود از مسلمانان هستند، اقدام به این کار براي ما جایز است؟

- آیا دفن قلب و بعضي از اعضاي جسد جدای از بدن میت جایز است؟

- آیا با توجه به این که دفن جداگانه قلب و بعضي از اعضا مشکلات فراواني براي ما ایجاد می‌کند، دفن آن اعضا با بدن میت دیگر جایز است یا خیر؟

در صورتی که نجات نفس محترمه یا دستیابی به تجارب علوم پزشکی که جامعه به آن محتاج است، و یا شناسائی نوعي بیماری که حیات مردم را تهدید می‌کند، متوقف بر تشریح باشد، تشریح جسد میت جایز است، لکن لازم است تا آنجا که استفاده از جسد غیر مسلمان امکان دارد، از جسد مسلم استفاده نشود. حکم شرعي اعضايی که از جسد مسلمان جدا شده‌اند، این است که با بدن دفن شوند، و اگر امکان نداشت، دفن جداگانه آنها اشکال ندارد.

س 232: اگر شخصی براي خودش کفني بخرد و همیشه در وقت نمازهاي واجب یا مستحب یا هنگام قرائت قرآن کریم، آن را پهن نموده و روی آن نماز و قرآن بخواند و هنگام مرگ از آن به عنوان کفن استفاده کند. آیا این عمل جایز است؟ آیا از نظر اسلام صحیح است که انسان کفني را براي خود بخرد و بر آن آیات قرآني بنویسد و از آن فقط هنگام تکفین استفاده نماید؟ موارد مذکور اشکال ندارد.

س 233: اخیراً جنازه زني در یک قبر قدیمی که تاریخ آن به حدود هفتصد سال پیش بر می‌گردد، کشف شده است. این جنازه مشتمل بر اسکلت استخواني عظیم کامل و سالمی است که بر جمجمه آن مقداري مو وجود دارد. به استناد گفته‌هاي باستان شناساني که آن را کشف کرده‌اند، جنازه متعلق به یک زن مسلمان است. آیا جایز است -، این اسکلت استخواني بزرگ و مشخص را از طرف موزه علوم طبیعی (بعد از بازسازی شکل قبر و قراردادن جنازه در آن) در معرض بازدید قرار داد تا موجب عبرت بازدید کنندگان از موزه علوم طبیعی گردد و یا با نوشتن آیات و احادیث مناسب باعث تذکر و موعظه دیدار کنندگان شود؟

اگر ثابت شود که اسکلت استخواني، متعلق به بدن میت مسلمان است، دفن فوري آن واجب است.

س 234: گورستانی در روستائی وجود دارد که ملک خاص کسی نیست و وقف هم نشده است، آیا جایز است اهالی این روستا از دفن اموات شهر یا روستاهای دیگر یا میتی که وصیت کرده در آن قبرستان دفن شود، جلوگیری کنند؟

اگر قبرستان عمومی مزبور ملک خاص کسی یا وقف خاص اهالی آن روستا نباشد، نمی‌توانند از دفن اموات دیگران در آن قبرستان جلوگیری کنند و اگر شخصی وصیت کرده است در آن دفن شود، واجب است طبق وصیت عمل شود.

س 235: روایاتی وجود دارد دال بر این که پاشیدن آب بر قبور مستحب است، مانند روایاتی که در کتاب **❖ لآلی الاخبار ❖** ذکر شده است، آیا این استحباب مخصوص روز دفن میت است یا اطلاق دارد، چنانچه نظر مؤلف **❖ لآلی الاخبار ❖** چنین است؟ نظر جنابعالی در این باره چیست؟
پاشیدن آب بر قبر در روز دفن مستحب است و بعد از آن نیز به قصد رجاء اشکال ندارد.
س 236: چرا میت را شب دفن نمی‌کنند؟ آیا دفن میت در شب حرام است؟
دفن میت در شب اشکال ندارد.

س 237: شخصی بر اثر تصادف ماشین فوت کرده است، پس از غسل و کفن او را به قبرستان آوردند، ولی هنگام دفن متوجه شدند که تابوت و کفن آغشته به خونی است که از او جریان دارد، آیا عوض کردن کفن او در این حالت واجب است؟

اگر شستن آن قسمت از کفن که به خون آغشته شده است یا بریدن و یا عوض کردن آن امکان داشته باشد، آن کار واجب است، ولی اگر امکان ندارد، دفن میت به همان صورت جایز است.

س 238: اگر سه ماه از دفن آن میت با کفن آغشته به خون بگذرد، آیا نبش قبر در این حالت جایز است؟

نبش قبر در فرض سؤال جایز نیست.

س 239: از حضرتعالی تقاضا می‌کنیم به سه سؤال زیر پاسخ فرمائید.

- اگر زن حامله‌ای هنگام وضع حمل از دنیا برود، جنین موجود در رحم زن در موارد زیر چه حکمی دارد؟

الف: اگر روح به تازگی در او دمیده شده باشد (سه ماه یا بیشتر)، با توجه به این که احتمال مرگ جنین در صورت خارج کردن آن از رحم مادر بسیار زیاد است؟

ب: اگر عمر جنین هفت ماه یا بیشتر باشد؟

اگر جنین در رحم مادر مرده باشد؟

- اگر زن حامله هنگام وضع حمل بمیرد، آیا بررسی کامل مرگ و زندگی جنین بر دیگران واجب است؟

- اگر زن حامله هنگام وضع حمل فوت کند و بچه در شکم او زنده بماند و شخصی بر خلاف متعارف

با وجود زنده بودن جنین دستور دفن مادر با جنین را بدهد، نظر شما در این باره چیست؟

اگر جنین با مرگ مادرش فوت کند، و یا فوت مادر پیش از دمیده شدن روح در جنین باشد، خارج کردن

آن از شکم مادر واجب نیست، بلکه جایز هم نیست. ولی اگر روح در او دمیده شده و در شکم

مادرش که از دنیا رفته است، زنده باشد و احتمال زنده ماندنش تا زمان خارج کردن او از رحم مادر

وجود داشته باشد، واجب است که سریعاً او را از شکم مادر خارج کنند، و تا وقتی که موت جنین در

رحم احراز نشده است، دفن مادر همراه با جنین جایز نیست و اگر جنین زنده همراه مادرش دفن شد

و حتي بعد از دفن هم احتمال زنده بودنش وجود داشته باشد، واجب است اقدام به نبش قبر و خارج کردن جنين زنده از شکم مادر نمايند. همچنين اگر حفظ حيات جنين در شکم مادرش متوقف بر دفن نکردن مادر باشد، ظاهر اين است که تأخير دفن مادر واجب است تا جان جنين حفظ شود، و اگر کسي بگويد دفن زن حامله با جنين زنده‌اي که در رحم او وجود دارد جايز است و ديگران به گمان صحت نظر او اقدام به دفن نمايند و اين کار منجر به مرگ بچه در داخل قبر شود، پرداختن ديه بر کسي که مباشر دفن بوده، واجب است، مگر اين که مرگ جنين مستند به گفته آن شخص باشد که در اين صورت ديه بر او واجب است.

س 240: شهرداري براي استفاده بهينه از زمين، دستور داده است قبرها به صورت دو طبقه ساخته شود. تمناً مي‌کنيم حکم شرعي آن را بيان فرمائيد.

جايز است که قبور مسلمانان در چندين طبقه ساخته شود، به شرطي که اين کار سبب نبش قبر و هتک حرمت مسلمان نشود.

س 241: کودکي در چاه سقوط کرده و مرده است. آب موجود در چاه مانع خارج کردن بدن او است، حکم آن چيست؟

جسد کودک در همان چاه به حال خود رها مي‌شود و چاه قبر او خواهد بود و اگر چاه ملک شخصي کسي نباشد و يا مالک آن به مسدود کردن آن راضي باشد، تعطيل کردن چاه و بستن آن واجب است.

س 242: در منطقه ما مرسوم است که مراسم سينه‌زني و زنجيرزني به صورت سنتي آن فقط در عزاداري ائمه اطهار \blacklozenge عليهم السلام \blacklozenge و شهدا و بزرگان ديني برگزار مي‌شود. آيا برپايي اين مراسم به خاطر در گذشت افرازي از نيروهاي بسيج و يا از کساني که به نحوي به حکومت اسلامي و اين ملت مسلمان خدمات کرده‌اند، جايز است؟
اين عمل اشکال ندارد.

س 243: با توجه به اينکه رفتن به قبرستان در شب مکروه است، اگر کسي با اين اعتقاد که شبانه به قبرستان رفتن عامل مؤثري در تربيت اسلامي است، شبانه به قبرستان برود، چه حکمي دارد؟
اشکال ندارد.

س 244: آيا شرکت در تشيع جنازه و حمل آن براي زنان جايز است؟
اشکال ندارد.

س 245: در ميان بعضي از عشايير معمول است که هنگام مرگ بعضي از اشخاص، با قرض، اقدام به خريد تعداد زيادي گوسفند مي‌کنند تا همه کساني را که در مراسم عزاداري شرکت مي‌نمايند، اطعام کنند. اين کار باعث ضرر فراواني به آنها مي‌شود، آيا تحمل اين ضررها براي حفظ عادات و رسوم جايز است؟

اگر اطعام از اموال ورثه بزرگسال و با رضایت آنها باشد، جايز است. ولي اگر اين کار موجب بروز مشکلات و ضررهاي مالي مي‌شود از آن اجتناب شود و اگر انفاق از اموال ميت صورت بگيرد، بستگي به نحوه وصيت او دارد و به طور کلي در اين گونه امور بايد از اسراف و زياده روي که موجب تضييع نعم الهي مي‌شود پرهيز گردد.

س 246: اگر در زمان حاضر، شخصی در منطقه‌ای بر اثر انفجار مین کشته شود، آیا احکام شهید را دارد؟

سقوط تکلیف غسل و کفن شهید از احکام اختصاصی شهیدی است که در میدان جنگ کشته شود.

س 247: برادران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در محورهای شهرهای مرزی رفت و آمد می‌کنند، گاهی با کمین‌هایی که از طرف بعضی از عناصر ضد انقلاب اسلامی گذاشته می‌شود، مواجه می‌شوند که گاهی منجر به شهادت آنان می‌گردد. آیا غسل یا تیمم این شهدای عزیز واجب است یا این که آنجا میدان جنگ محسوب می‌شود؟

اگر آن محورها و منطقه مزبور میدان جنگ بین گروه حق و گروه باطل و یاغی باشد، افرادی که از گروه حق در آنجا به شهادت می‌رسند، حکم شهید را دارند.

س 248: آیا کسی که واحد شرایط امامت در نماز جماعت نیست، جایز است امامت نماز میت بر جنازه یکی از مؤمنین را عهده‌دار شود؟

بعید نیست که شرائط معتبر در جماعت و امامت جماعت در سایر نمازها در نماز میت شرط نباشد، هر چند احوط این است که آن شرائط در نماز میت هم رعایت شود.

س 249: اگر مؤمنی در جایی از جهان در راه اجرای احکام اسلامی یا در تظاهرات و یا در راه اجرای فقه جعفری کشته شود، آیا شهید محسوب می‌شود؟

چنین شهیدی اجر و ثواب شهید را دارد، ولی احکام تجهیز شهید اختصاص به کسی دارد که در میدان جنگ، هنگام درگیری و در معرکه نبرد به شهادت رسیده باشد.

س 250: اگر مسلمانی بر اساس قانون و تأیید قوه قضائیه به جرم حمل مواد مخدر به اعدام محکوم شود و حکم اعدام درباره او اجرا گردد:

- آیا نماز میت بر او خوانده می‌شود؟

- شرکت در مجلس عزا و قرائت قرآن کریم و مصیبت خوانی برای اهل بیت **علیهم‌السلام** که برای او برگزار می‌شود، چه حکمی دارد؟

مسلمانی که حکم اعدام درباره او اجرا گردیده است، حکم سایر مسلمانان را دارد و همه احکام و آداب اسلامی میت در مورد او هم جاری است.

س 251: آیا مس کردن استخوانی که همراه با گوشت است و از بدن انسان زنده جدا شده، موجب غسل مس میت می‌شود؟

دست زدن به عضوی که از بدن شخص زنده جدا شده است، غسل ندارد.

س 252: آیا دست زدن به عضوی که از بدن انسان، مرده، جدا شده، غسل مس میت واجب می‌شود؟

دست زدن به عضوی که از بدن مرده جدا شده، پس از سرد شدن و پیش از غسل دادن، در حکم دست زدن به بدن مرده است.

س 253: آیا شخص مسلمان را باید هنگام احتضار رو به قبله خواباند؟

شایسته است که شخص مسلمان را در حال احتضار به پشت و به سمت قبله بخوابانند، به طوری که کف پای او به جانب قبله باشد. بسیاری از فقهاء این عمل را برخورد محتضر در صورتی که قادر باشد و بر دیگران، واجب دانسته‌اند و احتیاط در انجام آن ترک نشود.

س 254: اگر هنگام کشیدن دندان مقداری از بافت‌های لثه هم همراه آن کنده شود، آیا دست زدن به آنها موجب غسل مسّ میت می‌شود؟
مس آن موجب غسل مس میت نمی‌شود.

س 255: آیا بر شهید مسلمان‌ی که با لباسش دفن شده است، احکام مسّ میت مترتب است؟
با مسّ شهیدی که تغسیل و تکفین در حق او ساقط است، غسل مسّ میت واجب نمی‌شود.

س 256: اینجانب دانشجوی رشته پزشکی هستم. گاهی هنگام تشریح مجبور به مسّ جسد کسانی که از دنیا رفته‌اند می‌شویم و نمی‌دانیم که آن اموات مسلمان هستند یا خیر، و غسل داده شده‌اند، یا خیر؟ ولی مسئولین می‌گویند که این اجساد غسل داده شده‌اند. با توجه به این مطالب امیدواریم وظیفه ما نسبت به نماز و غیر آن را بعد از مسّ آن اجساد بیان فرمائید، و اینکه آیا بر اساس آنچه ذکر شد، غسل بر ما واجب می‌شود یا خیر؟

اگر غسل دادن میت، احراز نشود و شما در آن شک داشته باشید، با مسّ جسد یا اجزاء آن، غسل مسّ میت بر شما واجب می‌شود، و نماز بدون غسل مسّ میت صحیح نیست. ولی اگر اصل غسل میت احراز شود با مسّ جسد یا بعضی از اجزای آن، غسل مسّ میت واجب نمی‌شود، حتی اگر در صحت غسل آن میت شک داشته باشید.

س 257: شهیدی که نام و نشانی او معلوم نیست، با تعدادی از اطفال در یک قبر دفن شده است. بعد از مدتی شواهدی به دست آمد حاکی از این که آن شهید اهل شهری که در آن دفن شده،

نیست. آیا نبش قبر او جهت حمل جسد شهید به شهر خودش جایز است؟

اگر بر اساس موازین و احکام شرعی دفن گردیده، نبش قبر وی جایز نیست.

س 258: اگر آگاهی از داخل قبر و تصویر برداری تلویزیونی از آنچه در آن است، بدون کندن و

خاکبرداری، ممکن باشد، آیا بر این عمل نبش قبر صدق می‌کند یا خیر؟

بر تصویربرداری از بدن میتی که در قبر دفن شده است بدون کندن و نبش قبر و آشکار شدن جنازه، عنوان نبش قبر صدق نمی‌کند.

س 259: شهرداری قصد دارد مقبره‌های اطراف قبرستان را برای توسعه کوچه‌ها، خراب نماید آیا این

عمل جائز است؟ ثانیاً: آیا خارج کردن استخوان‌های آن اموات و دفن آنها در مکانی دیگر جایز است؟

تخریب قبور مومنین و نبش آنها جایز نیست، حتی اگر برای تعریض کوچه‌ها باشد، و در صورت وقوع

نبش قبر و آشکار شدن بدن میت مسلمان یا استخوان‌های آن که هنوز پوسیده نشده‌اند، واجب

است دوباره دفن شوند.

س 260: اگر شخصی بدون رعایت موازین شرعی اقدام به خراب کردن قبرستان مسلمانان کند،

مسلمان‌های دیگر در برابر او چه مسئولیتی دارند؟

وظیفه دیگران در این باره نهی از منکر با رعایت شرایط و مراتب آن است، و اگر در اثر تخریب قبور

استخوان بدن میت مسلمان ظاهر شود واجب است آن را مجدداً دفن نمایند.

س 261: پدرم در حدود 36 سال است که در قبرستان دفن شده است. اکنون به فکر افتاده‌ام که با

کسب اجازه از اداره اوقاف از آن قبر برای خودم استفاده کنم. آیا با توجه به وقفی بودن قبرستان،

اجازه گرفتن از برادرانم در این باره لازم است؟

اجازه گرفتن از سایر ورثه میّت نسبت به قبّری که زمین آن وقف عام برای دفن اموات شده، شرط نیست. ولی قبل از تبدیل استخوان‌های میّت به خاک، نبش قبر برای دفن میّت دیگری در آن جایز نیست.

س 262: آیا راهی برای خراب کردن قبرستان مسلمان‌ها و تبدیل آن به مراکز دیگر وجود دارد، توضیح دهید؟

تغییر و تبدیل قبرستان مسلمانان که برای دفن اموات مسلمین وقف شده، جایز نیست.

س 263: آیا نبش قبر و تبدیل قبرستانی که برای دفن اموات وقف گردیده، بعد از اخذ اجازه از مرجع تقلید جایز است؟

در مواردی که نبش قبر و تبدیل قبرستان وقف شده برای دفن اموات جایز نیست، اجازه مرجع تقلید اثری ندارد. و اگر از موارد استثناء باشد اشکال ندارد.

س 264: مردی در حدود بیست سال پیش فوت نموده، چندی پیش هم زنی در همان روستا از دنیا رفت، اشتباها قبر آن مرد را حفر و زن را در آن دفن کردند، با توجه به این که در داخل قبر هیچ اثری از جسد مرد مزبور وجود ندارد، وظیفه فعلی ما چیست؟

در حال حاضر، با توجه به فرض سؤال، دیگران هیچ تکلیفی ندارند و مجرد دفن میّت در قبر میّت دیگر موجب جواز نبش قبر برای انتقال جسد به قبر دیگر نمی‌شود.

س 265: در وسط خیابانی، چهار قبر وجود دارد که مانع ادامه جاده سازی هستند، از طرفی هم نبش قبر اشکال شرعی دارد. امیدواریم برای این که شهرداری مرتکب عمل خلاف شرعی نشود، وظیفه ما را بیان فرمائید.

اگر احداث جاده متوقف بر حفر قبر و نبش آن نباشد و عبور جاده از روی قبرها امکان دارد، یا احداث جاده با وجود قبرها ضروری و طبق قانون لازم باشد، احداث آن اشکال ندارد.

احکام روزه

زن باردار و شیرده

س 745: آیا روزه گرفتن بر زن بارداری که نمی‌داند روزه بر جنین او ضرر دارد یا خیر، واجب است؟ اگر بر اثر روزه، خوف ضرر بر جنین داشته باشد و خوف وی هم دارای منشاء عقلایی باشد، افطار بر او واجب است و در غیر این صورت واجب است که روزه بگیرد.

س 746: زنی که کودک خود را شیر می‌داده و باردار هم بوده و در همان حال روزه ماه رمضان را هم گرفته است، و هنگام زایمان فرزندش مرده به دنیا آمد، اگر از ابتدا احتمال ضرر را می‌داده و در عین حال روزه گرفته است:

- آیا روزه‌اش صحیح است یا خیر؟

- آیا دیه بر ذمه او هست یا خیر؟

- اگر احتمال ضرر نمی‌داده، ولی بعداً معلوم شده که روزه گرفتن برای جنین ضرر داشته، چه حکمی دارد؟

اگر با وجود خوف از ضرری که دارای منشاء عقلانی است، روزه گرفته باشد و یا بعداً برایش معلوم شود که روزه برای وی یا برای جنین‌اش ضرر داشته، روزه‌اش صحیح نیست و قضای آن بر او واجب است، ولی ثبوت دیه جنین متوقف بر این است که ثابت شود فوت جنین مستند به روزه گرفتن وی است.

س 747: من به لطف خداوند متعال دارای فرزندی هستم که شیرخوار است. إن شاء الله تعالی بزودی ماه مبارک رمضان فرا خواهد رسید. در حال حاضر می‌توانم روزه بگیرم ولی در صورت روزه گرفتن، شیرم خشک خواهد شد. با توجه به اینکه دارای بنیه ضعیفی هستم و کودکم هر ده دقیقه شیر می‌خواهد، چه وظیفه‌ای دارم؟

اگر به دلیل کم یا خشک شدن شیرتان بر اثر روزه، خوف ضرر بر طفل خود داشته باشید، روزه‌تان را افطار کنید، ولی برای هر روزی باید یک مد طعام به فقیر بدهید و قضای روزه را هم بعداً بجا آورید.

بیماری و منع پزشک

س 748: بعضی از پزشکان که به مسائل شرعی ملتزم نیستند، بیماران را از روزه گرفتن به دلیل ضرر داشتن منع می‌کنند، آیا گفته این پزشکان حجت است یا خیر؟
اگر پزشک امین نباشد و گفته او هم اطمینان آور نباشد و باعث خوف ضرر نشود، گفته او اعتباری ندارد و در غیر این صورت نباید روزه بگیرد.

س 749: مادرم تقریباً سیزده سال بیمار بود و به همین دلیل نمی‌توانست روزه بگیرد. من دقیقاً اطلاع دارم که علت روزه نگرفتن او احتیاج به مصرف دارو بوده است، امیدواریم ما را راهنمایی فرمائید که آیا قضای روزه‌ها بر او واجب است؟

اگر ناتوانی او از روزه گرفتن بر اثر بیماری بوده، قضا ندارد.

س 750: من بر اثر ضعف جسمانی از ابتدای سن بلوغ تا دوازده سالگی روزه نگرفته‌ام، در حال حاضر چه تکلیفی دارم؟

واجب است روزه‌هائی را که در ماه مبارک رمضان نگرفته‌اید با اینکه به سن تکلیف رسیده بودید، قضا کنید، و اگر افطار روزه ماه رمضان عمدی و اختیاری و بدون عذر شرعی بوده، کفاره هم بر شما واجب است.

س 751: چشم پزشک مرا از روزه گرفتن منع کرده و گفته است که به علت ناراحتی چشم به هیچ وجه نباید روزه بگیرم، ولی من به گفته او توجه نکرده و شروع به روزه گرفتن کردم که باعث بروز مشکلاتی برای من در اثنای ماه رمضان شد. به طوری که در بعضی از روزها هنگام عصر احساس ناراحتی می‌کنم، لذا متحیر و مردد هستم بین اینکه روزه بگیرم و یا ناراحتی‌ام را تحمل کرده و روزه را تا غروب ادامه دهم. سؤال این است که آیا اصولاً روزه گرفتن بر من واجب است؟ و در روزهای که روزه می‌گیرم و نمی‌دانم قدرت ادامه آن را تا غروب دارم یا نه، آیا روزه‌ام را ادامه دهم؟ و نیت من چگونه باید باشد؟

اگر از گفته پزشک متدین و امین اطمینان حاصل کنید که روزه برای چشم شما ضرر دارد و یا خوف ضرر داشته باشید، روزه گرفتن برای شما واجب نبوده و بلکه جایز هم نیست، و با خوف ضرر نیت روزه صحیح نیست و در صورت عدم خوف ضرر نیت روزه اشکال ندارد، ولی صحت روزه متوقف بر این است که برای شما واقعا ضرر نداشته باشد.

س 752: من از عینک طبی استفاده می‌کنم و در حال حاضر چشمانم بسیار ضعیف است. هنگامی که به پزشک مراجعه کردم به من گفت که اگر برای تقویت چشمانم تلاش نکنم، ضعیف‌تر خواهند شد، بنابراین اگر از روزه ماه رمضان معذور باشم، چه وظیفه‌ای دارم؟ اگر روزه برای چشمان شما ضرر دارد، واجب نیست روزه بگیرید، بلکه واجب است افطار کنید و اگر بیماری شما تا ماه رمضان آینده استمرار پیدا کرد، قضای روزه بر شما واجب نیست، ولی واجب است که عوض هر روز یک مد طعام به فقیر بدهید.

س 753: مادرم به بیماری شدیدی مبتلاست و پدرم نیز از ضعف جسمانی رنج می‌برد و در عین حال هر دو روزه می‌گیرند که گاهی مشخص است که روزه باعث تشدید بیماری آنها می‌شود، تاکنون نتوانسته‌ام آنها را قانع کنم که لااقل هنگام شدت بیماری روزه نگیرند. خواهشمندم ما را در مورد حکم روزه آنها راهنمایی فرمائید.

ملاک تأثیر روزه در ایجاد بیماری یا تشدید آن و عدم قدرت بر روزه گرفتن تشخیص خود روزه دار نسبت به خودش است و اگر بداند روزه برای او ضرر دارد یا خوف ضرر داشته باشد و در عین حال بخواهد روزه بگیرد، روزه گرفتن برای وی حرام است.

س 754: در سال گذشته توسط پزشک متخصص مورد عمل جراحی کلیه قرار گرفتم. وی مرا از گرفتن روزه تا آخر عمر منع نمود، ولی در حال حاضر هیچ مشکل و دردی احساس نمی‌کنم و حتی به طور طبیعی غذا می‌خورم و آب می‌نوشم و هیچیک از عوارض بیماری را هم حس نمی‌کنم، وظیفه من چیست؟

اگر خود شما از ضرر روزه خوف ندارید و حجت شرعی هم بر آن ندارید، واجب است روزه ماه رمضان را بگیرید.

س 755: اگر پزشک شخصی را از روزه گرفتن منع کند آیا با توجه به اینکه بعضی از پزشکان اطلاعی از مسائل شرعی ندارند، عمل به گفته او واجب است؟

اگر مکلف از گفته پزشک یقین پیدا کند که روزه برای او ضرر دارد و یا از گفته وی یا منشاء عقلانی دیگری برای او خوف از ضرر حاصل شود، روزه گرفتن برای او واجب نیست، بلکه جائز هم نیست.

س 756: در کلیه‌های من سنگ جمع می‌شود و تنها راه جلوگیری از جمع شدن سنگ در کلیه، نوشیدن مستمر مایعات است و از آنجایی که پزشکان معتقدند که من نباید روزه بگیرم، تکلیف واجب من نسبت به روزه ماه مبارک رمضان چیست؟

اگر جلوگیری از بیماری کلیه مستلزم نوشیدن آب یا سایر مایعات در طول روز باشد، روزه گرفتن بر شما واجب نیست.

س 757: از آنجا که مبتلایان به مرض قند مجبورند هر روز یک یا دو بار آمپول انسولین تزریق کنند و نباید در وعده‌های غذایی آنها تأخیر و فاصله بیفتد، زیرا باعث پائین آمدن میزان قند خون و در نتیجه

نوعی تشنج و بیهوشی می‌شود، لذا گاهی پزشکان به آنها توصیه می‌کنند که در روز چهار نوبت غذا بخورند، خواهشمندیم نظر شریف خود را درباره روزه این افراد بیان فرمائید.
اگر بدانند که خودداری از خوردن و آشامیدن از طلوع فجر تا غروب، به آنان ضرر می‌رساند یا خوف ضرر داشته باشند، روزه گرفتن بر آنها واجب نبوده و بلکه جایز نیست.

مبطلات روزه

س 758: من در روز ماه رمضان به علت اغوای شیطان تصمیم گرفتم روزه‌ام را باطل کنم لکن قبل از این که عملی که روزه را باطل می‌کند انجام دهم، از تصمیم خود منصرف شدم حکم روزه‌ام چیست؟ و اگر این امر در روزه غیر ماه رمضان پیش آید چه حکمی دارد؟

در روزه ماه رمضان اگر در اثنای روز از نیت روزه گرفتن بر گردد بطوری که قصد ادامه روزه نداشته باشد، روزه‌اش باطل می‌شود و قصد دوباره او برای ادامه روزه فایده ندارد. اما اگر دچار تردید شود به این معنی که هنوز تصمیم نگرفته است روزه را باطل کند، یا تصمیم بگیرد کاری را که موجب باطل شدن روزه است صورت دهد و هنوز آن را انجام نداده در این دو صورت صحت روزه او محل اشکال است و احتیاط واجب آن است که روزه را تمام کند و بعدا هم آن را قضا نماید. هر روزه واجب معین دیگر - مانند نذر معین و امثال آن - نیز دارای همین حکم است.

س 759: آیا اگر از دهان شخص روزه دار خون بیاید، روزه‌اش باطل می‌شود؟

روزه به سبب آن باطل نمی‌شود، ولی واجب است که از رسیدن خون به حلق جلوگیری کند.

س 760: حکم استعمال دخانیات مانند سیگار در حال روزه چیست؟

احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از دودهای انواع دخانیات و نیز مواد مخدری که از راه بینی یا زیر زبان جذب می‌شود خودداری کند.

س 761: آیا ماده \blacklozenge ناس \blacklozenge که از توتون و غیر آن ساخته می‌شود و برای چند دقیقه زیر زبان گذاشته

شده و سپس از دهان بیرون انداخته می‌شود، مبطل روزه است یا خیر؟

اگر آب دهان مخلوط به ماده \blacklozenge ناس \blacklozenge را فرو ببرد، موجب بطلان روزه‌اش می‌شود.

س 762: نوعی داروی طبی برای اشخاص مبتلا به تنگی نفس شدید وجود دارد که عبارت است از

یک قوطی که در آن مایع فشرده شده وجود دارد و با فشار دادن آن داروی مایع بصورت پودر گاز از

طریق دهان وارد ریه شخص بیمار شده و موجب تسکین حال وی می‌گردد. گاهی بیمار مجبور

می‌شود در یک روز چندین بار از آن استفاده کند، آیا با وجود استفاده از این دارو، روزه گرفتن جایز

است؟ با توجه به اینکه بدون استفاده از آن روزه گرفتن غیرممکن و یا بسیار سخت خواهد بود.

اگر ماده مذکور هوای فشرده همراه با دارویی هر چند به صورت گاز یا پودر باشد و وارد حلق شود،

صحت روزه محل اشکال است و در صورتی که روزه گرفتن بدون استعمال آن، ممکن نیست یا

مشقت دارد، جائز است از آن استفاده کند، لکن احتیاط آن است که مبطل دیگری انجام ندهد و در

صورت تمکن (بدون استفاده از آن) روزه‌ها را قضا نماید.

س 763: من در بیشتر روزها آب دهانم با خونی که از لته‌هایم می‌آید مخلوط می‌شود و گاهی

نمی‌دانم آب دهانی که فرو می‌برم همراه با خون است یا خیر؟ روزه‌ام با این حال چه حکمی دارد؟

امیدوارم مرا راهنمایی فرمائید.

اگر خون لثه در آب دهان مستهلک شود، محکوم به طهارت است و بلعیدن آن اشکال ندارد و مبطل روزه نیست، و همچنین در صورت شک در همراه بودن آب دهان با خون، فرو بردن آن اشکال ندارد و به صحت روزه ضرر نمی‌زند.

س 764: در یکی از روزهای ماه رمضان روزه گرفتم ولی دندانهایم را مسواک نزد، و بدون اینکه باقیمانده غذاهای لابلای دندانها را عمداً ببلعم، خودبخود بلعیده شده است. آیا قضای روزه آن روز بر من واجب است؟

اگر علم به وجود باقیمانده غذا در بین دندانهایتان و یا علم به رسیدن آن به حلق نداشته‌اید و فرو رفتن آن هم عمدی و با التفات نبوده، قضای روزه بر شما واجب نیست.

س 765: از لثه شخص روزه‌داری خون زیادی خارج می‌شود، آیا روزه‌اش باطل می‌شود؟ آیا برای او ریختن آب با ظرف بر سرش جایز است؟

با خروج خون از لثه تا آن را فرو نبرده است، روزه باطل نمی‌شود. همچنین ریختن آب بر روی سر توسط ظرف و مانند آن به صحت روزه ضرر نمی‌رساند.

س 766: داروهای مخصوصی برای معالجه بعضی از بیماری‌های زنان وجود دارد (شیافهای روغنی) که در داخل بدن گذاشته می‌شود، آیا استفاده از آن موجب بطلان روزه می‌شود؟ استفاده از آن داروها به روزه ضرر نمی‌رساند.

س 767: نظر شریف جنابعالی درباره تزریق آمپول و سایر تزریقات نسبت به روزه داران در ماه مبارک رمضان، چیست؟

احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از آمپول‌های مغوی یا مغدی و هر آمپولی که در رگ تزریق می‌شود و نیز انواع سرم‌ها خودداری کند، لکن آمپول‌های دارویی که در عضله تزریق می‌شود و نیز آمپول‌هایی که برای بی‌حس کردن به کار می‌رود، مانعی ندارد.

س 768: آیا خوردن قرص فشار خون در حال روزه جایز است یا خیر؟

اگر خوردن آن در ماه رمضان برای درمان فشار خون ضروری باشد، اشکال ندارد، ولی با خوردن آن روزه باطل می‌شود.

س 769: اگر من و بعضی از مردم بر این عقیده باشیم که بر استفاده از قرصها جهت مداوا

عنوان خوردن و آشامیدن صدق نمی‌کند، آیا عمل به آن جایز است و به روزه‌ام ضرر نمی‌زند؟ خوردن قرص روزه را باطل می‌کند.

س 770: اگر شوهر با همسر خود در ماه رمضان جماع نماید و زن نیز به آن راضی باشد چه حکمی دارد؟

بر هر یک از آنان حکم افطار عمدی جاری است و علاوه بر قضا، کفاره هم بر هر دو واجب است.

س 771: اگر مردی با همسرش در روز ماه رمضان شوخی و ملامحه نماید، آیا به روزه‌اش ضرر می‌رساند؟

اگر منجر به انزال منی نشود، به روزه خللی وارد نمی‌کند، ولی اگر باعث انزال منی شود، جایز نیست و روزه باطل می‌شود.

بقاء بر جنابت

س 772: اگر فردی به سبب برخی از مشکلات تا اذان صبح بر جنابت باقی بماند آیا روزه گرفتن در آن روز برای او جایز است؟

در غیر ماه رمضان و قضای آن اشکال ندارد، ولی نسبت به روزه ماه رمضان و قضای آن، اگر معذور از غسل است، تیمم کردن بر او واجب است و اگر تیمم هم نکند، روزه اش صحیح نیست.

س 773: اگر شخصی در حال جنابت چند روز روزه بگیرد و نداند که طهارت از جنابت شرط صحت روزه است، آیا کفاره روزه‌هایی که در حال جنابت گرفته بر او واجب است یا اینکه قضای آنها کافی است؟ در فرض مرقوم قضا کفایت می‌کند.

س 774: آیا جایز است شخص جنب بعد از طلوع آفتاب غسل جنابت نماید و روزه قضا یا مستحب بگیرد؟

اگر عمداً تا طلوع فجر بر جنابت باقی بماند، روزه ماه رمضان و قضای آن از او صحیح نیست، ولی اقوی صحت روزه‌های دیگر بخصوص روزه مستحبی است.

س 775: شخصی در ماه رمضان در جانی مهمان شد و شب را در آن منزل خوابید و در نیمه‌های شب محتمل گردید و چون مهمان بود و با خود لباسی نداشت، برای فرار از روزه، تصمیم گرفت بعد از طلوع فجر مسافرت نماید، لذا بعد از طلوع فجر بدون اینکه چیزی بخورد به قصد مسافرت، حرکت نمود. سؤال این است که آیا قصد سفر توسط او موجب سقوط کفاره هست یا خیر؟

اگر با حالت جنابت از خواب بیدار شود و علم به جنب بودن خود داشته باشد و قبل از فجر اقدام به غسل یا تیمم نکند، مجرد قصد سفر در شب و یا مسافرت در روز برای سقوط کفاره از او کافی نیست.

س 776: کسی که آب در اختیار ندارد و یا به دلیل عذرهای دیگر غیر از تنگی وقت نمی‌تواند غسل جنابت بکند، آیا جایز است عمداً خود را در شبهای ماه مبارک رمضان جنب کند؟

اگر وظیفه او تیمم باشد و بعد از اینکه خود را جنب کرده، وقت کافی برای تیمم داشته باشد، این کار برای وی جایز است.

س 777: شخصی در ماه مبارک رمضان قبل از اذان صبح بیدار شده و متوجه محتمل شدن خود نشده و دوباره خوابیده و در اثنای اذان صبح بیدار شده و علم به جنابت خود پیدا می‌کند و یقین دارد که احتلامش قبل از اذان صبح بوده است، روزه او چه حکمی دارد؟

اگر پیش از اذان صبح متوجه احتلام خود نشده است، روزه اش صحیح است.

س 778: اگر مکلف در شب ماه رمضان قبل از اذان صبح بیدار شود و ببیند که محتمل شده است و دوباره پیش از اذان صبح به امید اینکه برای غسل کردن بیدار می‌شود بخوابد و تا بعد از طلوع آفتاب در خواب بماند و غسل خود را تا اذان ظهر به تأخیر بیندازد و بعد از اذان ظهر غسل کرده و نماز ظهر و عصر بخواند، روزه آن روز او چه حکمی دارد؟

در فرض سؤال باید روزه را قضا نماید و بنا بر احتیاط مستحب، کفاره نیز بدهد.

س 779: اگر مکلف در شب ماه رمضان قبل از فجر شک کند که محتمل شده یا نه، ولی به شک خود اعتنا نکند و دوباره بخوابد و بعد از اذان صبح بیدار شود و متوجه گردد که قبل از طلوع فجر محتمل شده است، چه حکمی دارد؟

اگر بعد از بیداری اول اثری از احتلام در خود مشاهده نکند، بلکه فقط احتمال آن را بدهد و چیزی بر او کشف نشود و تا بعد از اذان بخوابد، روزه‌اش صحیح است، هر چند بعد از آن معلوم شود که احتلام او مربوط به قبل از اذان صبح است.

س 780: اگر شخصی در ماه مبارک رمضان با آب نجس غسل کند و بعد از یک هفته متوجه شود که آن آب نجس بوده است، نماز و روزه او در این مدت چه حکمی دارد؟
نمازش باطل و قضای آن واجب است، ولی روزه‌های او محکوم به صحت است.

س 781: شخصی مبتلا به بیماری بیرون آمدن مستمر قطرات بول به صورت موقت است، یعنی بعد از بول کردن، به مدت یک ساعت یا بیشتر قطرات آن از او خارج می‌گردد. با توجه به اینکه وی در بعضی از شبها جنب شده و گاهی یک ساعت قبل از اذان بیدار می‌شود و احتمال می‌دهد که بعد از آن منی با قطرات بول خارج شود، نسبت به روزه‌اش چه تکلیفی دارد؟ وظیفه او برای اینکه با طهارت داخل وقت شود، چیست؟

اگر قبل از اذان صبح، غسل جنابت و یا تیمم بدل از آن انجام داده، روزه او صحیح است، هر چند بعد از آن بدون اختیار از او منی خارج شود.

س 782: اگر شخصی قبل از اذان صبح یا بعد از آن بخوابد و در خواب جنب شده و بعد از اذان بیدار شود، چه مدتی برای غسل کردن وقت دارد؟

در فرض سؤال، جنابت به روزه آن روز او ضرر نمی‌زند، ولی واجب است که برای نماز غسل کند و می‌تواند غسل را تا وقت نماز به تأخیر بیندازد.

س 783: اگر غسل جنابت برای روزه ماه رمضان یا روزه‌های دیگر فراموش شود و در اثناء روز به یاد انسان بیفتد، چه حکمی دارد؟

اگر در روزه ماه رمضان غسل جنابت را در شب تا طلوع فجر فراموش کند و با حالت جنابت صبح نماید، روزه‌اش باطل است و احوط این است که قضای روزه ماه رمضان هم در این حکم به آن ملحق شود. ولی در سایر روزه‌ها، روزه بر اثر آن باطل نمی‌شود.

استمناء

س 784: حکم کسی که با آمیزش جنسی حرام یا استمناء یا خوردن و نوشیدن حرام روزه خود را در ماه رمضان باطل نموده چیست؟

در فرض مرقوم باید شصت روز روزه بگیرد و یا شصت مسکین را اطعام نماید و احتیاطاً مستحب آن است که هر دو را انجام دهد.

س 785: اگر مکلف علم داشته باشد به اینکه استمناء روزه را باطل می‌کند، ولی عمداً آن را انجام دهد، آیا کفاره جمع بر او واجب می‌شود؟

اگر عمداً استمناء کند و منی هم از او خارج شود، کفاره جمع بر او واجب نمی‌شود لکن احتیاطاً مستحب آن است که کفاره جمع بپردازد.

س 786: در ماه مبارک رمضان بدون وجود هیچیک از آثار استمناء فقط بر اثر حالتی که هنگام مکالمه تلفنی با یک زن نامحرم در خود احساس کردم مایع منی از من خارج شد، با توجه به اینکه مکالمه با

او به قصد لذت نبوده، خواهشمندم لطف نموده و به سؤالات من پاسخ فرمائید، آیا روزه‌ام باطل است یا خیر؟ در صورت بطلان، آیا کفاره هم بر من واجب است یا خیر؟

اگر خروج منی بر اثر صحبت با یک زن جزء عادت‌های قبلی شما نبوده و مکالمه تلفنی با او هم بدون قصد لذت و ریه بوده و در عین حال بطور غیرارادی منی از شما خارج شده است، موجب بطلان روزه نمی‌شود و چیزی هم بر اثر آن بر شما واجب نیست.

س 787: شخصی چندین سال عادت به استمناء در ماه رمضان و غیر آن داشته است، نماز و روزه او چه حکمی دارد؟

استمناء مطلقاً حرام است و اگر منجر به خروج منی شود، موجب غسل جنابت هم می‌شود، و اگر این عمل در حال روزه در روز ماه رمضان صورت بگیرد، در حکم افطار عمدی با حرام است، و اگر نماز و روزه را با حالت جنابت و بدون غسل و تیمم انجام دهد، نماز و روزه‌اش باطل و قضای آنها واجب است.

س 788: آیا استمناء توسط همسر، حکم استمناء حرام را دارد؟ این کار، از موارد استمناء حرام نیست.

س 789: آیا جایز است شخص مجرد در صورتی که پزشک منی او را برای آزمایش بخواهد و راه دیگری هم برای خارج کردن منی نداشته باشد، استمناء نماید؟ اگر معالجه متوقف بر آن باشد، اشکال ندارد.

س 790: بعضی از مراکز پزشکی برای انجام آزمایش‌های پزشکی بر روی منی از انسان می‌خواهند که استمناء کند تا معلوم شود که وی قادر بر بچه‌دار شدن هست یا خیر، آیا استمناء برای او جایز است.

استمناء جایز نیست، هر چند برای تشخیص قدرت وی بر بچه‌دار شدن باشد، مگر آنکه ضرورتی ایجاب کند.

س 791: تخیل به قصد برانگیختن شهوت در دو صورت زیر چه حکمی دارد؟
الف: تخیل همسر

ب: تخیل زن اجنبی

در فرض اول در صورتی که حرامی مانند انزال بر آن مترتب نشود، اشکالی ندارد و در فرض دوم، احتیاط در ترک آن است.

س 792: شخصی در ابتدای سن بلوغ روزه می‌گرفته، ولی در اثناء روزه استمناء نموده و جنب شده و به همین صورت چند روز روزه گرفته است، در حالی که جهل داشته به اینکه برای روزه گرفتن تطهیر از جنابت واجب است. آیا قضای روزه‌های آن روزها کافی است یا لال اینکه تکلیف دیگری دارد؟ در فرض سؤال، قضا و بنا بر احتیاط واجب کفاره بر او واجب است.

س 793: شخص روزه‌داری در ماه رمضان به صحنه شهوت‌انگیزی نگاه کرده و جنب شده است. آیا با این کار روزه‌اش باطل می‌شود؟

اگر نگاه کردن او به قصد انزال بوده و یا می‌دانسته که اگر به آن منظره نگاه کند، جنب می‌شود و یا عادت او بر این بوده است و در عین حال عمداً نگاه کرده و جنب شده، حکم جنابت عمدی را دارد یعنی هم قضا بر عهده او می‌باشد و هم کفاره.

س 794: انسان روزه داري که در یک روز بیش از یکبار کاري که روزه را باطل مي‌کند انجام دهد وظیفه‌اش چیست؟
فقط یک کفاره بر او واجب مي‌شود، بلي اگر این کار آمیزش جنسي يا استمناء باشد احتیاط واجب آن است که بعدد دفعات آمیزش جنسي يا استمناء کفاره بدهد.

احکام مبطلات روزه

س 795: آیا تبعیت از اهل سنت در وقت افطار روزه در مراسم عمومي و مجالس رسمي و غیر آن، جایز است؟ اگر مکلف تشخیص دهد که این متابعت از موارد تقیه نیست و دليلي براي التزام به آن وجود ندارد، وظیفه‌اش چیست؟

تبعیت از دیگران در افطار روزه بدون احراز دخول وقت افطار، جایز نیست، و اگر از موارد تقیه باشد افطار جایز است، ولي روزه آن روز قضا دارد، و جایز نیست به طور اختیاري افطار نماید مگر بعد از آنکه داخل شدن شب و پایان یافتن روز را با یقین حسي و یا با حجت شرعي احراز نماید.

س 796: اگر روزه‌دار باشم و مادرم مرا وادار به خوردن غذا یا نوشیدن کند، آیا روزه‌ام باطل مي‌شود؟ خوردن و آشامیدن روزه را باطل مي‌کند، هر چند بر اثر درخواست و اصرار شخص دیگری باشد.

س 797: اگر چیزی به زور وارد دهان روزه دار شود و یا سر او به همان صورت داخل آب گردد، آیا روزه‌اش باطل مي‌شود؟ اگر وادار به باطل کردن روزه‌اش شود، مثلاً به او بگویند که اگر روزه‌ات را نخوري، ضري به خودت یا مالت وارد مي‌سازيم، او هم براي دفع این ضرر غذا بخورد، آیا روزه‌اش صحيح است؟

روزه شخص روزه دار با داخل شدن چیزی در حلقش بدون اختیار و یا با فرو بردن سرش به همان صورت به زیر آب باطل نمي‌شود، ولي اگر خودش بر اثر اکراه دیگری مرتکب مفطري شود، روزه‌اش باطل خواهد شد.

س 798: اگر روزه دار جاهل باشد به اینکه تا به حد ترخص نرسیده، نباید قبل از زوال افطار کند، و قبل از حد ترخص به این اعتبار که مسافر است، افطار نماید، روزه این شخص چه حکمي دارد؟ آیا قضا بر او واجب است یا حکم دیگری دارد؟
حکم او همان حکم افطار عمدي است.

س 799: هنگامی که مبتلا به بیماری زکام بودم، مقداري از اخلاط سر و سینه در دهانم جمع شده بود که به جای بیرون انداختن، آن را فرو بردم، آیا روزه‌ام صحيح است یا خیر؟ در بعضي از روزهاي ماه مبارک رمضان در منزل یکی از اقوام بودم که بر اثر زکام و خجالت و حیا مجبور شدم با خاک، تیمم بدل از غسل واجب بکنم و تا نزدیک ظهر غسل نکردم. این کار براي چند روز تکرار شد، آیا روزه‌ام در آن روزها صحيح است یا خیر؟

فرو بردن اخلاط سر و سینه ضري به روزه نمي‌رساند، ولي اگر به فضاي دهان رسیده باشد بنا بر احتیاط واجب باید از فرو بردن آن خودداری نماید، و اما ترک غسل جنابت قبل از طلوع فجر روزه‌ای که مي‌خواهید روزه بگیرید و انجام تیمم بدل از غسل به جای آن، اگر بخاطر عذر شرعي باشد و یا تیمم در آخر وقت و به خاطر تنگی آن باشد، موجب بطلان روزه نیست و روزه شما با تیمم صحيح است. در غیر این صورت، روزه شما در آن روزها باطل است.

س 800: من در معدن آهن کار می‌کنم که طبیعت آن اقتضا می‌کند هر روز داخل معدن شده و در آن کار کنم و هنگام استفاده از ابزار کار غبار وارد دهانم می‌شود، بقیه ماههای سال هم به همین صورت بر من می‌گذرد، تکلیف من چیست؟ آیا روزه من در این حالت صحیح است؟
فرو بردن غبار هنگام روزه موجب باطل شدن آن است و باید از آن پرهیز نمود، ولی مجرد داخل شدن غبار در دهان و بینی بدون اینکه به حلق برسد، روزه را باطل نمی‌کند.

کفاره روزه و مقدار آن

س 801: آیا دادن پول یک مد طعام به فقیر تا با آن غذایی برای خودش بخرد، کافی است؟
اگر اطمینان داشته باشد که فقیر به وکالت از او طعام خریده و سپس آن را به عنوان کفاره قبول می‌کند، اشکال ندارد.

س 802: اگر شخصی وکیل در غذا دادن به عده‌ای از مساکین شود، آیا می‌تواند اجرت کار و پختن غذا را از اموالی که به عنوان کفاره به او داده شده است، بردارد؟
مطالبه اجرت کار و پخت غذا برای وی جایز است، ولی نمی‌تواند آن را بابت کفاره حساب نماید و یا از اموالی که باید به عنوان کفاره به فقرا داده شود، بردارد.

س 803: زنی به علت بارداری و نزدیکی وقت زایمان، نمی‌تواند روزه بگیرد و می‌داند که باید آنها را بعد از زایمان و قبل از ماه رمضان آینده قضا نماید، اگر به طور عمدی یا غیرعمدی تا چند سال روزه نگیرد، آیا فقط کفاره همان سال بر او واجب است یا آنکه کفاره تمام سالهائی که روزه را به تأخیر انداخته، واجب است؟

فدیه تأخیر قضای روزه ماه رمضان هر چند به مدت چند سال هم به تأخیر افتاده باشد، یکبار واجب است و آن عبارت است از یک مد طعام برای هر روزی، و فدیه هم زمانی واجب می‌شود که تأخیر قضای روزه ماه رمضان تا ماه رمضان دیگر بر اثر سهل انگاری و بدون عذر شرعی باشد، ولی اگر به خاطر عذری باشد که شرعاً مانع صحت روزه است، فدیة‌ای ندارد.

س 804: زنی به علت بیماری از روزه گرفتن معذور است و قادر بر قضا کردن آنها تا ماه رمضان سال آینده هم نیست، در این صورت آیا کفاره بر او واجب است یا بر شوهرش؟

اگر افطار روزه ماه رمضان از جهت بیماری و تأخیر قضای آن هم از جهت ادامه بیماری بوده است، برای هر روز یک مد طعام به عنوان فدیه بر خود زن واجب است و چیزی بر عهده شوهرش نیست.
س 805: شخصی ده روز روزه بر عهده دارد و در روز بیستم شعبان شروع به روزه گرفتن می‌کند، آیا در این صورت می‌تواند عمداً روزه خود را قبل یا بعد از زوال، افطار کند؟ در صورتی که قبل یا بعد از زوال افطار نماید، چه مقدار کفاره دارد؟

در فرض مذکور افطار عمدی برای او جایز نیست و اگر عمداً افطار کند، در صورتی که قبل از زوال باشد، کفاره‌ای بر او واجب نیست و اگر بعد از زوال باشد، کفاره بر او واجب است که عبارت است از غذا دادن به ده مسکین، و در صورت عدم تمکن، واجب است سه روز روزه بگیرد.

س 806: زنی در دو سال متوالی در ماه مبارک رمضان حامله بوده و قدرت روزه گرفتن در آن ایام را نداشته است، ولی در حال حاضر توانائی روزه گرفتن را دارد، حکم او چیست؟ آیا کفاره جمع بر او واجب است یا فقط قضای آن را باید به جا آورد؟ تأخیر او در قضای روزه چه حکمی دارد؟

اگر بر اثر عذر شرعی روزه ماه رمضان را نگرفته، فقط قضا بر او واجب است، و اگر عذر او در خوردن روزه خوف از ضرر روزه بر جنین یا کودکش بوده، باید علاوه بر قضا، برای هر روز یک مد طعام به عنوان فدیة بپردازد، و اگر قضا را بعد از ماه رمضان تا ماه رمضان سال بعد، بدون عذر شرعی به تأخیر انداخته، فدیة دیگری هم بر او واجب است یعنی باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.

س 807: آیا رعایت ترتیب بین قضا و کفاره، در کفاره روزه واجب است یا خیر؟
واجب نیست.

قضای روزه

س 808: هجده روز روزه به علت مسافرت در ماه رمضان برای انجام مأموریت دینی بر عهده‌ام می‌باشد، وظیفه من چیست؟ آیا قضای آنها بر من واجب است؟
قضای روزه‌های ماه رمضان که بر اثر مسافرت از شما فوت شده، واجب است.

س 809: اگر کسی برای گرفتن روزه قضای ماه رمضان اجیر شود و بعد از زوال افطار کند، آیا کفاره بر او واجب است یا خیر؟
کفاره بر او واجب نیست.

س 810: کسانی که در ماه رمضان برای انجام وظیفه دینی در مسافرت هستند و به همین دلیل نمی‌توانند روزه بگیرند، اگر در حال حاضر بعد از چند سال تأخیر، بخواهند روزه بگیرند، آیا پرداخت کفاره بر آنها واجب است؟
اگر قضای روزه ماه رمضان را به علت استمرار عذری که مانع روزه گرفتن است، تا ماه رمضان سال آینده به تأخیر انداخته باشند، قضای روزه‌هایی که از آنان فوت شده کافی است، و واجب نیست برای هر روزی یک مد طعام فدیة بدهند، هر چند احتیاط در جمع بین قضا و فدیة است. ولی اگر تأخیر در قضای روزه به خاطر سهل‌انگاری و بدون عذر باشد، جمع بین قضا و فدیة بر آنها واجب است.

س 811: شخصی به مدت ده سال بر اثر جهل نماز نخوانده و روزه نگرفته است، فعلاً توبه نموده و به سوی خدا بازگشته و تصمیم بر جبران آنها گرفته است، ولی توانایی قضای همه روزه‌های فوت شده را ندارد و مالی هم ندارد که با آن کفاره‌هایش را بپردازد، آیا صحیح است که فقط به استغفار اکتفا کند؟

قضای روزه‌های فوت شده در هیچ صورتی ساقط نمی‌شود، ولی نسبت به کفاره افطاره عمدی روزه ماه رمضان، چنانچه قدرت بر روزه دو ماه و یا اطعام شصت مسکین برای هر روز نداشته باشد، باید به هر تعداد فقیر که قادر است غذا بدهد و احتیاط آن است که استغفار نیز بکند و اگر به هیچ وجه قادر به دادن غذا به فقرا نیست فقط کافی است که استغفار کند یعنی با دل و زبان خود بگوید استغفرالله (از خداوند بخشایش می‌طلبم).

س 812: من به علت عدم قدرت مالی و بدنی نتوانستم برای انجام کفاره هائی که بر من واجب شده بود روزه بگیرم و یا به مساکین اطعام نمایم و در نتیجه، استغفار نمودم لکن به لطف الهی اکنون توان روزه گرفتن یا اطعام نمودن دارم، وظیفه‌ام چیست؟
در فرض مرقوم، انجام کفاره لازم نیست گر چه احتیاط مستحب آن است که انجام داده شود.

س 813: اگر شخصی بر اثر جهل به وجوب قضاي روزه تا قبل از ماه رمضان سال آینده قضاي روزه‌هايش را به تأخير اندازد، چه حکمي دارد؟

فديه تأخير قضاي روزه تا ماه رمضان سال بعد، بر اثر جهل به وجوب آن ساقط نمي‌شود.

س 814: فردي که به مدت صدو بيست روز روزه نگرفته، چه وظيفه‌اي دارد؟ آیا بايد براي هر روز شصت روز روزه بگيرد؟ و آیا كفاره بر او واجب است؟

قضاي آنچه از ماه رمضان از او فوت شده، بر او واجب است، و اگر افطار عمدي و بدون عذر شرعي بوده، علاوه بر قضا، كفاره هر روز هم واجب است که عبارت است از شصت روز روزه يا اطعام شصت فقير و يا دادن شصت مد طعام به شصت مسكين که سهم هر کدام یک مدّ است.

س 815: تقريباً یک ماه روزه گرفته‌ام به اين نيت که اگر روزه‌اي بر عهده‌ام باشد قضاي آن محسوب شود و اگر روزه‌اي بر عهده‌ام نيست به قصد قربت مطلق باشد، آیا اين یک ماه روزه به حساب روزه‌هاي قضائي که بر ذمه دارم، محسوب مي‌شود؟

اگر به نيت آنچه که در زمان روزه گرفتن شرعاً مأمور به آن بوده‌ايد، اعم از روزه قضاء يا مستحبي، روزه گرفته‌ايد و روزه قضا هم برعهده شما باشد، به عنوان روزه قضاء محسوب مي‌شود.

س 816: کسي که نمي‌داند چه مقدار روزه قضا دارد و با فرض داشتن روزه قضا روزه مستحبي بگيرد، اگر معتقد باشد که روزه قضا ندارد، آیا به عنوان روزه قضا محسوب مي‌شود؟

روزه‌هائي را که به نيت استحباب گرفته به جاي روزه قضائي که بر عهده‌اش هست، محسوب نمي‌شود.

س 817: نظر شريف جنابعلي درباره شخصي که بر اثر جهل به مسأله، عمداً روزه‌اش را افطار کرده، چيست؟ آیا فقط قضا بر او واجب است يا اينکه كفاره هم بايد بدهد؟

اگر به سبب بي‌اطلاعي از حکم شرعي بوده و در يادگيري مسأله کوتاهي نکرده باشد، بايد قضاي روزه‌ها را بجا آورد ولي كفاره بر او واجب نيست.

س 818: کسي که در اوائل سن تکليف بر اثر ضعف و عدم توانائي، نتوانسته روزه بگيرد، آیا فقط قضا بر او واجب است يا قضا و كفاره با هم بر او واجب است؟

اگر گرفتن روزه براي او حرجي نبوده و عمداً افطار کرده، علاوه بر قضا، كفاره نيز بر او واجب است و اگر خوف داشته باشد که اگر روزه بگيرد مريض شود، فقط قضاي روزه‌ها بر عهده او مي‌باشد.

س 819: کسي که تعداد روزه‌هائي که روزه نگرفته و مقدار نمازهايي را که نخوانده نمي‌داند، وظيفه‌اش چيست؟ کسي هم که نمي‌داند روزه‌اش را بر اثر عذر شرعي افطار کرده و يا عمداً آن را خورده است، چه حکمي دارد؟

جايز است که به قضاي آن مقدار از نماز و روزه‌هايش که يقين به فوت آنها دارد، اکتفا نمايد، و در صورت شک در افطار عمدي كفاره واجب نيست.

س 820: اگر شخصي که در ماه رمضان روزه دار است، در يکي از روزها براي خوردن سحري بيدار نشود و لذا نتواند روزه را تا غروب ادامه دهد و در وسط روز حادثه‌اي براي او اتفاق بيفتد و روزه را

افطار کند، آیا یک كفاره بر او واجب است يا كفاره جمع؟

اگر روزه را تا حدي ادامه دهد که روزه بر اثر تشنگي و گرسنگي براي او حرجي شود و در نتيجه آن را افطار نمايد، فقط قضا بر او واجب است و كفاره‌اي ندارد.

س 821: اگر شک کنم در اینکه اقدام به گرفتن قضای روزه‌هایی را که بر عهده‌ام بوده، کرده‌ام یا خیر تکلیف من چیست؟

اگر یقین به اشتغال قلبی ذمه خود دارید، واجب است به مقداری که موجب یقین به انجام تکلیف می‌شود، روزه قضا بگیرید.

س 822: کسی که هنگام بلوغ فقط یازده روز از ماه رمضان را روزه گرفته و یک روز را هم در موقع ظهر افطار کرده و در مجموع هجده روز روزه نگرفته است، و در مورد آن هجده روز نمی‌دانسته که با ترک عمدی روزه کفاره بر او واجب است، چه حکمی دارد؟
اگر روزه ماه رمضان را از روی عمد و بدون عذر شرعی افطار کرده، باید علاوه بر قضا، کفاره هم بدهد. اعم از اینکه هنگام خوردن روزه عالم به وجوب کفاره و یا جاهل به آن باشد.

س 823: اگر پزشک به بیماری بگوید که روزه برای شما ضرر داد و او هم روزه نگیرد، ولی بعد از چند سال بفهمد که روزه برای وی ضرر نداشته و پزشک در تشخیص خود اشتباه کرده است، آیا قضا و کفاره بر او واجب است؟

اگر از گفته پزشک متخصص و امین و یا از منشأ عقلایی دیگر، خوف از ضرر پیدا کند و روزه نگیرد، فقط قضا بر او واجب است.

مسائل متفرقه روزه

س 824: اگر زنی در حال روزه نذری معین حیض شود، چه حکمی دارد؟

روزه با عارض شدن حیض باطل می‌شود و قضای آن بعد از طهارت واجب است.

س 825: شخصی از اول ماه رمضان تا بیست و هفتم ماه را در وطن خود روزه گرفته و در صبح روز بیست و هشتم به دبی مسافرت کرده و در روز بیست و نهم به آنجا رسیده و متوجه شده که در آنجا عید اعلام شده است، او اکنون به وطن خود برگشته، آیا قضای روزه‌هایی که از وی فوت شده، واجب است؟ اگر یک روز قضا نماید، ماه رمضان نسبت به او بیست و هشت روز می‌شود و اگر بخواهد دو روز قضا کند، روز بیست و نهم در جایی بوده که در آنجا عید اعلام شده بود، این شخص چه حکمی دارد؟

اگر اعلان عید در روز بیست و نهم در آن مکان، به نحو شرعی و صحیح باشد، قضای آن روز بر او واجب نیست، ولی با فرض اینکه افق دو محل یکی بوده این امر کشف می‌کند که یک روز روزه در اول ماه از او فوت شده، لذا واجب است قضای روزه‌ای را که یقین به فوت آن دارد، بجا آورد.

س 826: اگر روزه‌داری هنگام غروب در سرزمینی افطار کرده باشد و سپس به جایی مسافرت کند که خورشید در آن هنوز غروب نکرده است، روزه آن روز او چه حکمی دارد؟ آیا تناول مفطرات برای او در آنجا قبل از غروب خورشید جایز است؟

روزه او صحیح است و تناول مفطرات در آن مکان قبل از غروب خورشید با فرض اینکه در وقت غروب در سرزمین خود افطار کرده، برای او جایز است.

س 827: شهیدی به یکی از دوستانش وصیت نموده که احتیاطاً از طرف وی چند روز روزه قضا بگیرد، ولی ورثه شهید به این مسائل پایبند نیستند و طرح وصیت او هم برای آنها ممکن نیست و روزه گرفتن هم برای دوست آن شهید مشقت دارد، آیا راه حل دیگری وجود دارد؟

اگر آن شهید به دوست خود وصیت کرده که خودش شخصا برای او روزه بگیرد، ورثه او در این مورد تکلیفی ندارند، و اگر برای آن فرد روزه گرفتن به نیابت از شهید مشقت دارد، تکلیف از او ساقط است.

س 828: من فردی کثیر الشک هستم و یا به تعبیر دقیق‌تر زیاد وسوسه می‌شوم، و در مسائل دینی بخصوص فروع دین زیاد شک می‌کنم، یکی از موارد آن این است که در ماه رمضان گذشته شک کردم که آیا غبار غلیظی که وارد دهان من شده آن را فرو برده‌ام یا خیر؟ و یا آبی را که داخل دهانم کردم، خارج کرده و بیرون ریختم یا نه؟ در نتیجه آیا روزه من صحیح است یا خیر؟ روزه شما در فرض سؤال محکوم به صحت است و این شکها اعتباری ندارند.

س 829: آیا حدیث شریف کساء را که از حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نقل شده، حدیث معتبری می‌دانید؟ آیا نسبت دادن آن در حالت روزه به حضرت زهرا سلام الله علیها جایز است؟

اگر نسبت دادن آن به صورت حکایت و نقل از کتابهایی باشد که آن را نقل کرده‌اند، اشکال ندارد. س 830: از بعضی از علما و غیر آنان شنیده‌ایم که اگر انسان هنگام روزه مستحبی به خوردن غذا دعوت شود، می‌تواند آن را قبول کرده و مقداری از غذا میل کند و با این کار روزه‌اش باطل نمی‌شود، بلکه ثواب هم دارد امیدواریم نظر شریف خود را در این باره بیان فرمائید.

قبول دعوت مؤمن در حال روزه مستحبی، شرعا امری پسندیده است و خوردن غذا به دعوت برادر مؤمن هر چند روزه را باطل می‌کند، ولی او را از اجر و ثواب روزه محروم نمی‌سازد.

س 831: دعاهائی مخصوص ماه رمضان به صورت دعای روز اول و روز دوم تا آخر ماه وارد شده است، قرائت آنها در صورت شک در صحت شان چه حکمی دارد؟

به هر حال اگر قرائت آنها به قصد رجاء ورود و مطلوبیت باشد، اشکال ندارد.

س 832: شخصی قصد داشت روزه بگیرد، ولی برای خوردن سحری بیدار نشد، لذا نتوانست روزه بگیرد. آیا گناه روزه نگرفتن او به عهده خود وی است یا کسی که او را بیدار نکرده است؟ اگر فردی بدون سحری روزه بگیرد، آیا روزه‌اش صحیح است؟

در این مورد چیزی بر عهده دیگران نیست، و روزه بدون خوردن سحری هم صحیح است.

س 833: روزه روز سوم ایام اعتکاف در مسجد الحرام، چه حکمی دارد؟

اگر مسافر باشد و قصد اقامت ده روز در مکه مکرمه نماید و یا نذر کرده باشد که در سفر روزه بگیرد، بر او واجب است بعد از اینکه دو روز روزه گرفت، اعتکاف خود را با روزه روز سوم کامل کند. ولی اگر قصد اقامت و یا نذر روزه در سفر نکرده باشد، روزه او در سفر صحیح نیست و با عدم صحت روزه، اعتکاف هم صحیح نیست.

رؤیت هلال

س 834: همانطور که می‌دانید، وضعیت هلال در آخر یا اول ماه به یکی از حالت‌های زیر است:

- غروب هلال قبل از غروب خورشید باشد.
- غروب هلال مقارن با غروب خورشید باشد.
- غروب هلال بعد از غروب خورشید باشد.

امیدواریم بیان فرمائید که کدامیک از حالات سه گانه فوق را می‌توان به وسیله برنامه‌های محاسبه کننده الکترونیکی دقیق برای دورترین نقاط عالم محاسبه کرد؟ آیا استفاده از این محاسبات برای تعیین اول ماه قبل از حلول آن امکان دارد یا اینکه حتما باید ماه با چشم رؤیت شود؟ معیار اول ماه، هلالی است که بعد از غروب خورشید غروب کند و رؤیت آن، قبل از غروب ممکن باشد، و محاسبات علمی اگر موجب یقین برای مکلف نشود، اعتبار ندارد.

س 835: آبارؤیت تصویر هلال ماه با استفاده از دوربین CCD و انعکاس نور و بازخوانی اطلاعات ضبط شده توسط رایانه، برای اثبات اول ماه کفایت می‌کند؟

رؤیت با وسیله، فرقی با رؤیت به طریق عادی ندارد و معتبر است. ملاک آن است که عنوان رؤیت محفوظ باشد. پس رؤیت با چشم و با عینک و با تلسکوپ محکوم به حکم واحدند. اما در مورد انعکاس به رایانه که در آن صدق عنوان رؤیت معلوم نیست محل اشکال است.

س 836: اگر هلال ماه شوال در یک شهر دیده نشود، ولی تلویزیون و رادیو از حلول آن خبر دهند، آیا کافی است یا تحقیق بیشتری واجب است؟

اگر مفید اطمینان به ثبوت هلال گردد یا صدور حکم به هلال از طرف ولی فقیه باشد، کافی است و نیازی به تحقیق نیست.

س 837: اگر تعیین اول ماه رمضان و عید سعید فطر به علت عدم امکان رؤیت هلال اول ماه به سبب وجود ابر در آسمان یا اسباب دیگر، ممکن نباشد و سی روز ماه شعبان یا ماه رمضان کامل نشده باشد، آیا برای ما که در ژاپن زندگی می‌کنیم، جایز است که به افق ایران عمل کرده و یا به تقویم اعتماد کنیم؟ وظیفه ما چیست؟

اگر اول ماه از طریق رؤیت هلال حتی در افق شهرهای مجاوری که یک افق دارند، و یا از طریق شهادت دو فرد عادل و یا از طریق حکم حاکم ثابت نشود، باید احتیاط کرد تا اول ماه ثابت شود، و رؤیت هلال در ایران که در غرب ژاپن واقع است، برای کسانی که مقیم ژاپن هستند، اعتبار ندارد.

س 838: آیا اتحاد افق در رؤیت هلال شرط است یا خیر؟

رؤیت هلال در شهرهایی که در افق متحد و یا نزدیک به هم هستند و یا در شهرهایی که در شرق واقع شده‌اند، کافی است.

س 839: مقصود از اتحاد افق چیست؟

منظور از آن، شهرهایی است که در طول خط واحدی واقع شده‌اند. بنابراین اگر دو شهر در یک خط طولی باشند (مراد از طول، طول در اصطلاح علم هیئت است)، گفته می‌شود که آنها در افق متحد هستند.

س 840: اگر روز بیست و نهم ماه در تهران و خراسان عید باشد، آیا برای افرادی هم که در شهری مانند بوشهر مقیم هستند، جایز است افطار کنند؟ با توجه به اینکه افق تهران و خراسان با افق بوشهر یکی نیست.

به طور کلی اگر اختلاف بین افق دو شهر به مقداری باشد که با فرض رؤیت هلال در یکی، هلال در دیگری قابل رؤیت نباشد، رؤیت آن در شهرهای غربی برای مردم شهرهای شرقی که خورشید در آنها قبل از شهرهای غربی غروب می‌کند، کافی نیست، بر خلاف عکس آن.

س 841: اگر بین علمای یک شهر راجع به ثبوت هلال یا عدم آن اختلاف رخ دهد و عدالت آنها هم نزد مکلف ثابت بوده و به دقت همه آنها در استدلال خود مطمئن باشد، وظیفه واجب مکلف چیست؟ اگر اختلاف دو بینه به صورت نفی و اثبات باشد، یعنی یکی مدعی ثبوت هلال و دیگری مدعی عدم ثبوت آن باشد، این اختلاف موجب تعارض دو بینه و تساقط هر دو است، و وظیفه مکلف این است که هر دو نظر را کنار گذاشته و درباره افطار کردن یا روزه گرفتن به آنچه که مقتضای اصل است، عمل نماید. ولی اگر بین ثبوت هلال و عدم علم به ثبوت آن اختلاف داشته باشند، به این صورت که بعضی از آنها مدعی رؤیت هلال باشند و بعضی دیگر مدعی عدم مشاهده آن، قول کسانی که مدعی رؤیت هلال هستند، در صورت عادل بودن، حجت شرعی برای مکلف است و باید از آن متابعت کند، و همچنین اگر حاکم شرعی حکم به ثبوت هلال نماید، حکم وی حجت شرعی برای همه مکلفین است و باید از آن پیروی کنند.

س 842: اگر شخصی هلال ماه را ببیند و بداند که رؤیت هلال برای حاکم شرع شهر او به هر علتی ممکن نیست، آیا او مکلف است که رؤیت هلال را به حاکم اطلاع دهد؟ اعلام بر او واجب نیست مگر آنکه ترک آن مفسده داشته باشد.

س 843: همانگونه که می‌دانید اکثر فقهای بزرگوار پنج راه برای ثبوت اول ماه شوال در رساله‌های عملیه خود بیان کرده‌اند که ثبوت نزد حاکم شرع در ضمن آنها نیست، بنابراین چگونه بیشتر مؤمنین به مجرد ثبوت اول ماه شوال نزد مراجع، روزه خود را افطار می‌کنند؟ شخصی که از این راه اطمینان به ثبوت هلال پیدا نمی‌کند، چه تکلیفی دارد؟

تا حاکم حکم به رؤیت هلال نکرده، مجرد ثبوت هلال نزد او، برای تبعیت دیگران از وی کافی نیست، مگر آنکه اطمینان به ثبوت هلال حاصل نمایند.

س 844: اگر ولی امر مسلمین حکم نماید که فردا عید است و رادیو و تلویزیون اعلام کنند که هلال در چند شهر دیده شده است، آیا عید برای تمامی نواحی کشور ثابت می‌شود یا فقط برای شهرهایی که ماه در آنها دیده شده و شهرهای هم‌افق با آنها، ثابت می‌گردد؟ اگر حکم حاکم شامل همه کشور باشد، حکم او شرعاً برای همه شهرها معتبر است.

س 845: آیا کوچکی هلال و باریک بودن و اتصاف آن به خصوصیات هلال شب اول، دلیل بر این محسوب می‌شود که شب قبل شب اول ماه نبوده، بلکه شب سی‌ام ماه قبلی بوده است؟ اگر عید برای شخصی ثابت شود و از این راه یقین پیدا کند که روز قبل عید نبوده، آیا قضای روزه روز سی‌ام ماه رمضان را باید به جا آورد؟

مجرد کوچکی و پائین بودن هلال یا بزرگی و بالا بودن و یا پهن یا باریک بودن آن دلیل شرعی شب اول یا دوم بودن نیست، ولی اگر مکلف از آن علم به چیزی پیدا کند باید به مقتضای علم خود در این زمینه عمل نماید.

س 846: آیا استناد به شبی که در آن ماه به صورت قرص کامل است (شب چهاردهم) و اعتبار آن به عنوان دلیل برای محاسبه اول ماه جایز است تا از این راه وضعیت یوم الشک معلوم شود که مثلاً روز سی‌ام ماه رمضان است و احکام روز ماه رمضان بر آن مترتب شود، مثلاً بر کسی که این روز را بر اساس بینه روزه نگرفته، حکم به وجوب قضای روزه شود و کسی هم که به دلیل استصحاب بقای ماه رمضان روزه گرفته، بریء الذمه باشد؟

امر مذکور حجت شرعی بر آنچه ذکر شد، نیست، ولی اگر مفید علم به چیزی برای مکلف باشد، واجب است که طبق آن عمل نماید.

س 847: آیا استهلال در اول هر ماه واجب کفائی است یا احتیاط واجب؟
استهلال فی نفسه واجب شرعی نیست.

س 848: آیا اول ماه مبارک رمضان و آخر آن با رؤیت هلال ثابت می‌شود یا با تقویم، هر چند ماه شعبان سی روز نباشد؟

اول یا آخر ماه رمضان با رؤیت شخص مکلف یا با شهادت دو فرد عادل یا با شهرتی که مفید علم است یا با گذشت سی روز و یا بوسیله حکم حاکم ثابت می‌شود.

س 849: اگر تبعیت از اعلام رؤیت هلال توسط یک دولت جایز شد، و آن اعلام معیاری علمی برای ثبوت هلال سرزمین‌های دیگر را تشکیل دهد، آیا اسلامی بودن آن حکومت شرط است، یا اینکه عمل به آن حتی اگر حکومت ظالم و فاجر هم باشد، ممکن است؟
ملاک در این مورد، حصول اطمینان به رؤیت در منطقه‌ای است که نسبت به مکلف کافی محسوب می‌شود.

س 850: خواهشمند است نظر مبارک خود را در خصوص اعتکاف در مساجد (جامع و غیر جامع) بیان فرمائید.

در مسجد جامع صحیح است و در مسجد غیر جامع رجاء اشکال ندارد. و تعریف مسجد جامع در مباحث نماز گذشت.

س 731: دختری که به سن تکلیف رسیده، ولی به علت ضعف جسمانی توانایی روزه گرفتن ندارد، و بعد از ماه مبارک رمضان هم نمی‌تواند قضای آن را به جا آورد تا اینکه ماه رمضان سال بعد فرا می‌رسد، چه حکمی دارد؟

ناتوانی از گرفتن روزه و قضای آن به مجرد ضعف و عدم قدرت موجب سقوط قضای روزه نمی‌شود، بلکه قضای روزه‌های ماه رمضان که از او فوت شده، بر وی واجب است.

س 732: دخترانی که تازه به سن تکلیف رسیده‌اند و روزه گرفتن بر آنها مقداری مشکل است، چه حکمی دارند؟ آیا سن بلوغ شرعی دختران اکمال نه سال قمری است؟

بنا بر نظر مشهور، بلوغ شرعی دختران همان تکمیل نه سال قمری است که در این هنگام روزه بر آنها واجب است و ترک آن به مجرد بعضی از عذرهای جایز نیست، ولی اگر روزه گرفتن برای ایشان ضرر داشته باشد یا تحمل آن برایشان همراه با مشقت زیاد باشد، افطار برای آنها جایز است.

س 733: من زمان دقیق رسیدن به سن تکلیف خود را نمی‌دانم، از جناب عالی خواهشمندم بیان فرمائید که از چه زمانی قضای نماز و روزه بر من واجب است، و آیا کفاره روزه بر من واجب است یا به علت جهل به مسأله قضای آن کفایت می‌کند؟

فقط قضای آن مقدار از نمازها و روزه‌ها که یقین به فوت آن بعد از رسیدن به سن قطعی تکلیف شرعی دارید، بر شما واجب است، و در مورد روزه، اگر بعد از رسیدن قطعی به سن تکلیف، در اثر کوتاهی در یادگیری مسأله و حکم شرعی، عمداً افطار کرده باشید، علاوه بر قضا، کفاره هم واجب است.

س 734: اگر دختر نه ساله‌ای که روزه بر او واجب شده، به دلیل دشواری، روزه‌اش را افطار نماید، آیا قضا بر او واجب است یا خیر؟

قضای روزه‌هایی که از ماه رمضان افطار کرده، بر او واجب است.

س 735: اگر فردی به خاطر عذری قوی، پنجاه درصد احتمال دهد که روزه بر او واجب نیست و به همین دلیل روزه نگیرد، ولی بعداً معلوم شود که روزه بر او واجب بوده، از جهت قضا و کفاره چه حکمی دارد؟

اگر افطار عمدی روزه ماه مبارک رمضان به مجرد احتمال عدم وجوب روزه بر وی باشد، در فرض سؤال علاوه بر قضا، کفاره هم بر او واجب است. اما اگر افطار به علت ترس از ضرر باشد و ترس هم منشأ عقلانی داشته باشد، کفاره واجب نیست، ولی قضا بر او واجب است.

س 736: شخصی مشغول انجام خدمت سربازی است و به علت مسافرت و حضور در محل خدمت، نمی‌تواند روزه ماه رمضان سال گذشته را بگیرد، و هنگام حلول ماه رمضان امسال نیز در محل خدمت است و احتمال دارد که باز هم نتواند روزه بگیرد، اگر پس از پایان دوره خدمت سربازی بخواهد روزه این دو ماه را قضا نماید، آیا کفاره هم بر او واجب است یا خیر؟

کسی که بر اثر عذر مسافرت، روزه ماه رمضان از او فوت شده و آن عذر تا ماه رمضان سال آینده استمرار داشته، فقط قضای آن بر او واجب است و کفاره تأخیر واجب نیست.

س 737: اگر شخص روزه دار جنب باشد و تا قبل از اذان ظهر متوجه آن نشود و پس از آن غسل ارتماسی نماید، آیا روزه‌اش باطل می‌شود؟ و اگر بعد از غسل متوجه شود که در حال روزه غسل ارتماسی نموده است، آیا قضای آن واجب است؟

اگر غسل ارتماسی بر اثر فراموشی و غفلت از روزه دار بودن باشد، غسل و روزه او صحیح است و قضای روزه‌اش بر او واجب نیست.

س 738: اگر شخصی بخواهد قبل از زوال به محل اقامتش برسد، ولی در راه به خاطر پیشامد حادثه‌ای نتواند در زمان معین به مقصد برسد، آیا روزه او اشکال دارد و آیا کفاره بر او واجب است یا فقط قضای روزه آن روز را باید به جا آورد؟

روزه‌اش در سفر صحیح نیست و بر او فقط قضای روزه آن روزی که پیش از ظهر به محل اقامتش نرسیده، واجب است و کفاره‌ای هم ندارد.

س 739: اگر هواپیما در ارتفاع بالا و مسیر طولانی در حال پرواز باشد و پرواز حدود دو ساعت و نیم تا سه ساعت طول بکشد، مهماندار و خلبان هواپیما برای حفظ تعادل خود هر بیست دقیقه احتیاج به نوشیدن آب دارند، در این صورت آیا در ماه مبارک رمضان، کفاره و قضای روزه بر آنها واجب می‌شود؟

اگر روزه برای آنها ضرر داشته باشد، جایز است که با نوشیدن آب افطار نمایند و قضای آن را بجا آورند و در این حالت کفاره بر آنها واجب نیست.

س 740: اگر زن در ماه مبارک رمضان دو ساعت یا کمتر مانده به اذان مغرب حیض شود، آیا روزه‌اش باطل می‌شود؟

روزه‌اش باطل است.

س 741: کسی که با پوشیدن لباس مخصوص (مانند لباس غواصي) بدون اینکه بدنش خیس شود، در آب فرو رود، روزه‌اش چه حکمی دارد؟
اگر لباس به سر او چسبیده باشد، صحت روزه‌اش محل اشکال است و بنا بر احتیاط و جویبی فضای آن لازم است.

س 742: آیا مسافرت عمدی در ماه رمضان به قصد افطار و فرار از روزه گرفتن، جایز است؟
مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، و در صورت مسافرت، ولو اینکه برای فرار از روزه باشد، افطار بر او واجب است.

س 743: شخصی که روزه واجب بر عهده‌اش است و قصد دارد که آن را بگیرد، ولی بر اثر پیشامدی نتواند روزه بگیرد مثلاً بعد از طلوع خورشید آماده مسافرت شد و به سفر رفت و بعد از ظهر برگشت و در بین راه هم مرتکب هیچیک از مفطرات نشد، ولی وقت نیت روزه واجب از وی فوت شد، و آن روز هم از روزهایی است که روزه در آن مستحب است، آیا می‌تواند نیت روزه مستحبی کند یا خیر؟
اگر قضای روزه ماه رمضان بر ذمه‌اش باشد، نیت روزه مستحبی حتی بعد از فوت وقت نیت روزه واجب، از وی صحیح نیست.

س 744: من معتاد به سیگار هستم و در ماه مبارک رمضان هر چه تلاش می‌کنم که تندخو نباشم نمی‌توانم و همین باعث ناراحتی زیاد افراد خانواده‌ام شده است و خودم هم از وضعیت دشوارم رنج می‌برم، تکلیف من چیست؟

روزه ماه مبارک رمضان بر شما واجب است و بنا بر احتیاط واجب جایز نیست در حال روزه سیگار بکشید، و نباید بدون دلیل با دیگران تند برخورد کنید.

احکام خمس

هبه، هدیه، جایزه بانکی، مهر و ارث

س 851: آیا هبه و هدیه عید (عیدی) خمس دارد؟
هبه و هدیه خمس ندارد، هر چند احوط این است که اگر از مخارج سال زیاد بیاید، خمس آن پرداخت شود.

س 852: آیا به جایزه‌هایی که توسط بانکها و صندوق‌های قرض الحسنه به افراد پرداخت می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

خمس در جایزه‌ها و هدیه‌ها واجب نیست.

س 853: آیا مبالغی که بنیاد شهید به خانواده‌های شهدا می‌پردازد، به مازاد از مخارج سال آن، خمس تعلق می‌گیرد؟

چیزی که بنیاد شهید به خانواده‌های عزیز شهدا هدیه می‌کند، خمس ندارد.

س 854: آیا نفقه‌ای که شخصی از طرف پدر یا برادر یا یکی از اقوام دریافت می‌کند، هدیه محسوب می‌شود یا خیر؟ در صورتی که نفقه دهنده خمس اموال خود را نپردازد، آیا بر نفقه گیرنده پرداخت خمس آنچه که از او می‌گیرد، واجب است؟

تحقق عنوان هبه و هدیه تابع قصد دهنده است و تا نفقه گیرنده یقین نداشته باشد که مالی که به او داده می‌شود، متعلق خمس است، پرداخت خمس آن واجب نیست.
س 855: به دخترم یک واحد مسکونی به عنوان جهیزیه عروسیم داده‌ام، آیا این واحد مسکونی خمس دارد؟

اگر هبه واحد مسکونی که به دخترتان بخشیده‌اید، عرفاً مطابق شأن شما محسوب شود، و در بین سال خمسی بخشیده باشید، دادن خمس آن واجب نیست.

س 856: آیا جایز است که انسان مالی را قبل از گذشت یک سال بر آن، به همسرش هدیه دهد، با آنکه می‌داند وی آن مال را برای خرید خانه در آینده و یا مخارج ضروری، ذخیره خواهد کرد؟ این کار جایز است و مالی که به همسرتان بخشیده‌اید، اگر به مقداری باشد که عرفاً مناسب شأن شما و افراد مانند شماست و بخشش صوری و به قصد فرار از خمس هم نباشد، خمس ندارد.
س 857: زن و شوهری برای اینکه خمس به اموال آنها تعلق نگیرد، قبل از رسیدن سال خمسی‌شان، اقدام به هدیه کردن سود سالانه خود به یکدیگر می‌کنند، امیدواریم حکم خمس آنها را بیان فرمائید.

با این‌گونه بخشش که صوری و برای فرار از خمس است، خمس واجب از آنان ساقط نمی‌شود.

س 858: شخصی برای رفتن به حج استحبایی مبلغی را به حساب سازمان حج واریز کرده، ولی قبل از تشرف به زیارت خانه خدا، فوت نموده است، این مبلغ چه حکمی دارد؟ آیا مصرف کردن آن در نیابت از حج میت واجب است؟ آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

فیش حج که در قبال مبلغی که به حساب سازمان حج واریز کرده، دریافت نموده، به قیمت فعلی‌اش از ترکه میت محسوب می‌شود، و میت اگر حج برزومه ندارد و وصیت به حج هم نکرده، صرف آن در حج نیایی برای میت واجب نیست، و پرداخت خمس مبلغ پرداختی بابت آن فیش اگر از پولی که خمس به آن تعلق گرفته ولی پرداخت نشده‌باشد، در فرض سؤال واجب است.

س 859: باغ پدری از طریق بخشش یا ارث به پسرش منتقل شده است، آن باغ هنگام هدیه یا انتقال به او بابت ارث، قیمت زیادی نداشت، ولی در حال حاضر قیمت آن هنگام فروش با قیمت قبلی آن تفاوت زیادی کرده است، آیا به آن مقدار زیادی که بر اثر افزایش قیمت حاصل شده، خمس تعلق می‌گیرد؟

ارث و هبه و پول فروش آنها خمس ندارد، هر چند قیمت آنها افزایش یافته باشد، مگر اینکه نگهداری آن به قصد تجارت و زیاد شدن قیمت باشد.

س 860: اداره بیمه مبلغی را بابت هزینه درمان به من بدهکار است و مقرر شده که در همین روزها به من پرداخت شود، آیا به این مبلغ خمس تعلق می‌گیرد؟
خمس ندارد.

س 861: آیا به پولی که از حقوق ماهیانه‌ام برای خرید لوازم ازدواج در آینده، پس انداز می‌کنم،

خمس تعلق می‌گیرد؟

اگر عین پولی را که بابت حقوق ماهیانه می‌گیرید، پس انداز می‌کنید، باید سر سال خمس آن پرداخت شود، مگر آنکه بخواهید در خلال دو سه ماه آینده صرف خرید لوازم ضروری ازدواج نمائید و با پرداخت خمس آن نتوانید باقیمانده لوازم مورد حاجت را تهیه کنید.

س 862: در کتاب **تحریر الوسیله** آمده است که مهریه زن خمس ندارد و فرقی بین مهریه مدت دار و بدون مدت گذاشته نشده است، امیدواریم آن را توضیح فرمائید.

در عدم وجوب خمس مهریه فرقی بین مهریه مدت دار و بدون مدت و بین پول نقد و کالا وجود ندارد. س 863: دولت در ایام عید به کارمندان خود اجناسی را به عنوان عیدی داده که مقداری از آن تا سر سال باقی مانده است. با توجه به اینکه عیدی کارمندان خمس ندارد، ولی چون ما در برابر این اجناس مقداری پول پرداخت کرده‌ایم، لذا آنچه به ما داده می‌شود هدیه به معنای دقیق آن نیست، بلکه با قیمت کمتری در برابر عوض داده شده است، آیا خمس آن مقدار از کالا که در برابر آن پول پرداخت شده، باید داده شود؟ یا اینکه باید قیمت واقعی آن در بازار آزاد محاسبه و خمس آن پرداخت شود؟ و یا چون عیدی است، هیچگونه خمسی ندارد؟

در فرض مذکور نظر به اینکه قسمتی از اجناس در واقع از سوی دولت مجانی به کارمند داده می‌شود و در برابر قسمتی پول دریافت می‌کنند، فلذا از کالای باقیمانده به نسبت مقداری که پول در برابر آن پرداخت نموده‌اید، واجب است که خمس عین اجناس باقیمانده یا قیمت فعلی آن را بپردازید. س 864: شخصی فوت نموده و هنگام حیات، خمسی را که بر ذمه‌اش بوده در دفتر خود یادداشت کرده و تصمیم به پرداخت آن داشته است، در حال حاضر بعد از فوت وی همه افراد خانواده او به استثنای یکی از دخترانش از پرداخت خمس خودداری کرده و در ترکه متوفی برای مخارج خود و میت و غیر آن، تصرف می‌کنند، خواهشمندیم نظر خود را در رابطه با مسائل زیر بیان فرمائید:

- تصرف در اموال منقول و غیرمنقول متوفی توسط داماد یا یکی از ورثه او، چه حکمی دارد؟

- غذا خوردن داماد یا یکی از ورثه در خانه او چه حکمی دارد؟

- تصرفات قبلی این افراد در اموال میت و غذا خوردن آنها در خانه متوفی چه حکمی دارد؟

اگر میت وصیت کند که مقداری از دارائی او به عنوان خمس پرداخت شود یا ورثه یقین پیدا کنند که وی مقداری خمس بدهکار است، تا وصیت میت و یا خمسی را که بر عهده دارد از ما ترک او ادا نکنند، نمی‌توانند در ترکه او تصرف نمایند، و تصرفات آنان قبل از عمل به وصیت وی یا پرداخت دین او، نسبت به مقدار وصیت یا دین در حکم غصب است و نسبت به تصرفات قبلی نیز ضامن هستند.

قرض، حقوق ماهیانه، بیمه، و بازنشستگی

س 865: آیا بر کارمندانی که گاهی مقداری مال از مخارج سالانه آنها زیاد می‌آید، با توجه به اینکه

بدهی‌های نقدی و قسطی دارند، خمس واجب است؟

اگر بدهی بر اثر قرض کردن در طول سال برای مخارج همان سال یا خرید بعضی از مایحتاج سال به صورت نسیه باشد، در صورتی که بخواهد دین خود را از منافع همان سال ادا نماید، مقدار دین از باقیمانده درآمد آن سال استثناء می‌شود، و در غیر این صورت، تمام درآمد باقیمانده خمس دارد.

س 866: آیا قرضی که برای حج تمتع گرفته می‌شود باید خمس آن داده شده باشد و بعد از پرداخت خمس، باقیمانده آن برای مخارج حج پرداخت شود؟

مالي که قرض گرفته مي‌شود، خمس ندارد.

س 867: من در خلال پنج سال مبلغی را به بنیاد مسکن جهت گرفتن زمینی به امید تأمین مسکن پرداخت کردم، ولی تاکنون تصمیمی برای واگذاری زمین گرفته نشده است، لذا تصمیم دارم، آن مبلغ را از بنیاد مسکن باز پس بگیرم، با توجه به اینکه قسمتی از آن را قرض گرفته‌ام و قسمتی را هم از فروش فرش خانه‌ام و باقیمانده آن را هم از حقوق همسرم که معلّم است، تهیه کرده‌ام، امیدوارم به دو سؤال ذیل پاسخ فرمائید.

- اگر بتوانم مبلغ مزبور را پس بگیرم و آن را فقط برای تهیه مسکن (زمین یا خانه) مصرف کنم، آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

- چه مقدار خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

در فرض مرقوم که پول از راه هدیه یا قرض یا فروش لوازم زندگی تهیه شده، خمس آن واجب نیست. س 868: چند سال پیش از بانک وام گرفته و آن را به مدت یک سال به حساب بانکی‌ام واریز کردم، و بدون آنکه موفق به استفاده از آن وام شوم، هر ماه قسط آن را می‌پردازم، آیا به این وام، خمس تعلق می‌گیرد؟

خمس آن مقدار از وام مزبور که اقساط آن را تا سر سال خمس‌ی از منفعت کسب خود پرداخت کرده‌اید، واجب است.

س 869: اینجانب مبلغی به خاطر ساختمان منزل ده‌کار هستم و این ده‌کاری تا دوازده سال طول خواهد کشید، خواهشمندم مرا در رابطه با موضوع خمس راهنمایی فرمائید که آیا این بدهی از درآمد سال استثناء می‌شود؟

اقساط بدهی ساخت مسکن و مانند آن را هر چند می‌توان از درآمد کسب همان سال پرداخت نمود، ولی در صورت عدم پرداخت، از درآمد آن سال استثناء نمی‌شود، بلکه به باقیمانده درآمد سر سال خمس‌ی، خمس تعلق می‌گیرد.

س 870: کتابهایی که دانشجویان از مال پدر خود یا از وامی که دانشگاه به دانشجویان می‌دهد، می‌خرند و منبع درآمدی هم ندارد، آیا خمس دارد؟ در صورتی که بدانند پدر خمس پول کتابها را نداده، آیا پرداخت خمس آن واجب است؟

کتابهایی که با پول وام و یا با پولی که پدر به او بخشیده، خریده شده است، خمس ندارد مگر آنکه یقین داشته باشد که عین پولی که پدر به او بخشیده، متعلق خمس است که در این صورت پرداخت خمس آن واجب است.

س 871: اگر شخصی مبلغی را قرض بگیرد و نتواند آن را قبل از آن سال ادا کند، آیا پرداخت خمس آن بر عهده قرض دهنده است یا قرض گیرنده؟

بر قرض گیرنده خمس مال قرض‌ی واجب نیست، ولی قرض دهنده اگر مال قرض‌ی را از درآمد سالیانه کارش و قبل از پرداخت خمس آن قرض داده است، در صورتی که نتواند تا آخر سال قرضش را از ده‌کار بگیرد، واجب است که هنگام رسیدن سال خمس‌ی‌اش خمس آن را بپردازد، و اگر نتواند قرض خود را تا:هه پایان سال بگیرد، فعلاً پرداخت خمس آن واجب نیست، لیکن هر وقت آن را وصول کرد باید خمس آن را بدهد.

س 872: افراد بازنشسته که همچنان حقوق ماهیانه دریافت می‌کنند، آیا باید خمس حقوقی را که در طول سال دریافت می‌کنند، بپردازند؟

مبالغی که از حقوق زمان اشتغال کسر نموده‌اند و پس از بازنشستگی، ماهانه می‌پردازند، در صورتی که از مخارج سال اضافه‌بیاید، پرداخت خمس آن واجب است.

س 873: اسیرانی که به پدر و مادر آنان از طرف جمهوری اسلامی در طول مدت اسارت، حقوق ماهیانه پرداخت شده و در بانک پس انداز گشته است، آیا با توجه به اینکه آقایان اسراء اگر دسترسی به آن پول داشتند، آن را مصرف می‌کردند، به مال مزبور خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟ پول مذکور خمس ندارد.

س 874: من به شخصی مبلغی پول بدهکارم، اگر سر سال برسد و طلبکار قرض خود را مطالبه نکند و مقداری از درآمد سالانه که با آن می‌توانم قرض خود را ادا کنم، نزد من موجود باشد، آیا این بدهی از درآمد سالانه استثناء می‌شود یا خیر؟

بدهی اعم از اینکه بر اثر قرض گرفتن باشد و یا بر اثر خرید نسیه لوازم خانگی، اگر به خاطر تأمین مخارج سالانه زندگی همان سال درآمد باشد اگر بخواهد پرداخت نماید، از درآمد سال کسر می‌شود، ولی اگر برای بدهی‌های سالهای قبل باشد، هر چند مصرف در آمد سالانه برای پرداخت آن جایز است، ولی اگر تا پایان سال پرداخت نشود از درآمد سالانه استثناء نمی‌شود.

س 875: آیا خمس بر کسی که مالی در حساب سالانه‌اش باقی مانده، و در حالی سال خمس‌اش رسیده که بدهکار است، با توجه به اینکه چند سال برای پرداخت قرضش فرصت دارد، واجب است؟

بدهی پرداخت نشده چه بدون مدت باشد و چه مدت دار، از درآمد سالانه استثناء نمی‌شود، مگر این که برای تأمین هزینه‌های سال درآمد باشد که از درآمد آن سال مقداری را که می‌خواهد صرف بدهی خود کند، استثناء می‌شود و به معادل آن از درآمد سالانه، خمس تعلق نمی‌گیرد.

س 876: آیا به مالی که شرکت‌های بیمه بر اساس قرارداد برای جبران خسارت به بیمه شده پرداخت می‌کنند، خمس تعلق می‌گیرد؟

پولی که شرکت‌های بیمه به فرد بیمه شده پرداخت می‌کنند، خمس ندارد.

س 877: در سال گذشته مبلغی را قرض گرفته و با آن زمینی خریدم به این امید که افزایش قیمت پیدا کند و بعد از فروش آن و خانه مسکونی فعلی ام، مشکل مسکن خود را در آینده حل کنم، اکنون سال خمس‌ی من فرا رسیده، سؤال من این است که آیا می‌توانم آن بدهی را از منفعت کسب سال گذشته‌ام که خمس به آن تعلق گرفته، استثناء کنم یا خیر؟

با فرض این که قرض مزبور جهت خرید زمین برای فروش آن در آینده بوده است، از منفعت کسب سالی که در آن قرض گرفته‌اید، استثناء نمی‌شود، و پرداخت خمس درآمد سالانه کسب که از مخارج آن سال زیاد آمده، واجب است.

س 878: من از بانک مقداری وام گرفتم که وقت پرداخت آن بعد از تاریخ سال خمس‌یام فرا می‌رسد و می‌ترسم که اگر آن مبلغ را امسال نپردازم، سال آینده قادر به ادای آن نباشم، تکلیف من هنگام رسیدن سال خمس‌ی ام در رابطه با پرداخت خمس چیست؟

اگر درآمد سال را پیش از پایان آن در پرداخت قرض خود مصرف کنید و قرض هم برای افزایش سرمایه نباشد، خمس ندارد، ولی اگر قرض برای افزایش سرمایه باشد و یا قصد پس انداز درآمد سالانه را داشته باشید، پرداخت خمس آن بر شما واجب است.

س 879: معمول است که برای اجاره خانه مقداری پول پیش پرداخت می‌کنند، اگر این پول از منابع کسب باشد، و چند سال در نزد صاحب خانه بماند آیا پس از دریافت بلافاصله باید خمس آن پرداخت شود و در صورتی که بخواهد با همان پول در جای دیگر منزل اجاره کند، چطور؟ مادامی که به این پول برای اجاره منزل نیاز دارد خمس ندارد.

فروش خانه، وسائل نقلیه و زمین

س 880: آیا به خانه‌ای که قبلاً با مالی که خمس آن داده نشده، ساخته شده، خمس تعلق می‌گیرد؟ بر فرض وجوب پرداخت خمس، آیا خمس بر اساس قیمت فعلی محاسبه می‌شود یا قیمت زمان ساخت آن؟

اگر خانه از درآمد بین سال برای زندگی و سکونت ساخته شده و پس از سکونت در آن به فروش رفته است، پول فروش آن خمس ندارد، ولی اگر از درآمدی که سال بر آن گذشته، ساخته شده است، خمس پولی که در ساخت آن هزینه شده، باید پرداخت شود.

س 881: مدتی قبل آپارتمان مسکونی خود را فروختم. این معامله هم زمان با رسیدن سال خمس من بود و چون خود را موظف به ادای حقوق شرعی می‌دانم، بر اثر شرایط خاص زندگی‌ام در این رابطه با مشکل مواجه شده‌ام، امیدوارم مرا در این رابطه راهنمایی فرمائید. اگر خانه مسکونی فروخته شده را با پولی که خمس نداشته و یا با درآمد بین سال خریده‌اید، پول فروش آن در هر صورت خمس ندارد.

س 882: خانه نیمه سازی در یکی از شهرها دارم که به علت سکونت در ساختمان‌های دولتی نیازی به آن ندارم، لذا قصد دارم آن را فروخته و با پول آن ماشینی برای استفاده شخصی بخرم، آیا به پول آن خمس تعلق می‌گیرد؟

اگر خانه مزبور را از درآمد سالانه و در بین سال به قصد سکونت در آن ساخته یا خریده‌اید، و در همان سال آن را فروخته‌اید پول فروش آن اگر در همان سال فروش در مؤونه زندگی مصرف شود، خمس ندارد، و همچنین اگر بعد از سکونت در آن، در سال بعد آن را فروخته باشید، پول فروش آن خمس ندارد. س 883: تعدادی درب پروفیلی برای خانه مسکونی‌ام خریداری کردم، ولی بعد از دو سال به علت عدم تمایل به استفاده، آنها را فروخته و پولش را به حساب شرکت آلومینیوم واریز کردم تا به جای درهای قبلی، به همان قیمت برای من درهای آلومینیومی بسازد، آیا به آن پول خمس تعلق می‌گیرد؟

در فرض مرقوم، پول فروش آن خمس ندارد.

س 884: مبلغ صد هزار تومان به مؤسسه‌ای پرداخت نمودم تا در آینده زمین مسکونی به من تحویل دهد و الآن یک سال از آن می‌گذرد و از طرفی قسمتی از آن پول مال خودم است و قسمت دیگر را قرض کرده و مقداری از قرض را هم پرداخته‌ام، آیا به آن خمس تعلق می‌گیرد؟ مقدار آن چقدر است؟

اگر گرفتن زمین برای ساخت مسکن مورد نیاز متوقف بر پیش پرداخت مقداری از پول آن باشد، مبلغ پرداخت شده خمس ندارد، حتی اگر از درآمد کسب شما باشد.

س 885: اگر شخصی خانه خود را فروخته و پول آن را برای استفاده از سود آن در بانک بگذارد و سپس سال خمسی اش فرا برسد، چه حکمی دارد؟ و اگر این پول را برای خرید خانه، پس انداز نماید، چه حکمی دارد؟

اگر خانه را از درآمد سالانه شغلی و در اثنای همان سال برای سکونت و به حساب مخارج سالانه، ساخته یا خریده و بعد آن را فروخته باشد، پول فروش آن در هر صورت خمس ندارد.

س 886: آیا به اموالی که به تدریج برای خرید خانه یا سایر مایحتاج زندگی پس انداز می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد؟

اگر خرید مایحتاج زندگی برحسب وضع مالی شخص متوقف بر پس انداز درآمد سال باشد، و بنا دارد پس اندازها را در آینده نزدیک مثلاً دو سه ماه دیگر، صرف خرید مایحتاج زندگی نماید، خمس ندارد.

س 887: چند سال پیش ماشینی خریدم که در حال حاضر فروش آن به چندین برابر قیمت ممکن است، با توجه به اینکه پول خرید آن، مخمس نبوده است، و در صورت فروش و گرفتن قیمت فعلی آن، می‌خواهم خانه‌ای برای سکونت بخرم، آیا به مجرد دریافت پول، همه آن خمس دارد یا فقط به پولی که با آن ماشین را خریده‌ام، خمس تعلق می‌گیرد و مقدار باقیمانده که همان مقدار افزایش قیمت ماشین است، جزء درآمد سال فروش ماشین محسوب می‌شود که اگر تا پایان سال فروش در مخارج زندگی مصرف نشود، خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

اگر ماشین جزء مؤونه شما باشد و آن را از درآمد بین سال جهت استفاده شخصی خریده باشید، پول فروش آن خمس ندارد. ولی اگر ماشین را برای کار کردن خریده‌اید، در صورتی که با مال قرضی یا نسیه خریده باشید، فقط خمس مالی که برای ادای دین صرف کرده‌اید، واجب است، و اگر آن را با عین درآمدی که خمس به آن تعلق گرفته ولی پرداخت نشده، خریده‌اید، باید خمس تمام پول فروش آن را بپردازید.

س 888: من مالک خانه بسیار محقری هستم، و به عللی تصمیم به خرید خانه دیگری گرفتم، ولی به علت بدهی مجبور به فروش ماشینی که از آن استفاده می‌کردم و گرفتن مبلغی وام از بانک استان و صندوق قرض الحسنه شهرستان شدم تا بتوانم پول خانه را بپردازم، با توجه به اینکه ماشین را قبل از تاریخ سال خمسی ام فروخته و پول آن را برای پرداخت مقداری از بدهی هایم مصرف کرده‌ام، آیا به پول حاصل از فروش ماشین خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟ در فرض سؤال، پول حاصل از فروش ماشین خمس ندارد.

س 889: خانه، ماشین و لوازم مورد نیاز انسان یا خانواده او که از درآمد سال خریده شده است، اگر در اثر ضرورت و یا به منظور تبدیل به جنس بهتر فروخته شود، از جهت خمس چه حکمی دارد؟ پول حاصل از فروش چیزی که از مؤونه بوده، خمس ندارد.

س 890: اگر خانه یا ماشین یا غیر آنها از احتیاجات زندگی با پولی که خمس آن پرداخت شده، جهت استفاده شخصی نه به قصد استفاده از آنها برای فروش یا تجارت خریداری شده و سپس به علتی فروخته شود، آیا به اضافه قیمت آنها که بر اثر افزایش قیمت بازار بوده، خمس تعلق می‌گیرد؟ سود حاصل از افزایش قیمت در فرض سؤال، خمس ندارد.

گنج، غنیمت و مال حلال مخلوط به حرام

س 891: نظر حضرتعالی درباره گنجی که افراد در زمینی که مالک آن هستند، پیدا می‌کنند، چیست؟

میزان در این گونه امور مقررات نظام جمهوری اسلامی است.

س 892: اگر مقداری سکه نقره که تاریخ آن به حدود صد سال پیش بر می‌گردد، از زیر خاک ساختمان ملکی شخصی پیدا شود، آیا این سکه‌ها متعلق به مالک فعلی آن ساختمان مانند وارث قانونی یا خریدار است یا خیر؟

حکم گنج را دارد که قبلاً بیان شد.

س 893: شبهه زیر برای ما مطرح شده است:

با توجه به اینکه خمس معادن استخراج شده در این زمان نیز واجب است، زیرا وجوب خمس معادن نزد فقهای گرانقدر از احکام مسلم است، حکم معادنی که دولت آن را استخراج می‌کند با التفات به اینکه مجرد اقدام دولت به انفاق آن میان مسلمانان بلاد اسلامی مانع از وجوب خمس نیست چیست؟ زیرا استخراج معادن یا توسط حکومت بالا‌الصالة صورت می‌گیرد و آن را به مصرف ملت می‌رساند، در این حالت دولت مانند شخصی است که اقدام به استخراج معادن نموده و سپس آنها را به شخص دیگری می‌بخشد یا هدیه می‌دهد و یا بر او تصدق می‌کند، در هر صورت اطلاق ادله خمس شامل این فرض نیز می‌شود زیرا دلیلی بر تقیید وجود ندارد، و یا اینکه حکومت به وکالت از ملت، معادن را استخراج می‌کند که در این صورت در واقع استخراج کننده خود ملت است، در این فرض پرداخت خمس بر موکل واجب است، و یا اینکه حکومت با ولایت بر ملت، معادن را استخراج می‌نماید که در این حالت استخراج کننده یا خود ولی است یا اینکه مانند نیابت است که بر اساس آن در واقع مولی علیه استخراج کننده است، به هر حال دلیلی بر خروج معادن از عمومات خمس نداریم، همانگونه که خود معدن اگر به حد نصاب برسد، متعلق خمس است و مثل سایر درآمدهای شغلی نیست که با مصرف کردن یا هبه آن، جزء مؤونه سال محسوب گردد و از وجوب خمس استثناء شود، نظر حضرتعالی درباره این مسأله مهم چیست؟

از شرایط وجوب خمس در معادن این است که شخص یا اشخاصی با مشارکت یا یکدیگر آن را استخراج کنند، مشروط بر اینکه سهم هر یک به حد نصاب برسد و آنچه استخراج شده، ملک آنها شود، و معادنی که دولت استخراج می‌کند، نظر به اینکه ملک خاص شخص یا اشخاص نیست، بلکه ملک جهت است لذا شرط وجوب خمس را دارا نیست و در نتیجه جایی برای وجوب خمس بر دولت و حکومت باقی نمی‌ماند، و این استثنائی بر وجوب خمس در معدن نیست. بله، معادنی که توسط شخص خاصی یا با مشارکت اشخاص با یکدیگر استخراج می‌شود، خمس در آن واجب است، مشروط بر اینکه آنچه آن شخص استخراج کرده و یا سهم هر یک از اشخاصی که با مشارکت با یکدیگر اقدام به استخراج کرده‌اند، بعد از کم کردن هزینه‌های استخراج و تصفیه، به مقدار بیست دینار طلا یا دویست درهم نقره یا معادل قیمت یکی از آن دو باشد.

س 894: اگر مال حرامی با مال انسان مخلوط شود، آن مال چه حکمی دارد و چگونه حلال می‌شود و در صورت علم به حرمت یا عدم علم به آن وظیفه انسان چیست؟

اگر یقین به وجود مال حرام در اموالش دارد، ولی مقدار دقیق آن را نمی‌داند و صاحب آن را هم نمی‌شناسد، راه حلال کردن آنها این است که خمس آن را بپردازد، ولی اگر شک در مخلوط شدن مال حرام با اموال خود داشته باشد، چیزی بر عهده او نیست.

س 895: قبل از رسیدن سر سال خمسی ام، مبلغی پول به شخصی قرض دادم، آن فرد قصد داشت آن پول را به کار بیندازد و سود آن بین ما بالمناصفه تقسیم شود، با توجه به اینکه آن مال در حال حاضر در دست من نیست و خمس آن را هم نپرداخته‌ام، نظر حضرتعالی در این باره چیست؟ اگر آن مال را قرض داده‌اید و سر سال خمسی قابل وصول نیست، فعلاً خمس آن بر شما واجب نیست، بلکه هنگامی واجب می‌شود که آن را دریافت کنید، ولی در این صورت شما حقی در سود حاصل از کار قرض گیرنده ندارید، و اگر چیزی از او مطالبه نمائید، ربا و حرام است، و اگر آن مال را به عنوان سرمایه مضاربه به او داده‌اید، بر اساس قرارداد، در سود آن شریک هستید و واجب است که خمس سرمایه را بپردازید.

س 896: من در بانک کار می‌کنم، برای شروع به کار از روی اجبار مبلغ پانصد هزار تومان را در بانک به ودیعه گذاشتم، این مبلغ به اسم خودم و در یک حساب بلند مدت است که هر ماه سود آن به من پرداخت می‌شود، آیا پرداخت خمس این مال که در حساب بانکی گذاشته شده واجب است؟ قابل ذکر است که این پول به مدت چهار سال است که در بانک گذاشته شده است. اگر پس گرفتن این مبلغ در حال حاضر ممکن نیست تا آن را پس نگرفته‌اید، خمس آن واجب نیست، ولی سود سالانه آن در زائد بر مؤونه سال خمس دارد.

س 897: روشی برای سپرده گذاری اموال در بانک‌ها وجود دارد که براساس آن هیچگاه پول به دست استفاده کننده نمی‌رسد، ولی به حساب او در بانک طبق شماره معینی واریز می‌شود، آیا به این اموال خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

اگر مالی را که نزد بانک به ودیعه گذاشته‌اید از منافع کسب شما باشد و هنگام رسیدن سال خمسی گرفتن آن مبلغ از بانک برای شما ممکن باشد، واجب است خمس آن در سر سال خمسی، پرداخت شود.

س 898: آیا خمس مالی که مستأجر به عنوان رهن به مؤجر می‌دهد، بر عهده مستأجر است یا مؤجر؟

اگر از منفعت کسب مستأجر باشد، بر او واجب است که بعد از گرفتن آن از مؤجر، خمس آن را بپردازد، مگر آنکه برای اجاره در جای دیگر به آن نیاز داشته باشد که در این صورت پس از رفع نیاز، باید خمس آن را بپردازد، و خمس آن بر عهده مؤجر که آن مال را به عنوان قرض می‌گیرد، واجب نیست.

س 899: حقوق ماهیانه کارمندان که پرداخت آن توسط دولت چند سال به تأخیر افتاده، آیا هنگام دریافت، جزء درآمدهای همان سال (سال دریافت) محسوب می‌شود و محاسبه خمس آن در سر سال خمسی واجب است یا اینکه به این مال اصلاً خمس تعلق نمی‌گیرد؟ حقوق معوقه از درآمدهای سال دریافت آن محسوب می‌شود و در مقدار زائد بر مخارج آن سال، خمس واجب است.

مؤونه

س 900: شخصی دارای کتابخانه‌ای شخصی است که مدتی از آن کتابها استفاده می‌نموده است، فعلا چند سال است که از آن استفاده نمی‌کند، ولی احتمال می‌دهد که در آینده از آن بهره ببرد، آیا در مدتی که از کتابها استفاده نمی‌کند، به آن خمس تعلّق می‌گیرد؟ و آیا در تعلّق خمس، فرقی بین اینکه خودش خریده باشد یا پدرش، وجود دارد؟

اگر کتابها در زمان خرید آن مورد نیاز او برای مراجعه و مطالعه بوده و مقدار آن هم مناسب شأن عرفی او باشد، خمس ندارد، حتی اگر پس از سال اول از آن استفاده نکند. همچنین اگر کتابها به او ارث رسیده و یا از طرف پدر و مادر و یا دیگران به او هدیه شده باشد، خمس به آن تعلّق نمی‌گیرد.

س 901: آیا به طلائی که شوهر برای همسرش می‌خرد، خمس تعلّق می‌گیرد؟

اگر به مقدار متعارف و مناسب شأن او باشد، از مؤونه سال محسوب می‌شود و خمس ندارد.

س 902: آیا به پولی که برای خرید کتاب از نمایشگاه بین‌المللی کتاب در تهران قبل از تحویل آن

پرداخت شده، ولی هنوز کتابها ارسال نشده است، خمس تعلّق می‌گیرد؟

اگر کتابهای مزبور، مورد نیاز و به مقدار متناسب با شأن عرفی شخص بوده و تهیه آن متوقف بر پیش برداخت قیمت آن باشد، خمس ندارد.

س 903: اگر فردی زمین دومی که مناسب شأن او و مورد نیاز جهت ساختمان مسکن برای عائله اوست داشته باشد، ولی در طول سال خمسی قدرت ساخت آن را ندارد و یا در یک سال نمی‌تواند

آن را تکمیل کند، آیا پرداخت خمس آن بر او واجب است؟

در عدم وجوب خمس، در زمینی که برای ساخت مسکن بدان نیاز دارد، فرقی بین اینکه یک قطعه باشد یا چند قطعه، و یا یک مسکن باشد یا چند مسکن، وجود ندارد، بلکه ملاک، صدق عنوان نیاز به آن به مقتضای موقعیت و شأن عرفی وی و همچنین وضع مالی او برای ساخت تدریجی آن است.

س 904: یک سرویس ظروف منزل وجود دارد، آیا استفاده از بعضی از آنها برای عدم تعلّق خمس به آن کافی است؟

معیار عدم تعلّق خمس به لوازم منزل، صدق عنوان نیاز به آن مطابق با شأن عرفی مناسب با انسان است، هرچند در طول سال از آن استفاده نشود.

س 905: اگر فرش و ظرفها اتفاقا در طول سال مورد استفاده قرار نگیرد، ولی برای استفاده میهمان به آنها نیاز باشد، آیا خمس در آنها واجب است؟

در فرض سؤال خمس در آنها واجب نیست.

س 906: با توجه به فتوای امام خمینی **♦** قدس سره **♦** در مسأله جهیزیه عروس که دختر هنگام

ازدواج به خانه شوهر می‌برد، اگر در منطقه‌ای رسم براین باشد که خانواده داماد اقدام به تهیه و تأمین اثاثیه و لوازم خانه کنند و به مرور زمان و به تدریج به تهیه آن لوازم بپردازند و سال بر آنها بگذرد، چه حکمی دارد؟

اگر تهیه اساس و لوازم زندگی برای آینده، عرفا جزء مؤونه محسوب شود، خمس ندارد.

س 907: آیا استفاده از یک جلد از دوره کتابی که از چندین جلد تشکیل شده (مانند وسائل الشیعه) باعث ساقط شدن خمس تمام آن دوره می‌شود یا اینکه باید از هر جلد کتاب یک صفحه خوانده شود؟

اگر مجموع آن دوره مورد نیاز باشد و یا خرید جلدي که به آن احتیاج است متوقف بر خرید دوره کامل آن باشد، خمس ندارد، در غیر این صورت باید خمس مجلّداتی که الآن مورد نیاز نیست، پرداخت شود، و مجرد خواندن یک صفحه از هر جلد کتاب، برای ساقط شدن خمس کافی نیست. س 908: داروهایی که از درآمد وسط سال خرید شده و پول آن توسط سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود، اگر بدون فاسد شدن تا سر سال خمسی باقی بماند، خمس به آن تعلق می‌گیرد یا خیر؟

اگر خرید داروها جهت استفاده از آن در مواقع نیاز باشد و در معرض احتیاج هم باشد، خمس ندارد. س 909: شخصی خانه‌ای برای سکونت ندارد و برای خرید مسکن یا تهیه مایحتاج زندگی، مالی را پس‌انداز کرده است، آیا این مبلغ خمس دارد؟

مال پس‌انداز شده از منفعت کسب اگر برای تأمین هزینه‌های زندگی باشد، سر سال خمسی، خمس دارد مگر این که پس‌انداز برای تهیه لوازم ضروری زندگی و یا تأمین هزینه‌های لازم باشد که در این صورت اگر بعد از سال خمسی در آینده نزدیک (مثلاً دو سه ماه پس از سال خمسی) در راه‌های مذکور مصرف شود، خمس ندارد.

س 910: همسر من قالی می‌بافد که سرمایه آن متعلق به خود ماست و برای تهیه آن قرض گرفته‌ایم، در حال حاضر قسمتی از فرش بافته شده است و از آنجا که سال خمسی من به پایان رسیده، آیا پس از تمام شدن فرش و فروش آن برای تهیه احتیاجات خانه، به مقدار بافته شده خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟ سرمایه ما از جهت خمس چه وضعیتی دارد؟

پس از استثنای سرمایه که قرض است از قیمت فروش قالی، باقیمانده جزء سود سال فروش محسوب می‌شود، بنابراین اگر در سالی که بافت قالی تمام و فروخته شده، در مخارج زندگی مصرف شود، خمس ندارد.

س 911: تمام دارائی من ساختمان سه طبقه‌ای است که هر طبقه آن دو اتاق دارد. در یک طبقه من زندگی می‌کنم و در دو طبقه دیگر فرزندانم سکونت دارند، آیا به این خانه در حال حیات من خمس تعلق می‌گیرد یا اینکه بعد از وفات من خمس دارد تا به ورثه‌ام وصیت کنم که بعد از مردنم خمس آن را بپردازند؟

ساختمان مورد سؤال خمس ندارد، البته کسی که حساب سال نداشته‌است باید به نحوی مصالحه نماید.

س 912: خمس لوازم منزل چگونه محاسبه می‌شود؟ لوازمی که با استفاده از آنها عین آن باقی می‌ماند مثل فرش و غیر آن، خمس ندارد. ولی از نیازهای مصرفی روزمره مانند برنج و روغن و غیر آنها، آنچه اضافه بیاید و تا سر سال خمسی باقی بماند، خمس دارد.

س 913: شخصی خانه ملکی برای سکونت ندارد، لذا زمینی خریده تا در آن خانه‌ای برای خودش بسازد، ولی چون پول کافی برای ساخت نداشته، سال بر آن گذشته و آن را به فروش هم نرسانده است، آیا خمس آن واجب است؟ بر فرض وجوب، آیا خمس پول خرید را باید بپردازد یا قیمت فعلی زمین را؟

اگر زمین را از منفعت کسب سال، برای ساخت مسکن مورد نیاز، خریده باشد، خمس ندارد.

س 914: در سؤال قبلي، اگر آن شخص شروع به ساختن خانه کند، ولي قبل از اتمام آن، سال خمسي برسد، آیا خمس آنچه در مصالح ساختمان مصرف کرده، واجب است؟ در فرض سؤال، خمس ندارد.

س 915: اگر شخصي براي آینده فرزندان، با اینکه خودش در طبقه اول زندگي مي‌کند، اقدام به ساختن طبقه دوم کند، آیا با وجود عدم نیاز به آن تا چند سال ديگر پرداخت خمس آنچه در آن خرج کرده، واجب است؟

اگر ساختن طبقه دوم براي آینده فرزندان در حال حاضر از مخارج مناسب با شأن عرفي وي محسوب شود، آنچه به مصرف رسانده است، خمس ندارد و در صورتي که اين چنين نباشد و در حال حاضر هم، نه خودش و نه فرزندان به آن نیاز ندارند، پرداخت خمس آن واجب است.

س 916: شما مي‌فرمایید آنچه از مخارج سال محسوب مي‌شود، خمس ندارد، پس شخصي که خانه‌اي براي سکونت ندارد، ولي مالک قطعه زميني است که یک سال یا بیشتر بر آن گذشته و او نمي‌تواند آن را بسازد، پس چرا اين از مخارج او محسوب نمي‌شود؟ اميدواريم توضيح بفرمایید. اگر زمین را براي ساخت مسکن مورد نیاز، در آن، از درآمد بين سال خریده باشد، جزء مخارج کنوني وي محسوب مي‌شود و خمس آن واجب نیست، ولي اگر آن را از درآمد سال به قصد فروش و مصرف پول آن براي ساخت خانه خریده باشد، پرداخت خمس آن واجب است.

س 917: سر سال خمسي من اول شهريور است، معمولاً امتحانات دانشگاهها و مدارس در اردیبهشت و خرداد برگزار مي‌شود و بعد از شش ماه، اجرت اضافه‌کاري ما در ایام امتحانات پرداخت مي‌شود، خواهشمندم توضيح فرمایید که اگر اجرت کاري را که قبل از پایان سال خمسي انجام داده‌ام، بعد از پایان سال دریافت کنم، آیا خمس به آن تعلق مي‌گیرد؟ حقوق معوقه جزئي از درآمدهاي سال دریافت آن محسوب مي‌شود نه سال اضافه کاري، و اگر در هزینه‌هاي سال دریافت مصرف شود، خمس ندارد.

س 918: گاهي لوازم منزل مثل یخچال به قيمتي کمتر از قيمت بازار به ما فروخته مي‌شود، اين لوازم در آینده يعني پس از ازدواج مورد نیاز ماست، با توجه به اینکه بعد از ازدواج باید آنها را به چند برابر قيمت فعلي تهیه کنیم، آیا به آنها که در حال حاضر بدون استفاده در خانه مانده است، خمس تعلق مي‌گیرد؟

اگر آنها را با منفعت کسب سال براي استفاده در آینده خریده‌اید و در سال خرید مورد نیاز شما نبوده، باید خمس قيمت عادلانه آن را در سر سال خمسي بپردازید، مگر آنکه به علت عدم توانايي از تهیه یک باره آن هنگام نیاز، ناگزير از تهیه تدريجي و نگهداري آن براي زمان احتياج باشید، و مقدار آن هم به اندازه شأن عرفي شما باشد، که در اين صورت جزء مؤونه محسوب مي‌شود و خمس ندارد.

س 919: مبالغی را که انسان براي امور خيرييه مانند کمک به مدارس، آسپ‌دیدگان از سيل و ملت فلسطين و بوسني، انفاق مي‌کند، آیا از مؤونه سال محسوب مي‌شود و خمس ندارد؟ اين چنين انفاقها از مخارج سال انفاق محسوب مي‌شود و خمس ندارد.

س 920: مبلغی را در سال گذشته براي خرید فرش پس‌انداز کردیم و در اواخر آن سال به چند فرش فروشي براي خرید آن مراجعه نمودیم تا اینکه قرار شد یکی از آنان فرش مناسب با ذوق و سليقه ما

را فراهم کند، این کار تا ماه دوم سال جدید طول کشید، با توجه به اینکه سر سال خمسی من ابتدای سال هجری شمسی است، آیا به آن مبلغ خمس تعلق می‌گیرد؟
مبلغ مذکور و فرش تهیه شده در فرض سؤال خمس ندارد.

س 921: تعدادی از اشخاص اقدام به تأسیس مدرسه خصوصی (غیرانتفاعی) کرده‌اند و بعد از استفاده از سرمایه کمی که اعضا داشتند، هیئت مؤسس تصمیم گرفت برای تأمین مخارج آن از بانک وام بگیرد و همچنین مقرر نمود که برای تکمیل سرمایه و پرداخت اقساط بانک، هریک از اعضا مبلغی را به طور ماهیانه بپردازد. این مؤسسه هنوز به مرحله سوددهی نرسیده است، آیا به مبلغی که اعضا ماهیانه می‌پردازند، خمس تعلق می‌گیرد؟ آیا مجموع سرمایه که همان قیمت مؤسسه است، خمس دارد؟

بر هر یک از اعضا واجب است خمس سهم ماهانه خود را که به عنوان سرمایه شرکت می‌پردازند، و همچنین خمس آنچه را که در ابتدا به عنوان سهم مشارکت در تأسیس مدرسه داده‌اند، پرداخت نمایند، و پس از آنکه هر یک از اعضا خمس سهم خود از سرمایه شرکت را پرداخت نمود، دیگر مجموع سرمایه دوباره خمس ندارد.

س 922: جایی که در آن کار می‌کنم، چند سال است مبلغی به من بدهکار است که تاکنون آن را نپرداخته است، آیا به این مبلغ به مجرد دریافت آن خمس تعلق می‌گیرد یا اینکه باید یک سال بر آن بگذرد؟

مبلغی که طلب دارید اگر بابت اجرت کار باشد و سر سال خمسی قابل دریافت نباشد، جزء درآمد سال دریافت آن محسوب می‌شود، که اگر در همان سال دریافت در مؤونه مصرف شود، خمس ندارد. س 923: آیا ملاک عدم وجوب خمس در مؤونه استفاده از آن در طول سال است یا اینکه نیاز به آن در طی سال کافی است، هر چند موردی برای استفاده از آن پیش نیاید؟
ملاک در امثال لباس و فرش و مانند آن از چیزهایی که هنگام استفاده، عین آنها باقی می‌ماند، نیاز به آنها است. ولی معیار در احتیاجات مصرفی روزانه زندگی مانند برنج و روغن و غیره، مصرف است که هر چه از مصرف سالانه آنها زیاد بیاید، خمس دارد.

س 924: شخصی برای آسایش و رفع نیازهای خانواده‌اش اقدام به خرید ماشینی با مال غیر مخمس و سودی که در وسط سال به دست آمده، نموده است، آیا پرداخت خمس آن بر او واجب است؟ در صورتی که ماشین را برای انجام امور مربوط به کارش و یا به هر دو منظور خریده باشد، چه حکمی دارد؟

ماشین اگر برای انجام امور مربوط به کار و کسب او باشد، حکم ابزار کار را در وجوب خمس دارد، ولی اگر برای رفع نیازهای زندگی و جزء احتیاجات مناسب با شأن عرفی او باشد، خمس ندارد. البته اگر به پول خرید آن خمس تعلق گرفته باید پرداخت شود.

دست گردان، مصالحه و مخلوط شدن خمس با غیر آن
س 925: افرادی هستند که خمس بر آنها واجب است، ولی تاکنون آن را نپرداخته‌اند و در حال حاضر هم توانایی پرداخت آن را ندارند و یا بر آنها بسیار دشوار است، حکم آنان در این باره چیست؟

مجرد عدم توانایی یا دشواری پرداخت خمس موجب برائت ذمه و سقوط تکلیف نیست، بلکه ادای آن تا حد امکان واجب است، چنین افرادی می‌توانند با دست‌گردان مبالغ بدهی خود با ولی امر خمس یا وکیل او، آن را به تدریج برحسب استطاعت خودشان از جهت مقدار و زمان بپردازند.

س 926: خانه‌ای دارم که دارای وام قسطبندی شده است و مالک محلی تجاری هستم که در آن کاسبی می‌کنم و برای عمل به وظیفه شرعی‌ام، سال خمسی برای خود تعیین کرده‌ام، امیدوارم لطف فرموده و مرا از پرداخت خمس آن خانه معاف کنید. ولی توان پرداخت خمس محل تجاری را به صورت قسطی دارم؟

خانه مسکونی شما در فرض سؤال که نسبه خریداری شده خمس ندارد، ولی پرداخت خمس محل تجاری‌تان واجب است، هرچند به تدریج بعد از دست‌گردان با یکی از وکلای مجاز ما باشد.

س 927: شخصی در خارج به سر می‌برد که خمس اموالش را نمی‌پرداخته است و خانه‌ای با مال غیر مخمس خریده که در حال حاضر مال کافی برای ادای خمس آن ندارد، ولی هرسال مقداری بیشتر از خمس به جای خمسی که بدهکار است می‌پردازد، آیا این کار او صحیح است یا خیر؟ در فرض سؤال باید خمسی را که برعهده دارد، دست‌گردان کند تا بعداً آن را به تدریج بپردازد، و در مورد آنچه تا به حال پرداخته، به یکی از وکلای ما مراجعه نماید.

س 928: شخصی چندین سال است که خمس درآمد سالانه خود را نمی‌پرداخته، و فعلاً نمی‌داند چه مقدار بدهی از این بابت دارد، او در حال حاضر چگونه می‌تواند خود را از خمس بری‌الذمه نماید؟ واجب است تمام اموالی را که خمس به آنها تعلق گرفته، حساب کند و خمس آنها را بپردازد، و در موارد مشکوک باید با ولی امر خمس یا وکیل او مصالحه نماید.

س 929: من جوانی هستم که با خانواده‌ام زندگی می‌کنم، پدرم خمس و زکاتش را نمی‌پردازد، حتی خانه‌ای را با مال ربوی ساخته است و حرام بودن غذایی که در خانه می‌خورم، آشکار است. با توجه به اینکه نمی‌توانم از خانواده‌ام جدا شوم، امیدوارم تکلیف مرا در این باره بیان فرمائید؟

بر فرض که یقین داشته باشید که اموال پدرتان مخلوط با ریاست و یا او خمس و زکات خود را؛ نمی‌پردازد، لازمه‌اش یقین به حرمت چیزی که او مصرف می‌کند و یا اموال وی که شما در آن تصرف می‌کنید، نیست، و تا یقین به حرمت این اموال پیدا نکرده‌اید، استفاده از آن برای شما اشکال ندارد.

البته، اگر یقین به حرام بودن آنچه از اموال او مصرف می‌کنید، داشته باشید، استفاده از آن برای شما جایز نیست مگر آنکه جدایی از خانواده و قطع رابطه با آنان برای شما، حرجی باشد که در این صورت استفاده از اموال مخلوط به حرام آنان اشکال ندارد، ولی ضامن خمس، زکات و مال دیگران که در اموال مورد مصرف شما وجود دارد، هستید.

س 930: من اطمینان دارم که پدرم خمس و زکاتش را نمی‌پردازد، و وقتی به او تذکر می‌دهم، در پاسخ می‌گوید که ما مستحق هستیم و خمس و زکاتی بر ما واجب نیست، حکم این مسأله چیست؟

اگر پدرتان مالی که خمس و زکات به آن تعلق بگیرد، نداشته باشد، خمس و زکات بر او واجب نیست و تحقیق در این زمینه بر شما لازم نیست.

س 931: ما با اشخاصی معامله می‌کنیم که خمس نمی‌دهند و حساب سال هم ندارند، با آنان خرید و فروش داریم و به دیدن آنان رفته و با آنان غذا می‌خوریم، این مسأله چه حکمی دارد؟

اگر یقین به وجود خمس در اموالی دارید که از طریق خرید و فروش از آنان گرفته‌اید و یا هنگام رفتن نزد آنان، مصرف می‌کنید، معامله در مقدار خمس موجود در اموالی که از طریق خرید و فروش از آنان می‌گیرید، فضولی است و احتیاج به اجازه ولی امر خمس یا وکیل او دارد، و تصرف در اموال ایشان برای شما جایز نیست مگر اینکه ترک معاشرت و خودداری از خوردن غذای آنان و تصرف در اموالشان برای شما حرجی باشد که در این صورت تصرف جایز است، ولی ضامن خمس اموالی که در آنها تصرف می‌کنید، هستید.

س 932: اگر شخصی مالی را که خمس آن داده نشده، به مسجد ببخشد، آیا گرفتن آن مال از او جایز است؟

اگر یقین به وجود خمس در آن مال دارند، گرفتن آن جایز نیست و در صورت دریافت آن، باید نسبت به خمس آن، به ولی امر خمس یا وکیل او مراجعه نمایند.

س 933: معاشرت با مسلمانانی که به امور دینی بخصوص نماز و خمس پایبند نیستند، چه حکمی دارد؟ آیا غذا خوردن در خانه‌های آنان اشکال دارد؟ در صورت اشکال داشتن، کسی که چندین بار این کار را انجام داده، چه حکمی دارد؟

اگر معاشرت با آنان مستلزم تأیید ایشان در عدم التزام به امور دینی نباشد، اشکال ندارد، مگر آنکه ترک معاشرت با آنان مؤثر در اهتمام ایشان به امور دینی باشد که در این صورت واجب است که معاشرت به طور موقت از باب نهی از منکر ترک شود، ولی استفاده از اموال آنان از قبیل غذا و مانند آن، تا یقین به تعلق خمس به آن نداشته باشید، اشکال ندارد.

س 934: یکی از دوستانم مرا زیاد به صرف غذا دعوت می‌کند، به تازگی متوجه شده‌ام که شوهر او خمس نمی‌دهد، آیا خوردن غذای کسی که خمس نمی‌دهد، برای من جایز است؟ تا علم به تعلق خمس به غذایی که در اختیار شما قرار داده می‌شود، ندارید، خوردن آن اشکال ندارد.

س 935: فردی برای اولین بار می‌خواهد خمس اموالش را حساب کند، خانه مسکونی که نمی‌داند با چه مالی آن را خریده، چه حکمی دارد؟ در صورتی که بداند آن را با مالی که چند سال پس‌انداز شده، خریده است، حکم آن چیست؟

خانه مسکونی یا سایر لوازم زندگی را اگر احتمال می‌دهد که با مالی که شرعاً متعلق خمس نبوده (مانند ارث یا هبه) خریده باشد چیزی از بابت خمس آن بر او نیست، ولی اگر یقین دارد که آن را با درآمد کسب خود خریده است، لیکن نمی‌داند که آیا درآمد کسب را در بین سال صرف خرید آن کرده است یا پس از پایان سال و پیش از پرداخت خمس درآمد، باید با یکی از وکلای ما مصالحه نماید و اگر یقین دارد خانه را از درآمد کسبی که چند سال پس‌انداز کرده است پیش از پرداخت خمس آن خریده است، باید خمس آن درآمد پس‌انداز شده را بپردازد.

س 936: عالمی در یکی از شهرها مبلغی را به عنوان خمس دریافت کرده، ولی برای او انتقال عین آن مال به شما یا دفترتان مشکل است، آیا می‌تواند آن را از طریق بانک حواله کند؟ با توجه به اینکه مالی که از بانک گرفته می‌شود عین مالی که در آن شهر به بانک پرداخت شده، نیست؟ تحویل خمس و سایر حقوق شرعی از طریق بانک اشکال ندارد.

س 937: اگر زمینی را با مال غیر مخمس بخرم، آیا نماز خواندن در آن زمین جایز است یا؛ وؤ خیر؟

اگر زمین با عین مال غیر مخمس خرید شده باشد، معامله به مقدار خمس، فضولی است و متوقف بر اجازه ولی امر خمس است و تا آن را اجازه و تنفیذ نکند، نماز خواندن در آن جایز نیست.

س 938: اگر مشتری بداند که به عین مالی که خریده، خمس تعلق گرفته و فروشنده آن را پرداخته است، آیا تصرف در آن کالا برای او جایز است؟

با فرض وجود خمس در کالا، معامله به مقدار خمس فضولی و متوقف بر اجازه ولی امر خمس است. س 939: اگر صاحب مغازه‌ای نداند که مشتری که با او معامله می‌کند، خمس مالش را پرداخته

است یا خیر، آیا دادن خمس آن اموال بر او واجب است؟ تا زمانی که علم به وجود خمس در پولی که مشتری به او می‌پردازد، نداشته باشد، چیزی برعهده او نیست و وظیفه‌ای هم نسبت به فحص ندارد.

س 940: اگر مثلاً چهار نفر با هم صد هزار تومان به عنوان شراکت برای به کارگیری در یک کار تولیدی سرمایه‌گذاری کنند و یکی از آنها خمس ندهد، آیا شراکت با او صحیح است یا خیر؟ و آیا دیگر شریکان می‌توانند مال فردی را که خمس نمی‌دهد به عنوان قرض‌الحسنه گرفته و به کار بیندازند؟ و به طور کلی اگر چند نفر با هم شریک باشند، آیا بر هر کدام از آنها واجب است خمس درآمد خود را به طور مستقل بپردازد یا اینکه خمس باید از صندوق مشترک پرداخت شود؟

شراکت با شخصی که به سرمایه‌اش خمس تعلق گرفته ولی آن را پرداخته است، به مقدار خمس مال او فضولی است که باید نسبت به آن به ولی امر مراجعه شود، و اگر بعضی از شرکاء خمس سهم خود در سرمایه را نداده باشند، تصرف در سرمایه مشترک جایز نیست، و هنگامی که شرکاء سود حاصل از سرمایه مشترک را دریافت می‌کنند، هرکدام از آنان مکلف هستند خمس مازاد بر مؤونه از سهم خود را سر سال خمسی بپردازند.

س 941: اگر شرکای من حساب سال خمسی نداشته باشند، تکلیف من چیست؟ بر هر یک از شرکاء واجب است که حقوق شرعی سهام خود را بپردازند تا تصرفات آنان در مال مشترک حلال باشد، و اگر بقیه شریکها آن را پرداخت نمی‌کنند و انحلال شرکت و جداسدن از آنان برای شما ضرری یا حرجی باشد، مجاز هستید به شراکت خود با آنان ادامه دهید.

سرمایه

س 942: شرکتی از برادران فرهنگی به نام شرکت تعاونی فرهنگیان چندین سال است که تأسیس گردیده و سرمایه آن از همان ابتدا از سهم تعدادی از فرهنگیان تشکیل شده بود که هر یک صد تومان پرداختند، در ابتدا سرمایه شرکت کم بود، ولی در حال حاضر با افزایش تعداد اعضاء، سرمایه آن بالغ بر هجده میلیون تومان به اضافه ماشینهای شرکت است. سود آن بین سهامداران به نسبت سهمشان تقسیم می‌شود، و هر یک از آنان براهتی می‌تواند سهم خود را دریافت نموده و با شرکت تسویه حساب نماید. تاکنون خمس سرمایه و سود آن پرداخت نشده است، آیا با توجه به موقعیت من به عنوان رئیس هیئت اداری شرکت، جایز است که اگر خمسی به حساب شرکت تعلق بگیرد، اقدام به پرداخت آن کنم؟ آیا رضایت سهامداران در این باره شرط است؟

پرداخت خمس سرمایه شرکت و سود حاصل از آن، تکلیف هریک از اعضا نسبت به سهم خود از مجموع دارائی شرکت است، و انجام این کار توسط مسئول هیئت اداری آن، متوقف بر کسب اجازه و وکالت از سهامداران شرکت است.

س 943: تعدادی از افراد تصمیم به ایجاد صندوق قرض‌الحسنه بین خود گرفته‌اند تا هنگام نیاز به یکدیگر قرض‌الحسنه بدهند. هر عضو علاوه بر مبلغی که در ابتدای تشکیل پرداخته، بایستی هرماه برای افزایش موجودی صندوق مبلغی را بپردازد، امیدواریم لطف فرموده چگونگی پرداخت خمس هر عضو را بیان فرمائید و در صورتی که سرمایه صندوق به طور دائمی به عنوان قرض در دست اعضا باشد، ادای خمس آن چگونه خواهد بود؟

اگر هر یک از افراد سهامدار سهم شراکت خود را از منفعت کسب یا از حقوق خود بعد از پایان سال خمس پرداخته باشد، واجب است خمس آن را بپردازد. ولی اگر آن را در بین سال داده است، در صورتی که دریافت آن برای او در پایان سال خمس‌ی وی ممکن باشد، باید خمس آن را در پایان سال بدهد، و در غیر این صورت تا آن را از صندوق دریافت نکرده، پرداخت خمس آن بر او واجب نیست. س 944: آیا صندوق قرض‌الحسنه شخصیت حقوقی مستقلی دارد؟ اگر داشته باشد، آیا به سود حاصل، خمس تعلق می‌گیرد؟ اگر شخصیت حقوقی مستقلی نداشته باشد، کیفیت پرداخت خمس آن چگونه است؟

اگر سرمایه صندوق ملک شخصی اشخاص به نحو اشتراک باشد، سود حاصل از آن، نسبت به سهم هریک از اعضا ملک شخصی او خواهد بود و باید خمس آن را در زائد بر مؤونه سالش بپردازد. ولی اگر سرمایه صندوق ملک شخص یا اشخاص نباشد مثل اینکه از مال وقف عام و مانند آن باشد، سود حاصل از آن، خمس ندارد.

س 945: تعداد دوازده نفر از مؤمنین توافق کرده‌اند که هریک از آنان هرماه مثلاً بیست دینار در صندوقی بریزند، و در هر ماه یک نفر آن مبلغ را برداشته و به مصرف هزینه‌های شخصی خود برساند، که بعد از دوازده ماه نوبت به آخرین نفر خواهد رسید، بدین معنی که او آنچه را در این مدت پرداخته که مقدار آن دویست و چهل دینار می‌شود، برمی‌دارد، آیا خمس بر او واجب است یا اینکه جزء مؤونه وی محسوب می‌شود؟ اگر این فرد سال خمس‌ی معینی داشته باشد و مقداری از پولی که دریافت شده، پس از پایان سال نزد او بماند، آیا جایز است برای این قسمت از آن مبلغ، سال خمس‌ی معینی قرار دهد تا از لزوم پرداخت خمس آن رهائی یابد؟

آنچه را که افراد به صندوق می‌پردازند، اگر از درآمد سالانه شان در بین سال باشد، هر آنچه را که هر یک از افراد در نوبت خود از صندوق دریافت می‌نمایند تا در مخارج سال صرف کند اگر مقداری از آن قرض از صندوق و مقداری معادل مبالغی باشد که از منافع همان سال به صندوق پرداخته است، خمس ندارد، ولی اگر از منافع سال قبل باشد، باید خمس آنچه را که از منافع سال قبل است، بپردازد، و اگر از منافع هر دو سال باشد، منفعت هرساله حکم خاص خود را دارد، و چنانچه مبلغ دریافتی او از سهم خود که از منافع سال به صندوق واریز نموده، زائد بر مخارج آن سال باشد، نمی‌تواند برای رهائی از خمس مقدار زائد، سال خمس‌ی مستقلی برای آن قرار دهد، بلکه واجب است که برای همه منافع سالانه خود یک سال خمس‌ی قرار دهد و خمس مازاد بر مؤونه آن سال را بپردازد.

س 946: خانه‌ای را با پرداخت مبلغی به عنوان رهن اجاره کرده‌ام، آیا پس از گذشت یک سال به آن مبلغ خمس تعلق می‌گیرد؟

مبلغی را که به مؤجر قرض داده‌اید، اگر از منعت کسب باشد، تا مادامیکه به آن برای این منظور نیاز دارید پرداخت خمس آن واجب نیست، ولی بعداً هر وقت آن را دریافت نمودید، باید خمس آن را بپردازید.

س 947: ما برای انجام کارهای عمرانی احتیاج به هزینه زیادی داریم که پرداخت یکباره آن برای ما مشکل است، لذا اقدام به تأسیس صندوقی برای عمران کرده‌ایم، و هر ماه مبلغی را در آن به ودیعه می‌گذاریم و بعد از آنکه مقداری جمع شد، آن را صرف کارهای عمرانی می‌کنیم، آیا به این مال پس‌انداز شده خمس تعلق می‌گیرد؟

اگر مبالغ پرداخت شده از طرف هر شخص از درآمد سال او باشد و تا زمان مصرف آن در کارهای عمرانی تحت مالکیت او باقی بماند و آن شخص بتواند در پایان سال خمسی آن را از صندوق پس بگیرد، واجب است که خمس آن را بپردازد.

س 948: چند سال قبل اقدام به محاسبه اموال و تعیین سال خمسی برای خودم نمودم، در آن زمان نود و هشت رأس گوسفند که خمس آنها داده شده بود و همچنین مقداری پول نقد و یک موتورسیکلت داشتم. چند سال است که گوسفندان من بر اثر فروش تدریجی آنها کم شده، ولی پول نقد زیاد شده است. در حال حاضر شصت رأس گوسفند و مقداری پول نقد دارم، آیا پرداخت خمس این پول بر من واجب است یا اینکه فقط باید خمس مقدار زیادی آن را بدهم؟

اگر مجموع قیمت گوسفندهای موجود با اموال نقدی که دارید، بیشتر از مجموع قیمت نود و هشت رأس گوسفند با پول نقدی باشد که قبلاً خمس آن را پرداخت کرده‌اید، مقدار زائد خمس دارد. س 949: فردی ملکی (خانه یا زمین) دارد که خمس به آن تعلق گرفته است، آیا می‌تواند خمس آن را از درآمد سال بپردازد؟ یا اینکه واجب است اول خمس سود را بدهد و سپس خمس ملک را از سود مخمس پرداخت کند؟

اگر بخواهد خمس آن را از درآمد سال بپردازد، واجب است که خمس آن را هم بپردازد.

س 950: اموالی را از محل پولی که بنیاد شهید ماهیانه به فرزندان صغیر شهدای عزیز می‌پردازد یا از محل سود کارخانه یا زمین زراعی که ملک بعضی از شهدای عزیز جهت امرار معاش شان بوده، برای فرزندان شهدا پس‌انداز کرده‌ایم و گاهی مقداری از این اموال پس‌انداز شده برای تأمین نیازهای ضروری آنان مصرف می‌شود. خواهشمندیم بیان فرمائید که آیا این سودها و حقوق پس‌انداز شده خمس دارد یا اینکه تا زمانی که بزرگ نشده‌اند، خمس ندارد؟

آنچه به فرزندان عزیز شهدا از پدران آنان به ارث می‌رسد و یا توسط بنیاد شهید به آنان پرداخت می‌شود، خمس ندارد، ولی از سود حاصل از ارث یا هدیه‌ای که بنیاد شهید به آنان می‌دهد، آن مقداری که تا زمان رسیدن به بلوغ شرعی در ملک آنان باقی می‌ماند، بنابر احتیاط بر هر یک از آنان واجب است که بعد از رسیدن به سن تکلیف، خمس سود آن را بپردازد.

س 951: آیا به مالی که انسان برای تحصیل درآمد و انجام معاملات تجاری مصرف می‌کند، خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

آنچه را که از درآمد سال برای به دست آوردن درآمد از کارهای تجاری و غیر آن مصرف می‌کند از قبیل هزینه‌های انبارداری، حمل و نقل، وزن کردن، واسطه معامله و مانند آن، از درآمد همان سال استثنا می‌شود و خمس ندارد.

س 952: آیا اصل سرمایه و سود آن خمس دارد؟

اگر انسان سرمایه را با کسب و کار (اعم از حقوق و غیره) به دست آورده باشد، خمس دارد، ولی سود حاصل از تجارت با آن هر مقدار که صرف مؤونه زندگی می‌شود خمس ندارد، و اگر چیزی از آن از مخارج سال زیاد بیاید، خمس دارد.

س 953: اگر کسی طلای مسکوک داشته باشد و به حد نصاب هم برسد، آیا علاوه بر زکات، پرداخت خمس آن هم واجب است؟

اگر جزء منفعت کسب محسوب شود، حکم سایر درآمدهای کسب را در وجوب خمس دارد.

س 954: من و همسر از کارمندان وزارت آموزش و پرورش هستیم، همسر همیشه حقوق خود را به من هدیه می‌کند، و با مقداری پول در شرکت کشاورزی کارمندان آموزش و پرورش که عضو آن هستیم، سهام شده‌ام، ولی نمی‌دانم که آن مبلغ از حقوق خودم بوده یا همسر، با توجه به اینکه پولی که از حقوق ماهیانه همسر تا پایان سال خمسی‌ام پس‌انداز شده کمتر از پولی است که او در طول سال می‌گیرد، آیا به مبلغ مذکور خمس تعلق می‌گیرد؟

آنچه از اموال پس‌انداز شده و از پولی که بابت خرید سهم شرکتی پرداخته‌اید که مربوط به حقوق خودتان است، خمس دارد، و آن قسمت که توسط همسرتان هدیه شده، خمس ندارد، و آنچه را هم که شک دارید از حقوق خودتان است یا همسرتان، پرداخت خمس آن واجب نیست، اگر چه احوط پرداخت خمس و یا مصالحه آن است.

س 955: آیا به پولی که به مدت دو سال به صورت قرض‌الحسنه در بانک بوده، خمس تعلق می‌گیرد؟

هر مقداری که از منفعت کسب پس‌انداز می‌شود، یکبار به آن خمس تعلق می‌گیرد و پس‌انداز آن در بانک به صورت قرض‌الحسنه موجب سقوط خمس آن نمی‌شود. بله، قرضی که نمی‌تواند آن را تا سر سال خمسی از قرض گیرنده پس بگیرد، تا آن را پس نگرفته، پرداخت خمس آن واجب نیست. س 956: شخصی که بر خود یا خانواده تحت تکفل خود سخت می‌گیرد تا بتواند مقداری پس‌انداز نماید و یا مقداری قرض می‌کند تا بتواند مشکلات زندگی‌اش را حل کند، اگر مال پس‌انداز شده و یا مالی که قرض گرفته، تا سر سال باقی بماند، آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

سود پس‌انداز شده اگر برای صرف در احتیاجات زندگی باشد و در آینده نزدیک مثلاً تا دو سه ماه بعد از پایان سال خمسی در همان مورد صرف شود، پرداخت خمس آن واجب نیست و خمس پولی که قرض کرده است، برعهده قرض گیرنده نیست، ولی اگر از درآمد سال خود قسط‌های آن را بپردازد و عین مالی که قرض گرفته هنگام رسیدن سال خمسی نزد او باقی باشد، واجب است که خمس آن را به میزان اقساطی که پرداخت نموده، بپردازد.

س 957: دو سال است قطعه زمینی را برای ساخت خانه خریده‌ام، اگر از مخارج روزمره پولی را برای ساختن خانه در آن پس انداز کنم، زیرا در حال حاضر مستأجر هستیم، آیا در پایان سال به آن خمس تعلق می‌گیرد؟

اگر عین مال از در آمد سال را قبل از رسیدن سال خمسی به مصالح ساختمانی مورد نیاز تبدیل کنید، و یا آنکه پول پس انداز شده از درآمد سال را می‌خواهید تا چند ماه پس از پایان سال خمسی صرف ساختمان مسکن خود نمائید، خمس ندارد.

س 958: من تصمیم به ازدواج گرفته‌ام، و برای کسب درآمد، قسمتی از سرمایه خود را به دانشگاه سپرده‌ام، آیا مصالحه در رابطه با خمس آن امکان دارد؟
اگر مال مذکور از منفعت کسب شما باشد، با گذشت سال خمسی، پرداخت خمس آن واجب است و خمس قطعی قابل مصالحه نیست.

س 959: سازمان حج در سال گذشته اقدام به خرید همه اثاثیه و لوازم مورد نیاز کاروان حج که ملک اینجانب بود، کرد، من پول لوازم فروخته شده‌ام را که دویست و چهارده هزار تومان بود، در تابستان امسال دریافت کردم، علاوه بر آن، مبلغ هشتاد هزار تومان در سال گذشته گرفته‌ام، با توجه به اینکه سال خمسی برای خود تعیین کرده‌ام و هر سال خمس زائد بر مؤونه را می‌پردازم، و با توجه به اینکه اثاثیه و لوازم مذکور مورد نیاز من در ایام عهده داری مدیریت کاروان حج جهت اداره حجّاج بوده است، و در وقت فروش آن ترقی قیمت نسبت به قیمت خرید آن داشته است، آیا پرداخت خمس پول فروش آن یا خمس تفاوت قیمت آن در حال حاضر واجب است؟

اگر لوازم را با مال مخمس خریده باشید، پول فروش آن خمس ندارد، در غیر این صورت، پرداخت خمس آن واجب است.

س 960: من صاحب مغازه‌ای هستم که هر سال پول نقد و جنس‌های خود را محاسبه می‌کنم و چون بعضی از کالاها تا آخر سال خمسی فروخته نمی‌شود، آیا پرداخت خمس آن در آخر سال و قبل از فروش واجب است یا اینکه باید بعد از فروش، خمس آنها پرداخت شود؟ اگر خمس کالا را بدهم و سپس آن را بفروشم، چگونه باید در سال آینده محاسبه کنم؟ و اگر آن را به فروش نرسانم و قیمت آن تغییر کند، چه حکمی دارد؟

کالائی که تا سر سال فروخته نشده و مشتری برای خرید آن پیدا نشده است، در حال حاضر پرداخت خمس افزایش قیمت آن واجب نیست بلکه سود حاصل از فروش آن در آینده از سود سال فروش محسوب می‌شود، ولی کالائی که افزایش قیمت پیدا کرده و کسی هست که در طول سال آن را بخرد، ولی شما برای اینکه سود بیشتری ببرید، آن را تا پایان سال نفروخته‌اید، باید با رسیدن سال خمسی، خمس افزایش قیمت آن را بپردازید، و در این صورت آن کالا به قیمتی که در سر سال خمسی ارزیابی شده و خمس افزایش قیمت آن پرداخت شده، در سال آینده استثناء می‌شود.
س 961: سه برادر، خانه سه طبقه‌ای خریداری نموده و در یک طبقه ساکن شده و دو طبقه دیگر را اجاره، داده‌اند. آیا به دو طبقه مورد اجاره خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟ و آیا جزء مؤونه آنها محسوب می‌شود؟

اگر خانه را از محل درآمد سالانه شان برای سکونت تهیه نموده‌اند و فعلاً به خاطر نیاز به مخارج زندگی اجاره داده‌اند، به آن خمس تعلق نمی‌گیرد، ولی اگر بعضی طبقات آن را به قصد اجاره دادن ساخته یا تهیه کرده‌اند تا اجاره آن را صرف هزینه‌های زندگی کنند، آن مقدار از خانه حکم سرمایه را دارد، که خمس دارد.

س 962: شخصی مالک مقداری گندم بوده که خمس آن را پرداخت نموده و هنگام برداشت محصول جدید، همان گندم مخمس را مصرف می‌کرده و به جای آن گندم جدید می‌گذاشته و چندین سال به همین ترتیب عمل نموده است، آیا به گندمی که به جای گندم مصرف شده می‌گذاشته، خمس تعلق می‌گیرد؟ و در صورت تعلق خمس، آیا همه آن خمس دارد؟

گندمی را که خمس آن را پرداخته، اگر مصرف کند، نمی‌تواند معادل آن از گندم جدید را از خمس استثنا کند. بنابراین آنچه را که از گندم جدید مصرف مؤونه سال خود کرده، خمس ندارد، و آنچه که از آن تا سر سال خمسی باقی مانده، خمس دارد.

س 963: من به توفیق خداوند هر سال خمس اموالم را می‌پردازم، ولی در طی سالهایی که اقدام به محاسبه خمس اموالم کرده‌ام، همیشه در حساب آنها شک داشته‌ام، این شک چه حکمی دارد؟ آیا واجب است امسال همه اموال نقد خود را حساب کنم یا اینکه به شک در این مسأله اعتنا نمی‌شود؟

اگر در صحت حساب خمس منفعت کسب سالهای گذشته شک داشته باشید، به آن اعتنا نمی‌شود و پرداخت مجدد خمس بر شما واجب نیست. ولی اگر در منفعت کسب شک داشته باشید که آیا جزء منفعت کسب سالهای قبل است که خمس آن پرداخت شده، یا جزء منفعت کسب امسال است که خمس آن داده نشده، بر شما واجب است که احتیاطاً خمس آن را بپردازید، مگر اینکه احراز کنید که خمس آن را قبلاً پرداخته‌اید.

س 964: اگر مثلاً فرشی را با مال مخمس به قیمت ده هزار تومان بخرم و بعد از مدتی آن را به پانزده هزار تومان بفروشم، آیا پنج هزار تومان اضافه بر مال مخمس، جزء منفعت کسب محسوب می‌شود و خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

اگر آن را به قصد فروش خریده‌اید، آن مقداری که بیشتر از قیمت خرید است، جزء منفعت کسب محسوب می‌شود و در زائد بر مؤونه سال، خمس واجب است.

س 965: آیا کسی که برای هر یک از درآمدهای خود سال خمس جداگانه‌ای قرارداد، جایز است خمس سودی را که سر سال خمسی آن رسیده، از سودهای دیگری که سال بر آنها نگذاشته است، بپردازد؟ در صورتی که بداند این درآمدها به طور کامل تا پایان سال باقی می‌مانند و چیزی از آنها صرف مؤونه نمی‌شود، چه حکمی دارد؟

هرگاه بخواهد خمس منفعت یک کسب را از درآمد کسب دیگر بپردازد، باید خمس مبلغ پرداختی را نیز بپردازد و درآمدهایی که چیزی از آن به مصرف هزینه‌های زندگی نمی‌رسد، مخیر است بین اینکه خمس آن را هنگام حصول آن بپردازد یا تا رسیدن سال خمسی، صبر کند.

س 966: شخصی مالک ساختمان دو طبقه‌ای است، و خودش در طبقه بالا سکونت دارد و طبقه پایین را به شخص دیگری داده است و به علت بدهکاری مبلغی از او قرض گرفته بدون اینکه اجاره‌ای بگیرد، آیا به این مبلغ خمس تعلق می‌گیرد؟

واگذاری استفاده مجانی از خانه به کسی به خاطر اینکه مالی از او قرض گرفته است، وجه شرعی ندارد، و به هر حال مالی که قرض گرفته است، خمس ندارد.

س 967: مکانی را برای معاینه پزشکی بیماران از اداره اوقاف و متولی وقف به مبلغ معینی در هر ماه اجاره کرده‌ام و مبلغی پول هم به عنوان پذیره از من گرفته‌اند، با توجه به اینکه در حال حاضر این پول از ملک من خارج شده و هیچگاه مالک آن نخواهم شد، آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟ اگر پرداخت این مبلغ در حکم قیمت انتقال سرقفلی باشد و از منفعت کسب باشد، واجب است که خمس آن پرداخت شود.

س 968: شخصی برای احیای زمین موات جهت کاشت درختان میوه به امید استفاده از حاصل آن اقدام به حفر چاه عمیق نموده است، با توجه به اینکه این درختان بعد از چند سال دیگر ثمر می‌دهند و هزینه زیادی هم دارند، این شخص مبلغی بیش از یک میلیون تومان صرف آن نموده است. وی تاکنون حساب سال نداشته، ولی در حال حاضر که تصمیم گرفته برای ادای خمس، اموالش را حساب کند، می‌بیند که قیمت چاه و زمین و باغ بر اثر تورم، معادل چندین برابر هزینه اولیه شده است، بنابراین اگر مکلف به پرداخت خمس قیمت فعلی آنها شود، توانایی آن را ندارد و اگر مکلف به دادن خمس از عین زمین و باغ و غیر آن شود، در مضیقه و سختی می‌افتد، زیرا خود را به زحمت انداخته و به امید استفاده از ثمرات آن برای تأمین مخارج زندگی خود و خانواده‌اش متحمل هزینه‌ها و مشکلاتی شده است، تکلیف او نسبت به خمس اموالش چیست؟ چگونه خمس خود را حساب کند تا به راحتی بتواند آن را بپردازد؟

زمین مواتی را که به قصد تبدیل آن به باغ میوه احیاء نمود، بعد از کم کردن مخارج احیای آن، خمس دارد، و مخیر است که خمس زمین را از عین آن بدهد و یا از قیمت فعلی آن. و همچنین چاه، لوله آب، پمپ آب، نهالها و کاشت و پرورش آن و مانند آن، به قیمت عادلانه فعلی خمس دارد، و اگر پرداخت یکباره خمس برای او مقدور نیست، می‌تواند بعد از دستگردان با یکی از وکلای ما، آن را به تدریج و به نحوی که برایش از لحاظ مقدار و مدت ممکن است، بپردازد.

س 969: شخصی حساب سال برای خمس نداشته و اکنون تصمیم گرفته است که حساب سال داشته باشد، وی که از ابتدای ازدواج تا به حال بدهکار بوده است، خمس خود را چگونه محاسبه کند؟

اگر از گذشته تا به حال درآمدی بیشتر از مخارج زندگی نداشته، نسبت به گذشته چیزی بر عهده او نیست.

س 970: منافع و محصولات زمین و اموال موقوفه، از جهت خمس و زکات چه حکمی دارد؟ اعیان موقوفه مطلقاً خمس ندارد، حتی اگر وقف خاص باشد، ثمره و نماء آن هم مطلقاً خمس ندارد، و به نماء وقف عام قبل از قبض توسط موقوف علیه زکات تعلق نمی‌گیرد، ولی بعد از قبض، پرداخت زکات آنچه از نماء وقف که قبض شده، در صورتی که واجد شرائط وجوب زکات باشد، واجب است، و در نماء وقف خاص هم اگر سهم هر یک از موقوف علیه به حد نصاب برسد، زکات واجب است.

س 971: آیا سهم سادات ❖ کثر هم الله تعالی ❖ و سهم امام ❖ علیه السلام ❖ به منفعت کسب کودکان تعلق می‌گیرد؟

بنابر احتیاط بر آنان واجب است که بعد از رسیدن به سن بلوغ خمس منفعت کسب خود را که قبل از بلوغ به دست آورده‌اند و تا زمان بلوغ بر ملک ایشان باقی مانده است، بپردازند.

س 972: آیا به ایزاری که در کار و کسب استفاده می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد؟

ابزار و آلات کسب، حکم سرمایه را دارد که اگر از درآمد کسب تهیه شود، خمس دارد. س 973: چند سال قبل مبلغی را جهت ثبت نام برای رفتن به حج به بانک واریز کردیم، ولی تاکنون موفق به تشریف نشده‌ایم و نمی‌دانیم که آیا خمس آن را پرداخته‌ایم یا خیر، آیا در حال حاضر پرداخت خمس آن واجب است؟ آیا پولی که برای ثبت نام حج پرداخته می‌شود و چند سال بر آن می‌گذرد، خمس دارد یا خیر؟

مبلغی که برای ثبت نام حج پرداخت می‌شود، اگر به عنوان قیمت یا اجرت سفر حج بر اساس قرارداد منعقد شده با سازمان حج و زیارت باشد و از منفعت کسب همان سال شما باشد، و ثبت نام کننده با آن ولو پس از چند سال به حج برود، خمس ندارد. س 974: کارمندی که سر سال خمسی آنها در پایان ماه اسفند است و حقوق خود را پنج روز زودتر از سر سال خمسی می‌گیرند تا در ماه اول سال جدید مصرف کنند، آیا پرداخت خمس آن واجب است؟

اگر حقوقی را که قبل از پایان سال دریافت می‌کنند تا آخر سال خمسی در مؤونه مصرف نکنند، پرداخت خمس آن واجب است. س 975: بسیاری از دانشجویان برای حل مشکلات غیرقابل پیش بینی خود در هزینه‌های زندگی صرفه‌جویی می‌کنند و در نتیجه مبلغ قابل توجهی از کمک هزینه تحصیلی که به آنها پرداخت می‌گردد، جمع می‌شود، سؤال این است که با توجه به این که این مبلغ از طریق صرفه‌جویی در پولی که وزارت آموزش عالی به آنها می‌پردازد، جمع می‌شود، آیا به آن خمس تعلق می‌گیرد؟ کمک هزینه تحصیلی خمس ندارد.

نحوه محاسبه خمس

س 976: تأخیر پرداخت خمس تا سال آینده چه حکمی دارد؟ تأخیر پرداخت خمس از سال خمسی به سال دیگر جایز نیست، هر چند هر وقت آن را بپردازد ادای بدهی حاصل می‌شود. مکلف پس از رسیدن سال خمسی تا خمس مالش را نداده، نمی‌تواند در آن تصرف کند، و اگر در آن قبل از پرداخت خمس تصرف کند، مقدار خمس آن را ضامن است، و چنانچه با عین مال غیر مخمس کالا یا زمین و یا مانند آنها بخرد، معامله در مقدار خمس فضولی و موقوف بر اجازه ولی امر خمس است، که پس از اجازه ولی امر باید خمس آن کالا یا زمین را به قیمت فعلی حساب نماید و آن را بپردازد.

س 977: من مالک مالی هستم که مقداری از آن نقد و مقدار دیگر به صورت قرض الحسنه نزد بعضی از افراد است و از طرفی به علت خرید زمین مسکونی مقروض هستم و باید یکی از چک‌های آن را چند ماه دیگر بپردازم، آیا جایز است بدهی زمین را از مبلغ مذکور (نقد و قرض الحسنه) کم کنم و خمس باقیمانده را بپردازم؟ همچنین آیا زمینی که برای سکونت خریداری شده، خمس دارد؟ مالی که از درآمد سال به بعضی افراد قرض داده‌اید، اگر تا سر سال خمسی قابل وصول نباشد، پرداخت خمس آن تا وصول نشده است، واجب نیست و اموالی که از درآمد سال در دست شماست جایز است که از آن، قبل از رسیدن سر سال خمسی، بدهی خود را که مهلت آن چند ماه دیگر می‌رسد، بپردازید، ولی اگر در اثنای سال آن را در ادای قرض مصرف نکنید و سر سال خمسی شما

برسد، نمی‌توانید قرض خود را از آن مبلغ استثنا کنید، بلکه واجب است خمس همه آن را بپردازید. ولی اگر بنا دارید تمام یا قسمتی از آن را تا چند ماه دیگر صرف ادای بدهی خود نمائید و چنانچه بخواهید خمس آن را بپردازید، باقیمانده وافی برای ادای بدهی نیست و از این بابت در زحمت و مشقت قرار می‌گیرید، در این صورت پرداخت خمس آنچه را که می‌خواهید صرف ادای بدهی نمائید، واجب نیست. اما زمینی که برای سکونت مورد نیاز از درآمد بین سال تهیه می‌شود، خمس ندارد. س 978: از آنجا که تا کنون ازدواج نکرده‌ام، آیا جایز است مقداری از مالی را که در حال حاضر دارم، برای هزینه‌هایی که در آینده به آنها نیاز دارم، پس انداز کنم؟

پس انداز درآمد سال اگر برای هزینه ازدواج در چند ماه آینده باشد، به نحوی که اگر خمس آن را بپردازید نتوانید تمام هزینه ازدواج را تأمین نمائید، خمس ندارد.

س 979: سر سال خمسی من آخر ماه دهم از هر سال است، آیا حقوق ماه دهم را که در آخر آن می‌گیرم، خمس دارد؟ اگر بعد از دریافت، مقدار باقیمانده آن را (که طبق عادت، هر ماه پس انداز می‌شود) به همسر هدیه کنم، آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

حقوقی که قبل از سال خمسی دریافت می‌کنید و یا قبل از آخرین روز سال خمسی قابل دریافت است، پرداخت خمس مقدار زائد بر مؤونه سال آن واجب است. اما آنچه به همسر خود یا به دیگری هدیه می‌نمائید، اگر صوری و به قصد فرار از خمس نباشد و به مقدار مناسب با شأن عرفی شما باشد، خمس ندارد.

س 980: پول یا کالای خمسی دارم که اقدام به مصرف آن کرده‌ام، آیا جایز است در پایان سال، مقداری از درآمد سال به جای آن پول یا کالایی که خمس آن پرداخت شده، استثنا شود؟ چیزی از درآمد سال به جای مال خمسی که مصرف شده، استثنا نمی‌شود.

س 981: اگر مالی که خمس ندارد مانند جایزه و مانند آن، با سرمایه مخلوط شود، آیا در پایان سال خمسی جایز است که آن را از سرمایه استثنا کرد و سپس خمس بقیه اموال را پرداخت؟ استثنای آن اشکال ندارد.

س 982: سه سال پیش مغازه‌ای را با مالی که خمس آن پرداخت شده، افتتاح کردم و سر سال خمسی‌ام هم پایان سال شمسی یعنی شب عید نوروز است، و تاکنون هرگاه سر سال خمسی‌ام رسیده، مشاهده کرده‌ام که همه سرمایه‌ام به صورت قرض بر عهده مردم است و در عین حال خودم هم مبلغ زیادی بدهکارم، امیدواریم ما را نسبت به تکلیفمان راهنمایی فرمائید.

اگر سر سال خمسی چیزی از سرمایه و سود نزد شما نباشد و یا چیزی بر سرمایه شما افزوده نشده باشد، پرداخت خمس بر شما واجب نیست و طلبهای شما که ناشی از فروش نسبه کالا به مردم است، جزء درآمد سالی محسوب می‌شود که آنها را دریافت می‌کنید.

س 983: تعیین قیمت کالاهای موجود در مغازه، هنگام حساب سال خمسی، مشکل است، چگونه باید آن را حساب کرد؟

تعیین قیمت اجناس موجود در مغازه به هر صورت ممکن هر چند با تخمین، برای محاسبه درآمد سال که باید خمس آن پرداخت شود، واجب است.

س 984: اگر چند سال درآمد سالانه‌ام را محاسبه نکنم تا اینکه اموال من نقد و سرمایه‌ام زیاد شود و بعد از آن، خمس غیر از سرمایه قبلی‌ام را بپردازم، آیا این کار اشکال دارد؟

اگر در اموال شما هنگام رسیدن سال خمسی، خمس هر چند به مقدار کم باشد، تا خمس آن را نپردازید، حق تصرف در آن اموال را ندارید، و اگر با عین آن اموال قبل از پرداخت خمس خرید و فروش کنید، معامله نسبت به مقدار خمس آن، فضولی و متوقف بر اجازه ولی امر خمس است.

س 985: خواهشمندیم آسانترین راه ممکن برای پرداخت خمس توسط صاحب مغازه را بیان فرمائید. هر چه کالا و پول نقد دارد، در سر سال خمسی حساب کرده و قیمت گذاری می‌کند و سپس مجموعه آن را با سرمایه اصلی می‌سنجد، اگر چیزی اضافه بر سرمایه موجود باشد، سود محسوب می‌شود و به آن خمس تعلق می‌گیرد.

س 986: سر سال خمسی‌ام را اول ماه سوم سال گذشته قرار داده‌ام و در همین تاریخ برای محاسبه خمس سود حساب بانکی‌ام مراجعه کردم، آیا این روش برای حساب سال مالی درست است؟

ابتدای سال خمسی شما، روزی است که برای اولین بار سود قابل دریافت برای شما حاصل شده است، و تأخیر ابتدای سال از آن روز برای شما جایز نیست.

س 987: اگر وسایل و چیزهای مورد نیاز زندگی مانند ماشین، موتور، فرش که خمس آن داده نشده است، فروخته شود، آیا پس از فروش باید خمس آنها فوراً پرداخت شود؟

وسایل ذکر شده اگر جزو احتیاجات زندگی بوده و از درآمد بین سال آن را تهیه کرده است، پول فروش آن خمس ندارد، ولی اگر وسایل را با پولی که سال بر آن گذشته بدون ادای خمس تهیه کرده، باید خمس پول خرید آنها را بدهد، هر چند آن وسایل را نفروشد و اگر حساب سال نداشته در مورد پول خرید آنها باید با یکی از نمایندگان ما مصالحه نماید.

س 988: کسی که نیاز به تهیه یکی از لوازم خانگی مانند یخچال دارد و استطاعت خرید آن را یکجا ندارد و ماهیانه پولی پس‌انداز می‌نماید تا وقتی که پول به حد لازم رسید، آن را خریداری نماید، اکنون که سال خمسی او رسیده، آیا به پولی که به این منظور کنار گذاشته شده، خمس تعلق می‌گیرد؟ پول پس‌انداز شده اگر جهت تهیه مایحتاج زندگی در آینده نزدیک (مثلاً دو تا سه ماه پس از پایان سال خمسی) مورد نیاز باشد، خمس ندارد.

س 989: اگر کسی قبل از سال خمسی‌اش، مقداری از درآمد خود را به کسی قرض دهد و بعد از گذشت چند ماه از سر سال خمسی خود آن را دریافت کند، این مبلغ چه حکمی دارد؟ پرداخت خمس قرض پس از گرفتن آن از بدهکار، واجب است.

س 990: اشیائی را که انسان در طول سال خمسی می‌خرد و سپس آن را بعد از سال خمسی‌اش می‌فروشد، چه حکمی دارد؟

اشیاء یاد شده اگر جزو لوازم زندگی است و جهت استفاده شخصی خریده است، خمس ندارد؛ ولی اگر آن را برای فروش خریده و فروش آن هم تا سر سال خمسی ممکن است، پرداخت خمس سود آن واجب است. در غیر این صورت، تا آن را نفروخته، خمس ندارد و هنگامی که آن را فروخت، سود حاصل از فروش آن از درآمدهای همان سال فروش محسوب می‌شود.

س 991: اگر کارمندی حقوق سال خمسی خود را بعد از رسیدن آن دریافت کند، آیا دادن خمس بر او واجب است یا خیر؟

اگر تا سر سال خمسي قابل دريافت باشد، پرداخت خمس آن واجب است، هر چند هنوز آن را نگرفته باشد؛ در غير اين صورت، جزء درآمدهاي سالي که آن را دريافت مي‌کند، محسوب مي‌شود. س 992: خمس سکه‌هاي طلا که قيمت آنها هميشه در حال تغيير است، چگونه است؟ اگر قصد دارد خمس را از قيمت آنها بدهد، ملاک، قيمت روز پرداخت است.

س 993: اگر شخصي سال مالي خود را به قيمت طلا محاسبه نمايد، به طور مثال اگر همه سرمايه‌اش معادل با صد سکه طلا از نوع بهار آزادي باشد که مقدار بيست سکه از آن را به عنوان خمس پرداخته و هشتاد سکه مخمس باقي بماند و در سال بعد اگر قيمت سکه افزايش يابد (ولي سرمايه او معادل همان هشتاد سکه است)، آيا به آن خمس تعلق مي‌گيرد؟ آيا واجب است که خمس افزايش قيمت را بپردازد؟

ملاک در استثناي سرمايه مخمس، همان سرمايه اصلي است. اگر سرمايه اصلي که با آن کار مي‌کند، سکه‌هاي طلا از نوع مثلا بهار آزادي باشد، در سر سال مالي سکه‌هاي مخمس استثنا مي‌شوند، هر چند قيمت آنها به واحد ريال نسبت به سال گذشته، افزايش يافته باشد. ولي اگر سرمايه او پول نقد يا کالا باشد که در سر سال خمسي آن را با سکه‌هاي طلا مقايسه کرده و خمس آن را داده باشد، بايد در سر سال خمسي آينده فقط قيمت سکه‌هاي طلا را که سال گذشته آنها را حساب کرده، استثنا کند نه تعداد سکه‌ها را. بنا بر اين اگر قيمت سکه‌ها در سال آينده افزايش يابد، مقدار افزايش قيمت، استثنا نمي‌شود، بلکه سود محسوب شده و پرداخت خمس آن واجب است.

تعيين سال مالي

س 994: کسي که اطمينان دارد به اينکه چيزي از درآمد سالانه‌اش تا پايان سال باقي نمي‌ماند، بلکه تمامي درآمد و منفعت او در خلال سال خرج هزینه‌هاي زندگي او مي‌شود، آيا واجب است براي خود سال خمسي تعيين کند؟ کسي که بر اثر اطمينان به اينکه چيزي از درآمدش زياد نمي‌آيد، سال خمسي تعيين نکرده، چه حکمي دارد؟

ابتدای سال خمسي با تعيين از جانب مکلف مشخص نمي‌شود، بلکه یک امر واقعي است که براي کسي که شغل او کاسبي است با شروع کاسبي و براي کشاورز با رسيدن وقت برداشت محصول و براي کارگر و کارمند با دستيابي به اولين درآمد، آغاز مي‌شود. حساب سر سال خمسي و محاسبه درآمد سالانه واجب مستقلي نيست، بلکه راهي براي شناخت مقدار خمس است و وقتي محاسبه واجب مي‌شود که بداند خمسي به او تعلق گرفته، ولي مقدار آن را نمي‌داند و اگر از منفعت کسب چيزي نزد او نماند و همه آن در مؤونه زندگي مصرف شود، خمس هيچکدام از آنها بر او واجب نيست.

س 995: آيا ابتدای سال مالي همان ماه اول کار است يا اولين ماهي که حقوق دريافت مي‌کند؟ شروع سال خمسي حقوق بگيران اعم از کارگران و کارمندان و غيره همان روز اولي است که مزد يا حقوق خود را دريافت مي‌کنند و يا مي‌توانند دريافت نمايند.

س 996: تعيين ابتدای سال براي پرداخت خمس چگونه است؟

شروع سال خمسي نياز به تعيين از سوي خود مکلف ندارد، بلکه خود بخود بر اساس چگونگي حصول درآمد سالانه متعين مي‌شود. بنا بر اين ابتدای سال خمسي امثال کارگران و کارمندان از اولين روز امکان دريافت اولين درآمد از درآمدهاي کار و کارمندی است، و سال خمسي تجار و مغازه داران از

تاریخ شروع به خرید و فروش و سال خمسی امثال کشاورزان از تاریخ برداشت اولین محصول کشاورزی سال شروع می‌شود.

س 997: آیا تعیین سال خمسی بر جوانان مجردی که با پدر و مادر خود زندگی می‌کنند، واجب است؟ ابتدای سال خمسی آنان از چه زمانی است و چگونه باید آن را حساب کنند؟ اگر جوان مجرد درآمد شخصی هر چند به مقدار کم داشته باشد، واجب است که سال خمسی تعیین نموده و درآمد سالانه خود را محاسبه کند تا در صورتی که چیزی از درآمد تا پایان سال باقی ماند، خمس آن را بپردازد و ابتدای سال خمسی او هنگام حصول اولین درآمد است.

س 998: آیا زن و شوهری که حقوق خود را به طور مشترک در امور منزل مصرف می‌کنند، می‌توانند سال خمسی مشترک داشته باشند؟

هر یک از آنان سال خمسی مستقلی به حساب درآمد خودش دارد، و واجب است، هر کدام خمس باقیمانده حقوق و درآمد سالانه خود را در پایان سال خمسی بپردازد.

س 999: من زنی خانه‌دار و مقلد حضرت امام **❖** قدس سره **❖** هستم و همسرم سال خمسی دارد که در آن هنگام خمس اموال خود را می‌پردازد و من نیز گاهی درآمدی دارم، آیا می‌توانم برای خود سال خمسی جهت پرداخت خمس قرار دهم و ا ابتدای آن را زمان دستیابی به اولین سودی که خمس آن را نداده‌ام، قرار دهم و در پایان سال خمس باقیمانده را بعد از کم کردن مؤونه بپردازم؟ آیا به آنچه در طول سال خرج زیارت، هدیه و مانند آن کرده‌ام، خمس تعلق می‌گیرد؟

بر شما واجب است که زمان دستیابی به اولین درآمد سال را ابتدای سال خمسی خود قرار دهید، و هر چه را در طول سال از منفعت کسب خرج مصارف شخصی خود از قبیل آنچه ذکر کرده‌اید، می‌کنید خمس ندارد و هر چه از منفعت کسب سال، از مؤونه و مخارج سالانه‌تان تا سر سال زیاد بیاید، واجب است که خمس آن را بپردازید.

س 1000: آیا سال خمسی باید شمسی باشد یا قمری؟ مکلف در این مورد مخیر است.

س 1001: شخصی می‌گوید که سر سال خمسی‌اش ماه یازدهم سال بوده است، ولی بر اثر فراموش کردن آن، قبل از پرداخت خمس در ماه دوازدهم برای خانه‌اش فرش و ساعت و موکت خریده است و در حال حاضر تصمیم گرفته که سال خمسی‌اش را به ماه رمضان تغییر دهد، اشاره به این نکته لازم است که این شخص مبلغ هشتاد و سه هزار تومان سهمین مربوط به سال گذشته و امسال بدهکار است که آن را به صورت قسطی می‌پردازد، نظر شریف حضرتعالی راجع به سهم امام و سادات کالاهای مذکور چیست؟

تقدیم و تأخیر سال خمسی جایز نیست مگر با اجازه ولی امر خمس و بعد از حساب مدت گذشته و مشروط است به اینکه موجب وارد شدن ضرر به صاحبان خمس نشود، و در مورد اجناسی که پول پرداختی بابت خرید آن از درآمد سال قبل بوده است، باید خمس آن پولها پرداخت شود.

س 1002: آیا انسان می‌تواند خودش خمس مالش را حساب نموده و سپس آنچه را بر او واجب است به وکلای جنابعالی بپردازد؟ اشکال ندارد.

ولي امر خمس

س 1003: با توجه به نظر مبارک حضرت امام راحل \blacklozenge قدس سره \blacklozenge و نظر مبارک حضرتعالی و بعضی فقهای دیگر که امر و جوهات راجع به ولي امر مسلمین است، پرداخت وجوهات به غیر ولي امر چه حکمی دارد؟

مقلدین هر یک از مراجع محترم تقلید دامت برکاتهم، اگر در پرداخت سهمین مبارکین به استناد فتوای مرجع تقلید خود عمل کنند، موجب برائت ذمه می‌شود.

س 1004: آیا مصرف سهم مبارک سادات در امور خیریه مانده ازدواج سادات، جایز است؟ سهم سادات مانند سهم مبارک امام علیه السلام در اختیار ولي امر مسلمین است و در صورتی که اذن خاص باشد، مصرف سهم سادات در آنچه ذکر شده، اشکال ندارد.

س 1005: آیا اجازه گرفتن از مجتهدی که مقلد از او تقلید می‌کند، برای مصرف سهم امام علیه السلام در عمل خیر مثلاً در حوزه علمیه یا دارالایتام، ضرورت دارد و یا اجازه هر مجتهدی کافی است؟ و اصولاً آیا اجازه مجتهد ضروری است؟

اختیار سهمین مبارکین به طور کلی مربوط به ولي امر مسلمین است و کسی که بر عهده او و یا در مال وی مقداری حق امام علیه السلام یا سهم سادات باشد، باید آن را به ولي امر خمس یا وکیل که از طرف او اجازه دارد، تسلیم کند، و اگر می‌خواهد آن را در یکی از موارد مقرر مصرف کند، باید ابتدا راجع به آن اجازه بگیرد، و در عین حال مکلف باید فتوای مرجع تقلید خود را در آن رعایت نماید.

س 1006: آیا وکلای حضرتعالی یا اشخاصی که وکیل در اخذ حقوق شرعی نیستند، مکلف به دادن قبض رسید سهمین به پرداخت کنندگان آن هستند یا خیر؟

کسانی که حقوق شرعی خود را به وکلای محترم ما یا به اشخاص دیگر به قصد وصول به دفتر ما می‌دهند، می‌توانند از آنها قبضی را که دارای مهر ما می‌باشد، مطالبه کنند.

س 1007: هنگامی که خمس را به وکلای حضرتعالی در منطقه تحویل می‌دهیم، گاهی سهم امام علیه السلام را به ما بر می‌گردانند و می‌گویند که از طرف حضرتعالی در این کار مجاز هستند، آیا مصرف مبلغی که به ما برگردانده شده، در امور خانواده جایز است؟

اگر در اجازه کسی که مدعی اجازه است، شک دارید، می‌توانید به صورت محترمانه از او بخواهید که اجازه خطی خود را به شما نشان بدهد و یا از او قبض رسید را که مهر ما بر آن خورده، درخواست کنید، اگر آنان طبق اجازه‌ای که از ما دارند عمل کرده‌اند، عملشان مورد تأیید است.

س 1008: شخصی ملکی را با مال غیر مخمس به قیمت بالائی خریده و مبلغ زیادی هم خرج اصلاح و تعمیر آن کرده است و بعد آن را به فرزند غیر بالغ خود هبه کرده و بطور رسمی به اسم او نموده است، با توجه به اینکه آن فرد در قید حیات است، مسأله خمس مکلف مذکور چگونه است؟ اگر آنچه را برای خرید ملک و اصلاح و تعمیر آن صرف کرده، از درآمدهای سال باشد و بخشش آن ملک به فرزندش در همان سال و متناسب با شأن عرفی او باشد، خمس ندارد. در غیر این صورت واجب است که خمس آن را بدهد.

سهم سادات و انتساب به آنان

س 1009: مادر من از سادات است، لطف فرموده امور ذیل را بیان فرمائید:

- آیا من هم از سادات محسوب می‌شوم؟

- آیا فرزندان من هر چقدر پائین روند، از سادات شمرده می‌شوند؟

- بین کسی که از طرف پدر سید است و کسی که از طرف مادر سید است، چه تفاوتی وجود دارد؟
گرچه منتسب به پیامبر اکرم ﷺ صلی الله علیه و آله و از طرف مادر هم از اولاد رسول اکرم ﷺ صلی الله علیه و آله محسوب می‌شوند، ولی ملاک ترتب آثار و احکام شرعی سیادت، انتساب از طرف پدر است.

س 1010: آیا فرزندان عباس بن علی بن ابی طالب علیهم السلام احکام سایر سادات را دارند، مثلاً آیا طلبه علوم دینی که منسوب به این خانواده است، می‌تواند ملبس به لباس سادات شود؟ آیا اولاد عقیل بن ابی طالب هم این حکم را دارند؟

کسی که از طرف پدر به عباس بن علی بن ابی طالب ﷺ علیهم السلام منسوب است، سید علوی می‌باشد و همه سادات علوی و عقیلی، هاشمی هستند و حق استفاده از مزایای خاص سادات هاشمی را دارند.

س 1011: به تازگی به سند شخصی یکی از فرزندان عموی پدرم دست یافته‌ام که در آن اسم صاحب سند شخصی با عنوان سید ذکر شده، بنابراین و با توجه به اینکه در میان فامیل مشهور است که ما از سادات هستیم و با قرینه بودن دلیلی که اخیراً به آن دست یافته‌ام، خواهشمندم نظر مبارک خود را راجع به سیادت من بیان فرمائید.

صرف ذکر عنوان سید در سندی که به نام یکی از اقوام نسبی شماست، حجت شرعی بر سیادت شما محسوب نمی‌شود، و تا زمانی که سیادت خود را با اطمینان یا با استناد به دلیل شرعی احراز نکرده‌اید، احکام و آثار شرعی سیادت بر شما مترتب نمی‌شود.

س 1012: کودکی را به فرزندی پذیرفته و نام او را علی گذاشته‌ام و برای گرفتن شناسنامه به اداره ثبت احوال مراجعه کردم و در آنجا برای فرزند خوانده‌ام لقب سید گذاشتند، ولی من به علت خوف از جدم رسول الله ﷺ صلی الله علیه و آله و آن را نپذیرفتم و در حال حاضر مردد هستم بین اینکه فرزند خواندگی آن طفل را رد کنم و یا اینکه مرتکب معصیت قبول سیادت کسی شوم که سید نیست، کدامیک از دو راه را انتخاب کنم؟ امیدوارم مرا راهنمایی فرمائید.

بر فرزند خواندگی آثار شرعی بنوّت مترتب نمی‌شود، و کسی هم که از طرف پدر واقعی اش سید نیست، آثار و احکام سیادت را ندارد، ولی به هر حال نگهداری کودک بی سرپرست شرعاً عمل بسیار خوب و پسندیده‌ای است.

موارد مصرف خمس، کسب اجازه، هدیه و شهریه حوزوی

س 1013: بعضی از اشخاص از طرف خود اقدام به پرداخت قبض آب و برق سادات می‌کنند، آیا احتساب آن از خمس جایز است یا خیر؟

آنچه را تاکنون به قصد سهم سادات پرداختند، مورد قبول است، ولی برای موارد بعدی، قبل از پرداخت، لازم است کسب اجازه کنند.

س 1014: آیا حضرتعالی مصرف ثلث سهم مبارک امام علیه السلام را برای خرید و توزیع کتابهای دینی، اجازه می‌فرمائید؟

اگر وکلای مجاز ما تهیه و توزیع کتابهای مفید دینی را لازم بدانند، جایز است که از ثلثی که مجاز به صرف آن در موارد معین شرعی هستند، آن کار را انجام دهند.

س 1015: آیا جایز است سهم سادات به علویه فقیری که ازدواج کرده و فرزندان دارد ولی شوهرش غیر علوی و فقیر است، داده شود، و آیا او می‌تواند آن را صرف فرزندان و شوهرش نماید؟ اگر شوهر بر اثر فقر نتواند نفقه همسرش را بدهد و همسر وی هم شرعاً فقیر باشد، می‌تواند برای رفع نیازش، سهم سادات بگیرد و آن را برای خود و فرزندان و حتی شوهرش مصرف کند.

س 1016: گرفتن سهم امام \diamond علیه السلام \diamond و سهم سادات توسط اشخاصی که علاوه بر شهریه حوزه درآمدهای دیگری که برای تأمین زندگی آنها کافی است داشته باشند، چه حکمی دارد؟ کسی که شرعاً مستحق نبوده و مشمول مقررات شهریه حوزه هم نباشد، گرفتن سهمین برای او جایز نیست.

س 1017: زن علویه‌ای ادعا می‌کند که پدرش در پرداخت هزینه خانواده‌اش کوتاهی نموده و مجبور به گدائی در کنار مساجد شده‌اند تا از این طریق مالی به دست آورده و مصرف کنند. اهالی منطقه هم آن سید را فردی ثروتمند، ولی خسیس نسبت به خانواده‌اش می‌دانند، آیا دادن نفقه آنان از سهم سادات جایز است؟ و بر فرض که پدر بگوید که بر من فقط دادن هزینه پوشاک و خوراک واجب است، ولی پرداخت بقیه مخارج مثل لوازم اختصاصی زنان و پول روزانه کودکان، واجب نیست، آیا می‌توان به مقدار رفع احتیاج از سهم سادات به آنان داد؟

در صورت اول اگر نمی‌توانند نفقه خود را از پدرشان بگیرند، جایز است به مقدار نفقه از سهم سادات به آنان داده شود. همچنین در صورت دوم، اگر علاوه بر خوراک و پوشاک، به چیز دیگری که مناسب حالشان است، نیاز داشته باشند، جایز است به مقدار رفع نیاز از سهم سادات به آنان پرداخت شود.

س 1018: آیا اجازه می‌فرمائید که افرادی خودشان سهم سادات را به سادات فقیر بدهند؟ کسی که سهم سادات بر عهده اوست، واجب است در پرداخت آن به مستحقین اجازه بگیرد.

س 1019: آیا مقلدین حضرتعالی در مصرف خمس می‌توانند سهم سادات را به سید فقیر بدهند یا اینکه باید همه خمس یعنی سهم سادات و سهم امام \diamond علیه السلام \diamond را تحویل وکیل شما بدهند تا در موارد شرعی آن مصرف کند؟

در این رابطه فرقی بین سهم سادات و سهم مبارک امام \diamond علیه السلام \diamond نیست.

س 1020: آیا حقوق شرعی (خمس، ردّ مظالم، زکات) از شوون حکومت است یا خیر؟ و کسی که خمس بر عهده اوست، آیا می‌تواند خودش سهم سادات و ردّ مظالم و زکات را به افراد مستحق بدهد؟

در زکات جایز است که خودش آنها را به فقرای متدین و عقیف بدهد، و در ردّ مظالم أحوط آن است که با اذن حاکم شرع باشد، ولی در خمس واجب است که همه آن را به دفتر ما و یا به یکی از وکلای مجاز ما تحویل دهد تا در موارد شرعی که برای آن مقرر شده، مصرف شود، و یا در پرداخت آن به مستحقین اجازه بگیرد.

س 1021: آیا ساداتی که دارای شغل و کسبی هستند، استحقاق خمس دارند یا خیر؟ امیدوارم توضیح فرمائید.

اگر درآمد آنان برای زندگی‌شان به طور متعارف و مناسب با شأن عرفی‌شان کافی باشد، مستحق خمس نیستند.

س 1022: جوانی بیست و پنج ساله و کارمند هستم، تا به حال مجرد بوده و با پدر و مادرم زندگی می‌کنم، پدرم پیرمردی کهنسال و از کار افتاده است که درآمدی ندارد و چهار سال است که همه مخارج زندگی را من تأمین می‌کنم. با توجه به اینکه نمی‌توانم هم خمس درآمد سالانه را بدهم و هم مخارج زندگی را تأمین کنم، و مبلغ نوزده هزار تومان هم از خمس درآمد سالهای قبل بدهکارم و آن را یادداشت کرده‌ام تا بعداً بپردازم، خواهش‌مندم توضیح فرمائید که آیا جایز است خمس درآمدهای سال را به نزدیکان خود مثل پدر و مادر بدهم؟

اگر پدر و مادر شما قدرت مالی اداره امور زندگی خود را ندارند و شما توانایی کمک به آنان را دارید، کمک به آنان بر شما واجب می‌شود، و آنچه را که جهت تأمین نفقه آنان می‌پردازید، جزو مؤونه شما محسوب است، ولی شرعاً نمی‌توانید آن را به جای خمس که دادن آن هم واجب است، حساب نمائید.

س 1023: مبلغی بابت سهم مبارک امام **علیه السلام** بر عهده من است که باید آن را به حضرتعالی بپردازم، و از طرفی مسجدی هست که احتیاج به کمک دارد، آیا اجازه می‌فرمائید که مبلغ مزبور را به امام جماعت آن مسجد بدهم تا در ساختمان و تکمیل آن مصرف نماید؟ در حال حاضر، سهمین مبارکین برای اداره حوزه‌های علمیه مورد نیاز است. برای ساختمان مسجد و تکمیل آن می‌توان از کمک‌های مؤمنین استفاده کرد.

س 1024: با توجه به اینکه احتمال می‌دهیم پدر ما در زمان حیات خمس اموال خود را به طور کامل نپرداخته باشد، و ما قطعه‌ای از زمین‌های او را برای ساخت بیمارستان بخشیده‌ایم، آیا می‌توان آن زمین را از خمس اموال متوفی حساب کرد؟ زمین مذکور به عنوان خمس محسوب نمی‌شود.

س 1025: در چه مواردی بخشیدن خمس به کسی که آن را می‌دهد، جایز است؟ سهم مبارک امام علیه السلام و سهم سادات، قابل بخشش نیست.

س 1026: شخصی در پایان سال خمسی، به طور مثال صد هزار تومان زائد بر مؤونه دارد که خمس آن را داده است، اگر در سال بعد مقدار آن به صد و پنجاه هزار تومان برسد، آیا در سال جدید باید خمس پنجاه هزار تومان را بپردازد یا اینکه باید دوباره خمس صد و پنجاه هزار تومان را بدهد؟ اگر مالی که خمس آن داده شده، در سال جدید مصرف نشود و باقی بماند، دوباره خمس ندارد، و اگر درآمد آن سال به طور مشترک با مال مخمس در مؤونه سال مصرف شود، واجب است که خمس باقیمانده در پایان سال به نسبت غیر مخمس به مخمس پرداخت شود.

س 1027: طلاب علوم دینی که هنوز ازدواج نکرده‌اند و مسکنی ندارند، اگر درآمدی از طریق تبلیغ و کار یا سهم امام علیه السلام داشته باشند، آیا مشمول خمس است یا اینکه می‌توانند بدون پرداخت خمس، آن را به این دلیل که از وجوب خمس استثناء شده، برای هزینه‌های ازدواج پس انداز کنند؟

حقوق شرعی که از طرف مراجع به طلب محترمی اهدا می‌شود که مشغول تحصیل در حوزه‌های علوم دینی هستند، خمس ندارد، ولی سایر درآمدهائی که از راه تبلیغ و کار دارند، اگر تا سر سال خمس باقی بماند، خمس آن واجب است.

س 1028: اگر شخصی پس اندازی داشته باشد که مخلوطی از مال مخمس و غیر مخمس است و گاهی از آن برای مخارج خود برداشت کرده و گاهی هم به آن اضافه می‌کند. با توجه به اینکه مقدار مال مخمس معلوم است، آیا پرداخت خمس مجموع مبلغ باقیمانده واجب است یا اینکه باید فقط خمس مال غیر مخمس را بدهد؟

واجب است که خمس مبلغ باقیمانده را به نسبت مال غیر مخمس به مخمس، بپردازد.

س 1029: کفنی را خریده و چندین سال مانده است، آیا پرداخت خمس آن واجب است یا اینکه فقط پرداخت خمس قیمت خرید آن واجب است؟

پولی که با آن کفن خریده، اگر مخمس باشد، دیگر خمس ندارد وگرنه باید خمس کفن را بپردازد.

س 1030: من طلبه علوم دینی هستم، مقداری پول داشتم که با آن و کمک دیگران و استفاده از سهم سادات و گرفتن قرض، توانستم خانه کوچکی بخرم و اکنون آن را فروخته‌ام، اگر بر پول آن سال بگذرد و خانه‌ای نخرم، آیا به آن پول که آماده برای خرید خانه است، خمس تعلق می‌گیرد؟ خانه‌ای که از شهریه حوزه علمیه و کمک افراد خیر و حقوق شرعی دیگر و قرض خریداری شده، پول فروش آن خمس ندارد.

مسائل متفرقه خمس

س 1031: من در سال 1341 شمسی از امام خمینی **قدس سره** تقلید نموده و حقوق شرعی خود را طبق فتاوی‌ای ایشان به او می‌پرداختم. در سال 1346 امام **قدس سره** در ضمن پاسخ به سؤالی درباره حقوق شرعی و مالیات، فرمودند که حقوق شرعی همان خمس و زکات است، ولی مالیات جزء حقوق شرعی نیست. در حال حاضر که در دوران جمهوری اسلامی به سر می‌بریم، خواهشمندیم ما را نسبت به حقوق شرعی مالی و مالیات بیان فرمائید.

مالیاتی که حکومت جمهوری اسلامی بر اساس قوانین و مقررات وضع می‌کند، هر چند پرداخت آن بر کسانی که قانون شامل آنان می‌شود، واجب است، و مالیات پرداختی هر سال از مؤونه همان سال محسوب است، ولی از سهمین مبارکین محسوب نمی‌شود، بلکه بر آنان دادن خمس درآمد سالانه‌شان در زائد بر مؤونه سال به طور مستقل، واجب است.

س 1032: آیا تبدیل حقوق شرعی به ارزی که دارای قیمت ثابت است، با توجه به عدم ثبات قیمت برابری پولهای دیگر، از نظر شرعی جایز است یا خیر؟

این کار برای شخصی که حقوق شرعی بر ذمه دارد، جایز است، ولی باید هنگام پرداخت حقوق واجب شرعی خود، آن را به قیمت روز پرداخت محاسبه کند، ولی کسی که از طرف ولی امر در گرفتن حقوق شرعی وکیل است و به او اعتماد شده، نمی‌تواند آنچه را دریافت کرده، به پول دیگری تبدیل کند، مگر آنکه در این کار مجاز باشد، و تغییر قیمت مجوز شرعی تبدیل آن نیست.

س 1033: در یک مؤسسه فرهنگی برای تأمین نیازهای مالی آن در آینده، واحدي تجاري تشكيل شده که سرمایه آن از حقوق شرعي است، آیا پرداخت خمس درآمد آن واجب است؟ آیا مصرف خمس آن به نفع مؤسسه جایز است؟

تجارت با حقوق شرعي که واجب است به مصرف موارد مقرر شرعيه آن برسد و خودداري از مصرف آن، هر چند به قصد استفاده از منافع آن در یک مؤسسه فرهنگی باشد، بدون اجازه ولي امر خمس اشکال دارد، و در صورتي که با آن تجارت شود، سود حاصله تابع سرمایه است که باید در همان موارد مصرف سرمایه صرف شود و خمس ندارد. بلکه، تجارت با هدایایی که به مؤسسه داده می‌شود، اشکال ندارد، و سود و درآمد آن در صورتي که سرمایه ملک مؤسسه باشد، خمس ندارد.

س 1034: اگر در چیزی شک داشته باشیم که خمس آن را داده‌ایم یا خیر، ولي ظن غالب به پرداخت خمس آن باشد، وظیفه ما چیست؟
اگر مشکوک از چیزهائی باشد که خمس به آن تعلق گرفته است، تحصیل یقین به پرداخت خمس آن واجب است.

س 1035: هفت سال پیش مقداري خمس بر من واجب شد، و آن را با مجتهد دستگردان کرده و قسمتي از آن را پرداختم، بقیه آن بر ذمه‌ام باقي ماند و از آن تاریخ تاکنون نتوانسته‌ام مبلغ باقیمانده را پردازم، تکلیف من چیست؟

مجرد عجز از پرداخت خمس، موجب فراغت ذمه نمی‌شود، بلکه واجب است که هر زماني که توانائی پرداخت بدهي بابت خمس را داشتید، آن را هر چند به تدریج پردازید.
س 1036: آیا مبلغی را که به عنوان خمس مالی که متعلق خمس نبوده، پرداختم، می‌توانم بابت خمس مالی که فعلاً بدهکارم، حساب کنم؟

اگر در مصارف شرعي آن مصرف شده، بابت ادای بدهي کنونی شما از خمس محسوب نمی‌شود. ولي اگر عین آن موجود باشد می‌توانید آن را مطالبه نمائید.

س 1037: آیا خمس و زکات بر کودکانی که هنوز به سن تکلیف نرسیده‌اند، واجب می‌شود؟
زکات مال بر شخص غیربالغ واجب نیست، ولي اگر خمس به مال او تعلق بگیرد (مثل اینکه معدن یا حلال مخلوط به حرام باشد)، بر ولي شرعي او پرداخت آن واجب است، مگر خمس سود حاصل از تجارت با اموال او یا منافع کسبش که پرداخت آن بر ولي واجب نیست، بلکه بنا بر احتیاط در صورتيکه سود حاصله باقي بماند ادای خمس آن بر خود طفل بعد از رسیدن به سن تکلیف، واجب است.

س 1038: اگر شخصي مقداري از حقوق شرعي و سهم امام علیه السلام و چیزهائی را که صرف آن در مصارف شرعیست باید با اجازه یکی از مراجع باشد، در یکی از مؤسسات دینی یا ساختمان مدرسه یا مسجد یا حسینیه مصرف کند، آیا شرعاً حق دارد آنچه را که به عنوان ادای حقوق شرعي که بر عهده او بوده، به مصرف رسانده، پس بگیرد و یا زمین آن را پس بگیرد و یا اقدام به فروش ساختمان آن مؤسسه نماید یا خیر؟

اگر اموال خود را طبق اجازه کسی که واجب بود حقوق شرعي خود را به او تسلیم نماید، به نیت پرداخت حقوق شرعي که بر عهده داشت، برای تأسیس مدرسه و مانند آن به مصرف رسانده است، حق پس گرفتن و تصرف مالکانه در آن را ندارد.

انفال

س 1039: بر اساس قانون زمین شهری:

- زمینهای بایر جزء انفال محسوب و تحت تصرف حکومت اسلامی است.
 - زمینهای بایر و غیر آن در شهرها اگر مالک خصوصی داشته باشد، در صورت نیاز دولت و شهرداریها به آن می‌توانند آن را به قیمت متعارف در آن منطقه از مالکین استملاک نمایند.
- سؤال این است:

- اگر شخصی زمین بایری را که سند آن به نام او بوده، ولی بر اثر قانون زمین شهری از اعتبار ساقط شده است به عنوان سهم امام علیه السلام و سهم سادات بدهد، چه حکمی دارد؟

- اگر شخصی زمینی اعم از بایر یا دایر داشته باشد و از طرف دولت یا شهرداری بر اساس قانون مجبور به فروش آن شود، ولی او آن را به عنوان سهم امام و سادات بدهد، چه حکمی دارد؟

زمینی که در اصل موات است و شرعاً ملک کسی که سند به نام اوست، نیست، واگذاری آن به عنوان خمس و احتساب آن به جای بدهی خمس صحیح نیست. همچنین زمین ملکی که گرفتن آن توسط دولت یا شهرداری، با عوض یا بدون عوض، بر اساس قانون جایز است، مالک آن نمی‌تواند آن را به عنوان خمس واگذار نماید و به جای بدهی خمس حساب کند.

س 1040: اگر شخصی زمینی را در کنار کارخانه‌های آجرسازی برای استفاده از فروش خاک آن بخرد، آیا از انفال محسوب می‌شود؟ بر فرض اینکه از انفال نباشد، با توجه به اینکه به نسبت ده درصد به شهرداری داده می‌شود، آیا دولت حق مطالبه مالیات برای خاک آن دارد؟

زمین مورد معامله، اگر آباد و ملک خاص شرعی فروشنده باشد، گرچه با خرید آن ملک خاص خریدار می‌شود و جزو انفال محسوب نیست، لیکن پرداخت مالیات درآمد حاصل از فروش خاک آن، اگر مستند به قانون مصوب مجلس شورای اسلامی (در ایران) و مورد تأیید شورای نگهبان قانون اساسی باشد، لازم است و دولت حق مطالبه آن را دارد.

س 1041: آیا شهرداری حق بهره‌برداری اختصاصی از ماسه‌ها و شن‌های کف رودخانه‌ها برای آبادانی و احداث شهر و غیر آن را دارد، و در صورتی که این حق را داشته باشند، اگر شخصی غیر از شهرداری مدعی مالکیت آن باشد، آیا دعوای او مسموع است یا خیر؟

این کار برای شهرداریها جایز است و ادعاهای مالکیت خصوصی کف و بستر رودهای بزرگ و عمومی از سوی اشخاص پذیرفته نیست.

س 1042: آیا حق اولویت عشائر در استفاده از چراگاههای خود (هر قبیله‌ای نسبت به چراگاه خودش) با کوچ کردن از آن و تصمیم به بازگشت دوباره به آنجا از بین می‌رود؟ با توجه به اینکه این کوچ کردن از قدیم بوده و در طول دهها سال ادامه داشته است.

ثبوت حق اولویت شرعی برای آنان نسبت به چراگاه چهارپایانشان، بعد از کوچ کردن از آنجا، محل اشکال است و احتیاط در این مورد خوب است.

س 1043: روستائی از نظر چراگاه و زمین‌های زراعی در مضیقه است و هزینه‌های عمومی آن از راه فروش علف‌های چراگاه تأمین می‌شود، این وضعیت بعد از انقلاب اسلامی هم تاکنون استمرار داشته، ولی مسئولین آنان را از این کار منع کرده‌اند، با توجه به فقر مادی اهالی روستا و بایر بودن

چراگاهها، آیا شوراي روستا حق دارد که اهالي را از فروش علفهاي چراگاه منع کرده و درآمد حاصل از فروش آن را براي تأمين هزینه‌هاي عمومي روستا اختصاص دهد؟
علف‌هاي چراگاههاي عمومي طبيعي که سابقه ملکیت خصوصي ندارد، ملک اختصاصي کسي نیست و فروش آن از سوي کسي جایز نیست، ولي کسي که از طرف دولت، مسئول امور روستاست، مي‌تواند مبلغی را براي مصالح عمومي روستا از کسانی که اجازه چراندن چهارپایان در آن مراتع را دارند، بگیرد.

س 1044: آیا براي عشائر جایز است که چراگاههاي تابستاني و زمستاني را که از دهها سال پيش به صورت دوره‌اي در آن تردد دارند، به مالکیت خود در آورند؟
چراگاههاي طبيعي که کسي نسبت به آنها سابقه ملکیت اختصاصي ندارد، از انفال و اموال عمومي است که اختيار آن با ولي امر مسلمين است و سابقه تردد عشائر موجب مالکیت آنان نمي‌شود.
س 1045: خريد و فروش چراگاههاي عشائري در چه زماني صحيح است و در چه زماني صحيح نیست؟

خريد و فروش چراگاههايي که ملک کسي نیست و از انفال و اموال عمومي است، در هيچ حالي صحيح نیست.

س 1046: شغل ما دامداري است که چهارپایان خود را در يکي از جنگلها مي‌چرانيم و بيشتر از پنجاه سال است که به اين کار مشغول هستيم، سندی نزد ما وجود دارد که دلالت مي‌کند که ما از طريق ارث مالک شرعي اين جنگل هستيم، سند مزبور هم یک سند قانوني است، بعلاوه اين جنگلها وقف اميرالمومنين و سيدالشهداء و ابوالفضل العباس \blacklozenge سلام الله عليهم اجمعين \blacklozenge است، و دامداران سالياني است که در اين جنگل زندگي مي‌کنند و خانه‌هاي مسکوني و زمين‌هاي زراعي و بستان دارند. اخيرا جنگلبانان تصميم گرفته‌اند ما را از آن اخراج نموده و بر آن مسلط شوند، آیا آنان حق اخراج ما را از اين جنگل دارند؟

از آنجائي که شرعا صحت وقف متوقف بر سابقه ملکیت شرعي است، همانگونه که انتقال از طريق ارث هم متوقف بر مالکیت شرعي مورث است، لذا جنگلها و چراگاههاي طبيعي که تا به حال ملک کسي نبوده است و هيچگونه سابقه احيا و آباد کردن در آنها وجود ندارد، ملک اختصاصي کسي محسوب نمي‌شود تا وقتي آن صحيح باشد يا از طريق ارث انتقال يابد. به هر حال هر مقدار از جنگل که به صورت مزرعه يا مسکن و مانند آن احيا شده و ملک شرعي گرديده، اگر وقف باشد، حق تصرف در آن با متولّي شرعي آن است و اگر وقف نباشد حق تصرف در آن با مالک آن است، و اما آن مقدار از جنگل و مراتع که به صورت جنگل طبيعي يا مرتع طبيعي باقي مانده است، از انفال و اموال عمومي است و اختيار آن براساس مقررات قانوني، با دولت اسلامي است.

س 1047: دامداراني که اجازه چراندن حيوانات خود را دارند، آیا جایز است که وارد مزرعه‌هاي خصوصي کنار چراگاه شده تا خود و چهارپایان آنان از آب مزرعه، بدون رضایت مالک آن بنوشند؟
مجرد داشتن اجازه چراندن حيوانات در چراگاههاي مجاور املاک اشخاص، براي جواز ورود در ملک غير و استفاده از آب ملکی آن کافي نیست و اين کار براي آنان بدون رضایت مالک آن جایز نمي‌باشد.

جهاد

س 1048: جهاد ابتدائي در زمان غيبت امام معصوم ❖ عليه السلام ❖ چه حکمي دارد؟ آیا جايز است که فقيه جامع الشرائط مبسوط اليد (ولي امر مسلمين) حکم به آن کند؟ بعيد نيست که حکم به جهاد ابتدائي توسط فقيه جامع الشرائطي که متصدّي ولايت امر مسلمين است، در صورتي که مصلحت آن را اقتضا کند، جايز باشد، بلکه اين نظر اقوي است.

س 1049: اقدام به دفاع از اسلام هنگام تشخيص خطر براي اسلام، بدون رضایت والدين چه حکمي دارد؟

دفاع از اسلام و مسلمين واجب است و متوقف بر اذن والدين نيست، ولي در عين حال سزاوار است که انسان تا مي‌تواند رضایت آنان را جلب کند.

س 1050: آیا اهل کتابي که در کشورهاي اسلامي زندگي مي‌کنند، حکم اهل ذمه را دارند؟ آنان تا زماني که مطيع قوانين و مقررات دولت اسلامي که در حمايت آن زندگي مي‌کنند، باشند و کاري که منافي با امان است، انجام ندهند، حکم معاهد را دارند.

س 1051: آیا جايز است که يکي از مسلمانان يک کافر کتابي يا غير کتابي، اعم از زن يا مرد را در سرزمين کفر يا سرزمين مسلمانان به تملک خود در آورد؟

اين کار جايز نيست، هر گاه کفار به سرزمين اسلامي حمله کنند و کساني از آنان به دست مسلمين اسير شود، سرنوشت اسيران جنگي در دست حاکم اسلامي است و آحاد مسلمانان حق تعيين سرنوشت اسراء را ندارند.

س 1052: اگر فرض کنيم که حفظ اسلام ناب محمدي ❖ صلي الله عليه و آله ❖ متوقف بر ريختن خون نفس محترمي باشد، آیا اين کار جايز است؟

ريختن به ناحق خون نفس محترمه شرعا حرام است و با احکام اسلام ناب محمدي ❖ صلي الله عليه و آله ❖ تعارض دارد. بنا بر اين سخن مزبور که حفظ اسلام ناب محمدي متوقف بر ريختن خون انسان بيگناهي باشد، بي معني است، ولي اگر منظور از آن اقدام مکلف به جهاد في سبيل الله عزّ وآلوه و دفاع از اسلام ناب محمدي در مواردی که احتمال کشته شدن او وجود دارد، باشد، اين فرض موارد مختلفی دارد، اگر مکلف طبق تشخيص خود احساس کند که کيان اسلام در خطر است، بايد براي دفاع از اسلام قيام کند، حتي اگر در معرض کشته شدن باشد.

امر به معروف و نهي از منکر

شرائط وجوب امر به معروف و نهي از منکر

س 1053: اگر امر به معروف و نهي از منکر مستلزم بي آبرويي کسي که واجب را ترک کرده و يا فعل حرام را به جا آورده باشد، و موجب کاسته شدن احترام او در برابر مردم گردد، چه حکمي دارد؟

اگر در امر به معروف و نهی از منکر، شرائط و آداب آن رعایت شود و از حدود آن تجاوز نشود، اشکال ندارد.

س 1054: بنابر اینکه وظیفه مردم در امر به معروف و نهی از منکر در نظام جمهوری اسلامی، اکتفا به امر به معروف و نهی از منکر زبانی است و مراتب دیگر آن بر عهده مسئولین است، آیا این نظریه، حکم از طرف دولت است یا فتوی؟ فتوای فقهی است.

س 1055: آیا در مواردی که راه جلوگیری از وقوع منکر منحصر به ایجاد مانع بین فعل حرام و فاعل آن، و آن هم متوقف بر کتک زدن وی یا زندانی کردن و سخت گرفتن بر او و یا تصرف در اموال وی هر چند با تلف کردن آن باشد، می‌توان بدون کسب اجازه از حاکم، اقدام به آن از باب نهی از منکر نمود؟ این موضوع حالات و موارد مختلفی دارد، به طور کلی مراتب امر به معروف و نهی از منکر، اگر متوقف بر تصرف در نفس یا مال کسی که فعل حرام را بجا آورده نباشد، احتیاج به کسب اجازه از کسی ندارد، بلکه این مقدار بر همه مکلفین واجب است. ولی مواردی که امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر چیزی بیشتر از امر و نهی زبانی باشد، اگر در سرزمینی باشد که دارای نظام و حکومت اسلامی است و به این فریضه اسلامی اهمیت داده می‌شود، احتیاج به اذن حاکم و مسئولین ذیربط و پلیس محلی و دادگاههای صالح دارد.

س 1056: اگر نهی از منکر در امور بسیار مهم مانند حفظ نفس محترمه، متوقف بر کتک زدن یا منجر به زخمی شدن مهاجم و احیاناً قتل او باشد، آیا در این موارد هم اذن حاکم شرط است؟ اگر حفظ نفس محترمه و جلوگیری از وقوع قتل، مستلزم دخالت فوری و مستقیم باشد، جائز بلکه شرعاً از باب وجوب حفظ جان نفس محترمه واجب است و از جهت ثبوتی متوقف بر کسب اجازه از حاکم و یا وجود امر به آن نیست، مگر آنکه دفاع از نفس محترمه متوقف بر قتل مهاجم باشد که صورتهای متعددی دارد که احکام آنها هم ممکن است متفاوت باشد.

س 1057: کسی که می‌خواهد شخصی را امر به معروف و نهی از منکر نماید، آیا باید قدرت بر آن را داشته باشد؟ در چه زمانی امر به معروف و نهی از منکر بر او واجب می‌شود؟ امر به معروف و نهی کننده از منکر باید عالم به معروف و منکر باشد، و همچنین بداند که فاعل منکر هم به آن علم دارد و در عین حال عمداً و بدون عذر شرعی مرتکب آن می‌شود، و زمانی اقدام به امر و نهی واجب می‌شود که احتمال تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در مورد آن شخص داده شود، و ضرری برای خود او نداشته باشد، و در این مورد باید تناسب بین ضرر احتمالی و اهمیت معروفی را که به آن امر می‌نماید یا منکری که از آن نهی می‌کند، ملاحظه نماید. در غیر این صورت، امر به معروف و نهی از منکر بر او واجب نیست.

س 1058: اگر یکی از اقوام انسان مبادرت به ارتکاب معصیت کند و نسبت به آن لاپتالی باشد، تکلیف ما نسبت به رابطه با او چیست؟

اگر احتمال بدهید که ترک معاشرت با او موقتا موجب خودداری او از ارتکاب معصیت می‌شود، به عنوان امر به معروف و نهی از منکر واجب است، و در غیر این صورت، قطع رحم جایز نیست.

س 1059: آیا ترک امر به معروف و نهی از منکر بر اثر ترس از اخراج از کار، جایز است؟ مثلاً با اینکه می‌بیند مسئول یکی از مراکز آموزشی که با طبقه جوان در دانشگاه ارتباط دارد، مرتکب اعمال خلاف

شرع می‌شود و یا زمینه ارتکاب گناه در آن مکان را فراهم می‌آورد. اگر او را نهی از منکر نماید ترس آن دارد که از طرف مسئول مقدمات اخراج او از کار فراهم شود.

به طور کلی اگر خوف دارد که در صورت اقدام به امر به معروف و نهی از منکر ضرر قابل توجهی متوجه خود او شود، انجام آن واجب نیست.

س 1060: اگر در بعضی از محیط‌های دانشگاهی معروف ترک شود و معصیت رواج پیدا کند و شرائط امر به معروف و نهی از منکر هم وجود داشته باشد و امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر شخصی مجرد باشد که هنوز ازدواج نکرده است آیا به خاطر مجرد بودن، امر به معروف و نهی از منکر از او ساقط می‌شود یا خیر؟

اگر موضوع و شرائط امر به معروف و نهی از منکر محقق باشد، تکلیف شرعی و وظیفه واجب اجتماعی و انسانی همه مکلفین است، و حالت‌های مختلف مکلف مانند مجرد یا متأهل بودن در آن تاثیر ندارد، و به صرف اینکه مکلف مجرد است، تکلیف از او ساقط نمی‌شود.

س 1061: اگر شخصی دارای نفوذ و موقعیت اجتماعی خاصی باشد که اگر بخواهد می‌تواند بر معترضین به خود ضرر وارد سازد، و شواهدی هم دلالت کند بر اینکه وی مرتکب گناه و کارهای خلاف و دروغگوئی می‌شود، با این وضع، آیا جایز است امر به معروف و نهی از منکر را در مورد او ترک کنیم یا اینکه با وجود ترس از ضرر رساندن او، واجب است او را امر به معروف و نهی از منکر کنیم؟ اگر ترس از ضرر منشاء عقلانی داشته باشد، مبادرت به امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست، بلکه تکلیف از شما ساقط می‌شود. ولی سزاوار نیست کسی به مجرد ملاحظه مقام کسی که واجب را ترک کرده و یا مرتکب فعل حرام شده و یا به مجرد احتمال وارد شدن ضرر کمی از طرف او، تذکر و موعظه به برادر مؤمن خود را ترک کند.

س 1062: گاهی در اثنای امر به معروف و نهی از منکر مواردی پیش می‌آید که شخص گناهگار بر اثر عدم آگاهی از واجبات و احکام اسلامی، با نهی از منکر، نسبت به اسلام بدبین می‌شود، و اگر هم او را به حال خود رها کنیم، زمینه فساد و ارتکاب گناه توسط دیگران را فراهم می‌کند، تکلیف ما در این موارد چیست؟

امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرائط آن یک تکلیف شرعی عمومی برای حفظ احکام اسلام و سلامت جامعه است، و مجرد توهم اینکه موجب بدبینی فاعل منکر یا بعضی از مردم نسبت به اسلام می‌گردد، باعث نمی‌شود که این وظیفه بسیار مهم ترک شود.

س 1063: اگر مأمورانی که از طرف دولت وظیفه جلوگیری از فساد را بر عهده دارند، در انجام وظیفه خود کوتاهی کنند، آیا خود مردم می‌توانند اقدام به این کار کنند؟

دخالت اشخاص دیگر در اموری که از وظائف نیروهای امنیتی و قضائی محسوب می‌شود، جایز نیست، ولی مبادرت مردم به امر به معروف و نهی از منکر با رعایت حدود و شرائط آن، اشکال ندارد. س 1064: آیا وظیفه افراد در امر به معروف و نهی از منکر این است که فقط به امر به معروف و نهی از منکر زبانی اکتفا کنند؟ و اگر اکتفا به تذکر زبانی واجب باشد، این امر با آنچه در رساله‌های عملیه بخصوص تحریر الوسیله آمده است، منافات دارد، و اگر مراتب دیگر امر به معروف و نهی از منکر هم برای افراد در موارد لزوم جایز باشد، آیا در صورت نیاز می‌توان همه مراتب مذکور در تحریر الوسیله را انجام داد؟

با توجه به اینکه در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می‌توان مراتب دیگر امر به معروف و نهی از منکر را که بعد از مرحله امر و نهی زبانی هستند، به نیروهای امنیتی داخلی (پلیس) و قوه قضائیه واگذار کرد، بخصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره‌ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می‌دهد یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی زبانی اکتفا کنند، و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسئولین ذریب در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند و این منافاتی با فتاوای امام راحل **❖** قدس سره **❖** در این رابطه ندارد. ولی در زمان و مکانی که حاکمیت و اقتدار با حکومت اسلامی نیست، بر مکلفین واجب است که در صورت وجود شرائط، جمیع مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت ترتیب آنها تا تحقق غرض انجام دهند.

س 1065: بعضی از رانندگان از نوارهای موسیقی غنا و حرام استفاده می‌کنند و علی‌رغم نصیحت‌ها و راهنمایی‌ها آن را خاموش نمی‌کنند، خواهشمندیم نحوه برخورد مناسب با این موارد و این افراد را بیان فرمائید، آیا برخورد شدید با آنان جایز است یا خیر؟
با تحقق شرائط نهی از منکر، بر شما بیشتر از نهی زبانی از منکر واجب نیست، و در صورتی که مؤثر واقع نشود، واجب است که از گوش دادن به غنا و موسیقی حرام اجتناب کنید، و اگر به طور غیر ارادی صدای موسیقی حرام و غنا به گوش شما برسد، چیزی بر شما نیست.

س 1066: من در یکی از بیمارستانها به کار مقدس پرستاری مشغولم، گاهی در بعضی از قسمت‌های محل کارم ملاحظه می‌کنم که تعدادی از بیماران به نوارهای موسیقی مبتذل و حرام گوش می‌دهند، من آنان را نصیحت می‌کنم که این کار را نکنند و بعد از نصیحت مجدد آنان، چنانچه بی اثر باشد، نوار را از ضبط صوت بیرون آورده و پس از پاک کردن، آن را به آنان بر می‌گردانم، آیا اینگونه برخورد جایز است یا خیر؟
محو محتویات باطل برای جلوگیری از استفاده حرام از نوار، جایز است، ولی این کار منوط به اجازه مالک یا حاکم شرع است.

س 1067: از بعضی از منازل صدای موسیقی شنیده می‌شود که معلوم نیست جایز است یا خیر، و گاهی صدای آن بلند است به طوری که باعث اذیت و آزار مؤمنین می‌شود، وظیفه ما در برابر آن چیست؟

تعرض به داخل خانه‌های مردم جایز نیست، و امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر تشخیص موضوع و تحقق شرائط آن است.

س 1068: امر و نهی زبانی که حجاب کامل ندارند، چه حکمی دارد، و در صورتی که انسان هنگام نهی زبانی از تحریک شهوت خود بترسد، چه حکمی دارد؟
نهی از منکر متوقف بر نگاه با ریه به زن نامحرم نیست، و بر هر مکلفی واجب است که از حرام اجتناب کند، بخصوص زمانی که مبادرت به انجام فریضه نهی از منکر می‌کند.

کیفیت امر به معروف و نهی از منکر

س 1069: وظیفه فرزند در برابر پدر و مادر و یا زن در برابر شوهرش، اگر خمس یا زکات اموال را پردازند، چیست؟ آیا برای آنان تصرف در مالی که خمس یا زکات آن پرداخت نشده و مخلوط به حرام است با توجه به تأکیدات وارد در روایات مبنی بر عدم استفاده از آن، به سبب آلوده کردن روح انسان جایز است؟

بر آنان واجب است که هنگام مشاهده ترک معروف یا انجام حرام توسط پدر و مادر یا شوهر، به امر به معروف و نهی از منکر در صورت تحقق شرایط آن مبادرت کنند، ولی تصرف در اموال آنان اشکال ندارد، مگر آنکه یقین به وجود خمس یا زکات در خصوص مالی که مصرف می‌کنند، داشته باشند، که در این صورت واجب است که از ولی امر خمس و زکات نسبت به آن مقدار اجازه بگیرند.

س 1070: روش مناسبی که بهتر است فرزند در برابر پدر و مادری که بر اثر عدم اعتقاد کامل به تکالیف دینی، به آنها اهمیت نمی‌دهند، اتخاذ نماید، کدام است؟
واجب است که با زبان نرم و مراعات احترام ایشان به عنوان پدر و مادر، آنان را امر به معروف و نهی از منکر کند.

س 1071: برادر من مسائل شرعی و اخلاقی را رعایت نمی‌کند و تاکنون نصیحت در او تأثیری نداشته است، وظیفه من هنگام مشاهده رفتارهای او چیست؟
واجب است از اعمال خلاف شرع وی اظهار تنفر کنید و او را به هر روش برادرانه‌ای که مفید و مؤثر می‌دانید، موعظه کنید، ولی قطع رحم، جائز نیست.

س 1072: رابطه با اشخاصی که در گذشته مرتکب اعمال حرامی مانند شرب خمر شده‌اند، چگونه باید باشد؟

معیار وضعیت فعلی اشخاص است، اگر از آنچه انجام داده‌اند، توبه کرده باشند، معاشرت با آنان مانند معاشرت با سایر مؤمنین است. ولی کسی که در حال حاضر هم مرتکب حرام می‌شود، باید او را از طریق نهی از منکر از آن کار منع کرد، و اگر از انجام فعل حرام اجتناب نمی‌کند مگر با دوری جستن از او، قطع رابطه و ترک معاشرت با وی از باب نهی از منکر واجب می‌شود.

س 1073: با توجه به هجوم مستمر فرهنگ غربی که در تضاد با اخلاق اسلامی است، و رواج بعضی از عاداتهای غیراسلامی، مثل به گردن آویختن صلیب طلائی توسط بعضی از مردان، و یا استفاده بعضی از زنان از مانتو با رنگ‌های زننده، و یا استفاده بعضی از مردان و زنان، از زیورآلات و عینک‌های تیره و ساعت هائی که جلب نظر می‌کند و استفاده از آنها نزد عرف مردم قبیح است، و عده‌ای از آنها حتی بعد از امر به معروف و نهی از منکر هم اصرار بر کار خود دارند، امیدواریم حضرتعالی روشی را که باید در برابر این افراد در پیش گرفت، بیان فرمائید.

پوشیدن طلا یا آویختن آن به گردن بر مردان مطلقاً حرام است، و پوشیدن لباس‌هایی که از نظر دوخت یا رنگ یا غیر آن تقلید و ترویج فرهنگ مهاجم غیر مسلمانان در نظر عرف محسوب می‌شود، جایز نیست. همچنین استفاده از زیورآلاتی که استعمال آن تقلید از فرهنگ تهاجمی دشمنان اسلام و مسلمین محسوب شود، جایز نیست، و بر دیگران واجب است که در برابر اینگونه مظاهر فرهنگی تقلیدی از بیگانگان مبادرت به نهی از منکر زبانی کنند.

س 1074: گاهی مشاهده می‌کنیم که دانشجوی دانشگاهی و یا کارمندی مرتکب فعل حرام می‌شود، حتی بعد از تذکرات و راهنمایی‌های مکرر هم از کار خود دست برنمی‌دارد، بلکه بر انجام

کارهای زشت که باعث ایجاد جو فاسد در دانشگاه است، اصرار می‌ورزد، نظر شریف جنابعالی درباره اعمال بعضی از مجازات‌های اداری مؤثر مثل ثبت در پرونده آنها چیست؟
با مراعات نظام داخلی دانشگاه اشکال ندارد، و بر جوانان عزیز لازم است که مسأله امر به معروف و نهی از منکر را جدی گرفته و شرائط و احکام شرعی آن را به دقت بیاموزند و این اصل را عام و فراگیر نموده و روش‌های اخلاقی و مؤثر را برای تشویق فعل معروف و جلوگیری از ارتکاب محرمات به کار بگیرند، و از استفاده از آن برای اغراض شخصی باید خودداری نمایند و بدانند که این راه بهترین و مؤثرترین روش برای ترویج کار خیر و جلوگیری از شر است. خداوند شما را به آنچه رضای او در آن است، موفق بدارد.

س 1075: آیا جواب ندادن به سلام کسی که فعل حرام انجام می‌دهد، برای تنبیه او جایز است؟
جواب سلام مسلمان شرعاً واجب است، ولی اگر بر خودداری از جواب سلام به قصد نهی از منکر، عرفاً نهی و منع از منکر صدق کند، جایز است.

س 1076: اگر برای مسئولین به طور قطعی ثابت شود که بعضی از کارمندان ادارات در خواندن نماز کوتاهی کرده و یا اصلاً نماز نمی‌خوانند و نصیحت و راهنمایی هم تأثیری نداشته باشد، در برابر اینگونه افراد چه وظیفه‌ای دارند؟

در عین حال واجب است که از تأثیر مداومت بر امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرائط آن غفلت نکنند، در صورت ناامیدی از تأثیر امر به معروف نسبت به آنان، اگر بر حسب مقررات قانونی محروم ساختن اینگونه افراد از مزایای شغلی مجاز باشد، باید در مورد آنان اجرا شود و به آنان تذکر هم داده شود که این محرومیت بر اثر سستی و کوتاهی‌شان در انجام این فریضه الهی اتخاذ شده است.

مسائل متفرقه امر به معروف و نهی از منکر

س 1077: خواهرم مدتی است با مردی ازدواج کرده که نماز نمی‌خواند و چون همیشه در جمع ما حضور دارد، مجبور به صحبت و معاشرت با وی هستم و گاهی بنا به درخواست خودش او را در بعضی از کارها کمک می‌کنم، سؤال من این است که آیا شرعاً برای من سخن گفتن با وی و معاشرت و یاری کردن او جایز است؟ و نسبت به او چه تکلیفی دارم؟
بر شما به جز مداومت بر امر او به معروف و نهی از منکر، در صورت تحقق شرائط آن، چیزی واجب نیست، و معاشرت و یاری کردن او اگر سبب تشویق بیشتر او بر ترک نماز نباشد، اشکال ندارد.

س 1078: اگر رفت و آمد و معاشرت علمای اعلام با ظالمین و سلاطین جور باعث کاهش ظلم‌شان شود، آیا جایز است یا خیر؟

اگر برای عالم در این موارد ثابت شود که ارتباط او با ظالم منجر به منع ظلم او می‌شود و در نهی وی از منکر مؤثر است و یا مسأله مهمی مستلزم اهتمام و پیگیری آن نزد ظالم باشد، اشکال ندارد.
س 1079: چند سالی است که ازدواج کرده‌ام و به مسائل شرعی و امور دینی اهمیت فراوانی می‌دهم و مقلد امام راحل **قدس سره** هستم، ولی متأسفانه همسرم به مسائل دینی اهمیت

چندانی نمی‌دهد، گاهی بعد از مشاجره لفظی، یک بار نماز می‌خواند، ولی باز دوباره ترک می‌کند و این رفتار او مرا بسیار رنج می‌دهد، وظیفه من در برابر او چیست؟

وظیفه شما فراهم نمودن زمینه اصلاح او به هر وسیله ممکن است، و باید از هرگونه خشونت که حاکی از بداخلاقی و ناسازگاری شما باشد، خودداری کنید، و اطمینان داشته باشید که شرکت در مجالس دینی و رفت و آمد با خانواده‌های متدین تأثیر بسیار زیادی در اصلاح او دارد. س 1080: اگر مرد مسلمانی با استناد به قرائنی اطلاع پیدا کند که همسرش با اینکه چندین فرزند دارد، به طور پنهانی مرتکب اعمال خلاف عفت می‌شود، ولی دلیل شرعی برای اثبات آن مثل شهادتی که حاضر به شهادت دادن باشد، در اختیار ندارد. با توجه به اینکه فرزندان او تحت تربیت چنین زنی هستند، رفتار وی با او چگونه باید باشد؟ در صورت شناسایی فرد یا افرادی که مرتکب این عمل شنیع و مخالف احکام الهی شده‌اند، با توجه به اینکه ادله قابل ارائه به دادگاه شرعی بر علیه‌شان وجود ندارد، چگونه باید با آنان برخورد کرد؟

واجب است از سوء ظن و استناد به قرائن و شواهد ظنی اجتناب شود، و در صورت احراز ارتکاب فعلی که شرعاً حرام است، جلوگیری از آن از طریق تذکر و نصیحت و نهی از منکر واجب است، و اگر نهی از منکر مؤثر نباشد، در صورت وجود دلائل اثبات کننده، می‌توان به مراجع قضائی مراجعه کرد. س 1081: آیا دختر می‌تواند پسر جوانی را راهنمایی کرده و با رعایت موازین اسلامی به او در درس و غیر آن کمک کند؟

در فرض سؤال اشکال ندارد، ولی باید از فریب و وسوسه‌های شیطانی جدا پرهیز شود، و احکام شرع در این رابطه مانند خلوت نکردن با اجنبی مراعات گردد.

س 1082: اگر کارکنان ادارات و مؤسسات در محل کار خود ارتکاب تخلفات اداری و شرعی را توسط مسئولین مافوق مشاهده کنند، چه وظیفه‌ای دارند؟ اگر کارمندی خوف داشته باشد که در صورت مبادرت به نهی از منکر ضرری از طرف مسئولین بالاتر متوجه او شود، آیا تکلیف از او ساقط می‌شود؟ اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته باشد، باید امر به معروف و نهی از منکر کنند، در غیر این صورت تکلیفی در آن مورد ندارند. همچنین با وجود خوف از ضرر هم تکلیف از آنان ساقط می‌شود، این حکم در مواردی است که حکومت اسلامی حاکم نباشد. ولی با وجود حکومت

اسلامی که اهتمام به اجرای این فریضه الهی دارد، بر کسی که قادر بر امر به معروف و نهی از منکر نیست، واجب است که نهادهای مربوطه را که از طرف حکومت برای این کار اختصاص یافته‌اند، مطلع نماید و تا کنده شدن ریشه‌های فاسد که فساد آور هم هستند، موضوع را پیگیری کند.

س 1083: اگر در یکی از اداره‌های دولتی اختلاس از بیت المال صورت بگیرد و این اختلاس استمرار داشته باشد و شخصی این توانائی را در خود ببیند که اگر مسئولیت آن اداره را بر عهده بگیرد، می‌تواند این وضع را اصلاح کند، و این کار هم فقط از طریق دادن رشوه به یکی از کسانی که مسئول آن هستند، امکان‌پذیر است، آیا دادن رشوه برای جلوگیری از اختلاس در بیت‌المال، که در حقیقت دفع افسد به فاسد است، جایز است یا خیر؟

وظیفه اشخاصی که از تخلفات قانونی مطلع می‌شوند، نهی از منکر با رعایت شرائط و ضوابط شرعی آن است، و توسل به رشوه و راههای غیرقانونی برای هر عملی هر چند به منظور جلوگیری از فساد، جایز نیست. البته، با فرض وقوع چنین عمل خلاف شرع و قانون در کشوری که نظام

اسلامی بر آن حاکم است، وظیفه مردم به مجرد عجز شخصی از امر به معروف و نهی از منکر ساقط نمی‌شود، بلکه واجب است که به نهادهای مربوط اطلاع داده و موضوع را پیگیری نمایند.

س 1084: آیا منکرات امور نسبی هستند تا با مقایسه محیط دانشگاه مثلا با محیط‌های بدتر از آن، نهی از منکر نسبت به بعضی از منکرات ترک شود و جلوی آن به دلیل اینکه نسبت به سایر منکرات حرام و منکر محسوب نمی‌شود، گرفته نشود؟

منکرات از این جهت که منکر هستند، فرقی بین آنها نیست، ولی در عین حال ممکن است که بعضی از آنها در مقایسه با منکرات دیگر دارای حرمت شدیدتری باشد. به هر حال نهی از منکر برای کسی که شرائط آن را احراز کرده، یک وظیفه شرعی است و ترک آن جایز نیست، و در این حکم بین منکرات و محیط‌های دانشگاهی و غیر دانشگاهی تفاوتی وجود ندارد.

س 1085: مشروبات الکلی که در حوزه‌های مأموریتی متخصصین بیگانه که گاهی در بعضی از مؤسسات کشور اسلامی کار می‌کنند، یافت می‌شود و آن را در منازل یا محل اختصاصی سکونت خود تناول می‌کنند، و همچنین آماده کردن گوشت خوک و خوردن آن توسط آنان چه حکمی دارد؟ و ارتکاب اعمال منافی عفت و ارزش‌های حاکم بر مردم، توسط آنان دارای چه حکمی است؟ مسئولین کارخانه‌ها و اشخاصی که با آنان در ارتباط هستند، چه تکلیفی دارند؟ بعد از اعلام به مسئولین کارخانه‌ها و نهادهای مربوطه در آن استان، اگر هیچگونه اقدامی انجام ندهند، تکلیف چیست؟ بر مسئولین مربوطه واجب است که به آنان دستور دهند که از تظاهر به اموری مثل شرابخواری، خوردن گوشت‌های حرام خودداری کنند و آنان را از خوردن علنی آنها منع نمایند. ولی اموری که با عفت عمومی منافات دارد، به هیچ وجه نباید به آنان اجازه انجام آن داده شود. به هر حال، از طرف مسئولین مربوطه باید تدابیر مناسبی در این باره اتخاذ شود.

س 1086: بعضی از برادران برای امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت و ارشاد به مکان‌هایی می‌روند که ممکن است زنان بی حجاب در آنجا حضور داشته باشند، آیا از آنجا که برای امر به معروف به آنجا رفته‌اند، نگاه کردن به زن‌های بی حجاب برای آنان جایز است؟ نگاه اول اگر بدون قصد باشد، اشکال ندارد، ولی نگاه عمدی به غیر از صورت و دست‌ها تا میج جایز نیست، هر چند به قصد امر به معروف باشد.

س 1087: وظیفه جوانان مؤمن در دانشگاه‌های مختلط در برابر مفاسدی که در بعضی از آن مکانها مشاهده می‌کنند، چیست؟

بر آنان واجب است که ضمن دوری جستن از ابتلا به مفاسد، در صورت تمکن و تحقق شرائط امر به معروف و نهی از منکر مبادرت به انجام این فریضه کنند.

کسب‌های حرام و غیره
خرید و فروش اعیان نجس

س 1088: آیا خرید خوکهای وحشی که توسط اداره صید و کشاورزان منطقه به دلیل حفاظت از مراتع و مزارع شکار می‌شوند، به منظور کنسرو سازی و صادر کردن آن به کشورهای غیر اسلامی جایز است؟

خرید و فروش گوشت خوک برای استفاده‌های غذایی انسان جایز نیست هر چند خریدار مسلمان نباشد، ولی اگر دارای منفعت عقلانی حلال و قابل توجهی مانند استفاده از آن برای تغذیه حیوانات و یا بکارگیری چربی آن در صنعت صابون‌سازی و مانند آن باشد، در این صورت خرید و فروش آن اشکال ندارد.

س 1089: آیا کار کردن در کارخانه کنسرو گوشت خوک یا کاباره‌های شبانه و یا مراکز فساد جایز است؟ و درآمد حاصل از آن چه حکمی دارد؟

اشتغال به کارهای حرام مثل فروش گوشت خوک، شراب، ایجاد و اداره کاباره‌های شبانه، مراکز فساد و فحشا و قمار و شرابخواری و مانند آن، جایز نیست و کسب درآمد از طریق آنها حرام است و انسان، مالک اجرتی که در برابر آن می‌گیرد نمی‌شود.

س 1090: آیا فروش و هدیه کردن شراب یا گوشت خوک و یا هر چیزی که خوردن آن حرام است به کسی که آن را حلال می‌داند، صحیح است؟

فروش و هدیه کردن چیزی که خوردن یا آشامیدن آن حرام است، اگر به قصد خوردن و آشامیدن باشد و یا انسان بداند که خریدار آن را برای خوردن و آشامیدن مصرف می‌کند جایز نیست، هر چند خریدار خوردن آن را حلال بداند.

س 1091: ما یک شرکت تعاونی برای فروش مواد غذایی و مصرفی داریم و از آنجا که بعضی از مواد غذایی موجود در آن فروشگاه از مردار یا چیزهایی که خوردن آنها حرام است می‌باشند بنابراین درآمدهای سالانه حاصل از آنها که بین سهامداران توزیع می‌شوند چه حکمی دارند؟ خرید و فروش آن دسته از مواد غذایی که خوردن آنها حرام است، حرام و باطل می‌باشد و پول و درآمد حاصل از آنها هم حرام است و توزیع آن در بین سهامداران جایز نیست و در صورتی که اموال شرکت تعاونی با آن مخلوط شده باشد، حکم مال مخلوط به حرام را دارد که اقسام آن در رساله‌های عملیه ذکر شده است.

س 1092: اگر شخص مسلمانی هتلی را در یک کشور غیراسلامی تأسیس کند و ناچار باشد بعضی از انواع شراب و غذاهای حرام را نیز بفروشد، زیرا اکثریت مردم آن کشور مسیحی هستند که با غذا شراب می‌نوشند و به هتلی که همراه غذا شراب ندهد نمی‌روند، با توجه به اینکه شخص مزبور قصد دارد تمام درآمد حاصل از امور حرام را به حاکم شرع بپردازد آیا این کار برای او جایز است؟ تأسیس هتل یا غذاخوری در کشورهای غیراسلامی اشکال ندارد، ولی فروش شراب و غذاهای حرام جایز نیست، هر چند خریدار آنها را حلال بداند و گرفتن پول آنها جایز نیست هر چند آن شخص قصد داشته باشد آن پول را به حاکم شرع بپردازد.

س 1093: آیا حیوانات آبی حرام گوشت، اگر زنده از آب بیرون آورده شوند، حکم مردار را دارند و خرید و فروش آنها حرام است؟ آیا خرید و فروش آنها برای تغذیه غیر انسان مثل تغذیه پرندگان و حیوانات و همچنین برای استفاده‌های صنعتی جایز است؟

اگر این حیوانات از انواع ماهی بوده و زنده از آب بیرون آورده شوند و در خارج از آب بمیرند، مردار محسوب نمی‌شوند. به هر حال چیزی که خوردن آن حرام است، خرید و فروش آن برای خوردن جایز نیست هر چند خریدار، خوردن آن را حلال بداند، ولی اگر غیر از خوردن، منافع عقلانی حلال مثل استفاده‌های پزشکی یا صنعتی و یا تغذیه پرندگان و چارپایان و مانند آن داشته باشد، خرید و فروش آن به قصد مزبور اشکال ندارد.

س 1094: آیا اشتغال در امر حمل و نقل آن دسته از مواد غذایی که گوشت تذکیه نشده هم در بین آنها وجود دارد، جایز است؟ آیا بین بردن آنها برای کسی که خوردن آنها را حلال می‌داند و کسی که حلال نمی‌داند، تفاوتی وجود دارد؟

حمل گوشت تذکیه نشده برای کسی که قصد خوردن آن را دارد، جایز نیست و فرقی نمی‌کند که مشتری خوردن آن را حلال بداند یا خیر.

س 1095: آیا فروش خون به کسی که از آن استفاده می‌کند، جایز است؟
فروش خون اگر به قصد عقلانی مشروع باشد، اشکال ندارد.

س 1096: آیا برای یک فرد مسلمان جایز است که غذای حرام (مانند غذایی که محتوی گوشت خوک یا مردار است) و مشروبات الکلی را در سرزمین کفر به غیر مسلمان عرضه کند؟ حکم آن در صورتهای زیر چیست؟

الف - اگر غذاها و مشروبات الکلی متعلق به او نباشند و در برابر فروش آنها هم سودی نبرد بلکه کار او فقط عرضه آنها و غذاهای حلال به مشتری باشد.

ب - اگر با فرد غیرمسلمان در محل شریک باشد، به این صورت که فرد مسلمان مالک اجناس حلال و شریک غیر مسلمان مالک مشروبات الکلی و غذاهای حرام باشد و هر کدام بطور جداگانه از کالاهای خود سود ببرند.

ج - اگر فرد مسلمان در محلی که مواد غذایی حرام و مشروبات الکلی فروخته می‌شود، فقط کار کند و مزد ثابتی بگیرد، چه صاحب آن محل مسلمان باشد و چه غیر مسلمان.

د - اگر فرد مسلمان در محل فروش مواد غذایی حرام و مشروبات الکلی به عنوان کارگر یا شریک کار کند ولی دخالتی در خرید و فروش آنها نداشته و آن مواد متعلق به او هم نباشند، بلکه او فقط در تهیه و فروش مواد غذایی نقش داشته باشد، با توجه به اینکه مشتریها مشروبات الکلی را در همان محل نمی‌خورند، کار او چه حکمی دارد؟

عرضه و فروش مشروبات الکلی مست کننده و غذاهای حرام و کار در محل فروش آنها و مشارکت در ساخت و خرید و فروش آنها و اطاعت از دیگران در این موارد، شرعا حرام است، اعم از اینکه انسان شریک در سرمایه بوده و یا کارگر روزانه باشد و نیز اعم از آن که فقط مواد غذایی حرام و مشروبات الکلی عرضه و فروخته شوند یا اینکه فروش همراه با مواد غذایی حلال باشد و همچنین اعم از اینکه کار انسان همراه با گرفتن سود و مزد باشد و یا مجانی و در این مورد فرقی نمی‌کند که صاحب کار یا شریک او مسلمان باشد یا غیرمسلمان و به مسلمان عرضه و فروخته شود یا به غیر مسلمان، و به طور کلی بر هر مسلمانی واجب است که از ساخت و خرید و فروش آن دسته از مواد غذایی که خوردن آنها حرام است به منظور خوردن اجتناب کند و همچنین از ساخت و خرید و فروش مشروبات الکلی مست کننده و کسب منفعت از این طریق خودداری کند.

س 1097: آیا کسب در آمد از طریق تعمیر کامیونهای حمل مشروبات الکلی جایز است؟
اگر کامیون ها برای حمل مشروبات الکلی مورد استفاده قرار بگیرند در این صورت اشتغال به تعمیر آنها جایز نیست.

س 1098: یک شرکت تجاری با شعبه‌های فرعی برای فروش مواد غذایی به مردم وجود دارد که بعضی از مواد غذایی آن شرعا حرام می‌باشد (مانند آن دسته از گوشت‌های وارداتی که مردار هستند) در نتیجه بخشی از اموال شرکت، از نظر شرعی حرام محسوب می‌شود، آیا خرید مایحتاج از شعبه‌های این شرکت که هم کالای حرام دارد و هم کالای حلال، جایز است؟ و بر فرض جواز، آیا گرفتن باقیمانده پولی که به فروشنده داده می‌شود، به دلیل اینکه مجهول‌المالک است، احتیاج به اجازه حاکم شرع دارد؟ و بر فرض که احتیاج به اجازه داشته باشد، آیا به کسی که کالاهای مورد نیاز خود را از آن شعبه‌ها خریداری می‌کند، این اجازه را می‌دهید؟

علم اجمالی به وجود مال حرام در اموال شرکت تا زمانی که همه آنها مورد ابتلاء مکلف نباشند مانع از صحت خرید کالاهای مورد نیاز از آن شرکت نیست، بنابراین خریداری کالاهای مورد نیاز از آن برای همه مردم بدون اشکال است و همچنین دریافت باقیمانده پول، تا زمانی که همه اموال شرکت مورد ابتلاء شخص مشتری نباشند اشکال ندارد و همچنین تا زمانی که انسان علم به وجود مال حرام در عین کالائی که از شرکت خریده است نداشته باشد، اشکال ندارد و احتیاجی به اجازه حاکم شرع برای تصرف در کالا و پولی که از شرکت دریافت می‌کند، نیست.

س 1099: آیا اشتغال به سوزاندن اموات غیرمسلمان و اجرت گرفتن در برابر آن، جایز است؟
سوزاندن اجساد اموات غیرمسلمان، حرام نیست بنابراین اشتغال به آن و گرفتن اجرت در برابر آن، اشکال ندارد.

س 1100: آیا جایز است کسی که می‌تواند کار کند، از مردم درخواست کمک کرده و با کمک‌های آنان زندگی نماید؟
سزاوار نیست این کار را بکند.

س 1101: آیا برای زنان جایز است که با فروش جواهرات در بازار زرگرها و غیر آن کسب درآمد کنند؟
با رعایت حدود شرعی اشکال ندارد.

س 1102: تزئین منازل (دکور) در صورتی که برای کارهای حرام بکار گرفته شوند، بخصوص اگر بعضی از اتاقها برای پرستش بت مورد استفاده قرار بگیرند، چه حکمی دارد؟ و آیا ساخت سالن در صورتی که احتمال داده شود که برای رقص و مانند آن استفاده شود، جایز است یا خیر؟
تزئین خانه بخودی خود در صورتی که به منظور استفاده در کارهای حرام نباشد، اشکال ندارد، ولی تزئین اتاق مخصوص پرستش بت، مثلا چیدن لوازم آن اتاق و تعیین محلی برای قرار دادن بت و مانند آن، شرعا جایز نیست و ساخت سالن برای استفاده حرام، جائز نیست ولی مجرد احتمال مانعی ندارد.

س 1103: آیا ساخت بنائی که شامل زندان و مرکز پلیس است و تحویل آن به دولت ظالم، جایز است؟ و آیا اشتغال در کارهای ساختمانی آن نیز جایز است؟
ساخت بنا با اوصاف مذکور اشکال ندارد به شرطی که به قصد برگزاری جلسات دادگاه ظلم در آن و ایجاد محلی برای زندانی کردن بی‌گناهان نباشد و همچنین به نظر کسی که آن را می‌سازد، بطور

معمول در معرض استفاده‌های مزبور قرار نداشته باشد که در این صورت گرفتن اجرت نیز در برابر ساختن آن اشکال ندارد.

س 1104: شغل من گاوبازی در برابر تماشاگران است و آنان مبلغی را به عنوان هدیه در برابر تماشای آن به من می‌پردازند، آیا نفس این کار جایز است؟
عمل مذکور شرعاً مذموم است ولی گرفتن هدایا از تماشاگران چنانچه پرداخت آن با اختیار و رضایت تماشاگران صورت گیرد، اشکال ندارد.

س 1105: بعضی از افراد لباسهای نظامی مخصوص ارتش را می‌فروشند، آیا خرید این لباسها و استفاده از آنها جایز است؟
اگر احتمال بدهید که این لباسها را از طریق قانونی بدست آورده‌اند و یا مجاز به فروش آنها هستند، در این صورت خرید و استفاده از آنها در مواردی که خلاف مقررات نباشد، اشکال ندارد.

س 1106: استفاده از ترقه و مواد قابل انفجار و ساخت و خرید و فروش آنها اعم از اینکه موجب اذیت و آزار بشوند یا خیر، چه حکمی دارد؟
در صورتی که موجب اذیت و آزار دیگران باشد و یا تذبذب مال محسوب شود و یا خلاف قانون و مقررات نظام جمهوری اسلامی باشد، جایز نیست.

س 1107: کار پلیس و مأموران راهنمایی و رانندگی و گمرک و اداره مالیات بر درآمد در جمهوری اسلامی چه حکمی دارد؟ آیا آنچه در بعضی از روایات آمده است که دعای مأموری که کار افراد را به حکومت گزارش می‌دهد و دعای مأمور مالیات و گمرک مستجاب نمی‌شود، شامل آنان هم می‌گردد؟
کار آنان فی‌نفسه در صورتی که بر اساس مقررات قانونی باشد، اشکال ندارد و ظاهراً مراد از **عریف** و **عشار** در روایات افرادی هستند که انجام این کارها را در حکومت های طاغوتی و ظالم برعهده دارند.

س 1108: بعضی از زنان برای تأمین هزینه‌های زندگی خانوادگی خود در آرایشگاهها کار می‌کنند، آیا این کار ترویج بی‌عفتی و یا تهدیدی برای عفت جامعه اسلامی محسوب نمی‌شود؟
آرایش کردن زنان فی‌نفسه و اجرت گرفتن در برابر آن اشکال ندارد به شرطی که به منظور نشان دادن به نامحرم نباشد.

س 1109: آیا جایز است شرکتها در برابر واسطه‌گری و مقاطعه‌کاری که بین صاحب کار از طرفی و کارگران و بناها از طرف دیگر، انجام می‌دهند، اجرت دریافت کنند؟
گرفتن اجرت در برابر عمل مباح اشکال ندارد.

س 1110: آیا اجرتی که دلال می‌گیرد، حلال است؟
اگر در برابر انجام عمل مباحی و بنا به درخواست کسی باشد، اشکال ندارد.

اجرت گرفتن در برابر واجبات

س 1111: حقوق اساتیدی که در دانشکده الهیات، فقه و اصول تدریس می‌کنند، چه حکمی دارد؟
وجوب تدریس و آموزش چیزی که یاد دادن آن واجب کفائی است، مانع گرفتن حقوق در برابر تدریس فقه و اصول در دانشگاه نیست بخصوص اگر دریافت حقوق به خاطر حضور در دانشگاه و اداره کلاس باشد.

س 1112: آموزش مسائل شرعی چه حکمی دارد؟ آیا جایز است روحانیون در برابر یاد دادن مسائل شرعی به مردم، اجرت بگیرند؟

هر چند اجمالا آموزش مسائل حلال و حرام فی نفسه واجب است و اجرت گرفتن در برابر آن جایز نیست ولی گرفتن اجرت برای مقدماتی که اصل آموزش احکام متوقف بر آنها نیست و شرعا هم بر انسان واجب نیستند مانند حضور در مکان خاص، اشکال ندارد.

س 1113: آیا دریافت حقوق ماهانه برای اقامه نماز جماعت و راهنمایی و ارشاد دینی در نهادها و اداره‌های دولتی جایز است؟

گرفتن اجرت در برابر رفت و آمد یا ارائه خدماتی که انجام آنها بر مکلف واجب نیست، اشکال ندارد.

س 1114: آیا گرفتن اجرت برای غسل دادن میت جایز است؟

غسل دادن میت مسلمان عبادت و واجب کفائی است و اجرت گرفتن در برابر خود آن جایز نیست.

س 1115: آیا گرفتن اجرت برای جاری کردن عقد نکاح جایز است؟

اشکال ندارد.

شطرنج و آلات قمار

شطرنج

س 1116: با توجه به اینکه در بیشتر مدارس بازی با شطرنج رواج دارد آیا بازی با آن و برگزاری

دوره‌های آموزشی آن جایز است؟

اگر به نظر مکلف، شطرنج در حال حاضر از آلات قمار محسوب نشود در این صورت بازی با آن بدون

شرطبندی اشکال ندارد.

س 1117: بازی با وسایل سرگرمی از جمله پاسور چه حکمی دارد؟ و آیا بازی با آنها برای سرگرمی

و بدون شرطبندی جایز است؟

بازی با چیزی که عرفا از آلات قمار محسوب می‌شود، مطلقاً حرام است هر چند برای سرگرمی و

بدون شرطبندی باشد.

س 1118: شطرنج در موارد زیر چه حکمی دارد؟

- ساخت و خرید و فروش آن

- بازی شطرنج با شرطبندی و بدون آن

- ایجاد مراکز در محافل عمومی و غیر آن برای آموزش شطرنج و بازی با آن و تشویق مردم به آن

اگر مکلف تشخیص دهد که در حال حاضر شطرنج از آلات قمار محسوب نمی‌شود، ساخت و خرید و

فروش و بازی با آن بدون شرطبندی، اشکال ندارد، همچنین با فرض مذکور، آموزش آن هم بدون

اشکال است.

س 1119: آیا از تأیید برگزاری مسابقات شطرنج توسط مدیریت آموزش ریاضی معلوم می‌شود که

شطرنج جزء آلات قمار نیست؟ و آیا جایز است مکلف به آن اعتماد کند؟

معیار در تعیین موضوعات احکام، تشخیص خود مکلف و یا اقامه دلیل شرعی بر آن نزد خود اوست. س 1120: بازی با آلاتی مثل شطرنج و بلیارد با کفار در کشورهای خارجی چه حکمی دارد؟ مصرف مال برای استفاده از این آلات بدون شرطبندی چه حکمی دارد؟ حکم بازی با شطرنج و آلات قمار در مسائل قبلی بیان شد و در حکم مذکور فرقی بین بازی با آنها در کشورهای اسلامی یا غیراسلامی و بین بازی با مسلمان یا کافر وجود ندارد و خرید و فروش آلات قمار و مصرف مال در این موارد هم جایز نیست. آلات قمار

س 1121: آیا اگر افراد بدون شرطبندی و قصد قمار و بُرد و باخت و کسب درآمد بلکه فقط برای سرگرمی و مشغول بودن، مبادرت به بازی با ورق کنند، آن افراد مرتکب حرام شده‌اند؟ حضور در مجالس بازی با ورق برای تفریح چه حکمی دارد؟ بازی با ورقی که عرفاً از آلات قمار محسوب می‌شود، بطور مطلق حرام است و جایز نیست انسان با اختیار در مجلس قمار یا بازی با آلات قمار شرکت کند.

س 1122: آیا استفاده از ورق‌های پاسور در صورتی که برای بازیهای فکری محض که بدون شرطبندی بوده و متضمن مفاهیم علمی و دینی باشند، جایز است؟ بازی با ورق‌هایی که با چیدن آنها به نحو خاصی، بعضی از شکلها مثل موتورسیکلت یا ماشین و مانند آن ایجاد می‌شود و در عین حال استفاده از آنها برای شرط بندی و مسابقه هم ممکن است، چه حکمی دارد؟ بازی با ورق‌هایی که عرفاً، آلات قمار محسوب می‌شوند، مطلقاً جایز نیست ولی بازی با ورق‌هایی که عرفاً آلت قمار محسوب نمی‌شوند، بدون شرطبندی اشکال ندارد. و بطور کلی بازی با هر چیزی که مکلف تشخیص دهد از آلات قمار است و یا در آن شرطبندی شود، به هیچ وجه، جایز نیست.

وبازی با هر وسیله‌ای که جزء آلات قمار به حساب نیاید، بدون شرطبندی، اشکال ندارد. س 1123: بازی باگردو و تخم‌مرغ و چیزهای دیگری که شرعاً مالیت دارند، چه حکمی دارد؟ آیا این بازیها برای کودکان جایز است؟

اگر بازی قمار و شرط بندی باشد، شرعاً حرام است و طرف برنده، مالک چیزی که برده و از طرف مقابل گرفته است، نمی‌شود. ولی اگر بازی‌کنندگان غیربالغ باشند شرعاً مکلف نبوده و تکلیفی ندارند، هر چند که مالک چیزی که می‌برند نمی‌شوند.

س 1124: آیا شرطبندی با پول یا غیر آن در بازی با غیر آلات قمار جایز است؟ شرطبندی در بازی جایز نیست هر چند بازی با غیر آلات قمار باشد.

س 1125: بازی با آلات قمار مانند پاسور و غیر آن از طریق کامپیوتر چه حکمی دارد؟ حکم بازی با آلات قمار را دارد.

س 1126: بازی با ♦ آنو ♦ و ♦ الکیرم ♦ چه حکمی دارد؟

اگر به نظر عرف از آلات قمار محسوب شوند، بازی با آنها جایز نیست هر چند بدون شرطبندی باشد. س 1127: اگر بعضی از وسیله‌های بازی در شهری از آلات قمار محسوب شوند ولی در شهر دیگری از آلات قمار محسوب نشوند، آیا بازی با آنها جایز است؟

باید عرف هر دو مکان رعایت شود به این معنی که اگر آن وسیله‌ها در یکی از دو شهر از آلات قمار محسوب شوند و در گذشته هم در هر دو مکان از آلات قمار بوده‌اند، در حال حاضر هم بازی با آنها حرام است.

موسیقی و غنا

س 1128: ملاک تمییز موسیقی حلال از حرام چیست؟ و آیا موسیقی کلاسیک حلال است، بسیار مناسب است که معیار آن را بیان فرمایید؟

هر موسیقی که به نظر عرف موسیقی لهوی و مطرب که مناسب با مجالس عیش و نوش است باشد، موسیقی حرام محسوب می‌شود و فرقی نمی‌کند که موسیقی کلاسیک باشد یا غیر کلاسیک. تشخیص موضوع هم موکول به نظر عرفی مکلف است و اگر موسیقی این گونه نباشد بخودی خود اشکال ندارد.

س 1129: گوش دادن به نوارهایی که توسط سازمان تبلیغات اسلامی و یا مؤسسه اسلامی دیگر مجاز اعلام شده‌اند، چه حکمی دارد؟ و استفاده از آلات موسیقی مثل کمان، ویولون و نی چه حکمی دارد؟

جواز گوش دادن به نوارها منوط به تشخیص خود مکلف است که اگر تشخیص دهد مشتمل بر غنا و موسیقی لهوی مناسب با مجالس عیش و نوش و خوش‌گذرانی و همچنین مطالب باطل نیست، گوش دادن به آن اشکال ندارد بنابراین تجویز آن توسط سازمان تبلیغات اسلامی و یا هر مؤسسه اسلامی دیگر به تنهایی دلیل شرعی برای مباح بودن آن نیست و بکارگیری آلات موسیقی در موسیقی لهوی مطرب و مناسب با مجالس لهو و گناه جایز نمی‌باشد، ولی استفاده حلال از آنها برای اهداف عقلانی اشکال ندارد و تشخیص مصادیق هم موکول به نظر خود مکلف است.

س 1130: منظور از موسیقی مطرب و لهوی چیست؟ و راه تشخیص موسیقی مطرب و لهوی از غیر آن چیست؟

موسیقی مطرب و لهوی آن است که به سبب ویژگی‌هایی که دارد انسان را از خداوند متعال و فضائل اخلاقی دور نموده و به سمت بی‌بندوباری و گناه سوق دهد و مرجع تشخیص موضوع عرف است. س 1131: آیا شخصیت نوازنده و محل نواختن و یا غرض و هدف از آن در حکم موسیقی تأثیر دارد؟ موسیقی حرام، موسیقی مطرب و لهوی مناسب با مجالس لهو و گناه است و گاهی شخصیت نوازنده یا کلام همراه آهنگ یا مکان و یا سایر شرایط در اینکه موسیقی تحت عنوان موسیقی مطرب و لهوی حرام و یا عنوان حرام دیگر قرار بگیرد مؤثر است مانند اینکه بر اثر آن امور، منجر به ترتب فساد شود.

س 1132: آیا معیار حرمت موسیقی فقط مطرب و لهوی بودن آن است یا اینکه میزان تحریک و تهییج آن هم تأثیر دارد؟ و اگر باعث حزن و گریه شنونده شود، چه حکمی دارد؟ خواندن و شنیدن غزل‌هایی که به صورت سه ضرب و همراه با موسیقی خوانده می‌شوند، چه حکمی دارد؟

ملاک آن ملاحظه کیفیت نواختن موسیقی با در نظر گرفتن همه خصوصیات و ویژگیهای آن است و اینکه از نوع موسیقی مطرب و لهوی مناسب با مجالس لهو و گناه باشد، هر موسیقی که به حسب طبیعت خود از نوع موسیقی لهوی باشد، حرام است اعم از اینکه مهیج باشد یا خیر و موجب ایجاد حزن و اندوه و حالات دیگر در شنونده بشود یا خیر و هرگاه غزل‌هایی که همراه با موسیقی خوانده می‌شوند به صورت غنا و آواز لهوی مناسب مجالس لهو و لعب در آیند، خواندن و شنیدن آنها حرام است.

س 1133: غنا چیست؟ آیا غنا فقط شامل صدای انسان است یا اینکه شامل صداهای حاصل از آلات موسیقی هم می‌شود؟

غنا عبارت است از صدای انسان در صورتی که با ترجیع و طرب همراه بوده و مناسب مجالس لهو و گناه باشد که خواندن به این صورت و گوش دادن به آن حرام است.

س 1134: آیا زدن بر ظرفها و سایر وسایلی که جزء آلات موسیقی نیستند، در عروسی‌ها توسط زنان جایز است؟ اگر صدا به بیرون از مجلس برسد و مردان آن را بشنوند چه حکمی دارد؟ جواز این عمل بستگی به کیفیت نواختن دارد. اگر به شیوه متداول در عروسی‌های سنتی باشد و لهو محسوب نشود و فساد می‌آورد هم بر آن مترتب نگردد، اشکال ندارد.

س 1135: دف زدن توسط زنان در عروسی‌ها چه حکمی دارد؟ استفاده از آلات موسیقی برای نواختن موسیقی لهوی و مطرب جایز نیست، اما آوازخوانی در مجالس عروسی، بعید نیست برای زنان جایز باشد.

س 1136: آیا گوش‌دادن به غنا در خانه جایز است؟ اگر در فردی تأثیر نداشته باشد چه حکمی دارد؟ گوش دادن به غنا بطور مطلق حرام است، چه در خانه به تنهایی شنیده شود و یا در حضور دیگران و چه در او تأثیر بگذارد یا خیر.

س 1137: بعضی از جوانان که تازه به سن بلوغ رسیده‌اند از مراجعی تقلید می‌کنند که فتوی به حرمت موسیقی بطور مطلق داده‌اند هر چند از رادیو و تلویزیون دولت اسلامی پخش شود، حکم این مسئله چیست؟ و آیا اگر ولی فقیه گوش دادن به موسیقی حلال را اجازه داده باشد، آیا تجویز او بخاطر احکام حکومتی برای جواز آن کافی است یا اینکه آنان باید به فتوای مرجع تقلید خود عمل کنند؟

فتوی به جواز یا عدم جواز گوش دادن به موسیقی از احکام حکومتی نیست، بلکه حکم شرعی فقهی است و بر هر مکلفی واجب است در اعمالش به فتوای مرجع تقلید خود مراجعه کند. ولی موسیقی اگر مناسب با مجالس لهو و گناه نباشد و مفسده‌ای هم بر آن مترتب نگردد، دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد.

س 1138: مقصود از موسیقی و غنا چیست؟

غنا یعنی ترجیع صدا به نحوی که مناسب با مجالس لهو باشد که از گناهان بوده و بر خواننده و شنونده حرام است. ولی موسیقی، نواختن آلات آن است که اگر به نحو معمول در مجالس لهو و گناه باشد، هم بر نوازنده و هم بر شنونده حرام است. و اگر به آن نحو نباشد، فی نفسه جایز است و اشکال ندارد.

س 1139: من در مکاني کار مي‌کنم که صاحب آن همیشه به نوارهاي غنا گوش مي‌دهد و من هم مجبور به شنیدن آن هستم، آیا این کار برای من جایز است یا خیر؟
اگر نوارها در بردارنده غنا یا موسيقي لهوي مناسب با مجالس لهو و معصیت باشند، گوش دادن و شنیدن آن جایز نیست. ولي اگر مجبور به حضور در آن مکان هستید، رفتن به آنجا و کارکردن در آن برای شما اشکال ندارد ولي واجب است به غنا گوش ندهید هر چند به گوش شما بخورد و آن را بشنوید.

س 1140: موسيقي که از راديو و تلویزیون جمهوری اسلامي پخش مي‌شود، چه حکمي دارد؟ آیا این گفته که حضرت امام \diamond قدس سره \diamond موسيقي را بطور مطلق حلال اعلام کرده‌اند، صحیح است؟ نسبت حلال دانستن موسيقي به طور مطلق به راحل عظیم الشان حضرت امام خميني \diamond قدس سره \diamond کذب و افتراء است. امام \diamond قدس سره \diamond معتقد به حرمت موسيقي مطرب و لهوي مناسب با مجالس لهو و معصیت بودند و نظر ما هم همین است، ولي اختلاف در دیدگاهها از تشخیص موضوع نشأت مي‌گیرد زیرا تشخیص موضوع موكول به نظر خود مکلف است. گاهي نظر نوازنده با نظر شنونده تفاوت پیدا مي‌کند که در این صورت موسيقي که به تشخیص مکلف لهو و مناسب با مجالس گناه است بر او گوش دادن به آن حرام مي‌باشد و اما صداهاي مشکوک محکوم به حلیت هستند و پخش از راديو و تلویزیون به تنهایی دليل شرعي بر مباح و حلال بودن آنها محسوب نمی‌شود.

س 1141: گاهي از راديو و تلویزیون آهنگهاي پخش مي‌شود که به نظر من مناسب با مجالس لهو و فسق هستند، آیا بر من واجب است که از گوش دادن به آنها خودداري نموده و دیگران را هم از آن منع کنم؟

اگر آنها را از نوع موسيقي مطرب و لهوي مناسب با مجالس لهو مي‌دانید، جایز نیست به آنها گوش دهید، ولي نهی دیگران از باب نهی از منکر منوط به این است که احراز نمایید که آنان هم آهنگهاي مزبور را از نوع موسيقي حرام مي‌دانند.

س 1142: گوش دادن و توزیع غنا و موسيقي لهوي که محصول کشورهای غربي است، چه حکمي دارد؟

در عدم جواز گوش دادن به موسيقي لهوي مطرب و مناسب با مجالس لهو و باطل، فرقي بين زبانها و کشورهای محل تولید وجود ندارد. بنابر این خرید و فروش و گوش دادن و توزیع این نوارها در صورتي که محتوي غنا یا موسيقي لهوي حرام باشند جایز نیست.

س 1143: خواندن به صورت غنا توسط هر یک از مرد یا زن چه از طریق نوار کاست باشد و یا از طریق راديو و چه همراه موسيقي باشد و یا نباشد، چه حکمي دارد؟
غنا حرام است و خواندن به صورت غنا و گوش دادن به آن جایز نیست اعم از اینکه توسط مرد باشد یا زن و بطور مستقیم باشد یا از طریق نوار و همراه با نواختن آلات لهو باشد یا نه.

س 1144: نواختن موسيقي به منظور اهداف و اغراض عقلائي و حلال در مکان مقدسي مانند مسجد چه حکمي دارد؟

نواختن موسيقي مطرب و لهوي مناسب با مجالس لهو و گناه بطور مطلق جایز نیست حتی اگر در غیر مسجد و برای غرض عقلائي حلالی باشد، ولي اجزاي سرودهاي انقلابي و مانند آن همراه با نغمه‌هاي موسيقي در مکان مقدس و در مناسبتهايي که آن را اقتضا مي‌کند، اشکال ندارد مشروط

بر اینکه با احترام آن مکان منافات نداشته باشد و در مکانهایی مثل مسجد برای نمازگزاران مزاحمت ایجاد نکند.

س 1145: آیا آموختن موسیقی بخصوص سنتور جایز است؟ ترغیب و تشویق دیگران به آن چه حکمی دارد؟

بکارگیری آلات موسیقی برای نواختن موسیقی غیرلهوی، اگر برای اجرای سرودهای انقلابی یا دینی و یا برای اجرای برنامه‌های فرهنگی مفید و برنامه‌های دیگر با غرض عقلانی مباح باشد، اشکال ندارد به شرط اینکه مستلزم مفاسد دیگری نباشد و همچنین آموختن و یاد دادن نوازندگی برای امر فوق فی‌نفسه اشکال ندارد.

س 1146: گوش دادن به صدای زن هنگامی که شعر و غیر آن را با آهنگ و ترجیع می‌خواند اعم از اینکه شنونده، جوان باشد یا خیر، مذکر باشد یا مؤنث چه حکمی دارد؟ و اگر آن زن از محارم باشد، حکم آن چیست؟

اگر صدای زن به صورت غنا نباشد و گوش دادن به صدای او هم به قصد لذت و ریبه نباشد و مفسده‌ای هم بر آن مترتب نگردد، اشکال ندارد و فرقی بین موارد فوق نیست.

س 1147: آیا موسیقی سنتی که میراث ملی ایران می‌باشد، حرام است یا خیر؟ چیزی که از نظر عرف، موسیقی لهوی مناسب با مجالس لهو و معصیت محسوب شود، بطور مطلق حرام است و در این مورد فرقی بین موسیقی ایرانی و غیرایرانی و موسیقی سنتی و غیر آن نیست.

س 1148: گاهی از رادیوهای عربی بعضی از آهنگهای موسیقی پخش می‌شود، آیا گوش دادن به آنها بخاطر علاقه به شنیدن زبان عربی جایز است؟ گوش دادن به موسیقی لهوی متناسب با مجالس لهو و معصیت بطور مطلق حرام است و علاقه به شنیدن زبان عربی مجوز شرعی برای آن محسوب نمی‌شود.

س 1149: آیا تکرار اشعاری که بصورت آواز و بدون موسیقی خوانده می‌شوند جایز است؟ غنا حرام است هر چند همراه بانواختن آلات موسیقی نباشد و منظور از غنا ترجیع صدا به نحوی است که مناسب با مجالس لهو و فسق باشد، ولی صرف تکرار شعر اشکال ندارد.

س 1150: خرید و فروش آلات موسیقی چه حکمی دارد؟ و حدود استفاده از آنها کدام است؟ خرید و فروش آلات مشترک برای نواختن موسیقی غیر لهوی اشکال ندارد.

س 1151: آیا غنا در مثل قرآن و دعا و اذان جایز است؟ غنا صوتی است که با ترجیع و طرب همراه بوده و مناسب با مجالس لهو و گناه باشد که بطور مطلق حرام است حتی اگر در دعا و قرآن و اذان و مرثیه و غیره باشد.

س 1152: امروزه موسیقی برای معالجه بعضی از بیماریهای روانی مانند افسردگی، اضطراب، مشکلات جنسی و سرد مزاجی زنان بکار می‌رود، حکم آن چیست؟

اگر احراز شود که نظر پزشک متخصص و امین این است که معالجه متوقف بر استفاده از موسیقی است، بکارگیری آن به مقداری که معالجه بیمار اقتضا می‌کند اشکال ندارد.

س 1153: گوش دادن به غنا اگر باعث تمایل بیشتر انسان به همسرش شود، چه حکمی دارد؟ مجرد افزایش تمایل به همسر مجوز شرعی برای گوش دادن به غنا محسوب نمی‌شود.

س 1154: اجرای کنسرت توسط زن برای زنان با علم به اینکه گروه نوازندگان نیز زن هستند، چه حکمی دارد؟

اگر اجرای کنسرت به صورت ترجیع مطرب(غنا) نباشد و موسیقی هم که نواخته می‌شود از نوع لهوی حرام نباشد، این امر فی‌نفسه اشکال ندارد.

س 1155: اگر معیار حرمت موسیقی، لهو بودن و مناسبت آن با مجالس لهو و گناه است، پس آوازه‌ها و سرودهایی که باعث ایجاد طرب در بعضی از مردم حتی کودک غیر ممیز می‌شوند، چه حکمی دارند؟ و آیا گوش دادن به نوارهای مبتذلی که در آنها زنان به صورت غنا می‌خوانند ولی طرب‌آور نیستند جایز است؟ همچنین مسافری که سوار اتوبوس‌های عمومی که غالباً از این نوارها استفاده می‌کنند می‌شوند، چه تکلیفی دارند؟

چنانچه موسیقی یا آوازی که با ترجیع و طرب همراه است از لحاظ کیفیت یا مضمون یا حالت خاص شخص نوازنده یا خواننده در خلال نواختن یا خواندن از نوع غنا یا موسیقی لهوی مناسب با مجالس لهو و معصیت باشد، گوش کردن به آن حرام است حتی برای کسی که او را به طرب نیندازد و تحریک نکند و اگر در اتوبوس‌ها و ماشین‌های دیگر نوار غنا یا موسیقی لهوی پخش شود، مسافری باید از گوش دادن به آن خودداری نموده و نهی از منکر کند.

س 1156: آیا جایز است مردی غنای زن اجنبیه را به قصد لذت بردن از حلال خود گوش کند؟ آیا غنای زن برای شوهر و برعکس جایز است؟ و آیا این گفته صحیح است که شارع مقدس غنا را به علت ملازمت آن با مجالس لهو و لعب و عدم انفکاک از آن دو حرام کرده و تحریم غنا ناشی از تحریم آن مجالس است نظیر تحریم تجارت و ساخت مجسمه که فایده‌ای غیر از عبادت برای آن متصور نیست، بنابر این انتفاء مناط و علت حکم در این زمان، مستلزم انتفاء حرمت است؟

گوش دادن به غنا که عبارت است از ترجیع صدا به نحوی که طرب‌انگیز و مناسب با مجالس لهو و گناه باشد، مطلقاً حرام است، حتی غنای زن برای شوهرش و بالعکس و قصد لذت بردن از همسر، استماع غنا را مباح نمی‌کند و حرمت غنا و مجسمه‌سازی و مانند آن، با تعبد به شرع ثابت شده و از احکام ثابت فقه شیعه محسوب می‌شوند و دائر مدار ملاکات فرضی و آثار روانی و اجتماعی نمی‌باشد، بلکه تا زمانی که این عنوان حرام بر آنها صدق کند، حکم آنها حرمت و وجوب اجتناب بطور مطلق است.

س 1157: دانشجویان دانشکده علوم تربیتی باید در مرحله دروس اختصاصی در درس سرودها و آوازه‌های انقلابی شرکت کنند زیرا در آنجا قطعه‌های موسیقی را آموخته و بطور اجمالی با آنها آشنا می‌شوند. وسیله اصلی فراگیری این درس ارگ است، آموختن این درس که جزء واحدهای اجباری است چه حکمی دارد؟ خرید و استفاده از وسیله مذکور برای ما چه حکمی دارد؟ و بخصوص خواهان نسبت به اجرای تمرین در برابر مردها چه وظیفه‌ای دارند؟

استفاده از آلات موسیقی فی‌نفسه برای اجرای سرودهای انقلابی و برنامه‌های دینی و فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی مفید، اشکال ندارد و خرید و فروش آلات نوازندگی و یاد دادن و فراگیری آن برای استفاده در امور مذکور اشکال ندارد و خواهان می‌توانند با رعایت حجاب واجب و ضوابط شرعی در کلاس درس حاضر شوند.

س 1158: بعضی از ترانه‌ها در ظاهر انقلابی هستند و عرف هم آنها را انقلابی می‌داند ولی نمی‌دانیم که آیا خواننده، قصد خواندن یک ترانه انقلابی را داشته یا یک ترانه طرب‌آور و لهورا، با توجه به اینکه خواننده مسلمان نیست ولی ترانه‌های او ملّی و متضمّن جملاتی برضد اشغال و همچنین تحریک مردم به مقاومت است، گوش دادن به این ترانه‌ها چه حکمی دارد؟ اگر کیفیت آنها از نظر شنونده عرفا، طرب‌آور و لهوری نباشد، گوش دادن به آنها اشکال ندارد و قصد و نیت خواننده و مضمون چیزی که می‌خواند در این باره تأثیری ندارد.

س 1159: جوانی بعنوان مرّبی و داور بین‌المللی بعضی از ورزشها بکار اشتغال دارد. شغل او اقتضا می‌کند که به بعضی از باشگاه‌هایی وارد شود که غنا و موسیقی حرام در آنها پخش می‌شود، با توجه به اینکه این کار مقداری از هزینه‌های زندگی او را تأمین می‌کند و فرصتهای شغلی هم در محل زندگی او کم است، آیا این کار برای او جایز است؟ این شغل برای او اشکال ندارد هر چند گوش دادن به غنا و موسیقی لهوری برای او حرام است اما در موارد اضطراری جایز است داخل مجلس غنا و موسیقی حرام شود، ولی باید از گوش دادن به آن اجتناب کند و آنچه که بدون اختیار به گوش او می‌خورد، اشکال ندارد.

س 1160: آیا فقط گوش دادن به موسیقی، حرام است یا اینکه شنیدن آن هم حرام است؟ شنیدن غنا یا موسیقی لهوری و طرب‌آور حکم گوش دادن را ندارد مگر در بعضی از موارد که شنیدن از نظر عرف گوش دادن محسوب می‌شود.

س 1161: آیا نواختن موسیقی همراه قرائت قرآن با غیر از آلاتی که استفاده از آنها در مجالس لهور و لعب معمول است، جایز است؟ تلاوت قرآن کریم با صدای زیبا و صوت مناسب با شأن قرآن کریم اشکال ندارد، بلکه امر راجحی است مشروط بر اینکه به حدّ غنای حرام نرسد، ولی نواختن موسیقی با آن، وجه شرعی ندارد.

س 1162: طبل زدن در جشن‌های میلاد و غیر آن چه حکمی دارد؟ استفاده از آلات نوازندگی و موسیقی به نحو لهوری و مطرب و مناسب با مجالس لهور و گناه بطور مطلق حرام است.

س 1163: آلات موسیقی که دانش‌آموزان مدارس عضو گروه‌های سرود آموزش و پرورش از آنها استفاده می‌کنند چه حکمی دارند؟ آن دسته از آلات موسیقی که در نظر عرف از آلات مشترک قابل استفاده برای کارهای حلال محسوب می‌شوند، جایز است بطور غیر لهوری برای مقاصد حلال بکار گرفته شوند ولی آلاتی که عرفا از آلات مخصوص لهور محسوب می‌شوند جایز نیست مورد استفاده قرار گیرند.

س 1164: آیا ساخت سنتور که از آلات موسیقی محسوب می‌شود و کسب درآمد با آن به عنوان شغل جایز است؟ آیا بهره‌گیری از اموال و کمک به ساخت سنتور به منظور توسعه و تکمیل صنعت سنتورسازی و تشویق نوازندگان به نواختن آن جایز است؟ و آیا آموزش موسیقی سنتی ایرانی به قصد نشر و احیای موسیقی اصیل جایز است؟ استفاده از آلات نوازندگی موسیقی برای اجرای سرودهای ملّی یا انقلابی یا هر امر حلال و مفیدی تا زمانی که به حد طرب و لهور مناسب با مجالس لهور و معصیت نرسیده است اشکال ندارد. همچنین موسیقی و تعلیم و یادگرفتن و ساختن آلات آن برای اهداف مذکور فی‌نفسه اشکال ندارد.

س 1165: چه آلاتي لهو محسوب مي‌شوند و استفاده از آنها به هيچ وجه جايز نيست؟
آلاتي که نوعاً در لهو و لعب بکار مي‌روند و منفعت حلالی دربردارند.
س 1166: آیا گرفتن اجرت براي تکثير نوارهاي صوتي که محتوي امور حرامي هستند جايز است؟
هرنوار صوتي که گوش دادن به آن حرام است، تکثير و گرفتن اجرت براي آن هم جايز نيست.

رقص

س 1167: آیا رقص محلي در عروسي‌ها جايز است؟ شرکت در اين مجالس چه حکمي دارد؟
اگر رقص بگونه‌اي باشد که باعث تحريك شهوت شده ويا مستلزم فعل حرام يا ترتب مفسده‌اي باشد، جايز نيست و شرکت در مجالس رقص هم اگر به عنوان تأييد کار حرام ديگران محسوب شود و يا مستلزم کار حرامي باشد جايز نيست و در غير اين صورت اشکال ندارد.
س 1168: رقص در مجالس زنانه بدون آهنگ موسيقي حرام است يا حلال؟ و در صورتي که حرام باشد، آیا ترک مجلس بر شرکت کنندگان واجب است؟
رقص بطور کلي اگر بگونه‌اي باشد که شهوت را تحريك کند و يا مستلزم کار حرام و يا ترتب مفسده‌اي باشد، حرام است و ترک آن مجلس به عنوان اعتراض بر کار حرام، چنانچه مصداق نهي از منکر محسوب شود، واجب است.
س 1169: رقص محلي مرد براي مرد و زن براي زن و يا مرد در بين زنان و زن در بين مردان، چه حکمي دارد؟
اگر بگونه‌اي باشد که شهوت را تحريك کند و يا مستلزم فعل حرام يا ترتب مفسده‌اي باشد و يا زن در بين مردان بيگانه برقصد، حرام است.
س 1170: رقص دسته‌جمعي مردان چه حکمي دارد؟ مشاهده رقص دختران خردسال از تلويزيون و غير آن چه حکمي دارد؟
اگر رقص بگونه‌اي باشد که موجب تحريك شهوت شود و يا مستلزم کار حرامي باشد، حرام است، ولي اگر نگاه کردن به آن باعث تأييد، فرد گناهکار و تجري او و ترتب فساد نشود، اشکال ندارد.
س 1171: رقص مرد براي مرد و زن براي زن چه حکمي دارد؟ اگر رفتن به عروسي بخاطر احترام به عاداتهاي اجتماعي باشد آیا به علت احتمال وجود رقص اشکال شرعي دارد؟
بطور کلي اگر رقص بگونه‌اي باشد که منجر به تحريك شهوت شود يا مستلزم فعل حرام يا ترتب مفسده‌اي باشد، حرام است. ولي اصل شرکت در عروسي‌هايي که احتمال رقص در آنها وجود دارد تا زماني که به عنوان تأييد، مرتکب کار حرام محسوب نشود و موجب ابتلا به حرام هم نشود، اشکال ندارد.

س 1172: آیا رقص زن براي شوهرش يا مرد براي همسرش حرام است؟
اگر رقص زن براي شوهرش يا برعکس، همراه ارتکاب حرامي نباشد، اشکال ندارد.

س 1173: آیا رقصیدن در جشن عروسی فرزندان جایز است هر چند توسط پدران یا مادران در مجالس عروسی فرزندان نشان باشد؟

اگر از نوع رقص حرام باشد، حرام است. هر چند توسط پدران و مادران در مجالس عروسی فرزندان نشان باشد.

س 1174: زن شوهرداری در عروسیها بدون اطلاع شوهرش در برابر بیگانگان می‌رقصد و این عمل را چندین بار تکرار کرده و امر به معروف و نهی از منکر شوهرش در او اثر نمی‌کند، تکلیف چیست؟ رقص زن در برابر بیگانگان مطلقاً حرام است و خارج شدن از منزل بدون اجازه شوهر هم فی‌نفسه حرام است و موجب نشوز و محرومیت از استحقاق نفقه نیز می‌گردد.

س 1175: رقص زنان در برابر مردان در مجالس عروسی روستایی که آلات موسیقی در آنها بکار می‌رود چه حکمی دارد؟ و تکلیف ما در برابر آن چیست؟

رقص زنان در برابر بیگانگان و همچنین هر رقصی که موجب مفسده و برانگیخته شدن شهوت گردد، حرام است و بکارگیری آلات موسیقی و گوش دادن به آنها هم اگر به صورت لهوی و مطرب باشد، حرام است و وظیفه مکلفین در این موارد نهی از منکر است.

س 1176: رقص کودک ممیز در مجالس زنان یا مردان، اعم از اینکه پسر باشد یا دختر، چه حکمی دارد؟

کودک غیربالغ چه پسر و چه دختر تکلیفی ندارد ولی سزاوار نیست افراد بالغ او را تشویق به رقص کنند.

س 1177: ایجاد مراکزی برای آموزش رقص چه حکمی دارد؟

ایجاد مراکز تعلیم و ترویج رقص با اهداف نظام اسلامی منافات دارد.

س 1178: رقص مردان در برابر زنانی که از محارم آنان هستند و همچنین رقص زنان در برابر مردانی که از محارم آنان هستند، اعم از اینکه سببی باشند یا نسبی، چه حکمی دارد؟ در رقص حرام فرقی بین مرد یا زن نیست و همچنین فرقی نمی‌کند که در برابر محرم باشد یا در برابر نامحرم.

س 1179: آیا مبارزه نمایشی با عصا در عروسی‌ها جایز است؟ اگر همراه آن آلات موسیقی بکار روند چه حکمی دارد؟

اگر به صورت بازی ورزشی تفریحی باشد و در آن خوف خطر بر جان انسان نباشد، فی‌نفسه اشکال ندارد، ولی بکارگیری آلات موسیقی به نحو لهوی و طرب‌آور، به هیچ وجه جایز نیست.

س 1180: ♦♦ دبكة ♦♦ چه حکمی دارد؟ (نوعی رقص محلی است که در آن افراد دستها را به هم انداخته و بگونه‌ای هماهنگ پاهای خود را همراه با پرش و حرکات بدنی به زمین می‌کوبند که صدای شدید و منظمی ایجاد می‌کند.)

دبكة حکم رقص را دارد. بنابر این اگر بگونه‌ای باشد که شهوت را تحریک کند یا همراه با استفاده از آلات لهو و بصورت لهوی باشد و یا فساد بر آن مترتب شود، حرام است و در غیر این صورت اشکال ندارد.

دست زدن

س 1181: آیا دست زدن برای زنان در مجالس شادی زنانه مانند ولادت‌ها و عروسی‌ها جایز است؟ و بر فرض جواز اگر، صدای آن به بیرون از مجلس برود بطوریکه به گوش مردان بیگانه برسد، چه حکمی دارد؟

دست زدن به نحو متعارف اگر مفسده‌ای بر آن مترتب نشود، اشکال ندارد حتی اگر اجنبی صدای آن را بشنود.

س 1182: دست زدن همراه با شادی و خواندن و ذکر صلوات بر پیامبر اکرم و آل او ❖ صلوات الله عليهم اجمعین ❖ در جشنهایی که به مناسبت ایام ولادت ائمه معصومین ❖ صلوات الله عليهم اجمعین ❖ و اعیاد وحدت و مبعث برگزار می‌شود چه حکمی دارد؟ اگر این جشن‌ها در مکانهای عبادت مانند مسجد و نمازخانه‌های ادارات و مؤسسات دولتی و یا حسینیه‌ها برگزار شوند، حکم آنها چیست؟

بطور کلی کف زدن فی‌نفسه به نحو متعارف در جشنهای اعیاد یا برای تشویق و تأیید و مانند آن اشکال ندارد ولی بهتر است فضای مجالس دینی بخصوص مراسمی که در مساجد و حسینیه‌ها و نمازخانه‌ها برگزار می‌شود، به ذکر صلوات و تکبیر معطر گردد تا انسان به ثواب آنها برسد.

فیلم و عکس نامحرم

س 1183: نگاه کردن به تصویر زن نامحرم و بدون پوشش چه حکمی دارد؟ نگاه کردن به صورت زن در تلویزیون چه حکمی دارد؟ آیا بین زن مسلمان و غیرمسلمان و بین پخش آن بطور مستقیم و یا غیر مستقیم تفاوتی وجود دارد؟

نگاه کردن به تصویر زن نامحرم، حکم نگاه کردن به خود زن نامحرم را ندارد، بنابراین اگر نگاه از روی لذت نبوده و خوف افتادن به گناه نباشد و تصویر هم متعلق به زن مسلمانی که بیننده آن را می‌شناسد نباشد، اشکال ندارد و بنا بر احتیاط واجب نباید به تصویر زن نامحرم که بطور مستقیم از تلویزیون پخش می‌شود، نگاه کرد ولی در پخش غیرمستقیم تلویزیونی اگر ریبه و خوف افتادن به گناه نباشد، نگاه کردن اشکال ندارد.

س 1184: مشاهده برنامه‌های تلویزیونی که از ماهواره دریافت می‌شوند، چه حکمی دارد؟ اگر ساکنان استانهای مجاور دولتهای خلیج فارس برنامه‌های تلویزیونی آن دولتها را مشاهده کنند، حکم آن چیست؟

از آنجا که برنامه‌هایی که توسط ماهواره‌های غربی پخش می‌شوند و همچنین برنامه‌های تلویزیونی بیشتر دولتهای مجاور، دربردارنده آموزش افکار گمراه‌کننده و تحریف حقایق و لهو و فساد هستند و

غالباً مشاهده آنها باعث گمراهی و فساد و ارتکاب کارهای حرام می‌گردد، بنابراین دریافت و دیدن آنها جایز نیست.

س 1185: آیا دیدن یا شنیدن برنامه‌های طنز از رادیو و تلویزیون اشکال دارد؟
گوش دادن به برنامه‌های طنز و نمایش‌های فکاهی و دیدن آنها اشکال ندارد مگر آن که مستلزم اهانت به مؤمنی باشد.

س 1186: هنگام جشن عروسی چند عکس از من گرفته شد که در آنها حجاب کامل نداشتم، این عکسها در حال حاضر نزد دوستان و اقوام من هستند. آیا جمع‌آوری آنها بر من واجب است؟
اگر وجود عکسها نزد دیگران مفسده‌ای ندارد و یا برفرض ترتب مفسده، شما در دادن عکسها به دیگران نقشی نداشته‌اید یا جمع‌کردن آنها از دیگران برای شما مشقت دارد، تکلیفی در این باره ندارید.

س 1187: آیا بوسیدن تصاویر امام **❖** قدس سره **❖** و شهدا برای ما زنان از این جهت که به ما نامحرم هستند، اشکال دارد؟
به طور کلی تصویر شخص حکم خود او را ندارد. لذا بوسیدن تصویر به عنوان احترام و تبرک جستن و اظهار محبت در صورتی که قصد ربه و خوف افتادن به گناه نباشد، اشکال ندارد.
س 1188: آیا دیدن تصاویر زنان برهنه و نیمه برهنه در فیلمهای سینمایی و غیر آن، در صورتی که آنان را شناسیم، جایز است؟

نگاه کردن به فیلمها و تصاویر، حکم نگاه کردن به اجنبی را ندارد و در صورتی که از روی شهوت و ربه نباشد و مفسده‌ای هم بر آن مترتب نشود، شرعاً اشکال ندارد ولی با توجه به اینکه دیدن تصویر برهنه‌ای که شهوت برانگیز است، غالباً از روی شهوت بوده و به همین دلیل مقدمه ارتکاب گناه می‌باشد، بنابراین دیدن آنها حرام است.

س 1189: آیا جایز است زن در جشن‌های عروسی بدون اجازه شوهرش عکس بیندازد؟ و برفرض جواز، آیا مراعات حجاب کامل در آن واجب است؟
اصل عکس گرفتن منوط به اجازه شوهر نیست ولی اگر احتمال بدهد که اجنبی عکس او را ببیند و عدم رعایت حجاب کامل منجر به مفسده‌ای شود، مراعات آن واجب است.

س 1190: آیا برای زنان، دیدن کشتی مردان جایز است؟
اگر مشاهده آن باحضور در میدان کشتی و بطور مستقیم باشد و یا آن را بطور زنده و مستقیم از تلویزیون ببیند و یا به قصد لذت و ربه بوده و یا در آن خوف ارتکاب گناه و فساد وجود داشته باشد، جایز نیست و در غیر این صورت اشکال ندارد.

س 1191: اگر عروس در شب جشن عروسی رویوش روشن و نازکی برسرش بیندازد، آیا جایز است مرد اجنبی از او عکس بگیرد؟

اگر مستلزم نگاه حرام به زن اجنبی باشد جایز نیست، وگرنه اشکال ندارد.

س 1192: گرفتن عکس زن غیرمحببه در بین محارمش چه حکمی دارد؟ اگر احتمال داده شود که مرد اجنبی آن عکسها را هنگام ظاهر کردن ببیند، حکم آن چیست؟

اگر عکاسی که به او نگاه می‌کند و عکس وی را می‌گیرد، از محارم او باشد، عکس گرفتن از او اشکال ندارد و ظاهر کردن آن هم نزد عکاسی که او را نمی‌شناسد اشکال ندارد.

س 1193: بعضی از جوانان به تصاویر مستهجن نگاه می‌کنند و برای کار خود توجیحات ساختگی ارائه می‌دهند، حکم آن چیست؟ و اگر دیدن این تصاویر مقداری از شهوت انسان را تسکین دهد و در جلوگیری از ارتکاب حرام مؤثر باشد، چه حکمی دارد؟

اگر نگاه کردن به آن تصاویر به قصد ریبه باشد و یا انسان بداند که منجر به تحریک شهوت او می‌شود و یا خوف ارتکاب گناه و مفسده باشد، در اینصورت نگاه کردن به آنها حرام است و این که بخاطر آن انسان به حرام دیگری نمی‌افتد، مجوز ارتکاب فعلی که شرعاً حرام است، نمی‌باشد.

س 1194: حضور در جشنهایی که موسیقی در آنها نواخته می‌شود و افراد مبادرت به رقص می‌کنند، برای فیلمبرداری چه حکمی دارد؟ فیلمبرداری مرد از مجالس مردان و زن از مجالس زنان چه حکمی دارد؟ ظاهر کردن فیلم‌های جشن‌های عروسی توسط مرد، چه آن خانواده را بشناسد و چه آن خانواده را نشناسد، دارای چه حکمی است؟ و همچنین ظاهر کردن آن توسط زن چه حکمی دارد؟ و آیا استفاده از موسیقی در آن فیلم‌ها جایز است؟

حضور در جشن‌های شادی و فیلمبرداری مردان از مجالس مردان و زنان از مجالس زنان در صورتی که مستلزم گوش دادن به غنا یا موسیقی حرام و یا ارتکاب هر عمل حرام دیگری نباشد، اشکال ندارد. ولی فیلمبرداری مردان از مجالس زنان یا زنان از مجالس مردان اگر مستلزم نظر کردن به ریبه یا مفاسد دیگری باشد، جایز نیست و همچنین بکارگیری موسیقی مطرب لهوی که مناسب با مجالس لهو و گناه باشد در فیلم‌ها نیز حرام است.

س 1195: با توجه به کیفیت فیلم‌ها (خارجی یا داخلی) و موسیقی که از تلویزیون جمهوری

اسلامی پخش می‌شود، دیدن و گوش دادن به آنها چه حکمی دارد؟

اگر افراد شنونده و بیننده تشخیص دهند موسیقی که از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود از نوع موسیقی مطرب لهوی مناسب با مجالس لهو و گناه است و یا دیدن فیلمی که از تلویزیون پخش می‌شود، مفسده دارد، دیدن و شنیدن آنها برای آنان جایز نیست و مجرد پخش از رادیو و تلویزیون حجت شرعی برای جواز محسوب نمی‌شود.

س 1196: تهیه و فروش تصاویر منسوب به پیامبر اکرم ﷺ صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین و

امام حسین ﷺ علیهما السلام برای نصب آنها در مراکز دولتی چه حکمی دارد؟

این کار فی‌نفسه از نظر شرعی اشکال ندارد به شرط اینکه مشتمل بر اموری که از نظر عرف، اهانت و بی‌احترامی محسوب می‌شود نبوده و با شأن آن بزرگان منافات نداشته باشد.

س 1197: خواندن کتابها و اشعار مبتذل که باعث تحریک شهوت می‌شوند، چه حکمی دارد؟

باید از آنها اجتناب شود.

س 1198: تلویزیونها یا کانالهای پخش مستقیم ماهواره‌ای یک سلسله برنامه‌های اجتماعی را به

نمایش می‌گذارند که بیانگر مسائل اجتماعی جامعه غربی است و به ترویج افکار فاسدی از قبیل تشویق به اختلاط زن و مرد و ترویج روابط نامشروع می‌پردازند، بطوری که این برنامه‌ها بعضی از مؤمنین را نیز تحت تأثیر قرار داده است. دیدن آنها برای کسی که احتمال تأثیرپذیری او می‌رود، چه حکمی دارد؟ آیا این حکم نسبت به کسی که آن برنامه‌ها را به قصد نقد و بیان نکات منفی آنها و نصیحت مردم به ندیدن آنها، می‌بیند، تفاوت دارد؟

نگاه به این برنامه‌ها اگر از روی لذت بوده و یا خوف تأثیرپذیری و فساد، وجود داشته باشد، جایز نیست. ولی مشاهده به قصد نقد و آگاه کردن مردم از خطرات و نکات منفی آنها برای کسی که اهلیت آن را دارد و مطمئن است که از آن برنامه‌ها تأثیر نمی‌پذیرد و به فساد نمی‌افتد، اشکال ندارد، البته اگر مقرراتی باشد باید رعایت شود.

س 1199: آیا نگاه کردن به موی گوینده تلویزیون که آرایش کرده و سر و سینه‌اش پوششی ندارد، جایز است؟

مجرد نگاه کردن چنانچه از روی لذت نبوده و خوف ارتکاب حرام و فساد در آن نباشد و به صورت پخش مستقیم هم نباشد، اشکال ندارد.

س 1200: آیا دیدن فیلمهای شهوت‌انگیز برای فرد متأهل جایز است؟

اگر دیدن آنها به قصد تحریک شهوت باشد و یا موجب تحریک آن شود، جایز نیست.

س 1201: دیدن فیلمهایی که راه صحیح نزدیکی با زن باردار را آموزش می‌دهند، برای مردان متأهل، با توجه به اینکه باعث به حرام افتادن آنان نمی‌شود، چه حکمی دارد؟ دیدن این فیلمها که همیشه بانگاه شهوت برانگیز همراه است، جایز نیست.

س 1202: نظارت کارمندان وزارت ارشاد بر انواع فیلمها و مجلات و نشریات و نوارها برای تشخیص موارد مجاز آنها، با توجه اینکه نظارت، مستلزم مشاهده عینی و گوش دادن به آنهاست، چه حکمی دارد؟

دیدن و گوش دادن به آنها توسط مأمورین نظارت، در مقام انجام وظیفه قانونی به مقدار ضرورت اشکال ندارد، ولی باید از قصد لذت و ریه احتراز کنند و واجب است افرادی که برای نظارت و بررسی گمارده می‌شوند از جهت فکری و روحی زیر نظر و راهنمایی مسئولین باشند.

س 1203: دیدن فیلمهای ویدئویی که گاهی تصاویر منحرف کننده‌ای دارند، به قصد نظارت و حذف بخش‌های فاسد آنها برای ارائه به دیگران چه حکمی دارد؟

دیدن این فیلمها اگر به منظور اصلاح فیلم و حذف تصاویر فاسد و گمراه‌کننده آنها باشد اشکال ندارد بشرط اینکه کسی که اقدام به این کار می‌کند مصون از افتادن به حرام باشد.

س 1204: آیا برای زن و شوهر دیدن فیلمهای ویدئویی جنسی در خانه، جایز است؟ آیا برای فرد مبتلا به قطع نخاع دیدن این فیلمها به قصد تحریک شهوت و تمکن از نزدیکی با همسرش، جایز است؟

برانگیختن شهوت توسط فیلمهای ویدئویی جنسی جایز نیست.

س 1205: مشاهده پنهانی فیلمها و تصاویری که طبق قانون دولت اسلامی ممنوع هستند، اگر مفسده‌ای نداشته باشند، چه حکمی دارد؟ حکم آنها نسبت به زن و شوهرهای جوان چیست؟ با فرض ممنوع بودن، اشکال دارد.

س 1206: مشاهده فیلمهایی که گاهی در بردارنده اهانت به مقدسات جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری هستند، چه حکمی دارد؟ واجب است از آنها اجتناب شود.

س 1207: دیدن فیلمهای ایرانی که بعد از انقلاب تولید شده‌اند و در آنها زنان با حجاب ناقص ظاهر می‌شوند و گاهی بدآموزیهایی نیز دارند، چه حکمی دارد؟

اصل مشاهده این فیلمها اگر به قصد لذت و ریبۀ نباشد و موجب وقوع در مفسده هم نگردد، فی‌نفسه اشکال ندارد ولی فیلمسازان باید از تهیه و تولید فیلمهایی که با تعالیم ارزشمند اسلامی منافات دارد، خودداری کنند.

س 1208: توزیع و عرضه فیلمهایی که مورد تأیید وزارت ارشاد هستند، چه حکمی دارد؟ همچنین توزیع نوارهای موسیقی که مورد تأیید وزارت ارشاد هستند، در دانشگاهها چه حکمی دارد؟ اگر فیلمها یا نوارها به نظر مکلف عرفاً مشتمل برغنا یا موسیقی مطرب و لهوی مناسب با مجالس لهو و گناه باشد، توزیع و عرضه آنها و همچنین دیدن و گوش دادن به آنها برای او جایز نیست و مجرد تأیید بعضی از ادارات مربوطه تا زمانی که نظر مکلف در تشخیص موضوع با نظر تأییدکنندگان مخالف است، دلیل شرعی برای جواز محسوب نمی‌شود.

س 1209: خرید و فروش و نگهداری مجلات لباس‌های زنانه که عکس زنان اجنبی در آنها وجود دارد و برای انتخاب لباس بکار می‌روند، چه حکمی دارد؟

مجرد وجود عکس‌های زنان اجنبی در این مجلات مانع جواز خرید و فروش و بهره‌برداری از آنها برای انتخاب لباس نیست مگر آن که عکس‌ها، به گونه‌ای باشد که موجب مفسده شود.

س 1210: آیا خرید و فروش دوربین فیلمبرداری جایز است؟
خرید و فروش دوربین فیلمبرداری تا زمانی که به قصد استفاده در امور حرام نباشد، اشکال ندارد.

س 1211: خرید و فروش و اجاره فیلمهای ویدئویی مبتذل و همچنین ویدئو چه حکمی دارد؟
اگر فیلمها در بردارنده تصاویر زننده‌ای که شهوت را تحریک کرده و موجب انحراف و فساد می‌شوند و یا مشتمل بر غنا و موسیقی مطرب و لهوی و مناسب با مجالس لهو و گناه باشند، تولید و خرید و فروش و اجاره فیلمها و همچنین اجاره ویدئو برای استفاده از آن در این امور، جایز نیست.

س 1212: آیا گوش‌دادن به اخبار و برنامه‌های علمی و فرهنگی رادیوهای خارجی جایز است؟
در صورتی که موجب انحراف و فساد نشود، جایز است.

آنتن های ماهواره‌ای

س 1213: آیا خرید و نگهداری و استفاده از دستگاه گیرنده برنامه‌های تلویزیونی از ماهواره جایز است؟ و اگر دستگاه گیرنده مجانی به دست انسان برسد چه حکمی دارد؟
دستگاه آنتن ماهواره‌ای از این جهت که صرفاً وسیله‌ای برای دریافت برنامه‌های تلویزیونی است که هم برنامه‌های حلال دارد و هم برنامه‌های حرام، حکم آلات مشترک را دارد. لذا خرید و فروش و نگهداری آن برای استفاده در امور حرام، حرام است و برای استفاده‌های حلال جایز است. ولی چون این وسیله برای کسی که آن را در اختیار دارد زمینه دریافت برنامه‌های حرام را کاملاً فراهم می‌کند و گاهی نگهداری آن مفاسد دیگری را نیز در بر دارد، خرید و نگهداری آن جایز نیست مگر برای کسی که به خودش مطمئن است که استفاده حرام از آن نمی‌کند و بر تهیه و نگهداری آن در خانه‌اش مفسده‌ای هم مترتب نمی‌شود. لکن اگر قانونی در این مورد وجود داشته باشد باید مراعات گردد.

س 1214: آیا خرید و فروش دستگاه دریافت‌کننده کانالهای ماهواره‌ای برای گرفتن کانالهای ماهواره‌ای جمهوری اسلامی برای کسی که در خارج از جمهوری اسلامی زندگی می‌کند، جایز است؟

دستگاه مذکور هر چند از آلات مشترکی است که قابلیت استفاده حلال را دارد ولی چون غالباً از آن بهره‌برداری حرام می‌شود و علاوه بر این بهره‌گیری از آن در خانه مفسد دیگری را هم در بر دارد، بنابراین خرید و استفاده از آن در خانه جایز نیست، مگر برای کسی که اطمینان دارد از آن بهره‌برداری حرام نمی‌کند و نصب آن در خانه نیز مفسده دیگری را دربر ندارد.

س 1215: اگر آنتن ماهواره‌ای علاوه بر دریافت کانالهای جمهوری اسلامی، اخبار و بعضی از برنامه‌های مفید کشورهای خلیج و عربی و همه کانالهای غربی و فاسد را دریافت کند چه حکمی دارد؟

معیار جواز استفاده از این دستگاه برای گرفتن برنامه‌های کانالهای تلویزیونی، همان است که قبلاً گذشت بدون اینکه بین کانالهای غربی و غیر آن تفاوتی وجود داشته باشد.

س 1216: استفاده از آنتن ماهواره‌ای برای آگاهی از برنامه‌های علمی یا قرآنی و مانند آن که از طریق ماهواره توسط دولتهای غربی یا کشورهای مجاور خلیج فارس و غیر آنها پخش می‌شوند چه حکمی دارد؟

استفاده از این دستگاه برای دیدن و شنیدن برنامه‌های علمی یا قرآنی و مانند آن، هر چند فی‌نفسه مانعی ندارد، ولی به دلیل این که برنامه‌هایی که از طریق ماهواره توسط دولتهای غربی و بیشتر کشورهای همسایه پخش می‌شوند، غالباً در بردارنده آموزش افکار گمراه‌کننده و تحریف حقایق و همچنین برنامه‌های لهو و فساد هستند و حتی مشاهده برنامه‌های علمی یا قرآن از طریق آنها موجب وقوع در فساد و ارتکاب حرام می‌گردد، بنابر این شرعاً استفاده از آنتن‌های مذکور برای دیدن آن برنامه‌ها حرام است مگر آنکه برنامه‌های مفید علمی یا قرآنی محض باشند و مشاهده آنها مستلزم هیچ فساد یا ابتلاء به عمل حرامی نباشد، البته اگر قانونی باشد باید مراعات شود.

س 1217: شغل ما تعمیر دستگاه‌های گیرنده برنامه‌های رادیو و تلویزیونی است، در این اواخر مراجعات زیادی برای نصب قطعات و تعمیر آنتن‌های ماهواره‌ای صورت می‌گیرد، تکلیف ما در این باره چیست؟ خرید و فروش قطعات آنها چه حکمی دارد؟

اگر از این دستگاه برای امور حرام استفاده شود که غالباً همینطور است و یا شما علم داشته باشید به اینکه کسی که قصد تهیه آنتن ماهواره‌ای را دارد، برای امور حرام از آن استفاده می‌کند، خرید و فروش و نصب قطعات و راه‌اندازی و تعمیر و فروش قطعات آن جایز نیست.

تئاتر و سینما

س 1218: آیا در صورت لزوم، استفاده از لباس رسمی علمای دین و قضات در فیلمهای سینمایی جایز است؟ آیا تدوین و تولید فیلمهای سینمایی با صبغه دینی و عرفانی راجع به علمای گذشته یا

معاصر با حفظ احترام آنان و حرمت اسلام و بدون اسائه ادب و بی احترامی به آنان جایز است یا خیر؟
بخصوص با توجه به اینکه هدف، ارائه ارزشهای والا و عمیق ترسیم شده توسط دین حنیف اسلام و بیان مفهوم عرفان و فرهنگ اصیلی که امتیاز امت اسلامی ما محسوب می‌شود و همچنین مقابله با فرهنگ مبتذل دشمن می‌باشد و بیان آنها با زبان سینما جذابیت و تأثیر زیادی بخصوص بر نسل جوان دارد؟

با توجه به اینکه سینما وسیله‌ای برای آگاهی و تبلیغ است، بنابر این به تصویر کشیدن و ارائه هر چیزی که ممکن است از آن برای رشد فکری جوانان و غیر آنان و ارتقای آگاهی و ترویج فرهنگ اسلامی استفاده شود، اشکال ندارد. یکی از این راهها معرفی شخصیت عالمان دین و زندگی اختصاصی آنان و همچنین سایر دانشمندان و صاحب منصبان و زندگی خصوصی آنان است، ولی رعایت شئون اختصاصی و احترام آنان و همچنین حریم زندگی خصوصی آنان واجب است و همچنین نباید از آن برای ارائه مفاهیم منافی با اسلام استفاده شود.

س 1219: ما تصمیم به ساخت یک فیلم داستانی و حماسی گرفته‌ایم که حادثه جاوید کربلا را ترسیم نموده و اهداف بزرگی را که امام حسین علیه السلام بخاطر آنها به شهادت رسید، بیان کند، با توجه به اینکه شخصیت امام حسین علیه السلام در این فیلم به صورت یک فرد عادی و قابل رؤیت با چشم نشان داده نشده بلکه در تمامی مراحل فیلمبرداری و تولید و نورپردازی به صورت یک شخصیت نورانی نشان داده شده است، آیا ساخت این فیلم و نشان دادن شخصیت امام حسین علیه السلام با این کیفیت جایز است؟

اگر فیلم بر اساس منابع مستند و با حفظ قداست موضوع و مراعات مقام و منزلت والای امام حسین علیه السلام و اصحاب و اهل بیت گرامی او $\text{سلام الله علیهم اجمعین}$ ساخته شود، اشکال ندارد، ولی چون حفظ قداست موضوع چنانکه شایسته آن است و حفظ حرمت سیدالشهدا و اصحاب او $\text{سلام الله علیهم اجمعین}$ بسیار مشکل است بنابر این باید در این زمینه احتیاط شود.

س 1220: پوشیدن لباس زنانه توسط مردان و برعکس، برای بازی در تئاتر و سینما چه حکمی دارد؟
تقلید صدای مردان توسط زنان و برعکس چه حکمی دارد؟
پوشیدن لباس جنس مخالف و تقلید صدای او هنگام بازیگری و بیان خصوصیات یک شخص حقیقی، اگر سبب فساد نگردد، بعید نیست که جایز باشد.

س 1221: استفاده زنان از انواع کرم و لوازم آرایش در تئاترها و نمایش‌هایی که توسط مردان هم دیده می‌شوند، چه حکمی دارد؟

اگر آرایش توسط خود آنان یا زنان و یا یکی از محارم ایشان صورت بگیرد و فسادی هم بر آن مترتب نشود، اشکال ندارد و در غیر این صورت جایز نیست. البته صورت آرایش شده باید از نامحرم پوشانده شود.

نقاشی و مجسمه سازی

س 1222: ساخت عروسک و مجسمه و نقاشی و ترسیم چهره موجودات زنده اعم از گیاهان، حیوانات و انسان چه حکمی دارد؟ خرید و فروش و نگهداری و ارائه آنها در نمایشگاه چه حکمی دارد؟ ساخت مجسمه و نقاشی و ترسیم موجودات بی‌روح اشکال ندارد و همچنین نقاشی و ترسیم چهره موجودات ذی‌روح، اگر بدون برجستگی باشد و یا مجسمه آنها که به صورت غیر کامل باشد، اشکال ندارد، ولی ساخت مجسمه انسان یا سایر حیوانات به صورت کامل اشکال دارد. اما خرید و فروش و نگهداری نقاشی و مجسمه جایز است و ارائه آنها در نمایشگاه هم اشکال ندارد.

س 1223: در روش تحصیلی جدید، درسی با عنوان اعتماد به نفس وجود دارد که بخشی از آن مخصوص مجسمه سازی است، بعضی از معلمان به دانش آموزان دستور ساخت عروسک یا مجسمه سگ یا خرگوش و امثال آن را از پارچه یا چیز دیگری به عنوان صنایع دستی می‌دهند، حکم ساخت اشیاء مذکور چیست؟ امر معلمان به دانش‌آموزان راجع به ساخت آنها چه حکمی دارد؟ آیا کامل بودن یا نبودن اجزای آنها در حکم تأثیر دارد؟ اگر به نظر عرف به عنوان مجسمه حیوانی که اجزای آن کامل است، محسوب نشود و یا دانش آموزان به سن تکلیف نرسیده باشند، اشکال ندارد.

س 1224: ترسیم و نقاشی قصه‌های قرآنی توسط کودکان و نوجوانان چه حکمی دارد؟ مثل اینکه از کودکان خواسته شود که بطور مثال قصه اصحاب فیل یا شکافته شدن دریا برای حضرت موسی **علیه السلام** و غیر آنها را رسم کنند؟

این کار فی‌نفسه اشکال ندارد ولی باید بر اساس متن حقایق و وقایع باشد و از بیان امور مخالف واقع و یا اموری که موجب هتک حرمت هستند، اجتناب شود.

س 1225: آیا ساخت عروسک و یا مجسمه موجودات ذی‌روح اعم از انسان یا غیر آن به وسیله دستگاه مخصوص آن جایز است؟ اگر ساخت مجسمه بوسیله دستگاه، مستند به فعل مستقیم انسان نباشد، اشکال ندارد در غیر این صورت اشکال دارد.

س 1226: ساخت زیور آلات بصورت مجسمه چه حکمی دارد و آیا موادی که مجسمه‌ها از آنها ساخته می‌شوند، در حکم به حرمت تأثیر دارند؟ ساخت مجسمه موجودات ذی‌روح در صورتی که مجسمه کامل بوده و یک نفر آن را بسازد اشکال دارد و در این مورد فرقی بین موادی که مجسمه از آنها ساخته می‌شود وجود ندارد و همچنین تفاوت نمی‌کند که برای زینت بکار می‌روند یا برای غیر آن.

س 1227: آیا بازگرداندن اعضای عروسک مانند دست و پا و سر، مشمول حکم حرمت

مجسمه‌سازی است؟ و مجسمه سازی بر آن صدق می‌کند؟

مجرد ساخت اعضا یا بازگرداندن آنها، ساخت مجسمه محسوب نمی‌شود و بنابراین اشکال ندارد، بله، متصل کردن اعضا تا تکمیل شکل حیوان ذی‌روح اعم از انسان و غیر آن، عمل مجسمه سازی محسوب می‌شود.

س 1228: عمل خالکوبی که نزد بعضی از مردم متعارف است و به این طریق عکس‌هایی بر روی بدن کشیده می‌شود بطوری که ثابت باقی مانده و از بین نمی‌روند، چه حکمی دارد؟ آیا مانع از صحت وضو یا غسل می‌شود؟

خالکوبی حرام نیست و اثری که از آن در زیر پوست باقی می‌ماند مانع از رسیدن آب نیست و وضو و غسل با آن صحیح است.

س 1229: زن و شوهری از نقاشان معروف هستند و کار آنان ترمیم و بازسازی تابلوهای هنری است، بسیاری از آن تابلوها جامعه مسیحی را نشان می‌دهند و در بعضی از آنها شکل صلیب و حضرت مریم \blacklozenge علیها السلام \blacklozenge و حضرت مسیح \blacklozenge علیها السلام \blacklozenge وجود دارد و صاحبان مؤسسات و شرکتها و برخی افراد از طرف کلیساها بعد از آنکه بر اثر قدمت یا غیر آن مقداری از آن تابلوها از بین رفته، برای مرمت و اصلاح تابلوها به آنها رجوع می‌کنند، با توجه به اینکه بیشتر تابلوها به همین صورت هستند و مرمت تابلو تن‌ها شغل آنان است که با آن زندگی می‌کنند و به تعالیم دین حنیف اسلام هم پایبند هستند آیا ترمیم آن تابلوها و استفاده از اجرتی که برای این کار می‌گیرند، جایز است؟

مجرد مرمت و بازسازی تابلوهای هنری اشکال ندارد حتی اگر جامعه مسیحی را توصیف کند و یا مشتمل بر نقش حضرت مسیح \blacklozenge علیه السلام \blacklozenge و یا حضرت مریم \blacklozenge علیها السلام \blacklozenge باشد و اجرت گرفتن در برابر آن هم اشکال ندارد و همچنین اتخاذ این کار به عنوان شغل و زندگی با درآمد آن هم بدون اشکال است مگر آنکه ترویج باطل و گمراهی و یا مستلزم مفساد دیگری باشد.

سحر و شعبده و احضار ارواح و جن

س 1230: یادگرفتن و یاددادن و دیدن شعبده و اقدام به بازیهایی که همراه با تردستی هستند، چه حکمی دارد؟

یاددادن و یادگرفتن شعبده حرام است، ولی بازیهایی که همراه با سرعت حرکت و تردستی هستند و از انواع شعبده محسوب نمی‌شوند، اشکال ندارد.

س 1231: آیا آموختن علم جفر و رمل و زیج‌ها و علوم دیگری که از امور غیبی خبر می‌دهند، جایز است؟

آنچه از این علوم در حال حاضر نزد مردم است، غالباً تا این حد که موجب یقین و اطمینان به کشف امور غیبی و خبردادن از آنها شوند، قابل اعتماد نیستند، ولی آموختن علمی مانند جفر و رمل بطور صحیح اشکال ندارد به شرطی که مفسده‌ای بر آنها مترتب نشود.

س 1232: آیا یاد گرفتن سحر و عمل به آن جایز است؟ و آیا احضار ارواح و ملائکه و جن جایز است؟ علم سحر و یادگرفتن آن حرام است مگر آنکه به منظور غرض عقلانی و مشروع باشد و اما احضار ارواح و ملائکه و جن، برحسب اختلاف موارد و وسائل و اغراض، احکام مختلفی دارد.

س 1233: مراجعه مؤمنین به بعضی از کسانی که از طریق تسخیر ارواح و جن اقدام به معالجه می‌کنند، با توجه به اینکه یقین دارند که آنها فقط کار خیر انجام می‌دهند چه حکمی دارد؟ این کار فی‌نفسه اشکال ندارد، مشروط بر اینکه از راههایی که شرعاً حلال هستند، اقدام شود. س 1234: آیا فالگیری از طریق سنگریزه و کسب درآمد با آن جایز است؟ اخبار به کذب جایز نیست.

هیپنوتیزم

س 1235: آیا هیپنوتیزم جایز است؟ اگر به منظور غرض عقلانی و بارضایت کسی که می‌خواهد هیپنوتیزم شود صورت بگیرد و همراه با کار حرامی هم نباشد، اشکال ندارد. س 1236: عده‌ای نه به قصد درمان بلکه به منظور نشان دادن قدرت روحی انسان مبادرت به هیپنوتیزم می‌کنند، آیا این عمل جایز است؟ آیا افرادی که در این زمینه صاحب تجربه هستند ولی متخصص آن نیستند، جایز است اقدام به این کار کنند؟ بطور کلی یادگیری هیپنوتیزم و استفاده از آن به غرض عقلانی حلال و قابل ملاحظه اشکال ندارد به شرط اینکه با رضایت و موافقت کسی باشد که می‌خواهد به خواب مصنوعی برود و ضرر معتدبایی هم برای او نداشته باشد.

بخت آزمایی

س 1237: خرید و فروش بلیطهای بخت‌آزمایی و جایزه‌ای که مکلف می‌برد، چه حکمی دارد؟ خرید و فروش بلیطهای بخت‌آزمایی صحیح نیست و شخصی که جایزه را برده‌است، مالک آن نمی‌شود و حق دریافت آن را ندارد. س 1238: تهیه اوراقی که به نام ارمغان بهزیستی بین مردم منتشر می‌شود و پرداخت پول برای آنها و شرکت در قرعه‌کشی این برگه‌ها، چه حکمی دارد؟ توزیع و نشر اوراق جمع‌آوری تبرعات از مردم برای صرف آن در امور خیریه و تشویق و ترغیب متبرعین با قید قرعه منع شرعی ندارد و همچنین پرداخت وجه برای تهیه این اوراق به قصد شرکت در امور خیر، مانعی ندارد. س 1239: شخصی ماشینی دارد که آن را در معرض بخت‌آزمایی قرار داده است، به این صورت که فرد شرکت‌کننده در مسابقه اقدام به خرید برگه‌ای که در تاریخ معین و به قیمت معینی قرعه‌کشی خواهد شد می‌کند و در پایان مدت مذکور و شرکت کردن تعدادی از مردم، قرعه‌کشی صورت می‌گیرد

و کسی که قرعه به نام او در آمده، برنده می‌شود و ماشین گران قیمت را تحویل می‌گیرد، آیا این روش برای فروش ماشین از طریق قرعه‌کشی شرعا جایز است؟
فروش ماشین به شخصی که در قرعه‌کشی شرکت کرده و قرعه به نام او افتاده، در صورتی که خرید و فروش بعد از قرعه‌کشی انجام پذیرد، اشکال ندارد، ولی تصرف فروشنده در اموال افراد دیگری که مال خود را برای شرکت در قرعه‌کشی به او پرداخت کرده‌اند، اکل مال به باطل است و واجب است آن اموال را به آنان برگرداند.

س 1240: آیا فروش اوراق جمع‌آوری کمک‌های خیرخواهانه عموم مردم به این صورت که بعداً قرعه‌کشی شده و قسمتی از مال جمع‌آوری شده به عنوان هدیه به برندگان داده شود و بقیه آن صرف کارهای عام‌المنفعه شود، جایز است؟

نامگذاری این عمل تحت عنوان **بیع** صحیح نیست، بلکه انتشار این اوراق و جمع‌آوری کمک‌ها برای امور خیریه اشکال ندارد و تشویق مردم به کمک‌کردن با وعده اعطای جایزه به کسی که قرعه به نام او در آید، جایز است. مشروط بر این که مردم این اوراق را به قصد شرکت در امور خیر، تهیه نمایند.

س 1241: آیا خرید اوراق قرعه‌کشی بخت آزمایی (لوتو)، با توجه به اینکه تحت مالکیت شرکت خاصی است و 20% سود آن به مؤسسه‌های خیریه زنان پرداخت می‌شود، جایز است یا خیر؟
برگه‌های بخت آزمایی، مالیت ندارند و این اوراق در حکم آلت قمار هستند بنابراین خرید و فروش آنها جایز نیست و مبلغی را هم که برندگان قرعه‌کشی این برگه‌ها دریافت می‌کنند، حلال نیست.

رشوه

س 1242: بعضی از مشتریان بانک برای انجام سریع کارهایشان و دریافت خدمات بهتر، اموالی را به کارمندان بانک می‌بخشند، با توجه به این که اگر کارمندان بانک آن کارها را برای آنان انجام ندهند، چیزی به آنان نمی‌دهند، آیا در این حالت، گرفتن آن مال جایز است؟

جایز نیست کارمندان در برابر انجام کار مشتریان که برای آن استخدام شده‌اند و در برابر آن هر ماه حقوق دریافت می‌کنند، از مشتریان چیزی بگیرند و همچنین مشتریان بانک نباید کارمندان را در برابر انجام کارهایشان با پول نقد یا غیر آن تطمیع کنند زیرا این کار مستلزم فساد است.

س 1243: بعضی از مشتریان بانک براساس عادات رایج به کارمندان عیدی می‌دهند و اعتقاد دارند که اگر این هدیه را ندهند کارهایشان به شکل مطلوب انجام نمی‌شود، حکم این کار چیست؟
اگر این هدایا منجر به تبعیض در انجام خدمات بانکی به مشتریان شود و در نهایت باعث فساد و از بین رفتن حقوق دیگران گردد، مشتریان نباید آن هدایا را به کارمندان بدهند و کارمندان هم حق گرفتن آنها را ندارند.

س 1244: چنانچه فردی از باب تشکر و قدردانی از کارمند، هدیه‌ای به او اهداء کند، حکمش چیست؟ هر چند آن کارمند بدون هیچ گونه چشم‌داشتی، کاری را انجام داده باشد؟

هدیه در محیط کار و از جانب ارباب رجوع، یکی از خطرناک‌ترین چیزها است و هر چه بیشتر از آن اجتناب کنید، به صرفه دنیا و آخرت شما، خواهد بود. فقط در یک صورت، دریافت آن جایز است و آن، این است که هدیه دهنده، با اصرار زیاد و با امتناع مأمور از قبول، بالاخره به نحوی آن را اهداء کند. آنهم بعد از انجام کار و بدون مذاکره و حتی توقّع قبلی.

س 1245: هدایا اعم از نقدی، خوراکی و غیره که توسط ارباب رجوع با رضایت و طیب خاطر به کارمندان دولت داده می‌شوند، چه حکمی دارند؟ و اموالی که به صورت رشوه به کارمندان داده می‌شوند اعم از اینکه بر اثر توقّع انجام کاری برای پرداخت کننده باشد یا خیر، چه حکمی دارند؟ و اگر کارمند بر اثر طمع به دریافت رشوه، مرتکب عمل خلاف قانون شود، چه حکمی دارد؟

بر کارمندان محترم واجب است که رابطه آنان با همه مراجعه‌کنندگان براساس قوانین و مقررات و ضوابط خاص اداره باشد و قبول هر گونه هدیه‌ای از مراجعه‌کنندگان به هر عنوانی که باشد برای آنان جایز نیست زیرا باعث فساد و سوءظن به آنان و تشویق و تحریک افراد طمعکار به عمل نکردن به قانون و تزییع حقوق دیگران می‌شود. اما رشوه، مسلم است که برای گیرنده و دهنده آن، حرام است و واجب است کسی که آن را دریافت کرده به صاحبش برگرداند و حق تصرف در آن را ندارد.

س 1246: گاهی مشاهده می‌شود که بعضی از اشخاص از مراجعه‌کنندگان در برابر انجام کارشان تقاضای رشوه می‌کنند، آیا پرداخت رشوه به آنان جایز است؟

هیچیک از مراجعه‌کنندگان به ادارات حق ندارند برای انجام کار خود پول یا خدمتی را بطور غیرقانونی به کارمند اداری که مکلف به خدمت به مراجعین است، ارائه دهند، همچنین کارمندان ادارات هم که از نظر قانونی موظف به انجام کار مردم هستند، حق ندارند هیچ‌گونه مبلغی را بطور غیرقانونی در برابر انجام کار مراجعه‌کنندگان درخواست و یا دریافت کنند و جایز نیست در این مال تصرف نمایند، بلکه باید آن را به صاحبانش باز گردانند.

س 1247: پرداخت رشوه برای گرفتن حق با توجه به اینکه گاهی برای دیگران مشکل ایجاد می‌کند مثلاً باعث مقدم شمردن صاحب حق نسبت به افراد دیگر می‌شود، چه حکمی دارد؟

پرداخت رشوه و گرفتن آن جایز نیست هر چند باعث ایجاد مشکل و زحمت برای دیگران نشود، چه رسد به موردی که بدون استحقاق، باعث ایجاد مزاحمت برای دیگران شود.

س 1248: اگر شخصی برای انجام کار قانونی خود مجبور به پرداخت مبلغی به کارمندان یکی از ادارات شود تا کار قانونی و شرعی او را به راحتی انجام دهند زیرا اعتقاد دارد که اگر این مبلغ را نپردازد، کارمندان آن اداره کار او را انجام نخواهند داد، آیا عنوان رشوه بر این مبلغ صدق می‌کند؟ و آیا این عمل حرام است یا اینکه اضطراری که باعث پرداخت آن برای انجام کار اداری او شده، عنوان رشوه را از آن بر می‌دارد و در نتیجه حرام نخواهد بود؟

پرداخت پول یا اموال دیگر از طرف فرد مراجعه‌کننده به کارمندان ادارات که مکلف به ارائه خدمات اداری به مردم هستند، و حتماً منجر به فساد ادارات خواهد شد، عملی است که از نظر شرعی حرام محسوب می‌شود و توهم اضطرار، مجوز او در انجام این کار نیست.

س 1249: قاچاقچیان به بعضی از کارمندان مبالغی پول در برابر چشم‌پوشی آنان از مخالفت و نقض قانون پرداخت می‌کنند و در صورتی که کارمند درخواست آنان را قبول نکند تهدید به قتل می‌شود. در این صورت کارمند چه وظیفه‌ای دارد؟

دریافت هرگونه مبلغی در برابر تغافل و چشم‌پوشی از اعمال خلاف قانون قاچاقچیان جایز نیست. س 1250: مدیر بخش مالیات از مأمور محاسبه کننده درخواست نموده است که از میزان مالیات یکی از شرکت‌ها مقداری کم نماید، باتوجه به اینکه اگر از این کار امتناع بورزد، مشکلات و گرفتاریهای سختی برای او پیش خواهد آمد، آیا اطاعت از دستور مدیر توسط مأمور مذکور در چنین مواردی واجب است؟ و آیا می‌تواند در برابر اجرای این دستور پولی را دریافت کند؟ در این گونه امور باید مطابق ضوابط و مقررات قانونی عمل شود و تخلف از آن جایز نیست. اعم از اینکه رایگان باشد یا درمقابل گرفتن وجه.

مأمور خرید و فروش

س 1251: اموالی که بعضی از فروشندگان به مأموران خرید ادارات یا شرکت‌ها بدون آنکه آنها را به قیمت تثبیت شده اضافه کنند، به خاطر برقرار کردن ارتباط می‌پردازند، نسبت به فروشنده و نسبت به مأمور خرید چه حکمی دارند؟

پرداخت این اموال توسط فروشنده به مأمور خرید جایز نیست و برای مأمور هم دریافت آنها جایز نیست و آنچه را که دریافت می‌کند باید به اداره یا شرکتی که مأمور خرید آن است، تسلیم کند. س 1252: آیا کارمند یا کارگر شرکت دولتی یا خصوصی که وظیفه‌اش وکالت در تأمین نیازهای اداره یا شرکت از مکانهای فروش است، می‌تواند بر کسی که کالاهای موردنیاز را می‌فروشد، شرط کند که درصدی از سود حاصل از خرید، از آن او باشد؟ آیا دریافت این سود برای او جایز است؟ در صورتی که مسئول مافوق چنین شرطی را اجازه دهد چه حکمی دارد؟

این شرط از طرف کارمند صحیح نبوده و او نمی‌تواند سودی را که به نفع خود شرط کرده، دریافت کند و مسئول بالاتر هم حق اجازه چنین شرطی را نداشته و اجازه او در این باره اثری ندارد.

س 1253: اگر کسی که از طرف اداره یا شرکت، وکیل در خرید مایحتاج است، کالایی را که در بازار قیمت معینی دارد، به طمع دریافت کمک مالی از فروشنده به قیمت بالاتری بخرد، آیا این خرید صحیح است؟ و آیا جایز است که از فروشنده به علت این کار، کمک دریافت کند؟

اگر کالا را به قیمتی بیشتر از قیمت عادلانه بازار بخرد و یا خریداری و تهیه آن از بازار به قیمت کمتر برای او امکان داشته باشد، اصل عقده‌ای که به قیمت بالاتر منعقد کرده، فضولی است و متوقف بر اجازه مسئول قانونی مربوطه است و به هر حال حق ندارد از فروشنده به خاطر خرید از او، چیزی برای خودش بگیرد.

س 1254: اگر فرد شاغل در اداره‌ای (اعم از خصوصی و یا دولتی) که وظیفه او تهیه جنس می‌باشد، علیرغم وجود مراکز مختلف، به آشنا مراجعه و شرط کند که اگر کالا را از تو خریداری کنم، درصدی از سود حاصله را شریک خواهم بود.

- این شرط، شرعاً چه حکمی دارد؟

- در صورت وجود مجوز رئیس یا مسئول بالای تشکیلات در این خصوص حکم شرعی آن چیست؟

- اگر قیمتی بیش از آنچه جنس مذکور در عرف بازار دارد، توسط طرف قرارداد به اداره پیشنهاد و قرارداد منعقد گردد، چه حکمی دارد؟
- پرداخت سهمی که بعضی از فروشندگان به مأمور خرید ادارات علی‌رغم قیمت مندرج در فاکتور می‌دهند، چه حکمی برای فروشنده و چه حکمی برای مأمور خرید دارد؟
- اگر فرد مذکور، علاوه بر مسئولیت در اداره، بازاریاب شرکتی هم باشد و در خرید اجناس اداره، برای آن شرکت بازاریابی نماید، آیا می‌تواند درصدی به عنوان سود از آن شرکت دریافت نماید؟
- اگر فردی از طریق مسائل فوق، سودی به دست آورد، وظیفه شرعی او نسبت به این سود، چیست؟
- صورت شرعی ندارد و باطل است.
- اجازه رئیس یا مسئول بالای تشکیلات در این باره به لحاظ اینکه فاقد وجاهت شرعی و قانونی است فاقد اعتبار می‌باشد.
- اگر بیش از قیمت عادلانه بازار باشد، و یا به کمتر از آن بتوان جنس را از بازار تهیه نمود، در این صورت اصل قراردادی که منعقد شده نافذ نیست.
- جایز نیست، و هر چه که مأمور خرید در این رابطه دریافت دارد باید به اداره مربوطه‌ای که از طرف آن مأمور خرید بوده، تحویل دهد.
- حق دریافت هیچ درصدی ندارد، و هر چه دریافت کند باید به اداره مربوطه تحویل دهد و اگر قراردادی که منعقد می‌سازد خلاف غبطه و مصلحت اداره باشد از اساس باطل است.
- دریافتیهای غیر مشروع را باید به اداره مربوطه‌ای که از طرف آن مأمور خرید بوده، تسلیم نماید.

مسائل پزشکی

جلوگیری از بارداری

- س 1255: 1 - آیا برای زنی که سالم است، جلوگیری از بارداری بطور موقت از طریق بکارگیری وسایل و موادی که از انعقاد نطفه جلوگیری می‌کنند، جایز است؟
- استفاده از یکی از دستگاههای جلوگیری از بارداری که چگونگی جلوگیری از حاملگی توسط آن تا به امروز معلوم نشده، ولی به عنوان وسیله‌ای برای جلوگیری از بارداری شناخته شده است، چه حکمی دارد؟
- آیا جلوگیری دائم از حاملگی برای زنی که از خطر بارداری خوف دارد، جایز است؟
- آیا جلوگیری دائمی از بارداری برای زنانی که زمینه مساعدی برای به دنیا آوردن فرزندان معیوب یا مبتلا به بیماریهای ارثی جسمی و روانی دارند، جایز است؟
- اگر با موافقت شوهر باشد، اشکال ندارد.
- اگر موجب از بین رفتن نطفه بعد از استقرار آن در رحم شود و یا مستلزم نگاه و لمس حرام باشد، جایز نیست.

- جلوگیری از بارداری در فرض مذکور اشکال ندارد بلکه اگر حاملگی برای حیات مادر خطر داشته باشد، باردار شدن بطور اختیاری جایز نیست.
- اگر با یک غرض عقلانی صورت بگیرد و ضرر قابل توجهی هم نداشته باشد و با اجازه شوهر باشد، اشکال ندارد.

س 1256: بستن لوله های منی مرد برای جلوگیری از افزایش جمعیت چه حکمی دارد؟
اگر این کار با یک غرض عقلانی صورت بگیرد و ضرر قابل ملاحظه ای هم نداشته باشد، فی نفسه اشکال ندارد.

س 1257: آیا زن سالمی که حاملگی برای او ضرری ندارد، جایز است از طریق عزل یا دستگاه دیافراگم یا خوردن دارو و یا بستن لوله های رحم، از بارداری جلوگیری کند، و آیا جایز است شوهرش او را وادار به استفاده از یکی از این راهها غیر از عزل نماید؟
جلوگیری از بارداری فی نفسه به طریق عزل، با رضایت زن و شوهر اشکال ندارد و همچنین استفاده از راههای دیگر هم اگر با یک غرض عقلانی صورت گیرد و ضرر قابل ملاحظه ای هم نداشته و با اجازه شوهر بوده و مستلزم لمس و نظر حرام نباشد، اشکال ندارد ولی شوهر حق ندارد همسر خود را به این کار وادار نماید.

س 1258: آیا جایز است زن بارداری که قصد دارد لوله های رحم خود را ببندد، از طریق عمل سزارین فرزند خود را به دنیا آورد تا در هنگام آن عمل، لوله های خود را هم ببندد؟
حکم بستن لوله های رحم قبلاً گذشت، ولی جواز عمل سزارین متوقف بر نیاز به آن یا درخواست خود زن باردار است و به هر حال لمس و نظر مرد اجنبی به زن هنگام عمل سزارین و بستن لوله های رحم حرام است. مگر در حال ضرورت.

س 1259: آیا جایز است زن بدون اجازه شوهرش از وسایل پیشگیری از بارداری استفاده نماید؟
محل اشکال است.

س 1260: مردی که دارای چهار فرزند است اقدام به بستن لوله های منی خود کرده است، آیا در صورت عدم رضایت زن، آن مرد گناهکار محسوب می شود؟
جواز این کار متوقف بر رضایت زوجه نیست و چیزی بر عهده مرد نمی باشد.

سقوط جنین (کورتاژ)

س 1261: آیا سقط جنین بر اثر مشکلات اقتصادی جایز است؟
سقوط جنین به مجرد وجود مشکلات و سختی های اقتصادی جایز نمی شود.
س 1262: پزشک بعد از معاینه در ماههای اول حاملگی به زن گفته است که استمرار بارداری احتمال خطر جانی برای او دارد و در صورتی که حاملگی ادامه پیدا کند، فرزندش ناقص الخلقه متولد خواهد شد و به همین دلیل پزشک دستور سقط جنین داده است، آیا این کار جایز است؟ و آیا سقط جنین قبل از دمیده شدن روح به آن جایز است؟

ناقص الخلقه بودن جنین، مجوز شرعی برای سقط جنین حتی قبل از ولوج روح در آن محسوب نمی شود، ولی اگر تهدید حیات مادر بر اثر استمرار حاملگی مستند به نظر پزشک متخصص و مورد اطمینان باشد، سقط جنین قبل از ولوج روح در آن اشکال ندارد.

س 1263: پزشکان متخصص می‌توانند از طریق استفاده از روشها و دستگاههای جدید، نواقص جنین در دوران بارداری را تشخیص دهند و با توجه به مشکلاتی که افراد ناقص‌الخلقه بعد از تولد در دوران زندگی با آن مواجه می‌شوند، آیا سقط جنینی که پزشک متخصص و مورد اطمینان آن را ناقص‌الخلقه تشخیص داده، جایز است؟
سقط جنین در هر سنی به مجرد ناقص‌الخلقه بودن آن و یا مشکلاتی که در زندگی با آن مواجه می‌شود، جایز نمی‌شود.

س 1264: آیا از بین بردن نطفه منعقد شده‌ای که در رحم مستقر شده، قبل رسیدن به مرحله علقه که تقریباً چهل روز طول می‌کشد، جایز است؟ و اصولاً در کدامیک از مراحل ذیل سقط جنین حرام است:

- نطفه استقرار یافته در رحم

- علقه

- مضغه

- عظام (قبل از دمیدن روح)

از بین بردن نطفه بعد از استقرار آن در رحم و همچنین سقط جنین در هیچیک از مراحل بعدی جایز نیست.

س 1265: بعضی از زوجها، مبتلا به بیماری‌های خونی بوده و دارای ژن معیوب می‌باشند و در نتیجه ناقل بیماری به فرزندان خود هستند و احتمال این که این فرزندان مبتلا به بیماری‌های شدید باشند، بسیار زیاد است و چنین کودکانی از بدو تولد تا پایان عمر، دائماً در وضع مشقت باری به سر خواهند برد. مثلاً بیماران هموفیلی همواره ممکن است با کوچکترین ضربه‌ای دچار خونریزی شدید منجر به فوت و فلج شوند. حال آیا با توجه به این که تشخیص این بیماری در هفته‌های اول بارداری ممکن است آیا سقط جنین در چنین مواردی جایز است؟

اگر تشخیص بیماری در جنین قطعی است و داشتن و نگهداشتن چنین فرزندی موجب حرج می‌باشد، در این صورت جایز است قبل از دمیده شدن روح، جنین را اسقاط کنند ولی بنا بر احتیاط، دیه آن باید پرداخت شود.

س 1266: سقط جنین فی‌نفسه چه حکمی دارد؟ و در صورتی که ادامه بارداری برای زندگی مادر خطر داشته باشد، حکم آن چیست؟

سقط جنین شرعاً حرام است و در هیچ حالتی جایز نیست مگر آنکه استمرار حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد که در این صورت سقط جنین قبل از ولوج روح، اشکال ندارد، ولی بعد از دمیدن روح جایز نیست حتی اگر ادامه حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد مگر آنکه استمرار بارداری، حیات مادر و جنین هر دو را تهدید کند و نجات زندگی طفل به هیچ وجه ممکن نباشد ولی نجات زندگی مادر به تنهایی با سقط جنین امکان داشته باشد.

س 1267: زنی جنین هفت ماهه خود را که ناشی از زنا بوده بنا به درخواست پدرش سقط کرده‌است، آیا دیه بر او واجب است؟ و بر فرض ثبوت دیه، پرداخت آن بر عهده مادر است یا پدر او؟ و در حال حاضر به نظر شما مقدار آن چقدر است؟

سقط جنین حرام است هر چند بر اثر زنا باشد و درخواست پدر باعث جواز آن نمی‌شود و در صورتی که مادر مباشر در سقط جنین باشد و یا مساعدت در آن کرده باشد دیه بر عهده مادر است اما در مقدار دیه جنین در فرض سؤال تردید وجود دارد و احوط این است که مصالحه شود و این دیه در حکم ارث کسی است که وارث ندارد.

س 1268: مقدار دیه جنینی که دو ماه و نیم عمر دارد، در صورتی که عمدا سقط شود چقدر است و پرداخت آن بر عهده کیست؟

اگر علقه باشد دیه آن چهل دینار است و اگر مضغه باشد شصت دینار است و اگر استخوان بدون گوشت باشد هشتاد دینار است و دیه به وارث جنین با رعایت طبقات ارث پرداخت می‌شود ولی وارثی که مباشر سقط جنین بوده از آن، سهمی ندارد.

س 1269: اگر زن بارداری مجبور به معالجه لثه یا دندانپایش شود و بر اساس تشخیص پزشک متخصص نیاز به عمل جراحی پیدا کند، آیا باتوجه به اینکه بیهوشی و عکسبرداری با اشعه باعث نقص جنین در رحم می‌شود، سقط جنین برای او جایز است؟
دلیل مذکور مجوزی برای سقط جنین محسوب نمی‌شود.

س 1270: اگر جنین در رحم، مشرف به موت حتمی باشد و باقی ماندن آن در رحم به همان حال برای زندگی مادر خطرناک باشد، آیا سقط آن جایز است و اگر شوهر آن زن مقلد کسی باشد که سقط جنین در حالت مذکور را جایز نمی‌داند، ولی زن و اقوام او از کسی تقلید می‌کنند که آن را جایز می‌داند، تکلیف مرد در این حالت چیست؟

چون در فرض سؤال امر دائر است بین مرگ حتمی طفل به تنهایی و بین مرگ حتمی طفل و مادر او، بنابر این چاره‌ای جز این نیست که لااقل زندگی مادر با سقط جنین نجات داده شود و در فرض سؤال، شوهر حق ندارد همسرش را از این کار منع کند، ولی واجب است تا حد امکان بگونه‌ای عمل شود که قتل طفل مستند به کسی نشود.

س 1271: آیا سقط جنینی که نطفه‌اش با وطی به شبهه توسط فرد غیرمسلمان و یا با زنا منعقد شده، جایز است؟
جایز نیست.

تلقیح مصنوعی

س 1272: الف - آیا لقاح آزمایشگاهی در صورتی که اسپرم و تخمک از زن و شوهر شرعی باشد، جایز است؟

ب - بر فرض جواز، آیا جایز است این کار توسط پزشکان اجنبی صورت بگیرد؟ و آیا فرزندی که از این طریق بدنیا می‌آید ملحق به زن و شوهری است که صاحب اسپرم و تخمک هستند؟

ج - بر فرض که عمل مذکور فی نفسه جایز نباشد، آیا موردی که نجات زندگی زناشویی متوقف بر آن باشد، از حکم عدم جواز استثنا می‌شود؟

الف - عمل مذکور فی نفسه اشکال ندارد ولی واجب است از مقدمات حرام مانند لمس و نظر اجتناب شود.

ب - کودکی که از این طریق متولد می‌شود ملحق به زن و شوهری است که صاحب اسپرم و تخمک هستند.

ج - گفته شد که عمل مذکور فی نفسه جایز است.

س 1273: گاهی بعضی از زوجها به علت عدم تخمک گذاری در زن که وجود آن برای عمل لقاح ضروری است، مجبور به جدایی شده و یا به علت عدم امکان درمان بیماری و بچه دار نشدن، با مشکلات زناشویی و روحی مواجه می‌شوند، آیا در این صورت جایز است که به روش علمی از تخمک گذاری زن دیگری برای انجام عمل لقاح با نطفه شوهر در خارج از رحم استفاده شود و سپس نطفه لقاح یافته به رحم آن زن منتقل گردد؟

عمل مذکور هر چند فی نفسه اشکال ندارد ولی کودکی که از این طریق متولد می‌شود ملحق به صاحب نطفه و تخمک بوده و الحاق آن به زنی که صاحب رحم است مشکل می‌باشد لذا باید نسبت به احکام شرعی مربوط به نسب، احتیاط رعایت شود.

س 1274: اگر نطفه از شوهر گرفته شود و بعد از وفات او با تخمک همسرش لقاح شده و سپس به رحم او منتقل شود، اولاً آیا این عمل شرعاً جایز است؟ ثانیاً آیا کودکی که متولد می‌شود فرزند آن مرد است و از نظر شرعی به او ملحق می‌شود؟ و ثالثاً آیا فرزندی که به دنیا می‌آید از صاحب نطفه ارث می‌برد؟

عمل مذکور فی نفسه اشکال ندارد و کودک به صاحب تخمک و رحم ملحق می‌شود و الحاق آن به صاحب نطفه هم بعید نیست ولی از او ارث نمی‌برد.

س 1275: آیا تلقیح نطفه مردی اجنبی به همسر مردی که بچه دار نمی‌شود، از طریق قراردادن نطفه در رحم او جایز است؟

تلقیح زن از طریق نطفه مرد اجنبی فی نفسه اشکال ندارد ولی باید از مقدمات حرام از قبیل نگاه و لمس حرام و غیر آنها اجتناب شود و به هر حال در صورتی که با این روش کودکی به دنیا بیاید، ملحق به شوهر آن زن نمی‌شود بلکه ملحق به صاحب نطفه و به زنی است که صاحب رحم و تخمک است.

س 1276: اگر زن شوهرداری به علت یائسگی یا غیر آن تخمک‌گذاری نکند، آیا جایز است تخمکی از زن دوم شوهرش بعد از تلقیح با نطفه شوهر به رحم او منتقل شود؟ و آیا در این مورد تفاوتی هست بین اینکه او یا زن دوم همسر دائم باشند یا موقت؟

- کدامیک از دو زن مادر کودک خواهند بود؟ صاحب تخمک یا صاحب رحم؟

- آیا این عمل در صورتی که نیاز به تخمک همسر دیگر بخاطر ضعف تخمک زن صاحب رحم باشد به حدی که در صورت لقاح نطفه شوهر با آن، خوف این وجود داشته باشد که کودک معیوب متولد شود، نیز جایز است؟

- اصل عمل مذکور شرعاً مانعی ندارد و در این حکم، فرقی نیست بین اینکه نکاح آنان دائم باشد یا منقطع و یا یکی دائم باشد و یکی منقطع.

- کودک ملحق به صاحب اسپرم و تخمک است و الحاق او به صاحب رحم هم، مشکل است، بنابر این باید در ترتیب آثار نسب، نسبت به وی احتیاط مراعات شود.

- این کار فی نفسه جایز است.

س 1277: آیا در صورتهای زیر تلقیح زن با نطفه شوهرش که از دنیا رفته، جایز است؟

الف - بعد از وفات شوهر ولی قبل از انقضای عدّه

ب - بعد از وفات او و بعد از انقضای عدّه

ج - اگر آن زن بعد از فوت شوهرش با مرد دیگری ازدواج نماید، آیا جایز است خود را با نطفه شوهر اولش تلقیح کند؟ و آیا در صورت فوت شوهر دوم، جایز است خود را با نطفه شوهر اولش بارور کند؟ این عمل فی‌نفسه اشکال ندارد و فرقی نمی‌کند که قبل از انقضای عدّه باشد یا بعد از آن و همچنین فرقی نیست بین اینکه ازدواج کرده باشد یا خیر، و در صورت ازدواج هم فرقی نمی‌کند که لقاچ با نطفه شوهر اولش بعد از وفات شوهر دومش باشد یا در حال حیات او، ولی اگر شوهر دوم او زنده باشد باید این کار با اجازه و اذن او صورت بگیرد.

س 1278: امروزه می‌توان تخمک‌هایی را که در خارج از رحم بارور شده‌اند در مکانهای مخصوصی بطور زنده نگهداری کرد و در صورت نیاز آنها را در رحم صاحب تخمک قرار داد، آیا این کار جایز است؟ این عمل فی‌نفسه اشکال ندارد.

تغییر جنسیت

س 1279: برخی از افراد در ظاهر مذکر هستند ولی از جهات روحی و روانی ویژگیهای جنس مؤنث را دارند و تمایلات جنسی زنانه در آنان بطور کامل وجود دارد و اگر مبادرت به تغییر جنسیت نکنند به فساد می‌افتند. آیا معالجه آنان از طریق انجام عمل جراحی جایز است؟ عمل جراحی مذکور برای کشف و آشکار کردن واقعیت جنسی آنان اشکال ندارد، به شرطی که این کار مستلزم فعل حرام و ترتّب مفسده‌ای نباشد.

س 1280: انجام عمل جراحی برای الحاق فرد خنثی به زن یا مرد چه حکمی دارد؟ این کار فی‌نفسه اشکال ندارد، ولی واجب است از مقدمات حرام پرهیز شود.

تشریح میت و پیوند اعضا

س 1281: بررسی بیماریهای قلب و عروق و برگزاري سلسله مباحث راجع به آن، برای کشف مسائل جدید، مستلزم دستیابی به قلب و عروق افرادی است که از دنیا رفته‌اند، تا معاینه و آزمایش بر روی آنها انجام شود، با توجه به اینکه آنان بعد از آزمایشات و بررسی‌ها بعد از یک روز یا بیشتر اقدام به دفن آنها می‌کنند، سؤال این است:

- آیا انجام این بررسی‌ها بر روی جسد فرد مسلمان جایز است؟

- آیا دفن قلب و عروقی که از جسد میت برداشته شده‌اند، جدا از آن جسد، جایز است؟

- با توجه به مشکلات دفن قلب و عروق بطور جداگانه، آیا دفن آنها همراه با جسد دیگر، جایز است؟ اگر نجات نفس محترمی یا کشف مطالب جدید علم پزشکی که مورد نیاز جامعه است و یا دستیابی به اطلاعاتی راجع به بیماری که زندگی مردم را تهدید می‌کند، منوط به آن باشد، تشریح جسد میت اشکال ندارد، ولی واجب است تا حد امکان از جسد میت مسلمان استفاده نشود و اجزایی هم که از جسد فرد مسلمان جدا شده‌اند، در صورتی که دفن آنها با جسد، حرج یا محذوری نداشته باشد واجب است با خود جسد دفن شود و الاً دفن آنها بطور جداگانه و یا با جسد میت دیگر جایز است.

س 1282: آیا تشریح برای تحقیق در علت مرگ در صورت مشکوک بودن، مانند شک در اینکه میت بر اثر سم مرده یا خفگی و یا غیر آن، جایز است یا خیر؟
اگر کشف حقیقت متوقف بر آن باشد، اشکال ندارد.

س 1283: تشریح جنین سقط شده در تمامی مراحل عمرش، برای دستیابی به اطلاعاتی در علم بافت شناسی، با توجه به اینکه وجود درس تشریح در دانشکده پزشکی ضروری است، چه حکمی دارد؟

اگر نجات جان نفس محترمی یا کشف مطالب پزشکی جدیدی که جامعه به آن نیازمند است و یا دستیابی به اطلاعاتی راجع به یک بیماری که زندگی مردم را تهدید می‌کند، منوط به تشریح جنین سقط شده باشد، این عمل جایز است ولی سزاوار است که تا حد امکان از جنین سقط شده متعلق به مسلمانان و یا کسی که محکوم به اسلام است استفاده نشود.

س 1284: آیا استخراج قطعه پلاتین از بدن میت مسلمان از طریق تشریح جسد قبل از دفن، به علت قیمت و کمبود آن، جایز است؟

استخراج پلاتین در فرض سؤال، به شرطی که بی‌احترامی به میت محسوب نشود جایز است.
س 1285: آیا نیش قبور اموات اعم از اینکه در قبرستان مسلمانان باشند یا غیر آنها، برای دستیابی به استخوان آنان به منظور استفاده‌های آموزشی در دانشکده پزشکی جایز است؟
نیش قبور مسلمانان برای اینکار جایز نیست مگر آنکه نیاز فوری پزشکی برای دستیابی به آنها وجود داشته باشد و دسترسی به استخوان میت غیرمسلمان هم ممکن نباشد.

س 1286: آیا کاشت مو در سر برای کسی که موهای سرش سوخته است و در انتظار عمومی مردم از این جهت رنج می‌برد، جایز است؟

این کار فی‌نفسه اشکال ندارد به شرط اینکه از موی حیوان حلال گوشت و یا موی انسان باشد.
س 1287: اگر شخصی مبتلا به بیماری شود و پزشکان از درمان وی ناامید گردند و اعلام نمایند که او بزودی از دنیا خواهد رفت، در این صورت آیا برداشتن اعضای حیاتی بدن او مثل قلب و کلیه و غیره قبل از وفات وی و پیوند آنها به بدن شخص دیگر جایز است؟

اگر برداشتن اعضای بدن او منجر به مرگ وی شود حکم قتل او را دارد، و در غیر این صورت اگر با اجازه خود او باشد اشکال ندارد.

س 1288: آیا استفاده از عروق و رگهای جسد شخص متوفی برای پیوند به بدن یک فرد بیمار، جایز است؟

اگر با اذن میت در دوران حیاتش و یا با اذن اولیای او بعد از مردنش باشد و یا نجات جان نفس محترمی منوط به آن باشد، اشکال ندارد.

س 1289: آیا در قرنیه‌ای که از بدن میت جدا شده و به بدن انسان دیگری پیوند زده می‌شود و در حالی که این کار غالباً بدون اجازه اولیاء میت انجام می‌شود، دیه واجب است؟ و بر فرض وجوب، مقدار دیه هر یک از چشم و قرنیه چقدر است؟

برداشتن قرنیه از بدن میت مسلمان حرام است و موجب دیه می‌شود که مقدار آن پنجاه دینار است ولی اگر با رضایت و اذن میت قبل از مرگش، برداشته شود اشکال ندارد و موجب دیه نیست.

س 1290: یکی از مجروحین جنگ از ناحیه بیضه‌هایش زخمی شده، به طوری که منجر به قطع آنها گشته است، آیا استفاده از داروهای هورمونی برای حفظ قدرت جنسی و ظاهر مردانه‌اش برای او جایز است؟ و اگر تنها راه دستیابی به نتایج مذکور و پیدا کردن قدرت بچه‌دار شدن، پیوند بیضه فرد دیگری به او باشد، حکم آن چیست؟

اگر پیوند بیضه به بدن او ممکن باشد به طوری که بعد از پیوند و التیام، جزئی از بدن او شود، از جهت طهارت و نجاست اشکال ندارد و همچنین از جهت قدرت بچه‌دار شدن و الحاق فرزند به او هم مشکلی نیست. استعمال داروهای هورمونی برای حفظ قدرت جنسی و ظاهر مردانگی‌اش هم اشکال ندارد.

س 1291: با توجه به اهمیت پیوند کلیه برای نجات جان بیماران، پزشکان به فکر افتاده‌اند که یک بانک کلیه ایجاد کنند و این بدین معنی است که افراد زیادی بطور اختیاری مبادرت به اهداء یا فروش کلیه می‌کنند، آیا فروش یا اهدای کلیه یا هر عضو دیگری از بدن بطور اختیاری جایز است؟ این عمل هنگام ضرورت چه حکمی دارد؟

مبادرت مکلف در هنگام حیات، به فروش یا هدیه کردن کلیه یا هر عضو دیگری از بدن خود برای استفاده بیماران از آنها در صورتی که ضرر معتدبه برای او نداشته باشد اشکال ندارد، بلکه در مواردی که نجات جان نفس محترمی متوقف بر آن باشد، اگر هیچگونه حرج یا ضرری برای خود آن شخص نداشته باشد، واجب می‌شود.

س 1292: بعضی از افراد دچار ضایعات مغزی غیر قابل درمان و برگشت می‌شوند که بر اثر آن، همه فعالیت‌های مغزی آنان از بین رفته و به حالت اغما می‌گردد و همچنین فاقد تنفس و پاسخ به محرکات نوری و فیزیکی می‌شوند، در این گونه موارد احتمال بازگشت فعالیت‌های مذکور به وضع طبیعی کاملاً از بین می‌رود و ضربان خودکار قلب مریض باقی می‌ماند که موقت است و به کمک دستگاه تنفس مصنوعی انجام می‌گیرد و این حالت به مدت چند ساعت و یا حداکثر چند روز ادامه پیدا می‌کند، وضعیت مزبور در علم پزشکی مرگ مغزی نامیده می‌شود که باعث فقدان و از دست رفتن هر نوع شعور و احساس و حرکتهای ارادی می‌گردد و از طرفی بیماران وجود دارند که نجات جان آنان منوط به استفاده از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی است، بنابراین آیا استفاده از اعضای مبتلا به مرگ برای نجات جان بیماران دیگر جایز است؟

اگر استفاده از اعضای بدن بیماران که در سؤال توصیف شده‌اند برای معالجه بیماران دیگر، باعث تسریع در مرگ و قطع حیات آنان شود جایز نیست، در غیر این صورت اگر عمل مزبور با اذن قبلی وی صورت بگیرد و یا نجات نفس محترمی متوقف بر آن عضو مورد نیاز باشد، اشکال ندارد.

س 1293: علاقمند هستم اعضای خود را هدیه کرده و از بدن من بعد از مردنم استفاده شود و تمایل خود را هم به اطلاع مسئولین رسانده‌ام. آنان نیز از من خواسته‌اند که آن را در وصیتنامه خود نوشته و ورثه را هم از خواست خود آگاه کنم، آیا چنین حقی را دارم؟

استفاده از اعضای میت برای پیوند به بدن شخص دیگر برای نجات جان او یا درمان بیماری وی اشکال ندارد و وصیت به این مطالب هم مانعی ندارد مگر در اعضایی که برداشتن آنها از بدن میت، موجب صدق عنوان مثله باشد و یا عرفاً هتک حرمت میت محسوب شود.

س 1294: انجام عمل جراحی برای زیبایی چه حکمی دارد؟

این کار فی‌نفسه اشکال ندارد.

س 1295: آیا معاینه عورت افراد توسط یک مؤسسه نظامی جایز است؟
کشف عورت دیگران و نگاه کردن به آن و وادار کردن صاحب عورت به کشف عورت در برابر دیگران جایز نیست مگر آنکه ضرورتی مثل رعایت قانون و یا معالجه، آن را اقتضا کند.

س 1296: کلمه **ضرورت** به عنوان شرط جواز لمس زن یا نظر به او توسط پزشک، زیاد تکرار می‌شود، **ضرورت** چه معنایی دارد و حدود آن کدام است؟
مراد از ضرورت در فرض سؤال این است که تشخیص بیماری و درمان آن متوقف بر لمس و نظر باشد و حدود ضرورت هم بستگی به مقدار، نیاز دارد.

س 1297: آیا برای پزشک زن نگاه کردن و لمس عورت زن برای معاینه و تشخیص بیماری جایز است؟

جایز نیست مگر در موارد ضرورت.

س 1298: آیا لمس بدن زن و نگاه کردن به آن توسط پزشک مرد هنگام معاینه، جایز است؟
در صورتی که درمان منوط به برهنه کردن بدن زن در برابر پزشک مرد و لمس و نگاه کردن به آن باشد و معالجه با مراجعه به پزشک زن امکان نداشته باشد، اشکال ندارد.

س 1299: نگاه کردن پزشک زن به عورت زن دیگر و لمس آن در صورتی که معاینه آن بوسیله آینه امکان داشته باشد، چه حکمی دارد؟
در صورتی که نگاه کردن با آینه ممکن باشد و نگاه کردن مستقیم و لمس ضرورتی نداشته باشد، جایز نیست.

س 1300: اگر برای پرستار غیر مماثل (غیر هم جنس با بیمار) هنگام گرفتن نبض (فشارخون) و چیزهای دیگری که احتیاج به لمس بدن بیمار دارند، دست کردن دستکش امکان داشته باشد، آیا انجام آن اعمال بدون دستکش‌هایی که پزشک هنگام درمان بیمار از آنها استفاده می‌کند، جایز است؟

با امکان لمس از روی لباس یا با دست کردن دستکش هنگام معالجه، ضرورتی به لمس بدن مریض غیر مماثل (غیر هم جنس) وجود ندارد و بنابر این جایز نیست.

س 1301: در صورتی که عمل جراحی زیبایی برای زنان توسط پزشک مرد مستلزم نگاه کردن و لمس باشد آیا انجام آن جایز است؟

عمل جراحی زیبایی، درمان بیماری محسوب نمی‌شود و نگاه کردن و لمس حرام بخاطر آن جایز نیست مگر در مواردی که برای درمان سوختگی و مانند آن باشد و پزشک مجبور به لمس و نگاه کردن باشد.

س 1302: آیا غیر از شوهر، نگاه کردن افراد دیگر به عورت زن حتی پزشک، بطور مطلق حرام است؟
نگاه کردن غیر از شوهر حتی پزشک و بلکه پزشک زن به عورت زن حرام است، مگر هنگام اضطرار و برای درمان بیماری.

س 1303: آیا مراجعه زنان به پزشک مرد که متخصص بیماریهای زنان است در صورتی که تخصص او از پزشکان زن بیشتر باشد و یا مراجعه به پزشک زن مشقت داشته باشد، جایز است؟

اگر معاینه و درمان منوط به نظر و لمس حرام باشد، جایز نیست به پزشک مرد مراجعه کنند، مگر در صورتی که مراجعه به پزشک زن حاذق و متخصص غیرممکن و یا خیلی سخت باشد.
س 1304: آیا انجام عمل استمنا به دستور پزشک برای آزمایش و معاینه منی جایز است؟
در مقام معالجه، در صورتی که درمان منوط به آن بوده و استمنا به وسیله همسر ممکن نباشد، اشکال ندارد.

ختنه

س 1305: آیا ختنه کردن واجب است؟
ختنه پسران واجب است و شرط صحت طواف در حج و عمره می‌باشد و اگر تا بعد از بلوغ به تأخیر بیفتد، بر خود آنان واجب است که ختنه کنند.
س 1306: شخصی ختنه نکرده ولی حشفه‌اش بطور کامل از غلاف بیرون است، آیا ختنه کردن بر او واجب است؟
اگر بر روی حشفه هیچ مقداری از غلاف که قطع آن واجب است وجود نداشته باشد، ختنه‌ی واجب موردی ندارد.
س 1307: آیا ختنه کردن دختران واجب است یا خیر؟
واجب نیست.

آموزش پزشکی

س 1308: دانشجویان دانشگاه پزشکی (دختر یا پسر) برای آموزش چاره‌ای جز معاینه فرد اجنبی از طریق لمس و نظر ندارند و چون این معاینات جزء برنامه درسی است و برای کارآموزی و آمادگی آنان برای معالجه بیماران در آینده مورد نیاز است و عدم انجام آن باعث می‌شود از تشخیص بیماری افراد بیمار عاجز باشند و این امر منجر به طولانی شدن دوران بیماری افراد بیمار و گاهی فوت آنان می‌شود، بنابر این آیا این معاینات جایز است یا خیر؟
اگر از موارد ضروری برای کسب تجربه و آگاهی از نحوه درمان بیماران و نجات جان آنان باشد، اشکال ندارد.

س 1309: در صورتی که هنگام ضرورت، معاینه بیمارانی که محرم نیستند، توسط دانشجویان رشته پزشکی جایز باشد، مرجع تشخیص این ضرورت چه کسی است؟
تشخیص ضرورت موقوف به نظر دانشجو با ملاحظه شرایط است.

س 1310: گاهی در هنگام آموزش با مسئله معاینه غیرمحرمان مواجه می‌شویم و نمی‌دانیم این کار برای آینده ضرورت دارد یا خیر؟ ولی بهر حال جزئی از روش درسی دانشگاهها و وظیفه دانشجویی رشته پزشکی و یا حتی تکلیفی از طرف استاد است با توجه به این مطالب آیا انجام معاینات مزبور برای ما جایز است؟

مجرد این که معاینه پزشکی، از برنامه‌های آموزشی و یا از تکالیف استاد به دانشجو است، مجوز شرعی برای ارتکاب امر خلاف شرع محسوب نمی‌شود بلکه ملاک در این زمینه فقط نیاز آموزشی برای نجات جان انسان و یا اقتضای ضرورت می‌باشد.

س 1311: آیا در معاینه نامحرم که بخاطر ضرورت آموزش پزشکی وکسب تجربه و مهارت صورت می‌گیرد، بین معاینه اعضای تناسلی و سایر اعضای بدن تفاوت وجود دارد؟ بعضی از دانشجویان که بعد از اتمام تحصیل برای معالجه بیماران به روستاها و نقاط دوردست می‌روند، گاهی مجبور به زایمان زن و یا درمان آثار آن از قبیل خونریزی شدید می‌شوند، این کار چه حکمی دارد؟ بدیهی است که اگر این خونریزی و بیماریهای دیگر بسرعت درمان نشود حیات زنی که تازه زایمان کرده، در خطر خواهد بود، با علم به اینکه شناخت راههای معالجه این بیماریها مستلزم کارآموزی در هنگام تحصیل علم پزشکی می‌باشد؟

هنگام ضرورت فرقی، بین حکم معاینه اعضای تناسلی و غیر آنها نیست و ملاک کلی، احتیاج به تمرین و فراگیری علم پزشکی برای نجات جان انسان می‌باشد و در این موارد باید به مقدار ضرورت اکتفا شود.

س 1312: غالباً در معاینه اعضای تناسلی اعم از اینکه توسط فرد مماثل صورت بگیرد یا خیر، احکام شرعی مانند نگاه کردن پزشک یا دانشجو از طریق آینه، رعایت نمی‌شود و چون ما برای فراگیری چگونگی تشخیص بیماریها از آنان تبعیت می‌کنیم، وظیفه ما چیست؟
تحصیل و فراگیری علم پزشکی از طریق معایناتی که فی نفسه حرام هستند، در مواردی که یادگرفتن این علم و شناخت راههای درمان بیماریها متوقف بر آن باشد، اشکال ندارد، مشروط بر اینکه دانشجو اطمینان داشته باشد که توانایی نجات جان انسانها در آینده متوقف بر اطلاعاتی است که از این طریق بدست می‌آید و همچنین مطمئن باشد که در آینده در معرض مراجعه بیماران بوده و مسئولیت نجات جان آنان را بر عهده خواهد داشت.

س 1313: آیا نگاه کردن به عکس مردان و زنان غیرمسلمان که در کتابهای اختصاصی رشته درسی ما بصورت نیمه عریان وجود دارد جایز است؟

اگر به قصد ربه نباشد و خوف ترتب مفسده هم در آن وجود نداشته باشد، اشکال ندارد.

س 1314: دانشجویان رشته پزشکی در خلال تحصیل، عکسها و فیلمهای مختلفی را از اعضای تناسلی بدن به قصد آموزش می‌بینند، آیا این عمل جایز است یا خیر؟ دیدن عورت غیر مماثل چه حکمی دارد؟

نگاه کردن به فیلمها و تصاویر فی‌نفسه اشکال ندارد به شرط اینکه به قصد لذت نبوده و خوف ارتکاب حرام هم وجود نداشته باشد. آنچه حرام است نگاه به بدن غیر مماثل و لمس آن است و نگاه به فیلم یا عکس عورت دیگران هم خالی از اشکال نیست.

س 1315: زن در هنگام وضع حمل چه تکلیفی دارد؟ و زنان پرستار که به زنهای دیگر در هنگام وضع حمل کمک می‌کنند، نسبت به کشف عورت و نگاه کردن به آن چه تکلیفی دارند؟

جایز نیست زنان پرستار عمداً و بدون اضطرار، به عورت زنان در هنگام وضع حمل نگاه کنند و همچنین پزشک هم باید از نگاه کردن و لمس بدن زنی که بیمار است، تا زمانی که اضطرار پیدا نکرده، خودداری کند و بر زنان واجب است که در صورت توجه و توانایی، بدن خود را بپوشانند و یا از کس دیگری بخواهند این کار را انجام دهد.

س 1316: در خلال تحصیلات دانشگاهی، برای آموزش از دستگاههای تناسلی مصنوعی که از مواد پلاستیکی ساخته شده‌اند استفاده می‌کنند، نگاه کردن و لمس آنها چه حکمی دارد؟

آلت و عورت مصنوعی حکم عورت واقعی را ندارد و نگاه کردن و لمس آنها اشکال ندارد مگر آنکه به قصد ریبه بوده و یا موجب تحریک شهوت گردد.

س 1317: مباحث من راجع به تحقیقاتی است که در محافل علمی غرب راجع به تسکین درد از طریق معالجه با موسیقی، معالجه با لمس، معالجه با رقص، معالجه با دارو و معالجه از طریق الکتریسیته مطرح است و مباحث آنان در این زمینه نتیجه هم داده است، آیا شرعا مبادرت به این تحقیقات جایز است؟

تحقیق راجع به امور مذکور و آزمایش مقدار تأثیر آنها در درمان بیماریها شرعا اشکال ندارد به شرطی که مستلزم ارتکاب اعمالی که شرعا حرام هستند نباشد.

س 1318: آیا در صورتی که آموزش اقتضا کند، جایز است زنان پرستار به عورت زن دیگر نگاه کنند؟ اگر درمان بیماریها و یا نجات نفس محترمی متوقف بر درسی باشد که یاد گرفتن آن مستلزم نگاه به عورت دیگران است، اشکال ندارد.

تعلیم و تعلّم و آداب آن

س 1319: آیا انسان با ترک فراگیری مسائل مورد ابتلای خود گناهکار محسوب می‌شود؟ در صورتی که یاد نگرفتن آن مسائل منجر به ترک واجب یا ارتکاب حرام شود، گناهکار است.

س 1320: بعد از آن که طلبه علوم دینی مرحله سطح را تمام کرد و خود را قادر به تکمیل تحصیلات تا رسیدن به مرحله اجتهاد دید، آیا تکمیل تحصیل بر او واجب عینی است یا خیر؟ شک نیست که تکمیل علوم دینی و استمرار آن تا رسیدن به درجه اجتهاد، فی‌نفسه فضیلت بزرگی محسوب می‌شود ولی مجرد قدرت بر نیل به درجه اجتهاد، موجب وجوب عینی آن نمی‌شود.

س 1321: راههای تکمیل یقین به اصول دین کدام است؟

یقین غالباً با براهین و ادله عقلی بدست می‌آید، نهایت امر اینکه به حسب تفاوت مراتب درک مکلفین، براهین و دلایل هم متفاوت می‌شوند و بهر حال اگر برای شخصی یقین از راه دیگر حاصل شود همان کافی است.

س 1322: سستی و تبلی در تحصیل علم و تلف کردن وقت چه حکمی دارد؟ آیا حرام است؟ تزییع وقت به بطالت و بیکاری دارای اشکال است و دانشجو تا وقتی که از مزایای مخصوص دانشجویی استفاده می‌کند باید از برنامه‌های درسی مخصوص دانشجویان متابعت کند و الا استفاده از آن مزایا از قبیل شهریه و کمک هزینه و غیره برای او جایز نیست.

س 1323: در خلال بعضی از دروس دانشکده اقتصاد، استاد به بحث در مورد بعضی از مسائل مربوط به قرض ربوی و مقایسه راههای تحصیل ربا در تجارت و صنعت و غیر آن می‌پردازد، تدریس این درس و اجرت گرفتن در برابر آن چه حکمی دارد؟

مجرد تدریس و بررسی مسائل قرض ربوی، حرام نیست.

س 1324: روش صحیحی که متخصصین متعهد برای آموزش دیگران در جمهوری اسلامی باید اتخاذ کنند کدام است؟ چه کسانی شایسته دستیابی به معلومات و علوم فنی و تکنیکی حساس در ادارات هستند؟

فراگیری هر علمی برای هر شخصی، اگر برای یک غرض عقلانی مشروعی باشد و خوف فساد و افساد در آن نباشد، بدون مانع است. مگر علوم و معلوماتی که دولت اسلامی ضوابط و مقررات خاصی راجع به تعلیم و تعلم آنها وضع کرده است.

س 1325: آیا تدریس و تحصیل فلسفه در حوزه‌های علمیة دینیة جایز است؟ یادگیری و تحصیل فلسفه برای کسی که اطمینان دارد که باعث تزلزل در اعتقادات دینی‌اش نمی‌شود اشکال ندارد و بلکه در بعضی از موارد واجب است.

س 1326: خرید و فروش کتابهای گمراه کننده مانند کتاب آیات شیطانی چه حکمی دارد؟ خرید و فروش و نگهداری کتابهای گمراه کننده جایز نیست مگر برای پاسخگویی و رد مطالب آن برای کسی که قدرت علمی این کار را داشته باشد.

س 1327: آموزش و حکایت قصه‌های خیالی راجع به زندگی حیوانات و مردم، در صورتی که دارای فایده‌ای باشد، چه حکمی دارد؟

اگر از قرائن معلوم باشد که داستان، تخیلی است، اشکال ندارد.

س 1328: ورود به دانشگاه یا دانشکده‌ای که باعث اختلاط با زنانی که بدون پوشش برای تحصیل در آنجا حضور دارند می‌شود، چه حکمی دارد؟

وارد شدن به مراکز آموزشی برای تعلیم و تعلم اشکال ندارد، ولی بر زنان و دختران حفظ حجاب واجب است و بر مردان هم واجب است از نگاه حرام خودداری نموده و همچنین از اختلاط که موجب خوف فتنه و فساد است، اجتناب نمایند.

س 1329: آیا برای زن، یاد گرفتن رانندگی به کمک مرد اجنبی در مکان مخصوص تعلیم رانندگی، با علم به اینکه آن زن حجاب و عفاف شرعی خود را حفظ می‌کند، جایز است؟
آموختن رانندگی با کمک و راهنمایی مرد اجنبی در صورتی که با مواظبت بر حجاب و عفاف و اطمینان به عدم وقوع در مفسد همراه باشد، اشکال ندارد، ولی درعین حال شایسته است که یکی از محارم وی همراه او باشد، بلکه اولی این است که آموزش رانندگی به کمک مرتبی زن یا یکی از محارم صورت بگیرد.

س 1330: جوانانی که در مدارس و دانشگاهها مشغول تحصیل هستند با دختران هم برخورد و ملاقات دارند و به حکم همکلاسی و همدرس بودن با آنان راجع به مسائل درس و غیر آن گفتگو می‌کنند که گاهی بعضی از صحبتها با خنده و شوخی همراه است که البته به قصد ریبه و لذت نیست آیا این کار جایز است؟

اگر همراه با مراعات حجاب و بدون قصد ریبه و همراه با اطمینان به عدم وقوع در مفسد باشد، اشکال ندارد، والا جایز نیست.

س 1331: امروزه کدامیک از تخصص‌های علمی برای اسلام و مسلمین مفیدتر است؟

شایسته است که علما و اساتید و دانشجویان دانشگاهها به همهی تخصصهای علمی مفیدی که مورد نیاز مسلمانان است اهتمام بورزند تا از اجانب بخصوص دشمنان اسلام و مسلمین بی نیاز شوند و تشخیص مفیدترین آنها با مسئولین ذی ربط با در نظر گرفتن شرایط موجود می باشد.

س 1332: آگاه شدن از کتابهای گمراه کننده و کتابهای ادیان دیگر برای شناخت دین و عقاید آنها به قصدافزایش معرفت و اطلاعات چه حکمی دارد؟

حکم به جواز خواندن این کتب فقط به خاطر شناخت و افزایش اطلاعات، مشکل است، البته خواندن آنها برای کسی که قدرت شناخت و تشخیص مطالب باطل را دارد به قصد ابطال و رد آنها جایز است به شرطی که به خود مطمئن باشد که از حق منحرف نمی شود.

س 1333: فرستادن فرزندان به مدرسه هایی که بعضی از عقائد فاسد در آنها تدریس می شود با فرض تأثیر نپذیرفتن آنان از آن افکار، چه حکمی دارد؟

اگر خوفی نسبت به عقاید دینی آنان وجود نداشته باشد و ترویج باطل هم نباشد و آنان بتوانند از یادگیری مطالب باطل و فاسد و گمراه کننده دوری کنند، اشکال ندارد.

س 1334: دانشجویی به مدت چهار سال است که در دانشکده پزشکی درس می خواند و علاقه شدیدی به فراگیری علوم دینی دارد، آیا ادامه تحصیل در رشته پزشکی برای او واجب است یا اینکه می تواند آن را رها کرده و به تحصیل علوم دینی پردازد؟

دانشجو در انتخاب رشته تحصیلی خود آزاد است ولی در اینجا نکته ای وجود دارد که شایسته است به آن توجه شود و آن اینکه اگر فراگیری علوم دینی بخاطر توانایی خدمت به جامعه اسلامی اهمیت دارد، تحصیل در رشته پزشکی هم به قصد آمادگی برای ارائه خدمات پزشکی به امت اسلامی و درمان بیماری و نجات جان آنان از اهمیت زیادی برخوردار است.

س 1335: معلّمی دانش آموزی را در کلاس در برابر دانش آموزان دیگر به شدّت تنبیه کرده است آیا آن دانش آموز حق مقابله به مثل را دارد یا خیر؟

دانش آموز حق مقابله و پاسخگویی بگونه ای که شایسته مقام استاد و معلّم نباشد ندارد و براو واجب است که حرمت معلم را حفظ نموده و نظم کلاس را رعایت کند و می تواند از راههای قانونی اقدام نماید، همانگونه که بر معلّم هم واجب است احترام دانش آموز را در برابر همکلاسیهایش حفظ کرده و آداب تعلیم اسلامی را رعایت نماید.

حقوق چاپ، تألیف و کارهای هنری

س 1336: تجدید چاپ کتابها و مقاله هایی که از خارج وارد شده و یا در داخل جمهوری اسلامی چاپ می شوند، بدون اجازه ناشران آنها چه حکمی دارد؟

مسئله تجدید چاپ کتابهایی که در خارج از جمهوری اسلامی منتشر شده اند و یا تصویربرداری به طریق افست از آنها، تابع قراردادهایی است که راجع به آنها بین جمهوری اسلامی ایران و آن دولتها

منعقد گشته است. و اما کتابهایی که در داخل چاپ می‌شوند، احوط این است که حق ناشر با کسب اجازه از او نسبت به تکرار و تجدید چاپ کتاب رعایت شود.

س 1337: آیا جایز است مؤلفان و مترجمان و صاحبان آثار هنری مبلغی را در برابر زحماتشان و یا به عنوان حق تألیف در مقابل تلاش و وقت و مالی که برای انجام آن کار صرف کرده‌اند، تقاضا نمایند؟ آنان حق دارند در برابر واگذاری نسخه اول یا اصلی اثر علمی و هنری خود به ناشر، از وی هر مبلغی می‌خواهند، دریافت نمایند.

س 1338: اگر مؤلف یا مترجم یا هنرمند در برابر چاپ اول اثر خود مبلغی را دریافت کند و در عین حال برای خود حقی را نسبت به چاپهای بعدی شرط کند، آیا می‌تواند در چاپهای بعدی حق خود را از ناشر مطالبه نماید؟ دریافت این مبلغ چه حکمی دارد؟

در صورتی که در ضمن قرارداد منعقد برای تحویل نسخه اول، دریافت مبلغی را در چاپهای بعدی شرط کرده باشد یا قانون آن را اقتضا کند، گرفتن آن مبلغ اشکال ندارد و بر ناشر عمل به شرط واجب است.

س 1339: اگر مصنف و مؤلف در اجازه چاپ اول چیزی در مورد چاپهای بعدی ذکر نکرده باشند، آیا جایز است ناشر بدون کسب اجازه مجدد و پرداخت مبلغی به آنان مبادرت به تجدید چاپ نماید؟ اگر قراردادی که در مورد اجازه چاپ بین آنان منعقد شده، فقط راجع به چاپ اول باشد، احوط این است که حق مؤلف رعایت شود و برای چاپهای بعدی هم از او اجازه گرفته شود.

س 1340: در صورتی که مصنف به علت سفر یا فوت و مانند آن غایب شود درباره تجدید چاپ از چه کسی باید کسب اجازه شود و چه کسی باید پول را دریافت کند؟

در این مورد باید به وکیل مصنف یا ولی شرعی او و یا در صورت فوت به وارث او مراجعه شود.

س 1341: آیا چاپ کتاب بدون اجازه صاحب آن و با وجود عبارت «حقوق چاپ برای مؤلف محفوظ است»، جایز است؟

احوط این است که حقوق مؤلف و ناشر با کسب اجازه از آنان برای تجدید چاپ، رعایت شود.

س 1342: بر روی بعضی از نوارهای قرآن و تواشیح عبارت «حقوق تکثیر محفوظ است» نوشته شده، آیا در این صورت جایز است آنها را تکثیر نموده و در اختیار دیگران قرار داد؟

احوط این است که از ناشر اصلی برای تکثیر نوارها و نسخه برداری از آنها اجازه گرفته شود.

س 1343: آیا نسخه برداری از نوارهای کامپیوتری (Disk) جایز است؟ و بر فرض حرمت، آیا این حکم مختص نوارهایی است که در ایران تدوین شده‌اند یا شامل نوارهای بیگانه هم می‌شود؟ و با علم به اینکه بعضی از دیسک‌های کامپیوتری با توجه به اهمیت محتوای آنها، بسیار گرانبها هستند؟

احوط این است که در نسخه برداری و تکثیر نوارهای کامپیوتری که در داخل تولید شده است، حقوق صاحبانشان از طریق کسب اجازه از آنان رعایت شود و در مورد خارج کشور، تابع قرارداد است.

س 1344: آیا عناوین و نامهای تجاری فروشگاهها و شرکتها مختص مالکان آنهاست بطوری که

دیگران حق نامگذاری فروشگاهها و شرکتهای خود را به آن نامها ندارند؟ به عنوان مثال فردی

فروشگاهی به نام خانوادگی‌اش دارد آیا فرد دیگری از همان خانواده حق دارد فروشگاه خود را به آن

اسم نامگذاری کند؟ و آیا فردی از خانواده‌های دیگر حق نامگذاری فروشگاه خود به آن اسم را دارد؟

اگر نامهای تجاری فروشگاهها و شرکتها از طرف دولت براساس قوانین جاری کشور به کسی اعطاء شود که زودتر از دیگران درخواست رسمی خود را در این مورد به دولت داده و آن نام به اسم او در پرونده‌های دولتی ثبت شود، در این صورت که اقتباس و استفاده از آن نام توسط دیگران بدون اجازه کسی که نام مذکور به اسم او و برای فروشگاه یا شرکت او ثبت شده جایز نیست و در این حکم فرقی نمی‌کند که آن افراد از خانواده صاحب آن نام باشند یا خیر و اگر به صورت مذکور نباشد استفاده دیگران از این نامها و عناوین اشکال ندارد.

س 1345: بعضی از اشخاص به مغازه‌هایی که فتوکپی و زیراکس از اوراق و کتابها می‌گیرند مراجعه کرده و درخواست تصویر برداری از آنها را می‌نمایند و صاحب مغازه که از مؤمنین است تشخیص می‌دهد که کتاب یا اوراق و یا مجله فوق برای همه مؤمنین سودمند می‌باشد آیا جایز است بدون اجازه صاحب کتاب از آنها تصویربرداری کند و آیا اگر بداند که صاحب کتاب راضی به این کار نیست در حکم تفاوتی بوجود می‌آید؟

احوط این است که شخص بدون اجازه صاحب آن اوراق و کتابها مبادرت به تصویربرداری نکند. س 1346: بعضی از مؤمنین نوارهای ویدئویی را از ویدئو کلپ‌ها اجاره کرده و در صورتی که کاملاً مورد پسند آنان باشد، به این دلیل که حقوق چاپ نزد بسیاری از علما غیرمحموظ است، بدون کسب اجازه از صاحب مغازه مبادرت به ضبط و تکثیر آن می‌کنند، آیا این کار جایز است؟ و بر فرض عدم جواز، اگر فردی اقدام به ضبط یا تکثیر آن نماید، آیا باید الآن صاحب مغازه را از کار خود مطلع نماید یا اینکه پاک کردن محتوای نوار تکثیر شده کافی است؟

احوط ترک نسخه‌برداری از نوار بدون اجازه صاحب آن است، ولی اگر بدون اجازه مبادرت به این کار کرد، محو کردن محتوای نوار کافی است.

تجارت با غیر مسلمان

س 1347: آیا وارد کردن کالاهای اسرائیلی و ترویج آنها جایز است؟ در صورتی که این کار هر چند بر اثر اضطرار صورت بگیرد، آیا فروش آنها جایز است؟

باید از معاملاتی که به نفع دولت غاصب اسرائیل که دشمن اسلام و مسلمین است، خودداری شود و وارد کردن و ترویج کالاهای آنان که از ساخت و فروش آن سود می‌برند، برای هیچکس جایز نیست و همچنین برای مسلمانان هم خرید آن کالاها بخاطر مفاسد و ضررهایی که برای اسلام و مسلمین دارد جایز نیست.

س 1348: آیا وارد کردن کالاهای اسرائیلی توسط تجار و ترویج آن در کشوری که تحریم اقتصادی اسرائیل را لغو کرده، جایز است؟

واجب است افراد از وارد کردن و ترویج کالاهایی که دولت حقیر اسرائیل از ساخت و فروش آن منتفع می‌شود، خودداری کنند.

س 1349: آیا برای مسلمانان خرید کالاهای اسرائیلی که در سرزمین اسلامی به فروش می‌رسند، جایز است؟

بر آحاد مسلمین واجب است که از خرید و استفاده از کالاهایی که سود تولید و فروش آنها عاید صهیونیست‌ها که با اسلام و مسلمین در حال جنگ هستند، می‌شود، اجتناب کنند.

س 1350: آیا گشایش دفترهای مسافرت به اسرائیل در کشورهای اسلامی جایز است؟ و آیا برای مسلمانان تهیه بلیط از این دفاتر جایز است؟

این کار به دلیل ضررهایی که برای اسلام و مسلمین دارد، جایز نیست و همچنین مبادرت به انجام اعمالی که نقض تحریم مسلمانان علیه دولت دشمن و محارب اسرائیل محسوب شود، برای هیچکس جایز نیست.

س 1351: آیا خرید تولیدات شرکتهای یهودی یا امریکایی یا کانادایی با وجود این احتمال که شرکتهای مزبور به تقویت دولت اسرائیل می‌پردازند، جایز است؟

اگر خرید و فروش این تولیدات موجب تقویت دولت حقیر و غاصب اسرائیل شده و یا در راه دشمنی با اسلام و مسلمین بکار می‌روند، خرید و فروش آنها برای هیچکس جایز نیست و الا اشکال ندارد.

س 1352: اگر کالاهای اسرائیلی وارد کشورهای اسلامی شود، آیا جایز است تاجران بخشی از آنها را خریده و به مردم بفروشند و آنها را ترویج کنند؟

این کار برای آنان به علت مفاسدی که دارد، جایز نیست.

س 1353: اگر کالاهای اسرائیلی در فروشگاههای عمومی یک کشور اسلامی عرضه شود، آیا خرید آنها توسط مسلمانان در صورتیکه تهیه کالاهای غیراسرائیلی مورد نیاز که از کشورهای دیگر وارد شده‌اند، امکان داشته باشد، جایز است؟

بر آحاد مسلمین واجب است که از خرید و استفاده از کالاهایی که منفعت تولید و خرید آنها عائد صهیونیست‌ها که محارب با اسلام و مسلمین هستند، می‌شود، اجتناب کنند.

س 1354: اگر بدانیم که کالاهای اسرائیلی بعد از تغییر گواهی مبدأ از طریق کشورهای دیگری مثل ترکیه، قبرس و غیره مجدداً صادر می‌شوند تا خریداران مسلمان گمان کنند که آنها غیر اسرائیلی هستند، زیرا می‌دانند که اگر مسلمانان بدانند که آنها ساخت اسرائیل هستند، از خرید آنها خودداری می‌کنند، در این صورت تکلیف مسلمانان چیست؟

مسلمانان باید از خرید و ترویج و استفاده از آن کالاها خودداری نمایند.

س 1355: خرید و فروش کالاهای امریکایی چه حکمی دارد و آیا این حکم شامل همه کشورهای غربی مثل فرانسه و انگلستان هم می‌شود؟ و آیا آن حکم مخصوص ایران است و یا در همه کشورها جاری است؟

اگر خرید کالاهای وارداتی از کشورهای غیراسلامی و استفاده از آنها باعث تقویت دولتهای کافر و استعمارگر که دشمن اسلام و مسلمین هستند، شود و یا قدرت مالی آنها را برای هجوم به سرزمین‌های اسلامی یا مسلمین در سرتاسر عالم، تقویت نماید، واجب است که مسلمانان از خرید و بکارگیری و استفاده از آنها اجتناب کنند، بدون اینکه فرقی بین کالایی با کالای دیگر و دولتی با دولت دیگر از دولتهای کافری که دشمن اسلام و مسلمین هستند، وجود داشته باشد و این حکم هم اختصاصی به مسلمانان ایران ندارد.

س 1356: کسانی که در کارخانه‌ها و مؤسساتی کار می‌کنند که سود آنها به دولتهای کافر می‌رسد و باعث استحکام و تقویت آنها می‌شود، چه تکلیفی دارند؟
کسب درآمد با کارهای مشروع فی‌نفسه اشکال ندارد هر چند از اموری باشد که درآمد آن به دولت غیراسلامی می‌رسد، مگر زمانی که آن دولت در حال جنگ با اسلام و مسلمین باشد و از نتیجه کار مسلمانان در این جنگ استفاده کند.

کار کردن در دولت ظالم

س 1357: آیا انجام وظیفه در حکومت غیر اسلامی جایز است؟
جواز آن منوط بر این است که خود آن وظیفه فی‌نفسه جایز باشد.
س 1358: فردی در اداره راهنمایی و رانندگی یکی از کشورهای عربی کار می‌کند و مسئولیت او امضای پرونده کسانی است که قوانین عبور و مرور را نقض کرده‌اند تا بدین ترتیب به زندان بیفتند و پرونده هر یک از آنان را که امضا کند فرد ناقض قانون به زندان خواهد رفت. آیا این کار برای او جایز است؟ و حقوقی که در برابر کارش از دولت می‌گیرد چه حکمی دارد؟
رعایت مقرراتی که برای نظم جامعه وضع شده‌اند در هر حال واجب است، هر چند آن قوانین توسط دولت غیراسلامی وضع شده باشند و دریافت حقوق در برابر عمل حلال، اشکال ندارد.
س 1359: بعد از آنکه مسلمانی تابعیت آمریکا یا کانادا را بدست آورد، آیا جایز است وارد ارتش یا پلیس شود؟ و آیا جایز است در اداره‌های دولتی مثل شهرداری و سایر مؤسسات تابع دولت مشغول بکار شود؟

اگر فسادی بر آن مترتب نشود و مستلزم ارتکاب حرام و ترک واجب نباشد، اشکال ندارد.
س 1360: آیا قاضی منصوب از طرف سلطان جائز، برای حکم کردن و قضاوت، مشروعیت دارد تا اطاعت از او واجب باشد؟
جایز نیست غیر از مجتهد جامع الشرایط - چنانچه از طرف کسی که حق نصب دارد منصوب نشده باشد - متصدی امر قضا و فصل خصومات در بین مردم شود و بر مردم هم جایز نیست به او مراجعه کنند، و حکم او هم نافذ نمی‌باشد، مگر در حال ضرورت.

لباس شهرت و احکام پوشش

س 1361: معیار لباس شهرت چیست؟

لباس شهرت لباسی است که پوشیدن آن برای شخص، بخاطر رنگ یا کیفیت دوخت یا مندرس بودن آن و علل دیگر مناسب نیست، بطوری که اگر آن را در برابر مردم بپوشد توجه آنان را به خود جلب نموده و انگشت نما می‌شود.

س 1362: صدایی که هنگام راه رفتن زنان از برخورد کفش آنان با زمین ایجاد می‌شود، چه حکمی دارد؟

تا زمانی که باعث جلب توجه و ترتب مفسده نشده است، فی نفسه اشکال ندارد.

س 1363: آیا دختران می‌توانند لباسی که رنگ آن مایل به آبی پررنگ است بپوشند؟ فی نفسه اشکال ندارد به شرطی که منجر به جلب توجه دیگران و ترتب مفسده نشود.

س 1364: آیا برای زنان پوشیدن لباسهای تنگی که برجستگیهای بدن آنان را نشان می‌دهد و یا پوشیدن لباسهای بدن نما و عریان در عروسیها و مانند آن جایز است؟ اگر از نگاه مردان اجنبی و ترتب مفسده در امان و محفوظ باشند، اشکال ندارد در غیر این صورت جایز نیست.

س 1365: آیا پوشیدن کفش سیاه براق توسط زن مؤمن جایز است؟ اشکال ندارد مگر آنکه رنگ و شکل آن باعث جلب توجه نامحرم و یا انگشت نما شدن او شود.
س 1366: آیا بر زنان واجب است در لباس مانند مقنعه، شلوار و پیراهن فقط رنگ سیاه را انتخاب کنند؟

حکم لباس زن از جهت رنگ و شکل و کیفیت دوخت مانند کفش است که در جواب سؤال قبل بیان شد.

س 1367: آیا جایز است حجاب و لباس زن بگونه‌ای باشد که توجه دیگران را بخود جلب کند و یا باعث تهییج شهوت شود مثلا طوری چادر سر کند که توجه دیگران را به خود جلب کند و یا پارچه و رنگ جوراب را بگونه‌ای انتخاب کند که شهوت برانگیز باشد؟ پوشیدن چیزی که از جهت رنگ یا شکل و یا نحوه پوشیدن باعث جلب توجه اجنبی شود و موجب فساد و ارتکاب حرام گردد، جایز نیست.

س 1368: آیا پوشیدن چیزی که مخصوص زنان است توسط مردان و برعکس، در خانه بدون قصد تشبه به جنس مخالف، جایز است؟

تا زمانی که آن را به عنوان لباس برای خود انتخاب نکرده باشند، اشکال ندارد.

س 1369: فروش لباسهای زنانه داخلی توسط مردان چه حکمی دارد؟ اگر موجب ترتب مفسد اخلاقی و اجتماعی نباشد، اشکال ندارد.

س 1370: آیا بافندگی و خرید و فروش جوراب نازک شرعا جایز است؟

اگر تولید و خرید و فروش آن به قصد پوشیدن زنان در برابر مردان اجنبی نباشد، اشکال ندارد.

س 1371: آیا جایز است افرادی که ازدواج نکرده‌اند با رعایت موازین شرعی و آداب اخلاقی، در

فروشگاههای لباسهای زنانه و وسایل آرایش کار کنند؟

جواز کارکردن و کسب درآمد حلال شرعا مختص گروه خاصی از مردم نیست

بلکه هر کس که موازین و آداب اسلامی را رعایت کند حق آن را دارد، ولی اگر برای دادن پروانه تجاری یا اجازه کار از طرف ادارات و نهادهای مسئول بخاطر رعایت مصالح عمومی برای بعضی از مشاغل شرایط خاصی وضع شده باشد باید مراعات شود.

س 1372: انداختن زنجیر توسط مردان چه حکمی دارد؟

اگر زنجیر از طلا باشد و یا از چیزهایی باشد که استفاده از آنها مخصوص زنان است، انداختن آن برای مردان جایز نیست.

تقلید از فرهنگ غربی

تشبه به کفار و ترویج فرهنگ آنان

س 1373: آیا پوشیدن لباسهایی که بر روی آن حروف و تصاویر خارجی چاپ شده، جایز است و آیا این لباسها ترویج فرهنگ غربی محسوب می‌شوند؟

اگر مفاسد اجتماعی نداشته باشند پوشیدن آنها فی نفسه اشکال ندارد و اما اینکه ترویج فرهنگ غربی معارض با فرهنگ اسلامی محسوب می‌شود یا خیر، موکول به نظر عرف است.

س 1374: امروزه وارد کردن لباسهای خارجی و خرید و فروش و استفاده از آنها در داخل شهرها متداول شده است، با توجه به افزایش تهاجم فرهنگی غرب به انقلاب اسلامی، این کار چه حکمی دارد؟

واردات و خرید و فروش و استفاده از آنها به مجرد اینکه از کشورهای غیراسلامی وارد شده‌اند، اشکال ندارد، ولی آنچه که پوشیدن آن با عفت و اخلاق اسلامی منافات داشته باشد و یا ترویج فرهنگ غربی که دشمن فرهنگ اسلامی است، محسوب می‌شود، واردات و خرید و فروش و پوشیدن آن جایز نیست و در این مورد باید به مسئولین مربوطه مراجعه شود تا از آن جلوگیری کنند.

س 1375: تقلید از مدهای غربی در کوتاه کردن مو چه حکمی دارد؟

معیارهای حرمت در این موارد، شبیه شدن به دشمنان اسلام و ترویج فرهنگ آنهاست و این موضوع با توجه به کشورهای و زمانها و اشخاص مختلف، فرق می‌کند و این امر مختص به غرب هم نمی‌باشد.

س 1376: آیا جایز است مربیان مدارس موهایی دانش آموزانی را که موهایی سر خود را به شکل‌های غربی که مخالف آداب اسلامی و تشبه به کفار است، اصلاح و آرایش می‌کنند، بتراشند؟ با علم به اینکه راهنمایی و نصیحت آنان فایده‌ای ندارد؟ و آنان ظواهر اسلامی را در مدرسه رعایت می‌کنند ولی پس از خروج از مدرسه تغییر وضعیت می‌دهند، وظیفه ما چیست؟

تراشیدن موی سر دانش آموزان توسط مربیان شایسته نیست. اگر مسئولین مدرسه تشخیص دادند که بعضی از کارهای دانش آموزان با آداب و فرهنگ اسلامی تناسب ندارد، بهتر است آنان را نصیحت و راهنمایی‌های پدرانه نمایند و در صورت نیاز اولیای آنان را برای کمک به حل مشکل، از وضعیت دانش آموزان خود آگاه نمایند و البته مراعات قوانین آموزش و پرورش، لازم است.

س 1377: پوشیدن لباس آمریکایی چه حکمی دارد؟

پوشیدن لباسهایی که توسط دولتهای استعماری تولید شده‌اند، از این جهت که ساخت دشمنان اسلام است، فی نفسه اشکال ندارد، ولی اگر این کار مستلزم ترویج فرهنگ غیراسلامی دشمن باشد و یاباغت تقویت اقتصاد آنان برای استعمار و استثمار سرزمین های اسلامی شود و یا منجر به وارد شدن ضرر اقتصادی به دولت اسلامی گردد، دارای اشکال است و حتی در بعضی از موارد جایز نیست.

س 1378: آیا برای زنان، شرکت در مراسم استقبال و خوش‌آمدگویی و تقدیم دسته گل که توسط وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی و غیر آنها، ترتیب داده می‌شود، جایز است و آیا صحیح است که شرکت آنان را در این مراسم، این گونه توجیه کنیم که هدف ما نشان دادن حریت و احترام زن در جوامع اسلامی است؟

دعوت از زنان برای مشارکت در مراسم استقبال و خوش‌آمدگویی به مهمانان خارجی وجهی ندارد و در صورتی که موجب فساد و ترویج فرهنگ غیراسلامی شود، جایز نیست.

س 1379: پوشیدن کروات چه حکمی دارد؟
به طور کلی پوشیدن کروات و دیگر لباسهایی که پوشش و لباس غیر مسلمانان محسوب می‌شوند بطوریکه پوشیدن آنها منجر به ترویج فرهنگ منحلّ غربی شود جایز نیست.

س 1380: فروش کلیه عکسها و کتابها و مجلاتی که بطور آشکار مشتمل بر امور قبیح و مبتذل نیستند ولی بطور ضمنی باعث ایجاد جوّ فرهنگی فاسد و غیر اسلامی بخصوص در بین جوانان می‌شوند، چه حکمی دارد؟

خرید و فروش و ترویج اموری از این قبیل که منجر به انحراف جوانان و فساد آنان و باعث پیدایش جوّ فرهنگی فاسدی می‌شوند، جایز نیست و واجب است از آنها اجتناب شود.

س 1381: امروزه وظیفه زنان برای مقابله با تهاجم فرهنگی به جامعه اسلامی ما چیست؟
یکی از مهمترین وظایف آنان حفظ حجاب اسلامی و ترویج آن و پرهیز از لباسهایی است که پوشیدن آنها تقلید از فرهنگ دشمن محسوب می‌شود.

س 1382: بعضی از مسلمانان عیدهای مسیحیان را جشن می‌گیرند، آیا این کار اشکال ندارد؟
جشن گرفتن میلاد حضرت عیسی مسیح ❖ علی نبینا و آله و علیه السلام ❖ اشکال ندارد.
س 1383: آیا پوشیدن لباسی که تبلیغ و تشویق شراب روی آن وجود دارد، جایز است؟
جایز نیست.

مهاجرت و پناهندگی سیاسی

س 1384: پناهندگی سیاسی به کشورهای خارجی چه حکمی دارد؟ آیا جعل داستان غیرواقعی برای دستیابی به پناهندگی سیاسی، جایز است؟

پناهندگی سیاسی به دولت غیر مسلمان تا زمانی که مفسده‌ای بر آن مترتب نشود، فی‌نفسه اشکال ندارد، ولی برای دستیابی به آن، توسل به دروغ و جعل چیزی که واقعیت ندارد، جایز نیست.

س 1385: آیا برای یک شخص مسلمان مهاجرت به کشورهای غیر اسلامی جایز است؟

اگر خوف انحراف از دین وجود نداشته باشد این کار اشکال ندارد و واجب است در آنجا بعد از رعایت احتیاط و مواظبت نسبت به دین و مذهب به مقداری که توانایی دارد مبادرت به دفاع از اسلام و مسلمین نماید.

س 1386: آیا مهاجرت به سرزمین اسلام بر زنانی که در سرزمین کفر اسلام آورده‌اند، به دلیل اینکه بر اثر خوف از خانواده و جامعه نمی‌توانند اسلام خود را آشکار کنند، واجب است؟
در صورتی که مهاجرت به سرزمین اسلام برای آنان حرج داشته باشد واجب نیست، ولی واجب است تا حد امکان نسبت به نماز و روزه و سایر واجبات مراقبت نمایند.
س 1387: زندگی در کشوری که اسباب معصیت مانند برهنگی و گوش دادن به نوارهای مبتذل موسیقی و غیره در آن فراهم است، چه حکمی دارد؟ کسی که در آنجا تازه به سن تکلیف رسیده چه حکمی دارد؟
اقامت و زندگی آنها، فی‌نفسه اشکال ندارد، ولی باید از اموری که از نظر شرعی بر او حرام هستند اجتناب کند و اگر نمی‌تواند باید به کشورهای اسلامی مسافرت نماید.

تجسس و خبرچینی و افشاء اسرار

س 1388: تعدادی گزارش کتبی راجع به اختلاس اموال دولتی توسط یکی از کارمندان دریافت گردیده که بعد از انجام تحقیقات در مورد این اتهام، صحت بعضی از آن گزارشها برای ما آشکار شده است. ولی هنگام تحقیق از فرد متهم خود او همه اتهامات را انکار می‌کند، آیا ارسال این گزارشات به دادگاه با توجه به اینکه باعث از بین رفتن آبروی شخص می‌شود، جایز است یا خیر؟ و بر فرض عدم جواز، اشخاصی که از این مسئله مطلع هستند چه تکلیفی دارند؟
اگر فردی که مسئول حمایت و حفظ بیت‌المال و اموال دولتی است از اختلاس آن اموال توسط یکی از کارمندان یا غیر او مطلع شود، از نظر شرعی و قانونی مکلف است برای احقاق حق، اطلاعات خود را در این زمینه به نهادهای مربوطه ارائه دهد و ترس از بین رفتن آبروی متهم از نظر رسمی مجوزی برای کوتاهی از احقاق حق جهت حفظ بیت‌المال محسوب نمی‌شود و افراد دیگر، گزارشات خود را مستنداً به مسئولین مربوطه ارائه دهند تا ایشان بعد از تحقیق و تفحص و اثبات مطلب، اقدام نمایند.
س 1389: مشاهده می‌کنیم که بعضی از مطبوعات اخباری از قبیل دستگیری سارقین، کلاهبرداران، گروههای رشوه‌گیرنده در ادارات و افرادی که اقدام به انجام اعمال منافی عفت می‌کنند و همچنین گروههای فساد و ابتذال و کلپ‌های شبانه را چاپ می‌کنند، آیا چاپ و نشر این قبیل اخبار، بنوعی اشاعه فحشا محسوب نمی‌شود؟
مجرد نشر حوادث و وقایع در مطبوعات اشاعه فحشا محسوب نمی‌شود.
س 1390: آیا جایز است دانشجویان یکی از مراکز آموزشی گزارشهایی از منکراتی را که مشاهده می‌کنند به مسئولین فرهنگی ارائه دهند تا از ارتکاب آنها جلوگیری شود؟
اگر گزارشها راجع به امور علنی باشد و عنوان تجسس و غیبت بر آنها صدق نکند، اشکال ندارد و بلکه در صورتی که جزء مقدمات نهی از منکر باشد واجب است.
س 1391: آیا بیان ظلم یا خیانت بعضی از مسئولین ادارات در برابر مردم جایز است؟

گزارش دادن ظلم به مراکز و مراجع مسئول برای پیگیری و تعقیب بعد از تحقیق و اطمینان نسبت به آن اشکال ندارد و حتی اگر از مقدمات نهی از منکر محسوب شود واجب می‌گردد، ولی بیان آن در برابر مردم وجهی ندارد بلکه اگر موجب فتنه و فساد و تضعیف دولت اسلامی شود حرام است. س 1392: تحقیق از اموال مؤمنین و گزارش آن به دولت و حاکم ظالم بخصوص اگر منجر به اذیت و ورود خسارت به آنها شود چه حکمی دارد؟

این قبیل اعمال از نظر شرعی حرام هستند و در صورتی که خسارت وارده به دلیل خبرچینی از مؤمنین نزد ظالم باشد، موجب ضمان می‌گردد.

س 1393: آیا تجسس در امور شخصی و غیر شخصی مؤمنین به دلیل امر به معروف و نهی از منکر، در صورتی که از آنان ارتکاب حرام یا ترک معروف مشاهده شود، جایز است؟ اشخاصی که برای کشف تخلفات مردم تجسس می‌کنند با اینکه مکلف به این کار نیستند، چه حکمی دارند؟ مبادرت به امر بررسی و تحقیق قانونی نسبت به کار اداری کارمندان و غیر آنان توسط مأموران رسمی تفحص و تحقیق در چارچوب ضوابط و مقررات قانونی اشکال ندارد ولی تجسس در کار دیگران و یا تحقیق در اعمال و رفتار کارمندان برای کشف اسرار آنان در خارج از حدود و ضوابط قانونی برای آن مأموران هم جایز نیست.

س 1394: آیا سخن گفتن از اسرار شخصی و امور خصوصی و سری در برابر مردم جایز است؟ کشف و بیان امور خصوصی و شخصی در برابر دیگران اگر به نحوی مربوط به افراد دیگر هم باشد و یا موجب ترتب مفسده شود جایز نیست.

س 1395: روانپزشکان غالباً برای دستیابی به علل بیماری و راههای درمان آن سؤالاتی راجع به امور شخصی و خانوادگی بیمار از او می‌کنند، آیا برای بیمار پاسخ دادن به آن سؤالات جایز است؟ اگر مفسده‌ای بر آن مترتب نشود و غیبت و اهانت به شخص دیگری هم محسوب نشود، اشکال ندارد.

س 1396: گاهی بعضی از نیروهای امنیتی ورود به بعضی از مراکز و نفوذ در گروهها را برای کشف مراکز فحشا و گروههای تروریستی ضروری می‌دانند، همانگونه که روشهای تجسس و تحقیق نیز همین را اقتضا می‌کنند، این کار از نظر شرعی چه حکمی دارد؟ اگر با اجازه مسئول مربوطه و با التزام به رعایت ضوابط و مقررات قانونی باشد و از آلوده شدن به گناه و ارتکاب فعل حرام اجتناب شود، اشکال ندارد و بر مسئولین نیز واجب است که بر کار آنان از این جهت نظارت و توجه کامل داشته باشند.

س 1397: عده‌ای در برابر دیگران مبادرت به طرح کمبودها و ضعفهایی که در جمهوری اسلامی وجود دارد، می‌کنند، گوش دادن به این سخنان و حکایتها چه حکمی دارد؟ واضح است هر عملی که موجب بدنام شدن چهره جمهوری اسلامی که در برابر کفر و استکبار جهانی ایستاده است، شود به نفع اسلام و مسلمین نیست. بنابراین، اگر این سخنان موجب تضعیف نظام جمهوری اسلامی باشد جایز نیست.

مصرف دخانیات و مواد مخدر

س 1398: استعمال دخانیات در اداره های دولتی و اماکن عمومی چه حکمی دارد؟
اگر بر خلاف مقررات داخلی ادارات و اماکن عمومی باشد و یا موجب اذیت و ناراحتی دیگران و یا ضرر رساندن به آنان شود، جایز نیست.

س 1399: برادر من معتاد به مواد مخدر است و قاچاقچی مواد مخدر نیز هست، آیا بر من واجب است او را به مقامات رسمی مربوطه معرفی کنم تا از کار او جلوگیری کنند؟
بر شما نهی از منکر واجب است و باید او را در ترک اعتیاد یاری کنید و همچنین او را از قاچاق و فروش و توزیع مواد مخدر منع نمایید و اگر اعلام وضعیت او به مقامات مربوطه، به او در این باره کمک کرده یا مقدمه نهی از منکر محسوب شود واجب است اعلام نمایید.

س 1400: آیا استعمال انقیه جایز است؟ اعتیاد به آن چه حکمی دارد؟
اگر ضرر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد استعمال و اعتیاد به آن جایز نیست.

س 1401: خرید و فروش و استعمال تنباکو چه حکمی دارد؟
خرید و فروش و استعمال تنباکو فی نفسه اشکال ندارد ولی اگر ضرر قابل ملاحظه‌ای برای شخص داشته باشد، استعمال و خرید و فروش آن جایز نیست.

س 1402: آیا حشیش پاک است؟ و آیا استعمال آن حرام است؟
حشیش پاک است ولی استعمال آن حرام می‌باشد.

س 1403: استعمال مواد مخدر از قبیل حشیش، تریاک، هروئین، مورفین، ماری جوانا و ... بصورت خوردن، نوشیدن، کشیدن، تزریق و یا شیاف، چه حکمی دارد؟ خرید و فروش و سایر راههای کسب درآمد با آن مثل حمل و نقل و نگهداری و قاچاق آنها چه حکمی دارد؟
استعمال مواد مخدر و استفاده از آنها با توجه به آثار سوءشان از قبیل ضررهای شخصی و اجتماعی قابل ملاحظه‌ای که بر استعمال آنها مترتب می‌شود، حرام است و به همین دلیل کسب درآمد با آنها از طریق حمل و نقل و نگهداری و خرید و فروش و غیر آن هم حرام است.

س 1404: آیا معالجه و درمان بیماری با استعمال مواد مخدر جایز است؟ و بر فرض جواز، آیا بطور مطلق جایز است یا فقط در صورتی جایز است که راه درمان منحصر به آن باشد؟
اگر درمان و معالجه به نحوی متوقف بر استعمال مواد مخدر باشد و این امر هم با تجویز پزشک مورد اطمینان صورت گیرد، اشکال ندارد.

س 1405: کاشت و پرورش گیاهانی از قبیل خشخاش، شاهدانه هندی، کویچا و ... که از آنها تریاک، هروئین، مورفین و حشیش و کوکائین گرفته می‌شود چه حکمی دارد؟
کاشت و پرورش این نوع گیاهان که بر خلاف مقررات نظام جمهوری اسلامی می‌باشد جایز نیست.
س 1406: آماده کردن و تهیه مواد مخدر اعم از اینکه از مواد طبیعی باشند مثل مورفین، هروئین، حشیش و ماری جوانا، یا از مواد مصنوعی مثل I.S.D و غیر آن چه حکمی دارد؟
جایز نیست.

س 1407: آیا استعمال تنباکوئی که بعضی از انواع خمر را بر روی آن پاشیده‌اند جایز است؟ و آیا استنشاق دود آن جایز است؟

اگر مصرف آن تنباکو از نظر عرف، استعمال خمر محسوب نشود و باعث مستی و وارد شدن ضرر قابل ملاحظه‌ای نگردد اشکال ندارد، هر چند احوط ترک آن است.

س 1408: آیا شروع به استعمال دخانیات حرام است؟ اگر فرد معتاد مصرف دخانیات را به مدت چند هفته یا بیشتر ترک کند آیا حرام است که دوباره به استعمال آن پردازد؟

حکم با اختلاف مراتب ضرری که بر استعمال دخانیات مترتب می‌شود، متفاوت می‌گردد و به طور کلی استعمال دخانیات اگر به مقداری باشد که موجب ضرر قابل ملاحظه‌ای برای بدن باشد، جایز نیست و اگر شخص می‌داند که با شروع آن به این مرحله می‌رسد نیز جایز نمی‌باشد.

س 1409: اموالی که حرمت عین آنها معلوم است مانند اموال حاصل از تجارت مواد مخدر چه حکمی دارند؟ آیا در صورتی که مالک آنها را نشناسیم، حکم اموال مجهول‌المالک را دارند؟ اگر اینگونه باشند، آیا تصرف در آنها با اجازه حاکم شرع یا وکیل عام او جایز است؟

اگر انسان علم به حرام بودن عین مالی که تحصیل کرده داشته باشد، در صورتی که مالک شرعی آن را هر چند در تعداد محصور بشناسد، واجب است آنرا به او برگرداند، و الا باید آن را از طرف مالک شرعی‌اش به فقرا صدقه بدهد و اگر مال حرام با مال حلال او مخلوط شده باشد و مقدار و مالک شرعی آن را نشناسد، واجب است خمس آنرا به متولی خمس پردازد.

تراشیدن ریش

س 1410: مراد از فک پائین که باقی گذاشتن موهای آن واجب است چیست؟ آیا شامل گونه‌ها هم می‌شود؟

معیار این است که از نظر عرف، گذاشتن ریش صدق کند.

س 1411: ریش از نظر کوتاهی و بلندی باید چه مقدار باشد؟ حد معینی ندارد، بلکه معیار این است که عرفاً بر آن ریش صدق کند و بلندبودن آن بیشتر از قبضه دست کراهت دارد.

س 1412: بلندکردن سبیل و کوتاه کردن ریش چه حکمی دارد؟ این کار فی‌نفسه اشکال ندارد.

س 1413: بعضی از مردان موهای چانه خود را باقی گذاشته و باقیمانده را می‌تراشند، این کار چه حکمی دارد؟

تراشیدن مقداری از ریش حکم تراشیدن تمام آن را دارد.

س 1414: آیا تراشیدن ریش فسق محسوب می‌شود؟

تراشیدن ریش بنا بر احتیاط حرام است و احوط این است که احکام و آثار فسق بر آن مترتب می‌شود.

س 1415: تراشیدن سبیل چه حکمی دارد؟ و آیا می‌توان آن را خیلی بلند کرد؟

تراشیدن سیل و باقی گذاشتن و بلند نمودن آن فی‌نفسه اشکال ندارد، بلکه بلند نمودن آن به مقداری که هنگام خوردن و آشامیدن با غذا یا آب برخورد کند، مکروه است.

س 1416: تراشیدن ریش با تیغ یا ماشین ریش تراشی برای هنرمندی که کارش آن را اقتضا می‌کند، چه حکمی دارد؟

اگر عنوان تراشیدن ریش بر آن صدق کند بنا بر احتیاط حرام است، ولی اگر کار هنری او نیاز ضروری جامعه اسلامی محسوب شود، مبادرت به تراشیدن ریش به مقدار آن ضرورت، اشکال ندارد.
س 1417: من به اعتبار اینکه مسئول روابط عمومی یکی از شرکتهای تابع جمهوری اسلامی هستم، مجبور به خرید و ارائه لوازم اصلاح به مهمانها برای تراشیدن ریششان می‌باشم، تکلیف من چیست؟

بنا بر احتیاط خرید و ارائه لوازم ریش تراشی به دیگران جایز نیست مگر در مقام ضرورت.
س 1418: در صورتی که گذاشتن ریش مستلزم اهانت باشد، تراشیدن آن چه حکمی دارد؟ گذاشتن ریش برای مسلمانی که به دینش اهمیت می‌دهد باعث سرشکستگی نیست و بنا بر احتیاط، تراشیدن آن جایز نیست مگر در صورتی که گذاشتن ریش باعث ضرر یا حرج شود.
س 1419: آیا تراشیدن ریش در صورتی که گذاشتن آن مانع رسیدن به اهداف مشروع انسان شود جایز است؟

بر مکلفین واجب است حکم خداوند را امتثال کنند مگر در مواردی که حرج یا ضرر قابل ملاحظه‌ای وجود داشته باشد.

س 1420: آیا خرید و فروش و تولید خمیر اصلاح که کاربرد اصلی آن برای اصلاح ریش است ولی گاهی برای اصلاح غیر از آن هم بکار می‌رود، جایز است؟
اگر خمیر مذکور غیر از اصلاح ریش منافع حلال دیگری دارد، تولید و فروش آن بدین منظور اشکال ندارد.

س 1421: آیا منظور از حرمت تراشیدن ریش آن است که موهای صورت بطور کامل روئیده باشند و سپس تراشیده شوند یا اینکه شامل موردی که مقداری از موهای صورت درآمده باشند هم می‌شود؟

بطور کلی تراشیدن آن مقدار از موی صورت که بر آن عنوان تراشیدن ریش صدق می‌کند بنا بر احتیاط حرام است ولی تراشیدن مقداری از آن که عنوان مزبور بر آن صدق نمی‌کند اشکال ندارد.

س 1422: آیا اجرتی که آرایشگر بابت تراشیدن ریش می‌گیرد، حرام است؟ و بر فرض حرمت، اگر با مال حلال مخلوط شود، آیا واجب است هنگام تخمیس آن، خمس آن را دوبار بپردازد یا خیر؟

بنا بر احتیاط، گرفتن اجرت در برابر تراشیدن ریش، حرام است و اما در مورد مال مخلوط به حرام، اگر مقدار حرام و مالک آن را بشناسد واجب است آن را به او برگرداند و یارضایت وی را جلب کند و اگر مالک آن را هر چند در تعداد محصور نشناسد، واجب است آن را به فقیران صدقه بدهد و اگر مقدار مال حرام را نداند ولی مالک آن را بشناسد واجب است بنحوی رضایت او را بدست آورد و اگر مقدار آن را نداند و مالک را هم نشناسد واجب است خمس آن را بپردازد تا مالش از حرام پاک شود و در صورتی که مقدار باقیمانده بعد از پرداخت خمس، از مؤونه سال زیاد بیاید، پرداخت خمس آن به عنوان ادای خمس منفعت کسب، واجب است.

س 1423: گاهی بعضی از مشتریان برای تعمیر ماشین اصلاح خود به من مراجعه می‌کنند، با توجه به اینکه تراشیدن ریش از نظر شرعی حرام است، آیا انجام آن برای من جایز است؟ از آنجا که وسیله مذکور غیر از تراشیدن ریش استفاده‌های دیگری هم دارد، بنابراین اقدام به تعمیر آن و گرفتن اجرت در برابر آن در صورتی که به قصد استفاده از آن برای تراشیدن ریش نباشد، اشکال ندارد.

س 1424: آیا اصلاح موی گونه‌ها اعم از اینکه با نخ باشد یا با موچین، حرام است؟ اصلاح موی گونه‌ها هر چند با تراشیدن، حرام نیست.

حضور در مجلس معصیت

س 1425: گاهی مجالس جشن دسته‌جمعی از طرف اساتید یا دانشگاه کشورهای بیگانه برگزار می‌شود و از قبل معلوم است که مشروبات الکلی در آن مجالس وجود دارد، تکلیف شرعی دانشجویان که قصد شرکت در آن جشن را دارند چیست؟ حضور در مجالسی که در آنها شراب نوشیده می‌شود برای هیچکس جایز نیست، در این محافل شرکت نکنید تا بفهمند که شما به علت مسلمان بودن در مجلس شرب خمر شرکت ننموده و مشروب نمی‌خورید.

س 1426: حضور در مجالس عروسی چه حکمی دارد؟ آیا بر حضور در مجلس عروسی که خالی از رقص نیست، عنوان **الداخل فی عمل قوم فہومنہم** **♦** صدق می‌کند و لذا ترک آن مجلس واجب است یا اینکه حضور در آن مجلس بدون شرکت در رقص و مراسم دیگر، اشکال ندارد؟ اگر مجلس به گونه‌ای نباشد که عنوان مجلس لہو و حرام و معصیت بر آن صدق کند و حضور در آن مفسده‌ای نداشته باشد، حضور و نشستن در آن در صورتی که عرفاً تأیید عملی که جایز نیست، محسوب نشود، اشکال ندارد.

س 1427: 1 - شرکت در جشنهایی که زنان و مردان در آنها مبادرت به رقص و نواختن موسیقی بطور جداگانه می‌کنند چه حکمی دارد؟
- آیا شرکت در عروسیهایی که در آنها مبادرت به رقص و نواختن موسیقی میشود، جایز است؟
- آیا نهي از منکر در مجالسی که در آنها رقص انجام می‌شود، در صورتی که امر به معروف ونهي از منکر در شرکت کنندگان تأثیری نداشته باشد، واجب است؟
- رقص مختلط زن و مرد چه حکمی دارد؟

بطور کلی اگر رقص باعث تهییج شهوت شود یا همراه با عمل حرام و یا مستلزم آن بوده و یا به صورت مختلط بین زنان و مردان اجنبی باشد، جایز نیست و فرقی نمی‌کند بین اینکه در جشنهای عروسی باشد یا غیر آن و شرکت در مجلس معصیت هم اگر مستلزم ارتکاب حرام مانند گوش‌دادن به موسیقی مطرب و لهوی مناسب با مجالس لہو و گناه باشد و یا حضور در آنها تأیید گناه محسوب شود، جایز نیست و اما تکلیف امر به معروف و نهي از منکر با عدم احتمال تأثیر ساقط است.

س 1428: اگر مرد نامحرمی وارد جشن عروسی شود و در آنجا زن بدون حجابی حضور داشته باشد و مرد بداند که نهی از منکر در او تأثیری ندارد، آیا واجب است مجلس را ترک کند؟ اگر خروج از مجلس معصیت به عنوان اعتراض مصداق نهی از منکر باشد، واجب است.

س 1429: آیا حضور در مجالس و محافلی که در آنها به نوارهای مبتذل غناگوش داده می‌شود جایز است؟ در صورتی که در غنا بودن آن شک داشته باشد، با توجه به این که نمی‌تواند از پخش نوار جلوگیری کند، حکم چیست؟

حضور در مجلس غنا و موسیقی مطرب و لهوی مناسب با مجالس لهو و گناه در صورتی که منجر به گوش دادن یا تأیید آن شود جایز نیست ولی در صورت شک در موضوع، حضور در آن مجلس و گوش دادن به آن فی‌نفسه اشکال ندارد.

س 1430: شرکت در مجالس و محافلی که انسان در آنها گاهی مبتلا به شنیدن کلام غیرمناسبی از قبیل افترا بر مقامات دینی یا مسئولین جمهوری اسلامی یا مؤمنین دیگر می‌شود چه حکمی دارد؟

مجرد حضور در آن مجالس تا زمانی که مستلزم ابتلا به عمل حرام مانند گوش دادن به غیبت و همچنین موجب تأیید و ترویج منکر نباشد، فی‌نفسه اشکال ندارد ولی نهی از منکر با وجود شرایط آن واجب است.

س 1431: در جلسات و انجمن‌هایی که در بعضی از کشورهای غیر اسلامی تشکیل می‌شود، طبق عادت برای پذیرایی حاضران از مشروبات الکلی استفاده می‌شود، آیا شرکت در این جلسات و انجمن‌ها جایز است؟

حضور در مجلسی که در آن شراب خورده می‌شود جایز نیست و در صورت اضطرار واجب است به مقدار ضرورت اکتفا شود.

دعانویسی و استخاره

س 1432: آیا پرداخت و دریافت پول در قبال نوشتن دعا جایز است؟ دریافت یا پرداخت مبلغی به عنوان اجرت نوشتن دعاهای وارده اشکال ندارد.

س 1433: دعاهایی که نویسندگان آنها ادعا می‌کنند که در کتابهای قدیمی دعا نقل شده‌اند، چه حکمی دارند؟ و آیا این ادعیه از نظر شرعی معتبر هستند؟ مراجعه به آنها چه حکمی دارد؟

اگر دعاها از ائمه اطهار **علیهم السلام** نقل و روایت شده باشند و یا مضامین آنها حق باشد، تبرک جستن به آنها اشکال ندارد. همانگونه که تبرک جستن به دعاهای مشکوک به این امید که از معصوم **علیه السلام** باشند، اشکال ندارد.

س 1434: آیا عمل به استخاره واجب است؟

الزام شرعی در عمل به استخاره وجود ندارد ولی بهتر است بر خلاف آن عمل نشود.

س 1435: بنا بر آنچه گفته می‌شود که در کارهای خیر نیازی به استخاره نیست. آیا در مورد کیفیت انجام آنها و یا در مورد مشکلات پیش بینی نشده‌ای که در خلال انجام آنها ممکن است پیش بیاید، استخاره جایز است؟ و آیا استخاره راهی برای شناخت غیب محسوب می‌شود یا اینکه فقط خدا از آن آگاه است؟

استخاره برای رفع حیرت و تردید در انجام کارهای مباح است، اعم از اینکه تردید در اصل عمل باشد یا در چگونگی انجام آن. بنا بر این در کارهای خیر که در آنها حیرت وجود ندارد، استخاره لازم نیست و همچنین استخاره برای آگاهی از آینده شخص یا عمل نمی‌باشد.

س 1436: آیا در مواردی مثل تقاضای طلاق یا عدم آن استخاره با قرآن صحیح است؟ و در صورتی که شخصی استخاره کند ولی طبق آن عمل نکند، حکم چیست؟

جواز استخاره با قرآن یا تسبیح اختصاص به مورد خاصی ندارد، بلکه در هر امر مباحی که شخص راجع به آن تردید و حیرت داشته باشد بطوری که قادر بر اتخاذ تصمیم نباشد، می‌توان استخاره گرفت و از نظر شرعی عمل به استخاره واجب نیست هر چند بهتر است انسان با آن مخالفت نکند.

س 1437: آیا استخاره با تسبیح یا قرآن درمسائل سرنوشت ساز مانند ازدواج جایز است؟ شایسته است انسان در اموری که می‌خواهد راجع به آنها تصمیم بگیرد، ابتدا تأمل و دقت کند و یا با افراد با تجربه و مورد اطمینان مشورت نماید و در صورتی که با این کارها تحیر او برطرف نشد، می‌تواند استخاره کند.

س 1438: آیا چند بار استخاره برای یک کار صحیح است؟ چون استخاره برای رفع حیرت است، بنا بر این بعد از برطرف شدن حیرت با استخاره اول، تکرار آن معنی ندارد مگر آنکه موضوع تغییر کند.

س 1439: گاهی مشاهده می‌شود نوشته‌هایی که متضمن معجزات امام رضا **علیه‌السلام** هستند با قرار دادن آنها بین صفحه‌های کتابهای زیارت که در زیارتگاهها و مساجد وجود دارند، در بین مردم توزیع می‌شوند و ناشر آنها هم در زیر آنها نوشته است که هر کس آن معجزه‌ها را بخواند واجب است آنها را به تعداد خاص بنویسد و در بین مردم توزیع کند تا به حاجت خود برسد، آیا این مطلب صحیح است؟ و آیا بر کسی که آنها را می‌خواند، واجب است که به درخواست ناشر عمل نماید؟

از نظر شرعی دلیلی بر اعتبار این امور وجود ندارد و کسی هم که آنها را می‌خواند ملزم به عمل به درخواست ناشر مبنی بر نوشتن آنها نیست.

احیاء مناسبت‌های دینی

مراسم عزاداری

س 1440: در حسینییه‌ها و مساجد بیشتر مناطق بخصوص روستاها مراسم شبیه‌خوانی به P شبیه خوانی: نمایش وقایع حادثه کربلا است که بصورت سنتی در یک مکان ثابت و یا در حال حرکت

در مسیرهای عزاداری حسینی انجام می‌شود. P اعتبار اینکه از سنت‌های قدیمی است برگزار می‌شود که گاهی اثر مثبتی در نفوس مردم دارد، این مراسم چه حکمی دارند؟ اگر مراسم شبیه‌خوانی مشتمل بر امور دروغ و باطل نباشند و مستلزم مفسده هم نباشند و با توجه به مقتضیات زمان باعث وهن مذهب حق هم نشوند، اشکال ندارند، ولی در عین حال بهتر است که به جای آنها، مجالس وعظ و ارشاد و ذکر مصائب حسینی و مرثیه خوانی بر پا شود. س 1441: استفاده از طبل و سنج و شیپور و همچنین زنجیرهایی که دارای تیغ هستند در مجالس و دسته‌های عزاداری چه حکمی دارد؟

اگر استفاده از زنجیرهای مزبور موجب وهن مذهب در برابر مردم شود و یا باعث ضرر بدنی قابل توجهی گردد، جایز نیست ولی استفاده از شیپور و طبل و سنج به نحو متعارف اشکال ندارد. س 1442: در بعضی از مساجد در ایام عزاداری از علم‌های متعددی استفاده می‌شود که P چوب یا آهن بزرگی است که به صورت افقی بر روی کتف انسان در جلوی هیئت‌ها و دسته‌های عزاداری حسینی به عنوان نوعی شعار حمل می‌شود و بالای آن صفحه‌های فنی قابل انعطافی وجود دارد که مزین به پر و جواهرات و مجسمه و غیر آنهاست. P دارای تزئینات زیاد و گرانبهائی است و گاهی موجب سؤال متدینین از اصل فلسفه آنها می‌گردد و در برنامه‌های تبلیغی خلل ایجاد می‌کند و حتی با اهداف مقدس مسجد تعارض دارد، حکم شرعی در این رابطه چیست؟ اگر قرار دادن آنها در مسجد با شئون عرفی مسجد منافات داشته باشد و یا برای نمازگزاران مزاحمت ایجاد کند، اشکال دارد.

س 1443: اگر شخصی علم‌ی را برای عزاداری سیدالشهدا **علیه‌السلام** نذر کرده باشد، آیا جایز است مسئولین حسینی از قبول آن خودداری کنند؟ این نذر، متولی حسینی و هیئت امناء آن را ملزم به قبول علم نمی‌کند. س 1444: استفاده از علم در مراسم عزاداری سیدالشهدا **علیه‌السلام** با قرار دادن آن در مجلس عزا یا حمل آن در دسته عزاداری چه حکمی دارد؟ فی نفسه اشکال ندارد ولی نباید این امور جزء دین شمرده شوند. س 1445: اگر بعضی از واجبات از مکلف به سبب شرکت در مجالس عزاداری فوت شود مثلاً نماز صبح قضا شود، آیا بهتر است بعد از این در این مجالس شرکت نکند یا اینکه عدم شرکت او باعث دوری از اهل بیت **علیه‌السلام** می‌شود؟

بدیهی است که نماز واجب، مقدم بر فضیلت شرکت در مجالس عزاداری اهل بیت **علیهم‌السلام** است و ترک نماز و فوت شدن آن به بهانه شرکت در عزاداری اما م حسین **علیه‌السلام** جایز نیست، ولی شرکت در عزاداری بگونه‌ای که مزاحم نماز نباشد ممکن و از مستحبات مؤکد است.

س 1446: در بعضی از هیئت‌های مذهبی مصیبت‌هایی خوانده می‌شود که مستند به مقتل معتبری نیست و از هیچ عالم یا مرجعی هم شنیده نشده است و هنگامی که از خواننده مصیبت از منبع آن سؤال می‌شود، پاسخ می‌دهند که اهل بیت (ع) اینگونه به ما فهمانده‌اند و یا ما را راهنمایی کرده‌اند و واقعه کربلا فقط در مقاتل نیست و منبع آن هم فقط گفته‌های علما نمی‌باشد بلکه گاهی بعضی از امور برای مداح یا خطیب حسینی از راه الهام و مکاشفه مکشوف می‌شود، سؤال من این

است که آیا نقل وقایع از این طریق صحیح است یا خیر؟ و در صورتی که صحیح نباشد، تکلیف شنوندگان چیست؟

نقل مطالب به صورت مزبور بدون اینکه مستند به روایتی باشد و یا در تاریخ ثابت شده باشد، وجه شرعی ندارد مگر آنکه نقل آن به عنوان بیان حال به حسب برداشت متکلم بوده و علم به خلاف بودن آن، نداشته باشد و تکلیف شنوندگان نهی از منکر است بشرطی که موضوع و شرایط آن نزد آنان ثابت شده باشد.

س 1447: از ساختمان حسینیه صدای قرائت قرآن و مجالس حسینی بسیار بلند پخش می‌شود بطوری که صدای آن از بیرون شهر هم شنیده می‌شود و این امر منجر به سلب آسایش همسایگان شده است و مسئولین و سخنرانان حسینیه اصرار به ادامه آن دارند، این عمل چه حکمی دارد؟ اگر چه اقامه مراسم و شعائر دینی در زمانهای مناسب در حسینیه از بهترین کارها و جزو مستحبات مؤکد می‌باشد، ولی واجب است برگزارکنندگان مراسم و عزاداران تا حد امکان از اذیت و ایجاد مزاحمت برای همسایگان بپرهیزند هر چند با کم کردن صدای بلندگو و تغییر جهت آن به طرف داخل حسینیه باشد.

س 1448: نظر شریف حضرتعالی نسبت به ادامه حرکت دسته‌های عزاداری در شبهای محرم تا نصف شب همراه با استفاده از طبل و نی چیست؟ به راه انداختن دسته‌های عزاداری برای سیدالشهدا و اصحاب او ❖ علیهم السلام ❖ و شرکت در امثال این مراسم امر بسیار پسندیده و مطلوبی است و از بزرگترین اعمالی است که انسان را به خداوند نزدیک می‌کند، ولی باید از هر ع ملّی که باعث اذیت دیگران می‌شود و یا فی‌نفسه از نظر شرعی حرام است، پرهیز کرد.

س 1449: استفاده از آلات موسیقی مانند اُرگ (از آلات موسیقی و شبیه پیانو است) و سنج و غیر آنها در مراسم عزاداری چه حکمی دارد؟

استفاده از آلات موسیقی، مناسب با عزاداری سالار شهیدان نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارفی که از قدیم متداول بوده برگزار شود.

س 1450: آیا آنچه متداول شده که به عنوان عزاداری برای امام حسین ❖ علیه السلام ❖ گوشت بدن را سوراخ کرده و قفل و سنگ کیلو به آن آویزان می‌کنند، جایز است؟ این گونه اعمال که موجب وهن مذهب می‌شوند جایز نیست.

س 1451: اگر انسان در زیارتگاههای ائمه ❖ علیهم‌السلام ❖ خود را به زمین بیندازد و همانند بعضی از مردم که صورت و سینه خود را بر زمین می‌مالند تا از آن خون جاری شود و به همان حالت وارد حرم می‌شوند، عمل کند چه حکمی دارد؟

این اعمال که به عنوان اظهار حزن و عزاداری سنتی و محبت ائمه ❖ علیهم‌السلام ❖ محسوب نمی‌شوند از نظر شرعی اعتباری ندارند، بلکه اگر منجر به ضرر بدنی قابل توجه و یا وهن مذهب شوند، جایز نیست.

س 1452: در بعضی از مناطق زنان مراسمی را به اسم سفره حضرت ابوالفضل ❖ علیه‌السلام ❖ برای اجرای برنامه‌هایی به عنوان جشن عروسی حضرت فاطمه ❖ علیها‌السلام ❖

برگزار می‌کنند و در آن شعرهای عروسی خوانده و کف می‌زنند و سپس شروع به رقص می‌کنند، انجام این امور چه حکمی دارد؟

برگزاری این جشنها و مراسم اگر همراه با ذکر اکاذیب و مطالب باطل نبوده و موجب وهن مذهب نشود، فی‌نفسه اشکال ندارد و اما رقص، اگر به گونه‌ای شهوت برانگیز یا مستلزم فعل حرام باشد، جایز نیست.

س 1453: باقیمانده اموالی که به عنوان هزینه‌های مراسم عاشورای امام حسین **علیه‌السلام** جمع‌آوری می‌شود، در چه موردی باید خرج شود؟

می‌توان اموال باقیمانده را با کسب اجازه اهداء کنندگان آنها در امور خیریه مصرف کرد و یا آنها را برای مصرف در مجالس عزاداری آینده نگه داشت.

س 1454: آیا جایز است در ایام محرم از افراد خیر اموالی را جمع‌آوری کرد و با تقسیم آنها به سهم‌های مختلف، قسمتی را به قاری قرآن و مرثیه‌خوان و سخنران داد و باقیمانده را برای برگزاری مجالس مصرف کرد؟

اگر با رضایت و موافقت صاحبان اموال باشد، اشکال ندارد.

س 1455: آیا جایز است زنان با حفظ حجاب و پوشیدن لباس خاصی که بدن آنان را بپوشاند، در دسته‌های سینه‌زنی و زنجیر زنی شرکت کنند؟

شرکت زنان در دسته‌های سینه‌زنی و زنجیر زنی شایسته نیست.

س 1456: اگر قمه‌زدن در عزاداری ائمه **علیهم‌السلام** موجب مرگ شخص شود، آیا این عمل خودکشی محسوب می‌شود؟

اگر این عمل عادتاً منجر به فوت نمی‌شود حکم خودکشی را ندارد ولی اگر از همان ابتدا خوف خطر جانی برای او وجود داشته و در عین حال این کار را انجام داده و منجر به فوت وی شده است، حکم خودکشی را دارد.

س 1457: آیا شرکت در مجالس فاتحه‌ای که برای مسلمانانی که با خودکشی از دنیا رفته، برگزار می‌شود جایز است؟ قرائت فاتحه برای آنان بر سر قبرشان چه حکمی دارد؟

این کار فی‌نفسه اشکال ندارد.

س 1458: خواندن مرثیه و مدیحه‌هایی که شنوندگان را در جشنهای تولد ائمه **علیهم‌السلام** و عید مبعث به گریه بیندازد چه حکمی دارد؟ ریختن پول بر سر حاضرین چه حکمی دارد؟

خواندن مرثیه و مدیحه در جشنهای اعیاد دینی اشکال ندارد و پاشیدن پول بر سر حاضرین هم بدون اشکال است بلکه اگر به قصد اظهار شادی و سرور و شادکردن قلوب مؤمنین باشد، ثواب هم دارد.

س 1459: آیا خواندن زن در مجالس عزاداری با علم او به اینکه مردان نامحرم صدای او را می‌شنوند جایز است؟

اگر خوف مفسده باشد باید از آن اجتناب شود.

س 1460: در روز عاشورا مراسمی مانند قمه‌زنی و پابره‌نه وارد آتش و ذغال روشن شدن برگزار

می‌شود که علاوه بر اینکه باعث بدنام شدن مذهب شیعه اثنی‌عشری در انظار علما و پیروان

مذاهب اسلامی و مردم جهان می‌شود، ضررهای جسمی و روحی هم به این اشخاص وارد می‌کند

و همچنین موجب توهین به مذهب می‌گردد، نظر شریف حضرتعالی در این باره چیست؟

هر کاری که برای انسان ضرر داشته و یا باعث وهن دین و مذهب گردد حرام است و مؤمنین باید از آن اجتناب کنند و مخفی نیست که بیشتر این امور باعث بدنامی و وهن مذهب اهل بیت **علیهم السلام** می‌شود و این از بزرگترین ضررها و خسارتهاست.

س 1461: آیا قمه زدن بطور مخفی حلال است یا اینکه فتوای شریف حضرت عالی عمومیت دارد؟
قمه زنی علاوه بر اینکه از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه محسوب نمی‌شود و سابقه‌ای در عصر ائمه **علیهم السلام** و زمانهای بعد از آن ندارد و تأییدی هم به شکل خ اص یا عام از معصوم **علیه السلام** در مورد آن نرسیده است، در زمان حاضر موجب وهن و بدنام شدن مذهب می‌شود بنابراین در هیچ حالتی جایز نیست.

س 1462: معیار شرعی ضرر اعم از جسمی یا روحی چیست؟
معیار، ضرری است که در نظر عرف، قابل توجه و معتنا باشد.

س 1463: زنجیر زدن به بدن همانگونه که بعضی از مسلمانان انجام می‌دهند، چه حکمی دارد؟
اگر به نحو متعارف و بگونه‌ای باشد که از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه در عزاداری محسوب شود اشکال ندارد.

ولادتها و اعیاد

س 1464: آیا انشای عقد اخوت در ایامی غیر از روز عید غدیر خم جایز است؟

انحصار آن به روز مبارک عید غدیر خم معلوم نیست هر چند اولی و احوط است.

س 1465: آیا واجب است عقد اخوت به همان صیغه مشهور اجرا شود یا اینکه اجرای آن به هر لغتی صحیح است؟

رعایت صیغه خاصی که وارد شده هر چند اولی است ولی تعیین آن احراز نشده است.

س 1466: نظر حضرت عالی راجع به عید نوروز چیست؟ آیا همانند عیدهایی که مسلمانان آنها را جدی می‌گیرند مثل عید فطر و قربان، از نظر شرعی ثابت شده است یا اینکه فقط روز مبارکی

محسوب می‌شود مثل روز جمعه و مناسبت‌های دیگر؟

هر چند نص معتبری مبنی بر اینکه عید نوروز از اعیاد دینی یا ایام مبارک شرعی باشد، وارد نشده است، ولی جشن گرفتن و دید و بازدید در آن روز، اشکال ندارد، بلکه از این جهت که صله رحم می‌باشد مستحسن است.

س 1467: آیا آنچه راجع به عید نوروز و فضیلت و اعمال آن وارد شده، صحیح است؟ آیا انجام آن

اعمال (اعم از نماز و دعا و غیره) به قصد ورود جایز است؟

انجام آن اعمال به قصد ورود، محل تأمل و اشکال است، بله انجام آنها به قصد رجاء و امید مطلوب بودن، اشکال ندارد.

احتکار و اسراف

س 1468: احتکار چه چیزهایی از نظر شرعی حرام است؟ آیا تعزیر مالی محکومان به نظر جناب عالی جایز است؟

حرمت احتکار بر اساس آنچه در روایات آمده و نظر مشهور هم همان است، فقط در غلات چهارگانه و در روغن حیوانی و روغن نباتی است که طبقات مختلف جامعه به آن نیاز دارند، ولی حکومت اسلامی هنگامی که مصلحت عمومی اقتضا کند، حق دارد از احتکار سایر احتیاجات مردم هم جلوگیری کند و اجرای تعزیر مالی بر محکوم در صورتی که حاکم صلاح بداند، اشکال ندارد. س 1469: گفته می‌شود که استفاده از نیروی برق برای روشنایی بیشتر از مقدار نیاز، اسراف محسوب نمی‌شود، آیا این سخن صحیح است؟

شکلی نیست که استفاده و مصرف هر چیز حتی نیروی برق و نور چراغ بیشتر از مقدار نیاز، اسراف محسوب می‌شود. آنچه صحیح است سخن منقول از رسول الله ﷺ صلی الله علیه و آله و سلم ﷺ است که می‌فرماید: «لا اسرف فی خیر» در کار خیر، اسراف وجود ندارد.

احکام خرید و فروش

شروط عقد

س 1470: آیا معامله معاطاتی در خرید و فروش و سایر معاملات، همانند معامله عقدی محکوم به لزوم است؟

بین معامله عقدی و معامله معاطاتی در لزوم، تفاوتی وجود ندارد.

س 1471: اگر زمین و خانه از طریق بیع یا مصالحه بین افراد خانواده با سند عادی خطی بدون ثبت رسمی و بدون انشای صیغه بوسیله یکی از علمای دینی، معامله شود، آیا این معامله از نظر شرعی و قانونی صحیح است؟

بعد از آنکه معامله بر وجه شرعی واقع شد، محکوم به صحت و لزوم است و عدم ثبت رسمی آن و عدم انشای صیغه ضرری به صحت آن نمی‌زند.

س 1472: آیا مجرد خرید ملکی که دارای سند رسمی است با سند عادی و بدون ثبت سند رسمی آن به نام مشتری، شرعاً جایز است؟

در تحقق اصل خرید و فروش، تنظیم سند رسمی و ثبت آن شرط نیست بلکه معیار، وقوع نقل و انتقال از طرف مالک یا وکیل و یا ولی او است به نحوی که شرعاً صحیح باشد هر چند در آن مورد اصلاً سندی تنظیم نشود.

س 1473: آیا مجرد تنظیم سند عادی بین فروشنده و خریدار برای تحقق بیع کافی است و سند آن محسوب می‌شود؟ و آیا قصد طرفین به انجام عقد بیع برای انعقاد آن و الزام فروشنده به تنظیم سند رسمی و تسلیم مبیع کافی است؟

مجرد قصد بیع یا تنظیم سند عادی در مورد آن برای تحقق بیع و انتقال مالکیت مبیع به مشتری کافی نیست و تا معامله به نحو صحیح شرعی واقع نشود، تنظیم سند رسمی به نام مشتری و درخواست تحویل کالا از سوی مالک لزومی ندارد.

س 1474: اگر دو نفر راجع به معامله‌ای گفتگو کرده و به توافق برسند و مشتری مبلغی را به عنوان بیعانه به فروشنده بپردازد و راجع به آن، سند کتبی تنظیم کنند و در آن شرط نمایند که اگر یکی از آنان از تمام کردن معامله خودداری کند باید مبلغی به دیگری بپردازد، آیا این مدرک به تنهایی به عنوان سند بیع محسوب می‌شود؟ به این معنا که مجرد توافق و اراده طرفین بر انجام بیع، برای انعقاد و تحقق آثار آن کافی باشد تا اینکه اگر یکی از آنان از قطعی کردن معامله خودداری کند، طرف دیگر حق داشته باشد او را ملزم به عمل به شرط نماید؟

مجرد قصد بیع یا توافق بر آن و یا وعده انجام آن هر چند با نوشتن سند کتبی راجع به آن همراه باشد، بیع محسوب نمی‌شود و برای تحقق آن هم کافی نیست و شرط هم تا در ضمن عقد و معامله نباشد و یا عقد مبتنی بر آن منعقد نشود اثری ندارد، بنابر این تا بیع و نقل و انتقال بر وجه صحیح شرعی منعقد نشود، هیچیک از طرفین نسبت به طرف دیگر از جهت توافق و وعده انجام معامله، حقی پیدا نمی‌کنند.

شرایط خریدار و فروشنده

س 1475: اگر شخصی از طرف دولت یا به حکم حاکم، وادار به فروش زمین و لوازم خانه‌اش شود، آیا برای کسی که می‌داند او مجبور به فروش شده، جایز است آنها را از او خریداری کند؟

اگر وادار کردن او به فروش زمین و لوازم خانه به حق باشد و توسط شخصی که شرعاً چنین حقی را دارد، صورت بگیرد، خرید آنها توسط دیگران از او اشکال ندارد، در غیر اینصورت منوط بر این است که بعد از معامله، اجازه آن را بدهد.

س 1476: بعد از آنکه زید، ملک خود را به عمرو، فروخت و پول آن را دریافت کرد و همچنین بعد از فروش آن توسط عمرو، به خالد و دریافت پول آن و مصرف آن در هزینه‌های او، حکم به توقیف و مصادره اموال زید شده، آیا این حکم، شامل ملکی که قبل از آن توسط زید فروخته شده، می‌شود و کشف از بطلان فروش آن می‌کند؟

اگر ثابت شود که فروشنده بر اثر حکم حاکم نسبت به توقیف اموالش از زمان معامله، حق فروش آنها را نداشته و یا با آنکه ذوالید بوده ولی مالک مبیع نبوده بلکه مبیع از چیزهایی بوده که حاکم حق مصادره آن را داشته، حکم مصادره که متأخر از بیع است، شامل مبیع هم شده و حکم به بطلان بیعی که قبل از صدور حکم صورت گرفته، می‌شود و در غیر این صورت، بیعی که قبل از صدور حکم انجام شده، مشمول مصادره اموال نشده و محکوم به صحت است.

س 1477: پیچیدگی روابط اجتماعی و مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم، گاهی آنان را وادار به انجام معاملات اضطراری می‌کند که زیانبار و غیرعادلانه و یا لااقل از نظر عرف مذموم محسوب می‌شوند، آیا اضطرار از نظر شرعی موجب بطلان معامله است یا خیر؟

اضطرار از نظر فقهی ضرری به صحت و نفوذ معامله اعم از خرید و فروش و غیر آنها که همراه با رضایت و طیب خاطر باشد، نمی‌زند. ولی از نظر اخلاقی و انسانی برطرف دیگر واجب است که از شرایط به وجود آمده برای شخص مضطرّ سوءاستفاده نکند.

بیع فضولی

س 1478: اینجانب قسمتی از یک زمین زراعی را از برادرم به نحو بیع شرط خریده‌ام، ولی برادرم اقدام به فروش مجدد آن به شخص دیگری نموده است، آیا معامله دوم او صحیح است؟ اگر بیع اول بر وجه صحیح شرعی محقق شده باشد، فروشنده حق فروش آن را به شخص دیگر قبل از فسخ بیع اول ندارد و اگر این کار را انجام دهد، بیع دوم فضولی و منوط بر اجازه مشتری اول است. س 1479: اعضای یک شرکت تعاونی قطعه زمینی را برای سکونت خریده‌اند که پول آن را خودشان پرداخته‌اند ولی سند رسمی آن به نام شرکت ثبت شده است، اخیراً هیئت اداری شرکت که در خرید و تأمین پول زمین نقشی نداشته‌اند، به عضویت شرکت در آمده و بدون کسب رضایت اعضای قبلی اقدام به فروش زمین به قیمتی کمتر از قیمت واقعی آن کرده‌است، آیا این بیع جایز است؟ اگر اشخاص معینی با پول خود زمین را برای خودشان خریده‌اند، زمین، ملک آنان است و کس دیگری در آن حقی ندارد و فروش آن به دیگران توسط هیئت اداری شرکت، بدون اجازه مالکان آن، فضولی است ولی اگر آن را با سرمایه شرکت که یک شخصیت حقوقی است، برای خود شرکت خریده‌اند، جزء اموال شرکت تعاونی خواهد بود و در این صورت جایز است هیئت اداری بر اساس مقررات شرکت در آن تصرف نماید.

س 1480: شخصی در هنگام سفر، برادرش را وکیل رسمی نموده تا خانه‌اش را به هر کسی حتی خودش بفروشد، ولی بعد از بازگشت از سفر از تصمیم خود مبنی بر فروش خانه منصرف شد و انصراف خود را بطور شفاهی به برادرش اطلاع داد، ولی برادر او به استناد وکالت رسمی مذکور، خانه را به خود منتقل نمود و سند آن را به نام خود ثبت کرد بدون آنکه پول را به موکل بدهد و یا خانه را از او تحویل بگیرد، آیا این بیع صحیح است؟

اگر ثابت شود که وکیل بعد از اطلاع از عزل خود هر چند بطور شفاهی، اقدام به فروش خانه به خودش نموده است، بیع، فضولی و منوط به اجازه موکل است.

س 1481: اگر مالکی کالای خود را به کسی بفروشد و سپس مجدداً آن را بدون آنکه حق فسخ بیع اول را داشته باشد به شخص دیگری بفروشد، آیا این بیع او صحیح است؟ و در صورتی که کالای فروخته شده نزد او موجود باشد، آیا جایز است مشتری دوم به استناد بیع دوم، آن را مطالبه کند؟ بعد از اتمام بیع اول کالا، فروش مجدد آن به شخص دیگر بدون اجازه مشتری اول، فضولی و منوط به اجازه او خواهد بود و تا بیع دوم را اجازه نداده است، حق دارد کالا را در هر جایی که یافت، اخذ کند و مشتری دوم حق ندارد آن را از فروشنده مطالبه کند.

س 1482: شخصی زمینی را با اموال شخص دیگری خریده است، آیا این زمین ملک او محسوب می‌شود یا ملک صاحب مال؟

اگر زمین را با عین مال شخص دیگری خریده باشد، در صورتی که صاحب مال، معامله را اجازه دهد، بیع از طرف او واقع می‌شود و خریدار حقی در آن ندارد و اگر اجازه ندهد، بیع، باطل است. برخلاف

زمانی که زمین را برای خودش و در ذمه بخرد و سپس پول آن را از مال شخص دیگری بدهد، در این صورت زمین ملک خود او خواهد بود ولی پول آن را به فروشنده بدهکار است و همچنین ضامن مال شخصی که پول او را به فروشنده داده است، می‌باشد و بر فروشنده هم واجب است که آنچه را در ابتدا به عنوان قیمت زمین دریافت کرده است به مالک آن برگرداند.

س 1483: اگر شخصی مال دیگری را بطور فضولی بفروشد و پول آن را گرفته و برای احتیاجات خود مصرف نماید و سپس بعد از گذشت مدت زیادی بخواهد عوض آن را به صاحب مال بدهد، آیا باید همان مبلغی را که از فروش مال او بدست آورده است به او بدهد یا قیمت آن را در آن زمان و یا در زمان پرداخت عوض به او بپردازد؟

اگر مالک بعد از اجازه اصل بیع، اجازه قبض ثمن را هم بدهد، باید همان مبلغی را که به عنوان ثمن از مشتری گرفته، به مالک بدهد و اگر اصل بیع را رد کند باید در صورت امکان، عین مال مالک را به او برگرداند و در صورت عدم امکان باید عوض آن را اعم از مثل یا قیمت به او بدهد و احوط این است که با مالک در مورد تفاوت قیمت زمان معامله و روز اداء، مصالحه نماید.

اولیای تصرف

س 1484: اگر پدری برای فرزندان صغیرش املاکی را خریداری نماید و صیغه شرعی عقد بیع هم جاری شود، آیا بیع با قبض و اقباض پدر بر اثر ولایتی که بر آنان دارد، محقق می‌شود؟ بعد از تحقق صحیح معامله از طرف پدر برای فرزند صغیرش، قبض مبیع توسط پدر به عنوان ولایت بر فرزند صغیر خود، برای تحقق بیع و ترتب آثار بر آن کافی است.

س 1485: سرپرست اینجانب در دوران کودکی اقدام به فروش زمین نموده و مبلغی را به عنوان بیعانه از مشتری گرفته است و نمی‌دانم که معامله بین آنان تمام شده یا خیر، ولی زمین بطور دائم در اختیار مشتری است و در آن تصرف می‌کند، آیا این بیع، صحیح و بر من نافذ است، یا اینکه جایز است خودم به عنوان مالک اصلی زمین را از او پس بگیرم؟

اگر ثابت شود که ولی شرعی شما زمینتان را به دلیل ولایتی که در آن زمان بر شما داشته، فروخته است، بیع، شرعاً محکوم به صحّت است و شما در حال حاضر تا زمانی که فسخ آن بیع، ثابت نشده است، حق مطالبه زمین را ندارید.

س 1486: اگر از دارایی میت مقداری پول نقد باقی بماند و قیّم، آن را نزد خود نگهداری کند و به کار نیندازد، آیا سود مال به مقداری که بانکها پرداخت می‌کنند (مثلاً 13%) یا هر مقداری که در بازار و عرف، متعارف می‌باشد، بر عهده اوست؟ و در صورتی که با مال مذکور تجارت کند و سودی را که مقدار آن مشخص نیست بدست آورد، حکم چیست؟

قیّم، ضامن سودهای فرضی اموال صغار نیست، ولی اگر با مال صغیر تجارت کند، همه درآمدهای حاصله، متعلق به صغیر است و قیّم در صورتی که شرعاً برای تجارت با مال صغیر مجاز باشد، فقط مستحق اجرةالمثل کار خود می‌باشد.

س 1487: آیا جایز است داماد و فرزندان شخص زنده غیر محجور، اموال و املاک او را بدون وکالت و کسب اجازه از او بفروشند؟

فروش ملک دیگری بدون اذن او فضولي بوده و منوط به اجازه اوست هر چند فروشنده داماد یا فرزند مالک باشد، بنا بر این تا مالک اجازه ندهد اثری بر آن معامله مترتب نمی‌شود.

س 1488: شخصی دچار سکتة مغزی و اختلال حواس شده است، در این حالت فرزندان چگونه می‌توانند در اموال وی تصرف کنند؟ تصرف یکی از فرزندان بدون اذن حاکم شرعی و بدون اجازه فرزندان دیگری چه حکمی دارد؟

اگر اختلال حواس او به حدی باشد که به نظر عرف مجنون محسوب شود، ولایت بر او و اموالش با حاکم شرع، است و برای هیچکس حتی فرزندانش تصرف در اموال او بدون اذن حاکم شرع، جایز نیست و اگر قبل از کسب اجازه از حاکم در اموال وی تصرف شود، غصب و موجب ضمان است و تصرفات معاملی در آنها فضولي و منوط به اجازه حاکم است.

س 1489: آیا اگر کسی با همسر شهیدی ازدواج کند و عهده‌دار سرپرستی او شود، برای او و فرزندان و همسرش (مادر فرزندان شهید) استفاده از اشیای خریداری شده با پول بنیاد شهید که به فرزندان او می‌دهد، جایز است؟ حقوقی که برای فرزندان شهید مقرر شده است و کمکهای جنسی و نقدی که بنیاد شهید به آنان می‌کند، چگونه باید مصرف شود؟ آیا واجب است آنها را جدا نموده و بطور دقیق فقط برای فرزندان شهید مصرف نمایند؟

تصرف در اموال مخصوص فرزندان صغیر شهید، اعم از اینکه برای مصرف در هزینه‌های خود آنان باشد و یا برای استفاده دیگران، هر چند به مصلحت کودکان صغیر شهید باشد، باید به اذن ولی شرعی آنان صورت بگیرد.

س 1490: اشیایی که دوستان شهید هنگام دیدار از خانواده او به آنان هدیه می‌دهند چه حکمی دارند؟ آیا جزئی از اموال فرزندان شهید محسوب می‌شود؟

اگر هدایا برای فرزندان شهید باشد، با قبول ولی شرعی جزء اموال آنان محسوب می‌شود و تصرف دیگران در آنها منوط به اذن ولی شرعی آنان است.

س 1491: پدر صاحب یک غرفه تجاری بود که بعد از وفاتش عموهایم آن را اداره می‌کردند و مبلغ معینی را به عنوان اجاره به ما می‌دادند، بعد از گذشت مدتی مادرم که قیم ما بود مبلغی پول از یکی از عموهایم قرض گرفت و آنان هم پرداخت اجاره آن را به حساب مبلغی که از آنان قرض گرفته‌ایم قطع کردند و سپس آن غرفه تجاری را برخلاف قانون حفظ و نگهداری اموال کودکان صغیر تا رسیدن به سن بلوغ از مادرم خریدند و معامله بطور رسمی در دوران حکومت قبلی با کمک بعضی از افراد که تابع آن حکومت بودند، قطعی و تمام شد، تکلیف ما در حال حاضر چیست؟ آیا آن تصرفات و معامله محکوم به صحت هستند یا اینکه ما از نظر شرعی حق فسخ آن معامله را داریم؟ و آیا حق صغیر با مرور زمان از بین می‌رود؟

اجاره غرفه و قطع پرداخت مال الاجاره به جهت مبلغی که قرض گرفته شده و همچنین فروش آن محکوم به صحت است، مگر آنکه از طریق شرعی و قانونی ثابت شود که فروش سهم کودکان صغیر در آن زمان به مصلحتشان نبوده و یا قیم آنان مجاز در فروش آن نبوده است و کودکان هم بعد از بلوغ آن معامله را اجازه نداده‌اند و بر فرض اثبات بطلان معامله، مرور زمان اثری در سقوط حق افراد صغیر ندارد.

س 1492: شوهرم در یک حادثه رانندگی که یکی از دوستانش راننده ماشین بود کشته شد و من قیّم شرعی و قانونی فرزندان صغیرم شدم. اولاً: آیا من باید از راننده، مطالبه دیه و یا پیگیری مسئله دریافت حق بیمه را بکنم؟

ثانیا: آیا جایز است در مال مخصوص فرزندان برای برگزاری مراسم عزاداری پدرشان تصرف کنم؟

ثالثاً: آیا برای من جایز است از حق کودکان صغیر نسبت به دیه کوتاه بیایم؟

رابعاً: اگر از حق آنان کوتاه بیایم و آنان بعد از بلوغ به آن راضی نشوند، آیا من ضامن دیه هستم؟ اگر راننده یا فرد دیگری از نظر شرعی ضامن دیه باشد، بر شما واجب است که به عنوان ولایت بر کودکان صغیر حق آنان را با مطالبه از کسی که دیه بر عهده اوست، حفظ کنید و همچنین در مسأله حق بیمه هم اگر کودکان به موجب قانون چنین حقی را داشته باشند، همین وظیفه را دارید.

- مصرف اموال صغیر در هزینه‌های مجالس ترحیم پدرشان جایز نیست هر چند به طریق ارث از پدرشان به آنان رسیده باشد.

و 4 - گذشت شما از حق فرزندان که خلاف مصلحت آنان می‌باشد جایز نیست و آنان می‌توانند بعد از بلوغ دیه را مطالبه کنند.

س 1493: شوهرم که چند کودک صغیر دارد فوت کرده است و به استناد رأی دادگاه جدّ پدری آنان ولی و قیّم همگی آنان شده است، آیا در صورتی که یکی از فرزندان به سنّ بلوغ برسد، قیّم برادران دیگری می‌شود؟ و اگر اینگونه نباشد، آیا من حق دارم سرپرست فرزندانم باشم؟ و از طرفی جدّ آنان به استناد رأی دادگاه قصد دارد سدس اموال میّت را بگیرد، این مسئله چه حکمی دارد؟

قیمومت و ولایت بر ایتم صغیر تا زمان بلوغ و رشد آنان با جدّ پدری ایشان است بدون اینکه نیاز به نصب از طرف دادگاه باشد، ولی تصرفات او در اموال آنان باید طبق مصلحت و منفعت ایشان باشد و اگر اقدام به عملی بر خلاف مصلحت کودکان صغیر کرد، حق دارند در آن مورد برای پیگیری و بررسی به دادگاه مراجعه کنند و هر یک از آنان که به سن بلوغ برسد و رشید شود از ولایت و قیمومت جدّ پدری خارج می‌شود و اختیار امور خود را بدست می‌گیرد ولی نه او و نه مادرش ولایت و قیمومت بر فرزندان صغیر دیگر پیدا نمی‌کنند و چون جدّ آنان از اموال پدرشان به مقدار سدس ارث می‌برد، بنابراین اشکال ندارد که سدس اموال میّت را برای خود دریافت کند.

س 1494: زن شوهرداری که دارای پدر و مادر و شوهر و سه فرزند صغیر است به قتل رسیده است و دادگاه حکم صادر کرده که قاتل آن زن برادر شوهر اوست و باید به اولیای دم دیه بپردازد، ولی پدر کودکان صغیر که ولی شرعی آنان هم هست برادر خود را قاتل نمی‌داند و لذا از دریافت دیه از برادرش برای خود و فرزندان خودداری می‌کند، آیا این عمل او جایز است؟ و همچنین آیا با وجود پدر و جدّ پدری کودکان صغیر، آیا کس دیگری به هر عنوانی حق دخالت در این امر و اصرار بر گرفتن دیه برای فرزندان آن زن از عموی آنان را دارد یا خیر؟

- اگر پدر صغار یقین داشته باشد که برادرش که متهم به قتل همسرش است قاتل و مدیون حقیقی به دیه نیست، جایز نیست از او دیه بگیرد و به عنوان گرفتن حقّ اولاد صغیرش از او دیه مطالبه کند.

- با وجود پدر یا جدّ پدری که بر صغار ولایت و قیمومت دارند، کس دیگری حق دخالت در امور آنان را ندارد.

س 1495: اگر مقتول فقط اولاد صغیري داشته باشد و قیّمي که بر آنان نصب شده از اولیای دم نباشد، آیا برای او عفو قاتل یا تبدیل قصاص به دیه جایز است؟
اگر اختیارات ولّی شرعی به قیّم منصوب و اگذار شده، می‌تواند با رعایت مصلحت و غبطه صغیر نسبت به عفو قاتل یا تبدیل قصاص به دیه اقدام نماید.

س 1496: مبلغی پول از یک صغیر در بانک وجود دارد و قیّم او قصد دارد به منظور تجارت برای او مقداری از آن را از بانک بگیرد تا بدین ترتیب هزینه‌های فرد صغیر را تأمین کند، آیا این کار برای او جایز است؟

برای ولی و قیّم صغیر جایز است با رعایت مصلحت و غبطه صغیر با مال او برای خود او به عنوان مضاربه کار کنند یا آن را به دیگری بدهند تا با آن کار کند به شرط اینکه عامل مورد اطمینان و امین باشد و الاّ ضامن مال صغیر هستند.

س 1497: اگر اولیای دم یا بعضی از آنان صغیر باشند و ولایت بر آنان در مطالبه حق‌شان با حاکم باشد، آیا در صورتی که حاکم اعسار جانی را احراز کند، جایز است او را با تبدیل قصاص به دیه، از قصاص عفو کند؟

در صورتی که حاکم شرع، غبطه و مصلحت صغار را در تبدیل بدانند، جایز است حقّ قصاص را تبدیل به دیه نماید.

س 1498: آیا جایز است حاکم، ولی قهری طفل را بعد از ثبوت ضرر رساندن او به اموال طفل عزل کند؟

اگر برای حاکم هر چند از طریق قرائن و شواهد آشکار شود که استمرار ولایت ولی قهری طفل و تصرفات وی در اموال طفل به ضرر او است، عزل وی بر حاکم واجب است.

س 1499: آیا خودداری ولی از قبول هبه و صلح غیر معوّض و موارد دیگری از همین قبیل که به نفع صغیر هستند، ضرر زدن به صغیر یا عدم رعایت مصلحت او محسوب می‌شود؟
مجرد خودداری از قبول هبه و صلح غیر معوّض برای صغیر، ضرر زدن به او و عدم رعایت مصلحت وی محسوب نمی‌شود. بنابر این فی‌نفسه اشکال ندارد زیرا بر ولی تحصیل مال برای صغیر واجب نیست بلکه ممکن است به نظر ولی، خودداری او از پذیرفتن در بعضی موارد به مصلحت طفل باشد.

س 1500: اگر دولت، زمین یا اموالی را به فرزندان شهدا اختصاص دهد و تصویب کند که به نام آنان به ثبت برسد، اما ولی صغار از امضای اسناد آنها خودداری کند. آیا حاکم می‌تواند این کار را به ولایت از صغار انجام دهد؟

اگر تحصیل اموال برای صغار منوط بر امضای ولی باشد، انجام آن بر او واجب نیست و حاکم با وجود ولی شرعی، ولایتی بر آنان ندارد، ولی اگر حفظ اموال مخصوص صغار، منوط بر امضای ولی باشد، او حق ندارد از انجام آن امتناع کند و اگر از انجام آن خودداری نماید، حاکم باید او را وادار به امضا کرده و یا خود به عنوان ولایت بر صغار این کار را انجام دهد.

س 1501: آیا عدالت در ولایت بر طفل شرط است؟ و اگر ولی طفل فاسق باشد و خوف فساد طفل یا از بین رفتن اموال او وجود داشته باشد، حاکم چه وظیفه‌ای دارد؟

عدالت، شرط ولایت پدر و جدّ پدری بر طفل نیست، ولی اگر برای حاکم هر چند با قرائن حالیه ثابت شود که پدر و یا جدّ پدری باعث ضرر برای طفل خواهند شد، باید آنان را عزل نموده و از تصرف در اموال طفل منع کند.

س 1502: اگر در قتل عمد، همه اولیاء دم مقتول، صغیر یا مجنون باشند، آیا ولیّ قهری (پدر یا جدّ پدری) یا قیمّ انتخابی دادگاه حق درخواست قصاص یا مطالبه دیه را دارند؟
از مجموعه ادله ولایت اولیاء صغیر و مجنون، چنین استفاده می‌شود که جعل ولایت برای آنان از طرف شارع مقدّس به خاطر حفظ مصلحت مولیّ علیّه است. بنابراین در مسأله مورد بحث، ولیّ شرعی آنان باید با ملاحظه غبطه و مصلحت آنان اقدام کند و انتخاب او نسبت به قصاص یا دیه یا عفو مع‌العوض یا بلاعوض، نافذ است. بدیهی است که تشخیص مصلحت صغیر و مجنون باید با ملاحظه همه جوانب و از جمله، نزدیک یا دور بودن او از سنّ بلوغ صورت گیرد.

س 1503: اگر جنایتی بر انسان کاملی واقع شود، آیا پدر یا جدّ پدری او حقّ تقاضای دیه و گرفتن آن برای مجنی علیّه بدون اذن او را دارند؟ یعنی آیا بر جانی واجب است که هنگام مطالبه پدر یا جدّ پدری دیه را به مجنی علیّه پرداخت کند؟

آنان ولایتی بر مجنی علیّه بالغ و عاقل ندارند، لذا نمی‌توانند بدون اذن او حقّ وی را مطالبه کنند.

س 1504: آیا برای ولی صغار جایز است به عنوان ولایت بر آنان، وصیت مورث ایشان در زائد بر ثلث را اجازه دهد؟

ولی شرعی، می‌تواند با رعایت غبطه و مصلحت صغار، اجازه دهد.

س 1505: آیا پدر نسبت به مادر در رابطه با فرزند، ذیحق‌تر و دارای اولویت است؟ و اگر پدر یا جدّ پدری اولویتی ندارند بلکه پدر و مادر هر دو به یک مقدار صاحب حق هستند، آیا هنگام اختلاف، قول پدر مقدّم است یا قول مادر؟

پاسخ با اختلاف حقوق مختلف می‌شود، ولایت بر صغیر به عهده پدر و جدّ پدری است و حضانت فرزند پسر تا دو سالگی و فرزند دختر تا هفت سالگی با مادر است و بعد از آن با پدر است و حقّ اطاعت و حرمت اذیت پدر و مادر توسط فرزند به یک مقدار است و فرزند باید حال مادر را بیشتر مراعات کند، در روایات وارد شده که بهشت زیر پای مادران است.

س 1506: شوهرم که دو فرزند از او دارم به شهادت رسیده است، برادر و مادر شوهرم آن دو کودک و لوازم زندگی و تمام اموالشان را گرفته و از دادن آنان به من خودداری می‌کنند، با توجه به اینکه من بخاطر آنان ازدواج نکرده و ازدواج هم نخواهم کرد، چه کسی حق نظارت بر آنان و اموالشان را دارد؟
نگهداری اطفال یتیم تا رسیدن به سنّ تکلیف شرعی حقّ مادرشان است، ولی ولایت بر اموال آنان با قیمّ شرعی آنان است و در صورت نبودن قیمّ با حاکم شرع است و عموی صغار و مادر بزرگشان حق حضانت و ولایت بر آنان و اموالشان را ندارند.

س 1507: بعضی از اولیای کودکان صغیر بعد از ازدواج همسر میّت، مانع استفاده مادر و فرزندان تحت حضانت او از سهم صغار از ارثیه پدرشان از قبیل خانه و سایر لوازم مورد نیازشان می‌شوند، آیا مجوّز شرعی وجود دارد که آنان را وادار به تسلیم سهم صغار به مادرشان که حضانت آنان را بر عهده دارد، نماید؟

اقدامات وّلي شرعي صغار بايد با ملاحظه مصلحت و غبطه آنان باشد و تشخيص مصلحت با او است و چنانچه بر خلاف، عمل کند و سبب بروز اختلاف گردد، بايد به حاکم شرع رجوع شود.

س 1508: آیا تجارت قِيم صغار با اموال ایشان به نحوي که منافع آنان حفظ شود، صحيح است؟ با مراعات مصلحت و غبطه صغار اشکال ندارد.

س 1509: هنگام وجود جدّ، عمو، دايي و همسر، حقّ ولایت و قيمومت با کدامیک از آنان است؟ ولایت شرعي بر صغير يتيم و اموال او با جدّ پدري است و حقّ حضانت او هم فقط با مادر است و عمو و دايي حقّ ولایت و حضانت ندارند.

س 1510: آیا جايز است اموال يتيمان با اذن دادستان کلّ در قبال قبول حضانت آنان، در اختيار مادر قرار گیرد، بطوري که جدّ پدري آنان فقط حقّ اشراف و نظارت داشته باشد و حق دخالت مستقيم نداشته باشد؟

این کار بدون موافقت جدّ پدري که ولي شرعي کودکان است، جايز نیست مگر آنکه باقي ماندن اموال ایتام در اختیار جدّشان موجب ضرر به آنان شود که در این صورت حاکم باید جلوي آن را بگیرد و ولایت بر اموال آنان را به کسی بسپارد که او را شایسته آن می‌داند اعم از اینکه مادر باشد یا غیر او. س 1511: آیا بر ولي طفل دریافت دیه‌اي که طفل استحقاق گرفتن آن را دارد، از کسی که دیه بر عهده اوست، واجب است؟ و آیا بکارگیری سهم صغير از دیه هر چند با گذاشتن در حساب سرمایه گذاری بانکی در صورتی که به نفع صغير باشد، بر او واجب است؟

بر ولي طفل واجب است در صورتی که جنایت موجب دیه باشد، آن را برای صغير از فرد جاني مطالبه و اخذ نماید و برای او تا رسیدن به سنّ بلوغ و رشد حفظ کند، اما ملزم به تجارت و بهره برداری از آن برای صغير نیست، ولي انجام آن در صورتی که به مصلحت صغير باشد، اشکال ندارد. س 1512: اگر یکی از اعضاي شرکت که ورثه صغيري دارد فوت کند، و ورثه او بر اثر سهمی که در اموال شرکت پیدا می‌کنند با اعضاي دیگر شریک شوند، سایر اعضا نسبت به تصرفاتشان در اموال شرکت چه تکلیفی دارند؟

واجب است در مورد سهم صغار به ولي شرعي یا حاکم شرع مراجعه شود.

س 1513: آیا به مقتضاي ولایت جدّ پدري بر ایتام و اموال آنان، واجب است اموالشان که از طریق ارث از ما ترک میت به آنان رسیده، برای محفوظ ماندن، به جدّ پدري تحویل داده شود؟ و بر فرض وجوب آن، اطفال با مادرشان در کجا باید سکونت کنند؟ و با توجه به اینکه آنان یا مشغول به تحصیل هستند و یا صغیرند و مادرشان هم فقط خانه دار است، از چه منبعی باید ارتزاق کنند؟

ولایت بر صغار به معنای لزوم تسلیم اموالشان به ولي و محرومیت آنان از استفاده از اموال تا رسیدن به سنّ بلوغ نیست، بلکه به معنای لزوم نظارت ولي بر آنان و اموالشان و مسئولیت او نسبت به حفظ اموالشان است و تصرف در اموال آنان هم موقوف بر اذن اوست، و بر ولي هم واجب است که از اموال صغار به مقدار نیازشان به آنان بپردازد و در صورتی که مصلحت ببیند که اموال را در اختیار مادر و اطفال بگذارد تا از آن استفاده کنند، می‌تواند این کار را انجام دهد.

س 1514: تا چه مقدار جايز است پدر در اموال فرزند بالغ و عاقل خود که مستقل از اوست تصرف کند؟ و آیا اگر تصرفی کند که مجاز به آن نیست، ضامن است؟

برای پدر جایز نیست در اموال فرزند بالغ و عاقل خود تصرف کند مگر با اجازه و رضایت او و تصرف بدون رضایت او حرام و موجب ضمان است مگر در مواردی که استثنا شده است.

س 1515: یکی از مؤمنین که سرپرستی برادران یتیم خود را بر عهده دارد و اموالی از آنان در نزد او موجود است با مال آنان اقدام به خرید زمینی بدون سند و مدرک برای ایشان کرده است به این امید که در آینده برای آن سند بگیرد و یا آن را به مبلغی بیشتر از قیمت خرید بفروشد ولی اکنون خوف آن را دارد که کسی ادعای مالکیت زمین را کند و یا کسی آن را تصرف نماید و اگر در حال حاضر مبادرت به فروش آن کند پول خرید آن هم بدست نمی‌آید، آیا در صورتی که آن را به قیمتی کمتر از قیمت خرید بفروشد و یا غاصبی آن را غصب کند، ضامن پول ایتام است؟

اگر شرعاً قیم یتیمان باشد و با رعایت مصلحت و منفعت آنان اقدام به خرید زمین برای آنان کرده باشد، چیزی بر عهده او نیست و در غیر این صورت معامله فضولی و منوط به اجازه ولی شرعی یا اجازه خودشان بعد از رسیدن به سن بلوغ می‌باشد و او هم ضامن مال یتیمان است.

س 1516: آیا جایز است پدر از اموال طفل برای خودش به عنوان قرض بردارد و یا به دیگری قرض بدهد؟

اگر با رعایت غبطه و مصلحت او باشد، اشکال ندارد.

س 1517: اگر به کودک لباس یا چیزهای دیگر مثل اسباب‌بازی هدیه داده شود و بعد از بزرگ شدن کودک و یا به علت‌های دیگر برای او غیر قابل استفاده گردد، آیا جایز است ولی او آنها را صدقه بدهد؟

جایز است ولی طفل با رعایت غبطه و مصلحت او هر گونه که صلاح می‌داند در آنها تصرف کند.

شرایط جنس و عوض آن

س 1518: آیا جایز است انسان بعضی از اعضای بدنش (مثل کلیه) را به شخصی که به آن نیاز دارد، بفروشد؟

اگر آن عضو از اعضای باشد که برداشتن آن از بدن خطر و یا ضرر قابل ملاحظه‌ای برای اهداء کننده عضو نداشته باشد، اشکال ندارد.

س 1519: اشیایی که فایده و اهمیتی نزد عموم مردم ندارند ولی نزد گروه خاصی از ارزش و اهمیت برخوردار هستند مانند حشرات و زنبورها و مانند آنها که برای مراکز تحقیقی و دانشگاهها ارزش تحقیقاتی دارند، آیا این اشیا دارای مالیت هستند و احکام اشیایی که مالیت دارند از قبیل مالکیت، جواز خرید و فروش، ضمان بر اثر اتلاف و غیره، بر آنها هم جاری می‌شود؟

هر چیز که به خاطر منافع حلال آن موجب رغبت عقلاء ولو گروهی از آنان باشد، مالیت داشته و همه احکام و آثار اموال مانند مالکیت و جواز خرید و فروش و ضمان بر اثر ید یا اتلاف و غیره بر آن مرتب می‌شود مگر احکام و آثاری که دلیلی بر عدم ترتب آنها از نظر شرعی وجود دارد، هر چند احوط این است که در معاوضه چیزهایی مثل زنبور و حشرات، عوض در برابر حق اختصاص و رفع ید از این اشیا قرار داده شود.

س 1520: بنابر اشتراط عین بودن مبیع همانگونه که بسیاری از فقها به آن معتقدند، آیا فروش علوم فنی‌آنگونه که امروزه در قراردادهایی که بین دولتها راجع به مبادله آن منعقد می‌شود، صحیح است؟

مبادله آنها از طریق مصالحه اشکال ندارد.

س 1521: فروش زمین یا کالای دیگر به شخصی که مشهور به دزدی است و این احتمال وجود دارد که مالی را که به عنوان ثمن به فروشنده می‌پردازد، از اموال مسروقه باشد، چه حکمی دارد؟ معامله با کسی که مشهور به کسب مال از راه حرام است، به صرف احتمال مذکور، اشکال ندارد و اگر یقین داشته باشد پولی که به او می‌پردازد از اموال حرام است، گرفتن آن جایز نیست.

س 1522: من یک قطعه زمین زراعی دارم که مهریه‌ام بوده است، و اخیراً اقدام به فروش آن کرده‌ام، در حال حاضر مردی ادعا می‌کند که آن زمین بیشتر از دو بیست سال است که وقف می‌باشد، تکلیف من در مورد فروش آن چیست؟ و شوهرم که این زمین را به عنوان مهریه به من داده است چه تکلیفی دارد؟ و مشتری که آن را از من خریده است چه تکلیفی دارد؟

همه معاملات که بر زمین مذکور صورت گرفته، محکوم به صحت هستند مگر آنکه مدعی وقفیت، ادعای خود را در دادگاه شرعی ثابت کند و همچنین ثابت شود که این وقف از مواردی است که فروش آن جایز نیست و بر فرض ثبوت هر دو امر، حکم به بطلان همه معاملات می‌شود که بر روی آن صورت گرفته است و در این صورت شما باید ثمن را به مشتری برگردانید و زمین هم واجب است به حالت وقفیت برگردد و شوهر شما هم ضامن مهریه است.

س 1523: واردات گوسفندان و چارپایان از جزایر ایرانی مجاور به دولتهای خلیج فارس افزایش پیدا کرده است و نزد تجار معروف است که صادرات آنها از جمهوری اسلامی ممنوع می‌باشد و به شکل غیر قانونی قاچاق می‌شوند، بنابراین آیا خرید آنها از بازارهای دولتهای مزبور جایز است؟ انتقال و صادرات گوسفند و چارپایان دیگر به کشورهای خارجی از راههای غیرقانونی و برخلاف مقررات دولت اسلامی شرعاً ممنوع است.

س 1524: پدرم یک ساعت از سهم آبیاری خود و زمین‌های تابع آن را بر اساس قانون اصلاحات ارضی که او را ملزم به فروش زمین می‌کرد به زارع فروخته است بدون آنکه به اعتراف خریدار، چیزی در برابر آن دریافت کند و از پدرم هم کلامی که دلالت برهبه آن کند، شنیده نشده است، آیا جایز است پول آن را از خریدار مطالبه کنیم؟

به طور کلی اگر حق آبیاری و زمین‌های تابع آن شرعاً ملک فروشنده باشد، خود او و همچنین ورثه او بعد از فوت وی حق دارند از مشتری پول مبیع را مطالبه کنند، ولی امر زمینهای اصلاحات ارضی تابع قانون مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

س 1525: آیا کسی که جواز واردات یا خرید از یک غرفه تجاری را بدست آورده، جایز است بدون انجام کاری آن را در بازار آزاد به شخص دیگری بفروشد؟

این کار در صورتی که مخالف مقررات دولت اسلامی نباشد، فی نفسه اشکال ندارد.

س 1526: آیا فروش یا اجاره دادن پروانه کار تجاری که هموطنان از دولت می‌گیرند جایز است؟ انتقال حق انتفاع از پروانه کار به دیگری بطور مجانی یا در برابر عوض، تابع مقررات دولت جمهوری اسلامی است.

س 1527: جنسی که به مقتضای قانون باید فروش آن به صورت مزایده علنی باشد، اگر برای فروش در مزایده عرضه شود، آیا فروختن آن به قیمتی کمتر از قیمتی که کارشناس روی آن گذاشته است، در صورتی که به آن قیمت، مشتری نداشته باشد، جایز است یا خیر؟

قیمتی که توسط کارشناس معین شده، معیار فروش در مزایده نمی‌باشد، لذا اگر جنسی در مزایده به نحو صحیح از نظر شرعی و قانونی برای فروش عرضه شود، فروش آن به بالاترین قیمتی که در مزایده مشتری دارد، محکوم به صحت است.

س 1528: در زمین مجهول‌المالکی یک منزل مسکونی بنا کرده‌ایم. آیا فروش زمین همراه با ساختمان موجود در آن با رضایت مشتری و علم او به اینکه مجهول‌المالک بوده و فروشنده، فقط مالک ساختمان آن است، جایز است؟

اگر ساخت بنا در زمین مجهول‌المالک با اذن حاکم شرع باشد، مالک ساختمان فقط می‌تواند مبادرت به فروش ساختمان بکند و حق فروش زمین را ندارد.

س 1529: اینجانب خانم را به مردی فروخته‌ام و او هم چکی را به مبلغ معینی به عنوان قسمتی از پول به من داده است، ولی با توجه به عدم وجود پول در حسابش از نقد کردن چک خودداری می‌کند، با در نظر گرفتن نسبت تورم و بالا رفتن قیمت خانه با گذشت زمان و همچنین با توجه به اینکه طی مراحل پیگیری قانونی و محکومیت مشتری برای دستیابی به مبلغ چک، مدتی طول می‌کشد، آیا من فقط حق دریافت مبلغ چک را دارم یا می‌توانم تفاوت قدرت خرید نسبت به روز دریافت مبلغ چک را هم از او مطالبه کنم؟

فروشنده حق مطالبه مبلغی بیشتر از قیمت معین شده مبیع در معامله را ندارد، ولی در صورتی که بر اثر کوتاهی خریدار در پرداخت پول، قدرت خرید فروشنده و ارزش پول پایین بیاید و متضرر شود، احوط این است که با مشتری در مقدار مابه‌التفاوت مصالحه کند.

س 1530: اینجانب یک آپارتمان مسکونی را از شخصی خریده‌ام به این شرط که آن را در مدت معینی به من تحویل دهد و در ضمن عقد بر امکان افزایش قیمت آن تا 15% توافق کرده‌ایم، ولی اکنون فروشنده، بطور یکجانبه، قیمت را تا 31% افزایش داده است و اعلام کرده است که تسلیم و تجهیز آپارتمان مشروط به پرداخت آن مقدار می‌باشد، آیا انجام این کار برای او جایز است؟ اگر قیمت نهایی و قطعی در هنگام اجرای عقد معین نشده باشد و یا تعیین قیمت، موکول به ملاحظه قیمت روز تحویل شده باشد، بیع باطل است و فروشنده می‌تواند از انجام معامله خودداری نموده و هر قیمتی را که می‌خواهد معین کند و مجرد توافق و تراضی بعدی خریدار و فروشنده بر تعیین قیمت قطعی به قیمت روز تسلیم مبیع، برای صحت بیع کافی نیست.

س 1531: اینجانب 15 از سهم مشاع یک کارخانه پلاستیک سازی را به مبلغ معینی خریده‌ام و 14 قیمت آن را بصورت نقد و 34 آن را در سه فقره چک که مبلغ هر کدام 14 قیمت است، پرداخت نموده‌ام، اما کارخانه و وجوه نقدی و چک‌ها همه در دست فروشنده هستند، آیا شرعاً با آن بیع محقق می‌شود و من حق مطالبه سهم خود از سود کارخانه را از فروشنده دارم؟ قبض مبیع و پرداخت نقدی همه قیمت به فروشنده در صحت خرید و فروش شرط نیست، بنابراین اگر خرید 15 کارخانه از مالک شرعی آن و یا وکیل یا ولی او بر وجه صحیح محقق شود، آن مقدار بر اثر معامله مزبور، ملک مشتری محسوب شده و آثار ملکیت او بر آن مرتب می‌شود و در نتیجه حق مطالبه سهم خود از سود کارخانه را خواهد داشت.

شروط ضمن عقد

س 1532: شخصی باغ خود را به این شرط که تا وقتی که زنده است منافع آن متعلق به خود او باشد، به فرد دیگری فروخته است، آیا این بیع با شرط مذکور صحیح است؟
فروش مبیع به نحوی که برای مدتی مسلوب المنفعة باشد اشکال ندارد به شرطی که مالیت شرعی و عرفی داشته و قابل انتفاع باشد، هر چند بعد از پایان مدتی که منفعت آن استثنا شده است. ولی اگر استثنای منافع تا مدتی نامعین، منجر به جهل به ثمن یا مثن شود، بیع به علت غرر باطل است.

س 1533: اگر در ضمن عقد با فروشنده شرط شود که در صورت تأخیر تسلیم مبیع از مدت مقرر، مبلغ معینی را به مشتری بپردازد، آیا عمل به این شرط شرعاً بر عهده او هست یا خیر؟
شرط مذکور اشکال ندارد و بر فروشنده واجب است در صورت تأخیر تسلیم مبیع، به آن شرط عمل کند و مشتری هم می‌تواند خواستار عمل به شرط شود.

س 1534: شخصی یک مغازه تجاری را به این شرط که پشت بام آن ملک خود او باقی بماند و حق ساخت بنا در بالای آن را داشته باشد، فروخته است، آیا با وجود این شرط و با علم به اینکه اگر آن شرط نبود اصلاً آن رانمی‌فروخت، مشتری حقی، نسبت به پشت بام مغازه دارد یا خیر؟
بعد از استثناء پشت بام مغازه در معامله، مشتری حقی در آن ندارد.

س 1535: شخصی خانه‌ای را که هنوز تکمیل نشده، خریده است، به این شرط که فروشنده در ازای ثبت آن به نام مشتری از او مبلغی را مطالبه نکند، ولی اکنون در قبال ثبت سند به نام مشتری از او مبلغی را مطالبه می‌کند، آیا چنین حقی را دارد؟ و آیا پرداخت آن بر مشتری واجب است؟
بر فروشنده واجب است به تعهدی که هنگام خرید و فروش نموده، عمل کرده، مبیع را به مشتری تحویل دهد و سند آن را به نام او نماید و حق ندارد چیزی را بیشتر از آنچه که عقد مبتنی بر آن منعقد شده، مطالبه کند مگر آنکه بنا به درخواست مشتری مبادرت به انجام عملی کند که از نظر عرف دارای ارزش بوده و زائد بر اعمالی باشد که در ضمن عقد بر آن توافق شده است.

س 1536: زمینی به قیمت معینی فروخته شده و تمام پول آن هم به فروشنده پرداخت شده است و در ضمن عقد مقرر گشته است که مشتری مبلغ معینی را به فروشنده در برابر اقدام به ثبت سند رسمی به نام مشتری بپردازد. همه این امور در یک سند عادی نوشته شده است ولی در حال حاضر فروشنده در برابر تسلیم سند رسمی به مشتری مبلغ بیشتری را نسبت به مبلغ نوشته شده در سند عادی مطالبه می‌کند، آیا او حق این کار را دارد؟

بر فروشنده واجب است بعد از تحقق خرید و فروش به نحو صحیح شرعی به عقد بیع و همه اموری که در ضمن آن به نفع مشتری ملتزم شده عمل کند و حق ندارد از او مبلغی را بیشتر از آنچه به آن ملتزم شده است مطالبه کند.

س 1537: اگر خریدار و فروشنده در ضمن تنظیم قرارداد بیع ملتزم شوند که حق عدول از معامله را نداشته باشند و در صورتی که مشتری بعد از امضای قرارداد از انجام معامله منصرف شود، حق مطالبه بیعانه‌ای را که به فروشنده داده است ندارد و همچنین اگر فروشنده بعد از امضای قرارداد منصرف شود، باید علاوه بر برگرداندن بیعانه مذکور، مبلغ معینی را هم به عنوان ضرر و خسارت به مشتری بپردازد، آیا شرط خیار یا اقاله توسط آنان به صورت مذکور صحیح است؟ و آیا مالی که از این طریق بدست می‌آید برای آنان حلال است؟

شرط مذکور شرط خیار فسخ یا اقاله نیست بلکه شرط پرداخت مبلغی در صورت انصراف از انجام معامله است و این قبیل شروط به مجرد ذکر و ثبت آنها در ضمن تنظیم قرارداد بیع و امضای آن، تا زمانی که در ضمن عقد ذکر نشوند، اثری ندارند، ولی با ذکر در ضمن عقد یا انعقاد عقد مبتنی بر آن صحیح بوده و وفا به آن هم واجب است و گرفتن مالی که به این ترتیب بدست می‌آید، اشکال ندارد. س 1538: گاهی عبارت زیر در قراردادهای بیع نوشته می‌شود: ♦ اگر یکی از طرفین، اقدام به فسخ معامله نمود باید فلان مبلغ را به عنوان غرامت به طرف دیگر بپردازد ♦ . سؤال این است که اولاً: آیا این عبارت شرط خیار محسوب می‌شود؟ و ثانياً: آیا این قبیل شروط صحیح هستند؟ و ثالثاً: در صورتی که شرط باطل باشد، آیا عقد هم باطل است؟

این شرط، شرط خیار محسوب نمی‌شود بلکه شرط پرداخت مبلغی در صورت انصراف از اتمام و تکمیل معامله است و این شرط اگر در ضمن عقد لازم باشد و یا عقد مبتنی بر آن منعقد شود اشکال ندارد. ولی باید برای این قبیل شرطها که در قیمت مبیع مؤثر هستند مدت معینی ذکر شود و الاً باطل است.

مسائل متفرقه بیع

س 1539: بعضی از افراد اقدام به فروش بعضی از املاک خود می‌کنند به این شرط که دوباره آن را از همان مشتری به قیمتی بیشتر از قیمتی که خریده است خریداری کنند، آیا این بیع صحیح است؟ این نوع بیع صوری و وسیله‌ای برای دستیابی به قرض ربوی می‌باشد و لذا حرام و باطل است، بلکه اگر ملک خود را بطور جدی و به نحو صحیح شرعی بفروشند و سپس اقدام به خرید نقدی یا نسیه آن به همان قیمت یا بیشتر از مشتری نمایند، اشکال ندارد.

س 1540: بعضی از تجار به نیابت از تجار دیگر اقدام به واردات کالا از طریق اسناد اعتباری بانکی نموده و سپس به نیابت از آنان مبادرت به پرداخت قیمت کالا به بانک بعد از دریافت اسناد آن می‌کنند و در برابر این کار درصد معینی را که قبلاً بر آن توافق شده از آنان می‌گیرند، آیا این معامله صحیح است یا خیر؟

اگر تاجر، کالا را برای خودش وارد کند و سپس آن را با سودی که به نسبت درصدی از قیمت کالا مشخص می‌شود به کسی که می‌خواهد، بفروشد، اشکال ندارد و همچنین اگر کالا را برای کسی که از او درخواست کرده است به عنوان جعّاله همراه با عوض و اجرت عمل که آن را به نسبت درصدی از قیمت کالا معین می‌کند، وارد کند، اشکال ندارد.

س 1541: بعد از وفات همسر بعضی از لوازم منزل را فروخته و مبلغی روی پول آن گذاشته و لوازم دیگری خریدم، آیا استفاده از این لوازم در خانه همسر دوم جایز است؟ اگر لوازمی را که فروخته‌اید، ملک شما بوده، آنچه را هم که با پول آنها خریده‌اید، ملک شما محسوب می‌شود و در غیر این صورت، فروش آنها منوط به اجازه سایر ورثه می‌باشد.

س 1542: شخصی یک محل تجاری را از مالکی که آن را بدون اخذ پروانه ساخت از شهرداری، بنا نموده، اجازه کرده است و شهرداری جریمه تخلف از قوانین ساخت‌وساز در آن مکان را مطالبه می‌کند، آیا این جریمه را باید مستأجر بپردازد یا مالک محل تجاری که آن را بدون پروانه ساخته است؟

پرداخت این جریمه بر عهده مالک است که در ساخت آن مکان از قوانین ساختمان سازی، تخلف کرده است.

س 1543: زمینی را از کسی که در آن تصرف کرده و زراعت می‌کند و آن را به موجب قانون اصلاحات ارضی نظام سابق بدست آورده است، خریداری کرده‌ام، ولی نمی‌دانم فروشنده، همان مالک شرعی آن است یا خیر؟ و مدت زمان طولانی است که فوت کرده و ورثه او الآن پول آن را از من مطالبه می‌کنند، حکم این مسئله چیست؟
امر زمینهای اصلاحات ارضی تابع قانون مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

س 1544: ملکی را از شخصی خریده و به فرد دیگری فروختم، ولی فروشنده بعد از آنکه قرارداد معامله را از من گرفت، اقدام به فروش مجدد آن به شخص دیگری نمود، با این فرض که من نمی‌توانم ثابت کنم که او سند معامله را از من گرفته است، آیا معامله‌ای که من انجام داده‌ام، صحیح است یا معامله‌ای که او انجام داده است؟
با فرض تحقق خرید از مالک به وجه صحیح شرعی، اختیار مبیع در دست مشتری است و فروش آن توسط او به هر شخصی که می‌خواهد، صحیح است و فروشنده اول حق تصرف در آن را ندارد و بیع مجدد او به فرد دیگر فضولی و منوط به اجازه مشتری اول است.

س 1545: من به فرزند برادرم قول دادم که قسمتی از زمین هایم را زمانی که تمام پول آن را به من پرداخت به او بفروشم، ولی به سبب بعضی از مشکلات اداری سند زمین را قبل از بیع به نام او کردم و خود وی هم اقرار نمود که مالک زمین نیست، ولی بعد از مدتی به استناد ثبت سند به نام او مبادرت به مطالبه زمین نموده است، آیا من باید خواسته او را اجابت کنم؟
مدعی خرید زمین تا زمانی که تحقق آن را بر وجه صحیح شرعی ثابت نکرده است، حقی در آن زمین نخواهد داشت و با فرض اقرار صریح او به عدم مالکیت هنگام ثبت سند به نام او، نمی‌تواند به سند آن ملک استناد کند.

س 1546: شخصی مالک قطعه زمینی بوده که شرکت تعاونی اداره ما مبادرت به تصرف و توزیع آن بین کارمندان اداره نموده است و همچنین از کارمندان هم مبلغی پول گرفته و ادعا می‌کند که آنها را به صاحب زمین داده و رضایت او را جلب کرده است، ولی بعضی از آنان ادعا می‌کنند که بطور مستقیم از مالک شنیده‌اند که راضی نیست، از طرفی در آن زمین، مسجد و خانه‌های مسکونی هم ساخته شده است، با توجه به مطالب مذکور سؤالات زیر را مطرح می‌کنیم:
- آیا نسبت به زمین مسجد و استمرار ساخت آن احتیاج به کسب اجازه از صاحب زمین است یا خیر؟

- تکلیف کارمندان نسبت به زمینهایی که خانه‌های خود را در آن ساخته‌اند چیست؟
اگر ثابت شود که نمایندگان شرکت تعاونی (که مکلف به خرید زمین از مالک بوده‌اند) به طریق صحیح اقدام به معامله کرده و رضایت مالک را تحصیل نموده‌اند، خرید زمین توسط آنان از مالک محکوم به صحت است و همچنین اگر هنگام تقسیم زمین بین کارمندان ادعا کنند که آن را به نحو شرعی از مالک آن گرفته‌اند، تا زمانی که کذب سخن آنان ثابت نشده است، گفته آنان و توزیع زمین توسط آنان حمل بر صحت می‌شود و ترتیب اثر دادن به آن صحیح است و تصرف در آن زمین برای

کسانی که از شرکت مذکور گرفته‌اند، اشکال ندارد و همچنین ساخت مسجد در قسمتی از آن زمین با اذن مشتریانی که در آن شریک هستند، اشکال ندارد.

س 1547: شخصی از همسر شهیدی خواسته است که تقاضای دریافت امتیازی را که به فرزندان شهدا در خرید ماشین داده می‌شود، بنماید تا با خرید ماشین برای خودش از آن استفاده کند. همسر شهید هم به اعتبار اینکه قیّم فرزندان شهید می‌باشد با آن موافقت کرده است، ولی فرزندان شهید بعد از خرید ماشین ادّعا می‌کنند که متعلّق به آنان است زیرا خرید آن بر اثر امتیازی بوده که به آنان داده شده است. آیا این ادّعا مسموع است؟ اگر فروشنده ماشین آن را هر چند بر اثر ارائه گواهی امتیاز خرید، به خود مشتری فروخته است و او هم ماشین را برای خود و با مال خود خریده است، ماشین ملک او محسوب می‌شود، هر چند ضامن قیمت امتیازی است که به خانواده آن شهید عزیز داده شده است.

س 1548: زمینی را به وکالت از مالک آن با سند عادی به شخصی فروخته و مقداری از پول آن را گرفتیم و قرار شد بعد از پرداخت باقیمانده آن اقدام به ثبت رسمی سند به نام مشتری نماییم، ولی او باقیمانده پول را نپرداخت و در نتیجه سند رسمی ملک به اسم موکل من باقی ماند و تا به حال در دفتر ثبت اسناد رسمی به نام مشتری نشده است. در خلال این مدت مشتری، اقدام به ساخت بدون مجوّز چند مغازه در آن برای کسب و تجارت نموده است و به همین دلیل مالیاتهای غیر قابل انتظاری مثل مالیات اجاره و تعاون به آن تعلق گرفته است، در حالی که این زمین که دوازده سال پیش با سند عادی فروخته شده، یک زمین خالی بوده و علاوه در قرارداد بیع تصریح شده است که هنگام ثبت سند رسمی به نام مشتری همه هزینه‌ها به عهده اوست، آیا مالیاتهای مذکور، شرعاً بر عهده فروشنده است یا خریدار؟

مالیاتها و هزینه‌هایی که به اصل زمین و یا به فروش آن تعلق گرفته، بر عهده فروشنده است و آنچه به ساختمانی که در زمین ساخته شده و یا به زمین بخاطر ساختمان سازی در آن تعلق گرفته، بر عهده خریدار است که آن مغازه‌های تجاری را در زمین ساخته است و اگر در ضمن عقد شرط و توافق شده که هزینه‌ها بر عهده یک طرف باشد باید به همان صورت عمل نمایند.

س 1549: شخصی یک آپارتمان مسکونی را از فردی بطور نقدی و قسطی بعد از توافق دوطرف بر قیمت و شرایط بیع و اقساط خریده است و سپس آن را با همان شرایط به شخص دیگری فروخته است، به این شرط که پرداخت مابقی اقساط آن به عهده مشتری دوم باشد، آیا برای فروشنده اول عدول از شروط معامله و قرار داد قبلی جایز است؟

فروشنده بعد از تحقق بیع حقّ عدول از آن و شروط آن را ندارد و همچنین اقدام مشتری به فروش مبیع به شخص دیگر قبل از پرداخت قسطهای آن اشکال ندارد، ولی شرط پرداخت اقساط توسط مشتری دوم، صحیح نیست مگر آنکه فروشنده آن را قبول کند.

س 1550: در یکی از فروشگاهها یک دستگاه تلویزیون برای فروش به هر کسی که قرعه به نام او در آید عرضه شده است، با من صدو سی نفر در این قرعه کشی شرکت کرده‌اند که قرعه به نام من در آمده و تلویزیون را خریدم، آیا این معامله صحیح است؟ و آیا استفاده از آن برای من جایز است؟ اگر انعقاد بیع بعد از اصابت قرعه به نام شما باشد، آن معامله و استفاده از مبیع اشکال ندارد.

س 1551: شخصی یکی از زمینهای خود را به فردی فروخته و مشتری هم آن را به شخص سوم فروخته است، با توجه به اینکه به هر یک از معامله‌های مربوط به آن زمین طبق قانون رایج، عوارض دولتی تعلق می‌گیرد، آیا واجب است ابتدا فروشنده اول مبیع را به نام مشتری اول کند و سپس او اقدام به ثبت آن به نام مشتری دوم نماید یا آنکه جایز است مستقیماً آن را به نام مشتری دوم کند تا مشتری اول از مالیاتهای معامله، معاف شود؟ و اگر اقدام به ثبت آن به اسم مشتری اول کند، آیا ضامن ضررهایی که بر اثر مالیاتهای مأخوذه به مشتری اول وارد می‌شود هست یا خیر؟ و آیا بر او اجابت خواست مشتری اول، مبنی بر ثبت مستقیم مبیع به نام مشتری دوم واجب است؟

فروشنده اول نسبت به ثبت زمین فروخته شده به نام مشتری اول یا دوم تا زمانی که بر خلاف قانون، نباشد، مخیر است و می‌تواند از مشتری بخواهد که در عمل بر طبق قانون رایج، با او همراهی کند و او ضامن عوارضی که از مشتری اول در صورت ثبت زمین به نام او از وی گرفته می‌شود نیست، همچنانکه ملزم به اجابت درخواست او نسبت به ثبت زمین بطور مستقیم به اسم مشتری دوم هم نمی‌باشد.

احکام خیارات

- خیار مجلس

س 1552: شخصی ساختمانی را خریداری نموده و مبلغی را به عنوان بیعانه به فروشنده پرداخت کرده است و فروشنده بعد از سه ساعت اقدام به فسخ بیع نموده و از تحویل ساختمان به خریدار خودداری کرده است، این کار او چه حکمی دارد؟

اگر فسخ او بعد از متفرق شدن از مجلس بیع و بدون ثبوت یکی از موجبات شرعی خیار فسخ صورت گرفته باشد، باطل و بدون اثر است و الاً حکم به صحّت و نفوذ فسخ می‌شود.

- خیار عیب

س 1553: اگر اداره‌های رسمی از ثبت ملک به نام خریدار خودداری کنند، آیا باعث ثبوت حق فسخ برای او می‌شود؟

اگر بعد از معامله آشکار شود که انتقال رسمی مبیع به دیگری ممنوع است با فرض این که این امر عرفاً عیب محسوب می‌شود، موجب ثبوت خیار برای خریدار می‌گردد.

س 1554: اگر ثبت رسمی سند به نام خریدار در زمان معامله ممنوع باشد و او به آن علم داشته باشد، آیا موجب بطلان معامله می‌شود یا خیر؟

این امر باعث بطلان بیع نشده و در فرض مذکور موجب ثبوت حق فسخ هم برای او نمی‌شود.

- خیار تأخیر

س 1555: شخصی خانه‌ای را از فردی به قیمت معینی خریده و پرداخت پول آن را برعهده گرفته است ولی بدون آنکه شرط تأخیر پرداخت ثمن را داشته باشد آن را نپرداخته است تا اینکه دو سال از زمان انجام معامله گذشته و فروشنده هم خانه را تحویل خریدار نداده است، آیا این بیع، باطل محسوب می‌شود؟

مجرد تأخیر مشتری در پرداخت ثمن به فروشنده و دریافت مبیع از او بیع را باطل نمی‌کند هر چند آن را با فروشنده شرط نکرده باشد. ولی بعد از گذشت سه روز از این بیع، فروشنده خیار فسخ دارد.

- خیار شرط

س 1556: اینجانب یک آپارتمان مسکونی را به صورت بیع لازم به شخصی فروختم به این شرط که اگر در موعد مقرر برای ثبت سند آپارتمانی به نام او و دریافت باقیمانده آن از او در دفتر ثبت اسناد رسمی حاضر نشود، حق فسخ معامله و فروش آپارتمان به قیمت روز به شخص دیگر را داشته باشم و چون خریدار در موعد مقرر در دفتر ثبت اسناد رسمی حاضر نشد، بیع را فسخ نموده و آپارتمان را به شخص دیگری فروختم. آیا این بیع دوم شرعاً صحیح است؟

مبادرت به فسخ بیع و فروش مجدد مبیع به شخص دیگر طبق شروطی که دو طرف در ضمن عقد لازم به آن ملتزم شده‌اند، اشکال ندارد.

- خیار رؤیت

س 1557: اگر فروشنده زمین به خریدار بگوید که مساحت آن، فلان متر مربع است و سند بیع بر همان اساس تنظیم شود و سپس خریدار متوجه شود که مساحت زمین بسیار کمتر از آن مقداری است که فروشنده گفته است، آیا این بیع از نظر شرعی صحیح است؟ و آیا خریدار حق فسخ دارد؟ اگر مشتری قطعه زمین را ببیند و آن را با اعتماد به شخص فروشنده نسبت به مقدار مساحت آن، خریداری کند، معامله صحیح است، ولی خریدار به علت تخلف وصف، حق فسخ دارد، اما اگر به این گمان که مساحت آن زمین فلان مقدار است هر متری از آن را به قیمت معینی بخرد و بعد مشخص شود که متراژ آن از مقدار گفته شده کمتر است بیع نسبت به مساحت موجود صحیح است و خریدار حق دارد پول مقدار ناقصی زمین را از فروشنده مطالبه کند و یا بیع را فسخ نموده و تمام ثمن را پس بگیرد.

- خیار غبن

س 1558: اگر مشتری پرداخت قیمت مبیع را از زمان آن به تأخیر بیندازد و قیمت مبیع نسبت به روز معامله افزایش پیدا کند، آیا این امر باعث ثبوت خیار غبن برای فروشنده می‌شود یا اینکه با تأخیر در پرداخت قیمت از موعد آن، خیار تأخیر برای او ثابت می‌شود؟

معیار ثبوت خیار غبن حصول غبن نسبت به قیمت عادلانه در زمان معامله است مثل اینکه کالایی را به قیمتی کمتر از قیمت زمان بیع به مقداری که عرفاً، قابل مسامحه نیست بفروشد، ولی افزایش قیمت بعد از تحقق عقد، معیار غبنی که موجب خیار است، نمی‌باشد، همانگونه که مجرد تأخیر در پرداخت ثمن موجب ثبوت خیار برای فروشنده نمی‌شود.

س 1559: زمینی را به مبلغی فروختم، شخصی به من گفت که در این معامله مغبون شده‌اید، آیا با گفته او خیار غبن برای من ثابت می‌شود؟

تا زمانی که ثابت نشده شما آن را بدون اطلاع، به قیمتی کمتر از قیمت زمان فروش به مقداری که قابل مسامحه نیست، فروخته‌اید، خیار غبن ندارید.

س 1560: شخصی زمینی را به مساحت معینی می‌فروشد و سپس معلوم می‌شود که متراژ واقعی زمین مورد معامله، بیشتر از مقداری است که فروخته و پول آن را گرفته است، آیا او حق

مطالبه مقدار زیادی زمین را دارد؟

اگر تمام آن قطعه زمین را به تصور اینکه متراژ معینی دارد به قیمت معینی بفروشد و سپس معلوم شود که مساحت آن بیشتر است و در نتیجه ارزش آن بیشتر از قیمتی است که زمین را به آن قیمت فروخته است، بر اثر ثبوت خیار غبن، حق فسخ دارد، ولی اگر زمین را هر متری به قیمت معینی بفروشد، می‌تواند قیمت چند متر زائد را مطالبه کند.

س 1561: اگر بین دو نفر معامله‌ای صورت بگیرد به این شرط که خریدار پول مبیع را برای مدتی نپردازد تا معلوم شود که در این معامله مغبون شده یا خیر، آیا این معامله شرعاً صحیح است؟ و بر فرض صحت آیا خریدار حق فسخ دارد؟

بیع با شرط تأخیر در پرداخت ثمن تا مدت معین اشکال ندارد هر چند به غرض کشف این امر باشد که مغبون شده است یا خیر، ولی تا زمانی که غبن او ثابت نشده، حق فسخ ندارد.

س 1562: معامله غبنی در صورتی که طرف مغبون غیر مسلمان باشد، چه حکمی دارد؟ در ثبوت خیار غبن برای مغبون فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان نیست.

س 1563: اینجانب خانه‌ای را به شخصی فروختم، وی بعد از تسلیم پول آن و تحویل گرفتن مبیع اعلام کرد که مغبون شده و معامله را فسخ کرد، ولی از آن زمان به دلایل مختلف از تخلیه خانه و دریافت پولی که به من پرداخته است، خودداری می‌کند و بعد از گذشت دو سال ادعا می‌کند که من معامله را در مورد نصف خانه فسخ کرده‌ام و در حال حاضر هم نصف پول را از من مطالبه می‌کند. آیا با علم به اینکه او مدعی غبن است و بر اثر آن اقدام به فسخ بیع کرده، شرعاً جایز است ادعای مالکیت نصف خانه را بنماید؟

در صورتی که غبن مغبون ثابت شود، فقط حق فسخ بیع در تمام مبیع و استرداد مالی را که پرداخت کرده است، دارد، و حق فسخ بیع در جزئی از مبیع یا حق مطالبه مبلغی بیشتر از مالی را که پرداخت کرده است ندارد.

س 1564: معامله‌ای بین دو نفر واقع شده که سند عادی در مورد آن تنظیم نموده و در ضمن عقد شرط کرده‌اند که اگر هر یک از آنان از معامله پشیمان شود باید مبلغ معینی را به طرف دیگر بپردازد، آیا اگر یکی از طرفین بر اثر غبن از معامله پشیمان شود، حق فسخ آن را دارد؟ و اگر معامله را بر اثر غبن فسخ کند، آیا باید به آن شرط عمل نماید؟

هر چند شرط پرداخت پول، توسط کسی که از اتمام معامله، خودداری کند اگر ضمن عقد بیع بوده و یا عقد مبتنی بر آن باشد، فی نفسه صحیح و وفا به آن واجب است، لکن شامل موردی که معامله را می‌توان با خیار غبن فسخ نمود، نمی‌شود.

س 1565: بعد از گذشت یک هفته از خرید خانه‌ای آشکار شد که در آن معامله مغبون شده‌ام، لذا برای فسخ آن به فروشنده مراجعه کردم، و او با فسخ و برگرداندن پول من موافقت نکرد و در نتیجه خانه در اختیار و تحت تصرف من باقی ماند، سپس قیمت خانه گران شد و فروشنده هم درخواست فسخ معامله و تخلیه خانه را نمود ولی من از پذیرش درخواست او خودداری کردم و از او تقاضای موافقت با پرداخت مبلغی بیشتر از پولی که به او داده بودم نمودم، ولی او از پرداخت مبلغ زائد خودداری کرد. آیا مجرد رجوع من به فروشنده بعد از ثبوت غبن برای فسخ معامله و یا قبول فسخ توسط من در صورتی که او مبلغی را بیشتر از پولی که به او داده بودم به من بپردازد، فسخ معامله محسوب می‌شود یا خیر؟

مجرد مراجعه ذوالخيار به طرف ديگر معامله براي توافق بر فسخ آن و يا صرف رضایت او به بازگرداندن مبيع به فروشنده در مقابل دریافت مبلغی زائد از او، فسخ معامله محسوب نمی‌شود، ولی چون فسخ معامله توسط ذوالخيار منوط به موافقت طرف ديگر و بازگرداندن مبيع به او نیست، بنا بر این اگر هنگامی که از غبن مطلع شدید، واقعا معامله را فسخ کنید، شرعا صحیح است و بعد از آن، مالک خانه مزبور نیستید بلکه بر شما واجب است که از آن رفع ید کنید و آن را به فروشنده، تحویل دهید.

- بیع خياری (بیع شرط)

س 1566: اگر شخصی چیزی را به فردی به صورت بیع خياری بفروشد، آیا قبل از تسلیم مبيع به مشتری، جایز است او یا مشتری آن را به فرد دیگری بفروشد؟

مبيع بعد از تحقق بیع خياری تا زمانی که فسخ نشده، ملک مشتری است و فروشنده تا معامله اول را فسخ نکرده، حق فروش مجدد آن را به فرد دیگر ندارد و مشتری می‌تواند، بعد از پایان مهلت خيار، آن را به فرد دیگری بفروشد هر چند هنوز آن را قبض نکرده باشد. مشروط بر اینکه فروشنده معامله را در مدت خيار فسخ نکرده باشد.

- خيار تخلف شرط

س 1567: شخصی کالایی را از فردی خریداری کرده است به این شرط که در طی دو ماه همه پول آن را بپردازد و مشتری تا آن زمان، خيار فسخ داشته باشد، ولی مشتری کالا را بعد از هفت ماه از تاریخ معامله به فروشنده بازگردانده است و فروشنده هم آن را پذیرفته به این شرط که درصدی از پول کالا به سبب تأخیر در فسخ از مدت مقرر که باعث ورود خسارت تخمینی شده است، کم شود، زیرا اگر معامله در مدت مقرر خود فسخ می‌شد، فروشنده کالا را در همان زمان می‌فروخت و از پول آن در تجارتهای دیگر بهره می‌برد، سؤال این است که آیا مشتری حق فسخ معامله را بعد از گذشت مهلت خيار دارد؟ و بر فروشنده قبول آن واجب است؟ و آیا فروشنده حق دارد قبول فسخ را معلق به کسر درصدی از پول کالا کند؟

ذوالخيار بعد از گذشت مدت خيار، حق فسخ و پس دادن کالا را ندارد و همچنین نمی‌تواند فروشنده را ملزم به قبول فسخ کند، بلکه جایز است بر اقاله توافق کنند، ولی فروشنده نمی‌تواند قبول اقاله را مشروط به کسر درصدی از پول کند و در صورتی که با کم کردن از پول مشتری اقاله کند، باطل است.

س 1568: آیا هر یک از متبایعین می‌توانند با ادعای عدم تحقق قصد و غرض آنان از معامله، آن را فسخ کنند؟

عدم تحقق غرض تا زمانی که به صورت شرط در ضمن عقد ذکر نشود و یا انعقاد عقد، مبنی بر آن نباشد، شرعا موجب ثبوت خيار فسخ نمی‌شود.

س 1569: اینجانب مغازه تجاری خود را با سند عادی با شرایطی فروختم از جمله مالیاتهای آن را خریدار بپردازد، ولی وی تاکنون از پرداخت آنها خودداری کرده است، آیا من حق فسخ معامله را دارم یا خیر؟

اگر بطور صریح در ضمن عقد شرط کرده باشند که در صورت عدم پرداخت مالیاتها توسط خریدار، فروشنده حق فسخ بیع را داشته باشد، و یا عقد مبتنی بر این امر، واقع شده باشد، حق فسخ برای او ثابت است.

س 1570: فردي قطعه زميني را خريده است به اين شرط كه اگر دولت از ثبت سند رسمي به نام او جلوگیری كند و يا معلوم شود كه زمين در طرح شهرداري قرار دارد، حق فسخ داشته باشد و چون خريدار نتوانسته براي اين زمين پروانه ساختمان بگيرد، در حال حاضر از فروشنده درخواست فسخ و بازگرداندن پول زمين را مي‌كند، ولي به اين شرط كه اگر شهرداري اجازه ساختمان سازي در اين زمين را از زمان حاضر تا دو سال بعد بدهد، فروشنده دوباره زمين را به همان قيمت قبلي به او بفروشد، آیا اشتراط شرط مزبور توسط او صحيح است؟

گر چه مشتري بر اساس شرط ضمن عقد كه مورد قبول طرفين است مي‌تواند معامله را فسخ كند و پول زمين را از فروشنده مطالبه نمايد ولي حق اشتراط چيزي را در ضمن فسخ عليه فروشنده ندارد. س 1571: عقد بيعي بين فروشنده و خريدار با شروط معيني كه مشتري به نفع فروشنده به آنها ملتزم شده، محقق شده است و مشتري قسمتي از ثمن معامله را به عنوان بيعانه به فروشنده پرداخت کرده ولي از عمل به بقيه شرطهاي بيع خودداري مي‌كند، آیا با اين وضعيت او شرعا حق الزام فروشنده به اتمام معامله را دارد؟

فروشنده بايد تا زماني كه عقد را بر اثر تخلف شرط فسخ نكرده، به آن وفا كند ولي اگر حق فسخ داشته باشد هر چند دليل تخلف مشتري از بعضي از شروط باشد، جاز است بيع را فسخ نمايد و در اين صورت مشتري حق ندارد فروشنده را به چيزي غير از بازگرداندن پولي كه از او گرفته است، ملزم نمايد.

احكام متفرقه خيارات

س 1572: آیا ترك مطالبه حق يا تأخير در مطالبه آن مثلا به مدت دو سال شرعا موجب سقوط حق مي‌شود؟

مجرد عدم مطالبه حق، يا تأخير در آن براي مدتي، موجب سقوط حق نمي‌شود مگر در صورتي كه حق في نفسه محدود به زمان معيني باشد.

س 1573: شخصي ملكي را به قيمتي كه مقداري از آن نسيه بود فروخت و بعد از آنكه مقدار نقد آن را دريافت كرد و مبيع را به مشتري تحويل داد، فرد ديگري خواستار خريد همان مبيع به قيمت بيشتري شد، آیا جاز است بيع اول را فسخ نمايد تا مبيع را به مشتري دوم به قيمت بيشتري بفروشد؟

بعد از آنكه بيع به نحو صحيح محقق شد التزام به عقد و وفا به آن بر فروشنده واجب است و تا زماني كه بر اساس يكي از خيارات حق فسخ نداشته باشد، فسخ معامله و فروش مجدد مبيع به شخص ديگر توسط او جازي نيست.

س 1574: زميني را به شخصي فروختم به اين شرط كه پول آن را در طي چهار سال بپردازد، ولي از همان زمان معامله، از فروش زمين پشيمان شدم و بعد از گذشت يك سال از مشتري خواستم كه زمين را به من برگرداند ولي او از انجام اين كار امتناع ورزید، آیا راهي براي رجوع از اين معامله وجود دارد؟

مجرد پشيماني از بيع بعد از معامله از نظر شرعي اثري ندارد، بنا بر اين بعد از آنكه بيع به طور صحيح واقع شد، شرعا نسبت به انتقال مبيع به خريدار نافذ است و فروشنده حق ندارد مبيع را از او پس

بگیرد مگر در صورتی که بر اثر تحقق یکی از اسباب خیارات، خيار فسخ داشته باشد که در این صورت می‌تواند بیع را فسخ نماید.

س 1575: شخصی زمین مفروز خود را که دارای سند رسمی است با سند عادی و اسقاط جمیع خیارات فروخته است، ولی از اینکه سند رسمی به نام خود اوست سوء استفاده نموده و آن را دوباره به شخص دیگری هم فروخته است، آیا بیع دوم او صحیح است؟
بعد از تحقق بیع زمین بر وجه صحیح و اسقاط همه خیارات، فروشنده حق فروش مجدد زمین به شخص دیگر را ندارد، بلکه این معامله او فضولی بوده و منوط به اجازه مشتری اول است.
س 1576: شخصی مقداری سیمان از کارخانه‌ای خریداری نموده است به این شرط که آن را به تدریج و در چندین نوبت تحویل بگیرد و تمام پول آن را هم پرداخت کرده است، بعد از آنکه خریدار مقداری از سیمان را از کارخانه تحویل گرفت، قیمت آن در بازار به مقدار زیادی افزایش یافت، آیا کارخانه می‌تواند معامله را فسخ نموده و از تحویل بقیه سیمان به خریدار خودداری نماید؟
بعد از آنکه بیع به نحو صحیح شرعی محقق شد اعم از اینکه بصورت نقدی باشد یا نسیه و یا بیع سلف، تا زمانی که فروشنده یکی از خیارات شرعی را نداشته باشد، حق ندارد معامله را بطور یک جانبه فسخ کند.

س 1577: اینجانب خانه‌ای را با سند بیع عادی خریدم به این شرط که مقداری از پول آن را بطور نقدی و بقیه را تا موعد مقرری پردازم و سند آن در مدت سه ماه بطور رسمی به نام من شود، ولی من نتوانستم باقیمانده پول را در موعد مقرری به فروشنده بدهم و او هم اعتراضی نکرد تا اینکه بعد از چهار ماه برای پرداخت آن مبلغ و دریافت مبیع به او مراجعه کردم، ولی او از تحویل آن خودداری نمود و ادعا کرد که معامله را بعد از انقضاء موعد پرداخت پول، فسخ کرده است، با توجه به اینکه بعد از فسخ معامله، پولی را که از من گرفته بود باز نگردانده و خانه را هم در این مدت اجاره داده و اجاره را هم دریافت کرده است، آیا به مجرد اینکه باقیمانده پول را در موعد مقرری پرداخته‌ام او حق فسخ دارد؟

مجرد عدم پرداخت مقداری از قیمت خانه در موعد مقرری به فروشنده، موجب ثبوت حق فسخ برای او نمی‌شود. بنابراین اگر منزل به نحو صحیح شرعی خریداری شود، ولی تحت تصرف فروشنده باقی بماند و بدون اینکه حق فسخ داشته باشد آن را اجاره دهد، عقد اجاره او فضولی بوده و متوقف بر اجازه مشتری است و واجب است علاوه بر تحویل مبیع به مشتری، آنچه را هم که از مستأجر به عنوان مبلغ اجاره دریافت کرده است به او تحویل دهد مگر اینکه اجازه عقد اجاره را ندهد که در این صورت می‌تواند اجرت‌المثل تصرف در آن خانه در مدت مذکور را مطالبه نماید.

س 1578: آیا فروشنده بدون ثبوت خيار، حق فسخ معامله را دارد؟ و آیا می‌تواند بعد از تحقق بیع، قیمت مبیع را افزایش دهد؟

حق انجام هیچیک از موارد مذکور را ندارد.

س 1579: شخصی از فردی خانه‌ای را خریداری کرده که او هم آن را از اداره مسکن خریده است و بعد از آنکه معامله تمام شد و فروشنده پول آن را از خریدار گرفت، اداره مزبور اعلام نمود که باید علاوه بر پولی که فروشنده به آن اداره پرداخت کرده است، مبلغی اضافی هم پرداخت شود، خریدار، فروشنده را از این مسئله آگاه کرد تا آن مبلغ اضافی را پردازد و الا بیع را فسخ می‌کند و پول داده

شده را هم پس خواهد گرفت، ولی فروشنده از پرداخت آن مبلغ اضافی امتناع ورزید و در نتیجه آن اداره هم مقرر کرد که خانه مزبور به شخص دیگری داده شود، در این صورت، خریدار برای گرفتن پولی که داده به چه کسی باید مراجعه کند؟ به آن اداره یا فروشنده و یا کسی که بتازگی خانه به او واگذار شده است؟

اگر بر اثر شرط و یا سبب دیگر معامله فسخ شود خریدار باید پول را از فروشنده مطالبه کند. س 1580: شخصی حیوانی را خرید و بعد آن را به بازار برد به این قصد که اگر مشتری برای آن حیوان یافت شد، آن را بفروشد و در غیر این صورت معامله را فسخ نماید، آیا با این قصد، حق فسخ برای او ثابت می‌شود؟

در فرض سؤال که مبیع حیوان است تا سه روز از زمان معامله، خیار دارد. س 1581: چند نفر ملکی را از شخصی خریده‌اند و در چندین نوبت مقداری از پول آن را به او پرداخته‌اند و پرداخت مابقی آن هم مشروط به ثبت سند رسمی به نام آنان بوده است، ولی فروشنده در انجام آن کوتاهی کرده و از ثبت سند به نام آنان امتناع ورزیده و مدعی فسخ بیع است، آیا او ملزم است به معامله عمل کند؟ یا اینکه فسخ معامله از جانب او صحیح است؟ تا زمانی که یکی از موجبات خیار از قبیل شرط یا غبن و یا غیر آنها برای فروشنده وجود نداشته باشد، فسخ معامله توسط او صحیح نخواهد بود بلکه باید به بیع عمل نماید و شرعاً ملزم به ثبت رسمی آن ملک به نام خریداران است.

س 1582: شخصی کالایی را از فردی خرید و بعد از آنکه مقداری از پول آن را پرداخت نمود، همان کالا را با مقداری سود به شخص دیگری فروخت، ولی مشتری دوم بعد از تصرف در آن وقتی از سود فروشنده آگاه شد، اعلام نمود که از خرید آن پشیمان شده است، آیا فسخ معامله بر اثر آن جایز است؟

اگر یکی از اسباب خیار برای مشتری دوم وجود داشته باشد، جایز است معامله را فسخ کند و الاً جایز نیست.

توابع مبیع

س 1583: شخصی خانه‌اش را فروخته و بعد از فروش، مبادرت به برداشتن چراغها و آبگرمکن و اشیایی از این قبیل نموده است، این عمل چه حکمی دارد؟ اشیاء مذکور و مانند آنها اگر هنگام فروش خانه، از نظر عرف، تابع آن محسوب نشوند، تا زمانی که بر فروشنده شرط نشده باشد که آنها را به همان صورت در خانه باقی بگذارد، مبادرت او به برداشتن آنها برای خودش، اشکال ندارد.

س 1584: اینجانب خانه‌ای را با پارکینگ ماشین و سایر لوازم از فردی خریدم، ولی او فقط خانه را به من تحویل داد و از سند معامله چیزهایی را که دلالت می‌کرد به این که پارکینگ ماشین جزء معامله بوده، حذف کرد. در حالی که در برابر پارکینگ و سایر چیزهایی که در سند معامله ذکر شده، پول دریافت کرده است، این مسئله چه حکمی دارد؟

بر فروشنده واجب است مبیع را با همه ملحقات و توابع آن که معامله روی آن صورت گرفته است تحویل دهد، اعم از اینکه در برابر آن، پول پرداخت شده باشد یا آنکه انضمام آن به مبیع شرط شده باشد و جایز است مشتری او را ملزم به این کار نماید.

س 1585: کولر طبقه اول ساختمانی که خریده‌ام در هنگام خرید آن طبقه، در بالکن قرار داشت و هنوز هم در همانجاست و آب آن از طریق لوله‌ای که از لوله اصلی موجود در طبقه همکف منشعب می‌شود، گرفته شده است، این لوله از کنار دیوار تا کولر امتداد دارد، در حال حاضر مالک طبقه همکف به این دلیل که استفاده از آن طبقه، مختص اوست مبادرت به قطع آب کولر نموده است، این عمل او چه حکمی دارد؟

اگر در عقد بیع ذکر نشده که شما حق استفاده از لوله آب موجود در حیاط طبقه همکف را دارید، حق ندارید مالک آن طبقه را ملزم به آن نمائید.

تسلیم مبیع و تأدیه ثمن

س 1586: فردی از اقوام اینجانب یکی از کلیه‌های خود را از دست داد و شخصی اعلام آمادگی نمود که حاضر است یکی از کلیه‌های خود را در برابر مبلغ معینی به او اهدا کند، ولی بعد از انجام آزمایش‌های پزشکی آشکار شد که کلیه این شخص قابل پیوند به بیمار نیست، آیا شخص مزبور حق دارد بخاطر چند روز بیکار شدن، مبلغ مذکور را از بیمار مطالبه کند؟

اگر مبلغ مورد توافق در برابر کلیه باشد، در صورتی که عدم قابلیت کلیه برای پیوند به بدن بیمار بعد از جدا کردن و برداشتن آن از بدن فرد اهدا کننده باشد، می‌تواند تمامی مبلغ مورد توافق را مطالبه کند هر چند بیمار از کلیه او استفاده نکند، ولی اگر قبل از قطع و جدا کردن کلیه از بدن او معلوم شود و بیمار او را مطلع نماید، حق مطالبه چیزی را از بیمار ندارد.

س 1587: اینجانب آپارتمان مسکونی خود را با سند عادی فروخته و مقداری از پول آن را گرفتم و قرار بر این شد که باقیمانده آن را هنگام ثبت سند رسمی به نام مشتری از او بگیرم، ولی اکنون از فروش خانه خود پشیمان هستم و از طرفی مشتری هم اصرار می‌کند که خانه را تخلیه کنم، حکم این مسئله چیست؟

اگر بیع بر وجه صحیح شرعی محقق شده باشد، فروشنده تا زمانی که حق فسخ نداشته باشد، نمی‌تواند به مجرد پشیمانی و نیاز به مبیع، از تسلیم آن به خریدار خودداری نماید.

س 1588: حواله‌ای را از مرکز معادن سنگ برای دریافت سنگ‌های معدنی از آن گرفتم، بعد از دریافت کالا برایم معلوم شد که قیمت قطعی سنگ‌ها را معین نکرده‌اند، برای تعیین قیمت به آن مرکز مراجعه کردم، در پاسخ گفتند که بزودی قیمت قطعی آنها با تفاوت کمی توسط اداره مربوطه اعلام خواهد شد، ولی آن اداره قیمت را چندین برابر قیمت قبلی اعلام کرد و من هم نپذیرفتم، با توجه به اینکه در آن وقت سنگ‌ها را بریده و فروخته‌ام، حکم این مسئله چیست؟

از شرایط صحت معامله، تعیین مبیع و قیمت آن است بطوری که غرر و جهل برطرف شود، بنابراین اگر معامله در روز تحویل و دریافت سنگ‌ها به نحو صحیح شرعی محقق نشده باشد، مشتری ضامن سنگ‌ها به قیمت روزی که آنها را بریده و فروخته است، می‌باشد.

س 1589: شخصی از دختر خود ساختمانی را خریده است که در تصرف شوهرش می‌باشد و پول آن را هم به دختر خود پرداخته است، شوهرش او را عمداً اذیت نموده و تهدید کرده است که اگر آن معامله را انکار نکند او را طلاق خواهد داد و به همین دلیل تسلیم مبیع، متعذر شده است، آیا تسلیم مبیع یا بازگرداندن پول آن به خریدار بر عهده آن زن است که ساختمان را فروخته یا بر عهده شوهر اوست؟

تحويل مبیع یا بازگرداندن پول آن به مشتری بر خود فروشنده واجب است.

س 1590: اینجانب خانهای را با سند عادی خریده و بر فروشنده شرط کردم که باید در دفتر ثبت اسناد رسمی حاضر شود و خانه را بطور کامل به نام من کند، ولی فروشنده به تعهد خود عمل نکرد و از تحويل خانه و ثبت سند آن به نام من خودداری نمود، آیا حق دارم انجام آن را از او مطالبه کنم؟ اگر آنچه بین شما محقق شده و قرارداد عادی راجع به آن تنظیم کرده‌اید، خرید و فروش خانه به نحو صحیح شرعی بوده، فروشنده حق رجوع از معامله و خودداری از عمل به آن را ندارد، بلکه شرعاً ملزم است خانه را به شما تحويل داده و همه اقدامات لازم برای انتقال سند را نیز انجام دهد و شما حق دارید از او بخواهید که به قرارداد عمل کند.

س 1591: بر اساس معامله تجاری که بین فروشنده و خریدار منعقد شده است، خریدار متعهد شده که مبلغی از پول کالایی را که از فروشنده خریده و تحويل گرفته است، بطور هفتگی بپردازد و هر مبلغی را که به فروشنده می‌پرداخته در دفتر خود ثبت می‌کرده است، فروشنده هم هر مبلغی را که از او تحويل می‌گرفته در دفتر خود ثبت می‌نموده و دفتر او را در زیر هر مبلغ دریافتی امضا می‌کرده است، بعد از گذشت تقریباً چهار ماه مبادرت به محاسبه پولهایی که مشتری در چندین نوبت پرداخت کرده، نمودند که بر اثر آن معلوم شد در مقدار بدهی مشتری اختلاف وجود دارد، مشتری مدعی پرداخت آن است و فروشنده منکر آن، با توجه به اینکه آن مبلغ مورد اختلاف در هیچیک از دو دفتر ثبت نشده است، حکم این مسئله چیست؟

اگر ثابت شود که مشتری آنچه را که ادعا می‌کند به فروشنده داده، پرداخت کرده است، چیزی بر عهده او نیست، و الاً سخن فروشنده که منکر دریافت آن مبلغ است، مقدم می‌باشد.

بیع نقد و نسیه

س 1592: خرید کالا بطور نسیه به مدت یک سال به قیمتی بیشتر، از قیمت نقدی آن چه حکمی دارد؟ و همچنین فروش چک به قیمتی بیشتر یا کمتر از مبلغ آن برای مدت معینی چه حکمی دارد؟ خرید و فروش کالا به صورت نسیه به قیمتی بیشتر از قیمت نقد اشکال ندارد ولی فروش چک به مبلغ کمتر به فرد ثالث جایز نیست لکن به شخصی که مبلغ چک در ذمه او است، اشکال ندارد.

س 1593: اگر فروشنده ماشینی بگوید که قیمت نقدی آن، این مقدار است و قیمت قسطی ده‌ماهه آن فلان مقدار است و مشتری هم گمان کند که آن مقدار زیادی در فروش قسطی، سود پول آن در مدت ده ماه است و بر همین اساس معامله صورت بگیرد، با توجه به آنچه در ذهن مشتری خطور کرده که مقدار اضافه بر قیمت نقد را به عنوان سود پول می‌پردازد و معامله ربوی است، آیا اساساً معامله، ربوی و باطل محسوب نمی‌شود؟

این معامله در صورتی که بصورت نسبی باشد و پول آن بطور اقساط پرداخت شود، اشکال ندارد و این قبیل معاملات، ربوی محسوب نمی‌شوند.

س 1594: در عقد بیعی برای ثمن و مثنی به این نحو مدّت ذکر شده است که پرداخت ثمن به نحو اقساط معینی در طول یک سال صورت بگیرد و کالا هم بعد از گذشت یک سال از پرداخت اولین قسط آن توسط مشتری، به او تحویل داده شود، در صورتی که پرداخت قسط اول آن به مقدار زیادی از موعد مقرر به تأخیر افتاده باشد، آیا فروشنده، خیار تأخیر دارد؟
در مفروض سؤال که معامله به صورت بیع سلم است ثمن باید هنگام عقد بیع نقد باشد والا بیع از اساس باطل است.

س 1595: در صورتی که پرداخت قسط اول ثمن از وقت متعارف خود به تأخیر بیفتد، آیا با آنکه معامله مهلت معینی نداشته و شرط خیار هم در صورت تأخیر در پرداخت ثمن برای فروشنده ذکر نشده باشد، به مجرد تأخیر مذکور برای او خیار ثابت می‌شود یا خیر؟
باید در بیع نسبی، مهلت پرداخت ثمن معین شود، بنابر این اگر بدون معین کردن مهلت اقساط ثمن، بیع نسبی صورت بگیرد از اساس باطل است، ولی اگر زمان پرداخت معین شود و مشتری پرداخت آن را از موعد مقرر به تأخیر بیندازد، مجرد این تأخیر موجب ثبوت خیار برای فروشنده نمی‌شود.
س 1596: یک مؤسسه فنی در زمینی ساخته شده به این شرط که وزارت آموزش و پرورش پول آن را به صاحبانش بپردازد، ولی آن وزارتخانه بعد از اتمام ساختمان مؤسسه از پرداخت پول زمین به صاحبان آن خودداری می‌کند، صاحبان زمین هم بعد از آن اعلام کردند که رضایت به این عمل ندارند و ساختمان را غصبی می‌دانند و نماز در آن باطل است، این مسئله چه حکمی دارد؟
بعد از آنکه صاحبان زمین با تحویل دادن آن برای ساخت مؤسسه موافقت کردند و به این شرط که پول آن را از وزارت آموزش و پرورش بگیرند به وزارتخانه مزبور واگذار نمودند، دیگر حقی در آن ندارند و زمین مزبور غصبی نیست، بله آنان حق دارند پول زمین را از وزارت آموزش و پرورش مطالبه کنند و براین اساس تحصیل کردن و نماز خواندن در آن ساختمان شرعا اشکال ندارد و منوط به رضایت صاحبان قبلی زمین نیست.

بیع سلف

س 1597: اینجانب یک آپارتمان مسکونی را از شرکتی بطور بیع سلف خریداری کردم و مقداری از پول آن را به صورت اقساط پرداخته و رسید گرفتم و هنوز هم نسبت به باقیمانده پول آن بدهکار هستم، سپس شرکت مزبور مبادرت به فروش آپارتمان من به بانک مسکن نمود و مقرر کرد که آپارتمان دیگری به قیمت امروز که معادل چهار برابر قیمت قبلی آن بود تحویل بگیرم، حکم این مسئله چیست؟

خرید آپارتمان مزبور بصورت قسطی از اساس باطل است، زیرا از شرایط صحت بیع سلف، پرداخت نقدی همه ثمن به فروشنده در همان مجلس بیع است، بنابراین اگر آپارتمان مزبور بصورت بیع سلف خریداری شده و همه ثمن در مجلس بیع، نقد باشد، فروشنده باید آنچه را که مبیع با تمامی اوصافش بر آن صادق است به خریدار تحویل دهد و حق ندارد از او برای تحویل مصادق مبیع پول بیشتری را مطالبه کند، همانگونه که نمی‌تواند چیزی را که مصادق مبیع نیست به او تحویل دهد و

مشتری هم ملزم به قبول آن نیست هر چند آن را به همان قیمت به او بدهد چه رسد به اینکه مبلغ بیشتری را از او مطالبه نماید.

س 1598: اینجانب یک آپارتمان مسکونی را که هنوز ساختمان آن تکمیل نشده بود بطور قسطی خریدم و سپس قبل از آنکه ساختمان آن تکمیل شود و آن را از فروشنده تحویل بگیرم، مبادرت به فروش آن به شخص دیگری نمودم، آیا این خرید و فروش صحیح است؟
اگر آپارتمان خریداری شده یک آپارتمان مشخص و جزئی (معین) باشد که به صورت نسیه و قسطی آن را خریده‌اید به این شرط که فروشنده اقدام به تکمیل آن کند، خرید و همچنین فروش آن قبل از تکمیل شدن ساختمان آن و تحویل گرفتن آن از فروشنده اشکال ندارد.

س 1599: اینجانب از نمایشگاه بین المللی کتاب تهران تعدادی کتاب بصورت بیع سلف خریدم که نصف پول آن را از من گرفته و نصف دیگر را هنگام تحویل کتابها می‌گیرند، و زمان پرداخت هم مشخص نیست، آیا این معامله صحیح است؟

اگر مبلغی که قبلاً پرداخت شده به عنوان بیعانه باشد و بیع از زمان تسلیم کتابها و پرداخت باقیمانده پول آنها صورت بگیرد اشکال ندارد، ولی اگر بیع از هنگام پرداخت مقداری از ثمن و به صورت نسیه باشد و زمانی هم برای پرداخت آن معین نشود و یا بصورت بیع سلف باشد ولی تمامی ثمن در مجلس بیع، نقد نباشد آن معامله، شرعاً باطل است، البته در سلف معامله به همان مقدار که پول پرداخت کرده صحیح است ولی فروشنده می‌تواند در همان مقدار هم معامله را به هم بزند.
س 1600: شخصی کالایی را از فرد دیگری می‌خرد به این شرط که بعد از مدتی آن را تحویل بگیرد، اما بعد از آنکه موعد مقرر رسید کالای مزبور ارزش مالی خود را از دست داده است، آیا خریدار مستحق عین کالا است یا آنکه باید قیمت آن را بگیرد؟
اگر معامله به نحو صحیح شرعی صورت بگیرد، خریدار مستحق عین آن مبیع است مگر آنکه از مالیت افتادن آن کالا بطور کلی، عرفاً تلف محسوب شود که به این ترتیب بیع بر اثر آن خود بخود فسخ می‌شود و فروشنده باید ثمن را به خریدار برگرداند.

خرید و فروش طلا، نقره و پول

س 1601: اگر شمش طلا به قیمت روز به مبلغ معینی بطور نقدی فروخته شود، آیا جایز است که با رضایت دو طرف یک ماهه به مبلغی بیشتر از قیمت امروزی آن فروخته شود؟ و آیا سود حاصل از فروش این شمش، حلال است یا خیر؟

تعیین قیمت در عقد بیع اعم از اینکه نقدی باشد یا نسیه، وابسته به توافق دو طرف است، بنابر این معامله مذکور و سود حاصل از آن، اشکال ندارد، بلکه معامله طلا در برابر طلا، بصورت نسیه و یا گرفتن اضافه در برابر آن، جایز نیست.

س 1602: طلاسازی چه حکمی دارد؟ و در معامله طلا چه اموری شرط است؟

ساخت و فروش طلا اشکال ندارد ولی در معامله طلا در برابر طلا شرط است که به صورت نقد بوده و ثمن و مئمن مساوی باشند و قبض هم در مجلس معامله صورت بگیرد.

س 1603: خرید و فروش اسکناس بصورت نسیه به مبلغی بیشتر از مبلغ آن چه حکمی دارد؟

در صورتی که معامله‌ی مذکور، به قصد جدی و با غرض عقلانی باشد مثل این که اسکناس‌ها از نظر کهنه و نو بودن با یکدیگر فرق داشته و یا دارای علامت‌های مخصوص بوده و یا نرخ آنها با یکدیگر، تفاوت داشته باشد، اشکال ندارد ولی اگر معامله، صوری و برای فرار از ربا بوده و در واقع برای دستیابی به سود پول باشد، شرعاً حرام و باطل است.

س 1604: افرادی در اینجا وجود دارند که سکه‌های پول را که برای مکالمات تلفنی عمومی کاربرد دارند، به مبلغی بیشتر از قیمت آنها می‌فروشند مثلاً سی و پنج تومان از سکه‌های پول فلزی را می‌دهند و پنجاه تومان پول اسکناس می‌گیرند، خرید و فروش این پولها چه وجهی دارد؟ خرید و فروش سکه‌های پول فلزی به قیمتی بیشتر از مبلغ آنها برای استفاده در مکالمات تلفنی و مانند آن، اشکال ندارد.

س 1605: اگر فردی پول قدیمی را به قیمت پول جدید و رایج بفروشد و یا بخرد و نداند که ارزش آن نصف ارزش پول جدید است و خریدار هم آن را به قیمت پول جدید به شخص دیگری بفروشد، آیا باید غابن، مغبون را از غبن خود آگاه کند؟ و آیا این معاملات غبنی صحیح هستند و آیا تصرف در اموالی که از این راه بدست می‌آید جایز است یا آنکه در حکم اموال مجهول‌المالک و یا مال حلال مخلوط به حرام هستند؟

خرید پولهای قدیمی به مبلغی که فروشنده و خریدار بر آن توافق می‌کنند، اشکال ندارد، هر چند که قیمت آنها بسیار کمتر از قیمت پولهای جدید و رایج باشد و بعد از آنکه مبیع مالیت داشته و در بازار قیمت و ارزشی هر چند کمتر از پول رایج داشته باشد، معامله صحیح است هر چند غبنی باشد، و بر غابن واجب نیست مغبون را از غبن خود آگاه کند و مالی که از طریق معامله غبنی برای غابن حاصل می‌شود در حکم سایر اموال اوست و تا زمانی که مغبون معامله را فسخ نکرده، جایز است در آنها تصرف کند.

س 1606: خرید و فروش بعضی از اسکناسها نه به این عنوان که مال هستند و یا حکایت از مالیت و اعتبار می‌کنند، بلکه از این جهت که برگه‌های خاصی هستند چه حکمی دارد؟ مثل اینکه پول اسکناس سبز هزار تومانی که دارای تصویر امام خمینی **قدس سره** است، به مبلغ بیشتری فروخته و یا خریده شود؟

در صورتی که خرید و فروش این اسکناسها به قصد جدی و به غرض عقلانی باشد، اشکال ندارد، ولی اگر بیع صوری و برای فرار از ربای قرضی باشد حرام و باطل است.

س 1607: شغل صراف‌ی و خرید و فروش ارزهای کمیاب چه حکمی دارد؟
فی نفسه اشکال ندارد.

س 1608: خرید اوراق قرضه دولتی چه حکمی دارد؟ و آیا شرعاً خرید و فروش این اوراق جایز است؟ اگر مقصود استقرار دولت از ملت از طریق چاپ و فروش اوراق قرضه ملی باشد، مشارکت مردم در قرض دادن به دولت از طریق خرید این اوراق اشکال ندارد و هنگامی که خریدار، اوراق قرضه ملی را می‌فروشد تا پول خود را بدست آورد، اگر به همان قیمتی که از شخص دیگر یا از دولت خریده و یا به قیمتی کمتر از آن بفروشد، اشکال ندارد.

س 1609: در بعضی از کارخانه‌ها اقدام به ترکیب و ساخت وسایل از قطعات مختلفی که در کارخانه‌های دیگر ساخته شده‌اند، نموده و به اسم محصول یکی از دولتهای معروف خارجی برای فروش به بازار عرضه می‌کنند، آیا عمل مذکور غش و تدلیس محسوب می‌شود؟ و بر فرض که اینگونه باشد، آیا در صورت جهل مشتری به موضوع، معامله‌ای که بر روی این وسایل صورت گرفته، صحیح است یا باطل؟

اگر داخلی یا خارجی بودن قطعه‌های مزبور و یا خود آن وسیله با مشاهده برای مشتری قابل شناسایی و تمیز باشند، بر ترکیب و ساخت آنها عنوان تقلب و تدلیس صدق نمی‌کند ولی اعلان و اخبار خلاف واقع راجع به آنها کذب و حرام است و اگر ببع بر کالای مذکور با وصفی که مخالف واقع است صورت بگیرد، معامله صحیح است لیکن اگر مشتری بعد از آن از واقعیت امر مطلع شود، اختیار فسخ خواهد داشت.

س 1610: آیا جایز است صاحبان کارخانه‌ها و فروشگاه‌ها حروف خارجی بر تابلوهای فروشگاه‌های خود بنویسند؟ و یا برای جلب توجه مشتریان و خریداران بر روی لباسهای کودکان، حروف و تصاویر خارجی چاپ کنند؟

اگر به قصد فریب و گول زدن مشتری نباشد و ترویج فرهنگ بیگانه نیز به حساب نیاید، اشکال ندارد ولی مراعات قوانین جمهوری اسلامی لازم است.

س 1611: تقلب و دروغ و فریب در معامله با غیر مسلمانان برای دستیابی به فائده مالی یا علمی بیشتر (در صورتی که متوجه نباشند) چه حکمی دارد؟

دروغ و فریب و تقلب در معاملات جایز نیست، هر چند طرف مقابل غیرمسلمان باشد.

س 1612: گرفتن چه مقدار سود در فروش کالا مجاز است؟

سود گرفتن حدّ معینی ندارد، بنابراین تا وقتی که به حدّ اجحاف نرسیده و بر خلاف مقررات دولت هم نباشد، اشکال ندارد، ولی افضل بلکه مستحب آن است که فروشنده به آن مقدار سودی که هزینه‌هایش را؛ زط؛ تأمین می‌کند، اکتفا نماید.

س 1613: شخصی اقدام به فروش آب تحت مالکیت خود به اشخاص متعدد با قیمت‌های مختلف

نموده است، مثلاً قسمتی از آن را به فردی به قیمت ده هزار تومان فروخته و قسمت دیگر به همان مقدار را به فرد دیگری به قیمت پانزده هزار تومان فروخته است با توجه به اینکه همه آنها از یک قنات یا چاه هستند، آیا ما حق اعتراض به تفاوت قیمت آنها را داریم؟

اگر فروشنده، مالک آب و یا شرعاً نسبت به آن ذیحق باشد، دیگران حق اعتراض به تفاوت قیمت‌ها را ندارند.

س 1614: اگر کالایی را از یک شرکت تعاونی به قیمت دولتی که کمتر از قیمت آن در بازار آزاد

است، خریداری کنم، آیا جایز است این کالا را در بازار آزاد به قیمتی بیشتر از قیمت خرید حتی سه برابر آن، به فروش برسانم؟

در صورتی که فروش آن از طرف دولت ممنوع نباشد و افزایش قیمت آن هم به حدّ اجحاف به مشتری نرسد، اشکال ندارد.

س 1615: اینچنان از تولید کنندگان وسایل الکترونیکی هستم، آیا جایز است آنها را به هر قیمتی

که می‌خواهم و بازار عرضه و تقاضا، آن را قبول می‌کند، بفروشم؟

فروش کالایی که قیمت معینی از طرف دولت ندارد، به قیمتی که مورد توافق خریدار و فروشنده است و اجحاف به خریدار هم نباشد، اشکال ندارد.

س 1616: سرمایه‌داری از نظر اسلام چه حکمی دارد و حدود آن کدام است؟ آیا امکان دارد فردی با وجود پرداخت حقوق فقرا و مساکین بسیار ثروتمند شود؟ و آیا مبارزه اسلام با سرمایه‌داری، فقط شامل افرادی می‌شود که خمس و زکات نمی‌دهند یا اینکه شامل مسلمانانی که خمس و زکات می‌دهند، هم می‌شود؟ و آیا اصولاً ممکن است انسان با پرداخت حقوق شرعی اموالش، به اوج ثروت برسد؟

حقوق شرعی متعلق به اموال ثروتمندان، منحصر به خمس و زکات نیست و اسلام نیز مخالف افزایش ثروت نیست به شرطی که جمع‌آوری مال از راه‌های مشروع صورت بگیرد و فرد هم ملتزم به پرداخت همه حقوق متعلق به اموالش باشد و آن را در راه‌هایی که شرعاً حلال و به نفع اسلام و مسلمین هستند، بکار بگیرد و اشکال ندارد که انسان با رعایت این امور به ثروت بالایی دست یابد. س 1617: نزد ما متعارف است که شخصی فرد دیگری را مکلف به خرید ماشینی برای او کند و وی هم ماشین را مثلاً به قیمت یک میلیون تومان بخرد، سپس به آن شخص می‌گوید که ماشین را به قیمت یک میلیون و صد هزار تومان خریده است و آن مقدار زیادی را در برابر کوشش و زحمتی که برای خرید ماشین کشیده است در نظر می‌گیرد، آیا این معامله صحیح است؟

اگر از طرف فرد دیگری، وکیل در خرید ماشین برای او باشد، در اینصورت خرید ماشین به قیمت مورد معامله برای موکل واقع می‌شود و وکیل حق ندارد مبلغ بیشتری را از او مطالبه کند. بله، می‌تواند برای وکالت خود، مطالبه اجرت نماید، ولی اگر ماشین را برای خودش خریده باشد و سپس بخواهد آن را به فردی که به او توصیه خرید ماشین نموده بود بفروشد، می‌تواند به قیمتی که بر آن توافق می‌کنند به او بفروشد و جایز نیست نسبت به قیمت خرید ماشین دروغ بگوید، اگر چه دروغ گفتن معامله را باطل نمی‌کند.

س 1618: بعضی از برادران در تعمیرگاه‌های ماشین کار می‌کنند، گاهی فروشندگان ماشین به آنان مراجعه کرده و درخواست تعمیر سطحی ماشین خود را می‌کنند تا هزینه کمتری داشته باشد، به این گمان که سالم بودن ظاهر ماشین برای فروش به مشتری کافی است، آیا اقدام به انجام آن کار توسط تعمیرکاران جایز است؟

اگر منجر به تدریس شود و تعمیرکار بداند که صاحب ماشین آن را از مشتری مخفی می‌کند، جایز نیست.

احکام ربا

س 1619: راننده‌ای قصد دارد کامیونی بخرد و برای این کار پول مورد نیاز را از شخص دیگری گرفته تا به عنوان وکیل وی، آن را برای او خریداری کند، سپس صاحب پول آن را بطور قسطی به راننده بفروشد، این معامله چه حکمی دارد؟

در صورتی که راننده، این معامله را به عنوان وکیل از طرف صاحب مال انجام دهد و سپس او هم آن را به خود راننده بطور قسطی بفروشد، اگر قصد آنان حيله برای فرار از ربا نباشد و در هر دو معامله قصد جدی خرید و فروش داشته باشند، اشکال ندارد.

س 1620: ربای قرضی چیست؟ آیا درصدي که سپرده‌گذاران به عنوان سود از بانکها دریافت می‌کنند، ربا محسوب می‌شود؟

ربای قرضی آن مقدار اضافه بر مبلغ قرض است که قرض گیرنده بخاطر قرضی که می‌گیرد به قرض دهنده می‌دهد و اما سود حاصل از کارکرد پولی که به عنوان سپرده به بانک داده شده تا به وکالت از طرف صاحب آن در یکی از عقود صحیح شرعی بکار گرفته شود، ربا نیست و اشکال ندارد.

س 1621: ملاک معامله ربوی چیست؟ آیا این سخن که ربا فقط در قرض محقق می‌شود نه در موارد دیگر، صحیح است؟

ربا در معامله هم محقق می‌شود همانگونه که در قرض ممکن است تحقق پیدا کند و ربای در معامله عبارت است از فروش کالایی که مکیل و موزون باشد در برابر کالای همجنس آن به مقدار زیادتر.

س 1622: چنانچه خوردن مردار در هنگام اضطرار برای کسی که از شدت گرسنگی در خطر مرگ است و غیر از مردار چیزی برای خوردن و حفظ جان خود ندارد، شرعا جایز است، آیا خوردن ربا نیز بر اثر اضطرار برای کسی که توان کار ندارد ولی سرمایه کمی دارد و ناچار است آن را در معامله ربوی بکار بگیرد تا با سود حاصل از آن زندگی کند، جایز است؟

ربا حرام است و قیاس آن به خوردن مردار در حال اضطرار قیاس مع الفارق است زیرا مضطرّ به خوردن مردار فعلا چیزی جز آن در اختیار ندارد تا جان خود را با آن حفظ کند. ولی شخصی که توان کار ندارد می‌تواند سرمایه خود را تحت عنوان یکی از عقود اسلامی مثل مضاربه به کار بیاندازد.

س 1623: گاهی تمبرهای پستی در معاملات تجاری به قیمتی بیش از نرخ تعیین شده فروخته می‌شوند، مثلا تمبری که بیست ریال قیمت گذاری شده، به قیمت بیست و پنج ریال به فروش می‌رسد، آیا این معامله صحیح است؟

اشکال ندارد و این قبیل زیادی، ربا محسوب نمی‌شود زیرا معامله ربوی آن است که دو جنس که مکیل و موزون هستند با یکدیگر معاوضه شوند و یکی از دیگری بیشتر باشد که این نوع معامله، باطل است.

س 1624: آیا حرمت ربا برای همه اشخاص حقیقی و حقوقی بطور یکسان ثابت است یا آنکه بعضی از موارد خاص، استثنا هستند؟

ربا به صورتی کلی حرام است غیر از ربای قرضی بین پدر و فرزند و زن و شوهر و همچنین ربایی که مسلمان از غیر مسلمان می‌گیرد.

س 1625: اگر در معامله‌ای خرید و فروش با مبلغ معینی صورت گیرد و دو طرف توافق کنند که در صورت پرداخت ثمن معامله به صورت چک مدت دار، خریدار مبلغی را علاوه بر قیمت تعیین شده به فروشنده بپردازد، آیا این کار برای آنان جایز است؟

در صورتی که معامله با قیمت معین و مشخص انجام شود و مبلغ بیشتر به خاطر تأخیر در پرداخت مبلغ اصلی باشد، این همان ربائی است که شرعاً حرام می‌باشد و به مجرد توافق آنان بر پرداخت مقدار اضافی، آن پول حلال نمی‌شود.

س 1626: اگر شخصی نیاز به مبلغی پول داشته باشد و کسی را پیدا نکند که به او قرض‌الحسنه بدهد، آیا جایز است برای دستیابی به آن مبلغ به این طریق عمل نماید که کالایی را به صورت نسیه به بیش از نرخ حقیقی آن بخرد و سپس آن را در همان مجلس به قیمت کمتری به فروشنده بفروشد، مثلاً یک کیلوگرم زعفران را به مبلغ مشخصی به بطور نسیه برای مدت یک سال بخرد و در همان مجلس آن را به صورت نقد به شخص فروشنده به مبلغ دو سوم قیمت خرید بفروشد؟ چنین معامله‌ای که در واقع نوعی حيله برای فرار از ربای قرضی است، شرعاً حرام و باطل است.

س 1627: اینجانب به منظور بدست آوردن سود و فرار از ربا معامله زیر را انجام داده‌ام: خانه‌ای را به مبلغ پانصد هزار تومان خریدم در حالی که بیش از این مبلغ ارزش داشت، در ضمن عقد شرط کردیم که فروشنده تا پنج ماه حق فسخ معامله را داشته باشد به شرط اینکه در صورت فسخ معامله مبلغ دریافتی (پول خانه) را برگرداند، بعد از اتمام معامله، همان خانه را به فروشنده به مبلغ ماهیانه پانزده هزار تومان اجاره دادم و اکنون بعد از گذشت چهار ماه از معامله از فتوای امام خمینی **♦ قدس سره ♦** مطلع شده‌ام که حيله برای فرار از ربا را جایز نمی‌دانند، این مسئله به نظر حضرت عالی چه حکمی دارد؟

اگر این معامله با قصد جدی صورت نگرفته بلکه صوری و ظاهری بوده و به این منظور انجام شده که فروشنده وامی را دریافت کند و خریدار سودی ببرد، چنین معامله‌ای حيله برای فرار از ربای قرضی است که شرعاً حرام و باطل می‌باشد. در این قبیل معاملات خریدار فقط حق دارد اصل مبلغی را که به عنوان قیمت خانه به فروشنده داده است، پس بگیرد.

س 1628: ضمیمه کردن چیزی به مال به قصد فرار از ربا چه حکمی دارد؟

این کار در جواز قرض ربوی اثری ندارد و با ضمیمه کردن چیزی به آن حلال نمی‌شود.

س 1629: آیا حقوق بازنشستگی که کارمند در طول مدت زمانی که مشغول کار است و مقداری از حقوق ماهیانه‌اش را برای پیری در صندوق بازنشستگی می‌گذارد و بعد از بازنشستگی همان را به اضافه مبلغی که از طرف دولت به آن افزوده می‌شود دریافت می‌کند، اشکال دارد یا خیر؟ گرفتن حقوق بازنشستگی اشکال ندارد و مبلغی که دولت علاوه بر مقدار کسر شده از حقوق ماهیانه فرد بازنشسته به او می‌پردازد، سود حقوق‌های او نیست و ربا محسوب نمی‌شود.

س 1630: بعضی از بانکها برای تعمیر خانه‌ای که دارای سند رسمی است، وامی را به عنوان **♦ جُعاله ♦** می‌دهند به این شرط که گیرنده وام هم بدهی خود را همراه با چند درصد اضافه در مدت مشخصی به صورت اقساط بپردازد، آیا وام گرفتن به این صورت شرعاً جایز است؟ و چگونه در آن، جُعاله تصور می‌شود؟

اگر این مبلغ به عنوان قرض برای تعمیر خانه در اختیار صاحب آن قرار بگیرد، جُعاله بودن آن معنا ندارد و شرط زیاده هم در قرض جایز نیست هر چند اصل قرض در هر صورت صحیح است ولی مانعی ندارد که صاحب خانه برای بانک در تعمیرخانه، جُعل (عوض) قرار دهد که در این صورت جُعل (عوض) خصوص

آنچه که بانک برای تعمیر خانه مصرف کرده نیست بلکه مجموع چیزی است که بانک آن را در قبال تعمیر خانه بطور قسطی مطالبه می‌کند.

س 1631: آیا خرید کالایی بطور نسیه به قیمتی بیشتر از قیمت نقدی آن جایز است؟ آیا این معامله، ربا محسوب می‌شود؟

خرید و فروش نسیه کالا به مبلغی بیشتر از قیمت نقدی آن اشکال ندارد و تفاوت نقد و نسیه ربا محسوب نمی‌شود.

س 1632: شخصی خانه‌ای دارد که آن را به صورت بیع خیاری فروخته است، ولی تا سررسید موعد مقرر نتوانسته است ثمن را به خریدار برگرداند، لذا شخص سوّمی مبادرت به پرداخت ثمن معامله به خریدار نموده است تا فروشنده بتواند معامله را فسخ کند، مشروط بر اینکه علاوه بر گرفتن پول خود، مبلغی را هم به عنوان مزدکار خود دریافت کند، این مسئله شرعاً چه حکمی دارد؟ در صورتی که آن شخص از طرف فروشنده وکیل در برگرداندن ثمن معامله و فسخ آن باشد، بدین صورت که ابتدا به مقدار ثمن به فروشنده قرض بدهد و سپس به وکالت از طرف او آن را به خریدار بپردازد و معامله را فسخ نماید، این عمل او و گرفتن اجرت وکالت، اشکال ندارد، ولی اگر پولی را که به مشتری پرداخت کرده به عنوان قرض به فروشنده باشد، فقط مبلغی را می‌تواند از فروشنده مطالبه کند که از طرف او به عنوان ثمن معامله پرداخت کرده است.

حق شفعه

س 1633: آیا حق شفعه در وقف در صورتی که برای دو نفر باشد و یکی از آن دو در موردی که حق فروش داشته باشد، سهم خود را به شخص سوّمی بفروشد، ثابت می‌شود؟ و همچنین اگر دو نفر ملک یا موقوفه‌ای را اجاره کنند، سپس یکی از آن دو حق خود را از طریق صلح یا اجاره به شخص سوّمی واگذار کند، آیا حق شفعه در متعلّق اجاره ثابت می‌شود؟

حق شفعه مربوط به جایی است که شراکت در مالکیت عین باشد و یکی از دو شریک سهم خود را به فرد سوّمی بفروشد، بنابر این در وقفی که برای دو نفر است، بر فرض که فروش آن هم جایز باشد و یکی از دو شریک سهم خود را به شخص دیگری بفروشد، حق شفعه وجود ندارد و همچنین در عین مورد اجاره هم اگر یکی از آن دو حق خود را به دیگری واگذار کند، حق شفعه وجود ندارد. س 1634: از عبارتهای متون فقهی و مواد قانون مدنی در باب اخذ به شفعه بدست می‌آید که هر یک از دو شریک در صورتی که یکی از آنها سهم خود را به شخص سوّمی بفروشد، حق شفعه دارد. بنابر این اگر یکی از دو شریک مشتری را تشویق به خرید سهم شریک خود نماید و یا تصریح کند به اینکه اگر سهم شریک او را بخرد، از حق شفعه استفاده نخواهد کرد، آیا این عمل، اسقاط حق شفعه محسوب می‌شود؟

مجرد مبادرت یکی از دو شریک به تشویق شخص سوم به خرید سهم شریک خود منافاتی با ثبوت حق شفعه برای او ندارد، بلکه اگر به او وعده بدهد که در صورت تحقق معامله بین او و شریک دیگر

اقدام به اخذ به شفعه نخواهد کرد، این هم موجب سقوط حق اخذ به شفعه توسط او بعد از تحقق معامله نخواهد شد. مگر آنکه قبلا در ضمن عقد لازمی ملتزم شود که در صورت تحقق معامله بین مشتری و شریک خود اقدام به اخذ به شفعه نخواهد کرد.

س 1635: آیا اسقاط حق شفعه قبل از مبادرت شریک به فروش سهم خود، از این جهت که اسقاط چیزی است که هنوز محقق نشده (اسقاط مالیم یجب) صحیح است یا خیر؟

تا زمانی که حق شفعه محقق نشده و با اقدام یکی از دو شریک به فروش سهم خود به شخص سومی فعلیت پیدا نکرده، اسقاط آن صحیح نیست، ولی اشکال ندارد که یکی از دو شریک در ضمن عقد لازمی ملتزم شود که اگر شریک او سهم خود را به فرد دیگری بفروشد، اخذ به شفعه نکند.

س 1636: شخصی یک طبقه از خانه دو طبقه‌ای را که ملک دو برادری است که به او بدهکار هستند، اجاره نموده و آن دو برادر دو سال است که علیرغم مطالبه شدید او از پرداخت بدهی خود خودداری می‌کنند بطوری که شرعا باعث ثبوت حق تقاص برای او می‌شود، و قیمت خانه هم بیش از مبلغ طلب اوست. حال اگر به عنوان تقاص به مقدار طلب خود آن خانه را تصاحب کند و با آنان در آن شریک شود، آیا در مقدار باقیمانده حق شفعه دارد یا خیر؟

در فرض مورد سؤال موضوع حق شفعه محقق نیست، زیرا حق شفعه برای شریکی است که شریک او سهم خود را به شخص سومی بفروشد و شراکت هم قبل از بیع باشد، نه برای کسی که با خرید سهم یکی از دو شریک و یا تصاحب آن بر اثر تقاص، با دیگری شریک شود، بعلاوه حق شفعه در صورتی در فروش سهم یکی از دو شریک ثابت می‌شود که فقط دو نفر در آن ملک شریک باشند نه بیشتر.

س 1637: ملکی وجود دارد که بین دو نفر مشترک است و هر یک مالک نصف آن هستند و سند مالکیت هم به نام هر دو نفر است، بر اساس سند عادی تقسیم‌نامه که به خط آنان نوشته شده، ملک مزبور بین آنان به دو قسمت با حدود مشخصی تقسیم و توزیع شده است، آیا در صورتی که یکی از دو شریک سهم خود را بعد از تقسیم و افراز فقط به این دلیل که سند آن ملک، بین آنان مشترک است به شخص سومی بفروشد شریک دیگر حق شفعه دارد یا خیر؟

اگر سهم فروخته شده در هنگام معامله از سهم شریک دیگر، مفروز و با حدود خاصی از آن جدا شده باشد، مجرد اشتراک در سند ملک باعث ثبوت حق شفعه نمی‌شود.

اجاره

احکام سرقفلی

س 1668: آیا مستأجری که مغازه‌ای را برای تجارت در آن و یا کار دیگری به مدت معینی اجاره کرده، جایز است بعد از پایان مهلت اجاره در صورتی که مالک آن را تجدید نکند، از تخلیه مغازه خودداری نموده و حق سرقفلی را مطالبه نماید؟ و آیا با توجه به اینکه حق واگذاری عین مستاجر را به کس دیگری ندارد، جایز است نسبت به آن، ادعای حق شغل و حرفه کند؟

مستأجر حق ندارد بعد از انقضاء مدت اجاره، عین مستأجره را در تصرف خود نگهدارد و از تسلیم آن به مالک خودداری کند، ولی اگر نسبت به آن حق سرقفلی داشته باشد که از مالک به او منتقل شده و یا مغازه از مکانهایی باشد که از نظر قانونی برای مستأجر در آن حقی ایجاد می‌شود، در این صورت می‌تواند عوض حق خود را از مالک مطالبه کند.

س 1669: اینجانب یک مکان تجاری را اجاره کردم و مبلغی را برای دستیابی به حق سرقفلی به مالک آن پرداخت کردم و مبلغ زیادی را هم برای برق کشی و سنگ‌فرش کردن زمین آن و امور دیگر خرج کردم و مقداری هم برای گرفتن پروانه کار پرداختم، بعد از گذشت ده سال ورثه مالک خواهان استرداد آن مکان شده اند، آیا بر من واجب است که با تخلیه مغازه خواسته آنان را اجابت کنم؟ و بر فرض وجوب تخلیه، آیا جایز است اموالی را که برای آن مکان هزینه کرده‌ام از آنان مطالبه کنم؟ و آیا حق مطالبه عوض سرقفلی به قیمت روز را دارم؟

وجوب تجدید اجاره بر مالک یا جواز مطالبه تخلیه و لزوم انجام آن و همچنین ضمان اموالی که برای مکان استیجاری خرج شده، تابع قوانین جاری کشور و یا شرایط مذکور در ضمن عقد اجاره بین موجر و مستأجر است و اما سرقفلی آن مکان در صورتی که از مالک بر وجه شرعی به مستأجر منتقل شده باشد و یا به مقتضای قانون برای او ثابت باشد، حق مطالبه آن به قیمت روز را دارد.

س 1670: مالک یکی از شرکتها ساختمانی را اجاره داده بدون آنکه از مستأجر چیزی در برابر سرقفلی آن بگیرد، آیا هنگام تخلیه ساختمان توسط مستأجر باید مبلغی را به عنوان سرقفلی به او بپردازد؟ و اگر موجر آن را به مستأجر بفروشد، آیا باید مبلغی را به عنوان حق سرقفلی از قیمت آن کم نماید؟

تا زمانی که سرقفلی آن به وجه مشروعی مانند خرید یا صلح یا شرط ضمن عقد لازم و یا طبق قانونی که تصریح به آن کند، ملک مستأجر نشده باشد، حق ندارد در برابر آن از مالک چیزی را مطالبه کند و همچنین اگر آن ساختمان را از مالک بخرد نمی‌تواند مبلغی را به عنوان عوض سرقفلی از قیمت آن کم نماید.

س 1671: پدرم چند مغازه تجاری را برای سه تن از فرزندانم خریده و اسناد آنها را در همان زمان به نام آنان کرده است، در نتیجه آن مغازه‌ها در حال حاضر شرعاً و قانوناً متعلق به آنان است. این مغازه‌ها قبل از وفات پدرم تحت تصرف او بودند و در آنها مشغول کسب و تجارت بود، آیا سرقفلی این مغازه‌ها فقط برای مالکین آنهاست یا اینکه سرقفلی آنها مستقل از ملک است و تعلق به همه ورثه است؟

سرقفلی مغازه‌ها تابع ملک آن است و تا زمانی که از طریق شرعی به شخص دیگری منتقل نشده اختصاص به مالک آن دارد.

س 1672: اگر مستأجر هنگام اجاره مغازه مبلغی را به عنوان سرقفلی به مالک بپردازد، آیا در صورتی که مستأجر به هر علتی بخواهد آنجا را تخلیه کند، مالک فقط باید همان مقدار را به مستأجر بپردازد یا آنکه واجب است قیمت سرقفلی را به قیمت روز تخلیه به او بدهد؟

اگر حق سرقفلی مغازه شرعاً برای مستأجر باشد، می‌تواند قیمت فعلی آن را طبق قیمت عادلانه روز، مطالبه کند و بر مالک هم واجب است قیمت فعلی آن را به او بپردازد، ولی اگر مبلغی را نزد مالک به ودیعه گذاشته تا هنگام تخلیه آن مکان به او برگرداند در این صورت فقط حق مطالبه معادل

مبلغی را دارد که هنگام اجاره آن مکان به مالک پرداخته است و نسبت به تفاوت ارزش پول احتیاط در مصالحه است.

س 1673: اینجانب مغازه‌ای را از مالک آن اجاره کردم بدون آنکه مبلغی را در برابر سرقفلی آن بپردازم زیرا در آن زمان پرداخت سرقفلی در شهر ما متعارف نبود و الآن که موجر فوت کرده و مغازه، ملک یکی از فرزندانش شده، درخواست تخلیه آن را دارد و از طرفی در خلال مدت اجاره اقدام به انجام بعضی از کارها از قبیل کشیدن برق، تلفن و تعویض درب و نگهداری آن نموده‌ام و مردم بر اثر معامله با من در این مکان به من بدهکار هستند، آیا بر من واجب است خواسته مالک فعلی را اجابت نموده و آن مکان را بدون آنکه استحقاق چیزی را داشته باشم تخلیه نموده و به او تحویل بدهم؟ و در صورتی که حقی داشته باشم مقدار آن چقدر است؟

شما بعد از انقضاء مدت اجاره قبلی حق ندارید بدون تجدید اجاره توسط مالک فعلی در آن تصرف نمایید و از تسلیم آن به او خودداری کنید ولی لزوم پاسخ مثبت مالک فعلی به درخواست تجدید اجاره و یا جواز مطالبه تخلیه محل و لزوم اجابت آن، تابع قوانین جاری یا شروط ضمن عقد است و اما اینکه هنگام تخلیه در برابر سرقفلی چیزی را مطالبه کنید، با این فرض که در زمان انعقاد اجاره قبلی ثبوت حق سرقفلی برای مستأجر در آن منطقه متعارف نبوده و حق سرقفلی آن مکان هم از مالک به شما انتقال پیدا نکرده، بنابر این در مقابل تخلیه محل و تسلیم آن به مالک فعلی آن، حق ندارید نسبت به سرقفلی آن چیزی از مالک مطالبه کنید مگر آنکه قانون به شما این اجازه را بدهد و اما نسبت به کشیدن برق و تلفن و امور دیگری که با هزینه خود انجام داده‌اید همه آنها ملک شما هستند مگر آنچه را که عرف یا قانون جاری بطور مجانی و یا در صورت پرداخت هزینه‌های آن توسط مالک، تابع ملک بدانند.

س 1674: 1 - مکانی به مدت بیست سال بطور مستمر به عنوان محل کار اجاره داده شده است آیا مستأجر در خلال مدت اجاره یا بعد از انقضاء آن حق دارد حق سرقفلی مکان مزبور را با پرداخت مالیاتهای سرقفلی و رعایت همه امور قانونی به مستأجر دیگری واگذار کند؟
- اگر سرقفلی آن مکان را به شکل رسمی و با رعایت همه ضوابط قانونی به مستأجر دیگری انتقال بدهد، آیا مالک حق دارد به سبب عدم قبول آن از مستأجر دوم بخواهد مکان مزبور را تخلیه کند؟
اگر سرقفلی آن مکان از سوی مالک و یا طبق قانون به او منتقل نشده باشد حق فروش و واگذاری آنرا به غیر، ندارد و اگر چنین کاری کند فضولی و متوقف بر اجازه مالک است.

س 1675: مورث من همه سهم خود از هتل و لوازم آن اعم از اعیان و حقوق را با من مصالحه کرده است، آیا این مصالحه شامل حق سرقفلی آن هتل هم می‌شود؟
اگر حق سرقفلی هتل متعلق به او باشد و مصالحه بر همه مایملک او در هتل اعم از اعیان و حقوق بدون استثناء چیزی صورت گرفته باشد، حق سرقفلی آن نیز داخل در این مصالحه است.

س 1676: فردی مکانی را اجاره کرده است به این شرط که هنگام مطالبه مالک، آن را تخلیه کند، بعد از انقضاء مدت اجاره و درخواست مالک مبنی بر تخلیه آن، مستأجر حق سرقفلی آنرا مطالبه می‌کند، آیا پرداخت آن به او بر مالک واجب است؟

در فرض مسأله که شرط تخلیه مکان توسط مستأجر هنگام مطالبه مالک شده است و ظاهراً حق سرقفلی از مالک به مستأجر منتقل نشده، حق مطالبه چیزی را نخواهد داشت مگر طبق قوانین نظام اسلامی.

س 1677: سرقفلی مکانی را که اجاره داده ام به مبلغ معینی به مستأجر آن فروختم و او هم در برابر آن یک فقره چک به من داد که به علت عدم وجود پول در حساب بانکی او موفق به نقد کردن آن نشدم، و مکان مزبور هنوز هم در اختیار مستأجر است و با آنکه من تاکنون پول سرقفلی را از او نگرفته‌ام ادعای مالکیت آن را می‌کند، آیا سرقفلی آن مکان متعلق به اوست یا آنکه معامله سرقفلی بر اثر عدم دستیابی من به پول آن باطل است؟

بعد از تحقق معامله سرقفلی بر وجه صحیح، مجرد عدم موجودی در حساب صاحب چک که آن را در برابر سرقفلی داده، موجب بطلان معامله آن نمی‌شود بلکه حق سرقفلی متعلق به مشتری است و فروشنده که همان موجر است حق دارد مبلغ چک را از او مطالبه کند.

س 1678: اگر مستأجر هنگام تخلیه مغازه حق مطالبه عوض سرقفلی را داشته باشد، ولی مالک بر خلاف آنچه که عرفاً و قانوناً متداول است از پرداخت آن خودداری کند، باقی ماندن مستأجر در آن ملک بدون رضایت مالک تا زمانی که عوض سرقفلی را دریافت کند چه حکمی دارد؟ و بر فرض که ماندن مستأجر در آن مکان جایز نباشد و غصب باشد، آیا در آمدی که از آنجا بدست می‌آید شرعاً حلال است؟

تا زمانی که تخلیه مغازه را مشروط به پرداخت عوض سرقفلی به مستأجر نکرده باشند، مجرد استحقاق مطالبه عوض سرقفلی هنگام تخلیه مغازه، برای جواز استمرار تصرف در آن مکان بعد از پایان مدت اجاره کافی نیست و به هر حال درآمد حاصل از کسب و کار در آن مغازه شرعاً حلال است. س 1679: شخصی مغازه‌ای را به مبلغ معینی اجاره نموده و مبلغ دیگری را هم به عنوان سرقفلی پرداخته است، سپس مالک شروع به زیاد کردن اجاره آن نموده تا اینکه به دو برابر اجاره اولیه رسیده است و در حال حاضر مستأجر قصد دارد مغازه را با سرقفلی بیشتری در اختیار مستأجر دیگری قرار دهد ولی مالک پانزده درصد سرقفلی را مطالبه می‌کند و قصد افزایش اجاره ماهانه را تا ده برابر دارد در حالی که اجازه مغازه‌های مجاور کمتر از آن مقدار است، آیا مالک شرعاً و قانوناً حق مطالبه درصد مذکور و اضافه کردن اجاره تا آن مقدار را دارد؟

اگر سرقفلی مغازه متعلق به مستأجر باشد و مجاز باشد آن را به هر کسی که می‌خواهد منتقل کند، مالک حق ندارد چیزی از آنچه را که مستأجر به عنوان عوض سرقفلی می‌گیرد از او مطالبه کند. ولی نسبت به مال الاجاره، تعیین مقدار آن بستگی به توافق مالک و مستأجر هنگام تجدید عقد اجاره دارد.

س 1680: اگر شخصی مغازه‌ای را اجاره کند و علاوه بر اجاره ماهانه مبلغی را به عنوان سرقفلی بپردازد و شرط نماید که موجر هنگام تخلیه محل مبلغ سرقفلی را به قیمت فعلی آن بپردازد و الاً مستأجر حق خواهد داشت که سرقفلی آن مکان را به شخص دیگری بفروشد و آنجا را برای او تخلیه نماید، آیا این شرط صحیح است؟ و آیا واجب است موجر با پرداخت قیمت کنونی آن به مستأجر و یا با رضایت به واگذاری آن مکان به دیگری، به آن شرط وفا کند؟

اشتراک چنین شرطی در ضمن عقد اجاره اشکال ندارد و بر موجه واجب است که به آن عمل کند و در صورتی که راضی به خرید سرقفلی از مستأجر نشود، حق اعتراض به فروش آن به شخص دیگر و واگذاری مکان مزبور را به او ندارد.

س 1681: خانه‌ای را خریده‌ایم که مغازه تجاری آن در اجاره شخص دیگری است و مالک، سرقفلی آن را به مستأجر فروخته و مستأجر مزبور هم حق خود را به شخص دیگری فروخته است، آیا در صورتی که بعد از انقضای مدت اجاره از مستأجر اخیر تقاضای تخلیه مغازه را بکنیم باید عوض سرقفلی را ما به او بپردازیم یا مالک سابق و یا مستأجر قبلی که پول سرقفلی را گرفته‌اند باید آن را به او بپردازند؟

بعد از آنکه مستأجر اخیر به نحو شرعی مالک سرقفلی مغازه شد، کسی که در حال حاضر می‌خواهد آن را از او بخرد باید قیمت سرقفلی را به او بپردازد.

س 1638: اگر کاری که انسان برای مردم انجام می‌دهد از کارهایی باشد که فعالیت بدنی و فکری زیادی نخواهد و هزینه مادی هم نیاز نداشته باشد در صورتی که از طرف نهادهای مربوطه قیمت مشخصی تعیین نشده باشد و میانگین زمان صرف شده برای انجام آنها هم معیار عامی برای قیمت گذاری آنها نباشد، ملاک تعیین دستمزد کارهای مزبور بطوری که منجر به اجحاف به مشتری نشود، چیست؟

اجرت این قبیل امور موکول به نظر عرف است و توافق دو طرف معامله بر مقدار معینی که مورد رضایت آنان است اشکال ندارد.

س 1639: اینجانب خانه‌ای را اجاره کردم و سپس متوجه شدم که مقداری از پول خرید آن، از مال ربا بوده است، وظیفه من چیست؟

تا زمانی که نمی‌دانید موجه خانه را با عین مال ربا خریده است، تصرف در آن اشکال ندارد.

س 1640: مؤسسه دولتی که در آن مشغول به کار هستم مرا برای یک مأموریت دو ماهه به خارج از کشور فرستاد و مبلغی ارز به عنوان اجرت این مأموریت به من داد که آن را از بانک مرکزی به قیمت بسیار ارزان تهیه نمودم، ولی به علل مشخصی مأموریت من بیشتر از یک ماه طول نکشید، بعد از مراجعت نصف ارز باقیمانده را به قیمتی بسیار بیشتر از قیمت خرید فروختم و الآن می‌خواهم با پرداخت آنچه بر عهده‌ام است به خزانه دولت، خود را برئ‌الذمه نمایم، آیا مبلغی که برای خرید ارز پرداخته‌ام بر عهده من است یا مبلغی که با فروش آن بدست آورده‌ام؟

اگر آن اجرت برای روزهای مأموریت به شما داده شده باشد، ضامن مبلغی که نسبت به روزهای باقی‌مانده زیاد آمده، می‌باشید و باید عین آن و یا معادل قیمت کنونی آن را به دولت برگردانید.

س 1641: شخصی بین صاحب کار و کارگران واسطه است، به این صورت که صاحب کار پولی را به عنوان دستمزد آنان به او می‌دهد و او هم مبلغی کمتر از آن را به کارگران می‌پردازد، این عمل او چه حکمی دارد؟

واسطه اگر از جانب صاحب کار وکیل باشد واجب است، مقدار اضافه بر آن مبلغ را به مالک بپردازد و جایز نیست در آن تصرف کند مگر آنکه علم به رضایت مالک داشته باشد.

س 1642: شخصی قطعه زمین موقوفه‌ای را از متولّی شرعی و قانونی آن به مدّت ده سال اجاره کرده است و اجاره نامه رسمی هم در مورد آن تنظیم شده است، ولی بعد از فوت موجر، جانشین او ادعا می‌کند که متولّی سفیه بوده و اجاره او باطل است، این مسئله چه حکمی دارد؟ تا زمانی که که بطلان تصرفات موجر در زمین موقوفه ثابت نشده، اجاره دادن زمین توسط او محکوم به صحت است.

س 1643: شخصی مغازه‌ای از موقوفات مسجد جامع را به مدّت معلومی اجاره کرده است، ولی بعد از انقضاء مدّت اجاره، علاوه بر اینکه چند سال است اجاره مغازه را نپرداخته، از تخلیه آن هم خودداری می‌کند و در برابر تخلیه آن چند میلیون مطالبه می‌کند، آیا جایز است این مبلغ از اموال موقوفه مسجد به او پرداخت شود؟

مستأجر بعد از پایان مدّت اجاره در عین مستأجره حقّی ندارد، بلکه بر او واجب است مغازه را تخلیه نموده و به متولّی آن تحویل دهد ولی اگر از نظر قانونی، حقّی برای او منظور شده می‌تواند مطالبه کند و پرداخت آن از موقوفات مسجد مانعی ندارد.

س 1644: شخصی منزلی را به مبلغ معینی و برای مدّت مشخصی اجاره کرده، سپس مبلغی را به عنوان اجاره آن خانه برای مدّت مشخص دیگری بعد از پایان مهلت مقرر، پیشاپیش به موجر پرداخت نموده که بیشتر از مقدار اجاره قبلی است، به این شرط که مالک تا مدّت معینی از او تقاضای تخلیه خانه را نکند و الاّ باید اجاره مدّت دوم را هم هنگام تخلیه مانند اجاره مدّت اول حساب کند و مبلغ مازاد را به او برگرداند ولی مالک قبل از پایان مدّت مزبور از او تقاضای تخلیه خانه را نمود و از بازگرداندن مبلغ اضافی هم خودداری کرد، حکم این مسئله چیست؟ و آیا جایز است مالک، مبلغی را از مستأجر در برابر هزینه رنگ کاری خانه بگیرد، با آنکه هیچ قراردادی در این زمینه بین آنان وجود ندارد؟ در صورتی که در ضمن عقد اجاره شرط کرده باشند که اگر موجر قبل از موعد مقرر تقاضای تخلیه خانه را بنماید، مستأجر بعد از پایان مدّت اجاره فقط موظّف به پرداخت همان اجاره زمان اول برای مدّت اجاره دوم است، موجر حق ندارد بر خلاف شرط خود مبلغ بیشتری را مطالبه کند و اگر مبلغی اضافی دریافت کرده باید به مستأجر برگرداند و آنچه را هم صرف رنگ کاری و تعمیر خانه نموده، بر عهده مستأجر نیست.

س 1645: شخصی دو اتاق را از مالک آنها به مبلغ معینی برای هر ماه اجاره کرده و موجر هم کلید ها را در اختیار او گذاشته و در نتیجه مستأجر مبادرت به حمل اثاثیه و لوازم منزل به آن دو اتاق نموده است. پس از آن به قصد آوردن خانواده اش رفته ولی برنگشته است، موجر نیز هیچگونه اطلاعی در مورد او و علت برنگشتن وی ندارد، آیا موجر حق تصرف در اتاقها را دارد؟ همچنین نسبت به اثاث و لوازم خانگی مستأجر چه تکلیفی دارد؟

اگر اجاره بر وجه صحیح شرعی محقق نشده باشد مانند اینکه مدّت را تعیین ننموده‌اند مستأجر حقّی در متعلّق اجاره ندارد بلکه اختیار آن در دست مالک است و می‌تواند هر گونه که بخواهد در آن تصرف کند، ولی اثاث مستأجر در نزد او امانت است و باید آن را حفظ نماید و هنگام بازگشت او می‌تواند اجرت المثل اتاق را در مدّتی که با بستن درب آن و گذاشتن لوازم در آن تصرف کرده، از مستأجر مطالبه کند، ولی در صورتی که اجاره به نحو صحیح شرعی محقق شده باشد، مالک باید

منتظر پایان مدّت اجاره بماند و حق مطالبه اجاره تمام آن مدّت را از مستأجر دارد و بعد از پایان مدّت، مستأجر دیگر حقی در آن خانه نداشته و مانند حالتی است که اجاره از اصل باطل باشد.

س 1646: ما جمعی از کارکنان یک شرکت هستیم که در ساختمانی که شرکت آن را از مالک اجاره کرده زندگی می‌کنیم، در حال حاضر وکیل مالک ادعا می‌کند که بین شرکت و مالک، راجع به مبلغ اجاره اختلاف وجود دارد و او تا صدور حکم دادگاه راضی به اقامه نماز و تصرفات دیگر در آن نمی‌باشد، آیا اعاده نمازهای گذشته واجب است یا اینکه عدم اطلاع از موضوع، رافع تکلیف است؟ بعد از تحقق صحیح اجاره، تا مدّت آن پایان نیافته است، تصرفات کارمندان شرکت در آن ساختمان احتیاج به اجازه و موافقت جدید مالک ندارد و نماز خواندن در آن صحیح است، همچنین بر فرض بطلان اجاره یا انقضاء مدّت آن، اگر کارکنان بر اثر بی‌اطلاعی در آن نماز خوانده باشند، نمازهای آنان صحیح است و اعاده آن واجب نیست.

س 1647: کارمندی در محل کارش خانه ای دارد که آن را اجاره داده و خودش در یکی از خانه های مسکونی مؤسسه ای که در آن کار می‌کند ساکن شده است، در حالی که این کار او خلاف قانونی است که تصریح می‌کند به اینکه اگر کسی مالک خانه ای باشد، حق استفاده از خانه‌های سازمانی وابسته به مؤسسه را ندارد، در صورتی که مستأجر بداند که کارمند بر خلاف قانون مؤسسه عمل کرده است، چه تکلیفی دارد؟

استفاده از خانه های مسکونی وابسته به مؤسسه توسط افرادی که واجد شرایط نیستند، جایز نیست. ولی این که کارمند ملک شخصی خود را به دیگری اجاره دهد و یا فرد دیگری آن را از او اجاره کند و همچنین تصرفات مستأجر در آن ملک اشکال ندارد.

س 1648: مالک با مستأجر شرط کرده که در صورت عدم تخلیه خانه پس از پایان مدّت اجاره، باید برای هر روز مبلغی بیشتر از اجرت المثل آن زمان را بپردازد، آیا مستأجر که در ضمن عقد اجاره متعهد به پرداخت این مبلغ گردیده، باید آن را بپردازد؟
وفا و عمل به شرطی که در ضمن عقد لازم، ذکر شده واجب است.

س 1649: شخصی مکانی را به دو نفر به نحو مشاع اجاره داده است، مشروط به اینکه آن دو مستأجر آن را بدون اجازه موجر به دیگری اجاره ندهند، ولی یکی از آن دو بدون اجازه موجر سهم خود را به شریک خود واگذار کرده است، آیا انتقال به غیر بر این مورد صدق می‌کند؟
انتقال به غیر بر آن صدق می‌کند مگر آنکه قرینه‌ای وجود داشته باشد که موجب انصراف شرط از مورد انتقال به شریک دیگر شود.

س 1650: سهمی از آب و زمین را برای مدّت چهار سال اجاره کردم، به این شرط که موجر در ابتدای سال دوم حق فسخ داشته باشد، ولی موجر تا پایان سال دوم اقدام به فسخ نکرد و بلکه اجرت سال سوم را هم دریافت نموده و بابت آن رسید داد، آیا موجر یا کسی که مدّعی خرید آن ملک است، حق دارد قبل از انقضاء مدّت اجاره در عین مستأجره تصرف و دخالت کند؟
اگر موجر در زمانی که حق فسخ داشته عقد اجاره را فسخ نکند. بعد از آن جایز نیست آن را فسخ نماید و اگر ملک را بعد از پایان مهلت خیار به شخص دیگری بفروشد، موجب بطلان عقد اجاره نمی‌شود، بلکه مالک جدید باید منتظر بماند تا مدّت اجاره به پایان برسد.

س 1651: شخصی دو مغاره را اجاره کرده است به این شرط که از آنها برای فروش مواد غذایی استفاده کند، این شرط در قرارداد هم ذکر شده ولی مستأجر به آن عمل نکرده است، آیا این کار او در آن مغازه ها حلال است؟ و آیا موجر بر اثر تخلف شرط، حق فسخ اجاره را دارد؟
بر مستأجر واجب است طبق شرط مالک، عمل کند و در صورتی که تخلف نماید مالک بر اثر تخلف شرط حق فسخ دارد.

س 1652: من در یکی از مؤسسات کار می‌کنم، مسئول مؤسسه متعهد شده که علاوه بر حقوق ماهیانه، آنچه را که امروزه متعارف است مثل تأمین مسکن، تعطیلات متعارف و بیمه اجتماعی، برایم تأمین نماید، ولی او بعد از گذشت چند سال به تعهدات خود عمل نکرد و چون قرار داد کتبی هم در این رابطه در اختیار ندارم قادر به استیفای حق خود نیستم. آیا شرعا مجاز هستم که حقوق خود را از راههای قانونی مطالبه کنم؟
استیفای حق از طریق مراجع قانونی، منعی ندارد.

س 1653: شخصی زمین زراعی موقوفه‌ای را که با آب باران آبیاری می‌شده به مبلغ معینی اجاره کرده است ولی با توجه به اینکه بر اثر اتکاء به آب باران محصول کمی داشته، مبادرت به تبدیل آن به زمین آبی نموده و برای این کار مبالغ زیادی خرج کرده است، آیا با این وضعیت، او باید اجاره زمین آبی را بپردازد یا اجاره زمین دیمی را که با آب باران آبیاری می‌شود؟ و اگر این کار با کمک بخش دولتی انجام گرفته باشد چه حکمی دارد؟ و اگر واقف در وقف آن کیفیت مصرف اجاره را مشخص کرده باشد، به این صورت که مال الاجاره سالانه برای برپایی مجلس عزاداری حضرت سیدالشهداء \diamond علیه السلام \diamond به مدت ده روز مصرف شود، آیا باید مال الاجاره در خصوص موردی که واقف معین کرده مصرف شود؟ و در صورتی که متولّی موقوفه از گرفتن اجاره زمین از مستأجر خودداری کند، آیا جایز است آن را به اداره اوقاف بپردازد؟

حفر چاه یا قنات و امثال آن برای آبیاری زراعت بجای استفاده از آب باران، اگر بعد از تحقق اجاره بطور صحیح باشد، موجب زیادی یا کمی اجرتی که تعیین شده است، نمی‌شود اعم از اینکه این کار با نفقه متولّی وقف صورت گرفته باشد و یا بخش دولتی و یا با هزینه خود مستأجر. ولی اگر قبل از عقد اجاره و یا بعد از پایان مدت اجاره سابق و قبل از تجدید مدت آن صورت گرفته باشد واجب است متولّی زمین موقوفه با ملاحظه همه امکاناتی که برای زمین فراهم کرده، اجاره آن را به قیمت عادلانه روز مشخص کند و مال الاجاره باید در همان موردی که واقف، تعیین کرده صرف شود و مقدار اجاره وقف موکول به نظر متولّی شرعی است که باید با ملاحظه نفع و مصلحت وقف در هنگام اجاره دادن صورت بگیرد و تصرف در وقف هم بدون اجاره کردن از متولّی شرعی وقف و بدون تحصیل اجازه و اذن او جایز نیست و غصب محسوب می‌شود و مجرد پرداخت مبلغ اجاره به اداره اوقاف یا هر صندوق دیگری برای جواز تصرف در وقف کافی نیست ولی اگر متولّی وقف در طول مدت اجاره از دریافت مبلغ اجاره خودداری کند، استمرار بهره‌برداری مستأجر از آن اشکال ندارد و در این صورت مال الاجاره با هماهنگی اداره اوقاف باید صرف جهت وقف گردد.

س 1654: اگر مستأجر از موجر بخواهد که اصلاحات و تغییراتی در عین مستأجره ایجاد کند، مخارج آن بر عهده چه کسی است؟

اگر عین مستأجره به همان صورتی که در زمان انعقاد عقد اجاره بوده باقی باشد، پذیرش درخواست مستأجر مبنی بر ایجاد بعضی از اصلاحات و تغییرات در آن بر موجد واجب نیست، ولی در صورتی که تقاضای او را بپذیرد، همه هزینه‌های اصلاح و تعمیر و ایجاد بعضی از تغییرات در آن بر عهده خود اوست و درخواست مستأجر از مالک برای انجام آن امور موجب نمی‌شود که ضامن آن هزینه‌ها باشد.

س 1655: شخصی از فردی تقاضا نموده که در مجلس عزاداری مقداری قرآن قرائت کند و مبلغی را هم به عنوان اجرت به او داده است، ولی این فرد فراموش کرده که هنگام قرائت قرآن کسی را که به او پول داده نیت کند، لذا بعد از فراغت از آن می‌خواهد کسی را که وصیت به قرائت قرآن نموده نیت کند، آیا این کار او صحیح است؟ و آیا استحقاق اجرت را دارد یا خیر؟ در صورتی که در اثناء قرائت، نیت او آن فرد نباشد، احتساب آن بعد از قرائت برای کسی که وصیت به خواندن قرآن نموده، صحیح نیست و استحقاق اجرت ندارد.

س 1656: همراه دلالی برای دیدن منزل رفتیم که پس از بازدید، از خرید آن منصرف شدیم، سپس با شخص دیگری به دیدن همان منزل رفتیم و بدون اینکه دلال توسط فروشنده یا؛ ضغ ♦♦♦♦♦♦♦♦♦♦ خریدار مطلع شود خانه را معامله کردیم، آیا دلال در این رابطه حقی دارد یا خیر؟

دلال حق دارد در برابر راهنمایی و همراهی کردن مشتری برای نشان دادن منزلی که در معرض فروش گذاشته شده، مطالبه اجرت کند، ولی در صورتی که واسطه در انجام معامله نباشد و در این ارتباط نقشی نداشته باشد، حق مطالبه اجرت در برابر تحقق معامله بین فروشنده و خریدار را ندارد و اگر در این زمینه قانون و مقرراتی وجود داشته باشد باید مراعات گردد.

س 1657: شخصی برای فروش منزل خود به بنگاه معاملات ملکی مراجعه نموده و با کمک بنگاه موفق به یافتن مشتری و تعیین قیمت خانه شده است، ولی مشتری برای فرار از پرداخت حق دلالی، معامله را بدون واسطه با خود فروشنده انجام داده است، آیا پرداخت اجرت دلال بر عهده مشتری و فروشنده است؟

مجرد مراجعه به دلال موجب استحقاق او برای گرفتن اجرت معامله نمی‌شود، ولی اگر اقدام به انجام عملی برای هر یک از دو طرف معامله نموده باشد، مستحق گرفتن اجرةالمثل آن عمل از کسی که کار را برای او انجام داده می‌باشد.

س 1658: شخصی مغازه‌ای را برای مدت معین و به مبلغ مشخصی اجاره کرده است ولی بعد از گذشت مدتی آن را فسخ نموده، آیا فسخ اجاره، توسط او صحیح است؟ و بر فرض صحت فسخ، آیا موجد مستحق دریافت اجاره روزهای قبل از فسخ هست یا خیر؟

تا زمانی که مستأجر شرعاً حق فسخ نداشته باشد فسخ اجاره توسط او صحیح نیست و بر فرض ثبوت خیار برای او، اگر معامله را فسخ کند باید اجاره روزهای قبل از فسخ را بپردازد.

س 1659: شخصی زمینی را برای زراعت اجاره نموده با این شرط که همه کارها و هزینه‌های حفر چاه عمیق و استخراج آب برای آبیاری زمین بر عهده او باشد، در نتیجه مستأجر بعد از طی مراحل قانونی و گرفتن اجازه برای حفر چاه به نام خودش، مبادرت به حفر چاه و استفاده از آن نموده، ولی

مالک بعد از گذشت یک سال عقد اجاره را بطور یکجانبه لغو کرده است، چاه و لوازم و مخارج آن چه حکمی دارد؟ آیا در ملک مستأجر باقی است یا اینکه در ملکیت تابع زمین است؟ تا زمانی که مدت اجاره به پایان نرسیده، هیچیک از دو طرف حق فسخ آن را ندارند، و به هر حال چاه تابع زمین و ملک صاحب آن است، مگر شرطی برخلاف آن شده باشد ولی ابزار و آلاتی که روی چاه نصب شده‌اند و همچنین چیزهایی که مستأجر با مال خودش خریداری کرده، ملک او هستند و در صورتی که در عقد اجاره توافق کرده باشند که او حق انتفاع از چاه را داشته باشد، حق او ثابت است.

س 1660: اگر صاحبان مؤسسات و شرکتهای خصوصی از پرداخت بعضی از امتیازات مالی و مزایای کارگران مشمول قانون کار که توسط مجلس شورای اسلامی تصویب و شورای نگهبان آن را تأیید کرده است، خودداری کنند، تکلیف چیست؟

واجب است کارفرمایان به همه تعهدات مربوط به حقوقی که کارگران و کارمندان طبق مقررات و ضوابط قانونی از آن برخوردارند، عمل نمایند و کارگران حق دارند، حقوق قانونی خود را مطالبه کنند. س 1661: آیا جایز است دو اداره دولتی با یکدیگر به این صورت قرارداد ببندند که قسمتی از ساختمان مربوط به یکی از آنها تا مدت معینی در اختیار اداره دیگر قرار بگیرد مشروط بر اینکه آن اداره مقداری از بودجه خود را تا زمان تخلیه ساختمان بعد از انقضای مهلت اجاره به حساب اداره اول واریز کند؟

اگر اینکار با عقد صحیح اجاره و با موافقت مسئول قانونی آن ساختمان انجام پذیرد اشکالی ندارد و شرط ضمن عقد اجاره اگر خلاف شرع نباشد نافذ است.

س 1662: آنچه امروزه در بین مردم متعارف شده که هنگام اجاره دادن خانه مبلغی را جلوتر می‌گیرند، از نظر شرعی چه وجهی دارد؟

در صورتی که مالک، خانه خود را به مدت معین و اجرت مشخصی اجاره بدهد به این شرط که مستأجر مبلغی را به عنوان قرض به او بپردازد، اشکال ندارد هر چند مالک با توجه به آن مبلغ اجاره خانه را از اجرت‌المثل آن کمتر قرار دهد، ولی اگر از مستأجر قرض بگیرد به این شرط که خانه خود را مجانی در اختیار او قرار دهد و یا خانه‌اش را به اجرت‌المثل یا کمتر و یا بیشتر از آن به او اجاره بدهد، بطوری که آنچه در ابتدا بین آن دو محقق می‌شود قرض دادن و قرض گرفتن باشد و اجاره‌دادن خانه به مستأجر و یا قراردادن آن در اختیار او به عنوان شرط در قرض باشد، همه این موارد حرام و باطل هستند.

س 1663: آیا مؤسسه حمل و نقلی که با دریافت اجرت معینی اقدام به حمل و رساندن کالا به مشتری می‌کند در صورتی که کالا در راه بر اثر سرقت یا آتش سوزی تلف شود و یا خسارت ببیند، ضامن کالا است؟

اگر مؤسسه‌ای که برای حمل و رساندن کالا به مقصد اجیر شده، مبادرت به حفظ آن کالا بطوری که در حمل و نقل آن متعارف است، نموده باشد و در این زمینه مرتکب هیچگونه تعدی و تفریطی نشده باشد، تا زمانی که شرط ضمان نشده ضامن نیست و الا ضامن است.

س 1664: اگر بعد از آنکه چوپان گله گوسفندان را در آغل قرار داد و درب آن را بست و به خانه‌اش که در سه فرسخی آغل قرار دارد رفت، گرگ در شب وارد آن شود و گوسفندان را بدرد، آیا چوپان

ضامن آنهاست؟ بر اساس قرارداد باید هفت رأس از آن گوسفندان به عنوان اجرت به چوپان پرداخت شود، آیا در این حالت کسی که چوپان را برای چراندن گوسفندان اجیر کرده، باید اجرت او را بپردازد؟ اگر چوپان مسئول حراست از آغل گوسفندان در شب نبوده و در ارتباط با وظیفه خود در حفظ گوسفندان مرتکب هیچگونه تعدی و تفریطی هم نشده، ضامن نیست و مستحق مطالبه همه اجرت خود برای چراندن آنها می‌باشد.

س 1665: شخصی خانه‌ای دارد که همسایه اش بطور مجانی و بدون اجاره یا بیع و یا رهن در آن به مدت طولانی سکونت دارد، بعد از فوت مالک، ورثه او خانه را از آن فرد مطالبه می‌کنند ولی او از تحویل آن به آنها خودداری نموده و ادعا می‌کند که خانه برای خود اوست و از طرفی دلیلی هم برای اثبات ادعای خود ندارد، این مسئله چه حکمی دارد؟ اگر ورثه از طریق شرعی ثابت کنند که خانه، ملک مورث آنان بوده و یا کسی که در حال حاضر، خانه در تصرف اوست به آن اعتراف نماید ولی ادعا کند که خانه به سببی از مالک آن به او انتقال پیدا کرده، تا وقتی که ادعای خود را از طریق شرعی ثابت نکرده است، باید خانه را به ورثه مالک برگرداند.

س 1666: شخصی ساعت خود را برای تعمیر به ساعت سازی داده و بعد از مدتی ساعت از مغازه به سرقت رفته است، آیا صاحب مغازه ساعت‌سازی ضامن آن است؟ اگر صاحب مغازه در نگهداری ساعت کوتاهی نکرده باشد، ضامن نیست.

س 1667: در اینجا یک شرکت خصوصی وجود دارد که مبادرت به وکالت از شرکتهای خارجی برای فروش کالاهای آنها می‌کند و در برابر آن درصدی از پول کالاها را برای خود بر می‌دارد، آیا شرعا گرفتن این درصد جایز است؟ و اگر یکی از کارمندان دولت با آن شرکت همکاری داشته باشد، جایز است مقداری از آن درصد را بگیرد؟

اگر این مقدار به عنوان اجرت وکالت در فروش کالای شرکتهای خارجی یا داخلی دولتی یا غیر دولتی گرفته شود، گرفتن آن برای وکیل فی نفسه اشکال ندارد، ولی کارمند دولتی حق دریافت اجرت دیگر و یا هدیه در برابر ارائه خدمات دولتی که در برابر آن حقوق می‌گیرد را ندارد.

ضمان

س 1682: کسی که در حساب بانکی خود موجودی ندارد، آیا می‌تواند چکی را به عنوان وثیقه ضمانت از شخص دیگری، صادر کند؟

میزان در این گونه امور قوانین نظام جمهوری اسلامی می‌باشد.

س 1683: از شخصی مقداری طلب داشتیم که در پرداخت آن کوتاهی می‌کرد، در نتیجه یکی از اقوام او چک مدتی داری را به مقدار مبلغ قرض، به من داد به این شرط که به او در پرداخت بدهی مهلت بدهم، بدین ترتیب او ضامن شد که اگر بدهکار قرض خود را تا سر موعد چک ندهد، آن را

بپردازد، سپس فرد بدهکار فرار کرد و مخفی شد و در حال حاضر دسترسی به او ندارم، آیا شرعا جایز است که همه قرض را از ضامن بگیرم؟
اگر بر وجه صحیح شرعی ضامن شده باشد که اگر بدهکار قرض خود را تا مدت معینی نپرداخت، او آن را به شما بپردازد، جایز است بعد از رسیدن موعد، قرض خود را از او مطالبه کنید و همه آن را از او بگیرید.

رهن

س 1684: شخصی خانه خود را در برابر گرفتن وام نزد بانک گرو گذاشت، سپس قبل از پرداخت بدهی خود فوت کرد و ورثه صغیر او نتوانستند همه قرض را بپردازند، در نتیجه بانک اقدام به توقیف و مصادره خانه مزبور نمود بآنکه قیمت آن چندین برابر مبلغ بدهی بود، این مقدار زیادی چه حکمی دارد؟ نسبت به ورثه صغیر و حق آنان حکم چیست؟
در مواردی که جایز است مرتهن عین مرهونه را برای استیفاء دین از آن بفروشد، واجب است آن را به بالاترین قیمت ممکن بفروشد و او در صورتی که آن را به قیمتی بیش از مقدار طلب مرتهن بفروشد، باید بعد از استیفاء حق خود، باقیمانده آن را به مالک شرعی آن برگرداند، بنابراین مقدار زیادی در فرض سؤال به ورثه می‌رسد.

س 1685: آیا جایز است مکلف مبلغ معینی را تا مدتی از شخصی قرض کند و ملک خود را به خاطر قرض، نزد او گرو بگذارد و سپس همان خانه را از مرتهن به مبلغ معین و برای مدت مشخصی اجاره کند؟

علاوه بر اشکالی که در اجاره کردن ملک توسط مالک آن وجود دارد، این قبیل معاملات، حيله برای دستیابی به قرض ربوی بوده و شرعا حرام و باطل هستند.

س 1686: شخصی قطعه زمین خود را نزد فرد دیگری در برابر بدهیش به او، گرو گذاشته است. بیشتر از چهل سال است که از این جریان گذشته تا اینکه راهن و مرتهن هر دو فوت کردند، ورثه راهن بعد از فوت او چندین بار از ورثه مرتهن زمین را مطالبه نمودند، ولی آنان با رد تقاضای ورثه راهن مدعی شدند که زمین را از پدرشان به ارث برده‌اند، آیا جایز است ورثه راهن زمین را از آنان پس بگیرند؟

اگر ثابت شود که مرتهن مجاز بوده که برای استیفاء طلب خود زمین را تملک کند و قیمت آن هم به مقدار قرض و یا کمتر از آن باشد و زمین نیز تا زمانی که فوت کرده تحت تصرف او بوده، ظاهرا ملک اوست و با فوت او جزء ترکه وی بوده و ارث ورثه او محسوب می‌شود، والا زمین به عنوان ارث به ورثه راهن می‌رسد و می‌توانند آن را از آنان مطالبه کنند، و ورثه هم باید بدهی راهن را از ترکه او به ورثه مرتهن بپردازند.

س 1687: آیا جایز است کسی که خانه‌ای را اجاره کرده آن را بابت دین خود به فرد دیگری رهن بدهد یا آنکه در صحت رهن شرط است که عین مرهونه، ملک راهن باشد؟

با اذن و اجازه صاحب خانه، اشکال ندارد.

س 1688: خانه‌ای را به شخصی در برابر طلبی که از من داشت به مدت یک سال رهن دادم و قراردادی در این زمینه نوشتیم ولی خارج از عقد به او وعده دادم که خانه به مدت سه سال در اختیار او باشد، آیا در خصوص مدت رهن، آنچه در قرارداد نوشته شده اعتبار دارد یا وعده‌ای که طبق تعارفات معمول به او دادم؟ و بر فرض بطلان رهن، رهن و مرتهن چه تکلیفی دارند؟ در خصوص مدت رهن نوشته یا وعده و مانند آن ملاک نیست بلکه معیار اصل عقد قرض است، در نتیجه اگر مشروط به مدت معینی باشد، با حلول موعد آن منحل می‌شود، و الاً به صورت رهن باقی می‌ماند تا آنکه با پرداخت قرض یا چشم‌پوشی طلبکار از طلب خود، از رهن آزاد شود و در صورتی که آن خانه از رهن آزاد شود، یا معلوم گردد که عقد رهن از اصل باطل بوده، رهن می‌تواند مال مرهونه را از مرتهن طلب کند و او حق ندارد از برگرداندن آن خودداری نماید و آثار رهن صحیح را بر آن مترتب کند.

س 1689: پدرم در حدود دو سال پیش یا بیشتر، تعدادی سکه طلا را به شخصی در برابر بدهی که به او داشت به وی رهن داد و چند روز قبل از وفاتش به مرتهن اجازه داد که آنها را بفروشد، ولی او را از این مطلب آگاه نکرد. سپس من بعد از فوت پدرم، مبلغ مذکور را قرض کرده و به مرتهن دادم ولی قصدم پرداخت دین پدرم و برئ‌الذمه کردن او نبود بلکه می‌خواستم عین مرهونه را از او بگیرم و نزد شخص دیگری به رهن بگذارم، اما مرتهن، تحویل آن را منوط به توافق ورثه نمود که بعضی از آنان اجازه این کار را ندادند و در نتیجه برای گرفتن آن به مرتهن مراجعه کردم ولی او با این ادعا که آن را در برابر طلب خود برداشته است، از تحویل آن خودداری نمود. این مسئله از نظر شرعی چه حکمی دارد؟ آیا جایز است مرتهن بعد از دریافت طلب خود از تحویل مال مرهونه خودداری کند؟ و با توجه به اینکه من مسئول پرداخت دین نبوده‌ام و آنچه را هم که به او داده‌ام به عنوان پرداخت بدهی پدرم نبوده، آیا حق دارد آن مبلغ را در برابر طلب خود اخذ کند و برنگرداند؟ و آیا می‌تواند برگرداندن عین مرهونه را منوط به موافقت سایر ورثه نماید؟

اگر پرداخت آن مبلغ به مرتهن به قصد اداء دین میّت باشد، ذمه او برئ شده و رهن آزاد و عین مرهونه نزد مرتهن تبدیل به امانت می‌شود. ولی چون متعلق به همه ورثه است، نباید آن را بدون موافقت دیگران به بعضی از آنان بدهد و اگر احراز نشود که پرداخت مبلغ مزبور به قصد اداء بدهی میّت است، خصوصاً با اقرار مرتهن به آن، نمی‌تواند آن را در برابر طلبش برای خود بردارد بلکه واجب است آن را به کسی که به او پرداخت کرده، برگرداند بخصوص اگر آن را مطالبه کند و سکه‌های طلا هم به عنوان رهن نزد او باقی می‌مانند تا ورثه بدهی میّت را بپردازند و رهن را آزاد کنند و یا به مرتهن اجازه دهند که آن را بفروشد و طلب خود را از آن بردارد.

س 1690: آیا رهن می‌تواند مالی را که به رهن گذاشته، قبل از آزاد شدن از رهن، نزد شخص دیگری در قبال بدهی خود به رهن بگذارد؟

تا زمانی که رهن قبلی آزاد نشده، رهن دوم از طرف رهن بدون اجازه مرتهن اول، حکم فضولی دارد و متوقف بر اجازه اوست.

س 1691: شخصی زمین خود را نزد فرد دیگری به رهن گذاشته تا مبلغ معینی را از او قرض بگیرد، ولی مرتهن عذر آورده که مبلغ مذکور را ندارد و به جای آن ده رأس گوسفند به صاحب زمین داده

است و اکنون دو طرف قصد دارند رهن را آزاد کنند و هر یک از راهن و مرتهن مال خود را بردارند، ولی مرتهن اصرار دارد که عین ده رأس گوسفند به او برگردانده شود، آیا شرعا چنین حقی را دارد؟ رهن باید در برابر دین ثابت و محقق باشد نه دین و قرضی که بعدا محقق می‌شود و در فرض سؤال زمین و گوسفندان باید به مالک آنها برگردانده شوند.

شرکت

س 1692: با صاحب شرکتی در سرمایه آن شریک شدم به این صورت که او از طرف من در بکارگیری سرمایه وکیل باشد و هر ماه از سود سهام پنج هزار تومان به من بدهد، بعد از گذشت یک سال قطعه زمینی را بجای آن مال و سود آن از او گرفتم، زمین مزبور چه حکمی دارد؟ در فرض سؤال که مشارکت در سرمایه گذاری و اذن در بکارگیری آن توسط صاحب شرکت بوده است اگر سود حاصل به نحویکه شرعا حلال است بدست آمده باشد گرفتن آن اشکال ندارد. س 1693: چند نفر بطور مشترک چیزی را خریده‌اند به این شرط که بین خود قرعه بیندازند و هر کس که قرعه به نام او در آمد آن چیز مال او باشد، این کار چه حکمی دارد؟ اگر منظور از قرعه کشی، این باشد که همگی آنان سهم خود در مال مشترک را با رضایت به کسی که قرعه به نام او درآمده هبه کنند اشکال ندارد، ولی اگر منظور آنان این باشد که مال مشترک با قرعه‌کشی، ملک کسی شود که قرعه به اسم او در آمده، از نظر شرعی صحیح نیست و همچنین اگر منظور اصلی ایشان بردو باخت باشد.

س 1694: دو نفر زمینی را خریده‌اند و به مدت بیست سال است که بطور مشترک در آن زراعت می‌کنند، درحال حاضر یکی از آنان اقدام به فروش سهم خود به دیگران نموده است، آیا او چنین حقی را دارد یا آنکه فقط شریک او حق خریدن آن را دارد؟ و آیا در صورتی که از فروش زمین به شریکش خودداری کند، شریک او حق اعتراض دارد؟

شریک حق ندارد شریک دیگر خود را وادار به فروش سهم خود به او نماید و در صورتی که آن را به دیگری هم بفروشد حق اعتراض ندارد، ولی بعد از انجام معامله بیع، در صورتی که همه شرایط حق شفعه در آن مورد وجود داشته باشد، می‌تواند اخذ به شفعه نماید.

س 1695: خرید و فروش سهامی که شرکتهای صنعتی یا تجاری یا بعضی از بانکها در معرض فروش می‌گذارند، چه حکمی دارد؟ بدین ترتیب که شخصی یکی از آن سهام را می‌خرد و در بازار بورس مورد خرید و فروش و معامله قرار می‌گیرد و در نتیجه قیمت آن از قیمت خرید بیشتر یا کمتر می‌شود و می‌دانیم که خود سهم مورد خرید و فروش قرار می‌گیرد نه سرمایه. همچنین در صورتی که شرکتهای مزبور فعالیتهای ربوی داشته باشند یا در این مورد شک داشته باشیم، مسأله چه حکمی دارد؟

اگر ارزش مالی سهام کارگاه، کارخانه، شرکت و یا بانک به اعتبار خود سهام و برائز اعطای اعتبار به آنها توسط کسی که انجام این کار بوسیله او صحیح است، باشد، خرید و فروش آن اشکال ندارد و

همچنین اگر به اعتبار قیمت کارگاه، شرکت، کارخانه و یا بانک و یا سرمایه آنها باشد، با توجه به اینکه هر سهمی بیانگر جزئی از آن است، در نتیجه خرید و فروش سهام اشکال ندارد به شرطی که علم به مجموع سهام شرکت و امور دیگری که عرفاً برای رفع غرر، علم به آنها لازم است داشته باشد و فعالیت‌های شرکت یا کار کارخانه و کارگاه و یا بانک شرعاً حلال باشد.

س 1696: ما، سه نفر، در یک کشتارگاه مرغ و ملک تابع آن شریک هستیم و به علت عدم هماهنگی، تصمیم گرفتیم به شراکت پایان داده و از هم جدا شویم در نتیجه کشتارگاه و ملک مزبور را بین شرکاء به مزایده گذاشتیم که یکی از ما در مزایده برنده شد، ولی از آن زمان تاکنون هیچ پولی به ما نداده است، آیا این معامله از درجه اعتبار، ساقط می‌شود؟

مجرد اعلام مزایده و پیشنهاد قیمت بیشتر توسط یکی از شرکاء یا دیگران برای تحقق بیع و انتقال ملک کافی نیست و تا بیع سهام بر وجه صحیح شرعی محقق نشود، شراکت به حال خود باقی است ولی اگر بیع بطور صحیح صورت گیرد تأخیر خریدار در پرداخت پول آن، اثری در بطلان معامله ندارد.

س 1697: بعد از آنکه اقدام به تأسیس شرکت و ثبت رسمی آن نمودیم اینجانب با موافقت بقیه شرکاء از سهم خود چشم پوشی کرده و آن را به شخص دیگری فروختم و او هم پول آن را به صورت چند فقره چک پرداخت نمود، ولی چکها محل نداشتند و در نتیجه به خریدار مراجعه کردم، او هم چکها را از من گرفت و سهم مرا از شرکت به خودم برگرداند ولی سند آن بطور رسمی به نام خود او باقی ماند، سپس برایم آشکار شد که سهم مزبور را به شخص دیگری فروخته است، آیا این معامله او صحیح است یا آنکه من حق مطالبه سهم خود را دارم؟

اگر بعد از فسخ معامله با شما اقدام به فروش آن به دیگری نموده است این بیع فضولی و متوقف بر اجازه شما است اما اگر قبل از فسخ آن سهم را به شخص ثالثی فروخته باشد محکوم به صحت است و باید بعد از فسخ معامله اول قیمت مبیع را به نرخ روز فسخ به شما برگرداند.

س 1698: دو برادر خانه‌ای را از پدرشان به ارث برده‌اند و یکی از آنان می‌خواهد از طریق تقسیم خانه یا فروش آن از برادر دیگر جدا شود، ولی دیگری همه راه‌های آن را رد می‌کند بطوری که نه راضی به تقسیم می‌شود و نه با خرید سهم برادرش و یا فروش سهم خود به او موافقت می‌کند. در نتیجه برادر اول قضیه را به دادگاه ارجاع داد و دادگاه هم رسیدگی به آن را منوط به تحقیق کارشناس قضائی در مورد خانه نمود، او هم اعلام کرد که خانه غیر قابل تقسیم است و برای خاتمه دادن به شراکت یا باید یکی از آن دو سهم خود را به دیگری بفروشد و یا خانه به شخص سومی فروخته شده و پول آن تحویل دو شریک شود، دادگاه هم نظر او را پذیرفت و خانه را در معرض مزایده علنی گذاشت و پس از فروش، پول آن را به آنان تسلیم کرد، آیا این بیع نافذ است و هر یک از آنان می‌توانند سهم خود از پول خانه را دریافت کنند؟

اشکال ندارد.

س 1699: یکی از شرکا، ملکی را با پول شرکت خریداری کرد و آن را به اسم همسرش نمود. آیا این خرید متعلق به همه شرکاست و زمین هم مال همه آنان است؟ و آیا همسر آن فرد، شرعاً ملزم است که ملک مزبور را به اسم همه شرکا نماید حتی اگر شوهرش اجازه این کار را به او ندهد؟

اگر آن فرد، ملک مزبور را برای خود یا همسرش به قیمت کلّی که در ذمه است خریده باشد و سپس اقدام به پرداخت پول آن از اموال شرکت نموده باشد، آن ملک متعلق به او یا زوجه اش است و فقط به مقدار اموال سایر شرکا به آنان مدیون است. ولی اگر آن را با عین اموال شرکت خریده باشد، معامله نسبت به سهم شرکا فضولی و متوقف بر اجازه آنان است. س 1700: آیا جایز است بعضی از ورثه یا وکیل آنان بدون موافقت ورثه دیگر تصرف خارجی یا معاملی در ملک مشاع نمایند؟

جایز نیست هیچیک از شرکا در ملک مشترک تصرف خارجی کنند مگر با اجازه یا رضایت بقیه آنان و همچنین تصرف معاملی هر یک از آنان در ملک مشترک هم صحیح نیست مگر آنکه با اذن یا اجازه سایر شرکا باشد.

س 1701: اگر بعضی از شرکاء ملک مشاع را بفروشند و یا شخص دیگری آن را بفروشد و بعضی از آنان آن را اجازه بدهند؟ آیا این معامله بدون رضایت شرکای دیگر از طرف همه آنان صحیح و نافذ است یا اینکه نافذ بودن آن نسبت به آنان منوط به رضایت و موافقت همگی آنان می باشد؟ و اگر رضایت جمیع شرکاء شرط باشد، آیا بین اینکه شراکت در ملک در ضمن یک شرکت تجاری باشد و یا در ضمن یک شرکت مدنی، تفاوتی وجود دارد، به این معنا که رضایت همه شرکا در دومی شرط باشد و در اولی شرط نباشد؟

معامله فقط نسبت به سهم کسی که حصه خود را فروخته است، صحیح و نافذ می باشد و نسبت به حصه هر یک از شرکای دیگر متوقف بر اجازه خود اوست، بدون آنکه فرقی بین اسباب حصول شرکت وجود داشته باشد.

س 1702: شخصی مبلغی پول از بانک وام گرفته، بر این اساس که در ساخت خانه با او مشارکت کند، بعد از ساختن خانه، آن را نزد بانک در برابر حوادث بیمه کرده است، در حال حاضر قسمتی از خانه بر اثر نفوذ آب باران یا چاه خراب شده و تعمیر آن نیاز به صرف مبلغی پول دارد، ولی بانک در این زمینه مسئولیتی نمی پذیرد و شرکت بیمه هم پرداخت این خسارت را خارج از چارچوب قرارداد می داند، در این میان چه کسی ضامن و مسئول است؟

شرکت بیمه ضامن خسارات خارج از مقررات قرارداد بیمه نیست و مخارج تعمیر ساختمان و پرداخت خسارت هایی که دیگری ضامن آن نیست بر عهده مالک است و بانک هم اگر شراکت مدنی در ساختمان داشته باشد باید به مقدار سهمش هزینه های آن را بپردازد، مگر آنکه خسارت مستند به شخص خاصی باشد.

س 1703: سه نفر بطور مشترک چند مکان تجاری را خریده اند تا با هم در آنها مشغول به تجارت شوند، ولی یکی از شرکا از موافقت با دیگران نسبت به استفاده از آن مغازه ها حتی اجازه دادن یا فروش آنها خودداری می کند، سؤال این است:

- آیا جایز است یکی از شرکا بدون اجازه دو شریک دیگر سهم خود را بفروشد یا اجازه دهد؟
- آیا جایز است بدون اجازه دو شریک دیگر در آن مکانها مشغول به کار شود؟
- آیا جایز است یکی از آن مکانها را برای خود بردارد و بقیه را به دو شریک دیگر بدهد؟
- هر یک از شرکا می توانند سهم مشاع خود را بفروشند بدون آنکه منوط به اذن دیگران باشد.
- جایز نیست هیچیک از شرکا بدون رضایت بقیه آنان در مال مشترک تصرف کنند.

- هیچیک از شرکا نمی‌توانند بطور یکجانبه و بدون موافقت دیگران سهم خود از مال مشترک را جدا کنند.

س 1704: عده‌ای از اهالی یک منطقه قصد دارند در زمینی که دارای درخت است حسینی‌های بنا کنند، ولی بعضی از آنان که در زمین مزبور سهم دارند به این کار راضی نیستند، ساخت حسینی‌ها در آن منطقه چه حکمی دارد؟ و اگر این احتمال وجود داشته باشد که زمین مزبور جزء انفال یا مکانهای عمومی شهر باشد، چه حکمی دارد؟

اگر زمین ملک مشاع اهالی باشد، تصرف در آن بستگی به رضایت همه شرکا دارد، ولی اگر از انفال باشد، اختیار آن در دست دولت اسلامی است و تصرف در آن بدون اجازه دولت جایز نیست و همچنین اگر از مکانهای عمومی شهر باشد.

س 1705: اگر یکی از ورثه، راضی به فروش سهم خود از باغ مشترک نشود، آیا جایز است شرکای دیگر یا یکی از مؤسسات دولتی او را ملزم به این کار کنند؟

در صورتی که تقسیم و تفکیک سهام، امکان داشته باشد هیچیک از شرکا و افراد دیگر حق ندارند یکی از شرکا را مجبور به فروش سهم خود کنند و در این موارد هر شریکی، فقط حق دارد از دیگران بخواهد که سهم او را جدا کنند، مگر آنکه مقررات قانونی خاصی از طرف حکومت اسلامی راجع به تقسیم و تفکیک باغی که دارای درخت است، وضع شده باشد که در این صورت رعایت آن مقررات واجب است. ولی اگر ملک مشاع قابل تفکیک و تقسیم نباشد، هر یک از شرکا می‌توانند به حاکم شرع مراجعه کنند تا شریک دیگر را به فروش سهم خود و یا خرید سهم او ملزم نماید.

س 1706: چهار برادر از طریق اموال مشترکی که دارند با هم زندگی می‌کنند، بعد از چند سال دو نفر از آنان ازدواج کردند و متعهد شدند هر کدام، یکی از برادران صغیر خود را تکفل نموده و مقدمات ازدواج او را فراهم کنند، ولی آنان به تعهد خود عمل نکردند، در نتیجه دو برادر صغیر تصمیم به جدایی از آنان گرفته و خواهان تقسیم مال مشترکشان شدند، از نظر شرعی مال مشترک چگونه باید بین آنان تقسیم شود؟

اگر کسی مال مشترک را برای خودش مصرف کرده به همان مقدار بدهکار شرکای دیگری است که به مقدار او در برابر سهام خود، مال مشترک را به مصرف شخصی خود نرسانده‌اند. در نتیجه حق دارند از او بخواهند که عوض آن را از مال خودش بدهد و بقیه مال مشترک را بطور مساوی بین خود تقسیم کنند و یا ابتدا از مال مشترک به همه کسانی که از آن استفاده‌ای نکرده‌اند یا کمتر از دیگران از مال مشترک بهره برده‌اند، به مقداری که همه در برداشت از مال مشترک مساوی شوند بدهند و سپس باقیمانده آن را بطور مساوی بین خودشان تقسیم کنند.

س 1707: سازمان چای در شهرها فروشندگان چای را مجبور به شراکت و عضویت در سازمان می‌کند، آیا جایز است سازمان مزبور فروشندگان را وادار به مشارکت کند؟ و آیا این شراکت اجباری، صحیح است؟

اگر وقتی که سازمان چای در شهرها امکانات در اختیار فروشندگان چای می‌گذارد و آن را برای توزیع به آنان تحویل می‌دهد و خدماتی از این قبیل به آنان ارائه می‌کند، با آنان شرط کند که در سازمان مشارکت کنند و فقط با آن معامله نمایند، این شرط مانعی ندارد و شراکت مزبور هم بدون اشکال است.

س 1708: آیا جایز است مدیران یا مسئولین شرکت، درآمدهای حاصل از آن را بدون کسب اجازه از صاحبان سهام در امور خیریه مصرف کنند؟

اختیار سهم هر یک از شرکا از سود مال مشترک و انتخاب نوع مصرف آن در دست خود اوست، در نتیجه اگر شخص دیگری آن را بدون وکالت یا اجازه از طرف او مصرف کند، ضامن است هر چند آن را در امور خیریه مصرف کرده باشد.

س 1709: سه نفر در یک مکان تجاری شریک هستند بطوریکه شریک اول نصف سرمایه آن را و دو شریک دیگر هر کدام 14 سرمایه آن را پرداخت کرده‌اند و قرار گذاشته اند که سود حاصل بطور مساوی بین آنان تقسیم شود، ولی شریک دوم و سوم در مکان تجاری حضور فعال و دائمی دارند در حالی که شریک اول بسیار کم در آن کار می‌کند، آیا این شراکت با شرط مزبور صحیح است؟ در عقد شرکت، تساوی هر یک از شرکا در آنچه به عنوان سرمایه پرداخت کرده‌اند، شرط نیست و اشتراط توزیع برابر سود بین شرکا اشکال ندارد هر چند در مقدار سرمایه‌گذاری متفاوت باشند و اما در رابطه با کار در آن مکان، اگر چیزی راجع به آن در عقد شرکت، ذکر نشده باشد، هر یک از آنان به مقداری که کار انجام داده‌اند، مستحق دریافت اجرت‌المثل کارشان می‌باشند.

س 1710: شرکتی وجود دارد که توسط دو بخش عمومی و خصوصی ایجاد شده و نمایندگان سهامداران بر اداره امور آن نظارت دارند، آیا جایز است مدیران و سایر کارکنان آن برای کارهای شخصی خود بطور متعارف از وسایل نقلیه شرکت استفاده کنند؟ استفاده از وسایل نقلیه و سایر اموال شرکت در غیر کارهای مربوط به شرکت منوط به اذن و اجازه سهامداران یا نمایندگان آنان در این رابطه است.

س 1711: بر اساس قانون و اساسنامه شرکت باید هیأت داور برای حل و فصل موارد اختلاف تشکیل شود، ولی هیأت مذکور تا از طرف اعضا تشکیل نشده قادر به انجام وظیفه خود نیست و در حال حاضر هم به این دلیل که 51% سهامداران و شرکا از حقوق خود صرفنظر کرده‌اند، مبادرت به تشکیل آن نمی‌کنند. آیا بر کسانی که از حقوق خود صرفنظر کرده‌اند، واجب است برای حفظ حقوق سهامداران دیگر که از حقوق خود صرفنظر نکرده‌اند در تشکیل این هیأت مشارکت کنند؟

اگر اعضای شرکت بر اساس قانون و مقررات داخلی شرکت تعهد داده باشند که در موارد مقتضی، هیأت داور تشکیل دهند، واجب است به تعهد خود عمل کنند و صرفنظر کردن بعضی از اعضا از حق خود، مجوز خودداری آنان از عمل به تعهدشان راجع به تشکیل هیأت داور محسوب نمی‌شود.

س 1712: دو نفر با سرمایه مشترک در تجارت، در مکانی که سرقفلی آن هم مشترک است، شریک هستند و در پایان سال، سود و زیان رامعین نموده و بین خود تقسیم می‌کنند، اخیراً یکی از آن دو، کار روزانه خود را ترک کرده و سرمایه خود را برداشته است در حالی که شریک دیگر به انجام معاملات در آن مکان ادامه می‌دهد و در حال حاضر آن شریک مدعی است که در معاملات خاصی که شریکش برای خودش انجام داده شریک است، این مسئله چه حکمی دارد؟

مجرد شراکت در ملک یا سرقفلی محل تجاری، برای اشتراک در تجارت و سود حاصل از آن کافی نیست، بلکه ملاک آن اشتراک در سرمایه تجارت است، بنابراین اگر بعد از آنکه هر یک از دو شریک سهم خود در سرمایه مشترک را بطور صحیح تقسیم کردند و یکی از آنان سرمایه خود را گرفت، شریک دیگر به تجارت در آن محل ادامه دهد، کسی که سرمایه خود را دریافت کرده حقی در تجارت

فرد دیگر ندارد و فقط می‌تواند به نسبت سهم خود از آن محل مطالبه اجاره یا اجرت المثل کند ولی اگر ادامه تجارت او در آن مکان قبل از تقسیم سرمایه مشترک باشد، شریک دیگر به نسبت شراکتش در سرمایه، در تجارت شریک اول حق دارد.

س 1713: با توجه به اینکه امکان دارد خواهرم اموال خود را در راه نشر و ترویج افکاری که از اسلام و مذهب حق منحرف هستند، مصرف کند، آیا بر من واجب است جلوی دستیابی خواهرم به اموالش را بگیرم و از جدا کردن سهم او در شرکت و پرداخت آن به او جلوگیری کنم؟

هیچیک از شرکا حق ندارند مانع جدا شدن شریک دیگر از شراکت شوند و همچنین نمی‌توانند به دلیل ترس از اینکه اگر یکی از شرکاء اموالش را دریافت کند آنها را در راههای شرّ و گناه و اموری که مصرف مال در آنها جایز نیست، مصرف می‌کند، مانع دستیابی او به اموالش شوند. بلکه بر آنان واجب است خواسته او را در این رابطه اجابت کنند، هر چند بر خود او حرام است که اموال خود را در راه فعالیت‌های حرام بکار بگیرد، همچنان که بر دیگران نیز واجب است که اگر اموالش را در موارد غیرمجاز مصرف کرد، او را نهی از منکر نمایند.

س 1714: در روستای ما برکه آبی وجود دارد که مساحت آن به ده هکتار می‌رسد و ملک آباء و اجدادی کشاورزان بوده است و هر سال در زمستان آب در آن جمع می‌شود و برای آبیاری مزارع و باغها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حال حاضر، دولت اقدام به احداث جاده عریضی در وسط آن نموده و فقط پنج هکتار آن باقی مانده است، آیا مقدار باقیمانده، ملک شهرداری محسوب می‌شود یا ملک کشاورزان؟

اگر برکه، ملک آباء و اجدادی کشاورزان بوده و از طریق ارث به آنان رسیده است، باقیمانده آن، ملک آنان محسوب می‌شود و شهرداری در آن حق ندارد، مگر آنکه دولت در این رابطه قوانین خاصی داشته باشد.

هبه

س 1715: آیا شرعاً تصرف در هدیه‌ای که یتیم غیر بالغ اهدا می‌کند جایز است؟
منوط به اجازه ولی شرعی اوست.

س 1716: دو برادر در قطعه زمینی شریک هستند و یکی از آنان سهم خود را به پسر برادربزرگش بصورت هبه معوض بخشیده و تحویل او داده است، آیا فرزندان هبه‌کننده، حق دارند بعد از فوت پدرشان ادعای ارث در آن مقدار از زمین را بکنند؟

اگر ثابت شود برادری که فوت کرده سهم خود در آن زمین را در حال حیات به پسر برادرش بخشیده و تحویل او داده و آن را تحت اختیارش گذاشته است، ورثه او بعد از مرگش حقی در آن ندارند.

س 1717: شخصی برای پدرش در زمین او خانه ساخته و با اجازه او در زمان حیاتش طبقه‌ای را هم برای خودش بنا کرده است، با توجه به اینکه آن شخص چند سال بعد از وفات پدرش فوت کرده است

و هیچگونه وصیت یا سندی هم که دلالت بر هبه یا کیفیت تصرف در آن بکند وجود ندارد، آیا طبقه دوم ملک اوست و بعد از موت به ورثه او منتقل می‌شود؟ اگر فرزند، مخارج ساخت طبقه دوم را که در تصرف او قرار دارد، داده باشد و در طول حیات پدرش بدون وجود منازعی در اختیار او بوده، شرعا حکم به ملکیت او می‌شود و بعد از فوت هم جزء ترکه او محسوب می‌گردد و برای ورثه اوست.

س 1718: پدرم در زمانی که یازده سال داشتم، یکی از خانه‌های خود را بطور رسمی به نام من کرد و یک زمین و نصف خانه‌ای را هم به نام برادرم و نصف دیگر آنرا به اسم مادرم نمود، بعد از وفات پدرم سایر ورثه ادعا کردند که خانه‌ای که پدرم به نام من ثبت کرده است، شرعا ملک من نیست، آنان مدعی هستند که پدرم برای جلوگیری از مصادره خانه، آنرا به اسم من کرده است و در عین حال اعتراف می‌کنند که املاکی که به اسم برادر و مادرم نموده، ملک آنان می‌باشد، با توجه به اینکه پدرم وصیتی نکرده و شاهی هم بر این مسئله وجود ندارد، حکم چیست؟ آنچه که پدر از املاک خود در زمان حیاتش به بعضی از ورثه هبه کرده و تحویل او داده و برای ثبوت این موضوع، سند رسمی آن را نیز به نام وی نموده، شرعا ملک اوست و سایر ورثه، حق مزاحمت او را ندارند مگر آنکه به طریق معتبری ثابت کنند که پدرشان آن ملک را به او نبخشیده و ثبت سند رسمی به نام او صوری بوده است.

س 1719: هنگامی که شوهرم مشغول خانه‌سازی بود، من هم به او کمک می‌کردم و همین باعث تقلیل هزینه‌های آن و تمام شدن ساخت خانه شد، خود او هم چند بار گفت که من با او در خانه شریک هستم و بعد از پایان کار 13 آن را به نام من ثبت خواهد کرد، ولی او قبل از انجام این کار فوت نمود و الآن هم هیچ سند و وصیتی که ادعای مرا ثابت کند در اختیار ندارم، حکم این مسئله چیست؟

صرف کمک و یاری در ساخت خانه یا مجرد وعده به اینکه شما را در خانه شریک خواهد کرد، باعث شراکت در ملک آن نمی‌شود، بنابراین تا از طریق معتبر ثابت نشود که همسر شما قسمتی از خانه را در زمان حیات خود به شما بخشیده است غیر از سهم ارث خود حقی در آن ندارید. س 1720: شوهرم در حالی که از سلامت عقلی برخوردار بود مسئول بانک را خواست و پولی را که در حساب بانکی‌اش بود به من هبه کرد و سندی را که حق برداشت با من باشد امضا نمود بطوریکه رئیس بیمارستان و مسئول بانک شاهد آن بودند و بر همین اساس بانک به من دسته چک داد و در طول ماه مبلغی را از آن برداشت کردم، بعد از گذشت یک ماه و نیم پسرش او را به بانک برد و در آنجا در حالی که فاقد شعور و ادراک بود، از او پرسیدند که آیا آن مال برای همسرت است؟ او با سر جواب مثبت داد، دوباره از او سؤال کردند که آیا آن مال برای فرزندان است؟ که به همان صورت جواب مثبت داد. آیا آن مال برای من است یا ملک فرزندان شوهرم می‌باشد؟

از آنجا که در هبه، قبض، شرط حصول ملکیت است و مجرد امضا سند و دریافت چک برای قبض مالی که در بانک پس‌انداز شده کافی نیست، لذا صرف امضا و دریافت چک موجب حکم به صحت این هبه نمی‌شود، بنابر این آنچه را با اجازه شوهرتان و در حال سلامت عقلی او از بانک گرفته‌اید، مال شماست و آنچه که از اموال شوهرتان در بانک مانده، بعد از فوت او از ترکه‌اش محسوب می‌شود و

برای ورثه اوست و اقرار او در زمان فقدان ادراک، اعتباری ندارد و اگر در این زمینه قانونی وجود داشته باشد متبع است.

س 1721: آیا چیزهایی که فرزندان در زمان حیات مادرشان برای او می‌خرند تا از آنها استفاده کند، از اموال شخصی او محسوب می‌شود بطوری که بعد از وفاتش از ترکه او محسوب شود؟
اگر فرزندان، اشیاء مذکور را به مادرشان بخشیده و در اختیار او گذاشته باشند، ملک شخصی مادرشان است و بعد از وفات او جزء ترکه‌اش محسوب می‌شود.

س 1722: آیا زیورآلات طلا که شوهر برای همسرش می‌خرد، از اموال شوهر محسوب شده و بعد از وفاتش جزء ترکه‌اش محسوب می‌شود، بطوری که بین ورثه تقسیم شده و همسر او سهم خود را می‌برد یا آنکه ملک زوجه است؟

اگر جواهرات در اختیار و تحت تصرف همسرش باشد بطوری که در آنها تصرفات مالکانه داشته باشد، حکم به ملکیت آن جواهرت برای او می‌شود مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

س 1723: آیا هدایایی که در طول زندگی زناشویی زن و شوهر به آنان هدیه می‌شود، ملک شوهر است یا زن و پاهر دو؟

مسئله با اختلاف هدایا از این جهت که مختص مردان باشد یا زنان یا اینکه قابل استفاده برای هر دو باشد، یا برای یکی از آنان تفاوت پیدا می‌کند، آنچه که بر اساس ظواهر امر به خصوص یکی از زوجین هدیه شده ملک خود اوست و آنچه که به هر دوی آنان بطور مشترک هدیه شده، ملک مشترک آنان است.

س 1724: آیا در صورتی که مردی زنش را طلاق دهد، جایز است آن زن اموالی را که خانواده‌اش هنگام ازدواج به او داده‌اند (مانند فرش، رختخواب، لباس و مانند اینها) از شوهرش مطالبه کند؟
اگر از اشیایی باشند که زن از خانواده‌اش گرفته و یا از چیزهای شخصی باشند که برای خودش خریده و یا به شخص او هبه شده باشند، ملک اوست و در صورتی که موجود باشند حق دارد آنها را از شوهرش مطالبه کند، ولی اگر از چیزهایی باشند که از طرف خانواده یا اقوام او به دامادشان که شوهر اوست، هدیه شده باشند، نمی‌تواند آنها را از شوهرش مطالبه کند بلکه اختیار این قبیل اموال در دست کسی است که آنها را به زوج هدیه کرده است، که اگر عین آنها باقی مانده و زوج هم از ارحام آنان نباشد جایز است هدیه کننده، هبه را فسخ کند و آن مال را پس بگیرد.

س 1725: بعد از آنکه همسر را طلاق دادم، طلاها و زیورآلات و چیزهای دیگری را که با پول خودم و در دوران ازدوایمان به او داده بودم از وی پس گرفتم، آیا در حال حاضر تصرف در آنها برای من جایز است؟

اگر آنها را به عنوان عاریه به همسرتان داده‌اید تا از آنها استفاده کند و یا آنها را به او هبه کرده‌اید و عین آنها نزد همسرتان به همان صورت موجود است و آن زن هم از ارحام شما نمی‌باشد، می‌توانید هبه را فسخ نموده و اموال هبه شده را پس بگیرید و در نتیجه جایز است در اشیایی که از او گرفته‌اید تصرف کنید، و در غیر این صورت جایز نیست.

س 1726: پدرم قطعه زمینی را به من بخشید و سند آن را بطور رسمی به نام من کرد، ولی بعد از یکسال از کار خود پشیمان شد، آیا جایز است در آن زمین، تصرف کنم؟

اگر پدرتان بعد از آنکه زمین را از او تحویل گرفتید و بر آن استیلاء پیدا کردید، از هبه خود پشیمان شد و رجوع نمود، رجوع او صحیح نیست و شرعا زمین، ملک شماست. ولی اگر پشیمانی و رجوع او قبل از قبض زمین توسط شما باشد، حق دارد از هبه خود عدول نماید و شما پس از آن دیگر در زمین مزبور حقی ندارید و مجرد ثبت سند به نام شما برای تحقق قبضی که در هبه معتبر است، کافی نمی‌باشد.

س 1727: اینجانب زمینی را به فردی بخشیدم و او هم در قسمتی از آن، خانه‌ای مسکونی بنا کرد، آیا جایز است عین یا قیمت آنچه را که به او بخشیده‌ام از او مطالبه کنم؟ و آیا جایز است آن مقدار از زمین را که ساختمان در آن بنا نکرده از او پس بگیرم؟

بعد از آنکه آن شخص با اذن شما زمین را قبض کرد و با ساختن ساختمان در آن تصرف نمود، دیگر حق فسخ هبه و پس گرفتن اصل زمین یا قیمت آن را از او ندارید و اگر مساحت زمین به مقداری باشد که ساخت خانه در قسمتی از آن به نظر اهالی منطقه عرفا تصرف در همه زمین محسوب شود حق پس گرفتن هیچ مقداری از آن را ندارید.

س 1728: آیا جایز است شخصی همه اموال خود را به یکی از فرزندانش هبه کند و بقیه را از آن محروم نماید؟

اگر این کار موجب برانگیخته شدن فتنه و اختلاف در بین فرزندان شود، جایز نیست.

س 1729: شخصی خانه‌اش را به صورت هبه معوضه با سند رسمی به پنج نفر هبه کرد تا در زمین آن حسینیّه بسازند به این شرط که آن را بعد از ساخت تا ده سال حبس کنند و بعد از آن اگر خواستند می‌توانند آن را وقف نمایند، در نتیجه آنان با کمک مردم مبادرت به ساخت حسینیّه کردند و اختیار تصدّی و نظارت بر حبس و امور مربوط به شروط عقد وقف، بعد از گذشت مدت مزبور تعیین متولی و ناظر بر وقف را خودشان برعهده گرفتند و سندی هم راجع به آن تنظیم نمودند، آیا در صورتی که قصد وقف کردن حسینیّه محبوسه را داشته باشند، تبعیّت از نظر آنان راجع به انتخاب متولی و ناظر بر وقف واجب است؟ و آیا عدم التزام به این شروط شرعا محذور دارد؟ و در صورتی که یکی از آن پنج نفر با وقف حسینیّه مخالفت کند، مسأله چه حکمی پیدا می‌کند؟

بر آنان واجب است طبق شرایطی که هبه‌کننده در ضمن عقد هبه معوضه بر آنان شرط نموده عمل کنند و اگر از شرطهای او راجع به کیفیت حبس یا وقف تخلف کنند، هبه‌کننده یا ورثه او حق فسخ هبه معوضه را خواهند داشت و اما شرطهایی که آن پنج نفر راجع به اختیار تصدّی حبس و نظارت بر آن و همچنین در مورد وقف و متولی و ناظر بر آن مقرر و ثبت کرده‌اند در صورتی که با توافق هبه‌کننده در عقد هبه باشد به این صورت که اختیار همه آن امور را به آنان واگذار کرده باشد، التزام و عمل به آنها واجب است و اگر بعضی از آنان از وقف کردن حسینیّه خودداری کنند در صورتی که نظر هبه‌کننده این بوده که آنان باهم در مورد وقف آن تصمیم بگیرند، سایر افراد حق ندارند مبادرت به وقف آن نمایند.

س 1730: فردی ثلث خانه شخصی‌اش را به همسرش بخشیده است و بعد از یک سال همه آن را به مدت پانزده سال اجاره داده و سپس فوت نموده است و فرزندی هم ندارد، آیا این هبه در حالی که خانه را بعد از هبه، اجاره داده است، صحیح است و اگر بدهکار باشد آیا باید آن را از تمام خانه

پرداخت کرد یا از دو ثلث آن و سپس بقیه را طبق قانون ارث بین ورثه تقسیم نمود؟ و آیا واجب است طلبکاران صبر کنند تا مدت اجاره به پایان برسد؟

اگر هبه کننده آن مقدار از خانه را که به همسرش بخشیده قبل از اجاره دادن تمام آن، هر چند در ضمن تحویل کل خانه، به قبض او رسانده و همسرش نیز از ارحام او بوده و یا هبه معوضه بوده، هبه در آن مقدار صحیح و نافذ است و اجاره فقط نسبت به بقیه آن صحیح می‌باشد و در غیر این صورت هبه به این دلیل که تمام خانه بعد از آن اجاره داده شده است، باطل است البته اگر اجاره‌دادن به قصد رجوع از هبه باشد و فقط اجاره خانه که بعد از هبه صورت گرفته است صحیح است. بدهی میت هم باید از آنچه که تا زمان فوتش مالک آن بوده است، پرداخت شود و آنچه که در زمان حیاتش برای مدتی اجاره داده، منفعت آن در طول زمان اجاره برای مستأجر است و عین آن جزء ترکه محسوب می‌شود و بدهی او از آن کسر می‌گردد و باقیمانده آن، ارث ورثه است و تا انقضاء مدت اجاره نمی‌توانند از آن استفاده‌ای ببرند.

س 1731: شخصی در وصیتنامه‌اش نوشته است که همه اموال غیر منقول او متعلق به یکی از فرزندان او باشد به این شرط که تا زمانی که زنده است هر سال مقداری برنج در برابر آن اموال به او و خانواده‌اش بدهد، سپس بعد از گذشت یک سال همه آن اموال را به او بخشید، آیا این وصیت به علت تقدم همچنان اعتبار دارد و در نتیجه در ثلث آن صحیح است و باقیمانده اموال بعد از موت او به همه ورثه به ارث می‌رسد؟ یا آنکه وصیت با تحقق هبه بعد از آن باطل می‌شود؟ (قابل ذکر است که اموال مزبور در اختیار و تحت تصرف موهوب له هستند.)

اگر هبه که بعد از وصیت صورت گرفته با قبض و استیلاء بر مال هبه شده در زمان حیات هبه کننده و با اذن او محقق و قطعی شده باشد، وصیت که قبل از هبه صورت گرفته است، باطل می‌گردد زیرا هبه، رجوع از وصیت محسوب می‌شود، در نتیجه مال هبه شده، ملک فرزند است و بقیه ورثه در آن حقی ندارند و در غیر این صورت تا زمانی که عدول موصی از وصیت احراز نشده باشد، وصیت اعتبار دارد.

س 1732: آیا جایز است وارثی که سهم خود را از ارث پدرش به دو برادر خود بخشیده است، بعد از چند سال آن را از آنان مطالبه کند؟ و اگر آن دو از بازگرداندن سهم او خودداری کنند، مسأله چه حکمی دارد؟

اگر بعد از آنکه هبه با قبض و اقباض محقق شده، بخواهد از هبه خود رجوع کند، چنین حقی را ندارد، ولی اگر رجوع او قبل از قبض و اقباض باشد، صحیح و بلااشکال است.
س 1733: یکی از برادرانم بارضایت، سهم خود را از ارث به من بخشید، ولی بعد از مدتی قبل از آنکه ارث بین ورثه تقسیم شود از هبه خود رجوع کرد، مسأله چه حکمی دارد؟
اگر قبل از تحویل سهم الارث خود به شما از هبه رجوع کند، صحیح است و شما حقی در آنچه که به شما هبه کرده است ندارید، ولی اگر بعد از آنکه آن را قبض کردید از هبه خود رجوع کند، اثری ندارد و او در آنچه به شما بخشیده است حقی ندارد.

س 1734: زنی زمین مزروعی خود را به شخصی بخشیده است تا بعد از موتش به نیابت از او فریضه حج را بجا آورد، به این گمان که حج بر او واجب شده است، ولی اقوام او با وی موافق نیستند. سپس برای بار دوم زمین را به یکی از نوه‌های خود هبه نمود و یک هفته بعد از هبه دوم

فوت کرد، آیا هبه اول صحیح است یا هبه دوم؟ موهوب‌له اول، نسبت به انجام فریضه حج برای او چه تکلیفی دارد؟

اگر شخص اول از ارحام هبه کننده بوده و عین موهوبه را با اجازه او قبض کرده باشد، هبه اول صحیح و لازم بوده و واجب است از طرف آن زن فریضه حج را انجام دهد و هبه دوم فضولی و متوقف بر اجازه موهوب‌له اول است، ولی اگر از اقوام آن زن نباشد و یا عین موهوبه را از او تحویل نگرفته باشد، هبه دوم صحیح است و رجوع از هبه اول، محسوب می‌گردد و بر اثر آن هبه اول، باطل می‌شود، در نتیجه شخص اول حقی در زمین ندارد و واجب نیست از طرف هبه کننده فریضه حج را بجا آورد.

س 1735: آیا حق قبل از ثبوت، قابل هبه است؟ آیا اگر زن حقوق مالی خود را که در آینده از آن برخوردار می‌شود، هنگام عقد به شوهرش ببخشد، صحیح است؟

در صحت این قبیل هبه‌ها، اشکال و بلکه منع وجود دارد. در نتیجه اگر هبه حقوق آینده آن زن به شوهرش به صلح یا به شرط اسقاط آنها بعد از ثبوت برگردد، اشکال ندارد و الا هیچ فایده و اثری ندارد.

س 1736: گرفتن یا دادن هدیه به کفار چه حکمی دارد؟

فی نفسه مانعی ندارد.

س 1737: شخصی در زمان حیاتش همه اموال خود را به نوه‌اش بخشیده است، آیا این هبه نسبت به همه اموالش حتی آنچه که باید بعد از مردن او خرج کفن و دفن و امور دیگر شود، نافذ است؟ اگر اموال هبه شده بعد از هبه و در زمان حیات هبه کننده و با اذن او قبض شده باشند، هبه نسبت به تمام آنچه که قبض شده، نافذ است.

س 1738: آیا اموالی که به جانبازان و مجروحین جنگ پرداخت می‌شود، هدیه محسوب می‌گردد؟ بله. مگر آنچه که در برابر کار به بعضی از آنان پرداخت می‌شود که اجرت کار آنان است.

س 1739: اگر هدیه‌ای به خانواده شهیدی تقدیم شود مال ورثه است یا کفیل و یا ولی آنان؟ بستگی به نیت هبه کننده دارد.

س 1740: برخی از شرکت‌ها یا شخصیت‌های حقیقی و حقوقی داخلی یا خارجی به بعضی از وکیل‌ها و واسطه‌ها هنگامی که اقدام به خرید و فروش کالا یا عقد قراردادهای صنعتی می‌کنند، هدیه‌هایی را می‌دهند، با وجود اینکه احتمال دارد گیرنده هدیه به نفع هدیه‌دهنده عمل کند و یا تصمیمی به نفع او اتخاذ نماید، آیا شرعاً جایز است این هدیه‌ها را از او قبول کند؟ وکیل یا واسطه در خرید و فروش و عقد قرارداد نباید از طرف دیگر در برابر معامله با او هدیه بگیرد.

س 1741: اگر هدیه‌هایی که توسط شرکت‌ها یا اشخاص داده می‌شود در برابر هدیه‌ای باشد که از بیت المال به آنان داده شده است، چه حکمی دارد؟

اگر عوض هدیه‌ای باشد که از بیت المال داده شده، باید به بیت المال داده شود.

س 1742: اگر هدیه در گیرنده آن تأثیر بگذارد و موجب برقراری ارتباطات نامناسب و یا روابط مشکوک امنیتی شود، آیا گرفتن آن هدیه و تصرف در آن جایز است؟

گرفتن این هدیه‌ها جایز نیست بلکه واجب است از قبول آنها خودداری شود.

س 1743: اگر احتمال داده شود که هدیه برای ترغیب و تشویق گیرنده آن برای انجام تبلیغات به نفع هدیه دهنده است، آیا گرفتن آن جایز است؟

اگر تبلیغات مورد نظر از جهت شرعی و قانونی جایز باشند، اشکال ندارد و قبول هدیه در برابر آن هم بدون مانع است. البته در محیط‌های اداری این امر تابع قانون و مقررات مربوطه می‌باشد.

س 1744: در صورتی که هدیه برای چشم پوشی و تغافل و عدم مخالفت و یا برای جلب موافقت مسئول نسبت به انجام بعضی از امور باشد، قبول هدیه چه حکمی دارد؟

قبول این قبیل هدیه‌ها اشکال دارد و بلکه ممنوع است. بطور کلی اگر تقدیم هدیه به قصد دستیابی به هدفی خلاف شرع و قانون و یا به منظور ایجاد تمایل در مسئول قانونی به موافقت با چیزی که حق موافقت با آن را ندارد، صورت بگیرد، گرفتن آن هدیه جایز نیست بلکه واجب است از قبول آن خودداری شود و بر مسئولین هم واجب است از آن جلوگیری نمایند.

س 1745: آیا جایز است جد پدری، همه یا بخشی از اموال خود را در زمان حیاتش به همسر فرزندش که از دنیا رفته و به فرزندان او ببخشد؟ آیا دختران او حق اعتراض به این کار را دارند؟ او حق دارد که در زمان حیاتش هر چه را بخواهد به نوه‌های خود و یا همسر پسرش ببخشد و دختران او حق اعتراض به کار او را ندارند.

س 1746: شخصی فرزند و خواهر و برادر و پدر و مادری ندارد و می‌خواهد اموال خود را به همسر یا اقوام او هبه کند، آیا شرعاً این کار برای او جایز است؟ آیا این کار مقدار مشخص و معینی دارد یا اینکه می‌تواند همه اموالش را هبه کند؟

مانعی ندارد که مالک در زمان حیاتش همه یا قسمتی از اموالش را به هر کس که می‌خواهد اعم از وارث و غیر وارث ببخشد.

س 1747: بنیاد شهید مقداری پول و مواد غذایی جهت برگزاری مجلس فاتحه و یادبود فرزند شهیدم در اختیار من قرار داده است، آیا گرفتن آنها تبعات اخروی برای من بدنبال دارد؟ آیا موجب کم شدن ثواب و اجر شهید خواهد شد؟

اشکال ندارد که خانواده‌های عزیز شهدا آن کمکها را قبول کنند و تأثیری در اجر و پاداش شهید و خانواده او ندارد.

س 1748: یک صندوق مشترک توسط نگهبانان و کارکنان هتل ایجاد شده تا چیزهایی که به عنوان انعام به آنان هدیه داده می‌شود در آن جمع آوری شده و بین آنان بطور مساوی تقسیم گردد، ولی بعضی از آنان که دارای سمت ریاست و نائب رئیس هستند سهم بیشتری را مطالبه می‌کنند و این مسئله همیشه موجب اختلاف و تفرقه بین اعضای صندوق بوده است، حکم آن چیست؟ این مسئله بستگی به قصد کسی دارد که مال را به عنوان انعام پرداخت کرده است، در نتیجه آنچه را که به شخص خاصی داده است مال خود اوست و آنچه را که به همه داده است باید بطور مساوی بین آنان تقسیم شود.

س 1749: اموالی مانند عیدی که به کودک صغیر هدیه داده می‌شوند آیا ملک خود صغیر محسوب می‌شوند یا ملک پدر و مادر او؟

اگر پدر به عنوان ولایت بر صغیر، آنها را قبض کرده باشد، ملک صغیر محسوب می‌شوند.

س 1750: مادری دو دختر دارد و می‌خواهد دارایی خود را که یک قطعه زمین کشاورزی است به نوه‌اش (یعنی پسر یکی از دو دخترش) هبه کند و در نتیجه دختر دوم او از ارث، محروم می‌شود، آیا

این هبه او، صحیح است یا این که دختر دوم می‌تواند بعد از مرگ مادرش، سهم خود را از آن زمین، مطالبه کند؟

اگر مادر، در زمان حیات خود، ملکش را به نوه‌اش، بخشیده و تحویل او داده، در این صورت، ملک از آن وی بوده و هیچ کس حق اعتراض ندارد، اما اگر وصیت کرده که بعد از او، آن ملک را به نوه دهند، وصیت او تا مقدار ثلث، نافذ بوده و در مقدار زائد آن بستگی به اذن ورثه دارد.

س 1751: شخصی مقداری از زمین کشاورزی را به پسر برادرش، هبه کرد به شرط این که او دو ربیبه خود را به عقد دو پسر هبه‌کننده، در آورد، ولی فرزند برادر، یکی از ربیبه‌ها را به عقد یک پسر در آورد اما از تزویج ربیبه دوم امتناع نمود آیا این هبه با شرط مذکور، صحیح و لازم می‌باشد یا نه؟ این هبه، صحیح و لازم است، لکن شرط، باطل است زیرا ناپدری ولایتی بر ربیبه‌ها ندارد بلکه ازدواج آنان، در صورتی که پدر یا جد پدری نداشته باشند، منوط به رضایت خودشان است.

بلی، اگر مراد از شرط مذکور این است که پسر برادر با گفتگو و مذاکره، رضایت ربیبه‌ها را برای ازدواج با پسران آن شخص، جلب کند، شرط صحیح و وفاء به آن لازم است و اگر به شرط عمل نکند هبه‌کننده، حق فسخ خواهد داشت.

س 1752: اینجانب یک آپارتمان مسکونی دارم که آن را به نام دختر صغیرم کردم، بعد از آنکه مادر او را طلاق دادم از هبه خود رجوع نموده و قبل از رسیدن او به سن هجده سالگی آن را به نام پسری که از همسر دوم خود دارم نمودم، این مسئله چه حکمی دارد؟

اگر ملک را حقیقتاً به دخترتان هبه کرده‌اید و آن را به ولایت از او قبض نموده‌اید، هبه لازم است و قابل فسخ نیست، ولی اگر هبه حقیقی محقق نشده باشد، بلکه فقط سند آن را به نام دخترتان کرده باشید این برای تحقق هبه و حصول مالکیت برای او کافی نیست، بلکه آن آپارتمان ملک شماست و اختیار آن نیز در دست شما می‌باشد.

س 1753: اینجانب بعد از ابتلاء به یک بیماری شدید، همه املاکم را بین فرزندانم تقسیم کرده و سندی راجع به آن برای آنان تنظیم نمودم و بعد از بهبودی به آنان مراجعه کرده و درخواست نمودم که مقداری از اموال را به من برگردانند، ولی آنان از انجام این کار خودداری نمودند، این مسئله چه حکمی دارد؟

مجرد نوشتن سند برای حصول ملکیت برای فرزندان کافی نیست در نتیجه اگر اموال و املاک خود را به آنان هبه کرده و تحویل آنان داده‌اید بطوری که در اختیار و تحت تصرف مالکانه آنان قرار گرفته باشد، حق رجوع نسبت به آن را ندارید، ولی اگر اصلاً هبه‌ای صورت نگرفته و یا بعد از هبه قبض و اقباض انجام نشده باشد، آن اموال بر ملکیت شما باقی هستند و اختیار آنها با شماست.

س 1754: شخصی در وصیتنامه‌اش آنچه را که در منزل دارد به زنش بخشیده است و در خانه کتابی هم به خط موصی وجود دارد، آیا همسر او علاوه بر ملکیت این کتاب، مالک حقوق ناشی از آن مانند حق چاپ و نشر هم می‌باشد یا اینکه ورثه دیگر هم نسبت به آن سهیم هستند؟

حق چاپ و نشر کتابی که تألیف شده تابع ملک آن است، بنابر این کسی که مؤلف در زمان حیاتش کتاب خود را به او هبه کرده و تحویل او داده است و یا وصیت کرده که متعلق به او باشد، کتاب بعد از وفات مؤلف، متعلق به آن شخص است و همه امتیازات و حقوق آن هم اختصاص به او پیدا می‌کند.

س 1755: بعضی از ادارات و مؤسسات به مناسبت‌های مختلف هدایایی را به کارمندان خود می‌دهند که جهت آن معلوم نیست، آیا جایز است کارمندان آن را گرفته و در آن تصرف کنند؟ در صورتی که هدیه دهنده بر اساس مقررات دولتی صلاحیت و اختیار آن را داشته باشد، دادن هدیه از اموال دولتی مانعی ندارد و اگر دریافت کننده احتمال قابل توجهی بدهد که هدیه دهنده این صلاحیت و اختیار را دارد، اشکال ندارد که آن را از او بگیرد.

س 1756: آیا در قبض هبه از هبه کننده، مجرد دریافت هبه از او کافی است یا آنکه علاوه بر آن باید هبه را مخصوصاً در مواردی مانند ماشین، خانه، زمین و مانند آن به نام آن شخص ثبت نماید؟ منظور از اشتراط قبض در هبه، نوشتن قرارداد و امضای آن نیست، بلکه مقصود این است که آن مال در خارج در اختیار و تحت تصرف او قرار بگیرد و همین برای تحقق هبه و حصول ملکیت کافی است و فرقی بین اموالی که هبه می‌شوند، وجود ندارد.

س 1757: شخصی مالی را به مناسبت ازدواج یا تولد و یا امور دیگر به فرد دیگری هدیه داده است و بعد از گذشت سه یا چهار سال می‌خواهد آنها را پس بگیرد، آیا برگیرنده هبه واجب است آنها را به او برگرداند؟ و اگر شخصی مالی را برای مراسم عزاداری یا جشن‌های تولد ائمه **علیهم‌السلام** بدهد، آیا حق دارد بعد از آن، اموال مزبور را پس بگیرد؟

تا زمانی که عین هدیه نزد آن شخص به حال خود باقی باشد، جایز است هبه‌کننده، آن را مطالبه کند و پس بگیرد، به شرطی که او از ارحام هبه کننده نبوده و هبه هم معوضه نباشد، ولی در صورت تلف شدن هدیه یا تغییر آن، نسبت به آنچه در زمان هبه به آن صورت بوده، حق مطالبه هدیه و یا عوض آن را ندارد و همچنین پولی را که انسان به قصد قربت و برای رضای خدا، بدهد حق پس گرفتن آن را ندارد.

دین و قرض

س 1758: صاحب یکی از کارخانه‌ها مبلغی پول برای خرید مواد اولیه از من قرض گرفت و بعد از مدتی آن را با مقداری اضافی به من برگرداند و این مبلغ اضافی را از طرف خودش با رضایت کامل و بدون آنکه قبلاً شرط شده باشد و من توقع آن را نداشته باشم به من پرداخت نمود، آیا جایز است آن مقدار زیادی را از او بگیرم؟

در فرض سؤال که در قرض شرط پرداخت مبلغ اضافی نشده و آن مبلغ را قرض‌گیرنده با رضایت خود داده تصرف شما در آن اشکال ندارد.

س 1759: اگر بدهکار از پرداخت بدهی خود امتناع ورزد و در نتیجه طلبکار برای دریافت مبلغ چک بر علیه او به دادگاه شکایت کند و بر اثر آن مجبور شود علاوه بر اصل قرض، مالیات اجرائی حکم را هم به دولت بپردازد، آیا شرعاً وام دهنده مسئول آن است؟

اگر بدهکاری که در پرداخت بدهی خود کوتاهی می‌کند، ملزم به پرداخت مالیات اجرائی حکم به دولت باشد، چیزی در این رابطه برعهده وام دهنده نیست.

س 1760: برادرم مقداري به من بدهکار است و هنگامی که خانه خریدم فرشي برآیم آورد که خیال کردم هدیه است، ولی بعد از آنکه طلب خود را از او مطالبه کردم، ادعا نمود که آن فرش را به جای بدهی‌اش به من داده است، آیا با توجه به اینکه چیزی در این رابطه به من نگفته، صحیح است دادن فرش را به عنوان پرداخت قرض خود حساب کند؟ و اگر راضی نشوم که به جای بدهی او باشد، آیا باید آن فرش را به او برگردانم؟ آیا جایز است بر اثر تغییر قدرت خرید، مبلغ بیشتری را نسبت به اصل قرض از او مطالبه کنم زیرا قدرت خرید با آن پول در آن زمان بیشتر از زمان فعلی بوده است؟ دادن فرش یا غیر آن از چیزهایی که از جنس دین نیست به عنوان عوض دین، بدون موافقت قرض دهنده کافی نیست و تا شما راضی نشده‌اید که فرش به جای قرض شما باشد باید آن را به او برگردانید زیرا در این صورت آن فرش هنوز در ملک اوست و احتیاط این است که نسبت به تفاوت قدرت خرید با هم مصالحه کنید.

س 1761: پرداخت مال حرام برای اداء دین چه حکمی دارد؟

اداء دین با پرداخت مال دیگری، تحقق پیدا نمی‌کند و ذمه بدهکار با آن برئ نمی‌شود.

س 1762: زنی پولی معادل 13 قیمت خانه‌ای که می‌خواهد بخرد قرض کرد و با وام‌دهنده قرار گذاشت که آن را بعد از بهبود وضعیت مالی‌اش به او برگرداند و در همان زمان پسر او چکی به مبلغ قرض به عنوان تضمین به او داد و اکنون بعد از گذشت چهار سال از فوت طرفین، ورثه آنان قصد حل و فصل مسئله را دارند، آیا ورثه آن زن باید 13 خانه را که با پول قرضی خریداری شده‌است به ورثه آن شخص بدهند یا آنکه پرداخت مبلغ چک به آنان کفایت می‌کند؟

ورثه وام‌دهنده حق مطالبه چیزی از خانه را ندارند، بلکه فقط حق مطالبه مبلغی را دارند که آن زن از مورث آنان برای خرید خانه، قرض گرفته است به شرط اینکه مالی را که برای پرداخت بدهی‌اش کفایت می‌کند به ارث گذاشته باشد و احتیاط آن است که نسبت به تفاوت ارزش پول با هم مصالحه کنند.

س 1763: پولی را از شخصی قرض کردیم و بعد از مدتی آن فرد ناپدید شد و اکنون او را پیدا

نمی‌کنیم، تکلیف ما نسبت به طلب او چیست؟

بر شما واجب است منتظر بمانید و برای پرداخت بدهی خود او را جستجو کنید تا آن مبلغ را به او یا به ورثه‌اش بپردازید و در صورتی که از یافتن او ناامید هستید می‌توانید در مورد آن به حاکم شرع مراجعه کنید و یا از طرف صاحبش، صدقه دهید.

س 1764: آیا جایز است هزینه‌ها و مخارج دادگاه را که وام‌دهنده برای اثبات قرض و دریافت آن

متحمل می‌شود از بدهکار مطالبه نمود؟

بدهکار شرعاً ضامن هزینه‌های دادگاه که توسط طلبکار پرداخت شده‌است نمی‌باشد و در هر صورت در این گونه امور قوانین نظام جمهوری اسلامی لازم‌الاجراء می‌باشد.

س 1765: اگر بدهکار بدهی خود را نپردازد و در اداء آن کوتاهی نماید، آیا جایز است طلبکار از مال او

تقاص نماید مثلاً حق خود را بطور پنهانی یا به طریق دیگر بردارد؟

اگر بدهکار بدهی خود را انکار کند و یا بدون عذر در پرداخت آن کوتاهی نماید، طلبکار می‌تواند از

اموال او تقاص نماید. البته اگر در این زمینه قانونی وجود داشته باشد باید مراعات گردد.

س 1766: آیا بدهی میّت جزء حق الناس محسوب می‌شود تا پرداخت آن از ترکه او بر ورثه‌اش واجب باشد؟

بدهی اعم از اینکه به اشخاص حقیقی باشد یا حقوقی، جزء حق الناس است و بر ورثه بدهکار واجب است آن را از ترکه میّت به طلبکار یا ورثه او بپردازند و تا آن را نپردازند حق تصرف در ترکه را ندارند. س 1767: شخصی زمینی دارد که ساختمان موجود در آن، متعلق به فرد دیگری است و صاحب زمین به دو نفر بدهکار است، آیا جایز است طلبکاران زمین و ساختمان موجود در آن را برای استیفای حقوق خود توقیف کنند یا آنکه فقط نسبت به زمین چنین حقی را دارند؟ آنان حق ندارند تقاضای توقیف چیزی را که ملک بدهکار نیست، بنمایند. س 1768: آیا خانه‌ای که بدهکار برای سکونت خود و خانواده‌اش به آن نیاز دارد، از توقیف اموالش، مستثنی است؟

آنچه را که بدهکار برای ادامه زندگی خود به آن نیاز دارد مانند منزل و اثاثیه آن، ماشین، تلفن و سایر چیزهایی که جزء احتیاجات زندگی مناسب با شأن او محسوب می‌شوند، از حکم الزام به فروش، مستثنی است.

س 1769: اگر تاجری که بدهی‌هایش او را ناتوان ساخته است، ورشکسته شود و غیر از یک ساختمان چیزی نداشته باشد و آن را هم در معرض فروش گذاشته باشد ولی پول آن فقط جوابگوی نصف بدهی او باشد و نتواند بقیه بدهی خود را بپردازد، آیا جایز است طلبکاران او را مجبور به فروش آن ساختمان کنند یا آنکه باید به او مهلت بدهند تا بتواند بطور تدریجی بدهی خود را بپردازد؟ اگر آن ساختمان، خانه مسکونی خود و خانواده‌اش نباشد، و ادار کردن او به فروش آن برای پرداخت دیونش اشکال ندارد، هر چند برای پرداخت همه بدهی‌هایش کافی نباشد و واجب نیست طلبکاران برای آن مقدار به او مهلت بدهند، بلکه فقط نسبت به بقیه بدهی‌های او باید صبر کنند تا قدرت پرداخت آن را پیدا کند.

س 1770: آیا پرداخت پولی که یک مؤسسه دولتی از مؤسسه دولتی دیگر قرض می‌گیرد واجب است؟

در وجوب پرداخت، حکم سایر دیون را دارد.

س 1771: اگر شخصی بدون تقاضای بدهکار، قرض او را بپردازد، آیا واجب است بدهکار عوض آنچه را که او پرداخت کرده بپردازد؟

کسی که بدون تقاضای بدهکار اقدام به پرداخت بدهی او نموده است، حق مطالبه عوض آن را ندارد و بر بدهکار هم پرداخت عوض آنچه که آن شخص پرداخته است واجب نیست.

س 1772: اگر وام گیرنده پرداخت وام را از مهلت مقرر به تأخیر بیندازد، آیا وام‌دهنده می‌تواند مبلغی بیشتر از مقدار وام را از او مطالبه کند؟

وام‌دهنده از نظر شرعی حق مطالبه چیزی بیشتر از اصل وام را ندارد.

س 1773: پدرم در ضمن یک معامله صوری مبلغی پول به شخصی داد که در واقع به عنوان قرض بود

و بدهکار هم هر ماه مبلغی به عنوان سود می‌پرداخت، بعد از وفات طلبکار (پدرم) هم بدهکار به پرداخت آن مقدار سود ادامه داد تا اینکه او هم فوت نمود، آیا پولهایی که به عنوان سود پرداخت شده است، ربا محسوب می‌شود و بر ورثه طلبکار واجب است که آنها را به ورثه بدهکار برگردانند؟

با فرض اینکه پرداخت پول به او در واقع به عنوان قرض بوده، هر مبلغی که به عنوان سود مال پرداخت شده است ربا محسوب می‌شود و شرعاً حرام است و باید عین یا عوض آن از ترکه طلبکار به بدهکار یا ورثه او پرداخت شود.

س 1774: آیا جایز است اشخاص، اموال خود را نزد افراد دیگر به ودیعه بگذارند و هر ماه سود دریافت کنند؟

اگر سپردن اموال به دیگران برای بهره‌برداری از آن تحت عنوان یکی از عقود صحیح باشد، اشکال ندارد و سود حاصل از بکارگیری آن هم بدون اشکال است، ولی اگر به عنوان قرض باشد، هر چند اصل قرض صحیح است، ولی شرط سود در ضمن آن شرعاً باطل است و سودهای گرفته شده ربا و حرام است.

س 1775: شخصی پولی را برای انجام یک کار اقتصادی قرض گرفت، اگر آن کار برای او سودآور باشد، آیا جایز است مبلغی از سود آن را به قرض دهنده بپردازد؟ و آیا جایز است قرض دهنده آن را مطالبه کند؟

قرض دهنده حقی در سود حاصل از تجارت قرض گیرنده با مال فرضی ندارد و نمی‌تواند هیچ مقداری از آن سود را از او مطالبه کند، ولی اگر قرض گیرنده خودش بخواهد بدون هیچ قرار قبلی با پرداخت مبلغی زائد بر مقدار اصل قرض به قرض دهنده به او نیکي کند، اشکال ندارد، بلکه مستحب است. س 1776: شخصی کالایی را سه ماهه بطور نسیه خریده است و بعد از رسیدن موعد مقرر از فروشنده درخواست نمود که مهلت را تا سه ماه دیگر تمدید کند به این شرط که او هم مبلغی زائد از پول کالا را به او بپردازد، آیا انجام این کار برای آن دو جایز است؟ این مقدار اضافی ربا می‌باشد و حرام است.

س 1777: اگر زید از عمر قرض ربوی بگیرد و شخص سومی قرارداد قرض و شروط آن را برای آنان بنویسد و شخص چهارمی هم که حسابدار نامیده می‌شود و کار او ثبت اسناد قراردادی در دفتر محاسبات است وجود داشته باشد، آیا حسابدار هم با آنان در انجام قرض ربوی شریک است و کار او گرفتن اجرت در برابر آن هم حرام است؟ و همچنین شخص پنجمی هم وجود دارد که مأمور تحقیق است و کار او مراجعه به دفتر محاسبات است و بدون آنکه چیزی بنویسد و یا به دفتر منتقل کند، فقط آن را بررسی می‌کند که آیا در محاسبات معاملات ربوی اشتباهی رخ داده یا خیر، سپس نتیجه را به حسابدار اطلاع می‌دهد، آیا کار او نیز حرام است؟

هر کاری که به نحوی در عقد قرض ربوی یا در انجام و تکمیل آن و یا در تحصیل و دریافت ربا از قرض گیرنده دخیل باشد، شرعاً حرام است و انجام دهنده آن کار مستحق دریافت اجرت نیست.

س 1778: بیشتر مسلمانان به دلیل نداشتن سرمایه مجبور به گرفتن سرمایه از کفار می‌شوند که مستلزم پرداخت ربا می‌باشد، دریافت قرض ربوی از کفار یا بانک وابسته به دولت غیر اسلامی چه حکمی دارد؟

قرض ربوی از نظر تکلیفی، مطلقاً حرام است هر چند از غیر مسلمان باشد، ولی اگر فردی چنین فرضی را گرفت، اصل قرض صحیح است.

س 1779: شخصی مبلغی را برای مدتی قرض گرفت، به این شرط که هزینه‌های سفر قرض دهنده مانند سفر حج را بپردازد، آیا این کار برای آنان جایز است؟

شرط کردن پرداخت هزینه‌های سفر قرض دهنده و امثال آن در ضمن عقد قرض همان شرط دریافت سود و فائده بر قرض است که شرعاً حرام و باطل می‌باشد، ولی اصل قرض صحیح است. س 1780: مؤسسات قرض‌الحسنه هنگام پرداخت وام شرط می‌کنند که اگر گیرنده وام پرداخت دو یا چند قسط را از موعد مقرر به تأخیر بیندازد، صندوق حق خواهد داشت که همه وام را یکجا بگیرد، آیا وام دادن به این شرط جایز است؟ اشکال ندارد.

س 1781: یک شرکت تعاونی وجود دارد که اعضای آن مبلغی را به عنوان سرمایه آن می‌پردازند و شرکت هم مبادرت به پرداخت وام به اعضا می‌کند و از آنان هیچگونه سود یا اجرتی نمی‌گیرد و هدف آن هم کمک و یاری است، این کاری که اعضا به قصد صلح رحم و یاری رساندن انجام می‌دهند، چه حکمی دارد؟

در جواز و رجحان تعاون و مشارکت برای تأمین وام مؤمنین تردیدی وجود ندارد، هر چند به صورتی باشد که در سؤال توضیح داده شده است، ولی اگر پرداخت پول به شرکت به عنوان قرضی باشد که مشروط به پرداخت وام در آینده به پرداخت کننده است، این کار شرعاً جایز نیست هر چند اصل قرض از نظر حکم وضعی صحیح است.

س 1782: بعضی از مؤسسات قرض‌الحسنه اقدام به خرید املاک و چیزهای دیگر با پولهایی که مردم به عنوان امانت به آنان سپرده‌اند می‌نمایند، این معاملات چه حکمی دارند؟ با توجه به اینکه بعضی از سپرده‌گذاران موافق انجام این کارها نیستند، آیا مسئول مؤسسه حق دارد در آن اموال مثلاً با خرید و فروش تصرف کند؟ آیا این کار شرعاً جایز است؟

اگر سپرده‌های مردم مانند امانت‌هایی نزد مؤسسه قرض‌الحسنه باشند تا به هر کسی که مؤسسه خواست قرض بدهد، در این صورت مصرف آن در خرید ملک و غیر آن فضولی است و متوقف بر اجازه صاحبان آنان است، ولی اگر سپرده‌ها به عنوان قرض به آن مؤسسه داده شده باشند، چنانچه مسئولین آنها بر اساس اختیاراتی که به آنان داده شده است، مبادرت به خرید املاک و مانند آن مبادرت کنند، اشکال ندارد.

س 1783: عده‌ای از اشخاص از دیگران مبلغی پول می‌گیرند و در برابر آن هر ماه مقداری سود به آنان می‌دهند بدون آنکه این کار را تحت عنوان یکی از عقود انجام دهند، بلکه فقط براساس توافق طرفین انجام می‌شود، این کار چه حکمی دارد؟

این قبیل معاملات، قرض ربوی محسوب می‌شوند و شرط سود و فائده در آن باطل است و آن مقدار اضافی ربا بوده و شرعاً حرام می‌باشد و گرفتن آن جایز نیست.

س 1784: اگر کسی که از صندوق قرض‌الحسنه وام دریافت کرده است، هنگام پرداخت وام از طرف خودش بدون آنکه بر او شرط شده باشد، مقداری بیشتر از اصل وام را بپردازد، آیا گرفتن این مبلغ اضافی از او و صرف آن در کارهای عمرانی جایز است؟

اگر قرض گیرنده آن مبلغ اضافی را خودش، با رضایت و به عنوان یک عملی که هنگام پرداخت قرض مستحب است بپردازد، دریافت آن از او اشکال ندارد و اما تصرفات مسئولین مؤسسه در آن از طریق مصرف آن در کارهای عمرانی و غیره تابع حدود اختیارات آنان در این باره است.

س 1785: کادر اداری یک مؤسسه فرض‌الحسنه با پولی که از شخصی قرض گرفته شده، اقدام به خرید یک ساختمان نمود و بعد از یک ماه پول آن شخص را از طریق پس‌اندازهای مردم، بدون رضایت آنان پرداخت کرد، آیا این معامله شرعی است؟ و چه کسی مالک آن ساختمان است؟
خرید ساختمان برای مؤسسه با پولی که به مؤسسه قرض داده شده است، اگر طبق صلاحیت‌ها و اختیارات کادر اداری صورت گرفته باشد، اشکال ندارد و ساختمان خریداری شده ملک مؤسسه و صاحبان دارایی آن است و در غیر این صورت معامله فضولی و متوقف بر اجازه صاحبان پول است.
س 1786: پرداخت دستمزد به بانک هنگام گرفتن وام از آن چه حکمی دارد؟
اگر وجه مذکور به عنوان اجرت عمل قرض دادن از قبیل ثبت در دفتر و ثبت سند و سایر مخارج صندوق مانند آب و برق و غیره باشد و به سود وام بازگشت نکند، دادن و گرفتن آن و همچنین دریافت وام اشکال ندارد.

س 1787: یک صندوق که وام‌هایی را در اختیار اعضای خود قرار می‌دهد، ولی برای دادن وام شرط می‌کند که متقاضی وام، مبلغی پول را به مدت سه یا شش ماه در صندوق بگذارد و بعد از گذشت این مدت به مقدار دو برابر پولی که به صندوق سپرده است به او وام می‌دهد و بعد از آنکه همه وام را پرداخت کرد، پولی که قبلاً در صندوق گذاشته بود به او مسترد می‌شود، این کار چه حکمی دارد؟
اگر دادن پول به صندوق به این عنوان باشد که آن پول برای مدتی نزد صندوق به صورت قرض بماند، به این شرط که صندوق هم بعد از آن مدت، وامی در اختیار او قرار دهد و یا وام دادن صندوق مشروط به این شرط باشد که او قبلاً مبلغی را در صندوق گذاشته باشد، این شرط در حکم ربا بوده و شرعاً حرام و باطل است، ولی اصل قرض نسبت به هردو طرف صحیح می‌باشد.

س 1788: صندوق‌های قرض‌الحسنه برای دادن وام اموری را شرط می‌کنند که از جمله آنها عضویت در صندوق و داشتن مبلغی به عنوان پس‌انداز در آن است و همچنین متقاضی وام باید ساکن محله‌ای باشد که صندوق در آن قرار دارد و برخی شرایط دیگر، آیا این شرطها حکم ربا را دارند؟
اشتراک عضویت یا سکونت در آن محله و شرطهای دیگری که باعث محدودیت پرداخت وام به اشخاص می‌شوند اشکال ندارد و شرط بازکردن حساب پس‌انداز در صندوق هم اگر به این امر برگردد که اعطای وام اختصاص به آن اشخاص پیدا کند، بدون اشکال است، ولی اگر به این برگردد که وام گرفتن از صندوق در آینده مشروط است به اینکه متقاضی وام قبلاً مبلغی پول در بانک گذاشته باشد، این شرط منفعت حکمی در قرض است که باطل می‌باشد.

س 1789: آیا راهی برای فرار از ربا در معاملات بانکی وجود دارد؟
راه حل، استفاده از عقود شرعی با رعایت کامل شرایط آنهاست.

س 1790: آیا جایز است قرضی را که بانک برای استفاده خاصی به اشخاص می‌دهد، در امور دیگر مصرف نمود؟

اگر آنچه را که بانک به اشخاص می‌دهد واقعا قرض باشد و شرط کند که حتما باید در مورد خاصی مصرف شود، تخلف از این شرط جایز نیست، و همچنین اگر آنچه را که از بانک دریافت می‌کند به عنوان سرمایه مضاربه یا شراکت و مانند آن باشد، حق ندارد آن را در غیر کاری که بانک بخاطر آن پول را در اختیار او گذاشته است، مصرف نماید.

س 1791: اگر یکی از مجروحین دفاع مقدس برای گرفتن وام به بانک مراجعه کند و گواهی بنیاد جانبازان را در مورد جانبازی خود به بانک ارائه دهد تا از طریق آن از تسهیلات و وامهای مخصوص مجروحین جنگ تحمیلی که به حسب درجه از کارافتادگی شان است استفاده کند و خود او می‌داند که درصد جانبازی‌اش کمتر از آن مقداری است که در آن گواهی ثبت شده است و گمان می‌کند که تشخیص پزشکان و متخصصان در مورد او اشتباه بوده است، آیا می‌تواند از شهادت آنان برای استفاده از آن تسهیلات ویژه بهره ببرد؟

اگر تعیین درصد جانبازی توسط پزشکان متخصص که معاینات پزشکی را براساس نظر و تشخیص خودشان انجام می‌دهند، صورت گرفته باشد و از نظر قانونی نزد بانک برای اعطای تسهیلات همان نظر، ملاک باشد، استفاده او از مزایای درصد جانبازی که پزشکان به آن شهادت داده‌اند، اشکال ندارد، هر چند به نظر خود او درصد جانبازی‌اش کمتر از آن مقدار باشد.

صلح

س 1792: شخصی همه دارایی خود از قبیل مسکن، ماشین، فرش و لوازم منزلش را به همسرش صلح کرده است و همچنین او را وصی و قیم اولاد صغیر خود نیز قرار داده است، آیا پدر و مادر او بعد از وفات وی حق مطالبه چیزی از ترکه او را دارند؟

اگر ثابت شود که میت در زمان حیات خود همه دارائی‌اش را به همسرش یا هر فرد دیگری صلح کرده است بطوری که چیزی از آنها را برای خود تا زمان وفاتش باقی نگذاشته است، موضوعی برای ارث بردن پدر و مادر یا سایر ورثه باقی نمی‌ماند، در نتیجه حق ندارند هیچیک از اموال او را که در زمان حیاتش ملک همسرش شده است، از زوجه او مطالبه کنند.

س 1793: شخصی قسمتی از اموالش را به فرزند خود صلح کرده است ولی بعد از گذشت چند سال مبادرت به فروش آن اموال به همان فرزند خود نموده است و در حال حاضر ورثه او بر اساس گواهی پزشکی ادعا می‌کنند که پدر آنان از مدتی قبل از فروش خانه تا زمان انجام آن، از سلامت عقلی برخوردار نبوده است. آیا فروش مال مورد مصالحه به خود مصالحه‌له عدول از مصالحه محسوب می‌شود و حکم به صحت بیع می‌شود؟ و بر فرض بقای صلح بر صحت، آیا در ثلث مال مورد مصالحه صحیح است یا در تمام آن؟

صلح قبلی محکوم به صحت و نفوذ است و تا زمانی که در آن حق فسخ برای مصالح ثابت نشده باشد، محکوم به لزوم نیز هست، در نتیجه فروش بعدی مال مورد مصالحه توسط او صحیح نیست هر چند در هنگام فروش آن از سلامت عقلی برخوردار بوده باشد و صلحی که محقق شده و حکم به صحت و لزوم آن شده است، نسبت به همه مالی که مورد مصالحه قرار گرفته، نافذ است.

س 1794: فردی همه اموال حتمی مطالبات و حقوق خود در مؤسسه خدمات بهداشتی را به همسرش مصالحه می‌کند، ولی مؤسسه مزبور اعلام می‌دارد که او از نظر قانونی حق مصالحه حقوق خود در آن مؤسسه را ندارد، در نتیجه از موافقت با او خودداری می‌کند، خود مصالح هم به آن

اعتراف دارد و می‌گوید که به قصد فرار از پرداخت بدهی‌های خود به دیگران این کار را انجام دادم. این صلح چه حکمی دارد؟

صلح بر مال دیگری و یا بر مالی که متعلق حق دیگران است، فضولی و متوقف بر اجازه مالک یا صاحب حق است و اگر صلح بر ملک طلق و تام مصالح صورت بگیرد ولی هدف از صلح آن فرار از پرداخت دیون خود به دیگران باشد، صحت و نفوذ این صلح محل اشکال است، بخصوص اگر هیچ امیدی به بدست آوردن اموال دیگر و پرداخت بدهی‌های خود از آنها وجود نداشته باشد. س 1795: در قرارداد صلحی آمده است که پدری بعضی از اموال خود را به فرزندش مصالحه کرده و به او تحویل داده است، آیا این سند از نظر شرعی و قانونی معتبر است؟ مجرد قرارداد صلح تا زمانی که اطمینان به صحت مضمون آن حاصل نشده است، دلیل و حجت شرعی بر انشاء عقد صلح و کیفیت آن محسوب نمی‌شود، بلکه اگر بعد از احراز تحقق صلح از طرف مالک، شک در وقوع آن به نحو صحیح شرعی داشته باشیم، عقد صلح شرعاً محکوم به صحت است و آن مال ملک مصالح له می‌باشد.

س 1796: پدر شوهرم هنگام ازدواج من با پسرش قطعه زمینی را در برابر مقداری پول به من مصالحه کرد و آن را به من منتقل نمود و قراردادی راجع به آن در حضور تعدادی شاهد تنظیم کرد، ولی اکنون ادعا می‌کند که آن معامله صوری بوده است، حکم این مسئله چیست؟ مصالحه مذکور شرعاً محکوم به صحت است و ادعای صوری بودن آن تا از طرف مدعی ثابت نشود، اثری ندارد.

س 1797: پدرم در زمان حیات خود همه اموال منقول و غیر منقول خود را به من صلح نمود، به این شرط که بعد از وفات او به هریک از خواهرانم مبلغی را بپردازم، آنان هم به این کار راضی شده و سند وصیت را امضا کردند، بعد از وفات پدرم حق آنان را داده و بقیه اموال را گرفتم، آیا تصرف در این اموال برای من جایز است؟ و اگر آنان به این کار راضی نباشند، حکم مسئله چیست؟ این صلح اشکال ندارد و مال مورد مصالحه در فرض مرقوم برای شما است و عدم رضایت سایر ورثه اثری ندارد.

س 1798: اگر فردی در غیاب بعضی از فرزندان و بدون موافقت فرزندان که حاضر هستند، اموالش را به یکی از پسران خود صلح کند، آیا این صلح صحیح است؟ مصالحه کردن اموال توسط مالک در زمان حیاتش به یکی از ورثه، منوط به موافقت سایر ورثه نیست و آنان حق اعتراض به آن را ندارند.

س 1799: اگر شخصی مقداری مال را به دیگری مصالحه کند به این شرط که فقط خود متصلح از آن استفاده کند، آیا جایز است متصلح آن را بدون رضایت مصالح برای همان انتفاع به شخص سومی بدهد و یا بدون رضایت او شخص دیگری را برای استفاده از آن با خود شریک کند؟ و در صورت صحیح بودن، آیا رجوع مصالح از صلح جایز است؟

جایز نیست متصلح از شروطی که در ضمن عقد صلح به آنها ملتزم شده، تخلف کند و در صورتی که از شروط تخلف نماید جایز است مصالح عقد صلح را فسخ کند.

س 1800: آیا جایز است مصالح بعد از تحقق عقد صلح، از آن عدول کند و بدون اعلام به متصلح اول، دوباره مال را به فرد دیگری صلح نماید؟

اگر صلح به نحو صحیح محقق شود، نسبت به مصالح لازم است و تا زمانی که برای خودش حق فسخ قرار نداده، حق رجوع از آن را ندارد، بنابراین اگر همان مال را به فرد دیگری صلح کند، فضولی است و متوقف بر اجازه متصالح اول است.

س 1801: بعد از تقسیم دارایی مادری بین پسران و دختران او و طی مراحل قانونی و گرفتن گواهی حصر وراثت و بعد از آنکه هر یک از ورثه سهم خود را گرفتند و مدت زمان طولانی از آن گذشت، یکی از دختران او ادعا می‌کند که مادرش در زمان حیات خود همه اموالش را به او مصالحه کرده و سند عادی هم راجع به آن تنظیم شده که فقط توسط او و شوهرش امضا شده است و اثر انگشتی هم در آن وجود دارد که منسوب به مادر اوست، آن دختر هم اکنون خواهان همه ترکه است، تکلیف چیست؟

تا زمانی که ثابت نشده که مادر در زمان حیات خود اموالش را به آن دختر صلح کرده، او نسبت به آنچه ادعا می‌کند حقی ندارد و صرف قرارداد صلح تا زمانی که مطابقت آن با واقع ثابت نشود اعتباری ندارد.

س 1802: پدری همه دارایی خود را به فرزندانش صلح کرده، به این شرط که تا زنده است در آنها اختیار تصرف داشته باشد، با توجه به این مطالب، حکم موارد زیر چیست؟
الف: آیا این صلح با آن شرط صحیح و نافذ است؟

ب: و بر فرض صحت و نفوذ، آیا جایز است مصالح از این صلح رجوع کند؟ و بر فرض جواز، اگر بعد از صلح مبادرت به فروش قسمتی از اموال مورد مصالحه نماید، آیا این کار او عدول از صلح محسوب می‌شود؟ و بر فرض اینکه عدول از صلح باشد، آیا عدول از همه صلح است یا فقط عدول از صلح اموال فروخته شده است؟

عبارت ♦ اختیار تصرف در طول مدت حیات ♦ که در قرارداد صلح آمده، آیا به معنای حق فسخ است یا به معنای حق انتقال آن اموال به دیگری و یا به معنای حق تصرف خارجی در آن اموال از طریق استفاده از آنها در طول مدت حیات است؟
الف: صلح مذکور با آن شرط محکوم به صحت و نفوذ است.

ب: عقد صلح از عقود لازم است. در نتیجه تا زمانی که مصالح در آن حق فسخ نداشته باشد، فسخ آن توسط او صحیح نیست، بنابراین اگر بعد از آنکه اموال مزبور را صلح کرد، بدون آنکه حق فسخ صلح را داشته باشد، قسمتی از آن را به یکی از طرفهای صلح بفروشد، معامله نسبت به سهم مشتری باطل است و نسبت به سهام طرفهای دیگر صلح فضولی و متوقف بر اجازه آنان است.
ظاهر عبارت ♦ اختیار تصرف در طول مدت حیات ♦ حق تصرف خارجی است نه حق فسخ و نه حق انتقال آن اموال به دیگری.

س 1819: شخصی زمینی را به مبلغ معینی خریده است و به مقدار قیمت مبیع از فرد سومی طلب دارد، لذا فروشنده را به بدهکار حواله کرد تا پول زمین را از او بگیرد، ولی آن شخص ثالث که بدهکار و محال‌علیه است بدون اطلاع خریدار با پرداخت پول زمین به فروشنده آن را برای خودش خرید، آیا معامله اول که فروشنده با حواله پول آن به شخص ثالث موافقت کرده بود. صحیح است یا معامله دوم؟

معامله دوم فضولی است و متوقف بر اجازه خریدار اول است، مگر آنکه معامله دوم بعد از فسخ مشروع معامله اول صورت گرفته باشد.

صدقه

س 1820: کمیته امداد امام خمینی ❖ قدس سره ❖ صندوقهایی را در منازل، خیابانها و اماکن عمومی شهر و روستا برای جمع‌آوری صدقات و خیرات و رساندن آنان به دست فقرا و مستحقان قرار داده است. آیا جایز است علاوه بر حقوق ماهیانه و مزایایی که کارکنان کمیته امداد از آن نهاد می‌گیرند، درصدی از پولهای آن صندوقها به عنوان پاداش به آنان داده شود؟ و آیا جایز است مقداری از آن پولها به افرادی داده شود که در جمع‌آوری آنها نقش دارند ولی از کارمندان کمیته امداد نیستند؟ پرداخت مقداری از اموال صندوق‌های صدقات به کارکنان و کارمندان کمیته امداد به عنوان پاداش، علاوه بر حقوق ماهیانه‌ای که از آن کمیته می‌گیرند، اشکال دارد بلکه تا رضایت صاحبان اموال به این کار احراز نشده، جایز نیست، ولی دادن مقداری از آن به کسانی که در جمع‌آوری موجودی صندوقها کمک می‌کنند به عنوان اجرت‌المثل کارشان اشکال ندارد، به شرطی که برای جمع‌آوری و رساندن صدقات به افراد مستحق به کمک آنها نیاز باشد، بخصوص اگر ظاهر امر نشان دهد که صاحبان اموال راضی به این کار هستند.

س 1821: آیا دادن صدقات به گدایانی که درب منازل را می‌زنند یا در خیابانها می‌نشینند جایز است یا اینکه بهتر است به یتیمان و مساکین داده شود و یا با ریختن آنها در صندوق صدقات در اختیار کمیته امداد قرار گیرد؟

صدقات مستحبی بهتر است به فقیر عقیف و متدین داده شود و همچنین گذاشتن آن در اختیار کمیته امداد هر چند با ریختن در صندوق صدقات هم باشد اشکال ندارد، ولی صدقات واجب باید توسط خود شخص و یا به وسیله وکیل او به فقرائی که مستحق هستند داده شود و در صورتی که انسان بداند که مسئولین کمیته امداد پولهای صندوقها را جمع‌آوری کرده و به فقرای مستحق می‌دهند، ریختن آن در صندوق‌های صدقات اشکال ندارد.

س 1822: وظیفه انسان در برابر گدایانی که در برابر دیگران دست دراز می‌کنند و زندگی خود را؛ هُوَ❖❖❖❖❖❖❖❖❖❖ با گدایی اداره می‌نمایند و چهره جامعه اسلامی را مشوه جلوه می‌دهند، بخصوص بعد از اقدام دولت به جمع‌آوری آنان، چیست؟ آیا کمک به آنان جایز است؟ سعی کنید صدقات را به فقرائی که متدین و عقیف هستند بدهید.

س 1823: اینجانب خادم مسجد هستم و کارم در ماه رمضان بیشتر می‌شود، به همین دلیل بعضی از افراد خیر مبلغی به عنوان کمک به من می‌دهند، آیا گرفتن آن برای من جایز است؟ آنچه که آنان به شما می‌دهند احسانی از طرف آنان به شماست، در نتیجه برای شما حلال است و پذیرفتن آن اشکال ندارد.

عاریه و ودیعه

س 1824: کارخانه‌ای با همه محتویاتش یعنی مواد اولیه و ابزارآلات و کالاهای اجناسی که توسط برخی از افراد در آن به عنوان امانت سپرده شده، آتش گرفته است. آیا صاحب کارخانه ضامن آنهاست یا کسی که مسئولیت اداره آن را بر عهده دارد؟ اگر آتش‌سوزی مستند به فعل کسی نباشد و کسی هم نسبت به حفظ کالاهای سپرده شده به کارخانه کوتاهی و تقصیر نکرده باشد، هیچکس ضامن آنها نیست.

س 1825: شخصی متن وصیتنامه مکتوب خود را به فرد دیگری سپرد تا آن را بعد از فوتش به فرزند بزرگترش تحویل دهد، ولی او از تحویل آن به فرزند وی خودداری می‌کند، آیا این کار او خیانت در امانت محسوب می‌شود؟

خودداری از ردّ امانت به کسی که امانت‌گذار معین کرده است، نوعی خیانت محسوب می‌شود.

س 1826: در دوران خدمت سربازی لوازمی را از ارتش برای استفاده شخصی تحویل گرفتم، ولی بعد از پایان مدت خدمت آنها را تحویل ندادم. در حال حاضر وظیفه من نسبت به آنها چیست؟ آیا ریختن پول آنها به خزانه عمومی بانک مرکزی کفایت می‌کند.

اگر اشیایی که از ارتش گرفته‌اید به عنوان عاریه بوده، واجب است عین آنها را در صورتی که موجود باشند به مرکز خدمت خود برگردانید و اگر در اثر تعدّی یا تفریط شما در حفظ آنها هر چند بر اثر تأخیر در بازگرداندن از بین رفته باشند، باید مثل یا قیمت آنها را به ارتش بدهید و در غیر این صورت چیزی بر عهده شما نیست.

س 1827: مبلغی پول به شخص امینی برای انتقال به شهر دیگری داده شده است، ولی در راه به سرقت رفته است، آیا آن شخص ضامن آن پول است؟ تا زمانی که تعدّی و تفریط شخص امین در حفظ و نگهداری آن ثابت نشده است، او ضامن نیست.

س 1828: مبلغی از تبرّعات اهالی محل را از هیئت امناء مسجد برای تعمیر مسجد و خرید مواد لازم برای بنایی مانند آهن و غیره، تحویل گرفتم، ولی در راه همراه با وسایل شخصی‌ام مفقود شد، وظیفه من چیست؟ اگر در نگهداری آن، کوتاهی و تعدّی و تفریط نکرده‌اید، ضامن نیستید.

وصیت

س 1829: بعضی از شهدا وصیت کرده‌اند که ثلث ترکه آنان برای حمایت از جبهه‌های دفاع مقدس مصرف شود، در حال حاضر که موضوع این وصیت‌ها منتفی شده، این وصایا چه حکمی پیدا می‌کنند؟ در صورتی که مورد عمل به وصیت‌ها منتفی شود، ارث ورثه آنان می‌شود و احوط آن است که با اذن ورثه در راه‌های خیر مصرف شود.

س 1830: برادرم وصیت کرده که ثلث مالش برای مهاجرین جنگی شهر خاصی مصرف شود، ولی در حال حاضر در شهر مزبور هیچ مهاجر جنگی یافت نمی‌شود، تکلیف چیست؟ اگر احراز شود که مقصود موصی از مهاجرین جنگی کسانی هستند که در حال حاضر در آن شهر زندگی می‌کنند در این صورت چون فعلاً مهاجری نیست مال، به ورثه می‌رسد و در غیر این صورت، باید پول به مهاجرین جنگی که در آن شهر زندگی می‌کرده‌اند داده شود، اگر چه فعلاً کوچ کرده باشند.

س 1831: آیا جایز است کسی وصیت کند که بعد از فوتش نصف مالش را برای مجالس ختم و سوگواری او مصرف کنند، یا آنکه تعیین این مقدار جایز نیست، زیرا اسلام برای این موارد حد و حدود خاصی را معین کرده است؟

وصیت به مال برای مصرف کردن در مراسم عزاداری و سوگواری موصی اشکال ندارد و شرعاً حد خاصی هم ندارد، ولی وصیت فقط نسبت به ثلث مجموع ترکه نافذ است و در زائد بر ثلث متوقف بر اذن و اجازه ورثه است.

س 1832: آیا وصیت کردن واجب است بطوری که انسان با ترک آن مرتکب معصیت شود؟ اگر ودیعه‌ها و امانت‌های دیگران نزد او باشد و حق الناس یا حق الله تعالی بر عهده او باشد و در دوران حیات توانایی اداء آن را نداشته باشد، واجب است در مورد آنها وصیت کند و در غیر این صورت وصیت واجب نیست.

س 1833: مردی کمتر از ثلث اموالش را برای همسرش وصیت کرده و پسر بزرگترش را وصی خود قرار داده است، ولی سایر ورثه به این وصیت اعتراض دارند، وصی در این حالت چه وظیفه‌ای دارد؟ اگر وصیت به مقدار ثلث ترکه یا کمتر از آن باشد، اعتراض ورثه به آن وجهی ندارد بلکه بر آنان واجب است طبق وصیت عمل کنند.

س 1834: اگر وراثت، وصیت را بطور مطلق انکار کنند، تکلیف چیست؟ مدعی وصیت باید آن را از راه‌های شرعی ثابت کند و در صورت اثبات آن اگر به مقدار ثلث ترکه یا کمتر از آن باشد، عمل بر طبق آن واجب است و انکار ورثه و اعتراض آنان اثری ندارد.

س 1835: شخصی در حضور افراد مورد اطمینان از جمله یکی از فرزندان ذکورش، وصیت کرده است که برای ادای حقوق شرعی که بر عهده دارد از قبیل خمس و زکات و کفارات و همچنین واجبات بدنی که بر عهده اوست مانند روزه، نماز و حج، بعضی از املاک او برای مصرف در موارد وصیت از ترکه اش استثنا شوند، ولی بعضی از ورثه آن را رد کرده و خواهان تقسیم همه املاک بدون استثنا بین ورثه هستند. در این مورد تکلیف چیست؟

بعد از فرض ثبوت وصیت با دلیل شرعی یا اقرار ورثه ، در صورتی که ملک مورد وصیت بیشتر از ثلث مجموع ترکه نباشد، آنان حق ندارند خواهان تقسیم آن شوند، بلکه واجب است با صرف آن در حقوق مالی و واجبات بدنی که میّت به آنها وصیت کرده، به وصیت او عمل کنند. بلکه اگر از طریق شرعی یا با اعتراف ورثه ثابت شود که میّت به مردم بدهکار است و یا حقوق مالی مربوط به خداوند مانند خمس و زکات و کفارات و یا مالی و بدنی مانند حج بر عهده اوست ، باز هم بر آنان واجب است همه دیون او را از اصل ترکه بردارند و سپس باقیمانده آن بین ورثه تقسیم شود، هر چند نسبت به آنها وصیتی نکرده باشد.

س 1836: فردی که مالک مقداری زمین زراعتی است، وصیت کرده که آن را برای تعمیر مسجد مصرف کنند، ولی ورثه او آن را فروخته‌اند، آیا وصیت متوقّفی نافذ است؟ و آیا ورثه حق فروش آن ملک را دارند؟

اگر مضمون وصیت، این باشد که خود زمین زراعتی، فروخته و در تعمیر مسجد مصرف شود و قیمت زمین هم از ثلث ترکه، بیشتر نباشد، وصیت نافذ است و فروش زمین، اشکال ندارد و اگر مقصود موصی، این بوده که منافع زمین صرف تعمیر مسجد شود، در این صورت، ورثه حق فروش نداشته‌اند. س 1837: شخصی وصیت کرده که یک قطعه از زمین هایش برای بجا آوردن نماز و روزه از طرف او و کارهای خیر مصرف شود، آیا فروش این زمین جایز است، یا آنکه وقف محسوب می‌شود؟ تا زمانی که از شواهد و قرائن فهمیده نشود که منظورش این بوده که زمین به حال خود باقی بماند تا درآمدهای آن برای او مصرف شود، بلکه فقط وصیت کرده که زمین برای خود او مصرف گردد، این وصیت در حکم وقف زمین نیست ، در نتیجه اگر پول آن زائد بر ثلث نباشد، فروش و صرف پول آن برای خود او اشکال ندارد.

س 1838: آیا جایز است مالی به عنوان ثلث ترکه کنار گذاشته شود و یا نزد شخصی به ودیعه گذاشته شود تا بعد از وفات او به مصرف خودش برسد؟

این کار اشکال ندارد به شرط اینکه بعد از وفات او دو برابر آن مال برای ورثه باقی بماند. س 1839: شخصی به پدرش وصیت کرده که برای قضای چند ماه نماز و روزه‌ای که بر عهده‌اش است، اجیر بگیرد و در حال حاضر آن شخص مفقود شده است، آیا بر پدر او واجب است کسی را برای قضای نماز و روزه او اجیر کند؟

تا زمانی که موت موصی با دلیل شرعی و یا از طریق علم وصی ثابت نشده، استیجار از طرف او برای قضای نماز و روزه وی صحیح نیست.

س 1840: پدرم ثلث زمین خود را برای ساخت مسجد وصیت کرده است، ولی با توجه به وجود دو مسجد در مجاورت این زمین و نیاز مبرم به ساخت مدرسه، آیا جایز است به جای مسجد، مدرسه در آن بسازیم؟

تبدیل وصیت با ساخت مدرسه به جای مسجد جایز نیست، ولی اگر قصد ایجاد مسجد در همان زمین نبوده، فروش و مصرف پول آن برای ساخت مسجد در مکانی که نیازمند مسجد است مانعی ندارد.

س 1841: آیا جایز است شخصی وصیت کند که جسد او بعد از مردن در اختیار دانشجویان دانشکده پزشکی قرار گیرد تا برای تشریح و تعلیم و تعلّم مورد استفاده واقع شود یا این عمل به این جهت که موجب مثله شدن جسد میت مسلمان می‌شود حرام است؟

به نظر می‌رسد ادله تحریم مثله و امثال آن ناظر به امر دیگری است و از امثال مورد سؤال که مصلحت مهمی در تشریح جنازه میت وجود دارد منصرف است. اگر شرط احترام جسد میت مسلمان که باید اصل مسلم در نظائر این مسأله قرار داده شود حاصل باشد ظاهراً کالبد شکافی اشکال نخواهد داشت.

س 1842: اگر فردی وصیت نماید که بعضی از اعضای بدن او بعد از مردن به بیمارستان یا شخص دیگری هدیه شود، آیا این وصیت صحیح و اجرای آن واجب است؟
صحت و نفوذ این قبیل وصایا نسبت به اعضایی که جداکردن آنها از جسد میت هتک حرمت او محسوب نمی‌شود، بعید نیست و عمل به وصیت در این موارد مانعی ندارد.

س 1843: آیا اگر ورثه در زمان حیات موصی، وصیت او را نسبت به بیشتر از ثلث اجازه بدهند، برای نفوذ آن کافی است؟ و بر فرض کفایت، آیا جایز است بعد از مردن موصی از اجازه خود عدول کنند؟
اجازه ورثه در زمان حیات موصی نسبت به زائد بر ثلث، برای نفوذ و صحت وصیت کافی است و بعد از وفات موصی، حق رجوع از آن را ندارند و رجوع آنان هم اثری ندارد.

س 1844: یکی از شهدای عزیز در مورد قضای نماز و روزه هایش وصیت کرده است، ولی ترکه‌ای ندارد و یا ترکه او فقط خانه و لوازم آن است که فروش آنها موجب عسر و حرج فرزندان صغیر او می‌شود، ورثه او در رابطه با این وصیت چه تکلیفی دارند؟

اگر آن شهید عزیز ترکه‌ای ندارد، عمل به وصیت او واجب نیست، ولی بر پسر بزرگ او واجب است که بعد از رسیدن به سن بلوغ، نماز و روزه‌هایی را که از پدرش فوت شده قضا نماید، ولی اگر ترکه‌ای دارد، واجب است ثلث آن در مورد وصیت او مصرف شود و مجرد نیاز ورثه و صغیر بودن آنان عذر شرعی برای عمل نکردن به وصیت محسوب نمی‌شود.

س 1845: آیا وجود موصی‌له در هنگام وصیت در صحت و نفوذ وصیت به مال شرط است؟
وجود موصی‌له هنگام وصیت در وصیت تملیکی شرط است، هر چند به صورت جنین در رحم مادرش باشد و یا حتی جنینی باشد که هنوز روح در آن دمیده نشده است، به شرط اینکه زنده دنیا بیاید.

س 1846: موصی در وصیت مکتوب خود علاوه بر نصب وصی برای اجرای وصیت‌هایش، فردی را هم به عنوان ناظر تعیین کرده، ولی تصریح به اختیارات او نکرده است یعنی مشخص نیست که آیا نظارت او بر کار وصی فقط برای اطلاع از کارهای اوست تا بر خلاف آنچه موصی مقرر کرده عمل نکند یا آنکه نسبت به اعمال موصی دارای رای و نظر است و کارهای او باید طبق نظر و صلاحدید ناظر صورت بگیرد، اختیارات ناظر در این صورت چگونه است؟

با فرض اطلاق وصیت، بر وصی واجب نیست در کارهایش با ناظر مشورت کند، هر چند احوط انجام آن است و وظیفه ناظر، نظارت بر وصی جهت اطلاع یافتن از کارهای اوست.

س 1847: فردی پسر بزرگ خود را وصی و مرا ناظر بر او قرار داده و از دنیا رفته است، سپس فرزند او نیز وفات یافته و من تنها فردمسئول اجرای وصیت او شده‌ام، ولی در حال حاضر به علت وضعیت خاصی که دارم، اجرای اموری که به آنها وصیت شده برای من مشکل می‌باشد، آیا تبدیل مورد

وصیت با پرداخت منافع حاصل از ثلث به اداره بهداشت جهت مصرف در امور خیریه و برای افراد نیازمندی که تحت تکفل آن اداره هستند و مستحق کمک و مساعدت می باشند، جایز است؟
ناظر نمی‌تواند بطور مستقل به اجرای وصایای میت پردازد هر چند بعد از موت موصی باشد، مگر آنکه موصی بعد از موت وصی او را وصی قرار داده باشد و در غیر این صورت، باید بعد از فوت وصی به حاکم شرع مراجعه کند تا فرد دیگری را به جای او تعیین نماید و به هر حال تعدی از وصیت میت و تغییر و تبدیل آن جایز نیست.

س 1848: اگر شخصی وصیت کند که مقداری از اموال او برای تلاوت قرآن کریم در نجف اشرف مصرف شود و یا مالی را برای این کار وقف نماید و برای وصی یا متولی وقف ارسال مال به نجف اشرف جهت اجیر کردن کسی برای قرائت قرآن ممکن نباشد، تکلیف او در این مورد چیست؟
اگر مصرف آن مال حتی در آینده برای تلاوت قرآن کریم در نجف اشرف ممکن باشد، واجب است به وصیت عمل شود.

س 1849: مادرم قبل از وفاتش وصیت نمود که طلاهای او را شب‌های جمعه در کارهای خیر مصرف کنم و من تاکنون این کار را برای او انجام داده‌ام، ولی در صورت مسافرت به کشورهای خارجی که ساکنین آنها به احتمال زیاد مسلمان نیستند، تکلیف من چیست؟

تا زمانی که احراز نشود که مقصود او انفاق به عموم مردم اعم از مسلمان و غیرمسلمان بوده، واجب است آن مال فقط در امور خیریه مربوط به مسلمانان مصرف شود، هر چند با قرار دادن آن مال نزد فردی امین در سرزمین اسلامی باشد تا به مصرف مسلمانان برسد.

س 1850: شخصی وصیت کرده که مقداری از زمین‌هایش برای مصرف پول آن در مراسم عزاداری و امور خیریه به فروش برسد، ولی فروش آن به غیر از ورثه موجب بروز مشکل و مشقت برای آنان می‌شود زیرا تفکیک زمین مزبور و زمین‌های دیگر مشکلات زیادی ایجاد می‌کند، آیا جایز است که ورثه، این زمین را بطور قسطی برای خودشان بخرند به این صورت که هر سال مبلغی از آن را پردازند تا با نظارت وصی و ناظر درمورد وصیت به مصرف برسد؟

اصل خرید زمین توسط ورثه برای خودشان اشکال ندارد، و خرید آن بطور قسطی به قیمت عادلانه نیز، در صورتی که احراز نشود که قصد موصی فروش نقدی زمین و مصرف پول آن در همان سال اول درمورد وصیت بوده، اشکال ندارد به شرط آنکه وصی و ناظر این کار را به مصلحت ببینند و افساط هم به گونه‌ای نباشد که منجر به اهمال و عدم اجرای وصیت شود.

س 1851: شخصی در بیماری منجر به موت، به دو نفر به عنوان وصی و نایب وصی وصیت کرده و بعد از آن نظرش تغییر نموده و وصیت را باطل کرده و وصی و نایب را از آن مطلع نموده است و وصیتنامه دیگری نوشته و در آن یکی از نزدیکان خود را که غائب می‌باشد، وصی خود قرار داده است، آیا وصیت اول بعد از عدول و تغییر آن به حال خود باقی می‌ماند و اعتبار دارد؟ و اگر وصیت دوم صحیح و شخص غائب وصی باشد در صورتی که وصی اول و نایب او که عزل شده اند به وصیتی که موصی آن را باطل نموده استناد کنند و اقدام به اجرای آن نمایند، آیا تصرفات آنان عدوانی محسوب می‌شود و واجب است آنچه را از مال میت انفاق کرده‌اند به وصی دوم برگردانند؟

بعد از آنکه میت در زمان حیات خود از وصیت اول عدول نمود و وصی اول را عزل کرد، وصی معزول بعد از آگاهی از عزل خود حق ندارد به آن وصیت استناد و عمل نماید و تصرفات او در مال مورد

وصیت، فضولی و متوقف بر اجازه وصی می‌باشد، در نتیجه اگر آن را اجازه نکند، وصی معزول ضامن اموالی است که مصرف کرده است.

س 1852: شخصی وصیت کرده است که یکی از املاک او متعلق به یکی از فرزندان باشد، سپس بعد از دو سال، وصیت خود را بطور کامل تغییر داده است، آیا عدول او از وصیت قبلی به وصیت بعدی شرعا صحیح است؟ و در صورتی که این شخص بیمار و محتاج خدمت و مراقبت باشد، آیا این وظیفه فقط بر عهده وصی معین او یعنی پسر بزرگش است یا آنکه همه فرزندان او بطور مساوی دارای این مسئولیت هستند؟

عدول موصی از وصیت تا زمانی که زنده است و از سلامت عقلي برخوردار است شرعا اشکال ندارد و وصیت صحیح و معتبر از نظر شرعی، وصیت بعدی می‌باشد و مسئولیت مراقبت از شخص بیمار در صورتی که قادر به استخدام پرستار از مال خودش نباشد، بطور مساوی بر عهده همه فرزندان اوست که توانایی مراقبت از او را دارند و وصی به تنهایی مسئول آن نیست.

س 1853: پدری ثلث اموالش را برای خودش وصیت کرده و مرا وصی خود قرار داده است، بعد از تقسیم ترکه، ثلث آن کنار گذاشته شده، آیا جایز است برای اجرای وصایای او قسمتی از ثلث مال او را بفروشم؟

اگر وصیت کرده باشد که ثلث اموالش برای اجرای وصایای او مصرف شود، فروش آن بعد از جدا کردن از ترکه و مصرف آن در مواردی که در وصیتنامه ذکر شده است، اشکال ندارد. ولی اگر وصیت کرده که درآمدهای ثلث برای اجرای وصایای او مصرف شود، در این صورت فروش عین ثلث جایز نیست هر چند برای مصرف در موارد وصیت باشد.

س 1854: اگر موصی، وصی و ناظر را تعیین کند، ولی وظایف و اختیارات آنان را ذکر ننماید و همچنین متعرض ثلث اموال خود و مصارف آن نیز نشود، در این صورت وظیفه وصی چیست؟ آیا جایز است ثلث اموال موصی را از ترکه او جدا کند و در امور خیر مصرف نماید؟ و آیا مجرد وصیت و تعیین وصی برای استحقاق او نسبت به ثلث ترکه‌اش کافی است تا در نتیجه بر وصی، جدا کردن ثلث از ترکه و مصرف آن برای موصی واجب باشد؟

اگر مقصود موصی از طریق قرائن و شواهد و یا عرف محلی خاص، فهمیده شود، واجب است وصی به فهم خود نسبت به تشخیص مورد وصیت و مقصود موصی که از این طریق بدست آمده عمل کند و در غیر این صورت وصیت به خاطر ابهام و عدم ذکر متعلق آن، باطل و لغو است.

س 1855: شخصی اینگونه وصیت کرده است: **◆ همه پارچه های دوخته شده و دوخته نشده و غیره متعلق به همسر من باشد ◆** آیا مقصود از کلمه **◆ غیره ◆** اموال منقول اوست یا اینکه منظور چیزهایی است که کمتر از پارچه و لباس هستند مانند کفش و امثال آن؟

تا زمانی که منظور از کلمه **◆ غیره ◆** که در وصیتنامه آمده است معلوم نشود و از خارج هم مقصود موصی از آن فهمیده نشود، این جمله از وصیتنامه با توجه به اجمال و ابهام آن قابل عمل و اجر نیست و تطبیق آن بر یکی از احتمالاتی که در سؤال آمده، متوقف بر موافقت و رضایت ورثه است.

س 1856: زنی وصیت کرده که از ثلث ترکه‌اش هشت سال نماز قضا برای او خوانده شود و بقیه آن برای ردّ مظالم و خمس و کارهای خیر مصرف گردد. با توجه به اینکه زمان عمل به این وصیت مصادف با دوران دفاع مقدس بوده که کمک به جبهه ضرورت بیشتری داشته و وصی هم یقین دارد که حتی

یک نماز قضا بر عهده آن زن نیست، ولی درعین حال شخصی را اجیر کرده که به مدت دو سال برای او نماز بخواند و مقداری از ثلث را به جبهه کمک کرده و باقیمانده را برای پرداخت خمس و ردّ مظالم مصرف نموده، آیا در مورد عمل به وصیت، چیزی بر عهده وصی هست؟ واجب است به وصیت همانگونه که میت وصیت کرده، عمل شود و جایز نیست وصی، عمل به آن را حتّی در بعضی از موارد ترک کند، بنابراین اگر حتّی مقداری از آن مال را در غیر مورد وصیت مصرف نماید، به همان مقدار ضامن است.

س 1857: شخصی به دو نفر وصیت کرده که بعد از وفات او طبق آنچه که در وصیتنامه آمده است عمل کنند، در ماده سه آن مقرر شده که همه ترکه موصی اعم از منقول و غیرمنقول و نقد و طلب‌هایی که از مردم دارد جمع شده و بعد از پرداخت بدهی‌های او از اصل ترکه، ثلث آن از همه ترکه جدا شود و طبق مواد 4 و 5 و 6 که در وصیتنامه آمده است مصرف گردد و بعد از گذشت هفده سال باقیمانده ثلث، خرج ورثه فقیر شود. ولی دو وصی از زمان فوت موصی تا پایان این مدت موفق به جدا کردن ثلث نشده‌اند و عمل به مواد مذکور برای آنان امکان ندارد و ورثه هم مدّعی هستند که وصیتنامه بعد از انقضای مدت مزبور باطل است و آن دو وصی هم حق دخالت در اموال موصی را ندارند، حکم این مسئله چیست؟ و این دو وصی چه وظیفه ای دارند؟

وصیت و وصایت وصی با تأخیر در اجرا باطل نمی‌شود، بلکه بر آن دو وصی واجب است به وصیت عمل کنند هر چند مدت آن طولانی شود و تا زمانی که وصایت آنان مقید به مهلت خاصی که به پایان رسیده است نباشد، ورثه حق ندارند مزاحم آن دو در اجرای وصیت شوند.

س 1858: بعد از تقسیم ترکه میت بین ورثه و صدور اسناد مالکیت به نام‌های آنان و گذشت شش سال از آن، یکی از ورثه ادعا می‌کند که متوقّی بطور شفاهی به او وصیت کرده است که قسمتی از خانه به یکی از پسران او داده شود و بعضی از زنان هم به این امر شهادت می‌دهند، آیا بعد از گذشت مدت مزبور، ادعای او پذیرفته می‌شود؟

مرور زمان و اتمام مراحل قانونی تقسیم ارث مانع از قبول وصیت، در صورتی که مستند به دلیل شرعی باشد نیست، در نتیجه اگر مدّعی وصیت، ادعای خود را از طریق شرعی ثابت کند، بر همه واجب است که طبق آن عمل نمایند و در غیر این صورت هر کسی که اقرار به صحت ادعای او کرده، واجب است به مضمون آن ملتزم باشد و به مقدار سهم خود از ارث برطبق آن عمل نماید.

س 1859: شخصی به دو نفر وصیت کرده است که قطعه‌ای از زمین‌های او را بفروشند و به نیابت از او به حج بروند و در وصیتنامه خود یکی از آن دو را به عنوان وصی و دیگری را ناظر بر او قرار داده است، سپس شخص سومی پیدا شده است که ادعا می‌کند که مناسک حج را بدون کسب اجازه از وصی و ناظر به نیابت از او بجا آورده است و درحال حاضر وصی هم از دنیا رفته و فقط ناظر زنده است، آیا ناظر باید دوباره با پول آن زمین از طرف میت فریضه حج انجام دهد؟ یا آنکه واجب است پول زمین را به عنوان اجرت به کسی بدهد که ادعا می‌کند از طرف میت حج را بجا آورده است؟ و یا چیزی در این رابطه بر او واجب نیست؟

در صورتی که حج بر عهده میت باشد و بخواهد با وصیت به انجام حج توسط نائب، برئ‌الذمه شود اگر شخص سومی به نیابت از میت حج بجا آورد، برای او کافی است ولی آن شخص حق مطالبه اجرت از هیچکس را ندارد و در غیر این صورت، ناظر و وصی باید به وصیت میت عمل کنند و با پول

زمین از طرف او فریضه حج را بجا آورند و اگر وصی قبل از عمل به وصیت بمیرد، بر ناظر واجب است که برای عمل به وصیت به حاکم شرع مراجعه کند.

س 1860: آیا جایز است ورثه، وصی را وادار به پرداخت مبلغ معینی برای قضای نماز و روزه از طرف میت نمایند؟ و وصی در این مورد چه تکلیفی دارد؟

عمل به وصایای میت جزء مسئولیت‌های وصی و بر عهده اوست و باید براساس مصلحتی که تشخیص می‌دهد به آن عمل کند و ورثه حق دخالت در آن را ندارند.

س 1861: سند وصیت هنگام شهادت موصی در بمباران مخازن نفتی همراه او بوده و در نتیجه در آن حادثه سوخته و یا مفقود شده و کسی هم از مضمون آن آگاه نیست و در حال حاضر وصی نمی‌داند

که آیا فقط او به تنهایی وصی است یا آنکه وصی دیگری نیز وجود دارد، وظیفه او چیست؟

بعد از ثبوت اصل وصیت، بر وصی واجب است در مواردی که یقین به حصول تغییر و تبدیل در آنها ندارد، به وصیت عمل نماید و بر این احتمال که ممکن است وصی دیگری نیز باشد اعتنا نکند.

س 1862: آیا جایز است موصی فردی غیر از ورثه‌اش را به عنوان وصی خود برگزیند؟ و آیا کسی حق دارد با این کار او مخالفت نماید؟

انتخاب و تعیین وصی از بین کسانی که موصی، آنان را شایسته این کار می‌داند، منوط به نظر خود او است و اشکال ندارد که فردی غیر از ورثه را به عنوان وصی خود تعیین کند و ورثه حق اعتراض به او را ندارند.

س 1863: آیا جایز است بعضی از ورثه بدون مشورت با دیگران و یا جلب موافقت وصی، از اموال میت تحت عنوان ضیافت برای او انفاق کنند؟

اگر قصد آنان از این کار، عمل به وصیت است، انجام آن بر عهده وصی میت است و آنان حق ندارند بدون موافقت وصی، خودسرانه اقدام به این کار کنند و اگر قصد دارند که از ترکه میت به حساب ارث ورثه انفاق کنند، انجام آن منوط به اذن سایر ورثه است و اگر آنان راضی نباشند، نسبت به سهم ورثه دیگر این کار حکم غصب را دارد.

س 1864: موصی در وصیتنامه اش ذکر کرده است که فلانی وصی اول و زید وصی دوم او و عمرو

وصی سوم اوست، آیا هر سه نفر با هم وصی او هستند یا آنکه فقط نفر اول وصی اوست؟

این موضوع تابع قصد و نظر موصی است و تا از شواهد و قرائن بدست نیاید که مقصود او وصایت آن سه نفر به نحو اجتماعی است و یا وصایت آنان به نحو ترتیبی و تعاقبی است، باید توافق کنند که در عمل به وصیت به نحو اجتماعی عمل نمایند.

س 1865: اگر موصی سه نفر را به نحو اجتماعی وصی خود قرار دهد، ولی آنان در مورد روش عمل

به وصیت، به توافق نرسند، نزاع بین آنان چگونه باید از بین برود؟

در موارد تعدد وصی، در صورتی که راجع به چگونگی عمل به وصیت اختلاف بروز کند، واجب است به حاکم شرع مراجعه نمایند.

س 1866: با توجه به اینکه من پسر بزرگ پدرم هستم و شرعاً باید قضای نماز و روزه‌های او را بجا بیاورم، در موردی که قضای نماز و روزه چند سال بر عهده پدرم باشد، ولی وصیت کرده باشد که فقط

قضای نماز و روزه یک سال برای او بجا آورده شود، تکلیف من چیست؟

اگر میت وصیت کرده باشد که قضای نماز و روزه‌های او از ثلث ترکه بجا آورده شود، جایز است از ثلث ترکه، شخصی را برای انجام آن اجیر نمایید و اگر نماز و روزه‌ای که بر ذمه اوست بیشتر از مقداری باشد که وصیت کرده است، بر شما واجب است که آنها را برای او قضا کنید، هر چند با اجیر کردن شخصی از مال خودتان برای انجام آن باشد.

س 1867: شخصی به پسر بزرگ خود وصیت کرده است که قطعه معینی از زمین‌های او را بفروشد و با پول آن از طرف او حج بجا بیاورد و او هم متعهد شده که این کار را برای پدرش انجام دهد، ولی با توجه به اینکه نتوانسته به موقع، مجوز سفر حج را از سازمان حج و زیارت بگیرد و اخیراً هزینه‌های آن هم افزایش یافته است، بطوری که پول آن زمین برای انجام سفر حج کفایت نمی‌کند، عمل به وصیت توسط خود او غیر ممکن شده است، در نتیجه مجبور شده جهت انجام حج برای پدرش کسی را نایب بگیرد، ولی پول زمین برای اجرت نیابت کافی نیست، آیا بر بقیه ورثه واجب است که برای عمل به وصیت پدر با او همکاری کنند یا آنکه انجام آن فقط وظیفه پسر بزرگتر است زیرا به هر حال او باید از طرف پدرش فریضه حج را انجام دهد؟

در فرض مورد سؤال، پرداخت هیچیک از هزینه‌های حج بر سایر ورثه واجب نیست، ولی اگر حج بر ذمه موصی مستقر شده باشد و پول زمینی که جهت انجام حج به نیابت از او معین کرده برای پرداخت هزینه‌های حج نیابتی هر چند از میقات کافی نباشد، در این صورت واجب است هزینه‌های حج میقاتی از اصل ترکه تکمیل شود.

س 1868: اگر قبضی وجود داشته باشد که نشان دهد میت مبالغی را به عنوان حقوق شرعی خود پرداخته و یا عده‌ای شهادت دهند که او حقوق خود را می‌پرداخته است، آیا بر ورثه پرداخت حقوق شرعی او از ترکه واجب است؟

مجرد وجود قبض پرداخت مبالغی به حساب حقوق شرعی توسط میت و یا شهادت شهود به اینکه او حقوق شرعی خود را می‌پرداخته است، حجت شرعی بر برائت ذمه او از آن حقوق و همچنین عدم تعلق حقوق شرعی به اموال او محسوب نمی‌شود، در نتیجه اگر او در زمان حیات یا در وصیت‌نامه اعتراف کرده باشد که مقداری به عنوان حقوق شرعی بدهکار است و یا در ترکه او وجود دارد و یا ورثه یقین به آن پیدا کنند، بر آنان واجب است آن مقدار را که میت به آن اقرار کرده و یا یقین به وجود آن دارند، از اصل ترکه میت بپردازند و در غیر این موارد چیزی بر آنان واجب نیست.

س 1869: شخصی ثلث اموالش را برای خودش وصیت کرده و در حاشیه وصیت‌نامه خود قید کرده است که خانه موجود در باغ برای تأمین مخارج ثلث است و وصی باید بعد از گذشت بیست سال از وفات او، آن را بفروشد و پول آن را برای او مصرف نماید. آیا ثلث باید از همه ترکه اعم از خانه و اموال دیگر محاسبه شود تا در صورتی که قیمت خانه کمتر از مقدار ثلث باشد، از سایر اموال میت تکمیل شود، یا آنکه ثلث، فقط خانه است و اموال دیگری از ورثه به عنوان ثلث گرفته نمی‌شود؟

اگر بخواهد با وصیت و آنچه در حاشیه وصیت‌نامه ذکر کرده، فقط خانه را به عنوان ثلث برای خودش تعیین کند و آن خانه هم از ثلث مجموع ترکه بعد از پرداخت بدهی‌های میت بیشتر نباشد، در این صورت فقط خانه ثلث است و اختصاص به میت دارد و همینطور است اگر قصد او بعد از وصیت به ثلث ترکه برای خودش، تعیین خانه برای مصارف ثلث باشد و قیمت آن هم به مقدار ثلث مجموع ترکه بعد

از پرداخت دیون باشد و در غیر این صورت باید اموال دیگری از ترکه به خانه ضمیمه شود، به مقداری که مجموع آنها به اندازه ثلث ترکه برسد.

س 1870: بعد از گذشت بیست سال از تقسیم ارث و گذشت چهار سال از اینکه دختر میت سهم خود را فروخته است، مادر وصیتنامه‌ای را آشکار کرد که بر اساس آن همه اموال شوهر متعلق به همسر اوست و همچنین اعتراف نمود که این وصیتنامه از زمان فوت شوهرش نزد او بوده ولی تاکنون کسی را از وجود آن آگاه نکرده است، آیا با وجود آن حکم به بطلان تقسیم ارث و فروش سهم الارث توسط دختر میت می‌شود؟ و بر فرض بطلان، آیا ابطال سند رسمی ملکی که شخص سومی آن را از دختر خریده، بر اثر اختلاف بین دختر و مادر در مورد آن صحیح است؟

بر فرض صحت وصیت مزبور و ثبوت آن با دلیل معتبر، چون مادر از زمان وفات شوهرش تا هنگام تقسیم ترکه علم به آن وصیت داشته و هنگام دادن سهم دختر و فروش آن به دیگری توسط او، وصیتنامه در دست مادر بوده و در عین حال نسبت به وصیت سکوت کرده و از اعتراض نسبت به دادن سهم به دختر با فرض این که محذوری از اعلام نداشتن خودداری نموده و همچنین هنگامی که آن دختر سهم خود را فروخته، به فروش آن هم اعتراضی نکرده است، همه اینها رضایت او به گرفتن سهم الارث توسط دختر و فروش آن محسوب می‌شود و بعد از آن حق ندارد آنچه را به دخترش داده از او مطالبه کند و همچنین حق مطالبه چیزی را هم از مشتری ندارد و معامله‌ای که دختر او انجام داده محکوم به صحت است و مبیع نیز مال مشتری است.

س 1871: یکی از شهدا به پدرش وصیت کرده که اگر با حفظ خانه مسکونی او قادر به پرداخت بدهی‌های او نیست، آن را بفروشد و با پول آن دیون او را ادا کند و همچنین وصیت کرده که مبلغی در کارهای خیر مصرف شود و پول زمین هم به دائی او داده شود و مادرش را هم به حج بفرستد و قضای چند سال نماز و روزه از طرف او بجا آورده شود. سپس برادر وی با همسرش ازدواج نمود و با آگاهی از خرید قسمتی از خانه توسط همسر شهید در خانه او ساکن شد و مبلغی را برای تعمیر خانه پرداخت کرد و یک سکه طلا هم از فرزند شهید گرفت تا برای تعمیر خانه مصرف کند، تصرفات او در خانه شهید و اموال فرزند او چه حکمی دارد؟ با توجه به اینکه اقدام به تربیت و پرداخت نفقه فرزند شهید نموده، استفاده او از حقوق ماهانه‌ای که مخصوص فرزند شهید است چه حکمی دارد؟

واجب است همه اموال آن شهید عزیز محاسبه شود و بعد از پرداخت همه دیون مالی او از آن، ثلث باقیمانده آن برای اجرای وصیت‌های او مانند قضای نماز و روزه از طرف او و پرداخت هزینه سفر حج به مادر و امثال آنها، مصرف شود، سپس دو ثلث دیگر و باقیمانده ثلث قبلی بین ورثه شهید که عبارتند از پدر و مادر و فرزند و همسر او، طبق کتاب و سنت تقسیم شود و همه تصرفات در خانه و وسایلی که مال آن شهید هستند باید با اذن ورثه و ولی شرعی صغیر صورت بگیرد و برادر شهید هم حق ندارد هزینه تعمیراتی را که بدون اذن و اجازه ولی شرعی صغیر در خانه انجام داده، از مال صغیر بردارد و همچنین جایز نیست سکه طلا و حقوق ماهانه صغیر را برای تعمیر خانه و مخارج خودش مصرف نماید و حتی نمی‌تواند آنها را برای انفاق بر خود صغیر هم استفاده کند مگر با اذن و اجازه ولی شرعی او و در غیر این صورت ضامن آن مال است و باید آن را به صغیر بپردازد و همچنین خرید خانه هم باید با اذن و اجازه ورثه و ولی شرعی صغیر صورت بگیرد.

س 1872: موصي در وصیت‌نامه خود نوشته است که همه اموال او که شامل سه هکتار باغ میوه است به این صورت مصالحه شده‌اند که دو هکتار آن بعد از وفات او مال جمعی از فرزندان باشد و هکتار سوم برای خودش باشد تا در وصایای او مصرف شود و بعد از فوت او معلوم شده که مجموع مساحت باغهای او کمتر از دو هکتار است، بنابر این اولاً آیا مطلبي که در وصیت‌نامه نوشته، مصالحه بر اموال به آن صورت که او نوشته محسوب می‌شود یا آنکه وصیت بر اموالش بعد از وفات اوست؟ و ثانياً: بعد از آنکه معلوم شد که مساحت باغهای او کمتر از دو هکتار است، آیا همه آن اختصاص به فرزندان او دارد و موضوع یک هکتاری که اختصاص به خودش داده بود منتفی می‌شود یا آنکه بگونه دیگری باید عمل شود؟

تا زمانی که تحقق صلح توسط او در زمان حیاتش بر وجه صحیح شرعی که متوقف بر قبول مصالح له در زمان حیات مصالح است، احراز نشده باشد آنچه که او ذکر کرده بر وصیت حمل می‌شود، در نتیجه وصیت او راجع به اینکه باغهای میوه برای جمعی از فرزندان او و خودش باشد در ثلث مجموع ترکه، نافذ است و در زائد بر ثلث متوقف بر اجازه ورثه است و در صورت عدم اجازه آنان، مقدار زائد بر ثلث، ارث آنان است.

س 1873: فردی همه اموال خود را به نام پسر خود نموده است به این شرط که بعد از وفات پدر، مقدار معینی پول نقد به هر یک از خواهرانش به جای سهم آنان از ارث بپردازد، ولی یکی از خواهران او هنگام فوت پدر حضور نداشت و در نتیجه نتوانست در آن زمان حق خود را بگیرد و هنگامی که به آن شهر مراجعت نمود، حق خود را از برادرش مطالبه کرد. ولی برادرش در آن زمان چیزی به او نپرداخت و در حال حاضر که چندین سال از آن می‌گذرد و قدرت خرید مبلغ مورد وصیت بسیار کاهش پیدا کرده، اعلام نموده که حاضر است آن مبلغ را به او بپردازد، ولی خواهر او آن پول را با همان قدرت خریدش در آن زمان، مطالبه می‌کند و برادر او از پرداخت آن خودداری می‌کند و خواهرش را متهم به مطالبه ربا می‌نماید. این مسئله چه حکمی دارد؟

اگر اصل تحویل ترکه به فرزند مذکور و وصیت به پرداخت مبالغی پول به فرزندان مونث بر وجه صحیح شرعی محقق شده باشد، هر یک از خواهران فقط استحقاق دریافت مبلغ مورد وصیت را دارند، ولی در صورتی که قدرت خرید هنگام پرداخت، از قدرت خرید در وقت فوت موصی کمتر شده باشد، احوط این است که دو طرف در مورد مقدار تفاوت با هم مصالحه کنند و این در حکم ربا نیست.

س 1874: پدر و مادر در زمان حیاتشان و در حضور سایر فرزندان یک قطعه زمین کشاورزی را به عنوان ثلث اموالشان اختصاص دادند تا بعد از وفات برای پرداخت هزینه‌های کفن و دفن و روزه و نماز و غیره، مورد استفاده قرار گیرد و راجع به آن به من که تنها پسرشان هستم وصیت کردند و با توجه به اینکه آنان بعد از وفات، پول نقدی نداشتند، هزینه همه آن امور را از پول خودم پرداخت کردم، آیا اکنون جایز است مقداری را که خرج کرده‌ام از ثلث مذکور بردارم؟

اگر آنچه را که برای میت خرج کرده‌اید به حساب وصیت و به قصد برداشتن آن از ثلث پرداخته باشید، جایز است آن را از ثلث اموال میت بردارید و در غیر این صورت جایز نیست.

س 1875: مردی وصیت کرده که اگر همسرش بعد از وفات او ازدواج نکرد، ثلث خانه‌ای که در آن سکونت دارد مال او باشد و با توجه به اینکه او بعد از انقضای عده، ازدواج نکرده و نشانه‌ای هم مبنی بر قصد ازدواج او در آینده وجود ندارد، تکلیف وصی و سایر ورثه در مورد اجرای وصیت موصی چیست؟

بر آنان واجب است فعلا ملک مورد وصیت را به زوجه بدهند، ولی این انتقال مشروط به عدم ازدواج است، در نتیجه اگر بعد از آن، ازدواج کند، ورثه حق فسخ و پس گرفتن ملک را دارند.

س 1876: هنگامی که می‌خواستیم ارثیه پدرمان را که او نیز از پدرش به ارث برده بود و بین ما و عمو و مادربزرگ ما مشترک بود و آنان نیز آن اموال را از جد ما، به ارث برده بودند، تقسیم کنیم آنان وصیت‌نامه جدّم مربوط به سی سال قبل را ارائه دادند، که در آن به هر کدام از مادربزرگ و عمویم علاوه بر سهمشان از ترکه، مبلغ معینی پول نقد هم وصیت کرده بود، ولی آن دو این مبلغ را به قیمت فعلی آن تبدیل نموده و در نتیجه چندین برابر مبلغ مورد وصیت را از اموال مشترک به خود تخصیص دادند، آیا این کار آنان شرعا صحیح است؟

احتیاط این است که نسبت به تفاوت قدرت خرید پول، با هم مصالحه کنید، و اگر در این زمینه قانونی وجود داشته باشد باید مراعات گردد.

س 1877: یکی از شهدای عزیز وصیت کرده که فرشی را که برای خانه‌اش خریده است به حرم ابی عبدالله الحسین \blacklozenge علیه السلام \blacklozenge در کربلای معلّی هدیه شود و در حال حاضر اگر بخواهیم آن را در خانه نگه داریم تا عمل به وصیت ممکن شود، خوف این را داریم که فرش تلف شود، آیا جایز است برای جلوگیری از ضرر و خسارات، از آن در مسجد یا حسینیه محله استفاده کنیم؟ اگر حفظ فرش تا زمانی که امکان عمل به وصیت را پیدا کنید، متوقف بر استفاده از آن بطور موقت در مسجد یا حسینیه باشد، اشکال ندارد.

س 1878: شخصی وصیت کرده که مقداری از درآمدهای بعضی از املاکش به مصرف مسجد و حسینیه و مجالس دینی و امور خیریه و مانند آن برسد، ولی ملک مذکور و املاک دیگر او غصب شده‌اند و گرفتن آن از دست غاصب هزینه‌هایی را در بردارد، آیا جایز است که آن هزینه‌ها از موصی به برداشت شود؟ و آیا مجرد امکان آزاد کردن ملک از غصب برای صحت وصیت کافی است؟ برداشتن هزینه‌های گرفتن املاک از دست غاصب از درآمدهای ملک مورد وصیت، به همان مقدار اشکال ندارد و برای صحت وصیت به ملک، قابلیت آن برای استفاده در مورد وصیت کافی است هر چند بعد از گرفتن آن از دست غاصب باشد و این کار هم نیازمند صرف مال باشد.

س 1879: شخصی همه اموال منقول و غیر منقول خود را برای پسرش وصیت کرده و با این کار شش دختر خود را از ارث محروم نموده است، آیا این وصیت نافذ است؟ و در صورتی که نافذ نباشد، چگونه آن اموال بین شش دختر و یک پسر تقسیم می‌شود؟

صحت وصیت مزبور فی‌الجمله مانعی ندارد، ولی فقط به مقدار ثلث مجموع ترکه نافذ است و در مقدار زائد بر آن، متوقف بر اجازه جمیع ورثه است، در نتیجه اگر دخترها از اجازه آن خودداری کردند، هر یک از آنان سهم‌الارث خود را از 23 ترکه می‌برند، بنابر این دارایی پدر به بیست و چهار قسمت تقسیم می‌شود و سهم پسر از آن به عنوان ثلث موصی به 824 و سهم او از 23 باقیمانده 424 می‌شود و سهم هر یک از دخترها هم 224 است و به عبارت دیگر نصف مجموع ترکه متعلق به پسر است و نصف دیگر بین آن شش دختر تقسیم می‌شود.

غصب

س 1880: شخصی قطعه زمینی را به نام فرزند صغیرش خریداری کرده و سند عادی آن را به اسم او به این صورت تنظیم نموده است: **♦** فروشنده فلان شخص است و خریدار هم فلان فرزندش می‌باشد **♦** و بعد از آنکه آن کودک به سن بلوغ رسید زمین مزبور را به شخص دیگری فروخت، ولی ورثه پدر با این ادعا که آن را از پدرشان به ارث برده‌اند، با آنکه اسمی از پدرشان در سند عادی نیامده آن زمین را تصرف کردند، آیا جایز است ورثه در این حالت برای مشتری دوم مزاحمت ایجاد کنند؟

مجرد ذکر نام فرزند صغیر در قرارداد معامله به عنوان مشتری، ملاک مالکیت او نیست، بنابر این اگر ثابت شود که پدر زمینی را که با پول خودش خریده، به فرزندش هبه کرده و یا به او صلح نموده، زمین متعلق به اوست و اگر آن را بعد از رسیدن به سن بلوغ به نحو صحیح شرعی به خریدار دیگری بفروشد، کسی حق مزاحمت و گرفتن زمین از دست او را ندارد.

س 1881: قطعه زمینی را که تعدادی از خریداران آن را خریده و فروخته‌اند، خریداری نموده و مبادرت به ساخت خانه در آن کردم و در حال حاضر شخصی ادعا می‌کند که آن زمین ملک اوست و سند آن هم بطور رسمی قبل از انقلاب اسلامی به نام او ثبت شده است و به همین دلیل او بر علیه من و تعدادی از همسایگانم به دادگاه شکایت نموده است، آیا تصرفات من در این زمین با توجه به ادعای او غصب محسوب می‌شود؟

خرید زمین از ذوالید قبلی طبق ظاهر شرع محکوم به صحت است و زمین ملک خریدار است، در نتیجه تا زمانی که فردی که مدعی مالکیت قبلی زمین است، مالکیت شرعی خود را در دادگاه ثابت نکند، حق مزاحمت متصرف و ذوالید فعلی را ندارد.

س 1882: زمینی در یک سند عادی به نام پدری است و بعد از مدتی سند رسمی آن به نام فرزند صغیرش صادر می‌شود، ولی هنوز زمین در اختیار پدر است و اکنون که فرزند به سن بلوغ رسیده، ادعا می‌کند که آن زمین ملک اوست زیرا سند رسمی به نام او ثبت شده است، ولی پدر او می‌گوید که زمین را با پول خودش و برای خودش خریده و فقط برای تخفیف مالیات، آن را به نام فرزندش نموده است. آیا اگر فرزند او زمین را بدون رضایت پدرش تصرف کند غاصب محسوب می‌شود؟ اگر پدری که زمین را با پول خودش خریده، تا بعد از بلوغ فرزند، متصرف در آن بوده است، تا زمانی که فرزند ثابت نکرده که پدرش آن زمین را به او هبه کرده و مالکیت آن را به او منتقل نموده، حق ندارد به مجرد اینکه سند رسمی آن به نام اوست در مالکیت و تصرف در زمین و تسلط بر آن، مزاحم پدرش شود.

س 1883: شخصی قطعه زمینی را پنجاه سال قبل خریده است و اکنون با استناد به اسم کوه بلندی که در سند مالکیت آن به عنوان محدوده زمین مذکور ذکر شده، ادعای مالکیت میلیونها متر از زمینهای عمومی و دهها خانه قدیمی را می‌کند که در منطقه واقع بین زمین خریداری شده و آن کوه ساخته شده‌اند، همچنین مدعی است که نماز اهالی آن منطقه در خانه‌ها و زمین‌های مزبور بر اثر غصب باطل است، قابل ذکر است که او در گذشته هیچ تصرفی در آن زمین‌ها و خانه‌های مسکونی

قدیمی موجود در آن مکان نداشته و دلائلی هم که وضعیت آن زمین‌ها را از صدها سال پیش مشخص کند وجود ندارد، با توجه به این مطالب مسأله چه حکمی دارد؟

اگر زمینهای واقع بین زمین خریداری شده و کوهی که به عنوان محدوده آن در سند ذکر شده، از زمینهای بایری باشد که مسبوق به مالکیت شخص خاصی نیست و یا از زمین‌هایی باشد که در اختیار متصرفان قبلی بوده و از آنان به متصرفان کنونی منتقل شده است، در این صورت هر کس نسبت به هر مقدار از آن زمین‌ها یا خانه‌ها که در اختیار اوست و در آنها تصرف مالکانه دارد، شرعاً مالک محسوب می‌شود و تا زمانی که مدعی مالکیت ادعای خود را از طریق شرعی نزد مراجع قضایی ثابت نکرده، تصرفات آنان در آن ملک محکوم به اباحت و حلیت است.

س 1884: آیا جایز است در زمینی که حاکم، حکم به مصادره آن کرده، بدون رضایت مالک قبلی آن، مسجد ساخته شود؟ و آیا خواندن نماز و برپایی سایر شعائر دینی در این قبیل مساجد جایز است؟ اگر زمین مزبور به حکم حاکم شرع یا با استناد به قانون جاری دولت اسلامی از مالک قبلی آن گرفته شده باشد و یا سابقه مالکیت شرعی برای مدعی آن ثابت نشود، تصرف در آن متوقف بر اجازه مدعی مالکیت و یا مالک قبلی آن نیست در نتیجه ساخت مسجد در آن و خواندن نماز و برپایی شعائر در آن اشکال ندارد.

س 1885: زمینی نسل به نسل از طریق ارث به ورثه رسیده است و سپس غاصبی آن را غصب کرده و به تملک خود در آورده است و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و برپایی حکومت، اقدام به پس گرفتن آن از غاصب نموده‌اند، آیا شرعاً مالکیت آن به ورثه می‌رسد یا آنکه فقط در خرید آن از دولت حق تقدم دارند؟

مجرد سابقه تصرفات از طریق ارث، مستلزم مالکیت و حق تقدم در خرید نیست، ولی تا زمانی که خلاف آن ثابت نشده، اماره‌ای شرعی بر ملکیت است، بنابر این اگر ثابت شود که ورثه مالک زمین نیستند، و یا مالکیت دیگران نسبت به آن زمین ثابت شود. ورثه حق مطالبه زمین یا عوض آن را ندارند و در غیر این صورت حق دارند به مقتضای ذوالید بودن، عین زمین یا عوض آن را مطالبه کنند.

حجر و نشانه‌های بلوغ

س 1886: پدري یک دختر و یک پسر بالغ سفیه دارد که تحت سرپرستی او است، آیا بعد از مرگ پدر جایز است خواهر به عنوان ولایت بر برادر سفیه در اموالش تصرف کند؟

خواهر و برادر نسبت به برادر سفیه خود ولایتی ندارند، بلکه ولایت بر برادر سفیه و اموالش در صورتی که جد پدری نداشته باشد و پدر هم به کسی برای ولایت بر او وصیت نکرده باشد، با حاکم شرع است.

س 1887: آیا معیار در سن بلوغ پسران و دختران سال شمسی است یا قمری؟

معیار، سال قمری است.

س 1888: برای تشخیص اینکه فردی به سن بلوغ رسیده یا نه، چگونه می‌توان بر اساس سال قمری، تاریخ ولادت او را از نظر سال و ماه بدست آورد؟

در صورتی که تاریخ تولد بر اساس سال شمسی معلوم باشد، می‌توان آن را از طریق محاسبه اختلاف بین سال قمری و سال شمسی بدست آورد.

س 1889: آیا پسری که قبل از پانزده سالگی محتلم شده، حکم به بلوغ او می‌شود؟

با احتلام، حکم به بلوغ او می‌شود زیرا احتلام شرعا از نشانه‌های بلوغ است.

س 1890: اگر به مقدار ده درصد احتمال بدهیم که دو علامت دیگر بلوغ (غیر از سن تکلیف) زودتر ظاهر شده‌اند، حکم چیست؟

مجرد احتمال اینکه آن دو نشانه زودتر ظاهر شده‌اند، برای حکم به بلوغ کافی نیست.

س 1891: آیا جماع از نشانه‌های بلوغ محسوب می‌شود و با انجام آن، تکالیف شرعی واجب

می‌گردند؟ و اگر فردی از حکم آن آگاهی نداشته باشد و چندین سال بگذرد، آیا غسل جنابت بر او واجب می‌شود؟ و آیا اگر اعمال مشروط به طهارت مانند نماز و روزه را قبل از غسل جنابت انجام بدهد، آن اعمال باطل هستند و قضای آنها واجب است؟

مجرد جماع بدون انزال و خروج منی از نشانه‌های بلوغ نیست، ولی باعث جنابت می‌شود و واجب است هنگام رسیدن به سن بلوغ غسل کند و تا زمانی که یکی از نشانه‌های بلوغ در فردی تحقق پیدا نکرده، شرعا حکم به بلوغ او نمی‌شود و مکلف به احکام شرعی نیست و کسی که در کودکی بر اثر جماع جنب شده و سپس بعد از رسیدن به سن بلوغ، بدون انجام غسل جنابت نماز خوانده و روزه گرفته، واجب است نمازهای خود را اعاده کند، ولی در صورتی که جهل به جنابت داشته، قضای روزه‌هایش واجب نیست.

س 1892: تعدادی از دانش‌آموزان دختر و پسر مؤسسه ما طبق تاریخ تولدشان به سن بلوغ

رسیده‌اند و بر اثر مشاهده اختلال در حافظه و ضعف آن، مورد معاینات پزشکی قرار گرفتند تا هوش و حافظه آنان آزمایش شود، نتیجه آن بررسی‌ها اثبات عقب‌ماندگی ذهنی آنان از یک سال پیش یا بیشتر بود، ولی بعضی از آنان را نمی‌توان مجنون محسوب کرد زیرا در حدی هستند که مسائل اجتماعی و دینی را درک می‌کنند، آیا تشخیص این مرکز مانند تشخیص پزشکان اعتبار دارد و برای آن دانش‌آموزان ملاک است؟

معیار توجه تکالیف شرعی به انسان این است که او شرعا بالغ و از نظر عرف عاقل باشد، ولی

درجات درک و هوش معتبر نیست و در این رابطه تأثیری ندارد.

س 1893: در بعضی از احکام در خصوص کودک ممیز آمده است: ♦ کودکی که خوب را از بد

تشخیص می‌دهد ♦ منظور از خوب و بد چیست؟ و سن تمییز چه سنی است؟

منظور از خوب و بد چیزی است که عرف آن را خوب یا بد می‌داند و باید در این رابطه، شرایط زندگی کودک و عادات و آداب و سنت‌های محلی هم ملاحظه شود و اما سن تمییز، به تبع اختلاف اشخاص در استعداد و درک و هوش، مختلف است.

س 1894: آیا دیدن خونی که دارای صفات حیض است، توسط دختر قبل از اتمام نه‌سالگی، علامت

بلوغ اوست؟

این خون علامت شرعی بلوغ دختر نیست و حکم حیض را ندارد هر چند صفات آن را داشته باشد.

س 1895: اگر فردي که به علتی توسط مراجع قضائي از تصرف در اموال خود ممنوع شده، مقداري از اموال خود را قبل از وفات به عنوان تقدیر و تشکر از خدمات پسر برادرش به او بدهد و برادرزاده‌اش هم اموال مزبور را بعد از وفات عمويش خرج تجهيزو برآورده کردن نيازهاي خاص او بکند، آیا جایز است مراجع قضايي، آن اموال را از او مطالبه کنند؟

اگر اموالي که به برادرزاده‌اش داده، مشمول حجر بوده و یا ملک ديگري باشد، شرعا حق ندارد آن را به او بدهد و برادرزاده‌اش هم نمی‌تواند در آن تصرف کند و جایز است مراجع قضايي آن مال را از او مطالبه کنند و در غير این صورت کسی حق ندارد آن مال را از او پس بگیرد.

مضاربه

س 1896: آیا مضاربه با غير از طلا و نقره جایز است؟

مضاربه با اسکناسي که امروزه رایج است، اشکال ندارد، ولي مضاربه با کالا صحيح نیست.

س 1897: آیا استفاده از عقد مضاربه در کارهاي توليدي و خدماتي و توزيع و تجارت صحيح است؟ و آیا عقودي که امروزه تحت عنوان مضاربه در فعاليتهاي غيرتجاري متعارف شده‌اند، شرعا صحيح هستند یا خير؟

عقد مضاربه فقط مختص بکارگيري سرمايه در تجارت از طريق خريد و فروش است، و استفاده از آن به عنوان مضاربه در زمينه‌هاي توليد و توزيع و خدمات و مانند آن، صحيح نیست. لکن مانعي ندارد که این امور را تحت عنوان عقود شرعي ديگر مثل جعاله و صلح و غيرذلک انجام دهند.

س 1898: مبلغی پول از يکي از دوستانم به عنوان مضاربه گرفتم، به این شرط که آن مبلغ و مقداري اضافه را بعد از گذشت مدتي به او بپردازم و من هم قسمتي از آن را به يکي از دوستانم که به آن احتياج داشت دادم و قرار شد 13 سود پول را او بپردازد. آیا این کار صحيح است؟

گرفتن پول از کسی به این شرط که اصل پول را همراه با مقداري اضافه، بعد از مدتي به او بپردازد، عقد مضاربه نیست بلکه قرض ربوي حرام است، و اما گرفتن آن پول به عنوان مضاربه، قرض از او محسوب نمی‌شود و پول نیز ملک عامل نمی‌گردد، بلکه بر ملکيت صاحب آن باقي می‌ماند و عامل فقط حق تجارت با آن را دارد و هر دو بر اساس توافقي که کرده‌اند در سود آن شریک هستند و عامل حق ندارد بدون اذن صاحب مال، مقداري از آن را به ديگري قرض بدهد و یا به عنوان مضاربه در اختيار او بگذارد.

س 1899: قرض گرفتن پول به اسم مضاربه، از اشخاصي که پول را به عنوان مضاربه می‌دهند تا در برابر هر صدهزار تومان طبق قرارداد هر ماه در حدود چهار یا پنج هزار تومان سود دریافت کنند، چه حکمي دارد؟

قرض گرفتن به صورت مزبور مضاربه نیست، بلکه همان قرض ربوي است که از نظر تکليفي حرام است و با تغيير صوري عنوان، حلال نمی‌شود، هر چند اصل قرض صحيح است و قرض گیرنده مالک مال می‌شود.

س 1900: شخصی مبلغی پول به فردی داده تا با آن تجارت کند و هر ماه مبلغی را به عنوان سود آن به او بپردازد و همه خسارتها هم بر عهده او باشد، آیا این معامله صحیح است؟ اگر قرارداد ببندند که با مال او به نحو صحیح شرعی مضاربه صورت بگیرد و بر عامل شرط کند که هر ماه مقداری از سهم او از سود آن را علی الحساب به او بدهد و اگر خسارتي متوجه سرمایه شد، عامل ضامن باشد، چنین معامله‌ای صحیح است و در غیر این صورت وجه شرعی برای آن وجود ندارد.

س 1901: مبلغی پول برای خرید و وارد کردن و فروش وسایل نقلیه به شخصی دادم، به این شرط که سود حاصل از فروش آنها بطور مساوی بین ما تقسیم شود و او هم بعد از گذشت مدتی مبلغی را به من داد و گفت: این سهم شما از سود است، آیا گرفتن آن مبلغ برای من جایز است؟ اگر سرمایه را به عنوان مضاربه به او داده‌اید و او هم با آن وسایل نقلیه خریده و فروخته باشد و سهم شما از سود را بدهد، آن سود برای شما حلال است.

س 1902: شخصی مبلغی پول را برای تجارت با آن نزد فرد دیگری سپرده و هر ماه مبلغی را علی الحساب از او می‌گیرد و سر سال مبادرت به محاسبه سود و زیان می‌کنند، اگر صاحب پول و آن شخص با رضایت هم سود و زیان را به یکدیگر ببخشند، آیا انجام این کار توسط آنان صحیح است؟ اگر آن مال را به عنوان انجام مضاربه بطور صحیح، به او داده باشد، اشکال ندارد که صاحب سرمایه هر ماه مبلغی از سود را علی الحساب از عامل بگیرد و همچنین مصالحه آن دو نسبت به آنچه که هر کدام از آنان شرعاً مستحق دریافت آن از دیگری است، اشکال ندارد، ولی اگر به عنوان قرض باشد و شرط کند که قرض گیرنده هر ماه مقداری سود به قرض دهنده بدهد، سپس در آخر سال نسبت به آنچه که هر کدام از آنان مستحق دریافت آن از دیگری است، مصالحه کنند، این همان قرض ربوی است که حرمت تکلیفی دارد و شرط در ضمن آن هم باطل است، هر چند اصل قرض صحیح می‌باشد و این کار به مجرد توافق آن دو بر هبه سود و زیان به یکدیگر حلال نمی‌شود، بنابر این قرض دهنده نمی‌تواند هیچ سودی بگیرد، همانگونه که ضامن هیچ خسارتي هم نیست.

س 1903: شخصی مالی را به عنوان مضاربه از فردی گرفته است، به این شرط که 23 سود برای او و 13 آن متعلق به صاحب سرمایه باشد و با آن کالایی خریده و به شهر خود فرستاد، ولی آن کالا در راه به سرقت رفت، خسارت بر عهده چه کسی است؟

تلف شدن تمام یا قسمتی از سرمایه یا مال التجاره در صورتی که ناشی از تعدی و تفریط عامل یا شخص دیگری نباشد، بر عهده صاحب سرمایه است و با سود جبران می‌شود مگر آنکه شرط شود که خسارت صاحب سرمایه بر عهده عامل باشد.

س 1904: آیا جایز است مالی به قصد کسب و تجارت به کسی داده و یا از او گرفته شود، به این شرط که سود حاصل از آن بدون آنکه ربا باشد، بین آن دو با رضایت تقسیم شود؟ اگر گرفتن یا دادن مال برای تجارت، به عنوان قرض باشد، همه سود آن متعلق به وام گیرنده است. همچنانکه تلف و خسارت آن هم بر عهده اوست و صاحب مال فقط مستحق دریافت عوض آن از وام گیرنده است و جایز نیست هیچ سودی از او دریافت کند، و اگر به عنوان مضاربه باشد، برای دستیابی به نتایج آن، باید عقد مضاربه بطور صحیح بین آنان محقق شود و همچنین شرایطی که از نظر شرعی برای صحت آن لازم است باید رعایت شود، که از جمله آنها تعیین سهم هر یک از آنان از

سود به صورت کسر مشاع است و در غیر این صورت، آن مال و همه در آمد حاصل از تجارت با آن متعلق به صاحب آن است و عامل فقط مستحق دریافت اجرت‌المثل کار خود است.

س 1905: باتوجه به اینکه معاملات بانکها واقعا مضاربه نیستند، زیرا بانک هیچ خسارتي را بر عهده نمي‌گیرد، آیامبلغي که سپرده‌گذاران هر ماه به عنوان سود پولشان از بانک مي‌گیرند، حلال است؟ صرف عدم تحمل خسارت توسط بانک، موجب بطلان مضاربه نمي‌شود. و همچنین دلیل بر صوري و شکلي بودن عقد مضاربه هم نیست، زیرا شرعا اشکال ندارد که مالک یا وکیل او در ضمن عقد مضاربه شرط کنند که عامل، ضامن ضرر و زیانهاي صاحب سرمایه باشد، بنابراین تا زمانی که احراز نشود مضاربه‌اي که بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذاران ادعای انجام آن را دارد، صوري و به سببي باطل است، آن مضاربه محکوم به صحت مي‌باشد و سودهاي حاصل از آن که به صاحبان اموال مي‌دهد، براي آنان حلال است.

س 1906: مبلغ معيني پول به یک زرگر دادم تا آن را در خرید و فروش بکار بگیرد، و چون او همیشه سود مي‌برد و خسارت نمي‌بیند، آیا جایز است هر ماه مبلغ خاصی از سود را از او مطالبه کنم؟ و در صورتی که اشکال داشته باشد، آیا جایز است عوض آن مقداری جواهرات بگیرم؟ و آیا اگر آن مبلغ توسط شخصی که بین ما واسطه است پرداخت شود، اشکال بر طرف مي‌شود؟ و اگر مبلغی را به عنوان هدیه در برابر آن پول به من بدهد، باز هم اشکال دارد؟

در مضاربه شرط است که تعیین سهم هر یک از صاحب سرمایه و عامل از سود به صورت یکی از کسره‌های ثلث و ربع و نصف و غیره باشد، بنابراین با تعیین مبلغ معینی به عنوان سود ماهیانه برای صاحب سرمایه، مضاربه صحیح نیست، اعم از اینکه سود ماهیانه‌اي که معین شده پول نقد باشد یا کالا و یا جواهرات و نیز اعم از این که خودش بطور مستقیم آن را دریافت کند و یا توسط شخص دیگری و همچنین فرقی نمي‌کند که آن را به عنوان سهم خود از سود دریافت کند یا عامل، آن را در برابر تجارتي که با پول صاحب سرمایه کرده به عنوان هدیه به او بدهد، بله، مي‌توانند شرط کنند که صاحب سرمایه مقداری از سود را بعد از حصول آن، هر ماه بطور علی‌الحساب دریافت کند تا در پایان مدت عقد مضاربه آن را محاسبه کنند.

س 1907: شخصی مبلغی پول به عنوان مضاربه از چند نفر برای تجارت گرفته است به این شرط که سود آن بین او و صاحبان اموال به نسبت پولشان تقسیم شود، این کار چه حکمی دارد؟ اگر روی هم گذاشتن پولها برای تجارت با اذن صاحبان آنها صورت بگیرد، اشکال ندارد.

س 1908: آیا جایز است در ضمن عقد لازم شرط شود که عامل هر ماه مبلغ معینی به صاحب سرمایه در برابر سهمی که از سود دارد بپردازد و نسبت به کم و زیاد آن مصالحه کنند؟ و به عبارت دیگر، آیا صحیح است در ضمن عقد لازم شرطي کنند که مخالف احکام مضاربه است؟ اگر شرط همان صلح باشد به این معنی که صاحب سرمایه سهم خود را از سود که با کسر مشاع معین شده پس از حصول آن به مبلغی که عامل هر ماه به او مي‌دهد صلح کند، اشکال ندارد، ولي اگر شرط، تعیین سهم مالک از سود به مبلغی باشد که عامل مي‌خواهد هرماه به او بپردازد، این شرط خلاف مقتضای عقد مضاربه بوده و در نتیجه باطل است.

س 1909: تاجری مقداری پول از شخصی به عنوان سرمایه مضاربه گرفت، به این شرط که درصد معینی از سود تجارت با آن را به او بپردازد، در نتیجه آن پول و سرمایه خودش را روی هم گذاشت تا با

مجموع آنها تجارت کند و هر دو از ابتدا می‌دانستند که تشخیص مقدار سود ماهانه این مبلغ مشکل است، به همین دلیل توافق کردند که مصالحه کنند، آیا عقد مضاربه در این حالت شرعا صحیح است؟ عدم امکان تشخیص مقدار سود ماهانه خصوص سرمایه مالک، ضرر به صحت عقد مضاربه نمی‌زند، به شرط اینکه شرایط دیگر صحت مضاربه رعایت شود، در نتیجه اگر عقد مضاربه را با رعایت شرایط شرعی آن منعقد کنند، سپس توافق نمایند که برای تقسیم سود بدست آمده مصالحه کنند، به این صورت که بعد از دستیابی به سود، صاحب سرمایه سهم خود از آن را به مبلغ معینی صلح نماید، اشکال ندارد.

س 1910: شخصی مبلغی پول را به عنوان مضاربه به فردی داده است، به این شرط که شخص سومی آن مال را ضمانت کند، در این صورت اگر عامل با آن پول فرار نماید، آیا کسی که پول را پرداخت کرده، حق دارد برای گرفتن آن به ضامن مراجعه کند؟ شرط ضمان مال مورد مضاربه در صورت مذکور اشکال ندارد، در نتیجه اگر عامل با آن پولی که بعنوان سرمایه مضاربه گرفته است، فرار نماید و یا آن را بر اثر تعدی و تفریط تلف کند، صاحب سرمایه حق دارد برای گرفتن عوض آن به ضامن مراجعه نماید.

س 1911: اگر عامل مقداری از سرمایه مضاربه را که از اشخاص متعدد برای تجارت گرفته است، بدون اجازه مالک آن به عنوان قرض به کسی بدهد، اعم از اینکه مجموع سرمایه باشد و یا از سرمایه فرد خاصی، آیا ید او نسبت به اموال دیگران که به عنوان مضاربه در اختیار او قرار گرفته است، ید عدوانی محسوب می‌شود؟

ید امانی او در مقداری که بدون اذن مالک آن به عنوان قرض به کسی داده است، تبدیل به ید عدوانی می‌شود و در نتیجه ضامن آن است، ولی نسبت به سایر اموال تا زمانی که در آنها تعدی و تفریطی نکرده، ید او ید امانی باقی می‌ماند.

احکام بانکها

جایزه‌های بانکی

س 1945: مبلغی را در بانک ملی پس‌انداز کردم و بعد از مدتی مبلغی را به عنوان جایزه به من دادند، گرفتن آن چه حکمی دارد؟
گرفتن جایزه و تصرف در آن اشکال ندارد.

س 1946: جوایزی به سپرده‌های قرض‌الحسنه تعلق می‌گیرد، گرفتن آنها چه حکمی دارد؟ و بر فرض جواز آیا خمس به آنها تعلق می‌گیرد؟
پس‌اندازهای قرض‌الحسنه و جایزه‌های آن اشکال ندارد و درجایزه، خمس واجب نیست.

س 1947: در صورتی که صاحبان حسابهای پس‌انداز به علت عدم اطلاع یا دلایل دیگر برای دریافت جایزه‌های خود به بانک مراجعه نکنند، آیا جایز است بانک در آنها تصرف کند و یا آنها را بین کارمندان بانک توزیع نماید؟

بانک و کارکنان آن حق ندارند جایزه هایی را که مخصوص برندگان هستند، بدون اذن آنان به تملک خود درآورند. کارکردن در بانک

س 1948: اینجانب از کارمندان بانک هستم و در شعبه خارج از کشور کار می‌کنم، دولت آن کشور ما را مؤظف به پیروی از قوانین بانکی که شامل معاملات ربوی و غیر ربوی می‌شود، نموده است. آیا قبول این مسئولیت و کار در آن نظام بانکی جایز است؟ همچنین حقوقی که از درآمد شعبه بانکی مذکور دریافت می‌کنم چه حکمی دارد؟

اصل انجام این وظیفه اشکال ندارد ولی اشتغال به عملیات بانکی که مربوط به معاملات ربوی است جایز نیست و انسان در برابر انجام آن مستحق گرفتن اجرت و حقوق نیست و اما دریافت حقوق از درآمد شعبه بانکی در صورتی که شخص علم به وجود مال حرام در آنچه که دریافت می‌شود نداشته باشد، اشکال ندارد.

س 1949: آیا گرفتن حقوق در برابر کار کردن در قسمت اعتبارات، حسابرسی و مدیریت بانک، جایز است؟

کارکردن در بخشهای بانکی مذکور و گرفتن حقوق در برابر آن اگر به نحوی با معاملاتی که شرعاً حرام هستند مرتبط نباشد، اشکال ندارد. احکام چک و سفته

س 1950: معامله چک و سفته مدت‌دار به صورت نقد به قیمتی کمتر از مبلغ آن که امروزه رایج است، چه حکمی دارد؟

فروش مبلغ چک مدت‌دار یا سفته بطور نقدي به قیمت کمتر توسط شخص طلبکار به بدهکار اشکال ندارد، ولی فروش آن به شخص ثالث به قیمت کمتر صحیح نیست.

س 1951: آیا چک به منزله پول نقد است بطوری که اگر بدهکار آن را به طلبکار بدهد برئ الذمه می‌شود؟

چک به منزله پول نقد نیست و تحقق اداء دین یا ثمن با دادن آن به طلبکار یا فروشنده متوقف بر این است که عرفاً قبض چک، قبض مبلغ آن محسوب شود و این با تفاوت موارد و اشخاص تفاوت پیدا می‌کند.

س 1912: در صورتی که بانکها برای دادن وام شرط کنند که وام گیرنده، مبلغی اضافی بپردازد، آیا مکلف برای گرفتن چنین وامی باید از حاکم شرع یا وکیل او اذن بگیرد؟ آیا گرفتن این وام در صورت عدم ضرورت و نیاز، جایز است؟

اصل وام گرفتن مشروط به اذن حاکم شرع نیست حتی اگر از بانک دولتی باشد و از نظر حکم وضعی صحیح است هر چند ربوی باشد، ولی در صورت ربوی بودن، گرفتن آن از نظر تکلیفی حرام است چه از مسلمان گرفته شود یا از غیر مسلمان و چه از دولت اسلامی بگیرد یا از دولت غیر اسلامی، مگر آنکه به حدی مضطر باشد که ارتکاب حرام را مجاز کند و گرفتن وام حرام هم با اذن حاکم شرع حلال نمی‌شود، بلکه اذن او در این رابطه موردی ندارد ولی شخص می‌تواند برای اینکه مرتکب حرام نشود پرداخت مبلغ اضافی را قصد نکند، هر چند بداند که آن را از او خواهند گرفت و جواز گرفتن وام در صورتی که ربوی نباشد اختصاص به حالت ضرورت و نیاز ندارد.

س 1913: بانک مسکن جمهوری اسلامی وامهایی را برای خرید یا ساخت و یا تعمیر خانه به مردم می‌دهد و بعد از پایان خرید یا ساخت یا تعمیر خانه، وام را به صورت اقساط پس می‌گیرد، ولی مجموع قسطهای دریافتی بیشتر از مبلغی است که به وام‌گیرنده داده شده است، آیا این مبلغ اضافی وجه شرعی دارد یا خیر؟

پولهائی که بانک مسکن به منظور خرید یا ساخت خانه، می‌دهد، عنوان قرض ندارد بلکه آن را طبق یکی از عقود صحیح شرعی مانند شرکت یا جعاله یا اجاره و امثال آن پرداخت می‌کنند که اگر شرایط شرعی آن عقود را رعایت نمایند، اشکالی در صحت آن نیست.

س 1914: بانکها به سپرده‌های مردم بین سه تا بیست درصد سود می‌دهند، آیا با توجه به سطح تورم، صحیح است این مبلغ اضافی را به عنوان عوض کاهش قدرت خرید سپرده‌های مردم در روز دریافت آن نسبت به روز سپرده‌گذاری محاسبه کرده تا بدینوسیله از عنوان ربا خارج شود؟ اگر آن مبلغ اضافی و سودی که بانک می‌دهد از درآمد حاصل از بکارگیری سپرده به وکالت از سپرده‌گذار در ضمن یکی از عقود شرعی صحیح باشد، ربا نیست بلکه سود معامله شرعی است و اشکال ندارد.

س 1915: کارکردن در بانکهای ربوی برای کسی که به علت نبودن کار دیگر جهت امرار معاش، مجبور است در آنجا کار کند، چه حکمی دارد؟

اگر کار در بانک به معاملات ربوی مرتبط باشد و به نحوی در تحقق آن موثر باشد، جایز نیست در آنجا کار کند و مجرد پیدا نکردن کار حلال دیگری برای امرار معاش خود، مجوز اشتغال به کار حرام نیست.

س 1916: بانک مسکن برای ما خانه‌ای خریده است به این شرط که پول آن را بطور ماهیانه بپردازیم. آیا این معامله شرعاً صحیح است و ما مالک آن خانه می‌شویم؟ اگر بانک آن خانه را برای خودش خریده و سپس به صورت اقساط به شما فروخته باشد، اشکال ندارد.

س 1917: بانکها برای ساختمان‌سازی به عنوان مشارکت یا عنوان دیگری از عناوین عقود معاملاتی وامهایی را می‌دهند و مبلغی در حدود پنج تا هشت درصد اضافی می‌گیرند، این وام و سود آن چه حکمی دارد؟

گرفتن وام از بانک به عنوان شرکت یا یکی از معاملات شرعی صحیح، قرض دادن یا قرض گرفتن نیست و سودهایی که از طریق این قبیل معاملات شرعی نصیب بانک می‌شود ربا محسوب نمی‌شود. در نتیجه گرفتن پول از بانک تحت یکی از عناوین برای خرید یا ساخت خانه و همچنین تصرف در آن اشکال ندارد و بر فرض که به عنوان قرض و با شرط گرفتن مبلغی اضافی باشد، هر چند قرض ربوی از نظر تکلیفی حرام است، ولی اصل قرض از نظر حکم وضعی برای وام‌گیرنده صحیح است و تصرف او در آن اشکال ندارد.

س 1918: آیا گرفتن سود پولی که در بانکهای دولتهای غیر اسلامی گذاشته می‌شود جایز است؟ و آیا اگر آن را بگیرد تصرف در آن اعم از اینکه صاحب بانک اهل کتاب باشد یا مشرک و هنگام سپردن پول، شرط دریافت سود کرده باشد یا خیر، جایز است؟ در فرض مرقوم سود گرفتن جایز است حتی اگر شرط دریافت سود کرده باشد.

س 1919: در فرض فوق اگر بعضی از صاحبان سرمایه بانک مسلمان باشند، آیا در این صورت گرفتن سود از این بانکها جایز است؟

گرفتن سود نسبت به سهام غیر مسلمانان اشکال ندارد ولی نسبت به سهم مسلمان، در صورتی که سپردن پول به بانک همراه با شرط سود و ربا و یا به قصد دستیابی به آن باشد، گرفتن سود جایز نیست.

س 1920: گرفتن سود پولهایی که به بانکهای کشورهای اسلامی سپرده شده چه حکمی دارد؟ در صورتی که سپرده‌گذاری به صورت قرض و به قصد گرفتن سود و یا مبتنی بر آن و یا به قصد دستیابی به سود باشد، گرفتن آن جایز نیست.

س 1921: اگر بانک برای وامی که می‌دهد ربا بگیرد، آیا در صورتی که مکلف بخواهد از بانک وام بگیرد، صحیح است برای فرار از ربا به این صورت عمل کند که یک اسکناس هزار تومانی نقد را به مبلغ هزار و دویست تومان نسیه بخرد به این شرط که هر ماه صد تومان آن را بپردازد و برای آن دوازده فقره سفته صدتومانی به بانک بدهد و یا اینکه از بانک دوازده سفته مدت‌دار را که مجموع مبلغ آنها هزار و دویست تومان است به مبلغ هزار تومان به صورت نقدی بخرد به این شرط که مبلغ آن سفته‌ها در مدت دوازده ماه پرداخت شود؟

این قبیل معاملات که صوری و به قصد فرار از ربا قرضی هستند، شرعاً حرام و باطل می‌باشند. س 1922: آیا معاملات بانکهای جمهوری اسلامی ایران محکوم به صحت هستند؟ خرید مسکن و غیره با پولی که از بانکها گرفته می‌شود چه حکمی دارد؟ غسل کردن و نماز خواندن در خانه‌ای که با این قبیل پولها خریداری شده چه حکمی دارد؟ و آیا گرفتن سود در برابر سپرده‌هایی که مردم در بانک می‌گذارند، حلال است؟

بطور کلی معاملات بانکی که بانکها بر اساس قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و مورد تأیید شورای محترم نگهبان انجام می‌دهند، اشکال ندارد و محکوم به صحت است و سود حاصل از بکارگیری سرمایه بر اساس یکی از عقود صحیح اسلامی، شرعاً حلال است، لذا در صورتی که گرفتن پول از بانک برای خرید مسکن و مانند آن تحت عنوان یکی از آن عقود باشد، بدون اشکال است ولی اگر به صورت قرض ربوی باشد، هر چند گرفتن آن از نظر حکم تکلیفی حرام است، ولی اصل قرض از نظر حکم وضعی صحیح است و آن مال، ملک قرض گیرنده می‌شود و جایز است در آن و در هر چیزی که با آن می‌خرد تصرف نماید.

س 1923: آیا بهره‌ای که بانکهای جمهوری اسلامی از مردم در برابر وامهایی که به آنان برای اموری مانند خرید مسکن و دامداری و کشاورزی و غیره می‌دهند، مطالبه می‌کنند، حلال است؟ اگر این مطلب صحیح باشد که آنچه که بانکها برای ساخت یا خرید مسکن و امور دیگر به مردم می‌دهند به عنوان قرض است، شکی نیست که گرفتن بهره در برابر آن شرعاً حرام است و بانک حق مطالبه آن را ندارد، ولی ظاهر این است که بانکها آن را به عنوان قرض نمی‌دهند بلکه عملیات بانکی از باب معامله تحت عنوان یکی از عقود معاملی حلال مثل مضاربه یا شرکت یا جعاله یا اجاره و مانند آن است. بطور مثال بانک با پرداخت قسمتی از هزینه ساخت خانه در ملک آن شریک می‌شود و سپس سهم خود را با اقساط مثلاً بیست ماهه به شریک خود می‌فروشد و یا آن را برای مدت

معیني و به مبلغ خاصی به او اجاره می‌دهد در نتیجه این کار و سودی که بانک از این قبیل معاملات بدست می‌آورد، اشکال ندارد و این نوع معاملات ارتباطی با قرض و بهره آن ندارند. س 1924: بعد از آنکه بانک مبلغی را برای مشارکت در پروژه‌ای به من وام داد، نصف آن را به دوستم داده و با او شرط کردم که همه بهره بانکی آن وام را بپردازد، آیا در این رابطه چیزی بر من واجب است؟

اگر بانک این مبلغ را برای سهام شدن و مشارکت با وام‌گیرنده در طرح خاصی که معین کرده‌است، داده باشد، کسی که وام را دریافت می‌کند حق ندارد آن را برای کار دیگری مصرف نماید چه رسد به اینکه آن را به کسی قرض بدهد. بلکه آن پول نزد او امانت است و باید آن را در موردی که مشخص شده مصرف نماید و یا عین آن را به بانک برگرداند.

س 1925: شخصی با اسناد جعلی مبلغی را از بانک به عنوان مضاربه دریافت کرده به این شرط که بعد از مدتی اصل پول و بهره آن را به بانک بپردازد، آیا در صورت عدم اطلاع بانک از جعلی بودن اسناد، این مبلغ قرض محسوب می‌شود و بهره‌ای هم که وام‌گیرنده به بانک می‌دهد در حکم ریاست؟ و در صورتی که بانک با علم به جعلی بودن اسناد، آن مبلغ را به او بپردازد، چه حکمی دارد؟ اگر انجام عقد مضاربه توسط بانک مشروط به صحت اسنادی باشد که عقد بر اساس آنها منعقد شده، عقد مذکور با فرض جعلی بودن اسناد، باطل است، و در نتیجه مبلغ دریافت شده از بانک قرض نیست همان طور که مضاربه هم نیست بلکه از جهت ضمان، حکم مقبوض به عقد فاسد را دارد و همه سود تجارت با آن متعلق به بانک است. این حکم در صورتی است که بانک جهل به وضعیت داشته باشد. ولی اگر بانک از جعلی بودن اسناد آگاه باشد، پولی که گرفته شده در حکم غصب است.

س 1926: آیا سپرده‌گذاری در بانک به قصد بکارگیری آن در یکی از معاملات حلال و بدون تعیین دقیق سهم سپرده‌گذار از سود، به این شرط که بانک هر شش ماه سهم او را از سود بپردازد، جایز است؟

اگر سپرده‌گذاری در بانک به این صورت باشد که سپرده‌گذار همه اختیارات را به بانک داده باشد حتی انتخاب نوع فعالیت و تعیین سهم سپرده‌گذار از سود هم به عنوان وکالت در اختیار بانک باشد، این سپرده‌گذاری و سود حاصل از بکارگیری پول در معامله حلال شرعی، اشکال ندارد و جهل صاحب مال به سهم خود در زمان سپرده‌گذاری ضرری به صحت آن نمی‌زند.

س 1927: آیا گذاشتن پول در حسابهای سرمایه‌گذاری دراز مدت در بانکهای دولتهای غیر اسلامی که دشمن مسلمانان هستند و یا با دشمنان مسلمین هم پیمان می‌باشند، جایز است؟ سپرده‌گذاری در بانکهای دولتهای غیر اسلامی فی نفسه اشکال ندارد به شرطی که موجب افزایش قدرت اقتصادی و سیاسی آنان که از آن بر ضد اسلام و مسلمین استفاده می‌کنند نشود و در غیر این صورت جایز نیست.

س 1928: با توجه به اینکه بعضی از بانکهای موجود در کشورهای اسلامی مربوط به دولتهای ظالم هستند و بعضی هم وابسته به دولتهای کافر و بعضی هم متعلق به مؤسسات خصوصی مسلمانان یا غیر آنان هستند، انجام هر نوع معامله‌ای با این بانکها چه حکمی دارد؟

انجام معاملاتی که از نظر شرعی حلال هستند با این بانکها اشکال ندارد ولی معاملات ربوی و گرفتن بهره قرض نسبت به بانکها و مؤسسات اسلامی جایز نیست مگر آنکه سرمایه بانک متعلق به غیر مسلمانان باشد.

س 1929: بانکهای اسلامی بر اساس مقررات به سرمایه‌هایی که توسط صاحبان آنها در بانک گذاشته شده و بانک آنها را در زمینه‌های مختلف اقتصادی که دارای سود حلال شرعی هستند بکار می‌اندازد، سود می‌دهند، آیا جایز است به همین صورت عمل کرده و پولی را به افراد مورد اعتماد در بازار بدهیم تا همانند بانکها آن را در زمینه‌های مختلف اقتصادی بکار بیندازند؟ اگر پرداخت پول به طرف مقابل به عنوان قرض باشد و شرط کند که هر ماه یا هر سال درصدی سود بگیرد، چنین معامله‌ای از نظر تکلیفی حرام است هر چند اصل قرض از نظر حکم وضعی صحیح است و سودی که در برابر قرض دریافت می‌شود همان ریاست که شرعاً حرام می‌باشد، ولی اگر پول را به طرف مقابل بدهد تا آن را در کاری که شرعاً حلال است بکار بگیرد، به این شرط که سهم معینی از سود حاصل از بکارگیری آن در ضمن یکی از عقود شرعی به صاحب پول داده شود، چنین معامله‌ای صحیح و سود حاصل از آن هم حلال است و در این جهت فرقی بین بانک و اشخاص حقیقی و حقوقی وجود ندارد.

س 1930: اگر نظام بانکی ربوی باشد، قرض دادن به بانک از طریق سرمایه‌گذاری و یا قرض گرفتن از آن چه حکمی دارد؟

سپرده‌گذاری در بانک به عنوان قرض الحسنه و یا قرض گرفتن از آن به صورت قرض الحسنه اشکال ندارد ولی قرض ربوی بطور مطلق از نظر حکم تکلیفی، حرام است هر چند اصل قرض از نظر حکم وضعی صحیح می‌باشد.

س 1931: مبلغی پول از بانک به عنوان مضاربه گرفتم، آیا جایز است از مال مضاربه برای خرید خانه استفاده کنم؟

سرمایه مضاربه امانتی از طرف مالک آن در دست عامل است و او حق ندارد تصرفی در آن کند مگر برای تجارت با آن به همان صورتی که توافق کرده‌اند، در نتیجه اگر آن را بطور یکجانبه در کار دیگری مصرف نماید، در حکم غصب است.

س 1932: کسی که سرمایه‌ای را از بانک برای تجارت گرفته است، به این شرط که بانک در سود با او شریک باشد، اگر این فرد در کار خود زیان کند، آیا بانک هم با او در خسارت شریک است؟ خسارت در مضاربه بر سرمایه و مالک آن وارد می‌شود و از محل سود جبران می‌گردد ولی اشکال ندارد که شرط کنند که عامل، ضامن تمام یا قسمتی از آن باشد.

س 1933: شخصی حساب پس اندازی در یکی از بانکها افتتاح کرد و بعد از گذشت مدتی از افتتاح حساب، مقداری سود به او تعلق گرفت، گرفتن این سود چه حکمی دارد؟ در صورتی که اموال خود را به عنوان قرض و به شرط سود یا مبتنی بر آن و یا به قصد دستیابی به آن در حساب پس‌انداز گذاشته باشد، گرفتن آن جایز نیست، زیرا این سود همان ریاست که از نظر شرعی حرام است و در غیر این صورت گرفتن آن اشکال ندارد.

س 1934: در یکی از بانکها حسابی وجود دارد به این صورت که اگر شخصی هر ماه مبلغ خاصی را به مدت پنج سال در بانک بگذارد و در آن مدت چیزی از آن برداشت نکند، بانک هم بعد از پایان آن

مدت هر ماه مبلغ خاصی را به آن حساب واریز کرده و تا صاحب حساب زنده است به او می‌دهد، این معامله چه حکمی دارد؟

این معامله وجه شرعی ندارد، بلکه ربوی است.

س 1935: سپرده‌های دراز مدت که درصدی سود به آنها تعلق می‌گیرد چه حکمی دارند؟
سپرده‌گذاری نزد بانکها به قصد بکارگیری آن در یکی از معاملات حلال و همچنین سود حاصل از آن اشکال ندارد.

س 1936: اگر انسان مبلغی پول از بانک برای کار خاصی بگیرد، در صورتی که گرفتن آن برای این کار صوری باشد و هدف بدست آوردن پول جهت مصرف در یکی از امور حیاتی دیگر باشد یا آنکه بعد از گرفتن پول تصمیم بگیرد که آن را در امور مهمتری مصرف نماید، این کار چه حکمی دارد؟

اگر دادن و گرفتن پول به عنوان قرض باشد، در هر صورتی صحیح است و آن پول ملک قرض گیرنده می‌شود و مصرف آن در هر موردی که بخواهد صحیح است هر چند اگر شرط شده باشد که آن را در مورد خاصی مصرف کند، از نظر حکم تکلیفی، واجب است به آن شرط عمل نماید. ولی اگر دادن یا گرفتن پول از بانک مثلاً به عنوان مضاربه یا شرکت باشد، عقد در صورتی که صوری باشد، صحیح نیست. در نتیجه آن مبلغ در ملکیت بانک باقی می‌ماند و کسی که آن را گرفته، حق تصرف در آن را ندارد و همچنین اگر در عقدهای که پول را به عنوان آن از بانک گرفته قصد جدی داشته باشد، آن پول در دست او امانت است و جایز نیست آن را در غیر موردی که به آن منظور گرفته است، مصرف نماید.

س 1937: شخصی مبلغی را از بانک برای مضاربه گرفته است و بعد از مدتی اصل پول و سهم بانک از سود را بطور قسطی به بانک برگردانده است، ولی کارمندی که مسئول دریافت اقساط او بوده آنها را برای خودش برمی‌داشته و بطور صوری اسناد را باطل می‌کرده و در برابر دادگاه هم به این کار خود اعتراف کرده است، آیا هنوز پرداخت مال مضاربه بر عهده عامل است؟

اگر اقساط با رعایت شرایط و مقررات پرداخت پول به بانک، پرداخت شده باشند و اختلاس اموال بانک توسط آن کارمند، ناشی از تقصیر بدهکار در اجرای مقررات قانونی پرداخت بدهی نباشد، بعد از دادن اقساط او ضامن چیزی نیست بلکه کارمندی که مرتکب اختلاس شده ضامن است.

س 1938: آیا واجب است بانکها صاحبان حسابها را از جایزه‌هایی که از طریق قرعه به آنان تعلق گرفته مطلع نمایند؟

تابع مقررات بانک است و اگر دادن جایزه‌ها به صاحبان حسابها متوقف بر این باشد که آنان را مطلع نمایند تا برای گرفتن آن مراجعه کنند، اعلام واجب است.

س 1939: آیا شرعاً جایز است مسئولین بانکها مقداری از سود سپرده‌های بانکی را به اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی ببخشند؟

اگر آن سودها ملک بانک باشد، در این صورت تابع مقررات بانک است، ولی اگر متعلق به صاحبان سپرده‌ها باشد، حق تصرف در آن برای سپرده‌گذاران است.

س 1940: بانکها هر ماه به سپرده‌گذاران در برابر سپرده‌های آنان مقداری سود و بهره می‌دهند، باتوجه به اینکه مقدار سود حتی قبل از بکارانداختن سرمایه‌ها در فعالیتهای اقتصادی، معین است و

صاحب سرمایه در خسارت ناشی از کار شریک نیست، آیا سپرده‌گذاری در این بانکها به قصد

دستیابی به آن سود جایز است یا اینکه به علت ربوی بودن چنین معاملاتی حرام است؟

در صورتی که سپردن این اموال به بانک به عنوان قرض و به قصد دستیابی به سود آن باشد، واضح است که این همان قرض ربوی است که از نظر تکلیفی حرام می‌باشد و سود مورد نظر هم همان ریاست که شرعاً حرام می‌باشد، ولی اگر به عنوان قرض نباشد بلکه به قصد بکار انداختن پول توسط بانک در معاملات حلال شرعی باشد اشکال ندارد و تعیین مقدار سود قبل از شروع به کار با آن پولها و همچنین شریک نبودن صاحبان پولها در خسارتهای احتمالی ضرری به صحت قرارداد مذکور نمی‌زند. س 1941: اگر مکلف بداند که قوانین بانکی در مواردی مانند مضاربه و فروش قسطی، توسط بعضی از کارمندان بطور صحیح اجرا نمی‌شود، آیا سپرده‌گذاری به قصد کسب سود برای او جایز است؟

اگر فرض کنیم، مکلف علم پیدا کند که کارمندان بانک، پول او را در معامله باطلی بکار گرفته‌اند، دریافت و استفاده از سود آن برای او جایز نیست ولی با توجه به حجم سرمایه‌هایی که توسط صاحبان آنها به بانک سپرده می‌شود و انواع معاملاتی که توسط بانک صورت می‌گیرد و می‌دانیم که بسیاری از آنها از نظر شرعی صحیح هستند، تحقق چنین علمی برای مکلف بسیار بعید است. س 1942: شرکت یا اداره دولتی طبق توافقی که با کارمندان خود نموده، هر ماه مبلغ معینی از حقوق آنان را کسر کرده و آن را برای بکارگیری در یکی از بانکها می‌گذارد و سود حاصل را بین کارمندان به نسبت سرمایه‌گذاری شان تقسیم می‌کند، آیا این معامله صحیح و جایز است؟ و این سود چه حکمی دارد؟

اگر سپرده‌گذاری در بانک بصورت قرض دادن و همراه با شرط دریافت سود یا مبتنی بر آن و یا به قصد دستیابی به آن باشد، پس‌انداز کردن به این صورت حرام است و سود آن نیز ریاست که شرعاً حرام می‌باشد، در نتیجه گرفتن آن و تصرف در آن جایز نیست، ولی اگر به قصد حفظ مال یا امر حلال دیگری باشد و دریافت سود شرط نشود و توقع دستیابی به آن را هم نداشته باشد و در عین حال بانک از طرف خودش چیزی به صاحب پول بدهد و یا سود در اثر بکارگیری آن پولها در یکی از معاملات حلال داده شود، این سپرده‌گذاری و دریافت مبلغ اضافی اشکال ندارد و ملک او محسوب می‌شود. س 1943: آیا صحیح است بانک برای تشویق مردم به سپرده‌گذاری در آن، به سپرده‌گذاران وعده بدهد که هر کس تا شش ماه از حسابش برداشت نکند، از طرف بانک به او تسهیلات بانکی اعطا خواهد شد؟

دادن این وعده و اعطای تسهیلات توسط بانک به منظور تشویق سپرده‌گذاران اشکال ندارد. س 1944: گاهی مبلغی اضافه بر آنچه که پرداخت کننده باید بپردازد نزد کارمند بانک که مسئول دریافت وجوه قبض های آب و برق و غیره است باقی می‌ماند، مثلاً کسی که باید هشتاد تومان بپردازد، صد تومان می‌دهد و بقیه آن را نمی‌گیرد و مطالبه هم نمی‌کند، آیا جایز است کارمند مزبور آن مبلغ را برای خودش بردارد؟

آن مبالغ اضافی مال صاحبان آن است که آن را پرداخت کرده‌اند و بر کارمند دریافت کننده، واجب است که آن مبالغ را به صاحبانشان در صورتی که آنان را می‌شناسد برگرداند و اگر نمی‌شناسد در حکم مجهول‌المالک هستند و جایز نیست آنها را برای خودش بردارد، مگر آنکه احراز نماید که آنان مبالغ مزبور را به او بخشیده و یا از آن اعراض نموده‌اند.

بیمه

س 1952: بیمه عمر چه حکمی دارد؟

شرعا مانعی ندارد.

س 1953: آیا استفاده از دفترچه بیمه درمانی برای کسی که جزء خانواده صاحب دفترچه نیست جایز است؟ و آیا جایز است صاحب دفترچه آن را در اختیار دیگران بگذارد؟ استفاده از دفترچه بیمه درمانی فقط برای کسی جایز است که شرکت بیمه نسبت به ارائه خدمات به او تعهد کرده است و استفاده دیگران از آن موجب ضمان است.

س 1954: شرکت بیمه در ضمن قرارداد بیمه عمر که با بیمه گزار منعقد نموده، متعهد شده است که بعد از وفات بیمه گزار، مبلغی پول به کسانی که او معین می‌کند بپردازد، حال اگر این شخص بدهکار باشد و دارایی او برای پرداخت بدهی‌اش کافی نباشد، آیا طلبکاران حق دارند طلب خود را از مبلغی که شرکت بیمه پرداخت می‌کند بردارند؟

این امر تابع توافق آنان در قرارداد بیمه است، اگر قرار آنان بر این باشد که شرکت بیمه مبلغ مقرر را بعد از وفات بیمه‌گزار به شخص یا اشخاصی که او مشخص کرده بدهد، در این صورت آنچه شرکت می‌پردازد، حکم ترکه میّت را ندارد، بلکه مختص کسانی است که برای دریافت این مبلغ مشخص شده‌اند.

قوانین و مقررات دولتی

اموال دولتی

س 1955: چندین سال است که مقداری از اموال مربوط به بیت المال نزد من است و اکنون می‌خواهم خود را برئ‌الذمه نمایم، وظیفه من چیست؟

اگر آنچه که از اموال بیت‌المال نزد شماست، از اموال دولتی مختص به اداره خاصی از اداره‌های دولتی باشد باید در صورت امکان به همان اداره برگردانید و الاً باید به خزانه عمومی دولت تحویل بدهید.

س 1956: اینجانب اقدام به استفاده شخصی از بیت‌المال کرده‌ام، وظیفه من برای برئ‌الذمه شدن چیست؟ استفاده شخصی از امکانات بیت المال تا چه حدی برای کارمندان جایز است؟ و در صورتی که با اذن مسئولین مربوطه باشد، چه حکمی دارد؟

استفاده کارمندان از امکانات بیت المال در ساعات رسمی کار به مقدار متعارفی که مورد ضرورت و نیاز است و شرایط کاری بیانگر اذن به کارمندان در این مقدار از استفاده است، اشکال ندارد و

همچنین استفاده از امکانات بیت المال با اذن کسی که از نظر شرعی و قانونی حق اذن دارد، بدون اشکال است. در نتیجه اگر تصرفات شخصی شما در بیت المال به یکی از دو صورت مذکور باشد، چیزی در این رابطه به عهده شما نیست، ولی اگر از اموال بیت‌المال استفاده غیر متعارف کرده باشید و یا بدون اذن کسی که حق اذن دارد، بیشتر از مقدار متعارف استفاده نمایید، ضمن آن هستید و باید عین آن را اگر موجود باشد به بیت‌المال برگردانید و اگر تلف شده باشد، باید عوض آن را بدهید و همچنین باید اجرت المثل استفاده از آن را هم در صورتی که اجرت داشته باشد به بیت‌المال بپردازید.

س 1957: بعد از آنکه تیم پزشکی مأمور معاینه، درصد از کار افتادگی مرا تعیین کرد مبلغی را به عنوان مساعدت از دولت دریافت کردم، ولی احتمال می‌دهم که مستحق دریافت این مقدار نباشم و پزشکان به علت آشنایی و رابطه با من، مراعات مرا کرده باشند، با توجه به اینکه جراحاتم بسیار زیاد است و امکان دارد مستحق دریافت مبلغی بیشتر از آن مقدار باشم، تکلیف من در این حالت چیست؟

دریافت مبلغی به عنوان درصد از کارافتادگی که توسط تیم پزشکی مأمور معاینه، معین شده و به شما پرداخت می‌شود اشکال ندارد مگر آنکه یقین داشته باشید که از نظر قانونی استحقاق دریافت آن را ندارید.

س 1958: مبلغی معادل دو ماه حقوق ماهانه ام را بر اثر اشتباه از حسابدار دریافت کردم و مسئول مؤسسه را هم مطلع نمودم، ولی مبلغ اضافی را برنگرداندم و در حال حاضر حدود چهار سال از آن می‌گذرد، با توجه به اینکه جزء بودجه مالی سالانه مؤسسات دولتی است، چگونه می‌توانم آن مبلغ را به حساب مؤسسه برگردانم؟

اشتباه حسابدار مجوز قانونی برای دریافت مبلغی بیشتر از مقدار مورد استحقاق نیست و واجب است مبلغ اضافی را به آن مؤسسه برگردانید هر چند جزء بودجه سال قبل آن باشد. س 1959: براساس مقررات، مجروحین جنگی که درصد از کارافتادگی آنان بیشتر از 25% است، می‌توانند از تسهیلات دریافت وام از مؤسسه استفاده کنند، آیا کسی که درصد معلولیت و از کارافتادگی او کمتر از این مقدار است، می‌تواند از این تسهیلات استفاده کند؟ و اگر از آنها استفاده کرد و مبلغی از مؤسسه وام گرفت، آیا جایز است در آن تصرف کند؟

کسی که شرایط دریافت وام از بیت‌المال را ندارد، جایز نیست به اعتبار آن شرایط و مزایا از بیت المال وام بگیرد و اگر به این عنوان چیزی دریافت کرد، تصرف در آن جایز نیست.

س 1960: با در نظر گرفتن این مطلب که کالاهای دولتی با پولی که از بودجه دولت است خریداری می‌شوند، آیا جایز است شرکت یا کارخانه یا اداره‌ای که بودجه دولتی دارد لوازم و مواد اولیه و کالاهای مورد نیاز خود را از شرکت یا کارخانه یا اداره‌ای خریداری کند که بودجه او هم از اموال دولت است؟

اگر معامله بر طبق ضوابط شرعی و مقررات قانونی صورت بگیرد، اشکال ندارد.

س 1961: اموال دولت اسلامی یا غیر اسلامی که در اختیار دولت و حکومت و یا کارخانه‌ها و شرکتها و مؤسسات تابع دولت هستند، چه حکمی دارند؟ آیا آنها جزء اموال مجهول‌المالک هستند یا اینکه ملک دولت محسوب می‌شوند؟

اموال دولت هر چند غیر اسلامی باشد، شرعا ملک دولت محسوب می‌شوند و با آنها مانند ملکی که مالک آن معلوم است رفتار می‌شود و جواز تصرف در آنها هم متوقف بر اذن فرد مسئولی است که حق تصرف در این اموال را دارد.

س 1962: آیا رعایت حقوق دولت در املاک عمومی و حقوق مالکین در املاک خصوصی در سرزمین‌های کفر واجب است؟ آیا استفاده از امکانات مراکز آموزشی در غیر مواردی که مقررات قانونی آنها اجازه می‌دهد جایز است؟

در وجوب مراعات احترام مال دیگری و حرمت تصرف در آن بدون اذن او، فرقی بین املاک اشخاص و اموال دولت نیست چه مسلمان باشد و چه غیر مسلمان و همچنین فرقی بین اینکه در سرزمین کفر باشند و یا در سرزمین اسلامی و مالک آن مسلمان باشد یا کافر، وجود ندارد و بطور کلی استفاده و تصرف در اموال و املاک دیگران که شرعا جایز نیست، غصب و حرام و موجب ضمان است.

س 1963: اگر اعتبار فیش‌های غذا که به دانشجویان دانشگاه‌ها داده می‌شود، در صورت عدم دریافت غذا در روز معین، بدون برگرداندن پول آن باطل شود، آیا جایز است فیش‌های باطل را به جای فیش‌های معتبر برای دریافت غذا ارائه بدهیم؟ و غذایی که به این طریق گرفته می‌شود چه حکمی دارد؟

استفاده از فیش‌هایی که از اعتبار ساقط شده‌اند برای دریافت غذا جایز نیست و غذایی که با آنها گرفته می‌شود غصب است و تصرف در آن حرام و موجب ضمان قیمت آن است.

س 1964: در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی امکاناتی مانند غذا و لوازم مورد نیاز دانشگاهی به دانشجویان داده می‌شود که توسط وزارت بازرگانی و مؤسسات دیگر به دانشجویان مشغول به تحصیل در آن دانشگاه اختصاص یافته است، آیا توزیع آنها بین سایر کارمندان مشغول به کار در دانشگاه نیز جایز است؟

توزیع نیازمندی‌های مورد مصرف و مختص به دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه بین سایر اشخاصی که در آنجا کار می‌کنند، جایز نیست.

س 1965: از طرف نهادهای مربوطه ماشین‌هایی در اختیار مدیران مؤسسات و مسئولین نظامی قرار می‌گیرد تا از آنها در امور اداری استفاده کنند، آیا شرعا جایز است از آنها برای کارهای شخصی و غیراداری استفاده شود؟

جایز نیست مدیران و مسئولین و سایر کارمندان در هیچیک از اموال دولتی تصرفات شخصی کنند مگر آنکه با اجازه قانونی نهاد مربوطه باشد.

س 1966: اگر بعضی از مسئولین از بودجه‌ای که جهت خرید غذا و میوه برای میهمان‌های رسمی اداری در اختیار آنان گذاشته می‌شود، سوءاستفاده کنند و آن را در موارد دیگری مصرف نمایند، این کار چه حکمی دارد؟

مصرف نمودن اموال دولتی در غیر مواردی که اجازه داده شده، در حکم غصب است و موجب ضمان می‌باشد، مگر آنکه با اجازه قانونی مقام مسئول بالاتر صورت بگیرد.

س 1967: اگر شخصی مقداری حقوق یا مزایای خاصی که بطور قانونی به او اعطا شده از دولت طلب داشته باشد، ولی دلائل قانونی برای اثبات حق خود در اختیار نداشته باشد و یا قادر بر مطالبه آن نباشد، آیا جایز است به مقدار حق خود از اموال دولتی که در اختیار دارد به عنوان تقاص بردارد؟

جایز نیست اموال دولتی را که بعنوان امانت در اختیار و تحت تصرف او هستند به قصد تقاص برای خود بردارد، در نتیجه اگر مال یا حقی از دولت طلب دارد و می‌خواهد آن را بگیرد برای اثبات و مطالبه آن باید از راه‌های قانونی اقدام نماید.

س 1968: سازمان آب مبادرت به ریختن ماهی در آب سدّی نموده که آب رودهایی که خود دارای ماهی هستند به آن می‌ریزد ولی سازمان آب ماهیهای آب سد را فقط بین کارمندان خود تقسیم می‌کند و از صید آنها توسط سایر مردم جلوگیری می‌نماید، آیا جایز است دیگران هم این ماهیها را برای خودشان صید کنند؟

ماهیهای موجود در آبهایی که پشت سد جمع شده‌اند هر چند ماهیهای آبهایی باشند که به سد می‌ریزند، تابع آبی هستند که اختیار آن در دست سازمان آب است و در نتیجه صید ماهیها و استفاده از آنها منوط به اجازه سازمان آب است.

کار در مؤسسات دولتی

س 1969: آیا برپایی نماز جماعت توسط کارمندان در ساعات رسمی کار جایز است؟ و بر فرض عدم جواز، اگر ملتزم شوند که بعد از پایان ساعات رسمی، آن مقدار وقتی را که به نماز خواندن اختصاص داده‌اند جبران کنند، آیا در این صورت، اقامه نماز در ساعات رسمی کار برای آنان جایز است؟ با توجه به اهمیت خاص نمازهای یومیه و تأکید زیادی که بر اقامه نماز در اول وقت شده است و با توجه به فضیلت نماز جماعت، مناسب است کارمندان روشی را اتخاذ کنند که بتوانند در خلال ساعات کار اداری نماز واجب را بطور جماعت در اول وقت و در کمترین زمان بخوانند، ولی باید بگونه‌ای مقدمات این کار را فراهم کنند که نماز جماعت در اول وقت بهانه و وسیله‌ای برای به تأخیر انداختن کارهای مراجعه کنندگان نشود.

س 1970: در بعضی از مراکز تعلیم و تربیت مشاهده می‌شود که معلّم یا مدیری که کارمند یکی از بخشهای اداری است، با موافقت مسئول اداری مستقیم خود در ساعات رسمی کارش مبادرت به تدریس در مدارس دیگر می‌کند و علاوه بر حقوق ماهانه خود، اجرت این تدریس را هم دریافت می‌کند، آیا این کار و گرفتن اجرت در برابر آن جایز است؟

موافقت مسئول مستقیم کارمند با تدریس او در اثناء ساعات رسمی کارش، تابع حدود اختیارات قانونی فرد مسئول است، ولی با این فرض که کارمند دولت در برابر ساعات رسمی کارش هر ماه حقوق دریافت می‌کند، حق ندارد در برابر تدریس در مدارس دیگر در همان ساعات رسمی کارش حقوق دیگری دریافت نماید.

س 1971: با توجه به اینکه ساعات رسمی کار ممکن است حتّی تا ساعت 30/2 طول بکشد، خوردن یک وعده غذا در اثناء کار در اداره چه حکمی دارد؟

اگر وقت زیادی نگیرد و منجر به تعطیلی کار اداری نشود، اشکال ندارد.

س 1972: اگر کارمند در محل کار خود در اداره، ساعات بیکاری زیادی داشته باشد و مجاز نباشد که در این ساعات در بخشهای دیگر کار نماید، آیا جایز است در اوقات بیکاری کارهای شخصی مربوط به خودش را انجام دهد؟

اقدام به انجام کارهای شخصی در اثناء کار در محل کار، تابع مقررات و اجازه قانونی مسئول مربوطه است.

س 1973: آیا جایز است کارمندان در اداره‌ها و مؤسسات دولتی اقامه نماز جماعت داشته و یا مجالس عزاداری بر پا کنند؟

اقامه نماز و بیان احکام و معارف و امثال آن در هنگام اجتماع برای نماز در خصوص ماه مبارک رمضان و سایر ایام الله مانع ندارد، مشروط بر اینکه حقوق مراجعین تضییع نشود.

س 1974: ما در یک مؤسسه نظامی کار می‌کنیم و محل کارمان در دو مکان جداگانه است و بعضی از برادران در مسیر رفتن از یک مکان به مکان دیگر کارهای شخصی انجام می‌دهند که وقت زیادی

می‌گیرد، آیا برای انجام این کارها باید اجازه گرفت یا خیر؟

اشتغال به انجام کارهای شخصی در ساعات رسمی مقرر برای کار، احتیاج به اجازه مسئول بالاتر، که این حق را داشته باشد، دارد.

س 1975: در نزدیکی اداره ما مسجدی وجود دارد، آیا جایز است در اثناء ساعات رسمی کار برای شرکت در نماز جماعت به آنجا برویم؟

خارج شدن از اداره برای رفتن به مسجد جهت شرکت در نماز جماعت در اول وقت، در صورتی که

نماز جماعت در خود اداره بر پا نشود، اشکال ندارد، ولی باید مقدمات نماز به گونه‌ای فراهم شود که مدت غیبت از اداره در ساعات رسمی کار برای اداء فریضه نماز جماعت، کاملاً کاهش پیدا کند.

س 1976: اگر کارمندی هر ماه در حدود سی یا چهل ساعت در اداره اضافه کاری نماید، آیا جایز است مسئول اداره برای تشویق کارمندان ساعات اضافه کاری آنان را دوبرابر حساب کند، مثلاً هر ماه

برای آنان صد و بیست ساعت محاسبه کند؟ و در صورتی که اشکال داشته باشد، اجرتی که برای اضافه کاری‌های قبلی گرفته شده چه حکمی دارد؟

نوشتن گزارشهای غیرواقعی و دریافت پول در برابر ساعات اضافه‌ای که کاری در آنها انجام نشده

جایز نیست و واجب است پولهای اضافه‌ای که کارمند مستحق دریافت آنها نبوده، بازگردانده شود، ولی اگر قانونی وجود داشته باشد که به مسئول اداره اجازه دهد تا ساعات اضافه کاری کارمندی را

که اضافه کاری انجام داده، دو برابر نماید جایز است این کار را انجام دهد و در این صورت دریافت

اجرت توسط کارمند طبق گزارشی که مسئول اداره از ساعات اضافه کاری او نوشته، جایز است.

قوانین دولتی

س 1977: اگر کارگری در غیاب مسئول متخصص متصدی انجام کار او شود و از همین طریق کسب

تخصص نماید، آیا جایز است برای گرفتن گواهی کتبی جهت اثبات تخصص خود به مسئولین بالاتر

مراجعه کند تا از مزایای آن تخصص استفاده نماید؟

استفاده از مزایای سابقه کار و تخصص و مبادرت به اثبات آن از طریق گرفتن گواهی از مسئولین،

تابع مقررات قانونی مربوطه است، ولی اگر گواهی، غیر حقیقی و یا برخلاف ضوابط قانونی باشد، او نباید برای گرفتن آن تلاش کند و همچنین نمی‌تواند از آن استفاده نماید.

س 1978: اتاق بازرگانی که تابع وزارت بازرگانی است تعدادی لوازم منزل از قبیل فرش و یخچال و

چیزهای دیگر را در اختیار یکی از فروشگاهها قرار داده تا آنها را به قیمت دولتی بفروشد، ولی با توجه

به زیاد بودن تقاضا نسبت به عرضه، مسئول فروشگاه اقدام به چاپ کارتهای قرعه کشی نموده است تا کالاهای مزبور را از این طریق بفروشد و هر کارت قرعه کشی هم به قیمت معینی فروخته شده تا درآمد حاصل از آن در امور خیریه مصرف شود، آیا فروش آن کالاها از طریق قرعه کشی شرعا اشکال دارد؟ و آیا فروختن کارتهای قرعه کشی که مربوط به کالاهای عرضه شده هستند، شرعا دارای اشکال است؟

واجب است مسئولین فروشگاه، کالاها را با همان شرایطی که از مسئولین مربوطه گرفته‌اند به مشتریان عرضه نمایند و حق ندارند شرایط فروش را تغییر داده و از طرف خودشان شرطهای دیگری برای آن قرار دهند و قصد مصرف درآمد حاصل از فروش کارتهای قرعه کشی در امور خیریه، مجوز قراردادن شرطهای دیگری برای فروش آن کالاها نیست.

س 1979: آیا فروش آرد پارانه‌ای که از طرف دولت به نانوائیها داده می‌شود، جایز است؟ اگر نانو از طرف دولت مجاز در فروش آرد نباشد، جایز نیست آن را بفروشد و خرید آن هم توسط مردم جایز نمی‌باشد.

س 1980: اگر قیمت کالاهای موجود در مغازه بطور طبیعی یا ناگهانی افزایش یابد، آیا فروش آنها به قیمت کنونی جایز است؟

اگر از طرف دولت قیمتی برای آنها تعیین نشده باشد، فروش آنها به قیمت عادلانه فعلی اشکال ندارد.

س 1981: اگر حکم شریعت با قانون تعارض داشته باشد، همانگونه که در تملک زمینهای آباد مردم توسط دولت بدون رضایت مالکین آنها این تعارض وجود دارد. این خرید و تملک چه حکمی دارد؟ جواز تملک املاک دیگران توسط دولت بر طبق قوانین و مقررات خاص و با استناد به قانون خرید و استملاک زمینهایی که دولت و شهرداریها برای اجرای طرحهای عمومی به آنها نیاز دارند، با مالکیت فردی و یا حقوق شرعی و قانونی مالک منافات ندارد.

س 1982: شخصی یک شیء عتیقه‌ای را به فردی در برابر کار و تلاشهایش داده و بعد از وفات او این شیء عتیقه از طریق ارث به ورثه او منتقل شده است، آیا آن شیء ملک شرعی آنان محسوب می‌شود؟ و با توجه به اینکه بهتر است این شیء عتیقه در اختیار دولت قرار بگیرد، آیا ورثه او حق دارند در برابر دادن آن به دولت، چیزی مطالبه کنند؟

عتیقه بودن یک شیء منافاتی با این ندارد که ملک خاص کسی باشد و موجب نمی‌شود که از ملکیت مالک شرعی‌اش خارج شود، مشروط بر آنکه آن را از طریق مشروعی بدست آورده باشد، بلکه بر ملکیت او باقی می‌ماند و آثار شرعی ملک خاص بر آن مترتب می‌شود و اگر مقررات خاصی از طرف دولت برای حفظ اشیای نفیس و آثار تاریخی وضع شده باشد واجب است در عمل به آن حقوق شرعی مالک نیز مراعات شود و اما اگر آن شخص از طریق غیرمشروع و برخلاف مقررات دولت اسلامی که رعایت آنها واجب است، آن را به دست آورده باشد، در این صورت مالک آن نیست.

س 1983: آیا قاچاق کالاهای مصرفی مانند لباس و پارچه و برنج و غیره از جمهوری اسلامی برای فروش به ساکنان کشورهای خلیج فارس جایز است؟

مخالفت با قوانین نظام جمهوری اسلامی، جایز نیست.

س 1984: اگر زمانی اداره‌های دولتی قوانینی وضع کنند که تا حدی با احکام اسلامی منافات داشته باشند، آیا جایز است کارمندان از عمل به این قوانین موضوعه خودداری کنند؟ کسی در جمهوری اسلامی حق ندارد قانونی وضع کند و یا دستوری دهد که مخالف با احکام اسلامی باشد و به بهانه اطاعت از دستور رئیس اداره، مخالفت با احکام مسلم الهی جایز نیست، ولی تا آنجایی که ما اطلاع داریم در قوانین حاکم بر اداره‌های دولتی قانونی بر خلاف شریعت اسلامی وجود ندارد و اگر کسی از قانونی که مغایر با نظام اسلامی است اطلاع پیدا کند، واجب است برای حل این مشکل و حذف قوانین مخالف با احکام اسلام، آن را به مقامات مسئول بالاتر اطلاع دهد.

س 1985: انجام اعمالی که به نظر کارمند مخالف قانون هستند و لی مسئول بالاتر ادعا می‌کند که اشکال ندارد و خواهان انجام آنهاست، چه حکمی دارد؟ کسی حق عمل نکردن به قوانین و مقررات حاکم بر اداره‌های دولتی و عمل بر خلاف آنها را ندارد و هیچ مسئولی نمی‌تواند از کارمند تقاضای انجام کاری خلاف قانون را بنماید و نظر مسئول اداره در این رابطه اثری ندارد.

س 1986: آیا قبول توصیه و سفارش از فردی برای بعضی از مراجعه‌کنندگان توسط کارمندان اداره‌های دولتی جایز است؟

بر کارمندان واجب است به تقاضاهای مراجعه‌کنندگان پاسخ داده و کارهای آنان را بر طبق قانون و مقررات انجام دهند و برای هیچک از آنان قبول توصیه و سفارش از کسی، در صورتی که مخالف قانون باشد و یا موجب ضایع شدن حق دیگران شود، جایز نیست.

س 1987: مخالفت با قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی و بطور کلی همه قوانین دولتی چه حکمی دارد؟ و آیا موارد ترک عمل به قوانین از موارد امر به معروف و نهی از منکر محسوب می‌شوند؟ مخالفت با قوانین و مقررات و دستورات دولت اسلامی که بطور مستقیم توسط مجلس شورای اسلامی وضع شده و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته‌اند و یا با استناد به اجازه قانونی نهادهای مربوطه وضع شده‌اند، برای هیچکس جایز نیست و در صورت تحقق مخالفت توسط فردی در این خصوص، بر دیگران تذکر و راهنمایی و نهی از منکر لازم است (البته با وجود شرائط نهی از منکر). س 1988: در بعضی از کشورهای خارجی، در صورتی که دانشجویان خارجی دانشگاه درخواست کنند که تابعیت اصلی آنان به تابعیت آن کشور تغییر کند، دانشجویان از همه مزایا و امتیازاتی که هنگام تحصیل به دانشجویان آنجا داده می‌شود، برخوردار می‌گردند و بر اساس قوانین آن دولت، فرد می‌تواند تابعیت خود را تغییر دهد و دوباره به تابعیت اصلی که قبلاً داشته است، برگردد. حکم شرعی این کار چیست؟

تغییر تابعیت برای اتباع دولت اسلامی، تا زمانی که بر خلاف قوانین لازم‌الاتباع نباشد و مفسده‌ای بر آن مترتب نشود و موجب وهن دولت اسلامی هم نباشد، اشکال ندارد.

س 1989: آیا عدم رعایت مقررات شرکتهای خارجی توسط شخصی که در آنجا کار می‌کند و یا با آنان معامله انجام می‌دهد، بخصوص اگر موجب سوءظن به اسلام و مسلمین شود، جایز است؟ بر هر مکلفی مراعات حقوق دیگران هر چند مربوط به غیر مسلمانان باشد واجب است.

مالیات و عوارض

س 1990: بعضی از افراد و شرکتها و مؤسسات خصوصی و دولتی برای فرار از پرداخت مالیات و عوارضی که دولت مستحق دریافت آن است، از راههای مختلف مبادرت به مخفی کردن بعضی از حقایق می‌کنند، آیا این کار برای آنان جایز است؟

خودداری کردن از اجرای قوانین دولت جمهوری اسلامی و عدم پرداخت مالیات و عوارض و سایر حقوق قانونی دولت اسلامی برای هیچکس جایز نیست.

س 1991: شخصی از طریق انعقاد قرارداد مضاربه با یکی از بانکها مبادرت به کسب درآمد می‌کند و طبق قرارداد، مقداری از درآمد حاصله را به بانک می‌دهد، آیا جایز است اداره مالیات از او بخواهد که علاوه بر پرداخت مالیات سهم خودش از درآمد، مالیات سهم بانک را هم بپردازد؟

این امر تابع قوانین و مقررات مالیات بر درآمد است، بنابراین اگر مکلف از نظر قانونی فقط ملزم به پرداخت مالیات سهم خود از درآمد باشد، ضامن مالیات سهم شریک از درآمد نمی‌باشد.

س 1992: خانه‌ای را از فردی خریدم به این شرط که مالیات معامله خانه را نصف به نصف بپردازیم. فروشنده از من خواست که قیمت خانه را به مأمور مالیات کمتر از قیمت خرید بگویم تا مالیات کمتری پرداخت شود، آیا پرداخت مالیات مقدار تفاوت بین قیمت خانه و قیمتی که من به مأمور مالیات گفته‌ام، بر من واجب است؟

پرداخت بقیه سهم خودتان از مالیات مربوط به قیمت واقعی خانه بر شما واجب است.

س 1993: بین اهالی منطقه ما مشهور است که پرداخت پول آب و برق به دولت غیراسلامی که سعی در آزار مردم مسلمان خود دارد واجب نیست، بخصوص اگر در رفتار با ملت خود بین پیروان اهل بیت \diamond علیهم السلام \diamond و دیگران تبعیض قائل شود، آیا جایز است از پرداخت قبض آب و برق به این دولت خودداری کنیم؟

این کار جایز نیست، بلکه بر هر کسی که از آب و برق دولتی استفاده می‌کند، پرداخت پول آن به دولت واجب است هر چند دولت غیر اسلامی باشد.

س 1994: شوهرم که در حساب بانکی‌اش مقداری پول وجود دارد، فوت نموده است و بانک هم بعد از آگاه شدن از وفات او حساب بانکی او را بسته است و از طرفی هم شهرداری اعلام کرده که وی باید عوارض محل تجاری خود را در برابر صدور پروانه ساختمان‌سازی و غیره بپردازد و در صورت عدم پرداخت مبادرت به بستن آن اماکن خواهد کرد و همه فرزندان ما هم صغیر هستند و قدرت پرداخت آن عوارض را نداریم، آیا پرداخت مالیاتها و عوارض مزبور بر ما واجب است؟

عوارض شهرداری و مالیاتهای رسمی باید طبق مقررات دولت پرداخت شوند، در نتیجه اگر این عوارض و مالیاتها بر عهده میت باشد، واجب است قبل از جدا کردن ثلث و تقسیم میراث از اصل ترکه پرداخت شوند و اگر مربوط به ورثه باشد واجب است از اموال آنان پرداخت شوند.

شرایط وقف

س 1999: آیا وقف از کسی که اکراه بر آن شده صحیح است؟
اگر واقف اکراه بر وقف شده باشد، تا زمانی که اجازه او به آن ملحق نشود وقف صحیح نیست و کفایت اجازه لاحقہ برای صحت آن هم محل اشکال است.

س 2000: بعضی از زرتشتیها بیمارستانی ساخته‌اند و آن را به مدت هزار سال در راه خیر وقف کرده‌اند، با توجه به ضوابط و مقررات وقف در فقه امامیه، آیا جایز است متولّی وقف در حال حاضر بر خلاف شرایط وقفنامه که در آن تصریح شده است: ♦ اگر درآمد بیمارستان از هزینه‌های آن بیشتر شود باید با آن تعدادی تخت خریده و به تخت‌های موجود در بیمارستان اضافه شود♦، عمل نماید؟ در مواردی که وقف از مسلمان صحیح است از غیر مسلمان اعم از کتابی و غیرکتابی هم صحیح است، در نتیجه وقف بیمارستان برای استفاده در راه خیر تا هزار سال، هر چند وقف منقطع‌الآخر است، ولی صحت آن از نظر شرعی بدون اشکال است، لذا عمل به شرایط واقف بر متولّی موقوفه واجب است و او حق اهمال آن شرایط و تعدّی از آنها را ندارد. شرائط متولّی وقف

س 2001: آیا جایز است متولّی وقف که از طرف واقف یا حاکم نصب شده، در برابر کارهایی که برای اداره شئون وقف انجام می‌دهد برای خودش اجرت بردارد و یا به دیگری بدهد تا آن کارها را به نیابت از او انجام دهد؟
متولّی وقف اعم از اینکه از طرف واقف نصب شده باشد و یا از طرف حاکم، در صورتی که اجرت خاصی از طرف واقف برای او در برابر اداره امور وقف معین نشده باشد، می‌تواند اجرت المثل را از درآمدهای وقف برای خودش بردارد.

س 2002: دادگاه مدنی خاص شخصی را به عنوان امین در کنار متولّی وقف برای نظارت بر اعمال او در اداره امور وقف نصب کرده است، در این قبیل موارد، اگر متولّی حق تعیین متولّی بعد از خود را داشته باشد، آیا می‌تواند بدون مشورت و تصویب آن شخص که توسط دادگاه نصب شده مبادرت به تعیین متولّی کند؟
اگر حکم به ضمّ امین به متولّی شرعی برای نظارت بر اعمال او عام باشد و شامل همه اعمال مربوط به اداره وقف حتّی تعیین متولّی وقف برای بعد از خودش هم بشود، حق ندارد در تعیین متولّی بعدی بدون مشورت با امین ناظر، خود سرانه به رأی خودش عمل نماید.

س 2003: صاحبان خانه‌ها و زمین‌های مجاور یکی از مساجد، املاک خود را به قصد توسعه آن بطور مجانی به مسجد داده‌اند تا به آن ضمیمه شود و امام جمعه هم بعد از مشورت با علما تصمیم به تنظیم سند مستقلی برای وقف آنها گرفته است و همه کسانی که زمین‌های خود را به مسجد بخشیده‌اند با این کار موافقت کرده‌اند، ولی بانی مسجد قدیمی با آن کار مخالفت می‌کند و خواهان آن است که وقف اراضی جدید در سند وقف قبلی ثبت شود و خود او متولّی همه وقف باشد، آیا او حق این کار را دارد؟ و آیا پاسخ مثبت به خواسته او بر ما واجب است؟
اختیار وقف و تنظیم وقفنامه و تعیین متولّی خاص زمینهایی که به تازگی به مسجد ضمیمه شده‌اند با وقف‌کنندگان جدید است و بانی مسجد قدیمی حق مخالفت با آن را ندارد.

س 2004: اگر متولّیان حسینیّه بعد از اتمام وقف، یک نظام داخلی برای آن تنظیم کنند، ولی بعضی از بندهای آن با مقتضای وقفیت آن معارض باشد، آیا شرعاً عمل به آن بندها جایز است؟

متولّي موقوفه حق ندارد چیزی را وضع کند که با مقتضای وقف در تعارض باشد و شرعا هم عمل به آن جایز نیست.

س 2005: اگر چند نفر به عنوان متولّي وقف نصب شده باشند، آیا شرعا صحیح است که بعضی از آنان بدون جلب نظر دیگران بطور انفرادی به تصدّي امور وقف پردازند؟ و اگر بین آنان راجع به اداره امور موقوفه اختلاف رأی بروز کند، آیا جایز است هر یک از آنان خودسرانه به رأی خود عمل نمایند یا آنکه واجب است توقف نموده و به حاکم مراجعه کنند؟

اگر واقف، تولیت آنان را بطور مطلق بیان کرده و قرائنی که دلالت بر استقلال بعضی از آنان حتی اکثریت بنماید وجود نداشته باشد، هیچکدام از آنان حتی اکثریت حق ندارند در اداره امور وقف هر چند مقداری از آن، بنحو مستقل عمل نمایند، بلکه باید برای اداره امور وقف، از طریق مشورت با یکدیگر و اتخاذ رأی واحد، مجتمعا عمل نمایند و اگر بین آنان اختلاف و نزاعی رخ دهد، واجب است در آن مورد به حاکم شرع مراجعه کنند تا آنان را ملزم به اجتماع نماید.

س 2006: آیا عزل بعضی از متولیان وقف توسط متولیان دیگر از نظر شرعی صحیح است؟ صحیح نیست مگر جایی که واقف برای او چنین حقی را قرار داده باشد.

س 2007: اگر بعضی از متولیان ادعا کنند که متولیان دیگر خائن هستند و اصرار بر عزل آنان داشته باشند، حکم شرعی چیست؟

واجب است بررسی اتهام کسانی را که متهم به خیانت هستند، به حاکم شرع ارجاع دهند.

س 2008: اگر فردی زمین خود را وقف عام کند و تولیت آن را تا زنده است برای خودش و بعد از مردن برای اکبر اولاد ذکورش قرار دهد و اختیارات خاصی هم در اداره موقوفه برای او قرار دهد، آیا مدیریت اداره اوقاف و امور خیریه حق دارد همه یا بعضی از آن صلاحیتها و اختیارات را از متولّي سلب کند؟

تا زمانی که متولّي منصوب از طرف واقف، از حدود اختیارات تولیت وقف خارج نشده، اداره امور وقف همانگونه که واقف در انشاء وقف برای او مقرر کرده در اختیار اوست و از نظر شرعی تغییر و تبدیل اختیارات او که در ضمن صیغه وقف توسط واقف مقرر گشته، صحیح نیست.

س 2009: فردی قطعه زمینی را برای مسجد وقف کرده و تولیت آن را برای فرزندان خود نسلا بعد نسل و بعد از انقراض آنان برای امام جماعتی که نمازهای پنجگانه را در آن مسجد میخواند، قرار داده است. بر همین اساس بعد از انقراض نسل متولّي، تولیت آن را عالمی که نمازهای پنجگانه را برای مدّتی در آن مسجد میخوانده بر عهده گرفته است ولی او هم سکنه نموده و قادر به اقامه نماز جماعت نیست، در نتیجه شورای ائمه جماعات، عالم دیگری را به عنوان امام جماعت کنونی مسجد تعیین کرده است، آیا با این کار عالم قبلی از تولیت عزل می‌شود یا آنکه حق دارد برای اقامه نماز جماعت فردی را به عنوان وکیل یا نایب خود تعیین کند و خودش به عنوان تولیت باقی بماند؟ اگر فرض بر این باشد که تولیت آن عالم به این عنوان است که او امام جماعت مسجد در نمازهای پنجگانه است، با عجز او از امامت جماعت در مسجد به علت بیماری یا هر علت دیگر، تولیت از او ساقط می‌شود.

س 2010: شخصی املاک خود را وقف نموده تا درآمد آنها در موارد خاصی از کارهای خیر مانند کمک به سادات و اقامه مجالس عزاداری مصرف شود و در حال حاضر با افزایش قیمت اجاره آن املاک که

جزء منافع وقف است، بعضی از مؤسسات یا اشخاص به دلیل عدم وجود امکانات در آنها یا دلائل فرهنگی یا سیاسی یا اجتماعی و یا دینی خواهان اجاره ملک موقوفه به قیمت ناچیزی هستند، آیا جایز است مدیریت اوقاف آنها را به قیمتی کمتر از قیمت روز اجاره دهد؟

بر متولّی شرعی و مسئول اداره امور وقف واجب است در اجاره دادن به کسی که خواهان آن است و در تعیین مبلغ اجاره رعایت مصلحت و منفعت وقف را بنماید، در نتیجه اگر در تخفیف مبلغ اجاره به سبب اوضاع و احوال خاص مستأجر یا اهمیت کاری که وقف برای آن اجاره داده می‌شود، نفع و مصلحت وقف باشد اشکال ندارد و الاً جایز نیست.

س 2011: بر طبق نظر امام راحل ❖ قدس سره ❖ که مسجد متولّی ندارد، آیا این حکم شامل املاکی که برای مسجد وقف شده‌اند مثل املاکی که برای اقامه مجالس وعظ و ارشاد و تبلیغ احکام در مسجد وقف شده‌اند هم می‌شود؟ و بر فرض شمول، با توجه به اینکه بسیاری از مساجد، املاک موقوفه‌ای دارند که متولّی قانونی و شرعی دائمی دارند و اداره اوقاف هم با آنان به عنوان متولّی رفتار می‌کند، آیا جایز است متولّیان این اوقاف از تولیت آنها دست بردارند و از انجام وظائف خود نسبت به اداره آنها خودداری کنند با آنکه در استفتائی از حضرت امام ❖ رضوان الله علیه ❖ نقل شده که متولّی حق اعراض از تولیت وقف را ندارد بلکه واجب است طبق آنچه واقف مقرر کرده عمل کند و در این باره کوتاهی ننماید؟

حکم به این که مسجد، تولیت بردار نیست مختص به خود مسجد است و شامل موقوفه‌هایی که برای مسجد وقف شده‌اند نمی‌شود در نتیجه به طریق اولی شامل موقوفه‌هایی که برای اموری از قبیل تبلیغ احکام و موعظه و ارشاد و مانند آن در مسجد وقف شده‌اند، نمی‌شود، بنابراین تعیین متولّی برای اوقاف خاص و عام، حتّی در مثل وقف ملک برای رفع نیازهای مسجد از قبیل لوازم و روشنایی و آب و نظافت مسجد و غیره، بدون اشکال است و متولّی منصوب، حق اعراض از تولیت این قبیل اوقاف را ندارد بلکه واجب است مبادرت به اداره امور وقف همانگونه که واقف در صیغه آن مقرر کرده بنماید هر چند با گرفتن نایب برای این کار باشد و کسی حق ندارد برای او در اداره وقف ایجاد مزاحمت و مشکل کند.

س 2012: آیا جایز است فردی غیر از متولّی شرعی وقف با دخالت در امور وقف و تصرف در آن و تغییر شرط‌هایی که در صیغه وقف ذکر شده برای متولّی شرعی آن ایجاد مزاحمت کند، و آیا جایز است از متولّی بخواهد تا زمین موقوفه را به شخصی که متولّی، او را صالح نمی‌داند، تحویل دهد؟

اداره امور وقف طبق آنچه که واقف در انشاء وقف مقرر کرده فقط بر عهده متولّی شرعی خاص است و اگر متولّی خاصی از طرف واقف نصب نشده باشد، اداره امور وقف بر عهده حاکم مسلمین است و کسی حق دخالت در آن را ندارد، همچنانکه کسی حتّی متولّی شرعی، حق تغییر وقف از جهت آن و همچنین تغییر و تبدیل شرایط مذکور در انشاء وقف را ندارد.

س 2013: اگر واقف شخصی را به عنوان ناظر و مراقب وقف تعیین کند و شرط نماید که فقط ولی امر مسلمین بتواند او را از نظارت و اشراف بر وقف عزل کند، آیا جایز است او خودش را از این کار عزل کند؟

جایز نیست ناظر وقف بعد از قبول نظارت، خودش را از نظارت بر وقف عزل کند، همانگونه که برای متولّی وقف هم این کار جایز نیست.

س 2014: وقفی وجود دارد که قسمتی از آن خاص و قسمتی از آن عام است و واقف راجع به تولیت آن اینگونه گفته است: ♦ بعد از فوت هر یک، تولیت وقف بر عهده فرد اکبر واصلح از اولاد ذکور نسلا بعد نسل و عقبا بعد عقبی با تقدم نسل اول بر نسل دوم است. ♦ در این صورت اگر در بین افراد یک طبقه، شخص جامع شرایطی باشد، ولی از پذیرش تولیت وقف امتناع بورزد ولی با تولیت فرزند کوچکتری که او را اصلح و شایسته برای این کار می‌داند، موافقت نماید، آیا جایز است فرزند کوچکتر در صورتی که سایر شرایط در او باشد، تولیت آن وقف را قبول کند؟

فردی که واجد شرایط تولیت است می‌تواند از قبول تولیت امتناع ورزد لکن اگر تولیت را پذیرفت، بنابر احتیاط جایز نیست خود را عزل کند ولی اشکال ندارد که فرد دیگری را در صورتی که امین و شایسته باشد برای اداره امور وقف وکیل نماید و همچنین جایز نیست فردی از طبقه بعدی با وجود فردی واجد شرایط از طبقه قبلی و قبول تولیت توسط او تولیت امور وقف را بر عهده بگیرد.

س 2015: اگر افرادی از موقوف علیهم که در صورت داشتن شرایط حق تولیت دارند، به حاکم شرع مراجعه کنند و از او بخواهند که آنان را به عنوان متولّی نصب نماید و حاکم شرع هم تقاضای آنان را به دلیل عدم وجود شرایط در آنان رد کند، آیا جایز است آنان با تعیین فرد واجد شرایط، به این دلیل که سن کمتری دارد مخالفت کنند؟

کسی که فاقد شرایط است حق تصدّی تولیت وقف و مخالفت با فرد واجد شرایط را ندارد.

س 2016: اگر متولّی منصوب برای اداره امور وقف به علتی در انجام وظیفه خود کوتاهی و سهل‌انگاری کند، آیا برکناری او از منصب خود و تعیین فرد دیگری برای تصدّی تولیت وقف جایز است؟ مجرد کوتاهی و سهل‌انگاری در اداره امور وقف مجوز شرعی برای برکناری و عزل متولّی منصوب و تعیین فرد دیگری بجای او نیست، بلکه باید در این رابطه به حاکم مراجعه کرد تا او را وادار نماید که کارهای وقف را انجام دهد و اگر الزام او ممکن نباشد از وی بخواهد که وکیل صالحی را برای اداره امور وقف از طرف خود انتخاب کند و یا اینکه خود حاکم فرد امینی را به او ضمیمه نماید.

س 2017: ولایت تصرف برای حفظ و تعمیر و اصلاح و جمع‌آوری نذورات و تبرّعات مرقد‌های فرزندان ائمه ♦ علیهم السلام ♦ که در شهرها و روستاهای ایران هستند و سالهای زیادی بر آنها گذشته و وقف خاص هم نیستند و متولّی خاصی هم ندارند، با چه کسی است؟ آیا کسی حق دارد ادعای مالکیت زمین مرقد و حرم فرزندان ائمه ♦ علیهم السلام ♦ را که از زمانهای قدیم محل دفن اموات بوده، بنماید؟

تولیت بقاع مبارکه و اوقاف عام که متولّی خاصی ندارند با حاکم و ولی امر مسلمین است و این تولیت در حال حاضر به نماینده ولی فقیه در اداره اوقاف و امور خیریه واگذار شده است و زمین صحن و مرقد فرزندان ائمه ♦ علیهم السلام ♦ و حرم ایشان که از زمانهای گذشته برای دفن اموات مسلمانان در نظر گرفته شده، حکم وقف عام را دارد مگر آنکه خلاف آن از طریق شرعی نزد حاکم ثابت شود.

س 2018: آیا جایز است کسانی که از وقف استفاده می‌کنند و همگی هم مسلمان هستند، فرد غیرمسلمانی را به اداره اوقاف برای صدور حکم تعیین او به عنوان متولّی وقف معرفی کنند؟ تولیت وقف مسلمانان توسط غیر مسلمان جایز نیست.

س 2019: متولّي منصوب از طرف واقف و غير منصوب از طرف او چه کسي است؟ و اگر واقف شخص معيني را به عنوان متولّي وقف معين کند و تعيين متولّي بعدي را هم بر عهده او قرار دهد، آیا کسي را هم که متولّي اول به عنوان متولّي بعدي تعيين مي‌کند، متولّي منصوب محسوب مي‌شود؟ متولّي منصوب کسي است که واقف او را هنگام انشاء صيغه وقف به عنوان متولي آن معين مي‌کند و اگر هنگام انشاء وقف حق تعيين متولّي بعدي را به متولّي که نصب کرده واگذار کند، مبادرت او به تعيين متولّي بعدي اشکال ندارد و شخصي که او براي توليت وقف معين مي‌کند در حکم متولّي منصوب از طرف واقف است.

س 2020: آیا جايز است اداره اوقاف جمهوري اسلامي متولّي وقف را بر کنار کند؟ و در صورتي که جايز باشد شرايط آن چيست؟

اداره اوقاف به مقداري که مقررات قانوني به او اجازه مي‌دهد حق دارد در وقف‌هايي که متولّي خاصي دارند، دخالت نمايد.

س 2021: آیا جايز است متولّي وقف توليت خود را به اداره اوقاف و امور خيريّه واگذار نمايد؟ متولّي وقف حق اين کار را ندارد، ولي اشکال ندارد که اداره اوقاف يا شخص ديگري را براي انجام امور وقف وکيل کند.

س 2022: دادگاه، شخصي را به عنوان امين ناظر براي نظارت بر اعمال متولّي وقف که متهم به کوتاهي در اداره امور آن مي‌باشد، تعيين نموده است و سپس متولّي بعد از ثبوت براءت ذمه‌اش از آن اتهامات فوت نموده است، آیا امين ناظر مزبور حق دارد با امضاء و تنفيذ يا فسخ و ابطال قرارها و تصميم‌هايي که متولّي چند سال قبل از انتخاب او به عنوان ناظر اتخاذ کرده، در آنها دخالت و اظهارنظر کند يا آنکه مسئوليت و حق نظارت او فقط مربوط به فاصله زماني بين صدور قرار تعيين او به عنوان ناظر تا تاريخ وفات متولّي است؟ و با توجه به اينکه هنوز از تاريخ صدور حکم براءت متولّي هيچ اقدامي براي عزل امين صورت نگرفته، آیا اختيارات و مسئوليت او با صدور حکم براءت متولّي از آن اتهامات پايان مي‌پذيرد يا آنکه متوقف بر عزل از طرف دادگاه است؟ اگر ضمّ امين به متولّي شرعي بخاطر توجه اتهام به او در مورد اداره امور وقف باشد، او فقط حق دخالت و اظهار نظر در اموري را دارد که براي نظارت بر آنها معين شده است و صلاحيت او در نظارت بر کارهاي متولّي متهم، با صدور حکم به براءت او و رفع اتهام از وي به پايان مي‌رسد، همانگونه که بعد از وفات متولّي قبلي و انتقال توليت وقف بعد از او به شخص ديگر، امين مزبور حق دخالت در امور وقف و اعمال متولّي جديد را ندارد.

شرايط عين موقوفه

س 2023: اگر افراي اقدام به جمع آوري پول از نيكوکاران و خريد خانه‌اي با آن به قصد حسينيّه کنند، آیا اقدام آنان براي جمع آوري پول براي اين کار کافي است تا حق وقف آن خانه را به عنوان حسينيّه داشته باشند يا آنکه بايد براي اين کار از صاحبان پولها وکالت بگيرند؟ و از آنجا که در واقف شرط است که يا مالک باشد و يا در حکم مالک، و اين افراد مالک نيستند، آیا به صرف جمع آوري پول توسط آنان، بر آنان حکم مالک صدق مي‌کند تا حق وقف داشته باشند؟

اگر از طرف افراد خیر وکیل باشند تا خانه را بعد از خرید، به عنوان حسینیة وقف کنند، وقف آنان به وکالت از مالکین صحیح است.

س 2024: آیا جنگلها و مراتع طبیعی که انسان دخالتی در ایجاد آنها ندارد و همانگونه که اصل چهل و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح کرده از انفال محسوب می‌شوند، قابل وقف هستند؟

در صحت وقف، سابقه مالکیت شرعی خاص واقف شرط است و چون جنگلها و مراتع طبیعی که از انفال و اموال عمومی هستند، ملک خاص کسی نیستند، در نتیجه وقف آنها توسط هیچ فردی صحیح نیست.

س 2025: فردی سهم مشاعی از یک زمین زراعی را خریده و آن را بطور رسمی به نام پسرش نموده، آیا جایز است این زمین را که برای پسرش خریده است، وقف کند؟
مجرد ثبت ملک به نام کسی، ملاک مالکیت شرعی فردی که ملک به نام او به ثبت رسیده، نیست، در نتیجه اگر پدر بعد از خرید زمین و ثبت آن به نام پسرش، آن را به او هبه کرده و قبض آن نیز بطور صحیح محقق شده باشد، در این صورت حق ندارد آن را وقف کند زیرا مالک آن نیست، ولی اگر فقط سند زمین را به نام او کرده و زمین در مالکیت خودش باقی مانده باشد، او از نظر شرعی مالک آن است و حق دارد آن را وقف کند.

س 2026: اگر مسئولین شرکت نفت و سازمان زمین شهری مقداری از زمین های تحت اختیار خود را برای ساخت مساجد و مدارس علمیه اختصاص بدهند و علاوه بر انشاء صیغه وقف، قبض و اقباض هم صورت بگیرد، آیا این زمینها موقوفه محسوب می‌شوند و احکام وقف بر آنها مترتب می‌گردد؟
اگر این زمینها از اموال عمومی دولت باشند و مصرف خاصی برای آنها تعیین شده باشد قابل وقف نیستند ولی اگر از اراضی مواتی باشند که ملک کسی نیستند و در اختیار دولت یا شرکت نفت و یا سازمان زمین شهری باشند، احیاء آنها با اجازه مسئولین مربوطه به عنوان مسجد یا مدرسه و مانند آن اشکال ندارد.

س 2027: آیا شهرداری حق دارد بعضی از املاک خود را در جهت مصالح عمومی وقف نماید؟
این امر تابع حدود اختیارات قانونی شهرداری و خصوصیت ملک است، بنابراین اگر از املاکی باشد که شهرداری از نظر قانونی حق دارد آنها را به مصالح عمومی شهر از قبیل درمانگاه یا بیمارستان یا مسجد و یا امور دیگر اختصاص بدهد، در این صورت اشکال ندارد، ولی اگر از املاکی باشد که مخصوص استفاده برای امور مربوط به شهرداری است، حق ندارد آنها را وقف کند.

شرایط موقوف علیه

س 2028: اهالی منطقه‌ای بعد از ساخت یک مسجد در قطعه زمینی که از سازمان زمین شهری گرفته بودند، در مورد کیفیت وقف آن که عام باشد یا خاص، اختلاف پیدا کردند، عده‌ای از آنان معتقد بودند که باید به عنوان وقف خاص ثبت شود، تعدادی هم اعتقاد داشتند که چون همه اهالی در ساختن آن مشارکت داشته اند باید وقف عام باشد، حکم این مسأله چیست؟

مسجد جزء وقف هاي عام است و نمي توان آن را براي گروه يا طائفه خاصي، وقف نمود، ولي در نامگذاري، نسبت دادن آن به يك مناسبتي به شخص يا اشخاصي اشكال ندارد، ولي شايسته نيست مؤمنيني كه در ساخت مسجد مشاركت داشته اند، در اين رابطه نزاع كنند.

س 2029: رئيس فرقه منحرفي املاك خود را به اين فرقه وقف کرده است و با توجه به اينكه مشروعيت جهت وقف در صحت آن شرط است و از طرفي اهداف و اعتقادات و اعمال اين فرقه منحرفه فاسد و گمراه كننده و باطل هستند، آيا اين وقف صحيح است؟ و آيا استفاده از اين اموال به نفع فرقه مذکور جايز است؟

اگر ثابت شود جهتي كه ملك براي آن وقف شده، جهتي حرام و از مصاديق اعانه بر گناه و معصيت است، چنين وقفي باطل بوده و استفاده از آن اموال در جهتي كه شرعا حرام است، صحيح نمي باشد.

عبارت هاي وقف

س 2030: آيا شركت كنندگان در مجالس عزاداري و اهالي منطقه اي كه حسينيّه براي آنان تأسيس شده، حق دخالت در تفسير فقرات و قفنامه را دارند؟

براي فهم مفاد وقف نامه، در صورتي كه اجمال يا ابهام داشته باشند، بايد به شواهد و قرائن حالیه و مقالیه و يا به عرف مراجعه کرد و كسي حق ندارد آنها را از طرف خودش تفسير به رأي كند .

س 2031: اگر مكاني براي تعليم و تحصيل علوم دينيه وقف شده باشد، آيا با وجود طلاب مشغول به تحصيل در آن مكان، جايز است افراد عادي و مسافران از امكانات آنجا استفاده نمايند؟

اگر آن مكان وقف خصوص طلاب علوم ديني و يا به منظور تدريس و تحصيل علوم ديني در آن باشد، جايز نيست ديگران از آنجا استفاده كنند .

س 2032: عبارت زير در وقفنامه اي آمده است: ♦ در صيغه وقف شرط شده كه هيئتي از عموم اهالي به عنوان هيئت امراء انتخاب شود. ♦ آيا اين عبارت دلالت بر تعيين انتخاب كنندگان مي كند؟ و بر فرض عدم دلالت بر تعيين انتخاب كنندگان، حق انتخاب هيئت امراء با چه كساني است؟

ظاهر عبارت مذکور، لزوم مشاركت عموم اهالي در انتخاب هيئت امراء مي باشد.

س 2033: اگر وصف ♦ ارشد و اصلاح ♦ در توليت فرزند ذكوري كه از جهت سني در بين موقوف عليهم از همه بزرگتر است، شرط باشد، آيا اثبات رشد و صالح بودن هم واجب است يا اينكه مجرد بزرگتر بودن او از جهت سني باعث مي شود كه اصل بر اصلاح و ارشد بودن او گذاشته شود؟

بايد همه شروط تصدي توليت احراز شود .

س 2034: شخصي املاك خود را براي مجالس عزاداري حضرت اباعبدالله الحسين عليه السلام ♦ در آيام محرم و غير آن وقف کرده است و بعد از خودش فرزندان خود را تا ابد، متولّي آن قرار داده و ثلث منافع املاك را هم براي متولّي قرار داده است، اگر در زماني واقف، اولاد مذکر و مؤنث از طبقه اول و دوم و سوم داشته باشد، آيا توليت وقف براي همه آنان بطور مشترك است و حق توليت بين آنان تقسيم مي شود؟ و بر فرض تقسيم بين همه آنان، آيا بين فرزندان مذکر و مؤنث بطور مساوي تقسيم مي شود يا با تفاوت؟

اگر قرینه‌ای که دلالت بر ترتیب بر حسب طبقات ارث و تقدیم نسل سابق بر لاحق بکند، وجود نداشته باشد، همه طبقات موجود در هر زمانی بطور مشترک و مساوی متولّی وقف هستند و حق تولیت بدون آنکه تفاوتی بین مذکر و مؤنث باشد، بطور مساوی بین آنان تقسیم می‌شود. س 2035: اگر واقف، تولیت وقف را بعد از خودش برای مطلق علما و مجتهدین قرار دهد، آیا یکی از علمائی که مجتهد نیست حق دارد امور تولیت را در اختیار بگیرد؟ تا زمانی که احراز نشود که مقصود واقف از علما خصوص مجتهدین است، تولیت وقف توسط عالم دینی اشکال ندارد هر چند حائز رتبه اجتهاد نباشد.

احکام وقف

س 2036: عده‌ای از افراد بدون اجازه متولّی خاص، اقدام به تخریب کتابخانه واقع بین اتاق مدرسه مسجد جامع و آشپزخانه حسینیه که متصل به مسجد است نموده‌اند و آن را جزء مسجد کرده‌اند، آیا این کار آنان صحیح است؟ و آیا نماز خواندن در آن مکان جایز است؟ اگر ثابت شود که زمین کتابخانه، فقط برای کتابخانه وقف شده است، کسی حق تغییر و تبدیل آن به مسجد را ندارد و نماز خواندن در آن جایز نیست و هر کسی که ساختمان آن را خراب کرده، واجب است آن را به حالت اولیه اش برگرداند، ولی اگر وقف آن برای خصوص کتابخانه ثابت نشود، نماز خواندن در آن اشکال ندارد.

س 2037: آیا جایز است مکانی برای مدّت موقتی مثلاً ده سال به عنوان مسجد وقف شود و بعد از انقضای این مدّت دوباره به ملکیت واقف یا ورثه او برگردد؟ این کار به عنوان وقف موقت صحیح نیست و عنوان مسجدیت هم با آن محقق نمی‌شود، ولی حبس آن مکان برای نمازگزاران به مدّت معین اشکال ندارد.

س 2038: زمین موقوفه‌ای در کنار قبرستانی که برای دفن اموات اهالی کافی نیست، وجود دارد و موقعیت آن برای تبدیل به قبرستان مناسب است، آیا تبدیل آن به قبرستان جایز است؟ تبدیل زمینی که برای جهتی غیر از دفن اموات وقف شده، به قبرستان به طور رایگان جایز نیست، ولی اگر وقف آن از قبیل وقف منفعت باشد، متولّی شرعی آن می‌تواند در صورتی که به مصلحت و نفع وقف بداند آن را برای دفن اموات اجاره دهد.

س 2039: بعضی از زمینهای وقفی در مسیر طرحهای توسعه و احداث خیابانها و پارکهای ملّی و ساختمان های دولتی قرار می‌گیرند و بدون اجازه متولّی شرعی و بدون پرداخت اجاره و پول آنها، توسط بعضی از مؤسسات و اداره‌های دولتی مصادره می‌شوند، آیا انجام این کار برای آنان جایز است؟ آیا کسی که در این زمینهای موقوفه تصرف می‌کند باید عوض یا قیمت آنها را بپردازد؟ و آیا باید اجرت المثل تصرفاتش را از هنگام تصرف بپردازد؟ و آیا در پرداخت قیمت موقوفه و یا دادن عین دیگری به جای آن توسط مؤسسات و ادارات، اذن گرفتن از حاکم شرع واجب است یا این که جایز است اداره اوقاف یا متولّی وقف با رعایت مصلحت و نفع وقف با آنان در مورد عوض یا قیمت آن توافق نماید؟ جایز نیست کسی بدون اذن و اجازه متولّی شرعی در وقف تصرف کند، همانگونه که اگر وقف از قبیل وقف منفعت باشد، تصرف در آن هم فقط بعد از اجاره کردن آن از متولّی جایز است همچنین فروش و تبدیل وقفی که قابلیت انتفاع در جهت وقف را دارد، جایز نیست و اگر شخصی آن را تلف کند

ضامن آن است و اگر بدون اجازه متولّي شرعي، در آن تصرّف نماید، ضامن اجرت‌المثل آن است و باید آن را به متولّي شرعي وقف بپردازد تا در جهت وقف مصرف نماید و در این رابطه فرقي بين اشخاص و مؤسسات و اداره‌هاي دولتي نيست و جايز است متولّي وقف، بدون مراجعه به حاکم با متصرّف يا تلف‌کننده با رعايت مصلحت وقف، در مورد اجرت يا عوض آن توافق نمايد.

س 2040: زمين موقوفه‌اي وجود دارد که داراي راهي است که فقط براي عبور چارپايان مناسب است و در حال حاضر به سبب ساخت و ساز خانه در کنار آن بايد راه مزبور توسعه پيدا کند، آیا توسعه آن از دو طرف بطوري که به مقدار مساوي از زمين وقفی و املاک شخصي را در بر بگيرد جايز است؟ و بر فرض عدم جواز، آیا جايز است براي توسعه راه، آن مقدار از زمين وقفی از متولّي آن اجاره شود؟

تغيير وقف به محل عبور و جاده جايز نيست، مگر آنکه ضرورت الزام‌آوري آن را اقتضا کند و يا خود موقوفه براي انتفاع از آن نياز به آن راه داشته باشد، ولي اجاره زميني که وقف منفعت است براي توسعه راه عبور و مرور با رعايت مصلحت وقف اشکال ندارد.

س 2041: زميني بيست سال پيش وقف اهالي منطقه‌اي شده تا اموات خود را در آن دفن کنند و واقف توليت آن را براي خودش و سپس براي يکي از علماي شهر که در وقفنامه ذکر کرده قرار داده و کيفيت انتخاب متولّي بعد از عالم مزبور را هم معيّن نموده است، آیا متولّي کنوني حق تغيير وقف يا تغيير بعضي از شرايط آن و يا اضافه کردن شرايط ديگر به آن را دارد؟ و اگر اين تغيير بر جهتي که زمين براي آن وقف شده تأثير بگذارد، مثل اينکه آن را ايستگاه ماشين نمايد، آیا موضوع وقف به حال خود باقي مي‌ماند؟

با اين فرض که وقف از نظر شرعي با تحقق قبض، محقق و نافذ شده است، ديگر تغيير و تبديل آن و همچنين تغيير بعضي از شرايط و يا اضافه کردن شرايط جديد به آن توسط واقف يا متولّي جايز نيست و با تغيير وقف از حالت قبلي‌اش، وقفيت آن زایل نمي‌شود.

س 2042: فردي مغازه خود را براي ايجاد صندوق قرض‌الحسنه وابسته به مسجد وقف کرده و از دنيا رفته است و چندين سال است که آن مکان بسته مانده و در حال حاضر در معرض خرابي است، آیا استفاده از آن براي کارهاي ديگر جايز است؟

اگر وقف مغازه براي ايجاد صندوق قرض‌الحسنه در آن، محقق شده باشد، و فعلا نيازي به ايجاد صندوق قرض‌الحسنه در آن مسجد نباشد، استفاده از آن براي صندوقهاي قرض‌الحسنه‌اي که وابسته به مساجد ديگر باشد، اشکال ندارد و اگر اين هم ممکن نباشد استفاده از آن در هر کار خيري جايز است.

س 2043: شخصي قطعه زميني را با سهم آب آن براي خواندن تعزیه امام حسين **عليه‌السلام** که در يکي از شبهاي محرم يا صفر و در شب شهادت اميرالمومنين **عليه‌السلام** در مسجد **الحّي** برگزار مي‌شود، وقف نموده است و بعدا به يکي از ورثه‌اش وصيت کرده که آن زمين را در

اختيار وزارت بهداشت قرار بدهد تا بيمارستاني در آن ساخته شود، اين کار چه حکمي دارد؟ تغيير و تبديل وقف از وقف منفعت به وقف انتفاع، جايز نيست، ولي اجاره دادن آن براي ساخت بيمارستان و مصرف اجاره آن در جهت وقف، به شرطي که به مصلحت وقف باشد، اشکال ندارد.

س 2044: آیا مي‌توان در زمين‌هاي وقفی مصلي يا حسينييه ساخت؟

زمینهای وقفی، قابل وقف مجدد به عنوان مسجد یا حسینیه و غیره نیستند و واگذاری آنها بطور مجانی برای ساخت مصلی یا یکی از مؤسسات عمومی مورد نیاز مردم برای هیچکس جایز نیست، ولی اجازه دادن آنها توسط متولّی شرعی برای ساختن مصلی یا مدرسه یا حسینیه در آنها اشکال ندارد و مبلغ اجازه زمینهای مزبور باید در جهاتی که برای وقف معین شده است، مصرف شود. س 2045: معنای وقف عام و وقف خاص چیست؟ عده‌ای می‌گویند: تغییر وقف خاص برخلاف قصد واقف و تبدیل آن به ملک خاص جایز است، آیا این سخن صحیح است؟

عموم و خصوص در وقف با ملاحظه موقوف علیه است، بنابراین وقف خاص، وقف بر شخص یا اشخاص معین است مانند وقف بر اولاد و یا وقف بر زید و فرزندان او و وقف عام وقف بر جهات و مصالح عمومی مانند مساجد و مکانهای استراحت و مدارس و امور مشابه دیگر و یا وقف بر عناوین کلی مثل فقرا و ایتام و بیماران و کسانی که در راه مانده‌اند و مانند آن است و این اقسام سه گانه تفاوتی از جهت اصل وقف ندارند، هر چند از حیث احکام و آثار تفاوت دارند، مثلاً در وقف بر جهات و مصالح عمومی و همچنین در وقف بر عناوین عمومی قبول کسی شرط نیست و همچنین وجود مصداق موقوف علیهم در خارج هنگام اجرای صیغه وقف هم شرط نیست در حالی که در وقف خاص این امور شرط هستند و همچنین در وقف بر جهات و مصالح عمومی که به صورت وقف انتفاع هستند از قبیل مساجد و مدارس و قبرستان‌ها و پل‌ها و مانند آنها، وقف به هیچ وجه قابل فروش نیست حتی اگر خراب شود، بر خلاف وقف خاص و وقف بر عناوین کلی به صورت وقف منفعت که فروش و تبدیل آنها در بعضی از حالت‌های استثنایی جایز است.

س 2046: یک نسخه خطی قرآن مربوط به سنه 1263 هـ - ش وقف یک مسجد شده و در حال حاضر در معرض از بین رفتن است. آیا جلد کردن و نگهداری این اثر مقدس و ارزشمند نیاز به اجازه شرعی دارد؟

اقدام به جلد کردن و اصلاح جلد و ورق‌های قرآن مجید و نگهداری آن در همان مسجد، احتیاج به اجازه خاصی از طرف حاکم شرع ندارد.

س 2047: آیا غصب وقف و تصرف در آن در غیر جهت وقف موجب ضمان اجرت‌المثل است؟ و آیا تلف کردن وقف مثل اینکه ساختمان آن تخریب گردد و یا زمین موقوفه تبدیل به خیابان شود، موجب ضمان مثل یا قیمت آن می‌گردد؟

در وقف خاص مانند وقف بر اولاد و همچنین در وقف عامی که به صورت وقف منفعت است، غصب و تصرف در غیر جهت وقف یا بدون اذن موقوف علیهم در اولی و بدون اذن متولّی شرعی در دومی، موجب ضمان عین و منفعت است و ردّ عوض منافع استیفا شده و استیفا نشده هم واجب است و همچنین ردّ عین در صورتی که موجود باشد و ردّ عوض آن در صورتی که در دست او یا بر اثر فعل او تلف شده باشد واجب است و عوض منافع باید در جهت وقف و عوض عین موقوفه در بدل وقفی که تلف شده مصرف شود و در وقف عامی که بصورت وقف انتفاع است مثل مساجد و مدارس و کاروانسراها و پلها و مقبره‌ها و مانند آنها که وقف بر جهات یا عناوین عمومی هستند تا موقوف علیهم از آنها انتفاع ببرند در صورتی که توسط غاصب غصب شوند و آنها را در جهتی غیر از منفعی که برای آنها وقف شده‌اند بکار برد باید اجرت المثل تصرفاتش در چیزهایی از قبیل مدارس و کاروانسراها و حمامها را بپردازد بر خلاف مساجد و مقبره‌ها و زیارتگاهها و پلها که ضامن اجرت‌المثل تصرفاتش در

آنها نیست و اگر عین این موقوفات را تلف کند باید عوض مثلی یا قیمی آنها را بدهند که آن هم در بدل وقف تلف شده مصرف می‌شود.

س 2048: شخصی ملک خود را برای برپایی مجالس عزاداری سیدالشهداء ❖ علیه السلام ❖ در روستا وقف کرده است، ولی در حال حاضر متولّی وقف، توانایی اقامه عزا در روستای مذکور در وقفنامه را ندارد، آیا جایز است در شهری که در آن اقامت دارد مجالس عزاداری برگزار کند؟ اگر وقف، مخصوص اقامه مجالس عزاداری در همان روستا باشد، تا زمانی که عمل به وقف هر چند با گرفتن وکیل برای آن، در همان روستا ممکن باشد، حق ندارد آن مجالس را به جای دیگر انتقال دهد بلکه واجب است فردی را نایب بگیرد تا در آن روستا مجالس عزاداری برپا کند.

س 2049: آیا جایز است همسایگان مسجد از برق آن برای جوشکاری آهن ساختمان‌های خود استفاده کنند و پول مصرف برق و حتی بیشتر از آن را به مسئولین اداره امور مسجد بپردازند؟ و آیا جایز است مسئولین مسجد، اجازه استفاده از برق آن را بدهند؟

استفاده از برق مسجد برای کارهای شخصی جایز نیست و مسئولین مسجد هم جایز نیست چنین اجازه‌ای را بدهند.

س 2050: چشمه آب موقوفه‌ای وجود دارد که در طول سال‌های متمادی مورد استفاده مردم بوده است، آیا لوله کشی از آن به مکان‌های متعدّد و یا به منازل شخصی جایز است؟ اگر کشیدن لوله از آن، تغییر وقف و یا انتفاع در غیر جهت وقف نباشد و مانع استفاده بقیه موقوف علیهم از آب آن نشود، اشکال ندارد والاّ جایز نیست.

س 2051: زمینی برای تعزیه خوانی و طلاب علوم دینی وقف شده است، این زمین در کنار راه اصلی روستا قرار دارد، در حال حاضر بعضی از اهالی روستا قصد دارند راه دیگری را در آن بسازند که در طرف دیگر زمین مزبور واقع می‌شود، اگر فرض کنیم که کشیدن این راه در افزایش قیمت زمین مؤثر باشد، آیا انجام این کار جایز است؟

مجرد افزایش قیمت زمین موقوفه بر اثر کشیدن جاده در قسمتی از آن، مجوّز شرعی تصرف در زمین وقفی یا تبدیل آن به راه نیست.

س 2052: در نزدیکی یک مسجد خانه‌ای وجود دارد که صاحبش آن را برای سکونت امام جماعت مسجد وقف کرده است، ولی در حال حاضر به علت کثرت عائله و مراجعه کنندگان و دلائل دیگر مناسب سکونت او نیست و خود امام جماعت هم منزلی دارد که در آن زندگی می‌کند و احتیاج به تعمیرات دارد و برای ساخت آن مقداری وام گرفته است، آیا جایز است خانه موقوفه را اجاره دهد و پول اجاره آن را برای پرداخت بدهی‌های خانه‌ای که در آن ساکن است و انجام تعمیرات آن، مصرف نماید؟

اگر خانه به صورت وقف انتفاع، برای سکونت امام جماعت مسجد وقف شده باشد، شرعاً او حق اجاره دادن آن را ندارد هر چند به قصد استفاده از اجاره آن برای پرداخت دیون و تعمیر منزل مسکونی‌اش باشد و اگر آن خانه بخاطر کوچکی، نیاز او را برای سکونت خانواده‌اش و آمدن مهمان و پاسخگویی به مراجعه کنندگان برطرف نمی‌کند، می‌تواند از آن در بعضی از ساعات روز یا شب مثلاً برای پاسخگویی به مراجعه کنندگان استفاده کند و یا آنکه خانه مزبور را به امام جماعت دیگری بدهد تا در آن سکونت کند.

س 2053: ساختمان کاروانسرایي که برای استراحت کاروانها اجاره داده می‌شود، وقف است و تولیت آن با امام راتب فعلی مسجدی است که در مقابل آن مکان قرار دارد و به علت اینکه مسئله بطور دقیق نزد مراجع بیان نشده، ساختمان کاروانسرا خراب شده و بجای آن حسینیه‌ای ساخته شده است، آیا منافع این مکان به همان صورت قبل از تغییر باقی می‌ماند؟

تبدیل کاروانسرایي که وقف منفعت است به حسینیه که وقف انتفاع است، جایز نیست، بلکه ساختمان کاروانسرا باید به همان صورت قبلی خود برگشت داده شود تا به کاروانها و مسافران اجاره داده شود و در آمد اجاره آن در همان جهتی که واقف تعیین کرده به مصرف برسد، ولی اگر متولّی شرعی تشخیص دهد که مصلحت کوتاه مدت و دراز مدت وقف اقتضا می‌کند که آن مکان به همین صورت فعلی برای برپایی شعائر دینی اجاره داده شود و اجاره آن در جهت وقف به مصرف برسد، جایز است این کار را انجام دهد.

س 2054: آیا فروش سرقفلی مغازه‌ای که در زمین صحن مسجد ساخته شده جایز است؟ در صورتی که ایجاد مغازه در صحن مسجد، شرعاً، مجاز بوده فروش سرقفلی آن با رعایت مصلحت و نفع وقف، باذن متولّی شرعی مانعی ندارد و در غیر این صورت واجب است ساختمان مغازه خراب شود و زمین آن به همان صورت اول به حیاط مسجد اضافه شود.

س 2055: گاهی بعضی از مؤسسات دولتی و غیر دولتی به سبب مسائل فنی و طراحی از قبیل ساختن سدها و نیروگاههای برق و پارکهای عمومی و مانند آن، مجبور به تصرف در زمینهای وقفی می‌شوند، آیا مجری این طرحها از نظر شرعی ملزم به پرداخت عوض یا اجرت وقف است؟

در اوقاف خاص باید برای اجاره یا خرید وقف به موقوف علیهم مراجعه کرد و در وقف بر عناوین عمومی که به نحو وقف منفعت وقف شده‌اند تا منافع آنها در جهت وقف مصرف شود برای تصرف در آن باید از متولّی شرعی آن اجاره شوند و مال‌الاجاره هم باید به او پرداخت شود تا آن را در جهت وقف مصرف کند، و اگر تصرفات در این قبیل وقفها در حکم تلف کردن عین باشد موجب ضمان است و بر متصرف واجب است که عوض عین موقوفه را به متولّی وقف بدهد تا با آن ملک دیگری بخرد و آن را بجای وقف اول وقف نماید تا درآمدهای آن در جهت وقف به مصرف برسد.

س 2056: شخصی چندین سال قبل مغازه‌ای را قبل از تکمیل ساختمان آن اجاره نمود و پول سرقفلی آن را در همان زمان پرداخت کرد و سپس با اجازه مالک، آن را با پول اجاره همان مغازه تکمیل نمود و در طول مدت اجاره، نصف ساختمان را با سند رسمی از مالک خرید و در حال حاضر مدّعی است که ساختمان مزبور وقف است و نایب تولیت هم ادّعا می‌کند که باید سرقفلی آن دوباره پرداخت شود، حکم این مسئله چیست؟

اگر وقف بودن زمین آن ساختمان، ثابت شود و یا مستأجر به آن اعتراف نماید، در این صورت هیچیک از امتیازاتی که از مدّعی مالکیت زمین ساختمان موقوفه گرفته است اعتباری ندارد، بلکه باید برای ادامه تصرف در ساختمان مذکور قرارداد جدیدی با متولّی شرعی وقف منعقد نماید، و پول خود را می‌تواند از کسی که ادّعای مالکیت داشته، پس بگیرد.

س 2057: اگر وقفی بودن زمین محرز باشد ولی جهت وقف معلوم نباشد، ساکنین و زراعت کنندگان در آن زمین چه تکلیفی دارند؟

اگر زمین موقوفه، متولّی خاص داشته باشد، واجب است تصرف کنندگان به او مراجعه کنند و زمین را از او اجاره نمایند و اگر متولّی خاصی نداشته باشد، ولایت بر آن با حاکم شرع است و تصرف کنندگان باید به وی مراجعه نمایند و اما نسبت به مصرف درآمد وقف که متردّد بین احتمالات است، اگر احتمالات متصادق و غیرمتباین باشند مثل سادات و فقرا و علما و اهل فلان شهر، واجب است درآمد وقف در قدر متیقّن آنها مصرف شود، ولی اگر احتمالات، متباین و غیر متصادق باشند، در این صورت اگر محصور در امور معینّی باشند، واجب است مصرف وقف با قرعه معینّ شود و اگر احتمال بین امور غیرمحصوره باشد، در صورتی که بین عناوین یا اشخاص غیر محصوره باشد مثل اینکه بدانیم زمین موقوفه وقف بر ذریه است ولی ندانیم که ذریه کدام شخص از اشخاص غیر محصوره مراد است، در این صورت منافع وقف در حکم مجهول المالک است و واجب است به فقرا صدقه داده شود، ولی اگر احتمال بین جهات غیر محصوره باشد مثل اینکه مردد بین وقف برای مسجد یا زیارتگاه یا پل یا کمک به زائران و مانند آن باشد، در این صورت واجب است درآمدهای وقف به شرط عدم خروج از آن احتمالات در امور خیریه مصرف شود.

س 2058: زمینی وجود دارد که از زمانهای طولانی محل دفن اموات اهالی بوده و یکی از اولاد ائمه **علیهم السلام** نیز در آن مدفون است و قبل از سی سال پیش مکانی را برای غسل دادن اموات در آن ساخته‌اند، ولی معلوم نیست که این زمین وقف برای دفن اموات شده یا آنکه وقف برای امامزاده مدفون در آن است. همچنین نمی‌دانیم ساخت غسلخانه در آن برای غسل اموات مشروع است یا خیر؟ بنابراین آیا جایز است اهالی آنجا اموات خود را در آن مکان غسل بدهند؟ جایز است همانند گذشته، اموات را در آن غسلخانه، غسل داده و در آن زمین که از توابع صحن امامزاده است، دفن کنند مگر این که علم به مغایرت آن، با جهت وقف زمین، پیدا کنند.

س 2059: زمین‌هایی در منطقه ما وجود دارد که مردم، اقدام به زراعت و کاشت درخت در آنها می‌کنند و بین اهالی مشهور است که وقف حرم یکی از امامزادگان **علیهم السلام** مدفون در منطقه می‌باشند و متولّی وقف هم سادات ساکن در آنجا هستند ولی دلیلی بر وقف بودن آن زمین‌ها وجود ندارد و گفته می‌شود که در گذشته وقفنامه‌ای وجود داشته ولی در آتش سوزی از بین رفته است و مردم در حکومت سابق برای جلوگیری از تقسیم زمین‌ها شهادت به وقفیت آنها داده‌اند و عدّه‌ای هم می‌گویند که یکی از حاکمان منطقه که علاقه به سادات داشت، آن زمین‌ها را برای معاف شدن از مالیات وقف آنان کرد، در حال حاضر این زمین‌ها چه حکمی دارند؟

برای ثبوت وقفیت، وجود وقفنامه شرط نیست بلکه اعتراف ذوالید که وقف در تصرف آنان است یا اعتراف ورثه ذوالید بعد از فوت او، به وقف بودن آن ملک، کافی است و همچنین احراز سابقه رفتار با آن ملک به عنوان وقف یا شهادت دو مرد عادل بر وقف بودن آن و یا شهرت وقفیت آن به گونه‌ای که مفید علم یا؛ **♦♦♦♦♦♦♦♦♦♦** اطمینان باشد هم وقف بودن را ثابت می‌کند. در نتیجه با وجود یکی از این دلایل وقفیت، حکم به وقف بودن می‌شود و در غیر این صورت حکم به مالکیت متصرف نسبت به آنچه در اختیار دارد می‌شود.

س 2060: وقفنامه ملکی که مربوط به پانصد سال پیش است پیدا شده، آیا اکنون حکم به وقفیت آن ملک می‌شود؟

مجرد سند وقف تا زمانی که موجب اطمینان به درستی مضمون آن نشود، حجت شرعی بر وقفیت نیست، ولی اگر وقف بودن آن ملک بین مردم بخصوص افراد کهنسال شایع باشد، بطوری که مفید علم یا اطمینان به وقفیت آن شود و یا ذوالید به آن اقرار کند و یا احراز شود که در سابق با آن به عنوان وقف رفتار می‌شده، ملک مزبور محکوم به وقفیت است و به هر حال مرور زمان موجب خروج ملک موقوفه از وقفیت نمی‌شود.

س 2061: سه سهم از آب نهر را از پدرم به ارث بردم و اکنون متوجه شده‌ام که این سه سهمی که پدرم خریداری کرده جزء صد سهمی است که پانزده سهم آن موقوفه است و الآن مشخص نیست که این سه سهم داخل در کدامیک است، آیا جزء وقف است یا ملک فروشنده؟ تکلیف من در این رابطه چیست؟ آیا خرید این سه سهم باطل بوده و من حق مطالبه پول آنها را از فروشنده اول که هنوز زنده است دارم؟

اگر فروشنده هنگام فروش، مالک شرعی آن مقدار از آب مشترک که فروخته است بوده و معلوم نباشد که آیا آن مقداری را که مالک آن است فروخته یا سهم مشاع بین وقف و ملک را به فروش رسانده است، در این صورت بیع محکوم به صحت است و حکم به مالکیت مشتری نسبت به بیع و انتقال آن از طریق ارث به ورثه او می‌شود.

س 2062: یکی از علما بخشی از دارایی خود از قبیل مزرعه و باغ را وقف خاص نمود و وقفنامه‌ای راجع به آن تنظیم کرد و در آن تصریح نمود که همه شرایط وقف را عمل کرده و صیغه شرعی وقف را هم اجرا نموده است و ده نفر از اهل علم هم آن را امضاء کرده‌اند آیا با وجود آن وقفنامه، حکم به وقفیت این اموال می‌شود؟

اگر ثابت شود که علاوه بر انشاء صیغه وقف، عین موقوفه را هم تحویل موقوف علیهم یا متولی شرعی وقف داده و به آنان منتقل نموده است، وقف مذکور محکوم به صحت و لزوم است.

س 2063: زمینی به اداره بهداشت هدیه شده تا بیمارستان یا مرکز بهداشتی در آن ساخته شود ولی مسئولین اداره بهداشت تاکنون اقدام به ساخت بیمارستان یا مرکز بهداشتی در آن نکرده‌اند، آیا جایز است واقف زمین را پس بگیرد؟ و آیا مجرد تسلیم زمین به مسئولین اداره بهداشت برای تحقق وقفیت، کافی است یا آنکه ساخت ساختمان در آن هم شرط است؟

اگر تحویل زمین توسط مالک به مسئولین اداره بهداشت بعد از انشاء وقف به وجه شرعی، به عنوان تسلیم به متولیان شرعی وقف باشد، حق رجوع و پس گرفتن آن را ندارد، ولی اگر یکی از دو امر مذکور تحقق پیدا نکند حق دارد زمین خود را از آنان پس بگیرد.

س 2064: زمینی وجود دارد که مالکش آن را در حضور عالم منطقه و دو نفر شاهد عادل برای ساختن مسجد وقف کرده است و بعد از مدتی اشخاصی بر آن تسلط پیدا کرده و خانه‌های مسکونی در آن بنا نموده‌اند، وظیفه آن اشخاص و متولی چیست؟

اگر بعد از انشاء وقف زمین، قبض عین موقوفه با اذن واقف تحقق پیدا کرده باشد، همه احکام وقف بر آن مترتب می‌شود و ساخت خانه‌های مسکونی توسط دیگران در آن برای خودشان غصب است و بر آنان واجب است ساختمان خود را از بین ببرند و زمین را تخلیه کنند و به متولی شرعی آن تحویل دهند و در غیر این صورت زمین بر ملک مالک شرعی آن باقی و تصرفات دیگران در آن متوقف بر اجازه مالک است.

س 2065: شخصی زمینی را هشتاد سال پیش خریده و بعد از وفات او، ورثه‌اش چندین معامله روی آن انجام داده‌اند و خریدارانی که این زمین را از مشتری اول خریده‌اند همگی فوت کرده‌اند و در نتیجه زمین در اختیار ورثه آنان قرار گرفته است و گروه اخیر حدود چهل سال است که زمین را بطور رسمی به نام خود کرده‌اند و بعد از گرفتن سند رسمی مالکیت، خانه‌های مسکونی برای خود در آن ساخته‌اند و اکنون یکی از افراد ادعا می‌کند که این زمین وقف بر اولاد مالک بوده و آنان حق فروش آن را نداشته‌اند، حال با توجه به اینکه در طول هشتاد سال کسی چنین ادعایی نکرده و سند مکتوبی که دلالت بر وقفیت بکند هم وجود ندارد و کسی هم شهادت به آن نداده است، مالکان فعلی چه تکلیفی دارند؟

تا زمانی که مدعی وقفیت و مدعی عدم جواز بیع، ادعای خود را به طریق معتبری ثابت نکرده، حکم به صحت معاملاتی که روی زمین واقع شده است و همچنین حکم به ملکیت آن برای افرادی که فعلاً نسبت به زمین ذوالید و متصرف در آن هستند، می‌شود.

س 2066: زمین موقوفه‌ای وجود دارد که دارای سه قنات است و شهرداری به علت خشکسالی مستمر چند ساله، دو عدد از قنات‌ها را برای تأمین آب آشامیدنی مردم منطقه اجاره کرده است و آب قنات سوم که وقف طلاب منطقه و فرزندان واقف بوده به زمین فرو رفته و خشک شده و در نتیجه زمین‌هایی که با آب آن آبیاری می‌شدند تبدیل به زمین‌های بایر شده‌اند و در حال حاضر سازمان زمین شهری ادعا می‌کند که این زمین‌ها موات هستند، آیا این زمین‌ها به علت اینکه چندین سال کشت و زرع نشده‌اند ملحق به موات هستند؟

زمین موقوفه با ترک کشت و زرع آن به مدت چندین سال، از وقفیت خارج نمی‌شود.

س 2067: زمین‌های موقوفه‌ای وجود دارد که وقف حرم مقدس رضوی **علیه السلام** هستند و در حریم بعضی از این املاک مراتع و جنگل نیز وجود دارد، ولی بعضی از نهاد های مسئول با استناد به مقررات قانونی مربوط مراتع و جنگل‌ها حکم انفال را بر این جنگل‌ها و مراتع جاری کرده‌اند، آیا مراتع و جنگل‌های واقع در حریم املاک موقوفه مانند سایر زمین‌های واقع در حریم آنها دارای احکام وقف هستند و واجب است در مورد آنها عمل به وقفیت شود؟

مراتع و جنگل‌های واقع در جوار اراضی موقوفه در صورتی که جزء حریم آنها شمرده شوند، در حکم موقوفه و تابع آن هستند و حکم انفال و املاک عمومی در مورد آنها جاری نمی‌شود و مرجع تشخیص حریم و مقدار آن هم عرف محل و نظر افرادی است که در این امر متخصص هستند.

س 2068: چند زمین از چهل سال پیش برای ساخت خانه جهت سرپرستی و نگهداری ایتم وقف شده‌اند و عمل به این وقف از آن زمان تاکنون استمرار داشته است و متولّی معینی هم دارد که مورد تأیید اداره اوقاف است، ولی اخیراً سند عادی ارائه شده که ادعا می‌شود که از سند قدیمی استنساخ شده است و در آن تصریح شده که این زمین‌ها از سیصد سال پیش تاکنون وقف شده‌اند، با توجه به عدم وجود سند اصلی وقف که ادعا می‌شود قدیمی‌تر است و با توجه به اینکه نسخه موجود ناقص است و در آن متولّی تعیین نشده و سابقه عمل به وقف هم نسبت به آنها وجود ندارد، بخصوص که ذوالید و تصرف‌کنندگان هم منکر این ادعا هستند و اشتها به وقفیت قبلی مورد ادعا هم وجود ندارد، آیا این سند می‌تواند مانع از عمل به وقف جدید در جهتی که اکنون به آن برای سرپرستی و نگهداری و اسکان ایتم عمل می‌شود باشد؟

مجرد سند وقف اعم از اینکه اصلی باشد یا از روی آن استنساخ شده باشد، حجت شرعی بر وقف نیست، در نتیجه تا وقف قبلی با حجت معتبر ثابت نشود، وقف جدیدی که در حال حاضر به آن عمل می‌شود، محکوم به صحت و نفوذ و جواز عمل است.

س 2069: مردی زمینی را برای ساخت حسینیه سید الشهدا ﴿علیه السلام﴾ وقف کرده و لی زمین مزبور تبدیل به راه عمومی روستا شده است و در حال حاضر از کل زمین حسینیه تقریباً چهل و دو متر مربع باقی مانده است، این زمین چه حکمی دارد؟ آیا جایز است واقف آن را به ملکیت خود برگرداند؟

اگر این کار بعد از انشاء وقف بر وجه شرعی و تحویل موقوفه به متولّی آن یا جهت وقف صورت گرفته باشد، آن مساحت باقیمانده از وقف بر وقفیت باقی می‌ماند و جایز نیست واقف نسبت به آن رجوع کند و در غیر این صورت بر ملکیت او باقی است و اختیار آن با اوست.

س 2070: آیا جایز است بعضی از ورثه که در ترکه سهم دارند، همه آن را وقف کنند؟ و آیا اجرای صیغه وقف به نام آن عده صحیح است؟
وقف ایشان فقط در سهم خودشان از ترکه صحیح است، ولی نسبت به سهام سایر ورثه فضولی و متوقف بر اجازه آنان است.

س 2071: شخصی زمینی را بر اولاد ذکورش وقف کرده و بعد از وفات او اداره ثبت اوقاف بدون اطلاع از کیفیت آن اقدام به ثبت زمین مذکور به نام فرزندان ذکور و اناث نموده، آیا این کار موجب مشارکت اولاد اناث با اولاد ذکور در انتفاع از این زمین می‌شود؟
مجرد ثبت زمین مذکور به نام اولاد اناث، توسط اداره اوقاف موجب مشارکت آنان با اولاد ذکور در وقف نمی‌شود، در نتیجه اگر ثابت شود که زمین وقف بر خصوص اولاد ذکور است، فقط مختص آنان خواهد بود.

س 2072: ملکي وجود دارد که در مسیر نهر آب واقع شده و صد سال پیش وقف عام شده است و بنابر قانون ابطال بیع زمین‌های موقوفه، سند رسمی برای آن به عنوان وقف صادر شده است، ولی در حال حاضر این ملک برای استخراج سنگ‌های معدنی مورد استفاده دولت است، آیا الآن جزء انفال محسوب می‌شود یا آنکه وقف است؟

اگر اصل وقف بودن آن بر وجه شرعی ثابت شود جایز نیست شخص یا دولت آن را به مالکیت خود در آورد، بلکه بر وقفیت باقی می‌ماند و همه احکام وقف بر آن مترتب می‌شود.

س 2073: در ساختمان یک مرکز آموزشی اطاقی وجود دارد که در حال حاضر از آن به عنوان آزمایشگاه آموزشی استفاده می‌شود و زمین آن جزء قبرستان مجاور است که در سال‌های قبل از قبرستان جدا شده است، باتوجه به اینکه قبرستان مجاور هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرد، معلّمان و دانش‌آموزانی که در آن آزمایشگاه نماز می‌خوانند چه تکلیفی دارند؟

تا زمانی که ثابت نشود که زمین آزمایشگاه برای دفن اموات وقف شده، نماز خواندن و سایر تصرفات در آن اشکال ندارد، ولی اگر با دلیل معتبری ثابت شود که فقط برای دفن اموات در آن، وقف شده، واجب است به حالت قبلی خود برگشت داده شده و برای دفن اموات تخلیه شود و تأسیسات ساخته شده در آن محکوم به غصب می‌باشد.

س 2074: دو مغازه مجاور هم وجود دارند که هر یک موقوفه مستقلی از حیث واقف و مصرف هستند و هر کدام مفروز و منفصل از دیگری است، آیا مستأجر آن دو مغازه حق دارد از یکی از آن دو دربی به دیگری و یا به محل عبور خاص آن باز کند؟

انتفاع از وقف و تصرف در آن هر چند به مصلحت وقف دیگر باشد واجب است طبق شرایط وقف و با اجازه متولّی صورت بگیرد و مستأجر هر یک از آن دو مغازه وقفی مجاور هم، حق ندارد به عنوان اینکه مغازه دیگر هم وقف است با بازکردن درب از یکی به دیگری و قراردادن راه از آن به مغازه دیگر، در وقف تصرف کند.

س 2075: باتوجه به اینکه کتابهای نفیس موجود در بعضی از مراکز و خانه‌ها در معرض تلف شدن بوده و نگهداری آنها مشکل است، عده‌ای پیشنهاد داده‌اند که قسمتی از کتابخانه مرکزی شهر در اختیار این مراکز قرار بگیرد تا کتابها با حفظ وقفیت آنها به همان صورتی که در مکان اول بوده‌اند، به آن بخش منتقل شوند، آیا این کار جایز است؟

اگر ثابت شود که انتفاع از آن کتابهای وقفی نفیس مشروط به استفاده در مکان خاصی است، تا زمانی که رعایت آن با حفظ کتابها از ضایع شدن و تلف ممکن باشد، انتقال آنها از آن مکان خاص به محل دیگر جایز نیست و در غیر این صورت بیرون بردن آنها از آن مکان به مکانی که اطمینان به حفظ کتابها در آنجا وجود دارد، بدون اشکال است.

س 2076: زمینی وجود دارد که فقط قابلیت استفاده به عنوان مرتع را دارد و صاحبش آن را برای اماکن مقدس وقف کرده است و متولّی آن هم قسمتی از آن را به چند نفر اجاره داده و مستأجرها هم به تدریج اقدام به ساخت مسکن و مکانهایی برای معیشت خود در قسمتهایی از آن که قابل مرتع بودن نیست، نموده‌اند و همچنین قسمتهایی مناسب زراعت را تبدیل به زمین زراعی و باغ کرده‌اند، اولاً: با توجه به اینکه مرتع طبیعی از انفال و اموال عمومی است، آیا وقف آن صحیح است و در حال حاضر حکم به وقف بودن آن می‌شود؟ و ثانیاً: با توجه به اینکه بر اثر کار مستأجرین در مرتع تغییرات و اصلاحاتی صورت گرفته و در نتیجه مرغوب‌تر از قبل شده چه مقدار اجرت باید پرداخت شود؟ و ثالثاً: با توجه به اینکه زمین‌های زراعی و باغها بر اثر فعالیت مستأجرین احیاء و ایجاد شده‌اند، این قبیل زمینها چگونه اجاره داده می‌شوند؟ آیا مبلغ اجاره آنها به مقدار اجاره مرتع باید پرداخت شود یا به مقدار اجاره مزرعه و باغ؟

بعد از ثبوت اصل وقف، تا زمانی که ثابت نشده که زمین‌های مرتع در هنگام وقف از انفال بوده و ملک شرعی واقف نبوده‌اند، وقف آنها از نظر شرعی محکوم به صحت است و با اقدام مستأجرین به تبدیل آنها به مزرعه و باغ و منازل مسکونی، از وقفیت خارج نمی‌شوند، بلکه در صورتی که تصرفات آنها در زمین وقفی بعد از اجاره کردن آن از متولّی شرعی باشد، بر آنان واجب است اجاره آن زمین‌ها را طبق آنچه در عقد اجاره معین شده به متولّی شرعی بپردازند تا آن را در جهت وقف مصرف نماید، ولی اگر تصرف آنها در آن زمین‌ها بدون اجاره قبلی از متولّی شرعی باشد، بر آنان واجب است اجرت‌المثل قیمت عادله مدت تصرف را بپردازند و اما اگر ثابت شود که آن زمینها در هنگام وقف، بالاصاله از زمین‌های موات و انفال بوده‌اند و ملک شرعی واقف نبوده‌اند، وقف آنها شرعاً باطل است و آن مقداری را که متصرفان طبق قانون و مقررات احیا کرده و تبدیل به مزرعه و باغ و منزل مسکونی و غیره برای خودشان نموده‌اند، برای خود آنان است و قسمتهای دیگر زمین که به حالت قبلی خود

باقی مانده و همیشه موات بوده‌اند، جزء ثروتهای طبیعی و انفال هستند و اختیار آنها با دولت اسلامی است .

س 2077: زنی که فقط مالک سدس ملک مشاعی است که بین او و سایر زارعین مشترک است، همه آن ملک را وقف کرده و همین باعث بروز مشکلات زیادی برای اهالی به سبب دخالت اداره اوقاف شده است، بطور مثال اداره اوقاف از صدور سند مالکیت برای خانه‌های اهالی جلوگیری می‌کند، آیا این وقف در تمام ملک مشاع نافذ است یا فقط در سهم او؟ و بر فرض اینکه وقف فقط در سهم او صحیح باشد، آیا وقف زمین مشاع قبل از تقسیم صحیح است؟ و اگر وقف سهم مشاع قبل از تفکیک آن صحیح باشد، سایر شرکا چه تکلیفی دارند؟

وقف سهم ملک مشاع هر چند قبل از تفکیک باشد، شرعا اشکال ندارد به شرطی که در جهت وقف هر چند بعد از تفکیک و تقسیم قابل انتفاع باشد، ولی وقف تمام ملک توسط کسی که فقط مالک قسمتی از آن است، نسبت به سهم سایر شرکا فضولی و باطل است و شرکا حق دارند خواهان تقسیم ملک برای تفکیک املاک خود از وقف شوند.

س 2078: آیا عدول از شروط وقف جایز است؟ و در صورت جواز، حدود آن کدام است؟ و آیا طولانی شدن زمان، بر عمل به شروط وقف تأثیر می‌گذارد؟

تخلّف از شروط صحیحی که واقف در عقد وقف شرط کرده جایز نیست مگر آنکه عمل به آن غیر مقدور یا حرجی باشد و گذشت زمان تأثیری در آن ندارد.

س 2079: در بعضی از زمین‌های وقفی نهرها یا مسیل‌هایی وجود دارد که سنگریزه‌ها و سنگهای معدنی در آنها یافت می‌شود، آیا این سنگریزه‌ها و سنگهای موجود در آنها که در ملک موقوفه واقع شده‌اند، تابع وقف هستند؟

نهرهای بزرگ عمومی و همچنین مسیل‌های عمومی که در مجاورت زمین‌های وقفی هستند و یا از داخل آنها عبور می‌کنند، جزء وقف نیستند مگر آن مقداری از آنها که از نظر عرف، حریم موقوفه محسوب می‌شوند، در نتیجه با آن مقدار همانند وقف رفتار می‌شود، ولی در نهرهای کوچکی که موقوفه هستند واجب است نسبت به سنگریزه‌ها و سنگهای معدنی و غیره مانند وقف رفتار شود. س 2080: مدرسه علوم دینی‌ای بر اثر قدمت ساختمان و نفوذ رطوبت در آن از قابلیت انتفاع خارج شده و درآمدهای املاک آن جمع‌آوری و به عنوان امانت در بانک گذاشته شده است و اکنون قصد داریم که مدرسه را با آن درآمدها تجدید بنا کنیم، ولی مدّت زیادی طول می‌کشد تا پروانه ساختمان را بگیریم و اموال مزبور را برای تجدید بنای مدرسه مصرف کنیم، آیا جایز است در خلال این مدّت اموال مربوط به وقف را در یکی از بانکها به صورت سرمایه گذاری بگذاریم و طبق معاملات متعارف بانکی درصدی سود به نفع وقف دریافت کنیم؟

آنچه شرعا بر متولّی شرعی وقف در رابطه با درآمدهای آن واجب است، فقط مصرف آنها در جهت وقف است، ولی اگر مصرف درآمدها در جهت وقف برای او ممکن نباشد مگر آنکه مدّت زمانی بگذرد و حفظ آن اموال تا زمان امکان مصرف آنها برای وقف با سپردن به بانک ممکن باشد و گذاشتن آنها در حساب پس‌انداز موجب تأخیر در مصرف بموقع آن اموال در وقف نشود، سپردن آنها به بانک و استفاده از سود آنها در جهت مصلحت وقف در ضمن یکی از عقود شرعی اشکال ندارد.

س 2081: آیا جایز است زمین موقوفه‌ای که مسلمان برای مسلمانان وقف کرده است به غیر مسلمان اجازه داده شود؟

اگر وقف زمین به صورت وقف منفعت باشد اجازه دادن آن به غیر مسلمان در صورتی که منفعت وقف با آن محفوظ بماند، اشکال ندارد.

س 2082: چند ماه قبل یکی از علما در زمین موقوفه‌ای با اجازه وقف‌کنندگان آن دفن شده است و در حال حاضر عده‌ای به این کار اعتراض دارند و ادعا می‌کنند که دفن در زمین موقوفه جایز نیست، این مسأله چه حکمی دارد؟ و برفرض عدم جواز، آیا اشکال با پرداخت مبلغی به عنوان عوض زمین موقوفه‌ای که آن عالم در آن دفن شده، برطرف می‌شود؟

اگر دفن میت در زمین موقوفه منافعی با جهت وقف نباشد، اشکال ندارد، ولی اگر دفن او منافعی با جهت وقف باشد جایز نیست و اگر شخصی در چنین زمین موقوفه‌ای دفن شود، احوط این است که تا بدن او متلاشی نشده نبش قبر شود و در مکان دیگر دفن گردد، مگر آنکه نبش قبر، حرجی بوده و یا موجب اهانت و هتک مؤمن شود و به هر حال، اشکال با پرداخت مال یا زمین به عنوان عوض زمین موقوفه بر طرف نمی‌شود.

س 2083: اگر ملکی وقف بر اولاد ذکور نسلاً بعد از نسل شده باشد، آیا اگر موقوف علیهم به هر دلیلی از حقوق خود صرف‌نظر کنند، وقف زائل می‌شود؟ و در صورتی که موقوف علیهم موجود در طبقه قبل از حقوق خود صرف‌نظر کنند، طبقات بعدی چه تکلیفی دارند؟ و همچنین متولّی شرعی املاک موقوفه در چنین حالتی نسبت به حقوق بطن‌های بعدی چه تکلیفی دارد؟

وقفیت با صرف‌نظر کردن موقوف علیهم از حقوق خود زائل نمی‌شود و صرف‌نظر کردن نسل قبلی از حق خود نسبت به موقوفه، تأثیری در حق نسل بعدی ندارد و وقف با آن منحل نمی‌شود، بلکه نسل بعدی حق دارد هنگامی که نوبت استفاده آنها از وقف رسید، همه حق خود را مطالبه کند، بلکه اگر در زمان نسل قبل مجوز شرعی فروش وقف وجود داشته باشد، واجب است بعد از فروش وقف ملک دیگری با پول آن به جای عین موقوفه، جهت استفاده نسل‌های بعدی از آن خریداری شود و بر متولّی وقف هم اداره و حفظ آن برای همه طبقات موقوف علیهم واجب است

س 2084: اگر در وقف بر ذریه، علم به چگونگی تقسیم منافع وقف بین موقوف علیهم نباشد، آیا در این قبیل موارد واجب است تقسیم بر اساس قانون ارث باشد یا بطور مساوی؟

اگر در وقف بر ذریه معلوم نباشد که وقف بر افراد بطور مساوی بوده یا با رعایت تفاوت بین ذکور و اناث بر اساس قانون ارث است، حمل، بر وقف بر افراد بطور مساوی شده و درآمدهای وقف هم بین ذکور و اناث در هر طبقه‌ای بطور مساوی تقسیم می‌شود.

س 2085: چندین سال است که مصرف درآمدهای وقف متعلّق به حوزه علمیه شهر خاصی به علت عدم امکان ارسال آنها به آن شهر ممکن نیست و تاکنون مقدار زیادی از آن درآمدها پس‌انداز شده است، آیا مصرف آنها در حوزه‌های علمیه واقع در شهرهای دیگر جایز است؟ یا آنکه باید آنها را حفظ نمود تا ارسال آنها به آن شهر امکان‌پذیر شود؟

وظیفه متولّی شرعی یا اداره اوقاف جمع‌آوری درآمدهای وقف و مصرف آنها در جهت وقف است و در صورتی که بطور موقت رساندن آنها به شهری که باید در آن مصرف شوند، ممکن نباشد، واجب است درآمدها را حفظ کرده و منتظر بمانند تا رساندن آنها به آن شهر ممکن شود البته تا جایی که منجر به

تعطیلی وقف نگردد، و در صورت ناامیدی از توانایی رساندن درآمدها به آن حوزه علمیه خاص هر چند در آینده، مصرف کردن آنها در حوزه‌های علمیه مناطق دیگر اشکال ندارد.

حبس

س 2086: اگر فردی زمین خود را برای مدّت معینی بر چیزی که وقف بر آن صحیح است حبس کند به این امید که بعد از انقضاء مدّت حبس به او برگردد، آیا زمین بعد از پایان مدّت به او برمی‌گردد و او حق انتفاع از آن را مانند سایر املاکش دارد؟

اگر زمین، ملک شرعی حبس‌کننده باشد و او آن را طبق موازین شرعی حبس کرده باشد، حبس محکوم به صحت است و آثار شرعی آن بر زمین مترتب می‌شود و ملک بعد از انقضاء مدّت حبس به حبس‌کننده برمی‌گردد و مانند سایر املاک اوست بنابر این منافع و نمانات آن برای اوست.

س 2087: اگر ملکی که توسط مالک، حبس دائم بر چیزی که وقف بر آن صحیح است شده و یا ثلث میّتی که وصیت به حفظ عین آن برای ابد نموده تا درآمدهای آن در

جهتی که معین کرده مصرف شود، توسط ورثه بین خودشان به عنوان ارث تقسیم شود و آن را در سند رسمی به نام خودشان ثبت کنند و یا آن را بدون مجوز شرعی به دیگری بفروشند، آیا حرمت تملک و بیع املاک و آبها و زمین‌های وقفی شامل آن هم می‌شود؟

ملک و ثلثی که حبس دائم شده‌اند، در عدم جواز تملک و بیع، در حکم وقف هستند و تقسیم آنها بین ورثه به عنوان ارث و همچنین بیع آنها باطل است.

فروش وقف و تبدیل آن

س 2088: شخصی قطعه‌ای از زمین‌های خود را برای ساخت حسینیه وقف کرده و ساخت حسینیه مذکور در آنها به پایان رسیده است، ولی بعضی از اهالی قسمتی از حسینیه را تبدیل به مسجد کرده‌اند و در حال حاضر در آن به عنوان مسجد، نماز جماعت می‌خوانند، آیا تبدیل حسینیه به مسجد توسط آنان صحیح است؟ و آیا احکام مسجد بر آن قسمت مترتب می‌شود؟

واقف و غیر او حق تبدیل حسینیه‌ای را که به عنوان حسینیه وقف شده به مسجد ندارند و با این کار، تبدیل به مسجد نمی‌شود و احکام و آثار مسجد هم بر آن مترتب نمی‌گردد، ولی برپایی نماز جماعت در آن اشکال ندارد.

س 2089: اگر شخصی چند سال قبل زمینی را که از طریق ارث به او رسیده به صورت بیع لازم بفروشد و سپس معلوم شود که آن زمین وقف بوده، آیا این بیع باطل است؟ و در صورتی که باطل باشد، آیا باید قیمت کنونی آن را به مشتری بپردازد یا پولی را که هنگام فروش از او گرفته است؟ بعد از آنکه معلوم شد زمین فروخته شده در واقع وقف بوده و فروشنده حق فروش آن را نداشته، بیع باطل است و واجب است به همان حالت وقف عودت داده شود و فروشنده باید پولی را که از مشتری در برابر فروش زمین دریافت کرده است، به او برگرداند. و راجع به تنزل ارزش پول بنابر احتیاط واجب با هم مصالحه نمایند.

س 2090: شخصی در حدود صد سال است که ملک خود را بر اولاد ذکورش وقف کرده و در وقفنامه ذکر نموده که اگر یکی از اولاد ذکور او فقیر شود، شرعاً حق دارد سهم خود را به ورثه دیگر بفروشد و بعضی از فرزندان او چند سال پیش مبادرت به فروش سهم خود به بعضی از موقوف علیهم نمودند و

اخيرا گفته مي‌شود که چون کلمه وقف درميان است، بنابر اين شروطي که واقف ذکر کرده صحيح نبوده و خريد و فروش آن

ملک هم باطل است، حال با توجه به اينکه، اين زمين وقف خاص است نه وقف عام، آيا خريد و فروش آن بر طبق آنچه که واقف در ضمن وقفنامه ذکر کرده، جاز است؟ اگر ثابت شود که واقف در ضمن عقد وقف شرط کرده که اگر يکي از موقوف عليهم فقير و نيازمند شد، بتواند سهم خود را به يکي ديگر از موقوف عليهم بفروشد، بيع کسي که سهم خود از وقف را بر اثر فقر و احتياج فروخته اشکال ندارد و بيع او در اين صورت محکوم به صحت است.

س 2091: زميني را به آموزش و پرورش براي ساختن مدرسه هديه کردم، ولي بعد از مشورت و اطلاع از اينکه با پول آن زمين مي‌توان چندين مدرسه در محله‌هاي ديگر شهر ساخت، براي فروش زمين تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش و مصرف پول آن براي ساختن چند مدرسه در جنوب شهر يا در مناطق محروم، به آن وزارتخانه مراجعه کردم، آيا انجام اين کار براي من جاز است؟

اگر وقف زمين مدرسه با انشاء وقف و تحويل آن به آموزش و پرورش به اعتبار اينکه مسئول و متولّي اين امر است، تمام شده باشد، بعد از آن حق رجوع و دخالت و تصرف در آن زمين را نداريد، ولي اگر وقف هر چند به زبان فارسي انشاء نشده باشد و يا زمين به عنوان قبض وقف تحويل وزارت آموزش و پرورش نشده باشد، در اين صورت زمين بر ملکيت شما باقي است و اختيار آن در دست شماست.

س 2092: يکي از اولاد ائمه **عليهم السلام** **♦** زيارتگاهي دارد و بالاي گنبد مبارک آن، سه کيلوگرم طلا به صورت سه قبه متصل به هم وجوددارد، اين طلا تا به حال دوبار به سرقت رفته و کشف شده و به مکان خود برگردانده شده است، با توجه به اينکه طلاي مذکور در معرض خطر و سرقت است، آيا فروش آن و مصرف پول آن براي توسعه و تعمير زيارتگاه جاز است؟

مجرد خوف تلف و خطر سرقت آن، مجوز فروش و تبديل آن نيست، ولي اگر متولّي شرعي از قرائن و شواهد احتمال قابل توجهي بدهد که آن طلا براي مصرف در تعمير و تأمين نيازمنديهاي زيارتگاه ذخيره شده و يا آنکه بقره مبارکه نياز ضروري به تعمير و اصلاح دارد و تأمين بودجه آن از راه ديگر هم ممکن نيست، در اين صورت فروش طلا و مصرف پول آن براي اصلاح و تعميرات ضروري آن بقره مبارکه اشکال ندارد و شايسته است که اداره اوقاف بر اين امر نظارت کند.

س 2093: شخصي مقداري آب و زمين زراعي را وقف پسران خود نموده، ولي به علت کثرت اولاد و سنگيني کارهاي کشاورزي و کمي محصول، کسي تمايلي به زراعت در زمين ندارد و به همين دليل وقف در آينده نزديک، خراب و از قابليت انتفاع خارج خواهد شد، آيا جاز است به همين دليل، زمين و آب مذکور فروخته شوند و پول آنها در کارهاي خير مصرف شود؟

تا زماني که وقف، قابليت انتفاع و استفاده در جهت وقف را دارد، هر چند با اجاره دادن آن به بعضي از موقوف عليهم يا به شخص ديگر و مصرف اجاره آن در جهت وقف باشد و يا نوع استفاده از آن تغيير کند، فروش و تبديل آن جاز نيست، و در صورتي که به هيچ وجه قابل انتفاع نباشد، فروش آن جاز است، ولي در اين صورت واجب است با پول آن ملک ديگري خريده شود تا منافع آن در جهت وقف به مصرف برسد.

س 2094: منبري براي مسجد وقف شده است ولي به علت ارتفاع زياد عملا قابل استفاده نيست، آيا تبديل آن به منبر مناسب ديگري جاز است؟

اگر با شکل خاص فعلی آن در این مسجد و یا مساجد دیگر قابل استفاده نیست، تغییر شکل آن اشکال ندارد.

س 2095: آیا فروش زمین‌هایی که وقف خاص بوده و واقف بر اثر اجرای قانون اصلاحات ارضی آنها را بدست آورده، جایز است؟

اگر واقف در هنگام وقف، مالک شرعی چیزی باشد که وقف کرده است و وقف هم بر وجه شرعی توسط او محقق شده باشد، خرید و فروش و تغییر و تبدیل آن توسط او یا دیگری صحیح نیست هر چند وقف خاص باشد، مگر در موارد خاص استثنایی که شرعا در آن موارد فروش و تبدیل آن جایز است.

س 2096: پدرم قطعه زمینی را که تعدادی درخت خرما در آن وجود دارد برای اطعام در ایام عاشورا و شبهای قدر وقف کرده است و اکنون حدود صد سال از عمر درختهای موجود در آن می‌گذرد و از قابلیت انتفاع خارج شده‌اند، با توجه به اینکه اینجانب پسر بزرگ و وکیل و وصی پدرم هستم، آیا جایز است این زمین را فروخته و با پول آن مدرسه و حسینیه‌ای بسازم تا صدقه جاریه‌ای برای پدرم باشد؟ اگر زمین هم وقف باشد، به مجرد خروج درختان وقفی موجود در آن از قابلیت انتفاع، فروش و تبدیل آن جایز نمی‌شود، بلکه واجب است در صورت امکان به جای آنها هر چند با صرف پول درختانی که از قابلیت انتفاع، خارج شده‌اند درختان جدید خرما، کاشته شود تا منافع آنها در جهت وقف مصرف شود و در غیر این صورت باید از زمین موقوفه بصورت دیگری استفاده شود هر چند با اجازه دادن آن برای زراعت یا ساخت خانه و مانند آن و مصرف درآمد آن در جهت وقف باشد و بطور کلی تا زمانی که به نحوی از انحاء، استفاده از زمین موقوفه امکان دارد، خرید و فروش و تبدیل آن جایز نیست، ولی فروش نخلهای موقوفه در صورتی که ثمره ندهند اشکال ندارد و در صورت امکان باید پول آنها برای کاشت درختهای جدید مورد استفاده قرار گیرد و در صورتی که امکان نداشته باشد، باید در همان جهت وقف مصرف گردد.

س 2097: شخصی مقداری آهن و لوازم جوشکاری را برای ساخت مسجد در مکانی هدیه کرده و بعد از پایان کار مقداری از آنها زیاد آمده است و با توجه به اینکه ساختمان مسجد به علت هزینه‌های دیگر بدهی دارد، آیا فروش آن مقدار اضافی و مصرف پول آن برای پرداخت بدهیهای مسجد و رفع سایر نیازهای آن جایز است؟

اگر شخص متبرع، آن ابزار و لوازم را برای ساخت مسجد داده باشد و آنها را برای انجام این کار از ملک خود خارج کرده باشد، در این صورت هر کدام که قابل استفاده باشد، هر چند در مساجد دیگر، فروش آن جایز نیست بلکه باید برای تعمیر مساجد دیگر بکار رود، ولی اگر متبرع فقط اجازه استفاده از آنها را در مسجد داده باشد، در این صورت مقدار اضافی مال خود اوست و اختیار آن هم در دست او می‌باشد.

س 2098: شخصی کتابخانه خود را بر اولاد ذکورش وقف کرده است، ولی هیچیک از اولاد و نوه‌های او موفق به تحصیل علوم دینی نشده‌اند و در نتیجه استفاده‌ای از کتابخانه نمی‌کنند و مورثانه مقداری از کتابهای آن را از بین برده و بقیه هم در معرض تلف شدن هستند، آیا جایز است آن را بفروشد؟ اگر وقف کتابخانه بر اولاد او مشروط و معلق به این امر باشد که آنها اشتغال به تحصیل علوم دینی داشته باشند و داخل در سلک علمای دین شوند، این وقف به علت وجود تعلیق در آن از اصل باطل

است و اگر وقف آنان کرده تا از آن استفاده کنند، ولی در حال حاضر کسی که بتواند از آن کتابخانه استفاده کند در بین آنها وجود ندارد و امیدی به تحقق این صلاحیت در آینده نیست، در این صورت وقف مزبور صحیح است و جایز است که آنان کتابخانه را در معرض استفاده کسانی قرار دهند که قابلیت استفاده از آن را دارند و همچنین اگر کتابخانه برای استفاده کسانی وقف شده باشد که صلاحیت آن را دارند، و تولیت وقف با اولاد او باشد، واجب است آن را در معرض استفاده افراد مذکور قرار دهند، و به هر حال حق فروش آن را ندارند و بر متولّی شرعی واجب است به نحو مناسبی، مانع آسیب دیدن و از بین رفتن موقوفه گردد.

س 2099: زمین زراعی وجود دارد که وقفی بوده و سطح آن بالاتر از زمین‌های اطراف آن است و به همین دلیل رساندن آب به آن ممکن نیست و مدّتی است که کار مساوی کردن آن با زمین‌های دیگر به پایان رسیده و خاکهای اضافی در وسط آن جمع شده و مانع زراعت در آن است، آیا فروش این خاکها و مصرف پول آن برای حرم یکی از اولاد ائمه **علیهم السلام** که نزدیک زمین مزبور قرار دارد جایز است؟

اگر خاک اضافی مانع استفاده از زمین‌های موقوفه است، انتقال آن از زمین و فروش آن و مصرف پول آن در جهت وقف اشکال ندارد.

س 2100: تعدادی مکان تجاری وقفی وجود دارد که در زمین وقفی ساخته شده‌اند و بدون فروش سرقفلی آنها به مستأجرین، اجاره داده شده‌اند، آیا جایز است مستأجرهای آنها سرقفلی مغازه‌ها را به دیگری بفروشند و پول آن را بگیرند؟ و بر فرض جواز آن، آیا پول سرقفلی مال مستأجر است یا آنکه از درآمدهای وقف محسوب می‌شود و باید در جهت وقف مصرف شود؟

اگر متولّی وقف فروش سرقفلی را با رعایت مصلحت وقف اجازه دهد، مالی که در برابر آن گرفته می‌شود جزو درآمدهای وقف محسوب می‌شود و واجب است که در جهت وقف مصرف شود، ولی اگر معامله را اجازه ندهد، بیع باطل است و فروشنده باید مبلغی را که از خریدار گرفته به او برگرداند، و به هر حال مستأجری که حق سرقفلی ندارد ولی درعین حال آن را به مستأجر بعدی فروخته است، حقی در آن مال ندارد.

س 1995: آیا اجرای صیغه وقف در صحت آن شرط است؟ و بر فرض شرط بودن، آیا عربی بودن صیغه، شرط است؟

انشاء لفظی در وقف، شرط نیست زیرا تحقق آن به معاطات هم ممکن است و همچنین در انشاء وقف به لفظ، عربی بودن صیغه آن هم شرط نیست.

س 1996: شخصی باغ خود را به این صورت وقف کرده که منافع آن تا پنجاه سال صرف گرفتن اجیر برای قضای نماز و روزه‌های واقف شود و بعد از پنجاه سال منافع آن در شبهای قدر به مصرف برسد و چهار پسر خود را هم متولّی وقف قرار داده است و در حال حاضر این باغ رو به خرابی است و به هیچ وجه قابل استفاده نیست، ولی اگر فروخته شود، می‌توان با پول آن برای نماز و روزه واقف به مدت دوپست سال اجیر گرفت و چهار پسر او هم با این کار موافق هستند، آیا جایز است باغ مزبور را بفروشند و پول آن را برای این کار مصرف کنند؟

اگر قصد واقف از وقف به صورت مذکور، این بوده که باغ را به نحو ترتیب و تعاقب برای خود و دیگران وقف کند، وقف نسبت به خودش باطل است و نسبت به دیگران وقف منقطع الاول می‌شود که صحت آن خالی از اشکال نیست و اگر واقف اراده کرده که منافع آن باغ را به مدت پنجاه سال برای خودش استثنا کند، صحت این کار شرعا بدون اشکال است و بنابر صحت وقف مذکور، تا زمانی که حفظ باغ برای صرف منافع آن در جهت عمل به وصیت و وقف هر چند با صرف مقداری از درآمد آن جهت حفظ و اصلاح باغ به قصد افزایش منافع آن، ممکن باشد و یا زمین آن هر چند با اجاره دادن برای ساختمان سازی و غیره و مصرف اجاره آن در جهت عمل به وصیت و وقف قابل استفاده باشد، فروش و یا تبدیل آن جایز نیست و در غیر این صورت فروش آن و خرید زمینی مرغوب با پول آن به قصد عمل به وصیت و وقف بدون اشکال است.

س 1997: اینجانب به فضل و توفیق الهی ساختمانی را به نیت مسجد در روستا بنا کردم، ولی باقی‌مانده توجه به وجود دو مسجد و عدم وجود مرکز آموزشی در آنجا، روستای مزبور در حال حاضر نیازی به مسجد ندارد. با توجه به اینکه هنوز صیغه وقف آن به عنوان مسجد جاری نشده و دو رکعت نماز به عنوان نماز در مسجد در آن خوانده نشده است، اینجانب آمادگی دارم در صورتی که اشکال شرعی نداشته باشد نیت خود را تغییر داده و آن ساختمان را در اختیار آموزش و پرورش قرار دهم، این مسأله چه حکمی دارد؟

مجرد ساختن ساختمان به نیت مسجد، بدون انشاء صیغه وقف و یا بدون تحویل آن به نمازگزاران برای خواندن نماز، برای تحقق وقف و تمامیت آن کافی نیست، بلکه در ملک مالک باقی می‌ماند و او حق دارد هر تصرفی که می‌خواهد در آن بکند، در نتیجه تحویل آن ساختمان به اداره آموزش و پرورش اشکال ندارد.

س 1998: آیا مالی که برای خرید لوازم به حسینی‌ها بخشیده می‌شود، حکم وقف را دارد یا آنکه لوازمی که با آن مال خریداری می‌گردند احتیاج به اجرای صیغه وقف دارند؟
مجرد جمع آوری مال، وقف محسوب نمی‌شود، ولی بعد از خریدن لوازم حسینی با آن اموال و قراردادن آنها در حسینی‌ها برای استفاده، وقف معاطاتی محقق می‌شود و نیازی به اجرای صیغه وقف ندارد.

احکام قبرستان

س 2101: به مالکیت در آوردن قبرستان عمومی مسلمانان و ساختن ساختمانهای شخصی در آن و ثبت آن بعنوان ملک به نام اشخاص چه حکمی دارد؟ و آیا قبرستان عمومی مسلمانان وقف محسوب می‌شود؟ و آیا تصرف شخصی در آن غصب است؟ و آیا تصرف‌کنندگان در آن باید اجرت‌المثل تصرفات خود را بپردازند؟ و بر فرض ضمان اجرت‌المثل، آن اموال در چه موردی باید مصرف شوند؟ و ساختمان‌هایی که در آن ساخته شده‌اند چه حکمی دارند؟

مجرد گرفتن سند مالکیت قبرستان عمومی مسلمین، حجت شرعی بر مالکیت ویا دلیل بر غصب کردن آن نیست، همانگونه که دفن اموات در قبرستان عمومی هم حجت شرعی بر وقف بودن آن نیست بلکه اگر قبرستان از نظر عرف از توابع شهر برای استفاده اهالی جهت دفن اموات و غیره شمرده شود و یا دلیل شرعی وجود داشته باشد که برای دفن اموات مسلمانان وقف شده است، تصرفات شخصی که متصرفین فعلی در آن برای خودشان انجام می‌دهند غصب و حرام است و باید از زمین قبرستان رفع ید کنند و ساختمان و هر چیزی که در آن ایجاد کرده‌اند خراب نموده و آن را به حالت قبلی‌اش برگردانند، ولی ضمان اجرت‌المثل تصرفات ثابت نیست.

س 2102: مقبره‌ای وجود دارد که عمر قبرهای آن تقریباً به سی و پنج سال می‌رسد و شهرداری آن را تبدیل به پارک عمومی کرده و در دوران حکومت سابق ساختمانهایی در قسمتهایی از آن ساخته است، آیا نهاد مربوطه می‌تواند ساختمانهایی مورد نیاز خود را مجدداً در این زمین بسازد؟ اگر زمین قبرستان برای دفن اموات مسلمانان وقف شده باشد و یا احداث بنا در آن موجب نبش یا هتک حرمت قبور علما و صلحا و مؤمنین شود و یا زمین از مکانهای عمومی و مورد نیاز شهر جهت استفاده اهالی باشد، ساخت تأسیسات و همچنین تصرفات خصوصی در آن و تغییر و تبدیل آن جایز نیست و در غیر این صورت آن کار فی‌نفسه اشکال ندارد، لکن قوانین مربوطه در این زمینه باید مراعات گردد.

س 2103: زمینی برای دفن اموات وقف شده است و در وسط آن ضریح یکی از فرزندان ائمه **علیهم السلام** قرار داد و در این اواخر اجساد تعدادی از شهدای عزیز در آن قبرستان دفن شده است، با توجه به نبود زمین مناسبی برای بازیهایی ورزشی جوانان، آیا جایز است با مراعات آداب اسلامی، در داخل قبرستان بازی کنند؟ تبدیل قبرستان به مکان بازیهایی ورزشی و تصرف در زمین موقوفه در غیر جهت وقف جایز نیست و همچنین هتک حرمت قبور مسلمانان و شهدای عزیز هم جایز نیست.

س 2104: آیا جایز است زائران یکی از فرزندان ائمه **علیهم السلام** وسایل نقلیه خود را داخل یک قبرستان قدیمی که در حدود صد سال از عمر آن می‌گذرد پارک کنند؟ با علم به اینکه قبرستان مزبور در گذشته محل دفن اموات اهالی قریه و غیره بوده و در حال حاضر مکان دیگری را برای دفن اموات خود برگزیده‌اند؟

تا زمانی که این کار از نظر عرف، هتک قبور و مسلمانان محسوب نشود و مزاحمتی هم برای زائران مرقد آن امام زاده **علیه السلام** ایجاد نکند، اشکال ندارد.

س 2105: اشخاصی در قبرستان‌های عمومی از دفن اموات در کنار بعضی از قبور جلوگیری می‌کنند، آیا مانع شرعی برای دفن اموات در آنجا وجود دارد؟ و آیا آنها حق دارند از این کار جلوگیری کنند؟

اگر قبرستان وقف باشد و یا دفن میت برای هر فردی در آن مباح باشد، کسی حق ندارد حریمی در اطراف قبر میت خود در قبرستان عمومی ایجاد کند و از دفن اموات مؤمنین در آن جلوگیری نماید.

س 2106: در کنار مقبره‌ای که ظرفیت قبرهای آن تکمیل شده، زمینی وجود دارد که توسط دادگاه قضائی از شخص زمین‌داری مصادره شده و در حال حاضر به شخص دیگری واگذار شده است، آیا استفاده از آن زمین برای دفن اموات با کسب اجازه از صاحب فعلی آن جایز است؟

اگر صاحب فعلی آن کسی است که مالک شرعی آن محسوب می‌شود، تصرف در آن با رضایت و اذن او اشکال ندارد.

س 2107: شخصی زمینی را برای دفن اموات وقف کرده و آن را قبرستان عمومی مسلمانان قرار داده است، آیا جایز است هیئت امناء آن پول را از کسانی که اموات خود را دفن می‌کنند، بگیرند؟ آنان حق مطالبه چیزی در برابر دفن اموات در قبرستان عمومی موقوفه را ندارند ولی اگر خدمات دیگری را به قبرستان یا صاحبان اموات برای دفن مرده‌های خود ارائه می‌کنند، گرفتن مبلغی به عنوان اجرت در برابر آن خدمات اشکال ندارد.

س 2108: ما قصد داریم مرکز مخابراتی در یکی از روستاها ایجاد کنیم و به همین دلیل از اهالی روستا خواسته‌ایم زمینی را برای ساخت مرکز مخابرات در اختیار ما بگذارند، با توجه به عدم وجود زمینی در وسط روستا برای این کار، آیا جایز است این مرکز در قسمت متروکه قبرستان قدیمی ساخته شود؟

در صورتی که قبرستان عمومی مسلمانان وقف برای دفن اموات باشد و یا ساخت مرکز مخابرات در آن موجب نبش قبر یا هتک حرمت قبور مسلمانان شود جایز نیست و در غیر این صورت اشکال ندارد. س 2109: ما تصمیم گرفته‌ایم که در کنار قبور شهدای مدفون در روستا سنگهایی بعنوان یادبود دیگر شهدای روستا که در مناطق دیگر دفن شده‌اند، گذاشته شود تا در آینده مزار آنها باشد، آیا این کار جایز است؟

ساخت صورتهای نمادین قبر به نام شهدای عزیز اشکال ندارد، ولی در صورتی که آن مکان وقف برای دفن اموات باشد، ایجاد مزاحمت برای دیگران در دفن امواتشان جایز نیست.

س 2110: ما قصد داریم که یک مرکز بهداشتی در قسمتی از زمین بآری که در جوار یکی از قبرستانهاست بسازیم، ولی بعضی از اهالی ادعا می‌کنند که این مکان جزئی از قبرستان است و برای مسئولین تشخیص اینکه زمین مذکور قبرستان هست یا خیر مشکل شده و بعضی از سالمندان آن منطقه شهادت می‌دهند که در آن زمینی که عده‌ای مدعی وجود قبر در آن هستند، قبری وجود نداشته است، البته هر دو گروه شهادت می‌دهند که در اطراف زمینی که برای ساخت مرکز بهداشتی در نظر گرفته شده قبر وجود دارد، تکلیف ما چیست؟

تا زمانی که احراز نشود آن زمین وقف برای دفن اموات مسلمانان است و زمین مزبور از مکانهای عمومی مورد نیاز اهالی در مناسبتها نباشد و ساخت مرکز بهداشتی در آن هم مستلزم نبش قبر و هتک حرمت قبور مؤمنین نباشد، ایجاد آن مرکز در زمین مزبور اشکال ندارد و در غیر این صورت جایز نیست.

س 2111: آیا جایز است قسمتی از قبرستان که هنوز مرده‌ای در آن دفن نشده و خود قبرستان هم وسیع است و کیفیت وقف آن هم بطور دقیق معلوم نیست، برای استفاده در مصالح عمومی مانند ساخت مسجد یا مراکز بهداشتی برای فرزندان منطقه اجاره داده شود. به این شرط که پول اجاره به نفع خود قبرستان استفاده شود؟ (قابل ذکر است که این منطقه به علت عدم وجود زمین خالی برای ساخت مراکز خدماتی در آن، نیاز به این قبیل خدمات دارد.)

اگر زمین به صورت وقف انتفاع برای خصوص دفن اموات در آن وقف شده باشد، اجاره دادن و استفاده از آن برای ساخت مسجد یا مرکز بهداشتی یا غیره در آن جایز نیست، ولی اگر از قرائن ثابت نشود

که آن زمین برای دفن اموات وقف شده و از مکانهای عمومی و مورد نیاز منطقه برای استفاده اهالی جهت دفن اموات و مانند آن نباشد و خالی از قبر هم باشد و مالک خاصی هم برای آن شناخته نشود، در این صورت انتفاع از آن در مصلحتی از مصالح عمومی اهالی منطقه اشکال ندارد.

س 2112: وزارت نیرو در نظر دارد چند سد آبی و تولید کننده برق بسازد که از جمله آنها سدّی در مسیر رود کارون برای ایجاد نیروگاه برق است، تأسیسات اولیه طرح، ایجاد شده و هزینه‌های آن هم تأمین شده است ولی در مرکز منطقه طرح، یک قبرستان قدیمی وجود دارد که قبرهای نسبتاً قدیمی و قبرهای جدید در آن وجود دارد و اجرای طرح هم متوقف بر تخریب این قبور است، حکم این مسئله چیست؟

تخریب قبور قدیمی که جسدهای موجود در آنها تبدیل به خاک شده‌اند اشکال ندارد، ولی تخریب و نبش قبور غیر مندرس و آشکار کردن جسدهایی که هنوز تبدیل به خاک نشده‌اند، جایز نیست، البته اگر اجرای طرحهای تولید برق در آن مکان ضرورت اقتصادی و اجتماعی داشته باشد بطوری که چاره‌ای جز اجرای آنها نباشد و انتقال از آن مکان به مکان دیگر یا انحراف از قبرستان، کار سخت و مشکل و یا طاقت فرسایي باشد، ایجاد سدّ در آن مکان اشکال ندارد، ولی واجب است قبرهایی که تبدیل به خاک نشده‌اند با پرهیز از تحقق نبش قبر به مکان دیگری انتقال داده شوند هر چند با کندن خاک موجود در اطراف قبر و انتقال آن به مکان دیگر بدون تحقق نبش قبر باشد و اگر در اثناء کار، جسدی آشکار شود واجب است به مکان دیگری انتقال یابد و در آنجا دفن شود.

س 2113: زمینی در کنار یکی از قبرستانها وجود دارد که هیچ اثری از قبر در آن دیده نمی‌شود و احتمال دارد که یک قبرستان قدیمی باشد، آیا تصرف در این زمین و ساختمان سازی در آن برای فعالیتهای اجتماعی جایز است؟

اگر احراز شود آن زمین، جزئی از قبرستان عمومی موقوفه برای دفن اموات است و یا از نظر عرف حریم آن محسوب شود حکم قبرستان را دارد و تصرف در آن جایز نیست.

س 2114: آیا جایز است انسان در دوران حیات خود قبری را به قصد تملک بخرد؟

اگر مکان قبر، ملک شرعی دیگری باشد خریدن آن اشکال ندارد ولی اگر جزئی از زمینی باشد که وقف برای دفن اموات مؤمنین است، خرید و نگهداری آن برای خود انسان، چون بطور قهري مستلزم منع دیگران از تصرف در آن برای دفن اموات است، صحیح نیست.

س 2115: اگر ایجاد پیاده‌رو در یکی از خیابانها متوقف بر تخریب تعدادی از قبور مؤمنینی باشد که قبل از بیست سال پیش در قبرستان مجاور خیابان عمومی دفن شده‌اند، آیا این کار جایز است؟

اگر قبرستان مذکور وقف نباشد تبدیل قبور به عنوان محل عبور افراد پیاده تا زمانی که مستلزم نبش قبور مسلمانان و هتک حرمت آنها نباشد، اشکال ندارد.

س 2116: قبرستان متروکی در وسط شهر وجود دارد که وقفیت آن معلوم نیست، آیا ساخت مسجد در آن جایز است؟

اگر قبرستان مذکور زمین وقفی و ملک خصوصی کسی نبوده و همچنین از مکانهای عمومی و مورد نیاز و استفاده اهالی در مناسبتها نیز نباشد و ساخت مسجد هم در آن موجب هتک یا نبش قبرهای مسلمانان نشود، اشکال ندارد.

س 2117: قطعه زميني وجود دارد که تقريباً از صد سال پيش تاکنون قبرستان عمومي بوده و چند سال پيش در عمليات حفاري چند قبر در آن مشاهده شده و بعد از عمليات حفاري و بردن خاکها بعضي از قبرها آشکار شده‌اند و استخوان هم در داخل آن ديده شده، آيا جاز است شهرداري اين زمين رابفروشد؟

اگر قبرستان مزبور وقف باشد، خريد و فروش آن جاز نيست و به هر حال اگر عمليات حفاري موجب نبش قبور شود، آن هم حرام است.

س 2118: وزارت آموزش و پرورش قسمتي از يک قبرستان نسبتاً قديمي را بدون کسب موافقت اهالي، براي ساخت مدرسه، تصرف کرده و مدرسه‌اي را در آن ساخته است که دانش‌آموزان در آن نماز مي‌خوانند، اين کار چه حکمي دارد؟

تا زماني که دليل معتبري بر اينکه زمين مدرسه براي دفن اموات وقف شده، اقامه نشده است و از مکانهاي عمومي و مورد نياز شهر براي دفن اموات و غيره و همچنين ملک خصوصي کسي نباشد، استفاده از آن براي مدرسه و خواندن نماز در آن با مراعات ضوابط و مقررات قانوني اشکال ندارد.